جلد هفتم

تفسیر جامع

از انتشارات

کتابخانه صدر

تهران: ناصر خسرو پاساژ مجیدی

تلفن ۳۹۷۶۹۶

جلد هفتم

تفسیر جامع

جمع آوری شده از تفاسیر ائمه و کتب اخبار معتبره

بقلم دانشمند معظم استاد علامه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

آقای حاج سید ابراهیم بروجردی

حق چاپ محفوظ ومخصوص مؤلف است

از انتشارات کتابخانه صدر

طهران - خیابان ناصرخسرو

بسم الله الرحمن الرحیم

ستایش پروردگاری را سزا است که جهان هستی را از کتم عدم بعرصه وجود درآورد وراه ورسم سعادت را به بندگان بیاموخت وبرای نجات و کامیابی بشر کتاب و راهنمائی فرستاد تا مانع انحرافات و مظالم آنان شده و آنها را بر اساس دستورات مقدسه بخیر وصلاح دعوت کند ودرود بی پایان بر سرسلسله رسل وعقل کل هادی سبل خاتم پیغمبران محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم وبر آل اطهار و اوصیاء ابرارش که والیان امر و حجج پروردگار و امناء رحمن و کنوز اسرار وحی و مترجم قرآن ومدائن علم ومدارج دانش وعرفانند ولعنت دائمی وعذاب سرمدی بر معاندین ومخالفین ایشان باد که جرثومه ظلم وجور واهل بدعت و کفر و طغیانند.

و بعد نخست نکته‌ای که لازم است تذکر داد آنستکه تفسیر قرآن فقط مخصوص و ویژه اهل بیت است که معدن وحی و تنزیل و تالی تلو قرآن هستند وتألیف تفسیر وتدوین حدیث از خامه شروع شد وشیعیان اول کسانی بودند که اهتمام بکتابت تفسیر وتدوین حدیث نموده و مبتکر این اساس شده و یاد دیگران دادند و قدر و ارزش آثار مقدسه اسلام و مآثر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را شیعیان نیکوتر دانسته وبهتر از هر فرقه وبیش از هر کس بآن اهتمام نمودند عامه و اهل تسنن در آغاز اسلام اعتناء و عنایتی به تفسیر قرآن و تدوین حدیث نداشتند چه

گمان میکردند تدوین حدیث و تفسیر قرآن جایز نیست ازاین جهة عقب ماندند چنانکه طبری نقل نموده که عمر همیشه میگفت قرآن را تجرید و آنرا تفسیر مکنید و از پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله حدیث نقل نکنید که من شریك شمایم و اکیداً قدغن کرد کسی حدیث وتفسیر ازپیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله باز گو نکند ونیزروایت کرده که بابی‌هریره دوسی گفت حدیث ونقل گفتارازپیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله را واگذار وگرنه تورا بسرزمین دوس روانه خواهم کرد.

و ابن کثیر در تاریخ خود نقل نموده که عمر بکعب‌احبار گفت حدیث از پیغمبرخدا را واگذار وگرنه تورا بسرزمین قرده وبوزینگان روانه خواهم کرد.

وحاکم که یکی ازعلماء عامه است درمستدرك خود روایت کرده که عمر به ابن‌مسعود و ابودرداء و اباذر گفت تفسیر قرآن و نقل نمودن حدیث از پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله چیست وچه معنا دارد؟ وآن سه نفر را در مدینه حبس نمودبخاطر آنکه تفسیر قرآن ونقل‌حدیث ازرسول‌خدا مینمودند ودرحبس بودند تاعمر کشته شد واین مطلب را علماء دیگراز عامه نیز بیان‌نموده‌اندوهمین معامله را باابوموسی اشعری انجام داد با آنکه اونزد عمر مقرب و عادل بود.

و ابن کثیر از ابی‌هریره روایت کرده گفت ما توانائی نداشتیم حدیثی از رسول‌خدا نقل نمائیم وبگوئیم پیغمبرچنین فرموده تا عمر جان داد ومیگفت اگر شما اصحاب تفسیر قرآن یا حدیث از رسول‌خدا نقل‌کنید همانا تفسیر و احادیث مخلوط ویامشتبه بقرآن خواهد شدومن نخواهم گذاشت بکتاب‌خدا چیزی‌مخلوط ویا مشتبه شود.

و از آثار ناپسند این روش آن شد که گفتار وتفسیر و حدیث رسول‌خدا در میان مسلمانان متروك وفراموش شد و این سیره عمر ضربت مهلکی بر امت‌اسلام و برتعالیم و شرف وتقدم و تعالی مسلمین بود و این سیره ناروا بیش از یکصد سال عامه مسلمین را از تدوین حدیث و تفسیرقرآن عقب انداخت تا عمربن عبدالعزیز در عصرخلافت خود فرمانی متحدالمآل در این باره صادر کرد ولی بعد ازصد سال

خاموشی دیگر سخنان پیغمبر خدا ازیادشان رفته بود- بسکه خاموش نشستم سخن از یادم رفت - سپس اول کسی که از عامه تفسیر قرآن را بصورت کتاب درآورد مجاهد بود (درسال ۱۰٤ هجری) پس از آن واقدی متوفی درسال (۲۰۷ هجری) وطبری متوفی درسال (۳۱۰ هجری) اینها چون اعتقادی بامامت و ولایت خاندان نبوت نداشتند تا از روی گفتار وفرموده‌های ائمه که سرچشمه فیض ومعدن وحی وتنزیل هستند تفسیر قرآن را فرا گیرند پس مطابق احساسات وفطرت عادی خود خواستند چیزی از آیات قرآن و رازهای آفرینش را بدانند ناچار شدند از یهود و نصرانیهائیکه در میان عربها بودند سئوال نمایند و آنها بیشتر از طوایف حمیر مقیم یمن بودند و پس از ظهور اسلام گرچه مسلمان شدند وباحکام اسلام عمل مینمودند ولی افکار واخباری را که کتبی وشفاهی ازیهود فرا گرفته بودند همچنان نگاه میداشتند و هر گاه عربها از آنان چیزی سئوال میکردند بدون تحقیق از روی مندرجات کتاب توراة و عهد عتیق پاسخ آنها را میدادند و باین ترتیب کتب تفسیر عامه از همان منقولات یهود انباشته شد و گذشته از مفسرین یهود ازمیان تازه مسلمانان مسیحیان و صائبیان و زردشتیان نیز عده‌ای مفسر برخاستند که بعضی از ایشان درنظر عامه مسلمین مقام بلندی پیدا کردند وآنچه را که مسلمانان از آنها سئوال مینمودند مطابق اطلاعات و معلومات خود پاسخ میدادند معروف‌ترین آنها وهب بن منبه است که اصلش ایرانی است و مذهبش زردشتی بوده با هیئتی از طرف پادشاه ایران بجهة همراهی ومعاونت فرمانروای یمن بر ضد پادشاه حبشه به یمن آمدند این عده از ایرانیان در یمن اقامت کردند وتوالد وتناسل نمودند عربها آنها را ابناء (فرزندان) فارس میخواندند طاوس کیسان که یکی ازتابعین مشهور است ازهمان طایفه میباشد پدران وهب بن منبه زردشتی بودند همینکه به یمن آمدند با یهود یمن خلط و آمیزش کردند و از عادات و رسوم یهود مطالبی فرا گرفتند سپس با حبشیان مسیحی معاشرت نمودند و ازآنها چیزهائي فرا گرفتند وهب بن منبه علاوه براین معلومات زبان یونانی هم میدانست وطبعاً از آداب ورسوم یونانی‌ها نیز مطلع بود

در نتیجه اطلاعات وسیعی از اوضاع دنیا و تاریخ انبیاء وسلاطین وغیره بدست آورده بود چنانکه خود او مدعی بود که هفتاد و دو کتاب آسمانی را مطالعه کرده است بدیهی است که عامه مردم بچنین کسی اعتماد بسیار داشتند وهرچه میخواستند از او میپرسیدند و اوهم بواسطه معلومات وسیع خود جوابهای مناسبی بآنان میداد از اینجهة تفاسیر عامه مطالب نادرست بسیار دارد و آنچه را میان یهود و نصاری ومجوس و سایر ادیان در جزیرة العرب شایع بوده جزء تفاسیر عامه درآمده است همانطوری که بسیاری از عادات ورسوم بت‌پرستی جزو مسیحیت درآمد خلاصه همینکه کتب فلسفه و منطق بزبان عربی انتقال یافت و عامه مردم و مسلمانان باستدلال و قیاس و اجتهاد آشنا شدند در مندرجات تفاسیر متقدمین تجدید نظر کردند و باعتقاد خودشان آنچه را که مخالف عقل و منطق بود حذف نمودند چنانکه ابن‌عطیه و قرطبی وجارالله زمخشری صاحب تفسیر کشاف مطالب مخالف منطق وعقل را از تفاسیر اولیه حذف نمودند واینان نیز چون در صدد فهم معانی قرآن برآمدند طبعاً بگفته‌های رسول خدا احتیاج پیدا کردند تا با فهم احادیث نبوی معانی قرآن را درك كنند وچون منکر ولایت و امامت بودند بخاندان نبوت و احادیث وارده از آن بزرگواران رجوع ننمودند احادیث و گفتاررسول خدا را از طریق صحابه گرفتند و بدیهی‌است میان صحابه اشخاص منافق وجاه‌طلب بسیار بود و بسیاری هم از ایشان طالب ریاست و خلافت بودند و هر دسته‌ای بطرفداری سردسته خود دنبال دلیل‌تراشی رفته بود و دلایل خود را با احادیث مجعوله تحکیم می‌نمود ودرنتیجه جعل‌حدیث میان عامه معمول شد وهرج ومرج راه‌یافت و شگفت نیست که طمع کاران برای جلب منافع خصوصی ازخود حدیث بسازند چنانکه‌عایشه حدیثی جعل کرد و گفت پیغمبرا کرم صلی‌الله‌علیه‌وآله میفرمود ازما جماعت پیغمبران درهم ودینار ارث برده نمیشود واین را مستمسك قرار دادند وحق وفدك حضرت زهرا (ع) را غصب نموده و از دستش گرفتند و مانند این حدیث بسیار است ومطابق گفته و نوشته‌های اهل تحقیق مشهورترین کسانیکه درحدیث‌سازی

افراط کردند چهار نفر بودند ۱ ـ ابن‌یحیی درمدینه ۲ ـ واقدی در بغداد ۳. مقاتل ابن سلیمان درخراسان ٤ـ محمد بن سعید درشام گاهی از اوقات حدیث‌سازان بگناه خویش اعتراف میکردندچنانکه درسال ۱۵۳ هجری‌چون محمدبن‌سلیمان والی کوفه فرمان قتل ابن ابوالعوجا راکه حدیث ساز بود صادر کرد وی گفت حال که مرا بقتل میرسانید بدانید که چهار هزار حدیث ساخته وپرداخته‌ام و بدانوسیله حرام شما را حلال وحلال شما را حرام کردم و با آن احادیث‌روزه خود را گشودید و بی‌جهة روزه گرفتید دیگر حدیث سازان مشهور احمد جویباری ـ و ابن‌عکاشه کرمانی ـ و ابن تمیم فریابی‌است بطوریکه ابن‌سهل سری میگوید اینان ده هزار حدیث از پیش خود جعل کردند .

در کافی باب اختلاف حدیث از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده گفت حضور امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کردم فدایت گردم از سلمان و مقداد و ابی‌ذر چیزهائی از تفسیر قرآن و احادیث رسول خدا میشنوم که مغایرت دارد با آنچه که در دست مردم است و از شما تصدیق گفتار سلمان و مقداد و ابی‌ذر را میشنوم پس ازآن بسیاری‌از تفسیرقرآن و احادیث پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را از مردم میشنوم وتمام آنها مخالف فرموده‌ای شما است آیا آن تفاسیر و احادیث باطل است وآیا آن مردم افتری می‌بندند برسول خدا و قرآن را بهوا و رأی خود تفسیر میکنند و به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عمدا دروغ نسبت میدهند آنحضرت فرمود ای سلیم بن قیس سئوالی‌نمودی جواب آنرا نیکو بفهم بدانکه احادیث وتفاسیری که دردست مردم است مخلوط است ازحق وباطل، راست ودروغ ، ناسخ و منسوخ،عام وخاص محکم و متشابه ، حقیقت و گمان همانا در حیوة رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بحضرتش دروغهائی نسبت دادند بطوری که روزی بالای منبر تشریف برد پس از قرائت خطبه فرمود ای مردم چه شده است که این اندازه بمن نسبت دروغ میدهید و از قول من دروغهائی جعل میکنید بدانید هر کس عمدا بمن دروغ به بندد جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود ، و پس از رحلتش نیز دروغهای بسیاری بحضرتش

نسبت دادند ای سلیم بن قیس حدیثی که میشنوید و بدست شما میرسد از چهار بخش بیرون نیست و پنجمی ندارد - ۱ - حدیث کننده مردیست منافق در ظاهر مؤمن است و اظهار قدس و مسلمانی میکند و عمداً برسول خدا دروغ می بندد ؛ اگر مردم بدانند آنشخص منافق و بدروغگو است هرگز سخن وحدیث او را قبول نمیکنند ونمی پذیرند ولی بخاطر آنکه پیغمبر اکرم را دیده وفرمایش حضرتش را شنیده حدیث او را قبول میکنند بدون آنکه خودش را بشناسند و آگاه شوند از نفاقش پروردگار توصیف میفرماید منافقین را وبیان میکند شرح حال آنها را در قرآن سوره منافقین آیه ٤ میفرماید ایرسول ما تو چون اجسام واشکال صوری منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهری ایشان تو را بشگفت آورد چنانچه سخن گویند بسخنهای آنها گوش فراخواهی داد ولی در باطن گویا مانند چوب خشك هستند بر دیوار هر صدائی بشنوند به زیان خویش پندارند ایرسول ما دشمنان حقیقی دین و ایمان اینان هستند بر حذر باش از ایشان خدا آنها را بکشد بمکر و حیله از حق بکجا باز میگردند آن صحابه منافقین پس از رحلت رسول خدا بواسطه کذب ودروغ وبهتان نزد پیشوایان باطل و گمراه مقرب شدند ، آن پیشوایان منافقین را عمّال خود قرار داده وبر گردن مردم سوار کردند وبوسیله ایشان بمال وحطام دنیا رسیدند و مردم تابع پادشاهان واموال دنیا هستند مگر کسانیکه خداوند ایشان را بلطف وعنایت خود نگاه میدارد و حفظ میفرماید - ۲ - حدیث کننده کسی است که چیزی از پیغمبر خدا شنیده است ولی آنطور که باید وشاید فرمایش حضرتش را درك نکرده ونفهمیده، وعمداً نسبت دروغ به پیغمبر نمیدهد اگر مردم بدانند این شخص فرمایش رسول خدا را نفهمیده از او قبول نمیکنند وچنانچه خود او هم بداند اشتباه کرده حدیث نمیکند ۳ - مردی است که از رسول خدا شنید که امر فرمود بچیزی پس از آن نهی کرد از آن چیز این شخص نهی حضرتش را ندانست حفظ نمود حکم منسوخ را ورها کرد ناسخ آن را اگر میدانست این امر منسوخ شده هر

گز آن را نقل نمینمود و چنانچه مسلمانان میدانستند حدیثیکه او نقل کرده منسوخ شده ونباید بآن عمل کرد آنحدیث را رها میکردند و گوش بسخنان آن شخص نمیدادند ٤ - مردی حدیث میکند از رسول خدا وهرگزنسبت دروغ بحضرتش نمیدهد واز خدا ورسولش میترسد و دروغ و کذب نزد او مبغوض است وسخنان پیغمبرا کرم ﷺ را نیکو فهمیده وحفظ‌نموده آنطوریکه سزاواراست بداند وحفظ نماید وچیزی بر فرمایشاتش افزوده و کم نکرده ناسخ و منسوخ را میداند عمل بناسخ میکند ومنسوخ را رها کرده چنین مردی سزاوار است حدیث او را قبول نمود چه فرموده‌های پیغمبر ﷺ مانند قرآن ناسخ ومنسوخ وخاص وعام ومحکم ومتشابه دارد پروردگار فرمود آنچه را رسول خدا امر فرمود عمل کنید وهر چه را نهی کرده رها نمائید پس کلام خدا و رسولش بر مردم مشتبه میشود نمیدانند چه اراده فرمودند باین کلام وچنین نیست تمام اصحاب هرچه از آن حضرت سؤال نمودند بدانند و بفهمند پاسخ سئوال خود را بعضی از اصحاب چیزی را پرسش میکردند ونمی فهمیدند ودوست داشتندعرب بیابانی بیاید حضور رسول خدا وچیزی سئوال کند تا آنها بشنوند من هر روز وهر شب وارد میشدم بر رسول خدا خلوت میکرد مجلس را واسرار را بمن میفرمود تمام اصحاب میدانند رسول خدا بجز من با کسی خلوت نمیکرد و بغیر من اسرار را بکسی نمیگفت بسیاری از اوقاتیکه بمنزل من تشریف میآورد آنچه را جبرئیل آورده بود برای من بیان میفرمود حسنین وفاطمه هم حضور داشتند و هنگامیکه بر حضرتش وارد میشدم امر میفرمود زنها از حضورش بیرون روند هر چه سئوال میکردم جواب میداد وچون ساکت میشدم حضرت ابتدا میفرمود بسخن گفتن نازل نشدبرسول خدا آیه ای مگر آنکه پیغمبرا کرم آن را بر من تلاوت می‌نمود وتفسیروا املاء میفرمود ومن آن را بخط خود مینوشتم وتأویل وتفسیر وناسخ ومنسوخ و محکم و متشابه وعام وخاص قرآن را بمن تعلیم نمود ودعا فرمود خداوند فهم تمام آنها را بمن عطا فرماید وترك نفرمود حضرتش آنچه را که خداوند تعلیم او نموده از

حلال وحرام وامر ونهی وحوادثات گذشته وآینده از اطاعت و نافرمانی مردم و عصیان آنها مگر آنکه تمام را بمن تعلیم فرمود وهر گز فراموش نکردم حرفی و کلمه ای از آنها را وفراموش نخواهم کرد حتی آن چیز هائی را که ننوشتم و فرمود من هر گز نمیترسم بر تو فراموشی را علاوه دست مبارك را بسینه من نهاد واز خداوند درخواست که مملو سازد قلبم را از دانش وفهم وحکمت ونور

واین حدیث عیناً همان خطبه‌ای است که در نهج البلاغه فرموده در پاسخ آن کسی که سئوال نمود از حضرتش راجع باحادیث بدع واختلاف خبر

واز تمام این بیانات دانسته شد که نمیشود به تفاسیر واحادیث عامه اعتماد نمود وبسیاری از آنها کذب وجعل است واگر گفته شوداین ملاك عینادراحادیث شیعه نیز موجود است چه در عصر هر امامی چند نفر حدیث ساز وجود داشته‌اند چنانکه حضرت صادق عليه السلام بحریز فرمود همیشه در میان اهل کوفه دروغگویان وحدیث سازانی بوده‌اند مغیرة بن سعید به پدرم دروغ می‌بست واحادیثی میساخت وآنها را به پدرم نسبت میداد وابو الخطاب احادیث دروغی بمن نسبت میدهد و میگوید من اصحاب را امر کردم که نماز مغرب را بجا نیاورند تا ستارگان‌ظاهر شوند دروغ میگوید آنملعون ودرحدیث دیگر فرمود اصحاب مغیره بطور ناشناس وارد میشدند میان اصحاب پدرم و کتب آنها را میگرفتند به مغیره میدادند آن ملعون احادیثی از کفر وزندقه جعل مینمود و مخلوط میکرد به احادیث پدرم و نسبت میداد آنها را بحضرتش و باصحاب خود میگفت این احادیث مجعوله را انتشار دهید میان شیعیان پس هر حدیث که در کفر و زندقه مشاهده کردید در کتب‌اصحاب بدانیدآن از ساخته گیهای مغیره وهمانند اواست

جواب گوئیم احادیث شیعه بطور مسلم با احادیث عامه فرق بسیاری دارد زیرا علماء عظام عمری شب زنده‌داری کردند وبدنهای خود را فرسودند و مشقت وزحمتها کشیدند در تصحیح احادیث شیعه تا منقح نمودند آنها را وجدا کردند حق را از باطل ، ومجعول وصاف آن را از هر شبهه‌و کجی و ناصافی و تمیز دادند

ساخته گی‌ها را از غیر آن وروشن نمودند آن احادیث‌را مانند روشن شدن صبح‌از تاریکی وظلمت شب وعادت قد ماء واصحاب معاصرین ائمه تا زمان مؤلفین کتب اربعه که بیش از سیصد سال است آن بود که ضبط مینمودند احادیث را و مدون میکردند آنها را در حضور ائمه معصومین و بدون توقف و تامل آنچه را از امام میشنیدند مینوشتند از ترس سهو وفراموشي سپس آن نوشته ها را عرضه‌میداشتند بر امام وبصورت کتاب درمیآوردند وآن را اصل مینامیدند ، چنانکه‌سلیم بن قیس هلالی در عصر امیر المؤمنین علیه‌السلام مبتکر این موضوع شد و اصل سلیم معروف و مشهور است ودر زمان هر یك از ائمه جمعي مشغول بنوشتن وجمع آوری احادیث شدند و کتاب اصلی فراهم نمودند تا نوبت باصحاب حضرت صادق علیه‌السلام رسید چهارصد نفر از آنها چهارصد کتاب نوشتند ومعروف ومشهورشد باصول اربعمائه وحلال نمیدانستند نوشتن حدیثی را که قطع بصحت آن نداشتند چنانکه کتاب عبیدالله بن علی حلبی را به حضرت صادق علیه‌السلام عرضه داشتند تصدیق فرمود آن را و کتاب یونس بن عبدالرحمن و اصل فضل بن شاذان را بحضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام عرضه داشتندتصدیق نمود وتمجید فرمودمؤلفین آنهارا ودأب وعادت ائمه معصومین آن‌بود آگاه‌میکردندشیعیان‌را بر احوال دروغگویان وامر میفرمودند که‌اجتناب‌ودوری بجویند‌از آنهاوعرضه‌بدارند‌احادیث‌ایشان‌را بر قرآن وسنت‌نبویه ورها کنندآنچه‌را که‌مخالف باقرآن‌وسنت‌است . کشي‌در کتاب‌رجال‌از محمد‌بن عیسی بن‌عبید‌نقل‌نموده گفت‌نزد یونس بن عبدالرحمن بودم‌بعضی ازاصحاب‌ازاو سئوال کردند ای ابا محمد چرا این قدر سخت گیری میکنی در احادیث و انکار مینمائی بعضی از احادیث را که اصحاب ما امامیه روایت کرده‌اند جواب داد از هشام بن حکم شنیدم که حضرت صادق علیه‌السلام فرموده قبول‌نکنید‌حدیثی را مگر آنکه موافق قرآن وسنت باشد ویا شاهدی بیابیدبر آن از احادیث متقدمه ما چه مغیرة‌بن‌سعید تصرف کرده در کتب اصحاب پدرم واحادیثی جعل نموده وداخل آنها کرده‌شما اصحاب قبول نکنید حدیثی را که مخالف فرموده‌پرورده گار و رسولش‌میباشدپس

از آن یونس گفت من بعراق مسافرت کردم در آنجا جمعی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام وحضرت صادق علیه السلام را دیدم احادیثی از ایشان شنیدم وازروی کتبشان استنساخ کردم وآنها را به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم آنحضرت بسیاری از آن احادیث‌را ردنمود وفرموداینهارا آن بزرگوار نفرموده‌اند ، ابا الخطاب ملعون این احادیث را بآن حضرت نسبت داده تا امروز تا بعین آن ملعون احادیثی جعل میکنند ومخلوط مینمایند بکتب اصحاب ما ،قبول نکنید حدیثی را که مخالف با قرآن‌وسنت است همیشه احادیث ما مطابق با قرآن وموافق با سنت میباشد زیراما ائمه از خدا ورسولش حدیث میگوئیم وهرگز نمیگوئیم فلان و فلان چنین گفته اند تا کلمات ما ائمه با هم تناقض داشته باشد بدانید کلام آخر ما مانند کلام اول ما میباشد و گفتار اول ما مصداق گفتار آخر ما است هر حدیثی بخلاف این بشما اصحاب رسیدآن‌را بصاحبش بر گردانید که او اولی‌است باین حدیث وبدانید از برای گفتار ما حقیقت ونوریست و کلامی که حقیقت ونور از برای آن‌نیست آن کلام گفتار شیطان است - تمام قدما و اصحاب مانند یونس احتیاط میکردند در احادیث چه ائمه بخاطر اطمینان امر فرموده‌بودند باصحاب‌عرضه‌بدارنداحادیث را بقرآن و سنت تا مجعول و کاذب معلوم گردد آیا با این کوشش و جدیت‌ائمه مطابق عقل سلیم و طبع مستقیم جایزاست‌چنین مردان بزرگ وثقه و امین‌حلال بدانند نقل حدیثی که‌اطمینان بصدق وصحت آن ندارند و اعتمادی بر حقیقتش نیست بطور مسلم عادت آنها این بود که درمصنفات‌و کتب‌خودشان ذکرنمیکردند مگر آنحدیثی را که یقین وقطع‌داشتند در صحت‌آن وصحتش مانند آفتاب روشن بود ودأب وعادت ائمه هم چنین بوده در هدایت شیعیان و آگاه نمودند آنها را بر تمام آنچه‌در شریعت از تغییروتحریف‌واقع شده و خواهد شد زیرا آن بزرگواران حامل و حافظ و ضابط شریعت هستند و برای ایشان اصحاب خاص و نوابی از ثقات بود که اسرار احکام را بآنها یاد دادند و آگاه کردند .آنان‌رابرمشکلات و تمام حلال و حرام خداوند خلاصه با نظر کردن در کتب رجال و مصنفات قدما

یقین حاصل میشود برای شخص متدین که تمام احادیث مضبوطه در کتب معتبره صحیح و خالص شده از هر غل و غشی و مانند احادیث عامه نیست، ومقتضای حکمت پروردگار و شفقت ائمه معصومین بر شیعیان خود مانع است از آنکه آنان را در حال ضلالت و گمراهی بگذارند و طریق روشنی بیان نفرمایند تا صدق از کذب تمیز داده شود آن بزرگواران هدایت کردند شیعیان را براه راست و ترسانیدند آنها را از مداخله دادن کسانیکه در دین بدعتی گذاشتند ومعرفی کردندحدیث سازان و بدعت گذاران را بعینه وشخصه وفرمودند از آنها دوری بجوئیدومجالست نکنید با ایشان چنانکه در باره فارس بن حاتم قزوینی و حسن بن محمد بن بابا ومحمد بن نصیر نمیری و ابی طاهر بن محمد بن علی بن بلال و احمد بن هلال و حسین بن منصور حلاج و ابن ابی عزا فروایی دلف وبسیاری دیگر از کسانیکه خود راشیعه میدانستند و سخنانی چند در غلو و اباحه و تناسخ و گفتارشنیع از آنها ظاهر شد از ناحیه مقدس امام زمان روحی وارواح العالمین له الفداء توقیعاتی بر لعن و کفر وبیزاری‌جستن از ایشان صادر شد و تمام آنها را شیخ در کتاب غیبت و کشی در رجال بیان نمودند

و اصحاب ائمه نهایت اهتمام را مینمودند و بمجرد تهمت‌از اشخاص اجتناب میکردند چنانکه احمد بن‌محمد بن عیسی بخاطر طعنیکه قمیون باحمد بن خالد برقی زدند امر کرد او را از قم اخراج کردند و چون آشکار شد مبرا بودن او از آن تهمت بر گردانید احمد را بقم و هنگام وفاتش با پای پیاده از جنازه او تشییع‌نمود تا مردم بدانند منزه بوده از تهمتیکه باو زدندو همین معامله را باسهل بن زیاد آدمی بجا آورد و منع کرد مردم را از آنکه حدیثی از سهل بشنوند و روایت کنند و مثل آنکه محمد بن حسن ولید منع کرد مردم را از جمله‌ای روات که حدیث از ایشان بشنوند و روایت کنند و از آنها بود محمد بن یحیی‌اشعری که جمعی از روات‌را در سلك ضعیفان شمردند ونسبت کذب و افترا بایشان‌دادند و آگاه نمودند مردم را بحال آنان مانندمحمد بن علی صیرفی ابن سمیه و محمد بن‌سنان

و یونس بن ظبیان و یزید صایغ و غیر اینها که در کتب رجال شرح ایشان را داده‌اند .

و دیگر آنکه ائمه معصومین علیهم السلام امر و تاکید فرمودند اصحاب و شیعیان را بر کتابت احادیث و هدایت کردند آنها را در امور و احکام دین براویان احادیث و کتب ایشان و اگردرمیان کتب و احادیث شیعه حدیث مجعول مانند کتب عامه یافت میشد همانا رجوع دادن بکتب اصحاب و رواة موردی نداشت چه سبب گمراهی شیعیان میشد و هرگز ائمه شیعیان خود را براه ضلالت و گمراهی سوق نمیدهند

شیخ طوسی از حذیفة بن منصور روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود بشناسید رتبه ومنزلت شیعیان مارا بمقدار روایاتیکه ازما نقل میکنند ، و در حدیث دیگر باحمد بن حماد مروزی محمودی فرمود بشناسید مراتب شیعیان مارا باندازه نیکوئی و نقل نمودن حدیث ازما اهل بیت همانا ما کسی‌را در زمره فقهاء محسوب نمیداریم مگر آنکه محدث باشد عرض کردند حضورش آیا مؤمن محدث میباشد فرمود مؤمن مفهم است و مفهم همان محدث میباشد

و از علی بن حنظله روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود قدر و منزلت مردم را بشناسید باندازه‌ایکه از ما حدیث نقل مینمایند

و در محاسن ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمودسو گند بخداحدیثیکه از شخص صادق در حلال و حرام بتو برسد بهتر است از آنچه آفتاب بر آن‌طلوع و غروب میکند ، در کافی از ابی بصیر روایت کرده گفت حضرت بمن فرمود احادیث ما را که میشنوید بنویسید چه شما نمیتوانید آنها را حفظ نمائید مگر بنوشتن . بمفضل

و بمفضل بن عمر فرموداحادیث ما را بنویس و نشر کن آنها را میان‌شیعیان و اگر وفات نمودی ارث بگذار کتب احادیث ما را برای فرزندانت چه بعد ازاین زمان حرجی خواهد بود مردم در آن زمان انس نمیگیرند مگر با کتابهای

خود شان .

و از عبید بن زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود کتب احادیث خود را حفظ نمائید چه شما جماعت شیعیان بعد از این محتاج بآنها خواهید شد .

و از حسین بن احمسی روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام میفرمود قلب خاطر جمع میشود بر نوشتن احادیث

شیخ بهائی روایت کرده که مردی از انصار حضور رسول خدا عرض کرد من حدیث را میشنوم ولی نمیتوانم آن را حفظ کنم فرمود باو بنویس آن را بدست راست خود و اعانت بجو بسبب نوشتن از برای حفظ کردن

و در سرائر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که باصحاب میفرمود مقید کنید علم خود را بنوشتن

و خلاصه ائمه اطهار فرو گذار نکردند درباره آنچه شیعیان بدان محتاجند و بطور واضح و آشکار بیان فرمودند تکالیف مردم را در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه چنانکه طبرسی در احتجاج و ابن بابویه در اکمال الدین و کلینی در کافی از اسحق بن یعقوب روایت کرده‌اند گفت نامه‌ای بتوسط محمد بن عثمان العمری حضور مولای خود صاحب الامر علیه السلام فرستادم و مسائلی چندپرسش کردم‌در جواب نامه‌توقیعی‌بخط صاحب الزمان علیه السلام بمن‌رسید در آن توقیع‌فرموده بودند در حوادثی که پیش آید برای شما شیعیان باید براویان احادیث مارجوع نمائید ایشان حجتهای من هستند برشما و من‌حجت خداوند میباشم ، ودردست‌خط دیگری که رسید فرموده بود عذری نیست‌برای کسی از دوستان ما که‌شك کنندر آنچه ثقات شیعیان از ما روایت میکنند

در کافی از عمر بن حنظله روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم دو نفر از اصحاب ماددردین یا میراث نزاعی دارند تکلیف چیست فرمود باید برای محاکمه و فصل خصومت نزد کسی بروید که‌حدیث مارا‌روایت

میکند وبحلال وحرام ما نظر مینماید واحکام مارا میداند پس راضی شوید بحکومت او من چنین کسی راحاکم برشما قرارداده‌ام اگراو بحکم ما حکم کند وزیر بار حکم او نروید و قبول حکم او نکنید استخفاف بحکم خداوند کرده‌اید و حکم مارا رد نموده‌اید ورد نمودن حکم ما رد نمودن حکم خداوند است و آن در ردیف شرك بخدا است

در کافی از ابی خدیجه روایت کرده گفت حضرت صادق ؏ فرمود هر گاه میان دو نفر از شیعیان در حقوق نزاعی هست مبادا نزد قاضیان جور بروید بلکه بروید نزد مردیکه دانا است باحکام ما وراوی حدیث است من او را بر شما قاضی قرار داده‌ام

کشی در کتاب رجال از سلیم بن ابی حیه روایت کرده گفت حضور حضرت صادق ؏ عرض کردم میخواهم از حضورتان مرخص شوم توشه‌ای بمن مرحمت بفرمائید فرمود برو نزد ابان بن تغلب احادیث بسیاری از من شنیده آنچه ابان برای تو روایت میکند از طرف من روایت کن آن را و حضرت باقر ؏ باابان فرمود برو در مسجد مدینه بنشین فتوی بده و حدیث بگو برای مردم من بسیار دوست دارم مشاهده کنم میان شیعیان اشخاصی که مانند تو هستند

و حضرت صادق ؏ به فیض مختار فرمود هر وقت خواستی حدیثی از احادیث ما را بشنوی برو نزد زرارة بن اعین و فرمود اگر زراره و امثال او نمی بود احادیث ما از بین میرفت و در حدیث دیگر فرمود زنده نکرد ذکر احادیث ما را مگر زراره و ابو بصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معویه عجلی اینان حفاظ دین خدا و امین پدر من هستند بر حلال و حرام خدا - و در حدیث دیگر فرمود جماعتی را پدرم امین بر حلال و حرام خدا قرار داد و آنها محل اسرار علم و دانش هستند خداوند بخاطر ایشان هر بدی را از مردم برطرف کند آنان در میان شیعیان مانند ستارگان هستند در حال حیوة وممات بواسطه ایشان هر بدعتی که در این دین گذارند بر طرف گردد و شبهه هر باطل غالی ازبین برود راوی

میگوید حضورش عرض کردم چه اشخاصی هستند آنان فرمود برید عجلی وزراره و ابو بصیر و محمد بن مسلم میباشند.

در کافی از عبدالله بن ابی یعفور روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم همیشه نمیتوانم شمارا زیارت کنم اصحاب نزد من میایند مسائلی سؤال میکنند جواب آنها راحاضر ندارم چه کنم فرمود از محمد بن مسلم سؤال کن او احادیث بسیاری از پدرم شنیده ونزداوشخص وجیهی بود ـ ودر جواب سؤال مفر فرقی (که گفت مسائل دین را آنچه نمیدانم از که پرسش کنم) فرمود از ابوبصیر ـ و در حدیث دیگر فرمود بشارت بدهید مخبتین را به بهشت و آنها بریدبن معویه عجلی وابوبصیر و محمد بن مسلم و زراره هستند امین خدا میباشند بر حرام و حلالش اگر ایشان نبودند آثار نبوت کهنه ومندرس میشد و ازبین میرفت ـ و نظایر این احادیث بسیار است و اگر بخواهیم تمام آنهارا ذکر کنیم چند مجلد میشود و از مجموع این احادیث بطور تواتر معنوی ظاهر میشود که بنای دین مبین و احکام مسلمین در زمان غیبت ولی عصر روحی وارواح العالمین له الفداء منوط و مربوط است بر احادیث اهل بیت و مراجعه نمودن بر راویان آنها در فتوی و استفتاء و حکم وقضاء و بهمین سبب امر میفرمودند اصحابرا بنوشتن احادیث و کتب برای زمان آینده و بطوریکه سابقاً بیان نمودیم اول کسیکه احادیث را نوشت و بصورت کتاب در آورد سلیم بن قیس هلالی ازاصحاب امیرالمؤمنین (ع) بودودر عصر هر امامی جمعی مشغول بودند بنوشتن و جمع آوری احادیث تا نوبت بعصر حضرت صادق (ع) رسید کاتبین زیاد شدند و معروفین اصحاب آن بزرگوار چهار صد کتاب در حضورش نوشتند که مشهور شد باصول اربعه مائه وائمه معصومین صحة آن اصول را تصدیق نمودند وبشیعیان امر وتأکید میفرمودند که در احکام وحوادث بآن کتب واصول مراجعه نمایند و نهی کردند شیعیان را از عمل کردن بقیاس و گمان و اجماع و اصول مخترعه عامه و بعد از آن جمعی از علماء امامیه شکر الله سعیهم پیدا شدند آن احادیث و کتب را مرتب و مبوب کردند برای سهولت مسلمین مانند صاحبان

کتب اربعه : شیخ کلینی صاحب کتاب کافی که در مدت بیست سال از روی کتب اصول اصحاب ائمه در زمان غیبت صغری حضور چهار نفر نایب خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالیٰ فرجه الشریف جمع و تدوین نمود و بنظر مبارك آن حضرت رسید و معروف است در تقریظ آن کتاب فرمودند :

(الکافی کاف لشیعتنا) کتاب کافی از برای شیعیان ما کافی است -۲- و صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق ابن بابویه همان کسی که بدعای امام زمان متولد شد و جلالت قدرش مشهور و معروف است در اطراف جهان ۳ - و شیخ طوسی صاحب کتاب تهذیب و استبصار و غیر اینها از صاحبان سایر کتب معتبره که تمام آنها از اصول اصحاب ائمه جمع آوری شده است مثل کتاب محاسن احمد برقی متوفی سال ۲۸۰ هجری و بصائر الدرجات سعد بن عبدالله قمی متوفی سال ۳۰۱ هجری و بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار و نظایر اینها و از جهة صحة و اعتبار آن کتب وجود مقدس امام زمان در حدیث سابق الذکر فرمود در حوادث واقعه رجوع نمائید بروایت کنندگان احادیث ما و ایشان را حجة خود قرار داد و فرمود رد کردن سخنان و گفتار و احادیث آنها رد نمودن سخنان و گفتار ما ائمه است و هر کس سخنان و گفتار ما ائمه را رد کند مشرك است با این وصف جمعی از دانشمند نمایان حدیثی که مخالف ذوق و سلیقه آنان باشد و یا بعقیدهٔ خودشان بحیثیت و استفاده آنها نزد عوام مردم زیان برساند خدشه و تکذیب کرده و گاهی از اوقات نعوذ بالله بساحت قدس امام و یا راوی آن احادیث جسارتها کرده و مردم عوام را بر علیه آن عالم و نقل کننده حدیث وا میدارند و توهین از آن شخص میکنند خداوند عموم مسلمانان را از شر این طایفه شرور که بسیارند در زمان ما محفوظ بدارد و از فتنه و وسوسه شیطان انسی و جنی حفظ فرماید بحرمت محمد (ص) واهل بیت گرامش .

نکته دیگر آنست که برای هریك از آیات قرآن مجید و هر جمله ای از کتاب پروردگار حمید ظاهریست و باطن تفسیریست و تاویل بلکه طبق اخبار

متواتره و احادیث مستفیضه هفتاد بطون و تاویلات میباشد و چنانکه ظواهر آیات قرآن در دعوت بتوحید و نبوت و رسالت خاتم النبیین وارد شده اکثر تاویلات و تنزیلات آن در فضل وشأن و جلالت وقدر و منزلت ائمه معصومین فرود آمده‌ولی متأسفانه مفسرین از ذکر و بیان تاویلات و تنزیلات چشم پوشیده و متعرض آنها نشده‌اند و در حقیقت آنچه واجب ولازم و مهم و جلیل بوده از بیان و توضیح آن خود داری کرده اند و از ذکرش مسامحه و غفلت ورزیده اند جز اندکی و شاید علل عدم تعرض و ذکر آنها یکی از جهات ذیل بوده : یاترسیده اند از مخالفین واز جهة تقیه بیان ننمودند ویا از کثرت ممارست با کتب وتفاسیر عامه والفت پیدا کردن باآنها غافل بودند واکتفا کردند در تفسیر بقول وگفتار مخالفین ویا توجه داشتند بآن ولی بخاطر رضا و دوستی باعامه و خوشنودی ایشان از خود متعرض تأویلات و تنزیلات که در فضائل و مناقب عترت رسول و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین نازل شده که بمنزله قطب از رحا است در قرآن ذکر و بیان نکردند ویا بضاعت و سرمایه علمیه ایشان اندك بوده و سخت و دشوار بود برآنها بدست‌آوردن احادیث وارده در بیان تاویلات و تنزیلات قرآن و جمع کردن آن‌در تفاسیر چه احادیث معتبره درکتب اصحاب و آثار و صحف علماء ابرارمتفرق و پراکنده است و جمع نمودن وبدست آوردن آنها ازکتب متفرقه بسی مشگل و دشواراست و بخواست پروردگار توفیق شامل حال ما شد بازحمت طاقت فرسا آن اخبارو آثار رااز کتب معتبره با پراکندگی ومتفرق بودن آنها جمع آوری نموده و ذیل‌هر آیه و بمناسبت هر جمله ازآیات قرآن که متضمن یك سلسله حقایق و معارف‌است بزبان ساده و پارسی روان و اسلوب‌نوین بیان نمودیم و این ابتکار را درمیان‌جامعه تشیع ودانشمندان ازخود بیادگار گذاشتیم وتکالیفی که‌در شریعت مقدسه اسلامیه‌بر عموم مکلفین مقرر شده ذیل آیات احکام طبق احادیث معتبره و فرموده ائمه معصومین شرح‌و بسط داده‌و معظم عبادات و فروع دین مبین را از روی فرموده‌های آن بزرگواران بیان نمودیم تا ناظرین و خوانندگان این تفسیر شریف احتیاج

بسایر کتب و رساله‌عملیه نداشته باشند وباخاطری آسوده وخیالی راحت واطمینان کامل طبق آن عمل نموده ورفتار کنند و بطور یقین تکالیف دینی خود را انجام‌داده وبری‌الذمه‌شوند چه مدارك آن‌احکام نص صریح و فرموده اهلبیت عصمت‌وطهارت است که اطاعت و فرمانبرداری از ایشان بنص آیات قرآن بر تمام مسلمین فرض‌و لازم شده از طرف پروردگار

در خاتمه تذکر می دهم که اخیراً جمعی از دوستان و مؤمنین و خوانندگان گرامی این تفسیر شریف از طهران و شهرستانها و خارج کشور اصرار و تقاضا و خواهش نمودند که احکام و عباداتی که در این تفسیر بیان نمودیم مجدداً و جداگانه بضمیمه احکام غیر عبادات وآنچه‌را از عبادات که‌بطور خلاصه بیان شده بصورت رساله عملیه شرح و بسط دهم و برای عمل در دسترس آنها و سایر مؤمنین بگذارم چون فرصت کافی ندارم لذا از انجام این تقاضا فعلا معذرت می‌خواهم از پروردگار عزت خواهانم که‌این خدمت ناقابل را قبول‌فرماید و منظور توجه و نظر اعلیحضرت ولی عصر روحی وارواح العالمین له الفداء واقع گردد و ذخیره‌ای بشود برای آخرت این بنده ضعیف ومارا جزء شیعیان خاص و خالص اهلبیت عصمت و طهارت محسوب بدارد و شفاعت آن بزرگواران را درحق ما پذیرفته و قبول فرماید و از لغزشهای گفتار و کردار محفوظمان بدارد آمین یا رب العالمین .

بسم الله الرحمن الرحيم

الرَّحْمٰنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيانَ (۴) اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدانِ (۶) وَالسَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْمِيزانَ (۷) أَلاَّ تَطْغَوْا فِي الْمِيزانِ (۸) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلا تُخْسِرُوا الْمِيزانَ (۹) وَالْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ (۱۰) فِيها فاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذاتُ الْأَكْمامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۱۳) خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ كَالْفَخّارِ (۱۴)

سورة الرحمن

سورة الرّحمن در مكه نازل شده هفتاد وهشت آيه و سيصدوپنجاويك كلمه و هزاروششصد وسى وشش حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : طبرسى از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده فرمود هر كس سورة الرّحمن را در روز جمعه قرائت كند و چون آية فبأى آلاء ربكما تكذبان را تلاوت نمود بگويد لابشيء من آلاء رب اكذب اگردرآنروز بميرد شهيد مرده است وفرمود براى هرچيزى عروسى است وعروس قرآن سورة الرحمن است و فرمود ترك نكنيد خواندن اين سوره را زيرا قرار نمى گيرد در دلهاى منافق سورة الرحمن - روزقيامت اين سوره بصورت آدمى نيكو منظر و خوش بو وارد محشر شود و در جوار پروردگار توقف نمايد باو گفته‌شود هر كس قيام بتو نموده ودردنيا بقرائت تومداومت كرده‌از او شفاعت كن، گويد پروردگارا فلان‌وفلان مرا قرائت‌نموده‌اند - پس‌صورتهاى ايشان‌سفيد گردد وداخل

ترجمۀ سورۀ الرحمن

بنام خداوند بخشندۀ مهربان

خدای مهربان (۱) بر سولش محمد ﷺ قرآن آموخت (۲) وانسان را آفرید (۳) نطق و بیان باو تعلیم نمود (٤) خورشید وماه با حساب معین در گردشند (٥) گیاه ودرختان او را سجده میکنند (٦) برافراشت آسمانرا وترازوی عدلرا درعالم نهاد (۷) تا تجاوز و نافرمانی نکنید در میزان عدل (۸) و هرچیزی را بترازوی عدل وانصاف بسنجید ودرمیزان کم نکنید (۹) وزمین را برای زندگانی خلق مقرر فرمود (۱۰) ودر آن میوه‌های گوناگون ودرخت خرمای با پوشش وغلاف است (۱۱) ودانه‌ها که دارای برگ وریاحین است (۱۲) ای انسان وجن بکدام یك ازنعمتهای پروردگار انکار میکنید؛ (۱۳) انسان را خداوند از گلی مانند گل کوزه گران آفرید (١٤)

بهشت شوند - ودرخواص قرآن ازپیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمودهر کس تلاوت کند این سوره را خداوندباضعاف مضاعف او را رحمت کند چه او اداشکر نعمت خدا را بجا آورده و هر که بنویسد آنرا و همراه خود نگاه بدارد کارهای سخت براو آسان گردد و اگرمرضی دارد بخود به بندد شفا یابد و اگر بردیوارخانه بنویسد گزندگان ازآن خانه باذن خدا دور شوند - خلاصۀ مطالب سوره الرحمن عبارت است از احسان و انعام پروردگار بربندگان خود ودلایل توحیدوخداشناسی واعادۀ خلایق پس ازفنای آنها ووعدووعید واوصاف بهشت وحورالعین .

قوله تعالی: الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان :

چون این سوره مشتمل است بر تعدد نعمتهای دنیا و آخرت لذا افتتاح فرمود آنرا باسم الرحمن چه رحمن کسی است که رحمت او وسعت دارد برای هر موجود و مخلوقی خواه آن مخلوق کافر باشد یامؤمن و ازاینجهت توصیف نمیکنند کسی را باین اسم جز خدایتعالی و مقدم داشت تعلیم قرآن رازیرا آن اجل واشرف نعمتها است و قرآن اساس دین و منشأ شرع و اعظم وحی واعز کتب آسمانی است چنانکه فرمود پیغمبر اکرم ﷺ شریفترین امت من حاملین قرآن می باشند ودر

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)
رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ
ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

حدیث دیگر فرمود یاد بگیرید قرآن را و یاد بدهید آنرا بمردم چه در قرآن تمام حقایق کتب آسمانی مندرج است و گویا این آیه جواب گفتار قریش است هنگامیکه نازل شد آیهٔ (واذا قیل لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن) گفتند ما رحمانی نمی‌شناسیم جز صاحب یمامه که اسم او رحمن است این آیه جواب آنها و کسانی است که گفتند قرآن را بعضی از افراد بشر بمحمد صلی الله علیه و آله تعلیم و یاد داده‌اند پروردگار فرمود رحمن همانکسی است که قرآن را برسولش محمد آموخت وانسان را ازعدم بوجود آورد وباو نطق وبیان آموخت - طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بیان، اسم اعظم خداوند است که باو دانسته می‌شود هر چیزی واز حسین بن خالد روایت کرده گفت معنای آیات فوق‌را ازحضرت رضا علیه السلام سؤال نمودم فرمودخداوند قرآن را برسولش محمد تعلیم فرمود و مقصود از انسان در اینجا وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است پروردگار آموخت بآنحضرت بیان هرچیزیکه مردم بآن محتاجند از احکام دین ودنیا و معاش ومعاد و اخبار گذشته و حوادث آینده.

(الشمس والقمر بحسبان) خورشید وماه بحساب معین در گردشند .. خورشید سیر و قطع میکند برجها را در مدت ۳۶۵ روز وچند ساعت وماه درمدت ۲۸ روز

وجنیان را ازشعله آتش متحرك خلق کرد (۱۵) ای انسان وجن کدام یك ازنعمت پروردگارتان را انکار میکنید؛ (۱۶) آن‌خدائی که‌آفریننده دومشرق ودومغربست (۱۷) ای‌جن وانس کدام یك‌ازنعمتهای پروردگاررا انکار میکنید؟ (۱۸) اواست که دودریا را بهم درآمیخت (۱۹) میان‌آن دودریافاصله‌ایستکه تجاوز بحدودیکدیگر نمیکنند (۲۰) ای جن و انس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؛ (۲۱) ازآن دو دریا لؤلؤ ومرجان بیرون آورد (۲۲) ای جن وانس کدام یك از نعمت‌های پروردگاررا انکارمیکنید؛ (۲۳) وازبرای‌اواست کشتیهای بزرگ‌مانند کوه که بدریا درگردشند(۲۴) ای‌جن‌وانس کدام یك‌ازنعمتهای پروردگاررا انکار میکنید؟ (۲۵) هر چه در روی زمین است دستخوش مرگ وفنا است (۲۶) وباقی وزنده همیشگی ذات با جلال وعظمت خداوند است (۲۷) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۲۸)

و کسری‌تخصیص‌ذکر این‌دو برای زیادی منافع آنهااست‌ازبرای‌مردم‌مانند روشنائی ونور. وشناختن روز وشب وسال وماه. ومنفعتهای‌دیگر. محمدبن عباس ذیل‌آیهٔ فوق از داودرقی روایت کرده که تاویل آیه‌را ازحضرت صادق علیه‌السلام سؤال نمودم‌فرمود خورشید و ماه دوآیت از آیات الهی هستند که بامر پروردگار بحساب معین در گردشند خداوند آنها را مثل‌آورده‌برای دشمنان‌ما ائمه همانکسانیکه هتك‌حرمت مارا کرده وبر ما ظلم و ستم نموده و حقوق مارا غصب کرده اندوفرموده آن دورا عذاب میکنم عرضکردم عذاب‌آنها چگونه است فرمود سؤال نمودی از چیزی‌دقت کن تاجواب آنرا بخوبی بفهمی بدان ای داود نورخورشید وماه از نور عرش‌خدا است‌و جرم‌آنها ازجهنم است روزقیامت نورشان برمی گردد بسوی عرش‌وجرمشان بسوی جهنم. چه در قیامت خورشید وماهی وجود ندارد خداوند مثل آورده ماه و خورشید را از جهة عذاب باولی و دومی آیا نشنیده‌ای که پیغمبراکرم فرمود: خورشید و ماه دو نور آتشند. آیا نشنیده‌ایکه مردم می گویند اولی ودومی دو نور و خورشید این امت هستند راوی عرضکرد بلی فرمود. پس آندونفر در آتش جهنم هستند سوگند بخدا که قصد نکرده ازخورشید وماه غیرآند ونفررا (والنجم

يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹) فَبِأَيِّ
الآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ (۳۰) سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلٰانِ (۳۱) فَبِأَيِّ الآءِ
رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ (۳۲) يٰا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
أَقْطٰارِ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لٰا تَنْفُذُونَ إِلّٰا بِسُلْطٰانٍ (۳۳)
فَبِأَيِّ الآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ (۳۴) يُرْسَلُ عَلَيْكُمٰا شُوٰاظٌ مِنْ نٰارٍ وَنُحٰاسٌ
فَلٰا تَنْتَصِرٰانِ (۳۵) فَبِأَيِّ الآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ (۳۶) فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمٰاءُ
فَكٰانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهٰانِ (۳۷) فَبِأَيِّ الآءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ (۳۸)

والشجر يسجدان والسماء رفعها ووضع الميزان الا تطغوا في الميزان) پروردگار دراين آيه مقابل دو نعمت آسماني خورشيدوماه دو نعمت زميني گياه‌ودرختان را ذكر كرد و آنها اصل وماده ارزاق حيوانات ميباشند گياه ودرختان‌هم بسجده اوسر بخاك اطاعت نهاده‌اند و آسمان‌را كاخي‌رفيع گردانيد وميزان‌عدل‌ونظم‌را درعالم‌وضع‌فرمود و حكم كرد كه اي‌بندگان‌هرگز در ميزان عدل واحكام‌شرع من تعدي‌ونافرماني نكنيد محمد بن عباس از حضرت صادق عليه السلام روايتكرده فرمود نجم رسولخدا است پروردگار در چند موضع از قرآن آنحضرت را نجم ناميده يكجا فرمودوالنجم‌اذا هوى در جاي ديگر فرمود و علامات و بالنجم هم يهتدون و شجر وجود مقدس اميرالمؤمنين است وائمه طاهرين كه بمقدار چشم بهم زدن خدا را معصيت نكردند ومراداز آسمان پيغمبر اكرم است‌خداوند اورا بلند گردانيد وميزان اميرالمؤمنين است منصوب‌نمود اورا پروردگاربراي‌خلايق بعدازرسول‌اكرم الا تطغوا في‌الميزان يعني معصيت وطغيان ونافرماني‌نكنيد دربارهٔ‌امام (واقيموا الوزن بالقسط ولاتخسروا الميزان) يعني از راه عدل وانصاف‌مطيع وفرمانبردار امام باشيد واز او پيروي كنيد وهرگز در حق‌اميرالمؤمنين وفرزندانش تعدي وستم ننمائيد (والارض وضعها للانام

هر که در آسمان وزمین است همه ازاو حوائج خودرا میطلبند و در هر روز بشأن وکاری پردازد (۲۹) ای جن وانس کدام یك ازنعمتهای پروردگاررا انکارمیکنید؟ (۳۰) ای طایفهٔ جن و انس بزودی بحساب کار شما خواهم پرداخت (۳۱) ای جن وانس کدام یك ازنعمت های پروردگار را انکار میکنید؛ (۳۲) ای طایفه جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین وآسمانها بروید وازقبضهٔ قدرت خداوندبیرون روید (محال است) هرگز از ملك و سلطنت خدا نتوانید خارج شد (۳۳) ای جن وانس کدام یك ازنعمتهای پروردگار را انکار میکنید؛ (۳۴) خدا برسر شما شراره های آتش ومس گداخته فرودآرد تا هیچ نصرت ونجاتی نیابید (۳۵) ای جن وانس کدام یك ازنعمتهای پروردگاررا انکار میکنید؛ (۳۶) هنگامیکه آسمان شکافته شود مانند گل‌سرخ گون وچون روغن روان گردد (۳۷) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۸)

فیها فاکهة والنخل ذات الاکمام والحب ذوالعصف والریحان) و زمین‌را باهزاران منفعت‌برای‌زندگانی خلق مقرر فرمود ودرآن‌میوه‌های گوناگون‌خرمای باپوشش وبرگ وشکوفه وغلات وحبوبات متنوع که‌دارای برگ ورياحين است برای ارزاق خلق‌برویانید (فبای‌آلاء ربکما تکذبان) این‌آیه‌درظاهرخطاب بجن‌وانس‌است‌یعنی کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید و در باطن خطاب بابوبکر و عمر است ـ در کافی از ابی بصیر روایتکرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت صادق عليه‌السلام سؤال نمودم فرمود خداوند خطاب می کند بآن دو نفر بکدام يك از نعمت‌من بمحمد صلى‌الله‌عليه‌وآله یابعلی که‌به‌بندگان‌عطا نمودم‌تکذیب‌وانکارو کفران‌میکنید (خلق الانسان من صلصال کالفخار وخلق الجان من‌مارج من‌نار) انسان را خدا از گلی‌خشك‌وچسبنده‌مانند گل کوزه گران‌بدین‌حسن‌وزیبائی‌آفرید وجنیان‌را اززبانه آتش‌مختلف زرد وقرمز وسبز که‌درآن‌دودی نبود خلق کرد چه مرج مخلوط‌شدن چیزیست‌بچیزدیگر وجان‌را ابوالجان گویند چنانکه‌آدم‌را ابوالبشر نامند ابی‌بصیر از حضرت صادق عليه‌السلام سؤال نمود خبر دهید مرا از خلقت اجنه فرمود جان را خلق کرد از آتش سموم وآن آتشی است که نه حرارت دارد ونه دود واورا مارج

فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلا جَانٌّ (۳۹) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما
تُكَذِّبانِ (۴۰) يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصِي وَالْأَقْدامِ (۴۱)
فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۴۲) هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳)
يَطُوفُونَ بَيْنَها وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ (۴۴) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۴۵)
وَلِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ (۴۶) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۴۷)
ذَواتا أَفْنانٍ (۴۸) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۴۹) فِيهِما عَيْنانِ
تَجْرِيانِ (۵۰) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۵۱) فِيهِما مِنْ كُلِّ فاكِهَةٍ
زَوْجانِ (۵۲) فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ (۵۳)

نامید وجفتش را از همان آتش آفرید وموسوم کرد اورا بمارجه باهم همبسترشدند فرزندی از آنها متولد شد بنام جن و از این فرزند قبایل و طوایف بسیاری بوجود آمد که یکی از آنها شیطان ملعون است و از برای جان وجن فرزندان پسر ودختر توأمان متولد میشد تعداد آنها رسید بعدد سنگریزه های بیابان (رب المشرقین و رب المغربین فبای آلاء ربکما تکذبان) پروردگار دومشرق ودو مغرب است‌ای جن وانس کدام یك از نعمتهای خدای‌خودرا انکار می کنید ؟ مفسرین برای‌تکرار آیه فبای آلاء ربکما تکذبان چند وجه ذکر کرده اند ولی تکرار برای اختلاف فوائد است چون نعمتهای مختلف را بیان کرد نزد هر نعمتی آیه را بجهة تنبیه و تذکر و توبیخ بیان و تکرار فرمود و این معنا شایع و متعارف است بین‌مردم‌و در اشعار عرب نظیرش بسیاراست چنانکه یکی ازما بدیگری می گوید الم احسن الیك بان اعطیك الم احسن الیك بان خلصتك الم احسن الیك‌بان رفعتك الم‌احسن الیك بان خلصتك: ودرنعمتی که باوعطا کرده جمله‌الم احسن‌الیك را تکرار کرده مهلهل بن ربیعه مرثیه ای در فوت‌برادر خود باین مضمون سروده :

درآن روز هیچ از گناه إنس وجن نپرسند(۳۹) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگاررا انکارمیکنید؛(٤٠) آنروز بدکاران ازسیمایشان شناخته شوند پس آنهارا بموی‌پیشانی با پاهایشان بگیرند(٤١)ای‌جن‌وانس کدام یك‌ازنعمتهای پروردگاررا انکارمیکنید؛ (٤٢)درآنروز گویندداین‌همان دوزخست که‌بدکاران‌تکذیب آن‌میکردند (٤٣) اینك کافران میان‌آن دوزخ ودرآتش سوزان‌آن میگردند (٤٤)ای جن‌وانس کدام‌یك ازنعمتهای پروردگاررا انکارمیکنید؛(٤٥) هرکس‌ازمقام‌قهرپروردگارش بترسد برای او دو باغ بهشت خواهدبود (٤٦) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (٤٧) درآن دوباغ انواع گوناگون میوه‌ها و نعمتها است (٤٨) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید (٤٩) درآن دو بهشت دوچشمهٔ آب تسنیم و سلسبیل روانست (٥٠) ای جن وانس کدام یك ازنعمتهای پروردگارا انکارمیکنید؛ (٥١) درآن دوبهشت از هرمیوه‌ای دونوع موجوداست(٥٢) ای‌جن وانس کدام‌یك ازنعمتهای‌پروردگارا انکارمیکنید؛(٥٣)

علی ان لیس عدلا من کلیب ... اذا طرد اللئیم عن الجزور
علی ان لیس عدلا من کلیب ... اذا خرجت مخباة الحذور
علی ان لیس عدلا من کلیب ... اذا ما خاف جار المستجیر

ولیلی اخیلیه درمرثیه توبة حمیری می گوید :

لنعم الفتی یاتوب کنت اذا لتقت ... صدور الا عالی و استسال الا ساقل
و نعم الفتی یاتوب کنت ولم تکن ... لتسبق یوماً کنت منه تخاذل
و نعم الفتی یاتوب کنت بخائف ... اتاك لکی تحمی و نعم المجاهل
و نعم الفتی یاتوب جار او صاحبا ... و نعم الفتی یاتوب حین تفاضل

دراین ابیات جملات تکرار شده برای اختلاف احوال ومعانی ووجه دیگر برای تاکید است . ابی بصیر ذیل آیهٔ فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود مشرقین رسول خدا و امیرالمؤمنین و مغربین امام حسن وامام حسین است (مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لایبغیان) دریای آب شور و گوارا را بهم درآمیخت تا مخلوط شدند ومیان آن‌حائلی مقررفرمود که با

مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَا الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ (۵۴)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵) فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ
قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (۵۶) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷) كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ
وَالْمَرْجَانُ (۵۸) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹) هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا
الْإِحْسَانُ (۶۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱) وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳) مُدْهَامَّتَانِ (۶۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ (۶۵) فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ (۶۶)

یکدیگر آمیخته نشوند چنانکه شیرینی آندریا بواسطه شوری دریای دیگر تباه و فاسد نگردد و لؤ لؤ و مرجان از دریای شور بیرون آورند وقتی باران میبارد صدف سر از دریا بیرون میآورد و دهن باز میکند هر قطره باران که در دهن آن بیافتد مروارید میشود -طبرسی از ابن عباس روایت کرده گفت شنیدم پیغمبرا کرم صلی الله علیه و آله بحضرت فاطمه (ع) میفرمود ایدختر عزیزم بشوهرت علی دل خوش دار بخدا قسم علی سید و بزرگ مرد دنیا و آخرت است در این اثنا آیهٔ فوق نازلشد فرمود ما دریای علم علی بن ابیطالبرا با دریای حلم و عصمت فاطمه زهرا بهم در آمیخته و مخلوط نمودیم و از آنها لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین را بیرون آوردیم وجهة آنکه آن دو بزرگوار رابدریا تشبیه فرمود بخاطر توسعه فضل و بسیاری خیر وصفات حمیده آنها است چنانکه اسبی برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه آوردند فرمود این اسب را دریائی یافتم چه آن دارای اوصاف ستوده‌ای بود حضرت صادق علیه السلام فرمود علی و فاطمه دو دریای عمیقی هستند که هیچکدام از آنها بدیگری ظلم و ستم ننمودند و بیرون آمد از ایشان حسن وحسین دو لؤلو و مرجان .

ثعلبی که ازعلماء عامه است ذیل آیهٔ فوق از سعیدبن جبیر روایت کرده گفت

درآنها بهشتیان بر بسترهائی که از حریر و استبرق است تکیه کرده و میوه‌های درختانش درهمان تکیه گاه دردسترس آنها است (٥٤) ای جن وانس کدام یك از نعمت‌های پروردگاررا انکار میکنید؟ (٥٥) درآن بهشتها زنان زیبای با حیائیست که دست هیچك از انس و جن (پیش از شوهران) بآنها نرسیده است (٥٦) ای جن و انس کدام یك از نعمت های پروردگار را انکار میکنید؟ (٥٧) آن حوریان گویا درلطافت وصفا مانند یاقوت ومرجانند (٥٨) ای جن وانس کدام یك ازنعمتهای پروردگار راانکار میکنید (٥٩) آیا پاداش نیکوئی واحسان جز نیکوئی و احسان است؟ (٦٠) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (٦١) مادون آن دوبهشت دوبهشت دیگراست (٦٢) ای جن و انس کدام یك ازنعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (٦٣) درختان آن دو بهشت درمنتهای سبزی وخرمی است (٦٤) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (٦٥) درآن بهشت‌دیگرهم‌دوچشمه‌آب‌میجوشد وزیردرختانش‌جاریست (٦٦)

پیغمبر فرمود علی وفاطمه دو دریای علم وحلم ونبوت هستند که خداوند ازایشان لؤلؤ و مرجان حسن و حسین را بیرون آورده و واسطهٔ میان آنها من هستم.

لطیفهٔ اهل‌اشاره گفته‌انداین دودریا یکی‌معرفت‌دل‌ودیگری‌معصیت‌نفس‌است و بین آنها رحمت و عصمت است تا معصیت نفس ستم و ظلم بر معرفت دل نکند خلاصه آنکه آیهٔ کریمه یکی از معجزات‌باهرهٔ قرآن کریم در ١٤ قرن‌پیش‌است که‌امروز در پرتو علم ثابت گردیده که در دریاها دوآب درجهة مخالف یکدیگر حرکت مینمایند و خداوند کریم بواسطهٔ حاجز و حائلی آنها را از خلط و مزج ممنوع فرموده است و در اصطلاح علماء گلف استریم نامیده شده است (وله‌الجوارالمنشأت فی‌البحر کالاعلام) و اوراست کشتیهای بزرگ مانند کوه که در دریاهادر گردشند، ای‌جن‌وانس کدام یك‌ازنعمتهای‌پرورده کارتان‌راانکارمیکنید؟ (کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام) هر که در روی‌زمین است دستخوش مرگ وفنا است، ابن عباس گفت چون آیه فوق نازلشد فرشتگان گفتند اهل زمین هلاك شدند پروردگار آیهٔ و یبقی وجه ربك ذوالجلال‌والاکرام‌را

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٧) فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ (٦٨)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٦٩) فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ (٧٠)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧١) حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ (٧٢)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٣) لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ (٧٤)
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٥) مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ
حِسَانٍ (٧٦) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (٧٧) تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ
ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (٧٨)

نازل نمود یعنی زندهٔ ابدی‌ذات خدای‌منعم باجلال و عظمت است فرشتگان دانستند خودشان هم هلاك خواهند شد ابن بابویه ذیل آیه فوق ازعبدالسلام هروی روایت کرده گفت حضور حضرت رضا علیه‌السلام عرض کردم چیست معنای روایتیکه گفته‌اند ثواب گفتن کلمه لااله الاالله نظر کردن بوجه الله است فرمودای اباصلت‌هر کس وصف کند خدا را بوجه مانند و جوه مردم او کافراست وجه خداپیغمبران وحجتهای او میباشند که بوسیله ایشان مردم بخدا و دین و معرفت او توجه پیدا می‌نماید و حضرت امام زین العابدین فرمود ما ائمه وجه خدا هستیم مردم بوسیله ما باید متوجه پرورد گارشوند

(یسئله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شأن) پرورد گار دراین آیه بی‌نیازی ازمخلوقات را بیان نموده و میفرماید هر موجودیکه در آسمانها و زمین است از فرشته و آدمی وجن و سایر موجودات دیگر همه حوائج خود را از او میطلبند و او هر روز در شأن و کاری است ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا روایت کرده فرمود از کار پرورد گار آنست که روز زنده میکند و میمیراند و روزی میدهد و کم و زیاد میگرداند و درجات بندگان را و رفیع و یا خوار و

ای جن و انس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؛ (٦٧) درآن بهشت نیز هر گونه میوه و خرما وانار بسیار است (٦٨) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید (٦٩) درآن بهشتان زنان نیکو و با حسن وجمال بسیارند (٧٠) ای جن و انس کدام یك از نعمتهای پروردگار راانکار میکنید ؛ (٧١) حوریانی که در سراپرده‌های خود پوشیده‌اند (٧٢)
ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید ؟ (٧٣)
پیش از شوهران دست هیچ کس بدان زنان نرسیده است (٧٤) ای جن وانس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؛ (٧٥) بهشتیهان با حورالعین برتخت وبساط زیبا تکیه زده‌اند (٧٦) ای جن و انس کدام یك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید ؛ (٧٧) بزرگوار و مبارك نام پروردگار تست که خداوند جلال وعزت واحسان وکرامت است (٧٨) ـ پایان ترجمه سورهٔ الرحمن

پست میکند (سنفرغ لکم آیه الثقلان) ایطـایفه جن و انس بزودی بحساب کار شما خواهم پرداخت ـ محمّدبن‌عباس ذیل آیهٔ فوق از زراره روایت کرده گفت‌معنای آیه را از حضرت باقر علیه‌السلام سؤال نمودم فرمود ثقلین ما ائمه اهل بیت هستیم و کتاب خدا شاهد بر این فرمایش پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است که فرمود انی تارك فیکم الثقلین کتـاب الله و عترتی اهل بیتی ـ من میان شما مردم دو چیز پر بها بامانت میگذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من است (یامعشر الجن والانس ان استطعتم أن تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لاتنفذون الابسلطان) ایطایفهٔ جن وانس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بروید و ازقبضهٔ قدرت‌خداوند بیرون روید والبته‌هرگزنمیتوانید بیرون‌بروید مگربا حجت

علی بن ابراهیم ذیل آیهٔ فوق از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود روز قیامت آسمان دنیا بر زمین احاطه نماید و آسمان دوم بآسمان دنیا و همچنین تا آسمان هفتم بآسمان ششم پس از آن منادی از طرف پروردگار ندا کند ای‌جن وانس اگر میتوانید بگریزید ازاطراف آسمانها بیرون روید ولی هرگزنمیتوانید بیرون بروید مگر با حجت ـ راوی میگوید پس ازاین‌فرمایشات حضرت‌باقر علیه‌السلام

گریه کرد عرض کردم فدایت گردم ایفرزند رسولخدا در آن وقت پیغمبر و امیرالمؤمنین کجا هستند فرمود آن بزرگواران بر منبری از نور نشسته‌اندتمام مردم خائف و ترسناك و محزون هستند جز پیغمبر و عترت او آنگاه تلاوت نمود آیه من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من فزع یومئذ آمنون و فرمود ولایت امیرالمؤمنین حسنه است. طبرسی از بعض مفسرین نقل نموده که آنها گفته‌اند معنای آیه آنست اگر بخواهید قدرت و توانائی پیدا کنید بر آنچه درآسمان و زمین است نمیتوانید مگر با حجت و بیان و از این آیه استفاده میشود چنانکه علم‌ودانش مخصوصی باشد میتواند بعالم بالا وبآسمان‌وکرات دیگر برود (بااسباب و نیروی علم و دانش (یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران) فرستاده شود بر سر شما شراره‌های آتش و مس گداخته و هیچ نصرت ونجاتی نخواهید یافت (فاذا انشقت السماء فکانت وردة کالدهان) و چون آسمان شکافته شود گلگون و مانند روغن آب شده روان گردد. یکروز پیغمبر اکرم ﷺ عبورش بجوانی افتاد که مشغول نماز بود گریه میکرد و آیهٔ فوق را در نماز تلاوت مینمود و میگفت وای بر من ازآنروزیکه آسمان شکافته شود رسول اکرم ﷺ فرمود ای جوان به آنخدائیکه جان من بدست قدرت اواست که فرشتگان از گریه تو بگریستند (فیومئذ لایسئل عن ذنبه انس ولاجان) ابن بابویه ذیل آیهٔ فوق ازحضرت رضا ؑ روایت کرده فرمود هر کس دارای ولایت امیرالمؤمنین ؑ باشد واز دشمنان ما ائمه بیزاری بجوید و حلال بداند حلال خدا را وحرام بداند حرام اورا و گناهی مرتکب شود که در دنیا توبه نکند پروردگار اورا درعالم برزخ بکیفر آن گناه عذاب مینماید روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید گناهی بر اونباشد تا مورد پرسش و مجازات واقع گردد اینحدیث را طبرسی نیز روایت کرده (یعرف المجرمون بسیماهم فیؤخذ بالنواصی و الاقدام) شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فوق از معویة بن عمار روایت کرده گفت حضرت صادق فرمود ای معویه مردم این آیه را چگونه تفسیر میکنند؟ عرض کردم میگویند خداوند میشناسد روز قیامت مردم را از سیمایشان فرمود دروغ میگویند آیا خداوندیکه مخلوقات را آفریده

محتاج است براینکه آنها را ازسیمایشان بشناسدعرض کردم ایفرزند رسولخدا پس معنای آیه‌چیست؟ فرمود زمانیکه قائم ما آل محمد عجل‌الله‌تعالی فرجه قیام کرد خداوند سیمای دشمنان ما را بایشان می‌شناساند پس امر میکندبآنحضرت که‌آنها را گرفته با شمشیر سرشان را از تن جدا کنند و اینحدیث را نعمانی در کتاب غیبت وصفار در بصائر الدرجات روایت کرده‌اند (هذه جهنم‌التی یکذب بها المجرمون یطوفون بینها و بین حمیم آن) روز قیامت به بدکاران گفته میشود این همان دوزخیست که تکذیب آن میکردید اینك کافران میان آن دوزخ و در حمیم سوزان آن بگردند ابن بابویه ذیل آیهٔ فوق ازعبدالسلام هروی روایت کرده گفت‌ازحضرت رضا علیه‌السلام پرسیدم آیا بهشت و دوزخ خلق شده‌اند و موجود هستند فرمود بلی شبیکه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بمعراج تشریف برد داخل بهشت شد و جهنم را ازبالا مشاهده کرد گفتم جمعی از مردم میگویند هنوز بهشت و دوزخ آفریده نشده فرمود آنها از ما نیستند و ما هم از ایشان نیستیم هر کس خلقت بهشت و دوزخ را منکر شود خدا و رسول او را تکذیب کرده و از ولایت ما ائمه خارج شده است و مخلّد در دوزخ باشد زیرا خداوند فرموده هذه‌جهنم التی یکذب بها المجرمون. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود شبیکه بمعراج رفتم جبرئیل دست مرا گرفته داخل بهشت‌نمود واز میوه آن بمن‌داد تناول کردم‌از آن میوه نطفهٔ‌دخترم فاطمه منعقد شده وقتی بزمین فرود آمدم و با خدیجه هم‌بستر شدم بفاطمه حامله شد و فاطمه حوراء انسیه است هر وقت‌مشتاق بوی بهشت میشوم‌آن بورا ازدخترم فاطمه استشمام میکنم - در اختصاص از عبدالحمیدروایت کرده که گفت در مسجد الحرام حضور حضرت صادق شرفیاب شدم قرآنی بمن مرحمت کردند دیدم درآن قرآن‌آیه فوق بطریق ذیل نوشته شده :(هذه جهنم التی کنتما بها تکذبان فاصلیا فیها لاتموتان ولاتحییان) فرمود آیهٔ خطاب با ولی ودومی است (و لمن خاف‌مقام ربه جنتان) و هر که از مقام قهر و کبریائی خدا بترسد برای او دوباغ دربهشت خواهد بود. در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود هر کس بداند که خداوند کردار وگفتار او را می‌بیند و میشنود و باعمال‌خیر و شر اودانا است ودرنتیجه اعمال قبیح خودرا برای خاطر رضای خداوند ترك کند

آنکس از مقام پروردگار خود خائف است - ابن بابویه از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت کرده که فرمود ام سلمه از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سوآل نمود زنی بعد از شوهر اول خود که وفات نموده شوهر دیگری اختیار کرده پس از مرگ چون داخل بهشت میشوند آن زن بکدامیك از این دو شوهر تعلق دارد فرمود اختیار بدست آن زن میباشد و فرمود اختیار بکند هر کدام از آنها را که خلقش نیکوتر است ای امسلمه حسن خلق مایهٔ خیر دنیا و آخرت است (ذواتا افنان) در آن دو بهشت و انواع میوه‌ها و نعمتها است در آن بهشت دو چشمه آب تسنیم وسلسبیل روانست و ازهر میوه‌ای دو نوع که یکی‌را در دنیادیده و دیگری‌را ندیده موجود است (متکئین علی فرش بطائنها من استبرق و جنا الجنتین دان) بهشتیان بر بسترهائی که آستر آنها حریر و استبرق است در کمال عزت تکیه زده‌اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنها است و در آن بهشتها زنان زیبای با حیائیست که بچشم پرنازوغمزه جزبشوهرخود ننگرند ودست هیچیك از انس‌وجن‌پیش‌از آنها بآن‌زنان نرسیده‌است آن‌زنان‌حوریه‌درصفا ولطافت گویا یاقوت و مرجانند (هل جزاء الاحسان الا الاحسان) ابن بابویه ذیل آیه فوق ازحضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود جزای کسیکه به نعمت توحید متنعم است غیر از بهشت چیزی نیست (ومن دونهما جنتان) پائین آن دو بهشت ، خدا ترسانرا دو بهشت دیگر است حضرت باقر علیه‌السلام فرمود چهار بهشت است دوبهشت برای خدا ترسان و آن اختصاص دارد بمؤمنین سابقین و دو بهشت دیگر که فضیلتش کمتراست که در قرب مخصوص اصحاب یمین می‌باشد و آن بهشت نعیم و بهشت‌مأوی است ودراین چهاربهشت‌میوه‌های بسیاریست‌بعددبرك‌درختان وستارگان و بر اطراف آنها دیواری است که بمسافت پانصد سال راه از طلا ونقره و یاقوت کشیده شده و ملاط آن مشك و زعفران است و نوری‌ازآن می‌تابد که انسان‌صورت خود را در آن مشاهده مینماید و هشت در دارد (مدهامتان) درختان آن‌بهشت در منتهای سبزی و خرمی درآن است دوچشمهٔ آب گوارا میجوشد وزیردرختانش جاریست ودرآن ازهرگونه میوه خوشگوار وخرما و اناربسیاراست (فیهن خیرات حسان) در آن بهشت زنان‌نیکو و با حسن وجمال بسیارند از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

روایت کرده‌اند که فرمود زنان بهشت دست بر دست یکدیگر مینهند و بآوازی که مثل آن شنیده نشده میگویند ما هرگز خشم نکنیم و از این مکان بیرون نرویم ما آراسته بخصال و جمال هستیم برای شوهران کریم خود (حور مقصورات فی الخیام) در آن بهشت حوراتی است که در سرا پرده‌های خود از چشم بیگانگان پنهانند و پیش از شوهران دست هیچکس از جن و انس بآن زنان نرسیده است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شبیکه بمعراج رفتم مشاهده کردم در بهشت کنار نهرها خیمه هائی زده‌اند ازمرجان از آنجا صداهائی بلند شد السلام علیك یا رسول الله گفتم ای جبرئیل اینان چه اشخاصی هستند گفت حورالعین میباشند از خدا اجازه خواستند تا بر شما سلام کنند و میگفتند ما همیشه زنده‌ایم و هرگز نمیمیریم و گرفتار عسرت نشویم وهمبستران مردان کریم هستیم (متکئین علی رفرف خضر و عبقری حسان) بهشتیان با حورالعین بر رفرف سبز وبساط زیبائی تکیه‌زده‌اند ای‌طایفهٔ جن وانس کدامیك ازنعمتهای خدایتان را انکاروتکذیب میکنید؟ (تبارك اسم ربك ذی الجلال والاکرام) بزرگوار ومبارك نام پروردگار تواست ای‌انسان که صاحب جلال و عزت و احسان و کرامت است

در بصائر الدرجات ذیل آیهٔ فوق ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود که ما جلال خداو کرامت اوهستیم که پروردگاربه بندگان خود در اثر فرمانبرداری و اطاعت از ما بآنها کرامت وعطافرموده‌است.

بسم الله الرحمن الرحیم

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱) لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲) خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳)
إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا (٤) وَ بُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (٥) فَكَانَتْ هَبَاءً
مُنْبَثًّا (٦) وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (٧) فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (٨)
وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (٩) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)
أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱) فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۱۲) ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

سورهٔ واقعه

سوره واقعه در مکه نازل‌شده بود شش آیه ،و سیصد وهفتاد و هشت کلمه ، هزار هفتصدوسه‌حرف‌است .

خواص و ثواب تلاوت‌آن. ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره واقعه را در هر شب جمعه تلاوت کند خداوند او را دوست بدارد و محبوب مردم شود و در دنیا باو بدی نرسد و احتیاجی نداشته باشد و هیچ آفتی از آفات دنیا را نبیند و از رفقای امیرالمؤمنین عليه السلام محسوب میشود و این سوره مخصوص آنحضرت است و کسی در آن شریك نیست و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند از غافلین محسوب نشودواگر آن را بنویسندودر منزل خود نهند خیر زیادی مشاهده کنند و هر که بر قرائت آن مداومت کند فقر از او بر طرف شود و توسعه‌مال

ترجمهٔ سورهٔ واقعه

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

چون واقعهٔ بزرگ قیامت بپا گردد (۱) ودر وقوعش هیچ دروغ و شك نیست (۲) آنروز قومی را خوار وذلیل کند وقوم دیگررا عزیز وبلند گرداند (۳) آنگاه که زمین بلرزه درآید (٤) و کوهها متلاشی و زیر و زبر شود (۵) و مانند ذرات گرد هوا پرا کنده گردد (٦) در آنروز شما سه طایفه باشید: (۷) اصحاب دست راست چقدر حالشان نیکو است (۸) و اصحاب دست چپ چقدر روزگارشان بد است (۹) وکسانیکه در ایمان برهمه پیشی گرفتند (۱۰) آنهامقربان درگاهند (۱۱) دربهشت‌های پرنعمت پیوسته متنعمند (۱۲) جمع بسیاری از امتهای پیشین (۱۳)

و زیادی حافظه نصیب او گردد. ابن بابویه از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود: هر کس قرائت کند سوره واقعه را در هر شب پیش از خواب در حفظ خداوند باشد وملاقات کند خدا رادر حالتیکه صورت او مانند ماه شب چهارده است وفرمود در تلاوت سوره واقعه منفعتهائی است که قابل شماره نیست از آن جمله اگر بالین شخص محتضر قرائت کنند روح آن بسهولت خارج شود و چنانکه برمیت بخوانند خداوند او را بیامرزد

خلاصه مطالب سوره واقعه عبارت است از آنکه قیامت البته واقع میشود و دروغ نیست ومردم سه طایفه هستند اصحاب راست واصحاب چپ وسابقون وبیان احوال آنها ودلایل بعث و نشور وحالات خلایق هنگام مرگ و خارج شدن از دنیا (قوله تعالی اذاوقعت الواقعه لیس لوقعتها کاذبة) هنگامیکه قیامت واقع گردد و در وقوعش هیچ ریب و کذب نیست آن روز قومی را بدوزخ فرو برد وخوار و ذلیل کند وطایفه‌ای را بدرجات بهشت سر بلند و رفیع گرداند. ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت امام زین العابدین علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس پند نگیرد بموعظه‌های خداوند خارج

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (١٤) عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ (١٥) مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا
مُتَقَابِلِينَ (١٦) يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (١٧) بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ
وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (١٨) لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ (١٩) وَفَاكِهَةٍ
مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ (٢٠) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (٢١) وَحُورٌ عِينٌ (٢٢)
كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ (٢٣) جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (٢٤) لَا يَسْمَعُونَ
فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا (٢٥) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (٢٦) وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (٢٧) فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (٢٨) وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ (٢٩)

شود از دنیا با حسرت و پشیمانی سوگند بخدا نیست دنیا و آخرت مگر مانند دو کفه‌ترازو هر کدام که‌سنگین شود آن یکی سبك گرددسپس‌این‌آیه‌راتلاوت فرمود (اذارجت‌الارض‌رجاو بست‌الجبال‌بسافكانت‌هباءمنبثا) آنگاه که‌زمین‌سخت‌بحرکت ولرزه در آید و کوهها‌ازهم متلاشی‌شود وماننددرات گردهواپراکنده گردد(وکنتم ازواجاثلثة فاصحاب الميمنةما اصحاب الميمنه واصحاب المشئمة مااصحاب‌المشئمة والسابقون السابقون اولئك المقربون) درآنروزشماخلایق بسه‌طایفه مختلف شوید اصحاب‌دست راست‌واصحاب‌دست‌چپ که مردمی‌شوم واهل‌شقاوتند وکارشان‌دردوزخ سخت است و طایفه سوم آنهائی هستند که در ایمان بر همه پیشی گرفتند آنان بحقیقت مقربان درگاهند و در بهشت پر نعمت جاودانی متنعمند . علی بن ابراهیم از حذیفه یمانی روایت کرده گفت در روز سیزدهم شهر صفر پیغمبراکرم صلى الله عليه وآله امر فرمود به بلال قبل از رسید نوقت نماز مردم را ندا کند چون صدای بلال بلندشد اهل مدینه ضجّه و فریاد شدیدی نمودند ؛ گفتند هنوز رسول اکرم صلى الله عليه وآله وفات‌نکرده و ازمیان‌ماغایب نشده این چه‌وقت نماز است رسول خداتشریف

و اندکی از مردم آخرزمان (١٤) آنها در بهشت با عزت بر سریرهای زربافت‌مرصع تکیه زنند(١٥) وبا یاران روبروی‌یکدیگر بر آن‌تختهامی‌نشینند(١٦) وپسران زیبا که حسن وجوانیشان همیشگی است درخدمت آنها دورمیزنند (١٧) با کوزه‌ها و مشربه‌ها و جامهای پراز شراب ناب (١٨) هرچه بنوشندنه درد سری یابند ونه مستی عقل ورنج خمار کشند (١٩) و میوه‌ها از آنچه بر گزینند (٢٠) وگوشت مرغ از آنچه بخواهند (٢١) و زنان سیه چشم زیبا که درلطافت چون مروارید پوشیده‌شده، برای آنها مهیا است (٢٣) این پاداش اعمالی‌است که‌بهشتیان بجا آوردند (٢٤) در آن بهشت هیچ سخن لغوی نمیشنوند و بیکدیگر گناهی نه‌بندند (٢٥) جزسلام وتحیت هیچ چیز نشنوند ونگویند (٢٦) واصحاب‌راست چه خوش روزگاری دارند (٢٧) درسایه درختان سدر بی‌خار (٢٨) و درختان پر برگ وسایه دار (٢٩)

آورد بدرب‌سده‌مسجدحلقه در را گرفت وفرمود: ای‌مردم‌آیامیشنوید عرض کردند بلی ایرسول‌خدا مطیع‌فرمان‌بردار هستیم‌و ضمانت میکنیم فرمودخبرمیدهم‌بشما که خداوند مردم را دو صنف آفرید اصحاب راست و اصحاب چپ‌مرا از اصحاب‌راست قرار داد و اصحاب راست را سه طایفه نمود اصحاب میمنه و مشئمه و سابقون من از سابقون و بهترین آنها میباشم وآنها راقبیله‌های متعددی‌قرار داد چنانکه‌فرمود و جعلنا کم شعوبا و قبائل و قبیله من بهترین قبیله‌ها است و قبیله را بیتهائی قرار داد و مرا از بهترین (خانواده) بر گزید و فرمود : انما یرید الله‌لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهر کم‌تطهیرا من بزرگترین فرزندان آدم و گرامی‌ترین شما هستم نزد خدایتعالی و فخری نیست برای من.آگاه باشید مرا خداوند از میان سه نفر اهل بیت خود انتخاب نمود من و علی و جعفر دو فرزند ابیطالب و حمزة بن عبدالمطلب خوابیده بودیم در زمین ابطح و هر یك پیراهن خود را بصورت خود کشیده بودیم علی طرف راست من و جعفرطرف چپ و حمزه پائین پاقرار گرفته بودند بیدار شدم از خواب‌جبرئیل را باسه فرشته‌دیگرمشاهده

وَ ظِلٍّ مَمْدُودٍ (۳۰) وَ مَاءٍ مَسْكُوبٍ (۳۱) وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲) لَا
مَقْطُوعَةٍ وَ لَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳) وَ فُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ (۳۴) إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً (۳۵)
فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً (۳۶) عُرُباً أَتْرَاباً (۳۷) لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸) ثُلَّةٌ مِنَ
الْأَوَّلِينَ (۳۹) وَ ثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰) وَ أَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ
الشِّمَالِ (۴۱) فِي سَمُومٍ وَ حَمِيمٍ (۴۲) وَ ظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ (۴۳) لَا بَارِدٍ
وَ لَا كَرِيمٍ (۴۴) إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ «۴۵» وَ كَانُوا
يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ «۴۶»

نمودم فرشتگان بجبرئیل گفتند بسوی کدام یك از اینها فرستاده شده ای گفت بسوی محمد و او بزرگ پیغمبران و علی بزرگ اوصیاء و جعفر از برای او دوبال سبز است که پرواز میکند در بهشت وحمزه سیدشهدا است

(ثلةمن‌الاولین‌وقلیل‌من الاخرین)

(علی سرر موضونة متکئین علیها متقابلین) جمع بسیاری از امم پیشین و اندکی از متأخرین در بهشت بعزت بر سریرهای زربافت مرصع تکیه زنند همه شادان با یاران ودوستان‌خودروبروی‌یکدیگربر آن سریرها می‌نشینند - محمدبن‌عباس ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراد باولین ؛ فرزند آدم است که برادرش او را بقتل رسانید و مؤمن آل فرعون و صاحب یس و مقصوداز آخرین امیرالمؤمنین علیه‌السلام است (یطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب و اباریق و کأس من معین لا یصدعون عنها و لا ینزفون و فاکهة مما یتخیرون و لحم طیر مما یشتهون) و پسران زیبا که هرگز حسن و جوانی آنها از بین‌نرود گرد آنها بخدمت میگردند با کوزه‌های بلورین و مشربه‌های زرین و جامهای پر از شراب ناب نه هرگز از نوشیدن آن درد سری یابند و نه مستی عقل و رنج‌خمار

در سایه بلند درختان (٣٠) ودرطرف آبهای زلال (٣١) ومیوه‌های بسیار(٣٢) که هیچوقت قطع نشود و کسی از آنها منع نکند (٣٣) وزنان زیبا (٣٤) که آنها راما بیافریدیم (٣٥) آنان را برای همیشه باکره گردانیدیم(٣٦) شیفتگان شوهران جوان وهمسال (٣٧) این نعمتهای بهشتی ویژه اصحاب راست است (٣٨) که جمعی از پیشینیان (٣٩) و جمعی از مردم آخرزمان هستند(٤٠) و اصحاب چپ چه‌قدر درشقاوتند (٤١) آنهادرعذاب بادسموم وآب گرم باشند(٤٢) و سایبانشان دود وآتش جهنم است (٤٣) هرگز بر آنهاسردنشود ونسیمی نوزد (٤٤) این کیفر برای آنستکه‌در دنیا مغروربودند (٤٥) وبر گناه اصرار میکردند (٤٦)

کشند و میوه خوش هر چه بر گزینند و گوشت مرغان و هر غذائی که مایل باشند ـ طبرسی ذیل آیه فوق از امیرالمؤمنین عليه‌السلام روایت کرده فرمود مراد از ولدان اطفال اهل دنیا هستند که نه آنها حسناتی دارند تا ثواب داده شوند ونه سیئاتی تا عقاب کنند ایشان را و پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود اطفال کفار خادمین اهل بهشت میباشند در کافی از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود بهترین خورشها در دنیا و آخرت گوشت است پروردگار میفرماید و لحم طیر مما یشتهون و حور عین کامثال اللوء اللوء (المکنون جزاء بما کانوا یعملون) و زنان سیه چشم که در زیبائی و لطافت چون مروارید و لؤلؤی پوشیده‌اند که هوا در آن اثر نکرده تا صفای لون وضیاء آن را از بین ببرد برای آنها مهیا است این نعمتها پاداش عبادات و اعمالی است که در دنیا بجا آورده‌اند (لایسمعون فیها لغوا ولاتا ثیما الا قیلا سلاما سلاما) در آن بهشت هیچ سخن لغو و بیهوده نشوند و نه بیکدیگر گناهی بر بندند و جز سلام و تحیت و احترام نگویند و نشنوند (و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین فی سدر مخضود و طلح منضود و ظل ممدود وماء مسکوب وفاکهة کثیرة لا مقطوعة ولاممنوعة و فرش مرفوعة) و اصحاب راست و یمین چه خوش روزگاری دارند در سایه درختان سدر پر میوه و بی خار و درختان پر برگ وسایه دار و در سایه بلنددرختان و دراطراف نهرهای زلال و میوه‌های بسیار که هیچوقت

وَ كانُوا يَقُولُونَ أَئِذا مِتْنا وَ كُنّا تُراباً وَ عِظاماً ءَإِنّا لَمَبْعُوثُونَ «۴۷»
أَوَ آباؤُنَا الْأَوَّلُونَ (۴۸) قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (۴۹) لَمَجْمُوعُونَ
إِلى مِيقاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ (۵۰) ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ (۵۱)
لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ (۵۲) فَمالِؤُنَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳) فَشارِبُونَ
عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ (۵۴) فَشارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵) هذا نُزُلُهُمْ يَوْمَ
الدِّينِ (۵۶) نَحْنُ خَلَقْناكُمْ فَلَوْلا تُصَدِّقُونَ (۵۷) أَفَرَأَيْتُمْ
ما تُمْنُونَ (۵۸) ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخالِقُونَ (۵۹)

منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوه‌ها منع نکند و بسترهای پر بها گسترده شده و فراش (دراین آیه کنایه‌از زنان است چه عرب‌زنان‌رافراش‌خوانند) و مرفوعه کمال حسن و زیبائی آنها است (انا انشاء ناهن انشاء فجعلناهن ابکارا عربا اترابا) مابیافریدیم آن‌زنان‌را نیکو‌خصال و آنهارابرای همیشه دوشیزه وبکر گردانیدیم‌وشوهردوست وباغنج وناز وجوان‌وهمسالان‌هم.پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: أهل بهشت چون‌وارد بهشت شوندجوان‌و سفید روی وجعد موی گردند (لاصحاب الیمین ثلة من الاولین وثلة من الاخرین) این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است.جمعی از پیشینیان و طایفه‌ای از این امت. درمجالس، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود اگریکی از زنان اهل بهشت در شب تاریك ظاهرشود نور او روشن‌تر از نور ماه شب‌چهارده است و عطر او تمام دنیا را فرا گیرد و اگر لباسی از لباسهای اهل بهشت را در دنیا حضور مردم باز کنند بیهوش میشوند چون بآن لباس نظر کنند دیده‌های آنها خیره شود و فرمود سوگند بآنخدائیکه قرآن را بمن نازل نمود اهل بهشت روزبروز جوانی آنها تازه‌تر گردد و حسن و جمالشان زیادتر میشود برعکس‌مردم دنیا که روز بروزپیرتر و فرتوت‌وشکسته

ومیگفتند آیا ما چون مردیم واستخوانمان خاك شد باز هم زنده می‌شویم (٤٧) یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد (٤٨) ای رسول ما بگو البته تمام خلق اولین وآخرین زنده میشوند (٤٩) و همه در وعده گاه روز معین جمع میگردند (٥٠) آنگاه شما ای گمراهان منکر قیامت (٥١) از درخت زقوم دوزخ البته خواهید خورد (٥٢) وشکمهارا از آن پر می‌سازید (٥٣) و از آب گرم جهنم می‌آشامید (٥٤) بطریقی که شتران تشنه آب می‌آشامند (٥٥) این طعام وشراب ویژه کافرانست در روز جزا (٥٦) ما خودشمارا آفریدیم پس چرا آفریننده خودرا تصدیق نمیکنید (٥٧) آیا ندیدید که از اول شما نطفه‌ای بودید (٥٨) آیا خودشما آن نطفه را بصورت انسان آفریدید یا ما آفریده‌ایم ؟! (٥٩)

تر میشوند و فرمود هر کس صلوات برمن بفرستد و بگوید صلی الله علی محمد وآل محمد خداوند بر او رحمت بفرستد و اگر بگوید صلی الله علی محمد و بر آل من صلوات نفرستد بوی بهشت بمشام او نرسد وحال آنکه بوی بهشت از مسافت پانصد سال راه استشمام میشود (و اصحاب الشمال ما اصحاب الشمال فی سموم و حمیم وظل من یحموم لابارد ولا کریم انهم کانوا قبل ذلك مترفین و کانوا یصرون علی الحنث العظیم) و اصحاب شمال در عذاب آتش سموم و آب گرم باشند و سایه ای از دود آتش دوزخ که هرگز سرد نشود و نه خوش نسیم گردد، این عذاب برای آنستکه پیش از این در دنیا بناز و نعمت پرداختند و از خدا غافل شدند و بر گناه بزرگ خود که شرك است لجاجت و اصرار داشتند و میگفتند آیا چون ما بمیریم و استخوان ما خاك شود باز هم دو باره ما زنده میشویم یا آنکه پدران گذشته ما زنده خواهند شد؟! (قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم) خداوند به پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله خطاب نموده ومیفرماید ایرسول ما درجواب این کفار که سوگند یاد کردند حشر ونشری نیست بگو البته تمام خلق اولین و آخرین پس از مرگ زنده شده و همه در وعده گاه روز قیامت جمع خواهند شد آنگاه شما ای گمراهان تکذیب کننده قیامت از درخت زقوم تلخ دوزخ خواهید

نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (٦٠) عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ
أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (٦١) وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى
فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (٦٢) أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (٦٣) ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ
أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (٦٤) لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (٦٥)
إِنَّا لَمُغْرَمُونَ (٦٦) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (٦٧) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي
تَشْرَبُونَ (٦٨) ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (٦٩)
لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (٧٠)

خورد و شکم را از آن پر خواهید ساخت و از آب گرم دوزخ میآشامید چنانکه شتران تشنه آب مینوشند. در کافی ذیل آیهٔ فشاربون شرب الهیم از عثمان بن عیسی روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق علیه‌السلام سؤال نمود بیك نفس آب آشامیدن چه صورت دارد؟ فرمود لذتی است و باکی نیست لکن بهتر آنست که بسه نفس بیاشامند عرض کردمردم میگویند اینگونه آشامیدن شرب هیم است فرمود دروغ میگویند شرب هیم آنستکه هنگام آشامیدن نام خدا را بزبان جاری نکنند. (هذا نزلهم یوم الدین) این طعام و شراب کفار است در روز جزا و قیامت پس از آن آگاه میکند مردم را و میفرماید:(نحن خلقناکم فلولا تصدقون افرایتم ماتمنون ءانتم تخلقونه ام نحن الخالقون) ما شما را بدین خلقت زیبا آفریده‌ایم پس چرا آفریننده خود راتصدیق نمیکنید. **لطیفه** بدانکه پروردگار هرگاه خبر دهد از نفس خود بلفظ جمع اشاره است بذات و صفات و اسماء خویش چنانکه میفرماید انا نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون و اگر خبر بدهد بلفظ مفرد مانند آنکه میفرماید انی انا الله رب العالمین اشاره است بذات مطلقا ولی اگر بنده خطاب کند بپروردگار خود باید خطاب ~~بنحویش~~ بلفظ مفرد باشد مثل انت

مائیم که مرگ را بر همه خلق مقدر ساختیم و کسی بر قدرت ما پیشی نمیگیرد (٦٠) اگر بخواهیم شما را نابود کرده و مخلوقات دیگری مانند شما بیافرینیم وشما را بصورتیکه اکنون از آن بی‌خبرید برانگیزیم (٦١) شما از ایجاد و پیدایش اولی خود آگاه شدید پس چرا پند نمیگیرید (٦٢) آیا آن تخمی را که در زمین میکارید دیده‌اید (٦٣) آن تخم را شما میرویانید یا ما میرویانیم (٦٤) اگر بخواهیم کشتهٔ شمارا خشك ونابود سازیم آنگاه باحسرت و تعجب (٦٥) گوئید ما سخت درزیان و ضرر افتادیم (٦٦) بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم (٦٧) آیا آبی را که مینوشید متوجه اید (٦٨) آیا شما آن آب را از ابر فرومیریزید یا ما فرومیآوریم (٦٩) اگر میخواستیم آن آب را تلخ می گردانیدیم پس چرا سپاس گذاری نمی کنید (٧٠)

یا رب نه‌انتم چه لفظ جمع موهم شرك و منافی توحید است ولذا گفته میشود اشهد ان لااله الاالله تا بخصوص حضرتش گواهی بدهد آیا نمی‌بینید این آب منی را که شما در رحمهای این زنان میریزید آیا شما خود آن نطفه بیجانرا بصورت فرزند انسان میآفرینید یا ما آنرا بیافرینیم ؟ ما مرگ را بر همه خلق مقدر ساخته‌ایم و هیچکس نمیتواند بر قدرت ما پیشی بگیرد اگر بخواهیم شما را دفعتاً نابود کرده ومخلوق دیگری مانند شما خلق می کنیم با صورت و خلقتی که شما ندانید و اکنون از آن بیخبرید (و لقدعلمتم النشأة الا ولی فلولا تذکرون افرایتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون) شما از نشئهٔ اول خود آگاه شدید و دانستید که ماشما را ازعدم بوجود آورده‌ایم پس چرا اندیشه نمیکنید ومتذکر نمیشوید آیا نمی‌بینید تخمی را که در زمین می‌افشانید آیا شما آنرا می‌رویانید یا اینکه ما آنرا از زمین خارج کرده سرسبز می‌نمائیم .اگر ما بخواهیم کشت وزرع شما را خشك و تباه میسازیم تا آنگاه باحسرت و ندامت بسخنان بیهوده میپردازید و میگوئید ماسخت در زیان و غرامت افتادیم بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم - در کافی ذیل آیهٔ و لقد علمتم . . ازحضرت امام زین‌العابدین علیه‌السلام روایت کرده که فرمود عجب دارم از بعض مردم که منکر مرگ هستند و حال آنکه در هر شب و روز می‌بینند مردم

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (٧١) ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ
الْمُنشِؤُونَ (٧٢) نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ (٧٣) فَسَبِّحْ
بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (٧٤) فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (٧٥) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ
لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (٧٦) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (٧٧) فِي كِتَابٍ
مَّكْنُونٍ (٧٨) لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (٧٩) تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ
الْعَالَمِينَ (٨٠) أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ (٨١) وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ
أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (٨٢) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (٨٣)

میمیرند و عجب است از کسانیکه نشئاة آخرت را انکارمینمایند درحالیکه نشئاة اول‌را مشاهده نمودند ـ و از حضرت صادق عليه‌السلام ذیل آیه ءانتم تزرعونه . . روایت شده که فرمود هر وقت خواستید زراعت کنید و تخم بیافشانید یکمشت از تخم را بدست گرفته و سه مرتبه این آیه را بخوانید و در هر مرتبه بگوئید : خداوند زارع است پروردگارا این دانه‌ها را بنام مقدست می‌افشانیم بآنها برکت مرحمت فرما و ما را ازمحصولش بهره‌مندساز . آنگاه تخم‌ها را بر زمین بیفشانید

انس بن مالك گفت روزی پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بـزمین‌های انصار عبور می کرد فرمود. چرا زمینها را کشت و زرع ننموده‌اید عرض کردند خشکسال است و مدتی باران نباریده فرمود چه شده است شما را که تعقل نمیکنید پروردگار میفرماید زارع من هستم اگر بخواهم با آب زراعت میکنم یا بدون آب و اگر بخواهم بباد بذر افشانی می‌نمایم سپس آیه را تلاوت نمود و فرمود باران در تمام سال به یك مقدار می بارد ولی چون قومی معصیت کنند خداوند باران آنها را بسرزمین دیگرفرود آورد و اگر تمام مردم عصیان کنند باران بکوه ودشت و دریاها ببارد و آن قوم از فیض رحمت باران محروم گردند .

آیا آتشی را که روشن میکنید مینگرید (٧١) آیا شما درخت آنرا آفریدید یا ما آفریدیم (٧٢) ما آن آتش را مایه پند مسافران کوه و بیابان گردانیدیم تا بکار برند (٧٣) پس ای رسول ما بنام بزرگ خدای خود تسبیح گو (٧٤) سوگند یاد نمیکنم باوقات نزول ستارگان (٧٥) واین سوگند اگر بدانید بسیار سوگند بزرگی است (٧٦) این قرآن بسیار بزرگوار است (٧٧) در لوح محفوظ سرّ حق (٧٨) که جز پاکان دست کسی بدان نرسد (٧٩) این قرآن فرود آمده ازنزد پروردگار عالم (٨٠) ای کافران آیا با این سخن باز انکار میکنید (٨١) وقرارداده روزی شمارا وشما بهره خودرا تکذیب میکنید (٨٢) پس چگونه خواهد بود هنگامی که جانشان بگلو رسد (٨٣)

(افرایتم الماء الذی تشربون ءانتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون لو نشاء جعلناه اجاجا فلولا تشکرون) هیچ توجه کرده اید بآبی که هر روز میآشامید آیا شما آنرا از ابر فرو فرستادید یا ما نازل کننده آن هستیم اگر میخواستیم آن آب را بجای آنکه خوشگوار کرده ایم شور و تلخ میگردانیدیم چرا شکر این نعمت بزرگ را نمیکنید.

(افرایتم النار التی تورون ءانتم انشاتم شجرتها ام نحن المنشئون نحن جعلناها تذکرة و متاعا للمقوین) آیا بآتشی که برای حوائج خود روشن میکنید توجه کرده اید آیا شما درخت آن را بوجود آورده اید یا ما ایجاد کننده آن میباشیم ـ ما آن آتش را مایه عبرت مسافران کوه و بیابان عالم ساختیم تا برای نجات از سرما وروشنی وپختن غذا ازآن استفاده کنند (فسبح باسم ربك العظیم) ـ پس ای رسول ما خود وامتت بنام خدای بزرگ تسبیح گوی اگر مردم غافلند تو متذکر نعمتهای حق باش

(فلا اقسم بمواقع النجوم وانه لقسم لوتعلمون عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لایمسه الاالمطهرون تنزیل من رب العالمین) سوگند بآیات کریمه قرآن که برسول اکرم در مواقع گوناگون فرود آمد واگر بفهمید این سوگندی است بسیار بزرگ این قرآن بسیار عزیز و گرامی وسودمند است درلوح محفوظ

وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ (٨٤) وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (٨٥) فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (٨٦) تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (٨٧) فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (٨٨) فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (٨٩) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (٩٠) فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (٩١) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (٩٢) فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (٩٣) وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (٩٤) إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (٩٥) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (٩٦)

که جز دست پاکان و پاکدلان بآن نرسد و این کتاب بزرگ از پیشگاه پروردگار جهانیان فرستاده شده ای کافران آیا با این وصف باز قرآن را انکار می‌نمائید و راه نفاق می‌گیرید (و تجعلون رزقکم انکم تکذبون) آیا بجای استفاده از حقایق قرآن تنها بهره خود را تکذیب قرار میدهید!! و در عوض آنکه از این کتاب مبارك پند و عبرت بگیرید آنرا تکذیب مینمائید علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از عبدالرحمن سلمی روایت کرده که شنیدم امیرالمؤمنین ﷺ آیه را بطریق زیر تلاوت می‌نمود: و تجعلون شکر کم انکم تکذبون و بعد فرمود میدانم که مردم میگویند چرا باین طریق قرائت کردید رسول خدا باین نحو تلاوت فرمود و بمن نیز دستور داده باین روش بخوانم (فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون و نحن اقرب الیه منکم ولکن لاتبصرون) چگونه است حال این کافران که قرآن را تکذیب میکنند وقتی که جانشان بگلو رسد و شما وقت مرگ ببالین محتضر حاضرید و مینگرید و ما باو از شما نزدیکتریم لکن شما معرفت و بصیرت ندارید - این قسمت متعلق بآیه قبل است سبب نزول آیه آن بود که پیغمبر اکرم ﷺ بسفری تشریف برده بود جمعی حضورش رسیدند و عرض کردند ای رسول خدا تشنگی بر ما غلبه نموده و بکمال شدت رسیده است دعا کنید باران

وشما هنگام مرگ بربالین آن محتضرحاضرید ومی‌نگرید (٨٤) وما باو از شما نزدیکتریم ولکن‌نمی‌بینید (٨٥) اگرچنانست که شما میگوئید خداآفریننده نیست (٨٦) پس روح را دوباره ببدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (٨٧) اگر مرده از مقربان درگاه خدا است (٨٨) در آسایش و نعمت بهشت جاودانی است (٨٩) واگر ازاصحاب دست راست است (٩٠) اورا بشارت بدهید که تو را سلامتی است از یاران دست راست (٩١) و اما اگر از تکذیب کنندگان و وگمراهانست (٩٢) نصیبش آب‌جوش جهنم(٩٣) وجایگاهش آتش دوزخ‌است (٩٤) این وعده‌ها البته یقین و حق است (٩٥) ای رسول ما تو بنام بزرگ‌خدای خود تسبیح بگووهمیشه بیاد خدا باش(٩٦)

ببارد فرمودا گرمن‌دعا کنم وخدای‌تعالی باران‌فرستد نمیگوئید که طلوع فلان ستاره یا سقوط ستاره موجب نزول باران شد عرض کردند ایرسول خدا این زمان موقع آن نیست که‌این سخنان را بگوئیم‌پیغمبردعا کرده‌باران‌شدیدی باریدآنحضرت عبور کرده دید مردی ظرف خودرا از آب باران پر کرده و میگوید این باران از اثرطلوع فلان ستاره است پیغمبر فرمود من میدانستم که بعضی از شما این سخنان را خواهید گفت آیه فوق‌نازل‌شد و فرمود شماحظ و نصیب خود را تکذیب کردید و نگفتید این باران را خدا برحمت خود نازل کرده بلکه گفتید فلان ستاره سبب نزول باران شده است - و شرف الدین‌از اهل بیت‌عصمت و طهارت‌روایت کرده که فرمودند تأویل آیه آنست‌ای‌مردم‌نعمت ولایت آل‌محمد علیهم‌السلام را که خداوند بشما عطا نموده تکذیب کردیدپس چگونه خواهید بودهنگامیکه جان بگلویتان برسد وچشم شما به جمال مقدس‌امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیفتد وبه‌بیند که بدوستان‌خود بشارت بهشت و بدشمنانش وعده دوزخ میدهد پروردگار نزدیکتر است بآنحضرت از شما مردم ولی شما در حق امیرالمؤمنین معرفت‌ندارید، بمقام و منزلت ایشان بصیر و آگاه نیستید و چنانکه شایسته است آن بزرگوار را نمی‌شناسید درکافی ذیل‌آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم‌از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که‌فرمودوقتیکه جان محتضر بگلومیرسد مکان‌خودش را در بهشت‌یا دوزخ مشاهده‌میکند و میگوید

مرا بسوی دنیا بر گردانید تا باهل و عیالم خبر جایگاه خود را بدهم میگویند هیهات ممکن نیست (فلولا ان کنتم غیرمدینین ترجعونها ان کنتم صادقین) اگر کار بدست شما و طبیعت است و خالق و کیفر دهنده ای نیست پس روح را دو باره ببدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (فاما ان کان من المقربین فروح و ریحان وجنت النعیم) اهل قیامت رابسه طبقه تقسیم نموده ومیفرماید اگر آنکه بمیرد از مقربان درگاه خدا است آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است و اگر ازاصحاب یمین است پس او رابشارت دهید باین معنی و سلامت گوئید در امالی ذیل آیه فوق از حضرت باقر عليه‌السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله با امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود تو آنکسی هستی که خداوند در ابتداء آفرینش وعالم ذر برمخلوقاتش حجت آورد و فرمود بآنها (الست بربکم) آیامن پروردگار شمانیستم؟ گفتند بلی آیا محمد رسول من نیست؟ عرض کردند بلی فرمود آیاعلی امیرالمؤمنین نیست؟ آنها تکبر کرده طغیان ونمودند ازولایت تو مگر اندکی که اقرار کردند و آنها اصحاب یمین هستند ابن بابویه از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود این دو آیه در حق اهل بیت پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله و دوستان آنها نازل شده وآیه بعد در باره دشمنان ما ائمه فرود آمده روح و ریحان درقبر است و جنت نعیم در آخرت میباشد (و اما ان کان من المکذبین الضالین فنزل من حمیم) حمیم در قبر دشمنان است و تصلية جحیم در عالم آخرت آنها باشد یعنی اگر آنکه مرده از منکران امیرالمؤمنین عليه‌السلام و دشمنان اهل بیت و گمراهان است نصیبش در قبر آتش وجایگاهش درآخرت دوزخ است و این وعده ها البته یقین و حق و حقیقت است (فسبح باسم ربك العظیم) ای رسول بنام پروردگارت که او عظیم و بزرگواراست تسبیح بگو و چون این آیه نازل شد پیغمبراکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله دستور داد آن راذکر رکوع قرار دهند یعنی در رکوع بگویند سبحان ربی العظیم وبحمده وآیه سبح اسم ربك الاعلی که نازل شد امر فرمود آن را ذکر سجود قرار دهند و بگویند سبحان ربی الاعلی و بحمده

پس از این سوره‌هائی است که اول آنها تسبیح است .

پایان سوره واقعه

سورهٔ حدید

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ ما فِي السَّمٰواتِ وَما فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١) لَهُ مُلْكُ
السَّمٰواتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (٢) هُوَ
الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالْباطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٣) هُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمٰواتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اسْتَوىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ ما
يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَما يَخْرُجُ مِنْها وَما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَما يَعْرُجُ فِيها وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيْنَ ما كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٤)

(سورة حديد)

سورهٔ حديد در مدينه نازل شده ، بيست ونه آيه ، پانصد وچهل وچهار كلمه دوهزاروچهارصدوهفتاد وشش حرف است . خواص وثواب تلاوت آن : ابن بابويه ازحضرت صادق عليه السلام روايت كرده كه فرمود هر كس سورهٔ حديدو مجادله رادر نمازهاى خود قرائت نمايد خداوند اورا هر گز عذاب نميكند تا بميرد وهيچ‌بدى در نفس ومال واهل بيت او نرسد ـ طبرسى از حضرت باقر عليه السلام روايت كرده كه فرمود هر كس هرشب تمام سوره هاى سبح لله را پيش از خواب قرائت كند از دنيا نميرود مگر آنكه درك كند حضور حضرت قائم عليه السلام را واگر بميرد درجوار پيغمبر خدا باشد ودر خواص قرآن از پيغمبر اكرم صلى الله عليه وآله روايت كرده كه فرمود هر كس اين سوره را تلاوت كند برخدا لازم است كه او را از عذاب خود ايمن داشته ودربهشت متنعم گرداند واگر شخص محبوس برقرائت اين سوره مداومت كند خداوند اورا خلاص گرداند واگر كسى اين سوره را نوشته وهمراه خوددر جنگ نگاه دارد تير و شمشير باو اصابت نكند ودر كارزار قوى دل باشد واگر به

ترجمه سورهٔ حدید

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها وزمین است همه به تسبیح وستایش خداوند مشغولند و اواست پروردگارمقتدروقاهر(۱) آنخدائی که آسمانها وزمین ملك اواست و خلق را زنده می کند ومی‌میراند وبرهرچیز قادراست (۲) اول هرچیز و آخر هر چیز واوست ظاهر وباطن ،وپنهان اوست وبهمه‌امور عالم داناست (۳) آنخدائی استکه آسمانها وزمین را درشش روز بیافرید پس ازآن بتدبیر عرش پرداخت هر چه در زمین فرو رود وآنچه برآید وهرچیزی که ازآن فرود آید وبالا رود همه‌را می‌داند وهرکجا باشید اوباشما است وبآنچه کنید خدا آگاه است (٤)

بدنش فرورفته برآن بخواند بدون درد بیرون آید .

خلاصهٔ مطالب سورهٔ حدید عبارت است از تنزیه ذات اقدس پروردگار و اقرار بوحدانیت او وترغیب برطاعت‌وفرمانبرداری از اوامرحق‌وسبقت درخیرات، و بخشی از داستان حضرت نوح و ابراهیم قوله تعالی (سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم له ملك السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیئی‌قدیر) هرچه در آسمانها وزمین است‌تسبیح کردند خدای مقتدر و عزیزوتوانا را . تسبیح عقلا عبارت‌است از تنزیه و تقدیس ذات پروردگار از هرگونه‌صفات نقص و آنچه لایق شأن خدای جل وجلاله نیست‌قولا واعتقاداً و لفظاً ومعناًوتسبیح غیر عقلا و جمادات عبارت ازآفرینش و هستی آنهـا است که دلیل است بر آنکه آنها را خالقی پدید آورده که مستحق ستایش و تنزیه است یعنی افعال پروردگار و آفرینش او ذی روح و غیر ذی روح را در آسمان و زمین دلالت میکند که‌آنها را صانع و فاعلی بوجود آورده که مستحق ستایش و پرستش است و چون در آنها نگرند علم واعتقاد پیدا کنند بخالق و صانعی و چون حامل تنزیه وتسبیح‌هستند بمنزله آنست که خود آنها تسبیح و سجده میکنند چنانکه در سوره اسری آیه۴۲ فرمودند و ان من شیئی الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم و هیچ چیزی

لَهُ مُلْكُ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (٥) يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ (٦) آمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (٧) وَما لَكُمْ لا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ الرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَ قَدْ أَخَذَ مِيثاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (٨) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلىٰ عَبْدِهِ آياتٍ بَيِّناتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ (٩)

نیست مگر آنکه بذکر و تقدیس و تنزیه خدای تعالی اشتغال دارد ولی تسبیح موجودات را مردم نمی‌فهمند وموجودات عموماً ازجهت‌خلقت پروردگاررا تسبیح میکنند چه هر موجودی حادث و هر حادثی بصانع قدیم بی‌نیازیکه او را لباس هستی بپوشد محتاج است و این توجه و احتیاج تسبیح او باشد پادشاهی و ملک آسمانها و زمین‌مخصوص اواست خدا مردگان‌را برای‌حساب زنده نموده ومیمیراند زندگان را در دنیا، و برهمه چیز قادر و توانا است قدرت دارد برمعدومات‌بایجاد و آفرینش آنها و بر موجودات بتغییر و فنا و نیستی ایشان وبر افعال بندگان و مقدورات آنها بسلب قدرت آنان (هوالاول والاخر و الظاهر و الباطن وهوبکل شیئی علیم) آن‌خدا اولی است بی‌ابتداء، و آخری است بی‌انتهاء، وغالب و قاهر است بر تمام موجودات و از حواس دور است هیچ‌حاسه‌ای‌ازحواس‌اورا درك نکند و داناست باسرارنهانی - در کافی ذیل آیه فوق‌از ابن ابی‌یعفور روایت کرده گفت از حضرت صادق عليه السلام معنای آیه را سؤال نموده و عرض کردم معنای اول را میدانم تمنی دارم آخر را تفسیر بفرمائید فرمود بدان، چیزی نیست در عالم مگرآنکه کهنه میشود و تغییر و تبدیل پیدا میکنند و دستخوش زوال شده از حالی بحالت

پادشاهی آسمان وزمین متعلق اواست وبازگشت کارها بسوی اواست (۵) شب را در روز نهان کند و روزرا درشب پنهان سازد و اوست که باسرار درونی خلق آگاهست (۶) بخدا ورسول او ایمان آورید و از آنچه شما را وارث گذشتگان گردانیده است انفاق کنید. زیرا کسانیکه ایمان آورده‌اند و انفاق می کنند پاداش بزرك خواهند داشت (۷) چه شده‌است که بخدا ورسولش ایمان نمی آورید وحال آنکه رسول حق شمارا براه ایمان دعوت می کند وخداهم از شما درعالم ذر پیمان گرفته‌است اگر باوردارید (۸) اوست‌خدائی که بر بنده خود محمد صلی الله علیه وآله آیات قرآن را نازل کرد تا شما بندگان را از تاریکی جهل و گمراهی بیرون آورد و بنور دانش و ایمان رهبری کند خداوند بسیار نسبت بشما مهربان است (۹)

دیگر و از رنگ وهیئتی بهیئت دیگر بر میگردد و از زیادی بنقصان و ازنقصان بزیادی وازصفتی بصفت دیگر مبدل گردد ولی پرورد گار جهانیان همیشه بیك‌حالت بوده و هست اول وپیش از هر چیزی او است وآخر و بعد ازهر موجودی اواست وزوال ندارد ومختلف نشود براو صفات‌و اسماء چنانکه غیراو اختلاف پیدامیکند مانند انسان و سایر موجودات دیگر چه انسان از اول خاك بوده بعد از آن نطفه شده سپس خون بسته گشته بعد گوشت و استخوان و انسان کامل گردیده پس‌ازآن می‌میرد و مجدداً خاك می‌شود وچنانکه خرما از اول بسر بود بعد رطب شده سپس تمر می‌شود واسامی مختلف بر آن اطلاق‌میگردد پس‌اسماء وصفات اشیاءوموجودات تغییر و تبدیل پیدا میکند ولی‌هر گزاسماء وصفات‌خدای‌تعالی‌تغییر پذیر نیست. از حضرت رضا علیه السلام روایت‌شده که‌فرمود‌ظاهر بودن‌خدایتعالی‌ازجهة آنکه‌فوق‌موجودات تکیه نموده وبر آنها قرار گرفته نیست بلکه ازجهت آنست که مقهور نموده‌اشیاء را وبر آنها غلبه وقدرت دارد چنانکه کسی‌می گوید ظهرت علی اعدائی یعنی‌غالب شدم بردشمنان خود ودیگر جهة آنست که مدبرتمام موجودات است پس کدام ظاهر، واضح وهویداتر ازخداست. صنعت و آثاراورا بطور کامل در موجودات‌بهر طرف که توجه نمائی مشاهده میکنی ودر وجود خودت آنقدر آثار صنع الهی

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (١٠) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (١١) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (١٢)

نهاده شده که تورا ازغیرخود بی نیاز گرداند . وظاهر نسبت بماچیزیستکه‌بنفسه هویدا است وبجده آشکاراست وما ازجهت اسم ، با خداوند مشترك هستیم نه ازجهت معنی چنانکه بیان شد واما باطن‌نیست ازجهت آنکه بطون اشیاء است بلکه‌مراد ازباطن ، علم وحفظ وتدبیر اواست باشیاء چنانکه کسی میگوید ابطنت یعنی دانستم سرمکتوم و پوشیده او را و اطلاع بر او پیدا کردم و باطن نسبت بما چیز پنهانی و مستور است و اطلاق باطن بما باین معنی‌است. پس‌باخدادراطلاق باطن اشتراك درلفظ داریم نه درمعنی واین دوحدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده است :

محمد بن عباس ازجابر انصاری روایت کرده گفت عمار را دریکی از کوچه های مدینه ملاقات نمودم پرسیدم پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله کجاست جواب داد باجمعی از اصحاب در مسجد می‌باشند بمسجد رفته بحضورش شرفیاب شدم در آن اثناء علی ابن ابیطالب علیه‌السلام نیز تشریف آورد پیغمبر ازجای خود باحترام آنحضرت بلند شد و میان دیده های اورا بوسید وپهلوی خود نشانید پس ازآن فرمود یا علی از جابرخیز وباخورشید تکلم کن پاسخ تورا خواهد داد آنحضرت بخورشیدخطاب

چرا در راه خدا انفاق نمی کنید وحال آنکه وارث تمام اهل آسمانها و زمین خدا است مسلما نانی که پیش ازفتح مکه در راه خدا انفاق و جهاد کردند با آنهائی که نکردند یکسان نیستند آنها اجر ومقامشان بزرگتر است از کسانی که بعد از فتح وقدرت اسلام انفاق وجهاد کردند خداوند بهمه وعده نیکووپاداش داده واو بهرچه کنید آگاهست (۱۰) کیست که بخدا قرض نیکو دهد تا خداوند پاداش اورا چندین برابر گرداند وجزای نیك باو عطا فرماید (۱۱) ایرسول ما بیادآور روزیرا که مردان وزنان مؤمن نور ایمانشان پیش رو وسمت راست آنها بشتابد ومژده دهد آنانرا به بهشتی که زیر درختانش نهرهای آب جاریست و درآن جاودان خواهند بود، این است رستگاری وفیروزی بزرك (۱۲)

کرد وفرمود ای مخلوق باعظمت خدا چگونه صبح کردی عرض کرد بخیر و خوشی ای اول وای آخر وای ظاهر وای باطن وای کسیکه بهرچیزی توانائی داری وباسرار نهانی جهانیان آگاه هستی ای برادر و وصی پیغمبر آخر زمان، تمام مردم ازاین جواب خورشید مضطرب وحیران گشتند حضور پیغمبرمراجعت نموده داستان پاسخ خورشید را بامیرالمؤمنین علیه السلام بسمع مبارك پیغمبر رساندند وعرض کردند چگونه است که خورشید علی را باین اوصاف الهی خطاب نمود؟! پیغمبر فرمود مراد باول آنست که علی علیه السلام اول کسی است که بخدا ایمان آورده ومنظور ازآخرین کسی است که مرا روی تخته مغتسل مشاهده می کند و اولین وصی پیغمبر آخرزمان است وبعد ازمن دیگر پیغمبری نیست و مراد بظاهر آنست که او برمخزون سرّ خداوند و من آگاه باشد و مقصود از باطن بطون علم من باشد واما علم خداوند: نازل نکرده است علمی از حلال و حرام وواجب ومستحب وتنزیل وتأویل و محکم و متشابه و مشکل را مگر آنکه علی بهمه آنها داناست و اگر ترس آن نبود که طایفه ای درحق او می گفتند آنچهرا که نصارا در حق عیسی گفته‌اند، در بارهٔ علی منقبتی می گفتم که عبور نمی کرد از جائی مگر آنکه مردم خاك زیر قدم اورا برمیداشتند و از آن طلب شفا می نمودند.

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَالْمُنافِقاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَراءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ (۱۳) يُنادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قالُوا بَلى وَلكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمانِيُّ حَتَّى جاءَ أَمْرُ اللهِ وَغَرَّكُمْ بِاللهِ الْغَرُورُ (۱۴) فَالْيَوْمَ لا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْواكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

(هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام) تفسير این آیات را بیان نمودیم.

(آمنوا بالله ورسوله و انفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين آمنوا منكم وانفقوا لهم اجر كبير) در این آیه بمردم خطاب می کند ومیفرماید ایخردمندان خدارا تصدیق کنید واقرار واعتراف نمائید بیگانگی او وباخلوص اورا عبادت کنید و تصدیق کنید رسولش را واعتراف نمائید بنبوت او ودرراه خدا از مال وثروتیکه از دیگران وگذشتگان بارث بشمارسیده انفاق کنید دراین آیه خداوند بندگان خودرا آگاه می کند باینکه اموال وثروتیکه در تصرف آنها است بارث بدیگران خواهد رسید چنانکه از گذشتگان بایشان رسیده است وآنها را ترغیب و تحریص می فرماید که حظ و نصیب خودرا ازآن اموال پیش ازآنکه بارث منتقل بدیگران شود استیفاء کنید آنگاه پاداش آنان را که در راه خدا انفاق کنند بیان می‌فرماید: کسانی که اموال خود را درراه خدا انفاق نمایند اجر و پاداش بزرگی خواهند داشت.

(وما لكم لاتؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد اخذ ميثاقكم ان كنتم مؤمنين) در این آیه بطریق توبیخ می‌فرماید چه شده است شما

در آنروز مردان و زنان منافق باهل ایمان گویند شتاب مکنید و بنگرید مارا تا از نور وروشنائی شما ماهم بر گیریم درجواب آنها گفته شود باز گردید بعقب سر خود وازآنجا نوررا طلبید درآنوقت پرده‌ای میان آنها زده شود که آن را دری است درونش رحمت است وبرونش شکنجه وعذاب (۱۳) منافقان مؤمنین را ندا کنند ومی گویند آیا ما باشما نبودیم گویند آری ولکن شما خودتان رادر بلا افکندید وانتظار هلاکت مؤمنان را داشتید ودرکار دین شك کردید و مغرور کرد شما را آرزوهای دنیا تاآنکه امر خدا فرا رسید وشیطان شمارا از خداغافل نموده سخت بخدای تعالی مغرورتان ساخت (۱٤) پس امروز فدا و عوضی از شما گرفته نشود ونه ازکسانیکه کافر شدند وجایگاه شما آتش دوزخ است و شما سزاوارید بآن وچه بد منزل وباز گشتی است جهنم (۱۵)

را که بپروردگار خودتان ایمان نمی آورید و رسول او شمارا براه حق دعوت می کند وخداوند هم در عالم ذر ودر عقل خودتان از شما عهد وپیمان گرفته است اگر ایمان دارید اوآن خدائی است که بربنده خود محمد ﷺ آیات و علامات و دلائلی روشن فرو فرستاده تا شما بندگان را از تاریکی جهل و نادانی بیرون آورده وبنور علم و ایمان رهبری کند خداوند بشما بسیار مهربان ورحیم است.

(وما لکم الاتنفقوا فی سبیل الله ولله میراث السموات والارض لایستوی‌منکم من انفق من قبل الفتح وقاتل اولئك اعظم درجة من الذین انفقوا من بعد وقاتلوا وکلا وعد الله الحسنی والله بما تعملون خبیر) وبرای چه شما درراه خدا انفاق نمی کنید ، وحال آنکه میراث اهل آسمانها وزمین برای خدا است یعنی شما و اموالتان در اثر مرگ نابود خواهید شد فقط ذات مقدس خدا باقی است پیش از آنکه بر اثر مرگ دنیا را ترك نمائید حظ و نصیب خودرا از اموال و دارائی خود استیفاء کنید پس ازآن می‌فرماید انفاق پیش از فتح مکه وجهاد کردن قبل از آن نزد خدا ثواب وپاداش بیشتری داشت تا ازانفاق‌وجهادبعدازفتح . وپرورد گار بهر یك ازانفاق کنندگان‌وعده بهشت وپاداش نیکومیدهد وآگاه است‌بحال‌ایشان وکسانیکه درراه اوجهاد می کنند .

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ
وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ
قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶) إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ
مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۷) إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ
الْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۸)
وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ
أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۱۹)

(من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له وله اجر کریم) در کافی ذیل آیه فوق از اسحق بن عمار روایت کرده گفت معنای آیه‌را ازحضرت‌موسی ابن جعفر علیه‌السلام سؤال نمودم فرمودآیه نازل شده در شأن خویشان و خاندان آل محمد علیهم‌السلام وصله‌نمودن‌با امام زیرا خداوند احتیاجی باموال‌مردم‌ندارد تاازآنهاقرض بگیرد وهرحق ومالی که بخدای تعالی متعلق است برای ولی و خلیفه او است و اینحدیث را محمد بن عباس از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده است وآنحضرت فرمود بردر بهشت نوشته شده : بهردرهمی ازقرض هیجده برابر اجر وپاداش داده میشود ولی اعطاء صدقه ده برابر اجر دارد زیراقرض‌فقط بنیازمندداده میشودلکن صدقه بیشتر اوقات بدست غیر مستحق میرسد.

(یوم تری المؤمنین والمؤمنات یسعی نورهم بین ایدیهم وبایمانهم بشریکم الیوم) در کافی ذیل‌آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که فرمود روز قیامت نور چهرهٔ مردان وزنان مؤمن در پیش روی آنها بجلو میرود، ودر طرف راست آنان، ائمه معصومین ازآل‌محمد علیهم‌السلام هستند که نور دهنده ایشانند و بشتاب آنهارا بسوی منازلیکه دربهشت دارند سوق می دهند تا آنان را بمنزلهای خود

آیا وقت آن نرسیده تا کسانی که ایمان آورده‌اند دلهایشان بیاد خدا ترسان گردند و بآنچه ازحق فرود آمده متوجه شوند ومانند کسانی باشند که پیش ازاین کتاب برایشان نازل‌شدودوران طولانی بر آنها گذشت ودلهایشان زنك قساوت گرفت وبسیاری ازآنها تباه کار زیان وکارشدند (۱۶) بدانید ای مردم که زمین را خداوند پس ازمرك خزان زنده می گرداند ما آیات ودلایل قدرت خودرا برای شما بیان کردیم تا متنبه شده واندیشه کنید (۳۷) مردان وزنانی که در راه خدا صدقه واحسان کنند وبخدا قرض نیکو دهند خدا آنهارا چندین برابر سازد واز لطف خود بایشان پاداش عطا فرماید (۱۸) کسانی که بخدا و رسولانش ایمان آوردند آنها بحقیقت راستگویان عالمند وبرای ایشان نزدخدا اجرشهیدان است پاداش اعمال ونورایمانشان رامی‌یابند وآنانکه کافر شده وآیات ماراتکذیب کردند ایشان اهل دوزخند (۱۹)

در بهشت وارد کنند.

ابن بابویه از جابر انصاری روایت کرده گفت حضور پیغمبر اکرم نشسته بودم امیرالمؤمنین عليه السلام وارد شد پیغمبر باو فرمود یاعلی بشارت بدهم تورا همین ساعت جبرئیل نازل شد وخبر داد که پروردگار صاحب عزّت فرموده بشیعیان و دوستداران توهفت خصلت عطا کردم اول رفق ومدارا هنگام مرك دوم انس دروقت وحشت سوم نور هنگام ظلمت وچهارم ایمنی در وقت فزع و ترس پنجم قسط و عدالت در میزان حساب و اعمال ششم عبور کردن از صراط هفتم وارد شدن در بهشت پیش از داخل شدن سایر مردم در حالی که نور ایشان پیش روی آنها می شتابد.

(یوم یقول المنافقون والمنافقات للذین آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم قیل ارجعواوراءکم فالتمسوا نورا فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة و ظاهره من قبله العذاب) علی بن ابراهیم وحسین بسعید ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده اند که فرمود روز قیامت میان مردم نوری تقسیم میشود و بهر یك ازآنها بمقدار ایمانشان عطا کنند منافقین درآن روز بمؤمنین میگویند

إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَيٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (٢٠) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٢١)

شتاب نکنید و بما فرصت دهید تا ماهم از نور وروشنائی شما بر گیریم مؤمنین درجواب بآنهامی گویندبر گردید واز آنجا مانند ما کسب نور کنید یعنی بر گردید بسوی دنیا چه ما نور از دنیا آورده ایم در اثر اطاعت و فرمانبرداری. در این گفتگو باشند که بین آنها ومؤمنین حائلی کشیده شود که باطن ودرون آن رحمت است یعنی بهشت وظاهرآن عذاب دوزخ است، ازعقب حصار منافقین فریادمیزنند مگر ما با شما نبودیم جواب دهند بلی راست میگوئید در دنیا باما بودید لکن شما خود را بفتنه و هلاکت افکندید و در معصیت پروردگار غرق شدید و در کار دین شك داشتید و آرزوهای دنیا شما را فریب داد تا وقتیکه امر خدافرا رسیدوشیطان فریبنده تادم مرگ شما رااز یادخدا غافل و مغرور نمود امروز برای نجات هیچیك ازشما فدیه‌ای نمی‌پذیرند شما کافر بخدا وازمنافقین هستید وجایگاهتان آتش دوزخ بوده است و آن آتش پاداش شماست و بمنزلگاه بسیار بدی باز میگردید حضرت صادق عليه السلام فرمود سوگند بخدا، که پروردگار از این آیه یهود و نصاری راقصد نفرموده بلکه مرداش اهل قبله و منافقین و غاصبین حقوق آل محمد میباشد

محمد بن عباس از سلام بن مستنیر روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت

بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه ایست بیهوده ولهو وآرایش زنانه وفخر وخود ستائی بایکدیگر وحرص وافزودن مال و فرزندان در مثل مانند بارانی است که بموقع ببارد وگیاه اززمین بروید وبزرگران‌را بشگفت آردسپس بنگری که زرد وخشك وپوسیده شود ودرآخرت دنیا طلبانرا عذاب سخت باشد و مؤمنین را آمرزش وخوشنودی پروردگار . زندگانی دنیا نیست جز بهرهٔ اندك وفریب دهنده (۲۰) ای بندگان بگیرید بسوی آمرزش پروردگار وبه بهشتی که عرضش مقدار پهنای آسمان وزمین است وآماده شده برای کسانی که بخدا و رسولش ایمان آوردند این فضل خدا است بهر کس بخواهد عطا میکند وخداوند صاحب فضل وکرم بزرك است (۲۱)

باقر علیه‌السلام سؤال نمودم فرمود این آیه در بارهٔ ما اهل بیت و شیعیان و دشمنان ما نازل شده است روز قیامت که میشود خلایق رادر محشرجمع نموده و حصاری‌میان آنها از ظلمت و تاریکی زده میشود که باطن آن رحمت و نور و ظاهرش تاریکی و عذاب است خداوند ما و شیعیان و دوستداران ما را در باطن آن حصار که نور و رحمت است وارد میفرماید و دشمنان ما را در ظاهر آن که تاریکی و عذاب‌است قرار میدهد آنگاه دشمنان ما دوستان ما را صدا میکنند و میگویند آیا ما در دنیا با شما نبودیم دین و پیغمبر ما یکی نبود نماز و روزه و حج بیك طریق نبود فرشته ای از طرف پروردگار بآنها جواب میدهد بلی یکی بودید ولکن‌بعداز پیغمبراکرم فتنه و فساد نموده و امر خدا را که پیغمبر اکرم در باره علی بن ابیطالب و اولاد آنحضرت بشما رسانیده بود رها کردید و در آنچه پیغمبرفرمود شك نمودید وبدنبال باطل ومخالفین حق‌رفته و مغرور شدیدتاجائیکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ائمهٔ بعد از آن که همه بر حق بودند از شما یاری خواستند وشما را براه هدایت دعوت کردند نپذیرفتید شیطان شما را گمراه نموده و از راه خدادوری جستید امروز عوض و فدائی ندارید تانفس خود را بسبب آن فدا رها کنید و آن هم پذیرفتنی نیست و حسنه ای هم ندارید لذاجایگاه شما دوزخ است که بد منزلگاهی میباشد .

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٢٢) لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (٢٣) الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٢٤) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (٢٥)

(الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذکر الله وما نزل من الحق ولا یکونوا کالذین اوتوا الکتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست و کثیر منهم فاسقون) سبب نزول آیه فوق آن بود که منافقین بسلمان فارسی گفتند ما را خبر بده از آنچه در توراة دیده‌ای ازعجایب خدایتعالی آیه مزبور نازل شد و فرمود آیا وقت آن نرسیده است کسانیکه بزبان ایمان آورده‌اند دلهایشان بیاد خدا ترسان گردد و بآنچه از طرف حق نازل شده بدل توجه کنند و مانند کسانیکه پیش از این بر ایشان کتاب آسمانی آمد و روزگارطولانی بر آنها گذشت وقسی القلب شده واکثر فاسق شدند نباشند

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود تأویل این آیه جاریست در زمان غیبت امام عصر علیه السلام ومنظور، غیبت آن بزرگوار است که مدتها بطول می‌انجامد و اینحدیث را نعمانی و مفید نیزروایت کرده‌اند (اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها قدبینا لکم الایات لعلکم تعقلون) درکافی ذیل آیه فوق ازحضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود مقصود این نیست که باران میبارد و زمین سبز میشود بلکه مراد آنستکه خداوند مردانی را بر گزیند که زنده میکنند زمین را بعدل پس از آنکه مرده شده بود بظلم و ستم . سوگند بخدا اقامه حدود

هر رنج ومصیبتی که در زمین یا از جهت نفس خودتان بشما میرسد همه در کتاب لوح محفوظ است ، پیش ازآنکه آنرا ایجاد کنیم وحفظ آن بر خدا آسان است (۲۲) تا اندوهگین ودلتنگ نشوید بر آنچه از دست شما رفته است . وبآنچه بشما دلشاد نگردید . خداوند دوست نمی دارد هیچ متکبر خود ستائی را (۲۳) کسانی که بخل میورزند ومردم را هم به بخل وامیدازند . هر که روی بگرداند از حق بدانید خداوند از طاعت خلق بی نیاز و ستوده صفاتست (۲٤) ما پیغمبران خودرا با معجزات بسوی خلق فرستادیم وبا آنها کتاب و میزان نازل کردیم تاقوام حیات بعدالت وراستی بناشده وآهن را فرستادیم که در آن منفعتهای بسیاریست برای مردم تا معلوم شود کـه خدا رسولش را در پنهانی یاری می کند خداوند بسیار قوی و مقتدر است (۲۵)

خداوند در روی زمین سودش بیشتر است از آنکه چهل شبانه روز باران ببارد ـ . ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند زنده میگرداندزمین را بوجود مقدس و ظهور حضرت حجة علیه السلام پس از آنکه مرده بود بسبب کافر بودن اهل زمین زیرا کافران درحکم مردگان میباشند (ان المصدقین والمصدقات و اقرضوا الله قرضا حسنا یضاعف لهم ولهم اجر کریم) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود : خداوند واجب‌نموده در اموال اغنیاء فریضه ای را که ستایش نمیشوند دراثر اداءآن و آن فریضهٔ زکوة است . بواسطه زکوة خونآنها محفوظ استوبسبب اداء زکوةمسلمان نامیده میشوند. وحقوق دیگری بر ایشان واجب فرموده و آیه فوق را تلاوت فرمودند . حضرت موسی‌بن جعفر علیه السلام فرمود آیه نازلشده در حق کسانیکه صله امام بجا میآورند (والذین آمنوا بالله ورسله اولئك هم‌الصدیقون والشهداء عند ربهم لهم اجرهم ونورهم) در محاسن از زید بن ارقم روایت کرده گفت حضرت امام حسین علیه السلام فرمود شیعیان ما صدیق و شهید هستند . حضورش عرض کردم‌چگونه آنها شهید میباشند و حال آنکه بسیاری از ایشان در رختخواب خود مرده‌اند فرمود مگر تلاوت نکرده‌ای آیه ۱۹ از سوره حدید را و آیه مزبور را تلاوت فرمودند .واز منهال قصاب روایت

وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً وَ إِبْراهِيمَ وَ جَعَلْنا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْكِتابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (۲۶) ثُمَّ قَفَّيْنا عَلى آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّيْنا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ آتَيْناهُ الْإِنْجِيلَ وَ جَعَلْنا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبانِيَّةً ابْتَدَعُوها ما كَتَبْناها عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغاءَ رِضْوانِ اللَّهِ فَما رَعَوْها حَقَّ رِعايَتِها فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ (۲۷)

کرده گفت عرض کردم حضور حضرت صادق عليه السلام فدایت گردم دعا بفرمائید تا من شهید بشوم فرمود مؤمن هر کجا بمیرد شهید مرده است مگر قول خدایتعالی را نخوانده‌ای که میفرماید (والذین آمنوا بالله و رسله اولئك هم الصدیقون والشهداء عند ربهم).

ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنين عليه السلام در یکروز اصحاب خود را چهار صد باب علم و دانش تعليم نمود از آنجمله فرمود ایمردم دوری بجوئید از مردمان سفله و پست فطرت زیرا آنها از خداوند نمیترسند و بسیاری از آنها قاتلین پیمبران و دشمنان ما واهل بیت هستند خداوند توجهی بروی زمین نمود و از میان تمام مردم ما اهل بیت را برگزید و شیعیانی برای ما انتخاب فرمود آنها یاری میکنند مارا و مسرور هستند بفرح ما و محزونند بحزن ما و اموال و نفسهای خود را در راه دوستی ما بذل میکنند و کسی از شیعیان ما نیست که مرتکب معصیتی بشود مگر آنکه خداوند او را مبتلا نماید به بلیه‌ای یا در مال و یا در فرزند و یا در نفس او و یا سکرات مرگ را بر او سخت گرداند تا از دنیا پاك و بدون معصیت برود مردگان شیعه ما شهید و صدیق هستند چه آنها امر ما را تصدیق کرده‌اند و بخاطر ما با دوستان ما دوست و با دشمنان ما دشمن بودند، تقرب جستند بخدا بدوستی و دشمنی. پس از آن آیه مزبور را تلاوت نمود و فرمود از جای خود حرکت نکنید و صبر و برد باری را پیشه خود سازید

ما نوح وابراهیم را فرستادیم ودرفرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قراردادیم از آنها بعضی هدایت یافته وبسیاری تبه‌کارشدند (۲۶) واز پی نوح وابراهیم رسولانی دیگر فرستادیم سپس عیسی فرزند مریم رامبعوث کرده وباو کتاب انجیل عطا نمودیم ودر دل پیروان او رأفت ومهربانی نهادیم ولی آنها رهبانیت‌را ازپیش خود اختراع کردند ما بر آنها جز رضا وخوشنودی خود چیزی ننوشتیم اما آنها آنطور که‌باید وشاید آن را رعایت نکردند بآنهائی که ایمان‌آوردند پاداش عطا کردیم‌بسیاری از ایشان راه فسق وتبه کاری را پیش گرفتند (۲۷)

و دست بشمشیر نزنید و عجله نکنید وبدانید هر کس از شما شیعیان‌در فراش‌خود بمیرد و بخدا ایمان و برسولش معرفت داشته، وعارف بحق ما اهلبیت باشد وحقوق مارا رعایت کند شهید مرده است و اجر او با خدا است و مانند کسی است که با شمشیر در راه خدا کشته شده باشد. محمّد بن عباس از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود روزی از روزها فرشتهٔ بزرگی موسوم بمحمود بر پیغمبر اکرم فرودآمد پیغمبر خواست او را ببوسدعرض کرد مهلاً ای محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله تو گرامی‌ترین تمام اهل آسمانها و زمین هستی سزاوار نیست مرا ببوسی وقتی خواست بآسمان بالا رود پیغمبر مشاهده کرد بر کتف محمود نوشته شده لا اله الاالله محمّد رسول‌الله علی الصدیق الاکبر باو فرمود ای حبیب‌من محمود از چه‌زمان این‌کلمات‌بر کتف تو نوشته شده عرضکرد دوازده هزار سال پیش ازخلقت آدم‌مکتوب است.

ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود علی صدیق اکبر این امت و فاروق اعظم است (والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئك اصحاب الجحیم)وآنانکه بخدا کافرشده و ولایت امیرالمؤمنین وفرزندانش‌را تکذیب کردند آنهااهل دوزخند (اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو و زینةوتفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال والاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته ثم یهیج فتریه مصفراً ثم یکون حطاما وفی الاخرة عذاب شدید) بدانید که زندگانی دنیا بحقیقت بازیچه ایست کودکانه ولهو و عیاشی جوانان و آرایش زنانه و فخر و خود ستائی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان ودر مثل مانند بارانیست که بموقع

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللّٰهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ (٢٨) لِئَلاَّ یَعْلَمَ أَهْلُ الْکِتابِ أَلاَّ یَقْدِرُونَ عَلیٰ شَیْءٍ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللّٰهِ یُؤْتِیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ (٢٩)

بباره و گیاهی درپی آن اززمین بروید وبرزگران دنیا پرست رابشگفت آوردسپس بنگری که زرد و خشك شده و پوسیده گردد. درعالم آخرت دنیا طلبان را عذاب سخت جهنم باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام بعمار یاسر فرمود ای عمار بردنیاغم‌مخور که تمام لذات دنیا شش‌چیزاست مطعوم ومشروب وملبوس و منکوح ومشموم‌ومر کوب اما شریفترین طعامها‌عسل است که فرآوردهٔ زنبور می باشد و بهترین‌مشمومات مشك است که از خون آهو است و نفیس ترین مرکوبها اسب است که مردان بی‌شماری را بر پشت خود بهلاکت می‌رساند وبهترین مشروبات آب است که تمام حیوانات از آن می‌آشامند و نیکوترین ملبوسات ابریشم باشد و آن بافتهٔ کرمی است و منکوحات زنانند و آنها وسیلهٔ دفع شهوت هستند پس دنیا چه زیبائی دارد و چگونه می‌شود بآن دلبستگی و تفاخر نمود و فرمود مصیبات دنیا بسیار است ومشاربش تیره و هیچ دوستی را بادوستی خود برخوردار نکند.

(سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا بالله ورسله ذلك فضل‌الله یؤتیه‌من یشاء والله ذوالفضل العظیم.)

آیه مزبور که نازل‌شد پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود جبرئیل خبر داد مرا که یکی از بندگان خدا بالای کوهی در وسط دریا پانصد سال عبادت میکرده خدای تعالی چشمه آب شیرین و درخت اناری در آنجا آفریده بود هر شب کنار درخت و چشمه‌آب می‌رفت اناری تناول میکرد سپس وضو میگرفت و مشغول نمازمی‌شد

ای کسانیکه بحق ایمان آورده‌ید خداترس وپرهیزکار باشید وبرسول او ایمان آورید تا خدا شما را از رحمتش دو نصیب مرحمت فرماید ونوری بشما عطا کند تاباَن نور راه پیمائید واز گناهانتان در گذرد. خداوند بسیار آمرزنده و مهربانست(۲۸) تااهل کتاب بدانند که آنها بهیچ چیز ازفضل ورحمت خدا قادرنیستند وهرفضل ونعمتی بدست خداست بهر که بخواهد میبخشد وخداوند صاحب فضل ورحمت بی پایانست(۲۹)

تمام شد ترجمه سوره حدید

ازخداوند طلب نمود که درحال سجده روحش را قبض فرماید و بهمان حالت تا روز محشر باقی بماند و زمین جسدش را فاسد نکند و از بین نرود دعایش مستجاب شد هروقت بآسمان عروج میکنم او را بحالت سجده می‌بینم ای محمد صلی الله علیه و آله مشاهده میکنم آن بنده را که روز قیامت درمحضر عدل الهی حاضر شده پروردگار امر فرماید که این بنده را از رحمت من داخل بهشت کنید عابد گوید به پاداش عبادت خود وارد بهشت می‌شوم خطاب رسد بفرشتگان او را بدوزخ برید چه مغرور بعبادت خویش شده و از نعمتهائیکه باو ارزانی داشتیم غافل است تمام نعمتهای خود راباو بخشیدیم عبادتش را بجای نعمت چشم که بوی دادیم محسوب بدارید حق وپاداشی ندارد که بآن واسطه وارد بهشت شود درآن هنگام عابد متوجه تقصیر خود شده وبا عجز وزاری گوید پروردگارا بفضل و رحمت خود از تقصیر من در گذر ومرا وارد بهشت کن بفرشتگان خطاب شود بازگردانید او را حضور ما سپس فرماید ای بنده من که ترا از نیستی بوجود آورد وآفرید و انواع نعمتها داد وقوت و توانائی بتو بخشید که عبادت نمودی و که از برایت در جوار دریای شور آب شیرین خلق کرد و درخت انار رویانید آیا این نعمتها بقدرت و توانائی تو بود یا از فضل و رحمت من است ؛ عرض می کند : پروردگارا تمام آنها از فضل ورحمت تو بوده که براین بنده عنایت فرمودی خطاب رسد بلی تمام نعمتها را ما عطا کردیم ای فرشتگان الحال که اقرار و اعتراف نمود بفضل و رحمت ما او را از رحمت خود داخل بهشت گردانم .

سید رضی در خصایص ذیل آیه فوق ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود

بزرك نصارای نجران نزد عمر آمد گفت اراضی ما بسیار سرد است و تاب تحمل قشون را ندارد خود من ضامن خراج می‌شوم وهرسال آنرا می‌آورم یکسال با جمعی از اعوان خود آن پیرمرد نیکومنظرخراج را آورد عمر اورا دعوت باسلام نمود وفضایل اسلام را برایش بیان کرد آن نصرانی گفت ایعمر مسائلی چنددارم جواب آنها را بیان کن.

۱ ـ در قرآن شما هست که عرض بهشت بمقدار آسمانها و زمین است پس جای جهنم کجا است عمر از پاسخ او عاجز شد و از خجالت سر بزیر افکند امیرالمؤمنین عليه‌السلام تشریف داشت عمر عرضکرد یاعلی جواب سؤال نصرانی را شما بفرمائید. فرمود چرا خودت پاسخ اورا نمی دهی عرض کرد نمی‌دانم فرمود ای‌بزرك نصرانی بگو ببینم هروقت روز ظاهر می‌شود شب بکجا می‌رود نصرانی ملتفت شد گفت بخدا قسم تا بحال کسی جواب این سؤال مرا نداده بود سؤال کرد ایعمر این جوان کیست گفت علی بن ابیطالب پسرعم پیغمبر و داماد وپدر حسنین فرزندان رسول خدا است.

۲ ـ نصرانی بعمر گفت خبر ده مرا ازبقعه‌ایکه یکساعت بیش آفتاب در آن نتابید و دیگرهم نمی تابد عمر گفت یاعلی عليه‌السلام جواب اورا بده امیرالمؤمنین فرمود آندریائی بود که شکافته شد برای بنی اسرائیل نصرانی گفت راست گفتی.

۳ ـ پس از آن سؤال نمود ایعمر آیا دردنیا چیزهائی وجود دارد که بمیوه های بهشتی شباهت داشته باشد که هرچه ازآن بردارند کم نشود عمر جواب داد نمی دانم از علی سؤال کن امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود بلی آن چیز قرآن است اگرتمام اهل عالم جمع شوند وهر کس حاجات خود را ازآن بردارد ابداً ازقرآن چیزی کم نمی شود نصرانی گفت راست گفتی ایجوان.

۴ ـ مجدداً از عمر سؤال کرد آیا برای آسمان درهائی هست و آیا برای آن درها قفلی وجود دارد؟ عمر گفت از علی عليه‌السلام مطالب خود را سؤال کن امیرالمؤمنین فرمود بلی آسمان در دارد وقفل درهای آن شرك بخدا است و کلید درها شهادت ان لااله‌الاالله میباشد وهیچ‌چیزی مانع آن نیست مگرعرش پروردگار

۵ - نصرانی باز ازعمر سؤال کرد اول خونیکه در روی زمین ریخته شد چه خونی بود عمر جواب داد مگرمن نگفتم مسائل خودرا ازعلی بپرس امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود اول خونیکه ریخته شد خون رحم حوا بود در وقت زائیدن قابیل پسر آدم لکن مردم می گویند خون هابیل بود که برادرش قابیل اورا بقتل رسانید نصرانی گفت راست گفتی بعد از آن متوجه عمر شد و گفت ایعمر باید این مسئله را خودت جواب بدهی .

۶ - خبر بده مرا ایعمر خداوند کجاست عمر در غضب شد خواست نصرانی را بزند امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود ای نصرانی جواب سؤالترا از من بشنو: روزی حضور پیغمبر بودم فرشته ای وارد شد سلام کرد پیغمبر از او پرسید از کجا میآئی گفت از آسمان هفتم از نزد پروردگار فرشته دیگری وارد شد سؤال نمود از کجا آمده‌ای عرض کرد از تخوم زمین از نزد پروردگار سومی رسید جواب داد از مشرق زمین ازنزد پروردگار فرشته چهارم گفت من از مغرب زمین از نزد پروردگار می‌آیم پس خداوند در همه جز هست در آسمان وزمین و او دانا و توانا است حضرت باقر علیه‌السلام فرمود همنای فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام اینست که فرشتگان از هرطرف که بیایند از ملکوت پروردگار آمده‌اند و از علم خداوند چیزی پنهان نیست .

(ما اصاب من مصيبة في الارض ولا في انفسكم الا في كتاب من قبل ان نبرأها ان ذلك على الله يسير) هر رنج ومصیبتی که در زمین ازقحطی و آفت وفقر وستم یاازنفس خویش مانند ترس وغم ودرد والم بشما رسد همه در کتاب لوح محفوظ ما پیش از آنکه در دنیا ایجاد کنیم ثبت است و حفظ آن بر خدا آسان است ــ . در کافی ذیل آیه فوق از حفص بن غیاث روایت کرده گفت سؤال نمودم ازحضرت صادق علیه‌السلام راجع بزهد در دنیا و حدآن فرمود ده چیز است اعلی درجه زهد ادنی درجه ورع است واعلی درجه ورع ادنی درجه یقین است و اعلی درجه یقین ادنی درجه رضوان است وزهد را خداوند درآیه لکيلا تاسوا على مافكم ولا تفرحوا بما آتاكم جمع و بیان فرموده ــ .

و از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود وقتیکه سر مقدس حضرت امام حسین عليه السلام و اهل بیت آن بزرگوار را بریزید ملعون وارد کردند حضرت امام زین العابدین عليه السلام را باغل آهنی بسته بودند چون نگاه یزید بر آنحضرت افتاد گفت ایعلی بن الحسین عليه السلام حمدخدایرا که پدرت حسین عليه السلام را کشت آنحضرت فرمود خداوند لعنت کند کشنده پدرم را ای یزید تو گمان میکنی که نعوذ بالله پروردگارم را لعن میکنم (یعنی خداوند اورا نکشت بلکه تو کشتی) یزید در غضب شد امر کر سر مقدس آنحضرت را جدا کنند فرمود اکنون که قصد کشتن مرا داری دختران رسول خدا را چه کسی بمنزلهایشان برمیگرداند و حال آنکه محرمی بجز من ندارند یزید گفت خودت برگردان از کشتن تو منصرف شدم پس از آن سوهانی طلب نمود و بدست خودش غل آهنی را از گردن آنحضرت بیرون آورد گفت میدانی چرا من اینکار را بدست خود انجام داده‌ام فرمود بلی میخواستی دربر داشتن غل کسی بغیر از خودت منت بر من نگذارد یزید گفت آری چنین است ایعلی بن الحسین عليه السلام « ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم » یعنی این ابتلا را خودتان بدست خود درست کرده‌اید فرمود آنحضرت حاشا که چنین باشداین آیه در باره ما نازل نشده بلکه آیه ما اصاب من مصیبةٍ فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب در حق ما نازل شد ما اهل بیت پیغمبر تأسف نمیخوریم بر آنچه از مافوت شده و خوشحال نمیشویم بآنچه بما داده شده بلکه تسلیم امر پروردگارهستیم حضرت صادق عليه السلام فرمود خداوند راست فرمود و نیز رسولانش کتابهائیکه در آسمان تعلیم آنها نموده بود و کتابهای خداوند در زمین که شب قدر تعلیم ماائمه میدهند و همچنین در غیر شب قدر که تمام آنها نوشته شده از مقدرات خلایق در باره آنها پیش از آنکه ایشان را بیافریند (لکیلا تاسوا علی مافاتکم و لاتفرحوا بما آتاکم والله لایحب کل مختال فخور) حضرت صادق عليه السلام فرمود شخصی معنای آیه فوق را ازپدرم حضرت باقر عليه السلام سؤال نمودفرمود این آیه نازل شده درباره ابوبکر و عمر و یاران آنها یکی مقدم و دیگری مؤخر چه ایشان غمگین شده بودندبآن چیزهائیکه خداوند عطا نموده و اختصاص داده بود بامیر المؤمنین عليه السلام از امامت

ولایت و خوشحال بودند بآن فتنه‌ایکه از غصب خلافت و فدك و کشتن حضرت فاطمه زهرا (ع) دختر پیغمبر اکرم و گمراه کردن خلایق بعد از رحلت رسول خدا بر پا کرده بودند سائل عرض کرد بحضرت باقر علیه السلام شهادت میدهم که شما ائمه فرزندان رسولخدا صلی الله علیه و آله بر حق هستید و شکی درحقانیت شما ندارم صاحبان حکم و موالیان خلق میباشیدحضرت صادق علیه السلام فرمود دیگر کسی شخص سائل را پس از سؤال و شنیدن جواب مشاهده ننمود (الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل و من یتول فان الله هو الغنی الحمید) متکبرین خود خواه همان‌هائی هستند که در احسان کردن بخل ورزیده و مردم را هم ببخل و منع احسان و امیدارند کسانی که از دعوت واطاعت خداوند اعراض نموده وروگردان هستند بایدبدانند که خدایتعالی از طاعت خلق بی نیاز است و اوست حمید و مجید (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسطوانزلنا الحدید فیه بأس شدید و منافع للناس ولیعلم الله من ینصره ورسله بالغیب ان الله قوی عزیز) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودوصیت کرد موسی بوصی خود یوشع بن نون ووصیت نمود یوشع بفرزند هارون ووصیت نکردبفرزندان خود زیرا خداوند بر میگزیند هر کرا بخواهد موسی‌ویوشع به بنی اسرائیل آمدن حضرت عیسی را بشارت دادند وقتی که عیسی مبعوث شد بمردم گفت بزودی بعد از من پیغمبری می‌آید که نام او احمد است و از فرزندان اسمعیل میباشد تصدیق میکند پیغمبری مرا و من نبوت او را تصدیق میکنم واین وصیت جاریشددر میان حواریین ومستحفظین. خداوند آنها را به مستحفظین‌ملقب‌فرمود چه ایشان‌حفظ نمودند اسم بزرگ را و آن کتابی است که بآن هر چیزی‌دانسته میشود و نزد پیغمبران گذشته بوده چنانکه میفرماید و لقدارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و کتاب اسم بزرگتری است که تفسیرمیشود بآن توریة و انجیل وفرقان و در آن کتاب‌های نوح و صالح و شعیب و صحف ابراهیم میباشد که خداوند خبر میدهد بآن و کجا است صحف ابراهیم و موسی همان اسم بزرگ است پس پیوسته وصیت میشد بعالمی بعد از عالم دیگر تا آنکه‌رد کردند آن را بسوی محمد

صلی الله علیه و آله و سلم وقتی آنحضرت مبعوث شد اسلام آوردند و تسلیم او شدند باقی ماندگان از از مستحفظین و تکذیب کردند آنحضرت را بنی اسرائیل و جهاد کرد پیغمبر در راه خدا پس از آن ابلاغ شد بر حضرتش که فضیلت و شرافت امیرالمؤمنین علیه السلام را بمردم ابلاغ کند آن حضرت نیز فضیلت آنجناب را بر مردم اعلام فرمود جبرئیل نازل شد و گفت ایرسول خدا روزگار حیات شما منقضی شد و نبوتت کامل گردید اسم اعظم و میراث علم و آثار نبوت را نزد علی ودیعه گذار زیرا زمین نباید هرگز خالی از حجت باشد تا بسبب او مردم مرا اطاعت نموده وولایت او را بپذیرند و این وصی تو حجت است برای آنهائیکه بعد از این متولد شده و بدنیا میآیند پیغمبر بامر خدا وصیت کرد بامیرالمؤمنین علیه السلام و اسم اعظم با میراث علم و آثار نبوت را باو تفویض نمود ووصیت کرد بهزار کلمه و هزار باب علم که از هر کلمه و بابی هزار کلمه و باب دیگر مفتوح شد چنانکه خود آنحضرت فرمود.

ابن شهر آشوب ذیل آیه وانزلنا الحدید از ابن عباس روایت کرده گفت مراد بحدید در این آیه ذوالفقار است خداوند آن را از آسمان برای پیغمبر فرستاد و آنحضرت آن را بامیرالمؤمنین عطا نمود (ولقد ارسلنا نوحا و ابراهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوة والکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون) ابن بابویه ذیل آیه فوق از ریان ابن صلت روایت کرده گفت جمعی از علماء درمحضر مأمون از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمودند ایفرزند رسول خدا آیا عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آل آنحضرت می باشد یا غیر آل هستند فرمود عترت همان آل هستند حضورش عرض کردند که اصحاب آنحضرت روایت کرده‌اند که پیغمبر فرمود آل من امت من می‌باشند فرمود در جواب آنها خبر بدهید مرا آیا صدقه بر آل محمد حرام است یا حلال عرض کردند حرام است فرمود پس بگمان شما صدقه برتمام امة حرام است گفتند حرام نیست فرمود فرق بین امة و آل آنست که صدقه بر آل حرام است و بر امت حلال پس آل محمد غیر از امت باشند وای بر شما آیا از ذکر خداوند رو بر گردانیدید یا از قوم مسرفین می باشید آیا نمی‌دانید که طهارت ووراثت واقع شده برمصطفین و برگزیدگان وهدایت کنندگان وراهنمایان نه برغیر آنها عرض کردند یااباالحسن بچه دلیل

این فرمایشات را می فرمائید فرمود بموجب آیه (ولقد ارسلنا نوحا و ابراهیم وجعلنا فی ذریتهما النبوة والکتاب) مانوح وابراهیم را فرستادیم و درفرزندانشان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم لکن آن فرزندانی که هدایت کننده هستند نه آنهائی که فاسق می‌باشند آیا نمی دانید هنگامی که نوح در خواست کرد از پروردگار نسبت بفرزندش وگفت خدایا فرزند من ازجمله اهل من باشد وتووعده فرمودی اهل مرا ازغرق شدن نجات دهی باو خطاب رسید ای نوح این فرزندت از اهل تو نیست واو اعمال ناصالح دارد سؤال نکن از من چیزیرا که علم ودانش بآن نداری من تورانصیحت می کنم مبادا اززمرهٔ جاهلان ونادانان ناشی (ثم قفینا علی آثارهم برسلنا وقفینا بعیسی بن مریم وآتیناه الانجیل وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفة ورحمة ورهبانیة ابتدعوها ما کتبناها علیهم الاابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعایتها فآتینا الذین آمنوا منهم اجرهم و کثیر منهم فاسقون) پس از نوح و ابراهیم رسولانی فرستادیم سپس عیسی بن مریم را مبعوث نموده و باو کتاب انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان او رحمت و مهربانی نهادیم ، لکن آنها رهبانیت و ترك دنیا را پیش خود اختراع نموده وبدعت گذاشتند مابر آنها جزآنکه رضا وخوشنودی خدارا طلبند در کتاب انجیل مقررنکردیم وبازآنها چنانکه باید و شاید مراعات آنرا نکردند ما هم بآنانکه ایمان آوردند پاداش و اجر شانرا عطا کردیم معذالك بسیاری از آنها براه فسق و تبه‌کاری شتافتند ـ .

در کافی ذیل آیه و رهبانیة ابتدعوها از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود نماز شب را خداوند بر آنها واجب نکرده بود ایشان برخود واجب نمودند و بحساب خداوند گذاشتند واینحدیث را ابن بابویه نیزروایت کرده‌است طبرسی از ابی مسعود روایت کرده گفت با رسولخدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سواره همراه بودم فرمود ای پسرمسعود آیا میدانی‌چگونه نصاری رهبانیت را بدعت گذاشتند عرض کردم خدا و رسولش بهتر میدانند فرمود بعد از عیسی ستمکاران برمؤمنین تسلط پیدا کردند و آشکارا معصیت خدا کردند مؤمنین سه مرتبه با آنها جهاد نمودند بسیاری از ایشان کشته شدند اندکی باقی ماندند با خود گفتند اگر بار دیگر مابا

آنها جهاد کنیم همه ما را خواهند کشت و کسی از ما نخواهد ماند که دین خدا را یاری کند ما در روی زمین پراکنده میشویم تا آنکه محمد صلی الله علیه و آله که عیسی خبر داده ظاهر شود آنها در غارها و شکاف کوه‌ها پراکنده شدند و آنجا ماندند بعضی بر دین خود باقی ماندند و بعض دیگر بدعتها نهادند پس از آن تلاوت نمود آیه فوق را و فرمود میدانی رهبانیت در امت من چیست عرض کردم شما داناترید فرمود هجرت کردن از دار کفر باسلام و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است پس از آن فرمود ای پسر مسعود آنهائیکه پیش از شما بودند هفتاد دو فرقه شده‌اند دو فرقه از ایشان ناجی هستند و باقی هالك یکفرقه کسانی هستند که با ملوك و ستمکاران در دین عیسی جهاد کردند و کشته شدند فرقه دوم آنهائی میباشند که از دست ستمکاران فرار نموده و دین خود را محفوظ داشته برطبق دستور عیسی عمل کردند.

لطیفه عرفا و اهل تحقیق گفته‌اند مردمان کامل آنهائی هستند که درب بدعت و اختراع را بروی خود و دیگران بسته‌اند و بر تکالیف و احکام الهی چیزی زیاد و کم نکرده‌اند و ذکر و اوراد خود را بغیر آنچه در قرآن و احادیث آل عصمت و طهارت وارد شده قرار نداده‌اند ایشان مطیع و فرمانبردار خدا و رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت هستند نه مخترع و بدعت گذار و اینگونه مردم بسیار اندکند

پیغمبر اکرم فرمود پس از من بدعت گذاران وشکاکان را مشاهده کنید از آنان بیزاری جوئید و تا میتوانید از آنها بدگوئی کنید و دشنام دهید و ناگهان بدستگیری ایشان قیام کنید و چندان کار را بر آنها دشوار سازید که نتوانند رخنه و فسادی در دژ مستحکم اسلام ایجاد سازند و بکلی بند طمع فسادشانرا ببرید و مردم را از آمیزش با آنان بیم دهید تا بدعتهای ایشان را یاد نگیرند اگر بدین دستور رفتار کردید خدای تعالی بر حسنات شما می‌افزاید و درجات شما را رفیع میگرداند.

و نیز فرمود هرگاه پرچمهای بدعت درمیان امت من افراشته شود بایستی شخص عالم و دانشمند تیغ بیدریغ علمش را از غلاف سینه بیرون کشد و با آنان بمبارزه بر خیزد و هر عالمی چنین نکند لعنت خدا بر او باد و فرمود هر بدعتی

که واقع شود مایه گمراهی است و هر گمراهی سر انجامش آتش است (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و یجعل لکم نورا تمشون به و یغفر لکم والله غفور رحیم) در کافی ذیل آیه فوق از ابی جارود روایت کرده گفت حضور حضرت باقر عليه السلام عرض کردم خداوند باهل کتاب خیر بسیاری عطا فرموده فرمود منظورت چیست؟ عرض کردم آیه الذین آتیناهم الکتاب هم به مؤمنون تا آخر جمله یؤتون اجرهم مرتین فرمود بشما مسلمانان نیز عطا فرمود و آیه فوق را تلاوت نمودند و فرمودند مراد بنور ائمه عليهم السلام میباشد که مردم بآنها اقتدا مینمایند و از سماعة بن مهران روایت کرده گفت سوال کردم از حضرت صادق عليه السلام معنای آیه کفلین من رحمته را فرمود کفلین حسن و حسین عليهما السلام میباشند که بشما عطا شده و نور سایر ائمه است که بآنها اقتداء میکنید پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله بانس بن مالك فرمود از برای علی دو نور است یکی در آسمان و دیگری در زمین هر کس تمسك بجوید بنور علی خداوند او را به بهشت داخل کند و هر که از او تجاوز نماید اورا وارد دوزخ نماید ای انس بشارت بده مردم را باینحدیث خداوند از نور صورت علی عليه السلام هفتاد هزار فرشته آفریده که پیوسته استغفار میکنند برای دوستان علی عليه السلام تا روز قیامت (لئلا یعلم اهل الکتاب الا یقدرون علی شیئی من فضل الله وان الفضل بیدالله یؤتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم) سبب نزول آیه آن بود چون پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله جعفر را با هفتاد نفر بسوی حبشه فرستاد تا نجاشی پادشاه حبشه و اهل مملکت اورا باسلام دعوت کنند آنها رفتند و دعوت کردند نجاشی و جمعی اسلام آوردند. وقتی جعفر و اصحابش خواستند مراجعت کنند جمعی از اهل حبشه که ایمان آورده بودند اجازه خواستند از نجاشی همراه جعفر حرکت کنند و حضور پیغمبر شرفیاب شوند نجاشی بآنها اجازه داد و حضور رسول خدا صلى الله عليه وآله رسیدند در غزوه احد مشاهده کردند که مسلمین از حیث مال محتاج میباشند به پیغمبر عرض کردند اجازه بفرمائید ما بحبشه برگردیم مال بسیاری آنجا داریم قدری همراه خود بیاوریم و صرف محتاجین مسلمین نمائیم پیغمبر اجازه داد رفتند مال بسیاری آوردند و بمسلمین عطا کردند خدایتعالی آیه

فالذین آتینا هم الکتاب من قبله هم به مؤمنون تا ومما رزقنا هم ینفقون را در باره ایشان نازل فرموده و نیز آیه یؤتون اجرهم مرتین رادر حقشان نازل نمود آنها فخر و مباهات کردند بر مسلمین و گفتند ما را دواجر وپاداش دهند یکی آنکه بکتاب انجیل ایمان داشتیم و دیگری بخاطر ایمان آوردن بکتاب شما پروردگار آیه یاایها الذین آمنوا اتقوا الله و آمنوا برسوله یؤتکم کفلین من رحمته و آیه لئلا یعلم اهل الکتاب را نازل نمود و فرمود تا اهل کتاب بدانند که آنها قادر بر هیچ چیز از فضل و رحمت خدا نیستند و هر فضل و نعمتی بدست خدا است بهر که میخواهد می‌بخشد و اودارای فضل ورحمت بی‌پایانست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر کس کنیزی داشته باشد واورا معارف دین تعلیم داده واحکام شرع بیاموزدو آزادش کند پس از آن اورا بعقد خود در آورد خداوند دو اجر باو عطا فرماید وهر بنده‌ای که اطاعت خدا ومولایش را بجا آورد و حق پروردگار و سیدش را انجام دهد خداوند دو پاداش باو مرحمت میفرماید و هر کس از اهل کتاب که ایمان دارد بآنچه عیسی علیه السلام آورده وآنها را بر حق بداند و نیز ایمان داردبآنچه محمد پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله آورده و عمل بآن کند پروردگار دو اجر ومزد باو کرامت خواهد فرمود

پایان سوره حدید

سورهٔ مجادله

بسم الله الرحمن الرحيم

قَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِي إِلَى اللهِ وَ اللهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱) اَلَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلاَّ اللاَّئِي وَلَدْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَراً مِنَ الْقَوْلِ وَ زُوراً وَ إِنَّ اللهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ (۲)

سوره مجادله در مدینه نازل شده و شامل بیست ودو آیه وچهار صد وهفتاد وسه کلمهو هزاروهفتصد ونود و دو حرف است. خواص و ثواب تلاوت آن مختصری درسوره حدیدبیان شد در خواص قرآن. از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره مجادله را قرائت کند روزقیامت ازرستکاران خواهدبودواگراین سوره رابنویسندوبرمریض به‌بندند درد اوساکن شود واگرچیزیرابخواهند ذخیره کنند این سوره را بر آن بخوانند محفوظ بماند و اگرنوشته و درمیان حبوبات نهندبر طرف کند هر چیزیکه‌فاسد میکندآنهارا. خلاصه مطالب سوره‌مجادله عبارت‌است از بیان کفاره ظهار و عقوبت مخالفین خدا و رسول واینکه خداوند برراز واسرار درونی مردم آگاهست و امربوسعت دادن درمجالس و بیان حال‌منافقین

قوله تعالی (قدسمع الله قول التي تجادلك في زوجها و تشتکي الی الله والله يسمع تحاورکما ان‌الله سميع بصير) این آیات نازل‌شده درباره خوله دختر خویلد و شوهرش اوس بن صامت که‌هردو از انصار هستند سبب نزول آن بود که اوس غضبناك شد بر عیال خود و باو گفت تومانند پشت مادرم برمن حرام هستی سپس ازگفتار خود پشیمان شد و درزمان جاهلیت‌رسم بر این بود که هر کس‌این گفتار رابعیال‌خودمیگفت آن‌زن براوحرام‌ابد میشد وبهیچ کیفیت نمیتوانست باوهمبستر بشود خوله عیال‌اوس حضور پیغمبر رسید عرض کرد ایرسول‌خدا اوس شوهر وپدر

ترجمه سورهٔ مجادله

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای رسول ما خداوند سخن آنزن را که در باره شوهرش با تو مجادله کرد و شکوه او را بخدا میبرد شنید و گفتگوهای شمارا نیز میشنود والبته خدا بسخنان بندگان شنوا وباحوال ایشان بینا است (۱) کسانیکه از شما با زنان خود ظهار کنند (یعنی بزن خود گویند تو بر من چون پشت مادرم هستی) آن زنان مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکه مادرشان همان زنهائی هستند که آنها را زائیده‌اند. واین مردم سخن ناپسند و باطل میگویند. البته خداوند آمرزنده و عفو کننده است (۲)

فرزندان و پسر عموی من است بمن گفته انت علّی کظهرامی و در زمان جاهلیت هر کس این گفتار را بعیالش میگفت براو حرام بود ایرسول خدا من شکایت‌اوس را حضور شما آورده‌ام عطا کردم باو شکم خودرا ومضایقه ننمودم چیزیرا از او مدد کردم اوس را در امور دنیا و آخرت وهیچگونه نارضایتی نداشتم حال مرا ازخانه خود بیرون کرده شکایت او را نزد شما آوردم حکم بفرمائید درکارم ، رسول خدا فرمود حکم و آیه ای در اینخصوص بر من نازل نشده تا میان تو وشوهرت‌داوری نمایم و دوست ندارم که از نزد خود چیزی بگویم و خود را در زحمت اندازم‌آن زن گریه کرد و بخدا ورسولش‌شکایت نمود و از حضورپیغمبرباز گشت‌پروردگار سخنان آن زن را با پیغمبر درباره شوهرش شنید جبرئیل نازل شد آیات فوق را آورد فرمود ایرسول ما سخن آنزنرا که در باره شوهرش با تو مجادله میکرد و شکوه اورابخدا میبردشنیدیم و گفتگوی شما را محققاًمیشنویم ما بسخنان‌بندگان خود شنوا و باحوالشان بینا هستیم کسانیکه بازنان‌خود ظهار کنند یعنی بایشان بگویند انت علّی کظهر امی آن‌زنان بر اثر این گفتار مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکه مادرشان همانست که آنها را متولد کرده و این مردم بعادت زمان جاهلیت سخنان ناپسند و باطل میگویند. خداوندآمرزنده و بخشنده است

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳) فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴) إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم (ص) فرستاد اوس و عیالش را حاضر کردند باوس فرمود تو این سخن را بعیالت گفتی؟ عرض کرد بلی ای رسول خدا، پیغمبر (ص) آیه را تلاوت نمود و فرمود درباره شما این آیه نازل شده است دست عیالت را بگیر وببر بخانه خود سخن دروغی باو گفتی هرگز عیالت مادر حقیقی تو نخواهد بود مادر تو کسی است که ترا زائیده خداوند آمرزید تورا و دیگر از اینگونه سخنها باو نگو اوس با عیالش باز گشت در حالیکه پشیمان بود بر گفتار خود، پروردگار راضی نبوده که دیگر مؤمنین این عمل را تکرار کنند و این سخن را بعیال خود بگویند لذا بموجب آیه ذیل کفاره‌ای برای ظهار کنندگان نازل فرمود (والذین یظاهرون من نسائهم ثم یعودون لما قالوا فتحریر رقبة من قبل ان یتماسا ذلکم توعظون به والله بما تعلمون خبیر) کسانیکه بازنان خود ظهار کنند آنگاه از گفته خود برگردند باید پیش از آنکه با ایشان همبستر شوند بنده‌ای آزاد کنند باین عمل شما پند داده میشوید و خداوند بکردار شما آگاهست و هر کس بندهٔ نیابد باید پیش از نزدیك شدن دو ماه متصل روزه بگیرد و اگر توانائی ندارد شصت فقیر را

کسانیکه بازنان خود ظهار میکنند و سپس باز میگردند از گفته خود باید پیش ازنزدیکی بنده‌ای را آزاد کنند با این حکم شما پند داده‌میشوید . و خدابکردار شما آگاهست (۳) و هر کس بنده‌ای نیافت باید پیش ازنزدیکی دو ماه متصل روزه بگیرد و اگر نمیتواند شصت فقیر را طعام دهداین حکم برای آنستکه شما بخدا و رسولش ایمان آورید . این دستورات حدود خدا است و برای کافران عذاب دردناکی خواهد بود (٤) آنانکه با خدا و رسولش مخالفت میکنند آنهاهم مانند کافران پیش ، برو در آتش دوزخ افتند ما آیات روشن‌را نازل کردیم وازبرای کفار عذاب خواری و ذلت‌مهیا است (۵) بیاد آور روزیکه خداتمام خلایق را برای‌حساب برانگیزد تا آنان را به نتیجه کردارشان که تمام آنها را خداوند بشماره ضبط فرموده وایشان فراموش کرده اند آگاه سازد ، وخدا بر همه چیز گواهست(٦)

طعام دهد این کفاره‌برای آنستکه شما بخدا ورسولش‌ایمان‌آورید واین‌احکام‌حدود خدا است و از برای کفار عذاب درد ناکی خواهد بود . در کافی از جمیل بن دراج روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه‌السلام عرض کردم اگر کسی‌بعیال خود بگوید تو مانند پشت خواهر یا دختر یاعمه یاخاله من هستی این گفتار ظهار است فرمود بلی گفتم چه وقت کفاره واجب میشود فرمود پیش از آنکه بخواهد همبستر شود باعیال خود باید کفاره بدهد عرض کردم اگر طلاق دهد او راپیش ازمقاربت باز هم کفاره‌واجب است؟ فرمود دراینصورت کفاره‌ساقط‌میشودعرض‌کردم اگر بعضی از ایام را روزه گرفت پس از آن مریض‌شد بعد ازبهبودی مابقی راباید بگیرد یا مجدداً از اول شروع کند فرمود اگر یکروز ازماه زیادتر گرفته‌مابقی را بگیرد و چنانچه یکماه یا کمتر گرفته از اول‌شروع کند و فرمود سوگندبظهار ظهار نیست وحر ومملوك در دادن کفاره مساوی‌هستند جز آنکه بنده نصف کفاره آزاد میدهد و کفاره او منحصر است بروزه گرفتن و صدقه و آزاد کردن بنده‌بر مملوك نیست و ظهار در حکم طلاق است یعنی باید در طهر غیر مواقعه باشد و در حضور دو نفر شاهد مسلمان واقع شود ودر حالت ضرر وغضب ظهاری نیست‌وواقع نخواهد شد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما فِي السَّمٰواتِ وَما فِي الْأَرْضِ ما يَكُونُ مِنْ نَجْوىٰ
ثَلٰاثَةٍ إِلّٰا هُوَ رٰابِعُهُمْ وَ لٰا خَمْسَةٍ إِلّٰا هُوَ سٰادِسُهُمْ وَ لٰا أَدْنىٰ مِنْ ذٰلِكَ
وَلٰا أَكْثَرَ إِلّٰا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ ما كٰانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيٰامَةِ
إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٧) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ
لِما نُهُوا عَنْهُ وَ يَتَنٰاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوٰانِ وَ مَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَ إِذٰا
جٰاؤُكَ حَيَّوْكَ بِما لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللّٰهُ وَ يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْ لٰا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ
بِما نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهٰا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (٨)

محمد بن عباس ذیل آیه قدسسره از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بدخترش حضرت فاطمه (ع) فرمود بعد از من بر سرشوهرت علی علیه السلام مصیبتها وارد شودفاطمه عرض کرد ای‌پدر بزرگوار آیا دعا نمیفرمائید تا خداوند آنها را از علی برطرف فرماید فرمود دعا کردم و ازخداوند مسئلت نمودم خطاب‌رسید در علم ما گذشته است این‌مصیبتها بایدبرعلی واقع شودجبرئیل نازل شد و آیه را فرود آورد (ان الذین یحادون‌الله و رسوله کبتوا کما کبت الذین من قبلهم وقدانزلنا آیات بینات و للکافرین‌عذاب مهین‌یوم یبعثهم الله جمیعافینبئهم بما عملوا احصیه الله ونسوه و الله علی کل شیئی شهید) کسانیکه با خداورسولش مخالفت میکنند مانند کافران پیشین برو درآتش دوزخ میافتند و ماآیات روشن خود را فرستادیم واز برای کفار عذاب ذلت وخواری مهیا شده‌ایرسول ما یاد کن آنروزیرا که خدایتعالی تمام‌خلایق را برای حساب زنده گرداند و خبردهدایشان را بآنچه عمل کرده‌اند یعنی اعمالشان را در مقابل‌آنها آورند تا خجل وشرمنده شوند واین‌شرمندگی نوعی‌از عقوبت و عذاب‌میباشد چنانکه یکی از ما بدیگری میگوید تو را آگاه کنم از آنچه کرده ای تمام آن اعمال و معاصی را که بجا

آیا ندیدی که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاهست هیچ رازی را سه کس با هم نگویند جز آنکه خداچهارم آنها است و نه پنج کس مگرآنکه خدا ششم آنها است و نه کمتر ونه‌بیشترجزآنکه خدا باایشان است هر کجاباشند، روز قیامت همه را به نتیجه نیك و بد اعمالشان آگاه خواهد ساخت. خداوند بهمه اموردانا است (۷) ایرسول ما آیا آنانرا که از نجوی و راز گفتن با هم ممنوع شدند ندیدی که اعتنابه نهی‌خدا نکردند و باز بایکدیگر بگناه ودشمنی‌ومخالفت با رسول نجوی را از سر گرفتند و هرگاه حضور توآیند از مکر و خدعه بتو سلام و تحیتی گویند که خدا اینگونه دستور نفرموده است و پیش خود میگویند چراخدا مارا برای این سلام تمسخرآمیز عذاب نمیکند. بدانند که عذاب دوزخ آنها را کافیست تا درآنجا که بسیار بد منزلگاهی‌است پیوسته معذّب بمانند (۸)

آورده‌اند خداوند ضبط فرموده وآنها فراموش کرده‌اند پروردگارایشان را آگاه سازد چه او برهمه چیز دانا وگواهست (الم تر ان الله یعلم مافی‌السموات ومافی الارض مایکون من نجوی ثلثة الاهورا بعهم ولاخمسة الا هو سادسهم و لاادنی من ذلك ولااكثر الا هو معهم اینما كانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمه ان الله بكل شیئی علیم) ایرسول ما آیا نمی‌بینی‌آنچه درآسمانها و زمین است خدایتعالی‌میداند و براو چیزی پوشیده نیست هیچ رازی سه کس باهم‌نگویند جز آنکه خداچهارم آنها است و نه پنج کس مگر آنکه خدا ششم آنها است و نه کمتر و نه بیشتر جز آنکه خدا با ایشان است هر کجا باشند احوال‌آنها را میداند پس ازآن روز قیامت خبر دهد آنان را بآنچه بجا آورده‌اند، چه پروردگار بتمام چیزهای عالم دانا است.

در کافی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود آیه فوق درباره فلان و فلان و ابی عبیدة بن جراح و عبدالرحمن بن عوف و سالم مولی حذیفه و مغیرةبن شعبه نازل‌شد چه‌آنها میان خودشان نامه‌ای نوشته‌ورده‌وبدل کردند که‌اگر محمد صلی الله علیه و آله کشته شود و یاوفات نماید نگذارند خلافت وامامت میان‌بنی‌هاشم باقی و برقرار بماند خداوند پیغمبرش را بوسیله این آیه خبر داد و آن جماعت را معرفی نمود

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۹) إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

و اینحدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده و حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام در معنای آیه فرمود خداوند همیشه بوده بدون زمان و مکانی وحال بهمان حالت هست و خالی نیست مکانی از خداوند و اشتغال نکرده مکانی را ومردم با هم هیچ سری را نگویند جز آنکه خداوند با آنها میباشد و برای انجام امری اجتماع نکنند مگر آنکه خداوند با آنهاست و از سرّ ایشان اطلاع داردو نیست میان او و مخلوقاتش حجاب و پرده ای ، از خلق محجوب و پنهان است ولی بدون حجاب و پرده خداوند بزرگ و مقتدر و دانا است (الم تر الی الذین نهوا عن النجوی ثم یعودون لما نهوا عنه ویتناجون بالا ثم والعدوان ومعصیت الرسول و اذا جاؤك حیوك بمالم یحیك به الله ویقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله بما نقول حسبهم جهنم یصلونها فبئس المصیر) طبرسی از ابن عباس روایت کرده که آیه فوق درباره یهود ومنافقین نازل شده آنها با یکدیگر راز میگفتند در غیاب مؤمنین و نظر میکردند بمؤمنین وبا چشم بهم زدن آنها را مسخره میکردند مؤمنین گمان میکردند که منافقین از کشتن خویشان و برادران آنها که بجهاد رفته‌اند خبری دارند لذاملول و افسرده میشدند و چون خویشان و برادران آنها سلامت بازمیگشتند مسرور وخوشحال میشدند برسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شکایت کردند ازمنافقین آنحضرت نهی فرمود از راز گفتن، منافقین مخالفت

ایکسانیکه ایمان آوردید چون راز گوئید با هم هرگز بگناه و دشمنی ونافرمانی پیغمبر راز نگوئیدبلکه بر نیکوئی وتقوی رازبگوئید و از خدائیکه پس ازمرگ بسوی او باز میگردید بترسید و پرهیز کار شوید (۹) زیرا نجوی از عمل شیطان است که میخواهد مؤمنین را محزون گرداند وحال آنکه هیچزیانی بآنها نمیرساند مگر بفرمان خدا و مؤمنین هم باید پیوسته‌برخدا توکل کنند (۱۰) ای اهل‌ایمان هرگاه بشما گفتند که در مجالس‌جای را بریکدیگر فراخ کنید، جای باز کنید تا خدا بر توسعه ومنزلت شما بیفزاید وهرگاه گفتند ازجای خود بر خیزیدحکم خدارا اطاعت کنید که‌خدا مقام‌اهل ایمان ودانشمندان رادردوجهان بلندمیگرداند والبته‌خدابهرچه کنید آگاهست (۱۱)

نموده و بازنایستادند از راز گفتن آیه مزبور نازل شد، دیگر آنکه یهودیان حضور رسولخدا میرسیدند و بجای السلام علیك السام میگفتند والسام بمعنی موت است و بعضی از منافقین حضورش شرفیاب شده درخواست میکردند چیزیرا که ازبرای آنها حلال نبود حلال نماید وبکلامیکه مرسوم بود زمان جاهلیت مانند انعم‌صباحاً ومسائاً بجای سلام تحیت میگفتندخداوند به پیغمبرش خطاب فرمود هرگاه‌اینان تورا تحیت گویند بتحیتی که خدا دستور نداده بآنهابگوبجای تحیت شماخداوند تحیتی کـه از تحیت شمـا برتر و بهتر است و ان تحیت اهل بهشت کـه گفتن السلام علیکم میباشد امر و دستور فرمود . در کافی ذیل آیه‌فوق از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمودمرد یهودی وارد شدبرپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عایشه‌حضورش بود گفت السام علیك یعنی مرگ و شمشیر برتو باد پیغمبر در جواب فرمودبر خودت باد یهودی دیگر وارد شد او هم همینطور گفت رسول خدا فرمود برتوباد سومی وارد شد اوهم‌همینطور، عایشه در غضب شد گفت برشما یهودیان سام و غضب و لعنت خدا باد ای‌برادران بوزینه‌و خنزیر پیغمبر فرمود ایعایشه‌اگر فحاشی‌ممثل شود بصورت، بدی ممثل‌خواهد شد هرگز رفق و مدارا را از دست نده عرض کرد ایرسولخدا مگر نشنیدی‌آنها چه گفتند فرمود شنیدم منهم کلام‌آنها رابخودشان رد کردم‌وهرگاه‌مسلمانی‌برشما سلام کند درجوابش‌بگوئید سلام‌علیکم واگر کافری

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ناجَیْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْواکُمْ
صَدَقَةً ذٰلِکَ خَیْرٌ لَکُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ (۱۲)
ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْواکُمْ صَدَقاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتابَ
اللّٰهُ عَلَیْکُمْ فَأَقِیمُوا الصَّلوٰةَ وَآتُوا الزَّکوٰةَ وَأَطِیعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَاللّٰهُ
خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ (۱۳) أَلَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ
ما هُمْ مِنْکُمْ وَلا مِنْهُمْ وَیَحْلِفُونَ عَلَی الْکَذِبِ وَهُمْ یَعْلَمُونَ (۱۴) أَعَدَّ
اللّٰهُ لَهُمْ عَذاباً شَدِیداً إِنَّهُمْ ساءَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ (۱۵)

سلام کند جوابش فقط علیك بگوئید

ابن بابویه از ابی سعید خدری روایت کرده که یکی از علائم نفاق داشتن بغض علی بن ابیطالب علیه‌السلام است روزی پیغمبر در مجلسی تشریف داشت دو نفر منافق بایکدیگر نجوی میکردند رسول خدا تا نگاهش بآنها افتاد غضب شدیدی بر حضرتش عارض شد و فرمود بآنخدائیکه جانم در دست قدرت او است کسی در بهشت داخل نمیشود مگر آنکه مرا دوست داشته باشد و دروغ میگوید کسیکه گمان میکند مرا دوست داشته وحال آنکه بغض علی را دردل خود پنهان کرده است پس از آن آیه مزبور در همانمجلس نازل شد (انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئاً الا باذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون) سبب نزول آیه فوق آن بود که حضرت فاطمه (ع) در خواب دید پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله حسنین و امیرالمؤمنین و حضرتش را از مدینه بیرون برد رسیدند سر دوراه پیغمبر از راه راست آنها رابردتارسیدند به نخلستانیکه نهر آب درآن جاری بود گوسفندی خرید که گوش آن نقطه سفیدی داشت ذبح نمودآن را و از گوشت آن گوسفند تناول کردند و همهٔ آنها هلاك شدند از خواب بیدارشد خواب خود را بکسی اظهار ننمود صبح شد پیغمبر تشریف آورد وحیوان سواری همراه داشت حضرت فاطمه‌را

ای اهل ایمان هر گاه بخواهید با رسول سخن سری گوئید پیش از آن باید صدقه دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه تراست واگر از فقر چیزی نیابید در اینصورت خدا آمرزنده ومهربانست (۱۲) آیا از اینکه پیش ازراز گفتن بارسول صدقه دهید از فقر ترسیدید ؟ پس حال که اداء صدقه نکردید بازهم خدا شما را بخشید اینك نماز بپا دارید وزکوة بدهید وفرمان خدا و رسولش را ببرید وبدانید که خدا بهر چه کنید آگاهست (۱۳) ایرسول ما آیا آن مردم را ندیدی که با کسانیکه خداوند بر آنها غضب کرده است دوستی نمودند اینان نه ازشمامسلمین هستند و نه ازفرقه یهود و بدروغ سوگند یاد میکنند و خود میدانند که دروغ میگویند (۱٤) خدا برای آنها عذاب سختی مهیا کرده و ایشان بسیار زشت کردارند (۱۵)

سوار کرد باتفاق امیرالمؤمنین و حسنین از مدینه بیرون رفتند بدو راهی رسیدند پیغمبر راه راست‌را اختیارنمود رفتند تا رسیدند به‌نخلستانیکه‌زیر آن‌نهر آب‌جاری بود توقف کردند پیغمبر گوسفندی خرید آنرا ذبح کرد گوشتش را کباب کردند چون خواستند تناول کنند حضرت فاطمه بکناری رفت شروع بگریه کرد پیغمبر فرمود ایدختر عزیزم سبب گریه تو چیست ؟ آنحضرت خواب خود را نقل‌نمود رسول‌خدا دو رکعت نماز بجا آورد وبا خدا مناجات کرد جبرئیل فرود آمدعرض کرد ایرسول خدا شیطانی است بنام الزها آنخواب‌را بفاطمه ارائه داد و درخواب چیزهائیرا که سبب هم و غم میشود بمؤمنین نشان میدهد و گفت ایرسولخدا امر کن آن شیطان حاضر شود چون حاضر شدپیغمبر باو فرمودتو بودی که‌آنخواب را بفاطمه ارائه دادی گفت بلی ایرسولخدا پیغمبر سه مرتبه‌آب دهن‌بر اوانداخت و فرمودقبیح‌شوی آنگاه به پیغمبر اکرم(ص) عرض کرد ایرسول خدا هرگاه یکی از مؤمنین در خواب چیزیرا مشاهده کند که کراهت دارد ازآن، کلمات ذیل را قرائت کند وبدمد بطرف چپ خود هیچ ضرری‌نمی‌بیند/ اعوذ بما عاذت به ملائکة الله المقربون و انبیاء الله المرسلون و عباده‌الصالحون من شرما رایتمن رویاه و سوره حمد و توحیدو معوذتین را نیز قرائت کند پس از آن آیه مزبوررا

إِتَّخَذُوا أَيْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللهِ فَلَهُمْ عَذابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوالُهُمْ وَلا أَوْلادُهُمْ مِنَ اللهِ شَيْئاً أُولٰئِكَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِيها خالِدُونَ (۱۷) يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَما يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلىٰ شَيْءٍ أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْكاذِبُونَ (۱۸) إِسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِكْرَ اللهِ أُولٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطانِ هُمُ الْخاسِرُونَ (۱۹)

فرود آورد - .

و از حضرت باقر عليه السلام روايت كرده فرمود تأويل شيطان در آيه؛دومى است (ياايها الذين آمنوا اذا قيل لكم تفسحوا فى المجالس فافسحوا يفسح الله لكم و اذا قيل انشزوا فانشزوا يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبير)

سبب نزول آيه آن بود كه مردم در منزل و مجلس رسول اكرم صلى الله عليه و آله ازدحام ميكردند و چون تازه‌واردى داخل ميشد دراطراف پيغمبرهجوم آورده مكانى بآنها نميدادند و آنحضرت گرامى ميداشت اهل بدر را از مهاجر و انصار روزى جمعى از اهل بدر وارد شدند از جمله آنها ثابت بن قيس بود جاى باو ندادند بر پيغمبر گران آمد ، فرمود بمردم غيراهل بدر اى فلان بر خيزمنافقين بمسلمانان گفتند آيا شما نميگوئيد پيغمبر با مردم بعدالت رفتار ميكند اين عمل برخلاف عدالت بودزيراغير اهل بدر پيش از اين جاى گرفته بودند آيه فوق‌نازل شدفرمود اى مؤمنين هر گاه بشما گفتند در مجالس‌جاى را بر يكديگر فراخ داريد امرخدا را بشنويد تا خدا برتوسعه شما بيفزايد و چنانكه گفتند از جاى خود برخيزيد نيز حكم خدا را اطاعت كنيد زيرا خداوند مقام اهل ايمان و دانشمندان را دردو

آن منافقین سوگندهای خود را برای حفظ خود قرار دادند و خلق را از راه خدا باز داشتند برای آنها عذاب ذلت و خواری خواهد بود (۱۶) هرگز مال و فرزند، ایشان را ازعذاب خدا رها نکند آنها اهل دوزخند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۱۷) روزیکه خداوند همه آنها را بر انگیزد آنگاه سوگند یاد کنند برای خدا بدروغ آنچنانکه برای شما قسم یاد میکنند و گمان دارند دارای چیزی میباشند ایمردم بدانید این منافقین دروغگو هستند (۱۸) شیطان بر آنها غالب شده و ذکر خدا را از یاد ایشان برده است ایشان حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان بحقیقت زیان کارانند (۱۹)

جهان بدرجات بسیاری بر مردمان دیگر برتری داده و پروردگار بهرچه بجا آورید آگاهست ابن مسعود باصحاب پیغمبر اکرم (ص) میگفت این آیه را بخوانید تا رغبت شما در علم و دانش زیاد شود چه خداوند میفرماید من مؤمن عالم را بر آنکسیکه غیر عالم است بدرجات بسیاری برتری دادم پیغمبر اکرم فرمود خدایتعالی تفضیل و برتری داده عالم را بر شهید بدرجه‌ای و شهید را تفضیل داده بر عابد بدرجه‌ای وفضل عالم برساير مردم همان مقدار است که فضل من بر کمترین مخلوقات میباشد مداد و قلم دانشمندان بدرجات بسیاری از خون شهیدان افضل است هر کس بمیرد و در طلب علم باشد فردای قیامت میان او و پیغمبران یکدرجه فضل بیشتر نباشد (یاایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقة ذالك خير لكم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحيم) سبب نزول آیه آن بود که چون مردم بسیار حضور رسول خدا میرسیدند و سوآلات بیشمار میکردند و خاطر پیغمبر اکرم را افسرده و رنجور مینمودند و اغنیا و توانگران حضورش بسیار توقف میکردند و سؤالات بسیار مینمودند و مانع از ورود فقراء در محضرش بودند آنحضرت هم شرم و کراهت داشت از آنکه چیزی بآنها بگوید و بر گرداند ایشان را خدایتعالی آیه مزبور را فرستاد و ادب آموخت آنها را و فرمود چون خواهید با رسول من حدیث کنید و مسئله پرسید و سر گوئید پیش از آن صدقه بدهید، تمام مردم بجز امیرالمؤمنین (ع) از سؤال و گفتگو کردن با پیغمبر اکرم (ص) باز ایستادند

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰) كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱) لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

توانگران بخل کردند از صدقه دادن و فقراء چیزی نداشتند که صدقه بدهند و بادعای عامه وخاصه امیرالمؤمنین دیناری داشت فروخت بده درهم وده مرتبه صدقه داد وبارسول خدا نجوی کرد وبر اسرار علوم واقف شد ودیگران پیغمبر را رها کرده و رفتند و آن زحمت بخلوت مبدل شد و بسبب وجود مقدس امیرالمؤمنین ﷺ خدای تعالی این حکم را از امت برداشت و بآیه ذیل منسوخ فرمود (ءاشفقتم ان تقدموا بین یدی نجویکم صدقات فاذلم تفعلوا وتاب الله علیکم فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الله ورسوله والله خبیر بما تعلمون) آیا ترسیدید از آنکه پیش از راز گفتن بارسول صدقه دهید فقیر شوید؟ حال که صدقه ندادید خداهم شما را بخشید اینك نماز بپا دارید وزکوة بدهید و خدا ورسولش را اطاعت کنید پروردگار بهر چه عمل کنید آگاهست ـ. عمر گفت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارای سه چیز بود که کسی دیگر آنها را دارا نبود و اگر من یکی از آنها را داشتم بهتر بود برایم از داشتن شتران سرخ موی اول همسری با حضرت فاطمه، تمام صحابه حضرت فاطمه(ع) را از پیغمبر اکرم ﷺ خواستگاری کردند آنحضرت همه را رد کرد جز امیرالمؤمنین علیه‌السلام دوم در روز خیبر رسولخدا فرمود فردا پرچم را بدست کسی خواهم داد که

کسانیکه با خداورسولش دشمنی و مخالفت میکنند خوار وذلیل‌ترین مردم‌هستند (۲۰) خداوند این مطلب را حتم گردانیده است که من و رسولانم بردشمنان‌غالب شویم محققاًخداوند بسیار قوی و مقتدراست(۲۱) ایرسول‌ما هرگز چنین نخواهی یافت مردمی‌که بخدا و روز قیامت ایمان‌آورده‌اند با دشمنان خدا و رسول‌دوستی کنند هر چند آندشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان ایشان باشنداین مردم پایدارند که خدا بردل‌آنان نور ایمان نگاشته‌است و بروح قدس الهی آنها را مؤید ومنصور گردانیده وروز قیامت‌آنها رابه‌بهشتی داخل کند که زیردرختانش نهرها جاریست پیوسته در آنجا جاوید بمانند خدا ازایشان خوشنود وآنها ازخدا خوشنودند اینان حزب خدا هستند آگاه باشید که تنها حزب خدا رستگاران عالمند (۲۲)

تمام شد ترجمه سوره مجادله

خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست میدارد حمله میکند بر دشمنان وهرگز فرار نخواهد کرد ، پرچم را بدست امیرالمؤمنین علیه‌السلام داد . سوم آیه نجوی است که فروه آمد ومنسوخ شد و کسی بجز امیرالمؤمنین علیه‌السلام بآن عمل ننمود و خود آنحضرت در مقام احتجاج بر مهاجر و انصار نسبت بغصب خلافت و فدك آیه فوق را یکی ازمناقب خود بشمار آورده ـ . عبدالله هارون خراسانی گفت از حضرت علی‌بن موسی الرضا علیه‌السلام سؤال کردم‌چرا صدقه برآل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله حرام است‌فرمود ازمطلب‌بزرگی پرسش‌نمودی‌بدان‌که چون ماخویشتن را بدادن صدقه پاکیزه کرده‌ایم خدایتعالی نخواست که‌بگرفتن صدقه ما رامدنس کند آنگاه فرمود میدانی این موضوع در کجای قرآن است؟ عرض کردم درآیه ویطعمون الطعام میباشد فرمود این آیه نیست‌آیهٔ نجوی‌است که یکروز بیش‌نبود روز دیگر آیه رخصت نازل شد چه خداوند در آن آیه میفرماید ذالك خیر لکم و اطهر ، صدقه دادن برای شما بهتر و پاکیزه‌تراست زیرا مصلحتی بآن تعلق‌دارد آنگاه عذر خواست برای کسانیکه ندارند تابدانند خدا تکلیف ما لایطاق نکند (الم تر الی الذین تولوا قوما غضب الله علیهم ماهم منکم و لامنهم و یحلفون‌علی

الكذب و هم يعلمون)این در بارهٔ منافقین نازل شدعموماً ودر باره دومی بالخصوص چه آنها با یهود دوستی میکردند و اسرار مؤمنین رابیهودمیگفتند خدا را ازاینعمل بخشم آوردند فرمود ایرسول ما آیا نمی‌بینی این مردم با قومیکه خداوند بر آنها غضب کرده دوستی میکنند ایشان بحقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرق یهود هستند بدروغ سوگند میخورند و خودشان میدانند دروغ میگویند علی بن ابراهیم از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند آیه در باره دومی نازل شده رسول خدا گذشت بر او دید نزد مرد یهودی نشسته و چیزی مینویسد حضور پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم آمد آنحضرت باو فرمود چه چیز از یهودیها مینوشتی و حال آنکه خداوند نهی فرموده شما را ازاین کتابت گفت ایرسول خدا اوصاف شمارا از روی تورات آنها مینوشتم پیغمبر در غضب شد . مردی از اصحاب باو گفت ایعمر چرا پیغمبر را بغضب آوردی گفت من اوصاف پیغمبررا مینوشتم پیغمبر فرمود اگرموسی بن عمران میان آنها بود و نزدایشان میرفتی برای آنچیزیکه میل‌داری همانا‌تو کافر بودی پس‌ازآن میفرماید خدای‌تعالی برای اینگونه مردم عذاب بسیار سختی‌مهیا کرده چه آنها بسیار زشت کردارند . سوگندان خودرا برای‌حفظ خود سپرقرار دادند و خلق را ازراه خدا باز میدارند وبرای آنها ذلت وعذاب خواری خواهدبود پس اقرار باسلام برای فرار از جزیه و کشتن است وهرگز مال وفرزندان ایشان را از عذاب قهر خدا رها نکند اینان اهل دوزخند و درآن همیشه معذب خواهند بود(یوم یبعثهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم ویحسبون انهم علی شیئی الاانهم هم‌الکاذبون)ایرسول‌مابیادآورروزیرا که‌خداتمام منافقین‌رابرانگیزد وبرای خدا آنچنان سوگند خورند که برای شما سوگند خوردند که‌ما کافر نبودیم‌وبر حق بودیم و گمان میکنند این سوگند بدروغ برای آنها اثری خواهد داشت چه در عالم آخرت گمان محال است زیرا معرفت و شناسائی آنجا ضروری است ای مؤمنین بدانید که منافقین مردم دروغگوئی هستند شیطان بر دل آنها احاطه پیدا کرده و بکلی ذکر خدا را فراموش کرده‌اند ایشان بحقیقت حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان زیان کاران عالمند ــ ، روزقیامت خداوندجمع

کند آنهائیکه ستم نموده و غصب کرده‌اند حقوق آل محمد ﷺ را واعمال ایشان را بآنها نشان میدهند سوگند میخورند برای خدایتعالی که ماچنین عملی نکردیم چنانکه بدروغ برای پیغمبر ﷺ قسم‌میخوردند در دنیا زیراآن مردم باهم‌عهد بستند که نگذارند بعد از پیغمبر خلافت و امامت درمیان بنی‌هاشم باقی بماندو در عقبه تصمیم گرفتند پیغمبراکرم ﷺ را بقتل برسانند وقتی خداوند خبر داد و آگاه گردانید رسولش را از تصمیم و عهد بستن ایشان آمدند حضور پیغمبر اکرم ﷺ بدروغ سوگند یاد کردند که ما چنین تصمیمی نداشتیم وعهد وپیمانی نبستیم‌آنوقت آیه ۷۴ که درسوره توبه است یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمة الکفر وهموا بمالم ینالو تاآخر نازل‌شدسلیم بن قیس دراصل‌خود روایت کرده که امیرالمؤمنین ؑ فرمود امت اسلام هفتاد وسه فرقه خواهند شد یکفرقه ازآنها دربهشت میروندوهفتادودوفرقه دیگر در دوزخ هستند سیزده‌فرقه از هفتاد ودوفرقه اظهار محبت ودوستی ما اهل بیت پیغمبر مینمایند یکی از آنها به بهشت خواهندرفت ودوازده فرقه دیگر دردوزخندآن فرقه ناجیه کسانی‌میباشند که ایمان بمن دارند وتسلیم امرمن‌هستند من و خاندان مرا دوست میدارند و از دشمنان مابیزاری میجویند حق وامامت مراشناخته‌اند وازقرآن وجوب اطاعت و فرمان برداری مرا دانسته اند وهرگز در باره من شك وشبهه نمیکنند و بواسطه نوریکه خداوند دردل آنهاآفریده است فضل وشرافت ومقام ارجمند من و اوصیاء بعد از مرا تا روز قیامت میدانند وفهمیده‌اند که مارا خداوند درقرآن قرین خود وپیغمبرش قرار داده ویقین خالص دارند بما ومیدانند خداوند مارا پاك و پاکیزه فرموده ومعصوم وگواهان برخلایق قرارداده وحجت او هستیم در روی‌زمین بر بندگان وهیچوقت ازقرآن جدا نشویم وقران ازماجدا نشود تا وارد شویم کنار حوض کوثرحضورمقدس‌پیغمبر اکرم ﷺ این فرقه کسانی هستند که از آتش دوزخ نجات یابند وازهر فتنه وگمراهی مصون باشند وداخل بهشت میشوند بدون حساب وهفتاد ودوفرقه دیگر بغیر حق هستند و کیفر داده میشوند زیرا آنها یاری

مددکار دین شیطان ودوستداران او میباشند ودشمنان خدا ورسول و مؤمنین هستند
که بدون حساب وارد آتش خواهند شد چه ایشان ازخدا ورسولش بیزارندوپرستش
میکنند غیر خدا را ازراهیکه نمی‌دانند و گمان می کنند که کارنیکی انجام میدهند
روز قیامت سوگند می‌خورند که ما مشرك نبودیم و گمان می کنند که سوگند
آنها برای ایشان اثری خواهد داشت وحال آنکه خودشان میدانند بدروغ قسم
میخورند (ان الذین یحادون الله ورسوله اولئك فی الاذلین . کتب الله لاغلبن اناورسلی
ان الله قوی عزیز) آنانکه باخدا ورسول دشمنی ومخالفت می کنند درمیان خلق
خوار وذلیل ترین مردم هستند خدایتعالی درلوح محفوظ نگاشته و حکم فرموده
که البته من و پیغمبرانم بردشمنان غالب شویم پروردگار قوی و مقتدر است
سبب نزول آیه آن بود که چون مسلمانان فتح کردند قری و شهرهای حجاز را
گفتند امید است که خداوند مارا فتح وفیروزی بخشد تامملکت روم وفارس رانیز
گشوده وتصرف کنیم منافقین گفتند مسلمانان گمان میکنند که روم وپارس مانند
حجاز است آیه مزبور نازل شد که خدای تعالی قوی ومقتدراست وروم وفارس را اگر
مصلحت باشد خواهید گشود (لاتجدقوما یومنون بالله والیوم الاخر یوادون من حاد
الله ورسوله ولو کانوا آباء هم اوابناء هم اواخوانهم او عشیرتهم اولئك کتب فی قلوبهم
الایمان وایدهم بروح منه ویدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی
الله عنهم و رضوا عنه اولئك حزب الله الاان حزب الله هم المفلحون) ایرسول ما
هرگز نخواهی یافت کسانیکه بخدا وروزقیامت ایمان دارند بادشمنان خداورسولش
دوستی ومراودت کنند هرچند آن دشمنان پدران ویافرزندان وبرادران وخویشان
آنها باشند چه ممکن نیست دوستی کفار باایمان جمع بشود خداوند ایمان رابردل
این گونه مؤمنین ثبت کرده یعنی ایمانشان ثابت وبرقرار است مانند نقش برسنك
وقوی کرده آنها رابه بصیرتی ومؤید ومنصور گردانیده است ودربهشت داخل کند
ایشان را که زیر درختانش نهرها جاریست درآنجا جاوید بمانند خداوند از آنها
خوشنود وآنهانیزازخدا خوشنود باشند اینان بحقیقت حزب خدا هستند وتنها حزب
خداوند رستگاران عالمند این آیه درشأن فرزند عبدالله ابی نازل شده روزی حضور

پیغمبر بود آنحضرت آب آشامید عرض کرد ایرسولخدا تقاضا دارم بقیه آب و نیمخورده خودتان را بمن لطف و مرحمت بفرمائید تا ببرم برای پدرم بیاشامد شاید ببرکت این آب دلش از شك وشرك ونفاق پاك شود آن آب را ازرسول اکرم صلی الله علیه و آله گرفت ونزد پدر برد گفت این آب نیم‌خورده رسول خداست بیاشام شاید دلت ازشرك ونفاق پاك شود عبدالله بعنوان جسارت گفت چرا بول مادرت رانیاوردی آمد حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد ایرسول خدا اجازه بفرمائید تا گردن پدرم را بزنم او قابل هدایت نیست آنحضرت فرمود برو ومدارا کن وبا او بساز خداوند پدرت را بکیفر اعمالش خواهد رسانید - محمد بن عباس ذیل جمله اولئك كتب فی قلوبهم الایمان از محمد بن حنفیة روایت کرده گفت پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود دوستی ما اهل بیت رحمتی است که خداوند درطرف راست قلب بنده خود فرود آورده و نقشی است که ثبت شده. هر کس راکه طرف راست قلبش را خداوند ثبت فرماید کسی قدرت و توانائی ندارد آن رازایل نماید آیا نمیشنوید قول پروردگار را که میفرماید (اولئك كتب في قلوبهم الايمان) وحب ما اهل بیت ایمان است و از طریق مخالفین ابونعیم از سلمان فارسی روایت کرده گفت بامیرالمؤمنین علیه السلام عرضکردم ایمولای من حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب نشدم مگر آنکه دست مبارکش رابر کتف من زد واشاره نمود بشما وفرمود ایسلمان بدانکه علی وحزب اورستگارند

پایان سوره مجادله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ
مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ
مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ
وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (۲) وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ
عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (۳) ذٰلِكَ
بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (٤)

سوره حشر

سوره حشر درمدینه نازل شده وبیست وچهار آیه وچهارصد وچهل وپنج کلمه وهزارو نهصد وسیزده حرفاست .

خواص و ثواب تلاوت آن ـ ابن بابویه ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود هر کس سورهٔ حشررا قرائت کند بهشت و دوزخ و عرش و کرسی و حجب وآسمان وزمین وفضا وباد وطیور ودرختان و کوهها وآفتاب وماه وفرشتگان بر اورحمت فرستند واستغفار کنند و اگر درآن روز یا شب بمیرد شهید مرده است و در خواص قرآن از آنحضرت روایت کرده که فرمود هر کس این سوره رادر شب جمعه بخواند ایمن باشد ازبلا تاصبح و هر که چهار رکعت نمازبجا آورد ودر هر رکعت بعد از حمد این سوره را تلاوت نماید هرحاجتی از خداوند طلب کند غیر از معصیت حاجتش بر آورده شود و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر کس این سوره را بنویسد و بآب پاکیزه بشوید بیاشامد ذهن وذکاوت او

ترجمه سوره حشر

بنام خداوند بخشنده مهربان

هرچه در آسمانها وزمین است همه به تسبیح و ستایش خدای مقتدر حکیم مشغولند (۱) خدائیکه کافران اهل کتاب را برای نخستین مرتبه از دیارشان بیرون کرد شما مسلمین گمان نمی کردید و آنها هم حصار محکم خود را نگهبان و مانع از عذاب وشکنجه خدامی پنداشتندولی خدا آنهارا از آنجا که گمان نمی کردندعذاب گرد ودر دل آنان ترس را افکند تا بدست خود وبدست مؤمنین خانه و دیارخود راخراب نمودند . ای هوشیاران از این داستان پند و عبرت بگیرید (۲) اگر خدا بر آنها حکم جلاء وطن ننوشته بود بطور حتم آنها را در دنیا عذاب می کرد و آتش دوزخ در آخرت برای آنها خواهد بود (۳) این جلاء وطن برای آن بود که آنها باخدا و رسول دشمنی و مخالفت کردند و کسانیکه با خدادشمنی کنند بدانند که عذاب خدا بسیار سخت است(٤)

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

زیاد شود و فراموشی او کم گردد

خلاصه مطالب سوره حشر عبارت از جلاء یهودیان بنی نضیر و حکم اموال آنها وبیان حال منافقین و مدح بعض مهاجرین وانصار و تشبیه یهود ومنافقین بشیطان وبیان عظمت قرآن کریم .

قوله تعالى ـ . (سبح لله مافي السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم ، هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا وظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا و قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهم و ايدي المؤمنين فاعتبروا ياأولي الابصار (این آیات دربارهٔ جلاء یهودیان بنی نضیر نازل شده وداستان آن بدینقرار است . در مدینه سه طایفه از یهود سکونت داشتند پیغمبر اکرم ﷺ که بمدینه نزول اجلال فرمود آن سه طایفه بنام بنی نضیر و بنی قریضه و قینقاع با حضرتش مصالحه کردند و پیمان بستند که اگر کار زاری پیش آید نه برلهاو ونه برعلیه

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ
الْفَاسِقِينَ (۵) وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
وَلَا رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ (۶) مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ
الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

حضرت قیام کنند چون غزوه بدر واقع شد ورسول خداظفر یافت گفتند این‌همان پیغمبریست که مادر تورات اوصاف او را دیده و شنیده‌ایم او رسول حق است و راستگو کسی نمیتواند پرچم اورا بر گرداند و برحضرتش ظفر یابد چون جنگ احد پیش آمد و مسلمین در ابتدای امر مغلوب شدند گفتند این آن پیغمبرنیست در باره او شك کردند و عهد وپیمانیکه بارسولخدا بسته بودند بشکستند وعداوت را با آنحضرت آشکار کردند کعب اشرف که رئیس آنها بود باچهل سوار ازیهود بجانب مکه حرکت نمود و با قریش عهد بست که سخنان آنها یکی باشد برعلیه رسول خدا ، ابوسفیان هم با چهل مرد از قریش وارد خانه کعبه شدند درآنجا با کعب‌اشرف و همراهانش پیمان بستند و نامه‌ای رد و بدل کردند کعب و اصحابش بمدینه باز گشتند جبرئیل نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ را خبر داد از عهد وپیمانیکه کعب اشرف با قریش بسته‌است و گفت پرورد گارادر فرموده که کعب را بقتل برسانی وقتی رسول اکرم ﷺ مطلع شد بر خیانت و نقض عهد آنها با صحابه وامیرالمؤمنین ؑ حرکت کرد بعنوان آنکه مسلمانان را دردیهٔ دومردی که عمر وبن امیة الضمیری از بنی عامر کشته بودند یاری کنند پیغمبر واصحاب

آنچه از درختان خرما بریدید و آنچه را بر جای گذاشتید همه بامر خدا و برای خواری یهودیان فاسق نا بکار بود (۵) و آنچه را خدا از مال آنها بغنیمت باز داد متعلق برسول است زیرا شما سپاهیان هیچ اسب و استری نتاختید بلکه خدا مسلط می گرداند پیغمبران خود را بر هر کس که بخواهد و او بر هر چیز قدرت دارد (۶) آنچه خدا از اموال کافران برسولش غنیمت داد مخصوص خدا و رسول او وخویشان رسول و یتیمان وفقیران وراهگذران از آل رسول است و برای آنستکه این اموال و غنایم سبب افزایش ثروت توانگران نگردد و آنچه رسول حق بشما دستور داد بگیرید و هر چه را نهی نمود واگذارید و از خدا بترسید که عذاب او بسیار سخت است (۷)

کنارقلعه آنهارسیدند ایشان در ظاهر از حضرتش احترام کردندودرباطن تدبیرقتل آن بزرگوار را فراهم آورده‌و خواستند از بالای قلعه‌سنگی برسر مبارکش افکنند واو را بقتل برسانند جبرئیل فرود آمد و خبرداد آنحضرت را پیغمبر باز گشت‌و دستور داد بمحمد بن مسلمه که برادر رضاعی کعب بود کعب را بقتل برساندودر اثناء راه بانتظار محمد بن مسلمه توقف نمود او رفت با سه نفر از طایفه بنی حرث تا رسید کنار قصر کعب ، صدا زد ای کعب من محمد بن مسلمه برادرتو هستم‌آمده‌ام چند دینار از تو قرض بگیرم کعب گفت قرض نمیدهم مگر با وثیقه گفت وثیقه حاضر است فرود آی و بگیر در آن روز کعب ازدواجی کرده بود عیال جدیدش باو گفت ای کعب نمیگذارم بروی زیرا من ازاین صدا بوی‌خون استشمام‌میکنم کعب بسخنان او اعتنائی نکرد فرود آمد بامحمدبن‌مسلمه مشغول گفتگو شد وقدم زدند با هم مقداری که از قصر دور شدند محمد رفقایش را صدا زد آنها کعب رامهلت نداده و بقتل رسانیدند طایفه او ازقلعه بیرون آمدند که کعب رانجات دهند دیدند کعب کشته شده و محمد بن‌مسلمه با اصحابش رفته‌اند واثری از آنها نیست خودرا صحیح و سالم حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رساندند پیغمبر بمدینه بازگشت و فردای آنروز خبر قتل کعب را بمسلمانان داد مسرور و خوشحال شدند پس از آن رسول خدا شخصی را بجانب بنی نضیر فرستاد فرمودبآنها بگو حدرنند مرااز

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلاً
مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)
وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا
يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ
بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹) وَالَّذِينَ
جَاؤُا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلاً لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

قصد شما خبر داد میخواستیدمرا بقتل برسانید یا از شهر مدینه خارج شوید ویا مهیای جنگ باشید گفتند ما خارج میشویم عبدالله ابی که سرسلسله منافقین بود فرستاد شخصی را بجانب آنها و گفت مبادا خارج شوید جنگ کنید با محمد ﷺ ما شما را یاری میکنیم و قریش هم بیاری شما خواهندآمد اگر خارج شدید ماهم باشما خارج میشویم و اگر کشته شدید ما هم با شما کشته میشویم آنها از تصمیم اولی خود برگشتند و قلعه‌های خود را محکم نموده و آماده کارزار شدند یکنفر را بحضور پیغمبراکرم ﷺ فرستادند پیغام دادند ما بیرون‌نخواهیم رفت ومرگ بما نزدیکتر است از آنکه تو میگوئی آماده جنگ هستیم و هرکار که میخواهی انجام ده رسول خدا باتفاق اصحاب‌حرکت کردند بجانب‌آنها در حالتیکه‌تکبیر میگفتند امیرالمؤمنین ؑ پرچم را بدست مبارك گرفته پیشاپیش لشکر اسلام در حرکت بود رسیدند بدیار ایشان قلعه‌های‌آنها رامحاصره کردند و هرچه نزدیك میشدند آنجا را خراب میکردند ومردانی بودند که‌خانه‌های‌خود را بدست خویش خراب مینمودند پیغمبر امر فرمود درختان آنها را قطع کنند فریاد ایشان بجزع وزاری بلند شد گفتند ای محمد ﷺ آیا خدای تو امر کرده‌برفساد کردن‌اگر

غنايم مخصوص فقراء مهاجر است که ازوطن و اموالشان بديار غربت رانده شده‌در طلب فضل و خشنودي خدا مي کوشند و خدا و رسولش را ياري مي کنند ايشان بحقيقت راستگويانند (۸) و کسانيکه پيش از مهاجرين درخانه وايمان جاي گرفتند وآنهائي راکه‌هجرت کردندبسوي‌ايشان دوست مي‌دارند و در دل خود هيچ حاجتي و حسد و بخلي نسبت بآنها نمي‌يابند و هرچند خود نيازمند باشند باز مهاجرين را بر خود مقدم مي‌دارندو کسانيکه‌خودرا از بخل بر حذر مي‌دارند ايشان رستگارانند (۹) و آنانکه بعد از مهاجر و انصار آمدند و دايم‌در دعا بدرگاه خدا عرضه‌ميدارند پرورد گارا ما و برادران ما را که در ايمان بر ما پيشي گرفتند ببخش و بيامرز و‌دردل ما هيچگونه کينه‌اي ازمؤمنين قرار مده پروردگارا تورؤف ومهرباني (۱۰)

اينها مال شما است بگيريد و اگرمال ماماست پس قطع نکنيد جبرئيل نازل شد آيه ما قطعتم من لينة اوتر کتموها قائمة علي اصولها فباذن الله و ليجزي الفاسقين را آورد يعني آنچه از درختان خرما که در ديار يهوديان بني نضير بريديد و قطع نموديد و آنچه بر پا گذاشتيد همه بامر خداست و براي خواري و ذلت‌يهوديان فاسق نابکار است عاقبت راضي شدند حرکت کنند گفتند اي محمد ﷺ ما از شهر مدينه خارج ميشويم بشرط آنکه اموالمان را بخود ما بدهيد فرمود ممکن نيست ولي هر اندازه ميتوانيد با شتر از اموال خود برداريد و خارج شويد آنها راضي نشدند و چند روز ديگر توقف نمودند پس از آن حضور پيغمبر آمدند و عرض کردند پيشنهادشمارا مي‌پذيريم‌هرچه‌ميتوانيم‌ازاموال‌خودباشترحمل‌مينمائيم‌فرمود اکنون‌ديگرامکان‌ندارد زيرا ازاول‌قبول‌نکرديد حالا بايد بدون مال‌خارج‌شويدوهر کس مالي با خود بردارد او را بقتل ميرسانيم راضي شدند پس از آن رسول خدا دستور داد بهر سه نفر آنها يك شتر و لوازم سفر بدهند تمام ايشان ازمدينه بطرف شام بيرون رفتند جز دو طايفه که در فدك ساکن شدندپروردگارآيات فوق‌رانازل نمود و فرمود خدا است که کافران اهل کتاب را اولين مرتبه از ديارشان خارج نمود و هر گزشما مسلمانان گمان نميکرديد که آنها از منازل خود بيرون روند گمان ميکردند که حصارهاي محکمشان آنها راازقهر وانتقام خدا نگاه‌ميدارد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ
لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱) لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ
وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (۱۲)
لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)
لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ
شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (۱٤)

عذاب خدایتعالی بایشان رسید از آنجائیکه گمان نداشتند و خدا در دلهای آنها ترس و بیم افکند آنها خانه‌های خود را بدست خود و بدستهای مؤمنین خراب کردند پس ای هوشیاران عالم از این حادثه پند وعبرت بگیرید اگر خدا بر آنان حکم جلاء وطن نمیفرمود در دنیا بقتل و اسارت معذب میشدند و البته درآخرت عذاب دوزخ برای آنها خواهد بود و جلاء وطن برای آن بود که ایشان باخدا و رسولش سخت دشمنی و مخالفت کردند و هر کس با خدا دشمنی کند عقاب خدا بسیار سخت است (و ما افاء الله علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل ولارکاب ولکن الله یسلط رسله علی من یشاء و الله علی کل شیئی قدیر) و آنچه را که خداوند از مال کافران باز گردانیده مخصوص پیغمبر است زیرا شما سپاهیان اسلام برآن هیچ اسب واستری نتاختید خدا رسولانش را برهر که بخواهد مسلط میگرداند و او برهرچیز توانائی دارد (ما افاء الله علی رسوله من اهل القری فلله و للرسول و لذی القربی والیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم و ماآتیکم الرسول فخذوه وما نهیکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب) آنچه خداوند از اموال بنی نضیر برسول خود غنیمت داد تعلق

ایرسول ما آیا نمی بینی کسانی که نفاق ورزیدند و ببرادران خود که از اهل کتاب اند و کافرند میگویند اگر شمااز دیارتان اخراج شدید ما هم با شماخارج شده و در راه حمایت‌شما از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر باشما کار زار کردند ما شما را یاری می کنیم خدا گواهی می‌دهد که اینان دروغ میگویند (۱۱) اگر آنها از مدینه اخراج شدند هرگز منافقین با آنها خارج نخواهند شد و اگر مسلمین با ایشان کارزار کنند ایشان یاریشان نمی کنند و اگر هم بیاریشان بروند پشت بجنگ کنند و نصرت نخواهند یافت (۱۲) این مردم منافق در دلشان از شما ترس بسیار دارند تا از خدا چه آنها مردمانی هستند که هیچ فهم و شعور ندارند (۱۳) آنهاباشما بطور جمع کارزار نمی کنند مگر در قریه‌های محکم‌حصار دار یا از پس دیوار، میان خودشان اختلاف و نزاع زیاد است‌وشما گمان می کنید آنها با هم متفق اند ولی حقیقت این نیست بلکه دلهاشان متفرق است زیرا این گروه دارای عقل وفهم نیستند (۱۴)

دارد بخدا و رسول و خویشاوندان رسول و یتیمان و بینوایان و راهگذران تا این غنیمت‌ها و اموال منحصر در دست ثروتمندان نگردد زیرا در زمان جاهلیت غنیمت مخصوص توانگران‌بود وآنچه رسول حق دستورداد بگیرید وهرچه نهی کرد واگذارید واز خدا بترسید که کفروعقاب اوبسیارسخت است - . درکافی ذیل آیه فوق از سلیم بن قیس روایت کرده امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بخدا قسم پروردگار از کلمهٔ ذی القربی ما را قصد فرموده و بنفس خویش و پیغمبرش مقرون ساخته و مقصود از مساکین و ابن سبیل و یتامی از ما آل محمد هستند از برای ما سهمی در صدقات قرار نداده زیرا خداوند پیغمبر و آلش‌را گرامی‌داشته وآنهارا ازآنچه در دست مردم میباشد اطعام نفرموده است چه صدقه اوساخ مردم است - . واز حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه در خصوص ما آل محمد بتنهائی نازل شده ذوی القربی و مساکین و یتیمان آل محمد مراد است ارتباط ما از رسولخدا هرگز گسسته نشود سبیل ما میباشیم وجز ما سبیل وصراطی‌نیست - .

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيباً ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵) كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶) فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَ ذٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹) لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

و ذیل جملهٔ ما آتیکم الرسول از ابی اسحق نحوی روایت کرده گفت وارد شدم بر حضرت صادق عليه‌السلام فرمود ای ابی اسحق خداوند پیغمبرش را بر محبت خود ادب نمود و آیه « انك لعلی خلق عظیم » را نازل نمود پس از آن احکام را بحضرتش فرمود « مـا آتیکم الرسول فخذوه » و بعدفرمود «من یطع الرسول فقد اطاع الله » نازل فرمود سپس فرمود پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله بامر خدا آنها رابامیرالمؤمنین عليه‌السلام وائمه بعد از آن بزرگوار تفویض نمودای ابی اسحق شماشیعیان‌خاص تسلیم ما ائمه‌شدید و مردم انکار کردند ما و آیات وارده در حق ما را سوگند بخدا دوست دارم شما شیعیان را بشرط آنکه سخن بگوئید بآنچه ماائمه گفته‌ایم وساکت شوید درآنچه ما سکوت کرده‌ایم و ازرأی وعقیده‌خود چیزی نگوئید ما واسطه میان شما وخدا هستیم پروردگار برای کسیکه مخالف امر ما باشد خیری قرار نداده خداوندامر خلق را به پیغمبرش و ما ائمه تفویض نمودتا معلوم شودچگونه مردم پیغمبر وما ائمه را اطاعت مینمایند (للفقراء المهاجرین الذین‌اخرجوا من دیارهم و اموالهم یبتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله اولئك هم الصادقون) غنائم خاص فقیران مهاجرین است که‌آنهارا ازوطن واموالشان بدیارغربت بیرون کردند با این حال ایشان‌در طلب فضل‌وخوشنودی خدا میکوشند و خدا و رسولش رایاری

حال آنها مانند کافران پیشین است که در دنیا زود بکیفر کردارشان رسیدند ودر آخرت هم عذاب دردناکی برای آنها فراهم است (۱۵) این منافقین در مثل مانند شیطانند که بانسان گفت بخدا کافر شو پس از آنکه آدم بفرمان او کافر شد باو گفت من از تو بیزارم چه ازعقاب پروردگار جهانیان‌می‌ترسم (۱۶) پس‌عاقبت شیطان و آدمی که بامر او کافر شده آنستکه هردو درآتش دوزخ مخلدندو آندوزخ کیفر ستمکاران است (۱۷) ای اهل ایمان از خدا بترسید و هر کدام از شما خوب بنگرد که چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد و از خدا بپرهیزید که او بآنچه می کنید آگاهست(۱۸) مانند کسانیکه بکلی‌خدا را فراموش کردند و خدا هم نفوس آنهارا از یادشان برد نباشید اینان درحقیقت فاسق‌و تبه‌کارند(۱۹) اهل جهنم‌و اهل بهشت هرگزباهم برابر نیستند اهل‌بهشت همان اشخاص‌سعادتمند ورستگارانند (۲۰)

میکنند اینان راستگویانند انصار کسانی هستند که پیش از هجرت مهاجرین در مکه برسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان آوردند و مدینه را خانه اسلام و سرای ایمان قرار دادند و مهاجرین را که بسوی آنها آمدند دوست میدارند و در دل خود هیچ‌حسد وبخلی نسبت بمهاجرین نمی‌یابند وهرچند بچیزی نیازمند باشند باز مهاجرین‌را برخود در آن چیز مقدم میدارند و کسانیکه خود را ازخوی بخل و حرص نگاهدارند . ایشان رستگاران عالمند- چون آیه‌للفقراء المهاجرین‌نازل‌شد‌اموال بنی‌نضیر رااختصاص‌داده‌شدبفقراءمهاجرین، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بانصارفرمود اگرمیخواهید با مهاجرین مواسات کنید خانه و اموالیکه دارید با آنها قسمت کنید تا اموال بنی‌نضیر را بطور تساوی میان تمام شما مهاجرین وانصارقسمت نمایم چه مهاجرین در مدینه خانه واموالی ندارند و چنانکه‌نمیخواهید مواسات کنید باآنها این‌اموال را بمهاجرین میدهم مطابق دستور خداواموال‌شمابرای خودتان باشدعرض کردند ایرسول خدا ما حاضریم اموال خود را بین مهاجرین قسمت کنیم و طمعی باموال بنی نضیر نداریم آنهم خاص مهاجرین‌باشد جبرئیل نازل شد و آیه الذین تبوء الدار و الایمان را در مدح و ثنای انصار آورد - . در کافی ذیل‌آیه (ویؤثرون‌علی

لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ (۲۲) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳) هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

انفسهم و لوكان بهم خصاصه) از جميل بن دراج روايت كرده حضرت صادق عليه السلام فرمود بهترين شما مردم كسانى هستند كه با سخاوتند و شريرترين شما بخيلان باشند و از ايمان خالص است نيكوئى كردن با برادران و بر آوردن حاجات آنها و خوبى نمودن به برادران را خداوند دوست ميدارد و باين عمل بينى شيطان بخاك ماليده ميشود و سبب خلاصى از دوزخ و داخل شدن در بهشت است ايجميل اينها را باصحاب خود خبر بده عرض كردم فدايت گردم آيا نيكوئى كردن به برادران در حالت ثروت و تهى دستى است فرمود صاحب ثروت آسان است براو احسان نمودن خداوند مدح فرموده آنهائيكه تهى دست هستند و احسان ميكنند آنگاه آيه فوق را تلاوت فرمود و اينحديث را شيخ مفيد و طوسى نيز روايت كرده حضرت صادق عليه السلام فرمود آيه درشأن امير المؤمنين عليه السلام نازل شد دينارى براى قوت حضرت فاطمه وحسنين عليهم السلام فراهم نمود دربين راه مقداد بن اسود اظهار حاجت كرده آندينار را باشدت احتياج خود بمقداد عطا فرمود واورا برخود وخانواده‌اش مقدم داشت فوراً جبرئيل نازل شد وآيه مزبور را درشأن آنحضرت آورد. ابن مسعود گفت نماز شام را بارسول خدا بجا آوردم مردى از ميان صف برخاست گفت اى

اگر ما این قرآن‌را بر کوهی نازل کرده بودیم‌مشاهده می کردی که کوه ازخوف خدا چگونه خاشع می‌شد وازهم‌شکافته‌ومتلاشی میگشت این مثلهارا در قرآن‌برای مردم بیان می کنیم تادر آیات ما اندیشه کنند (۲۱) اوست خدائیکه جزاومعبودی نیست و او دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانست (۲۲) اوست خدائی که غیر از او محبوبی نیست پادشاهی منزه و پاك ازهرنقص، ایمنی‌دلهای هراسان، نگهبان جهانیان، غالب وقاهر بر تمام‌خلق، دارای جبروت، بزرگ و بزرگوار و برتر از حد فکر، منزه وپاك‌است‌ازهرچه‌براو شریك‌می‌پندارند (۲۳) اوست خدای آفریننده مخلوقات عالم امکان و پدید آورنده جهانیان و نگارنده صورت‌خلقان، تنها برای‌او است نامهای نیکوآنچه درآسمانهاو زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغولند و اوست خدای مقتدر و حکیم (۲۴)

پایان ترجمه سوره حشر

مهاجر وانصار مرد غریبم سؤال درحضور پیغمبر اکرم ﷺ ونمازگاه میکنم مرا طعام بدهید رسولخدا فرمود ای بنده خدا نام غریب مبر که رگهای دلم را بریدی غریب چهار کس‌است اول مسجدیست که میان قومی باشد ودرآن نماز نکنند دوم قرآن است درخانه‌ایکه اهل‌آن نخوانند ـ سوم عالم ودانشمندیست که میان‌قومی و طایفه‌ایکه احوال او نپرسند واز او تفقد نکنند چهارم اسیریست در میان کفار که خدارا نشناسند آنگاه فرمود کیست که مؤنه این مردرا متکفل شود تا خدای تعالی اورادرفردوس اعلی‌جای دهدامیرالمؤمنین ؑ برخاست ودست سائل‌راگرفت بخانه برد بحضرت فاطمه (ع) فرمود ای دختر رسول خدا این مهمانرا پذیرائی کن گفت ای پسرعم درخانه جزاندکی گندم نبود ازآن طعامی مهیا کرده‌ام بقدر یکنفر بیش نیست کودکان ما گرسنه هستند شماهم روزه داری امیرالمؤمنین ؑ فرمود بیاورآن طعام را چون‌آورد دید اندك است نزد مهمان گذاشت ودست مبارك را دراز کرد به بهانه‌آنکه چراغ‌را اصلاح کندآنرا خاموش کرد تا مهمان سیرشود چون سیر شد چراغ را روشن کرد دید طعام برحال‌اول‌باقی است فرمود بآن مرد چرا طعام نخوردی عرضکرد یا امیرالمؤمنین من طعام زیاده از متعارف خوردم

وسیر شدم خدای تعالی بر کت داده است آنحضرت وفاطمه(ع) زهرا با کودکان نیز از آن طعام میل نمودند وزیادتی را بهمسایه ها مرحمت کردند صبح که امیرالمؤمنین علیه‌السلام مسجد تشریف بردند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود یاعلی بخاطر آن عملیکه دیشب با مهمان رفتار نمودی وچراغ را خاموش کردی و طعام نخوردی تا مهمان سیر شود خداوند آیه ویؤثرون علی انفسهم را درشأن‌حضرتت نازل فرموده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام جماعتی را دید فرمود شما کیستید عرضکردند ما متوکلین هستیم بتوکل زندگانی میکنیم فرمود بآنها توکل شما بکجا رسیده است گفتند چون بیابیم بخوریم واگر نیابیم صبر نمائیم فرمود سگهانزه ما همچنین باشند عرض کردند حضورش پس چگونه باید کرد فرمود مانند ما رفتار کنید اگر بیابیم انفاق وایثار کنیم واگر نیابیم شکر نمائیم (والذین جاء ومن بعد هم یقولون ربنا اغفرلنا ولا خواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انك رؤف رحیم) کسانی که بعد ازمهاجر وانصار آمدند دایم دردعا بدرگاه خدا عرض می کنند پروردگارا ما وبرادران دینی مارا که درایمان برما سبقت داشتند ببخش و دردل ما هیچ کینه وحسدقرارنده پروردگاراتوئی که درحق بندگانت بسیاررؤف ومهربانی. محمدبن عباس ازابن عباس ذیل آیه والذین جاؤ من بعدهم روایت کرده گفت خداوند واجب فرموده برهرمسلمانی که استغفار کند برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام بنص آیه فوق زیرا آنحضرت سابق امت است درایمان واینحدیث را درمجالس ازحضرت امام حسن علیه‌السلام روایت کرده است (الم تر الی الذین نافقوا یقولون لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب لئن اخرجتم لنخرجن معکم ولانطیع فیکم احدا ابدا وان قوتلتم لننصرنکم والله یشهد انهم لکاذبون) این آیه درباره عبدالله بن ابی نازل شده پیغام فرستاد بهیهودیها خارج نشوید وبامحمد جنك کنید ماشمارا یاری خواهیم کرد پروردگار میفرماید خداوند گواهی میدهد که منافقین دروغ می گویند اگر یهود ازمدینه اخراج شدند هرگز منافقین باآنها خارج نمیشوند وچنانکه مسلمانان باایشان کارزار کنند منافقین یاری آنها نخواهند کرد واگر بیاری آنان روند پشت بجنگ کرده ودیگر

نصرت نخواهند یافت زیرا این مردم منافق ازشما مؤمنین بیشترمیترسند تاازخدا چه آنها مردمی هستند که هیچ فهم وشعور ندارند تاخداترس باشند یهودیان‌ازترس با شما کارزار نکنند مگر درحصارهای محکم یا ازپس دیوارها شجاعت وصولت و کارزار دربین خودشان سخت‌است یعنی تابایکدیگر باشند لاف زنند و بزبان اظهار شجاعت نمایند وچون بیرون‌آیند از ایشان ترس دل وضعیف تر کسی نباشد شما مسلمین گمان می کنید آنها باهم مجتمع وبایکدیگر متفقند درصورتی که دلهایشان پراکنده ومتفرق است این‌تفرقه برای‌آنستکه آنهاشعورندارند وعقل بکارنمیبندند (کمثل الذین من قبلهم قریباً ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم) یهودیان در مثل مانند کافران پیشین هستند که دنیا بزودی بکیفر کردارشان رسیدند ودرقیامت هم عذاب دردناك برای‌آنها مهیا است آنگاه‌مثل‌زدمنافقین‌ویهودرابشیطان‌بقولش (کمثل الشیطان اذقال للانسان اکفرفلما کفرقال انی بری‌ء منك انی‌اخاف‌الله رب العالمین فکان عاقبتهما انهما فی‌النار خالدین فیها وذالك‌جزاء الظالمین)این‌منافقین در مثل مانند شیطانند که بانسان گفت بخداکافرشو پس ازآنکه انسان باطاعت او کافر شدآنگاه باو می گوید من‌ازتو بیزارم زیرا ازعقاب پروردگارجهانیان سخت میترسم پس عاقبت شیطان وانسانیکه بامراوکافرشد اینست که هردودرآتش‌دوزخ مخلدند وآن دوزخ کیفر ستمکاران است. طبرسی ازابن عباس وابن مسعودروایت کرده که مراد بانسان درآیه برصیصای‌راهب است وداستان اوبدینقراراست‌درزمان فترت درصومعه ای هفتاد سال خدا را عبادت کرد شیطان هرچه خواست براوظفر یابد نمیتوانست یکروز شیاطین راجمع کرد و گفت مرا حیله ای بیاموزید در کار برصیصا یکی ازآنها گفت من تدبیری کنم، برصورت راهبی سر تراشیده جامهٔ رهبانان پوشیده بزیر صومعه برصیصا آمد واورا صدا زدجواب نداد عادت برصیصا آن‌بود که ازنماز روی‌بر نمی گردانید مگریکساعت برای افطار وروزه وصال داشت چون آن شیطان دید برصیصا جواب اورا نمی‌دهد بنماز مشغول شد برصیصا ازنماز که فارغ شد راهبی را مشاهده کردبنمازمشغول است بهیئتی نیکو تأسف خورد که

چرا جواب اورا ندادمتوجه‌او گردید و گفت ای بنده خدا مرا معذوربداراز آنکه جواب تورا ندادم درنمازبودم اکنون فارغ‌شدم بفرمائید چکاردارید شیطان‌باو گفت مرا آرزوست که باتویکجاباشم و عبادت خدا بجا آوریم من سیرت توبر گیرم‌وبتو اقتداء کنم وازعلم تو اقتباس نمایم وبدعای تورغبت می کنم ومن نیز تورا دعامی کنم برصیصا گفت من تمام مؤمنین را دعا می کنم اگر تو مؤمنی در آنها داخل می‌باشی گفت ای برصیصا حاجت‌من آنست که باتودریکجا باشم‌وبسیار گریه کرد برصیصا او را اجازه داد داخل صومعه شود وارد صومعه شد چنان در عبادت و روزه افزود که برصیصاعبادت‌خودرا حقیرشمرد و گفت‌عبادت‌وقوت این مرد بیش‌ازعبادت وقوت من است چون یکسال گذشت به برصیصا گفت من می‌خواهم بروم‌مرارفیق دیگری است که‌ازتو عابد تراست برصیصا از مفارقت اوبسیار اندوهناك شد چه راهبی ازخود عابد تر یافته است گفت ای برصیصا تورا دعائی می آموزم که بهتر از همه چیز است و آن نامهای خداوند است بهربیماری بخوانی فوراً شفا یابد و دیوانگان‌را عقل بخشدآن دعارا باو یاد دادوبر گشت‌نزد شیطان گفت‌کار برصیصا را تمام کردم واورا بهلاکت انداختم پس از آن مردی را گرفت و گلوی او را فشردآنگاه بصورت طبیبی درآمد و گفت‌این مرد دیوانه شده من اوراخوب‌می کنم راه نمائی کرد اورا به نزد راهب بردند التماس کردند برصیصا دعا کرد شفا یافت خبربرصیصا درشهرمنتشرشد تا یکروز دخترپادشاه را نزد اوبردند برصیصا حاضر نشددعا کندآن‌شیطان‌بصورت مردی ظاهرشدبآنها گفت‌دختررادرصومعه‌اوبگذارید وبه برادران دختر گفت به راهب بگوئید این دختر که خواهرما است امانت نزد تو می گذاریم و میرویم دختر را نزد برصیصا امانت گذاشتند و رفتند برصیصا چـون از نماز فارغ شـد دید آن دختـر دارای حسن و جمـال بی نظیرست شیطان او را وسوسه کرد و گفت هرگز چنین اتفاقی برای تو پیش آمد نخواهد کرد این دختر بی‌خبر است با او نزدیکی کن عاقبت‌برصیصارا مغرور کردبادختر نزدیك شدمباشرت کرد آبستن شد شیطان نزد برصیصا آمد گفت این چه کاری‌بود

کردی خود وتمام رهبانان را مفتضح نمودی بهترآنست که دختررا بکشی ودرزیر این کوه دفن کنی برصیصا درشب دخترراکشت ودرآن کوه اورادفن کرد شیطان آمد گوشه جامه اورا ازخاك بیرون کشید برادران آمدند حال خواهر را پرسیدند برصیصا گفت دختر را دیوبرد وبرمن غالب شد نتوانستم اورا ازدستش نجات بدهم آنها باور کردند و رفتند شب شیطان بخواب برادران آمد بایشان گفت برصیصا خواهر شمارا کشته ودرزیر کوه دفن‌نموده‌صبح برادران هریك خواب خودرابرای دیگری بیان کردآن برادر دیگر گفت من نیزچنین خوابی دیدم گمان می کنم‌این خوابی است که شیطان بما وانمود کرده شب دیگر شیطان بخواب آنها آمد و گفت بروید جسد خواهرشما درفلان مکان است وگوشه جامه او ظاهراست آنها رفتند دیدند راست بوه راهب را گرفتند بشهرآوردند تا اورا بدار کشند شیطان آمد نزد برصیصا باو گفت مرا می‌شناسی جواب داد نه گفت من راهب مصاحب توهستم بعد ازمن آبروی خود وهمه عابدان را بردی ولی من چیزی بتو می‌آموزم تا از این گرفتاری‌نجات یابی گفت چکنم شیطان جواب داد مراسجده کن تابدعا چشمهای ایشان را بگیرم وتو بگریزی وقتی گریختی‌توبه کن خداتوبه توراپپذیرد برصیصا شیطان را سجده کرد وکافرشد .

راوی اینحدیث وسلسله سندآن عامه‌است وبرخلاف عقل ومذهب‌امامیّه‌است واین مثل‌برای یهودیهای بنی‌نضیر آورده‌شده چه‌آنهامغرورشدند بوعده‌های‌منافقین پس ازآنکه گمراه شدند منافقین هم ازایشان بیزاری جستند ورها کردند آنها را واگرچه‌آیه نازل شددرباره عبدالله‌ابی وسایرمنافقین‌لکن‌عام‌است وشامل‌هرانسانی می‌شود که شیطان اورابکفروسوسه کرده چون‌کافرشدازاوبیزاری‌جوید. پس‌ازاین موعظه می کندمؤمنین رابقولش (یاایهاالذین آمنوااتقواالله‌ولتنظر نفس‌ماقدمت لغد واتقواالله ان الله خبیربما تعملون) ای مؤمنین ازخدابترسید و هر نفسی باید بنگرد تاچه عملی برای‌فردای قیامت خودپیش می‌فرستد وازخدابترسید که اوبهمه کردارتان بخوبی آگاهستُ (ولاتکونوا کالذین نسواالله فانسهم انفسهم اولئك هم

الفاسقون) ابن بابویه ذیل آیه فوق ازعبدالعزیز بن مسلم روایت کرده گفت تفسیر آیه را ازحضرت رضا علیه السلام سؤال کردم فرمود خداوند هیچ سهو وفراموشی ندارد مخلوقات که حادثند دارای سهووفراموشی میباشند آیانمی‌شنوی قول‌خداوندرا که می‌فرماید/وماکان ربك نسیاومعنای آیه آنستکه خداوند ترك‌می کند اورااستعداد وقابلیت ملاقات روزقیامت را پیدا نکند (لایستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون) هرگز اهل دوزخ واهل بهشت باهم یکسان نیستند اهل بهشت سعادتمند خواهند بود . ابن بابویه ذیل آیه فوق ازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود چون پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله آیه راتلاوت می‌نمود میفرمود اصحاب بهشت کسانی هستند که امرمرا اطاعت کنند وتسلیم علی بن ابیطالب علیه السلام باشند و اقرار بولایت آنحضرت نمایند حضورش عرضکردند اصحاب‌دوزخ چه کسانی‌هستند فرمودآنهائی که نقض کنند عهد مرا بعد ازمن وباعلی مجادله وقتال کنند وغضب نمایند درباره ولایت علی علیه السلام . وازمخالفین موفق بن احمد در کتاب مناقب‌خود از جابرانصاری‌روایت کرده که درخانه کعبه‌حضور پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله نشسته‌بودم امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد رسول خدا فرمود آمد بسوی شما برادرم علی علیه السلام پس از آن پرده خانه کعبه را بدست مبارك گرفت وفرمودبآنخدائیکه جانم‌بدست‌قدرت او است این علی وشیعیانش رستگارانند و نیزروایت کرده روزی‌حضرت‌فاطمه (ع) گریه مینمود پیغمبرباوفرمود ای‌فاطمه گریه‌نکن فردای قیامت که‌مبعوث‌وازطرف پروردگار خوانده‌شدم علی بامن است ای‌فاطمه (ع) علی وشیعیان اوفائزورستگار وارد بهشت میشوند (لوانزلنا هذاالقرآن علی‌جبل‌لرایته خاشعا متصدعامن‌خشیة الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون) پروردگار دراین‌آیه خبرمیدهد ازعظمت قرآن وبرسبیل مثل می‌فرماید اگر ما این‌قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم وآن کوه ازچیزهائی بود که میشنیدوتعقل واندیشه می‌نمودمشاهده‌میکردی ای محمد صلی الله علیه و آله که کوه خاشع وذلیل شده وازترس خدا متلاشی وشکافته میشد ولی کفار قسی‌القلب دلهایشان بمواعظ قرآن نرم نخواهد شد واین مثلهارا درقرآن میزنیم برای مردم تافکر واندیشه کنند وپند وعبرت‌بگیرند پس از آن خبرمیدهد

بعظمت وربوبيت خود(هوالله الذى لااله الاهو عالم الغيب والشهادةهوالرحمن الرحيم. هوالله الذى لااله الاهو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عمايشركون . هوالله الخالق البارىء المصورله الاسماء الحسنى يسبح له مافى السموات والارض وهوالعزيز الحكيم) فرمود اوآنخدائى است كه جزاوخدائى نيست، داناى نهان و آشكاراست، بخشنده ومهربانست درحق بندگان، اوآنخدائى است كه جزاوخدائى نيست، پادشاه است، وپاك است ازهرعيب ووصفى كه لايق او نباشد منزه و مبرا است ، تصديق كننده پيغمبران خود است ، و ايمنى دلهاى هراسان، وامين وگواه است بر بندگان خود، غالب وقاهر است برمخلوقات، باجبروت وبزرگ وبزرگوار است ، برتر ازحد فكرت ، و پاك و منزه است از آنچه مشركين باو شرك مى آورند او آنخداى آفريدگار است وپديدآورنده معدومات، نگارنده صورتهاى مخلوقات است اورا ست نامهاى نيكو تر و هرچه درآسمانها وزمين است همه به تسبيح وستايش اوصاف جلال وجمالش مشغولند واواست خداى قاهروغالب حكيم .

انس بن مالك از پيغمبر اكرم ﷺ روايت كرده فرمود هركس سه آيه آخرسوره حشررا بخواند خداوند گناه گذشته و آينده اورا بيامرزد و هر كه در صبح بگويد اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم وسه آيه آخراين سوره را تلاوت كند خدايتعالى هفتاد فرشته را براو موكل گرداند تاشب صلوات بفرستند واگر آنروز بميرد شهيد مرده است وهمچنين است اگر شب بخواند آنهارا ، وازآنحضرت سؤال كردند ازاسم اعظم خدا فرمود برشما باد به تلاوت كردن آخرسوره حشر دركافى ذيل آيه له الاسماء الحسنى ازهشام بن حكم روايت كرده گفت سؤال نمودم ازحضرت صادق عليه السلام اسماء خداوند واشتقاق آنهارا فرمودالله مشتق است ازاله بمعناى پرستش كردن وهرپرستشى پرستش كرده شده اى ميخواهد يعنى هرعابدى معبودى لازم دارد واسم غيرمعنى ومسمى است وهركس پرستش كنداسم رابدون توجه بمعنا كافراست وعبادت نكرده خدارا واگر پرستش نمايد اسم ومعنى هردورا مشرك است وعبادت كرده دوچيزرا وآنكه پرستش كند معناى تنهارا اوموحد وخداپرست است عرض كردم حضورش فدايت گردم توضيح بيشترى بيان فرمائيد فرمود اى هشام براى خداوند نود ونه اسم ميباشداگرهراسمى بعينه همان معنى ومسمى بود همانا هراسمى

خدائی است لکن خداوند معنائی است که دلالت دارند براو تمام اسامی وجمیع آنها غیرمعنی میباشند ای هشام مثلی برایت میزنم تا روشن شود نان اسم است برای چیزی که میخورند و آب برای آنکه می آشامند و لباس برای آنچه می پوشند آتش اسم است برای آنچه میسوزاند ای هشام فهمیدی اینهارا حفظ کن تابتوانی با دشمنان ما مباحثه کنی وبرآنها غالب شوی هشام عرضکرد فدایت گردم فهمیدم فرمود خداوند بتونفع برساند وبرحق ثابت گرداند هشام میگوید سوگند بخدا از آنروز که حضرت صادق عليه‌السلام این فرمایشات را بمن فرمود درتوحید وخدا شناسی کسی برمن غالب نشد .

ابن بابویه ازحضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم بامیرالمؤمنین عليه‌السلام فرموده برای خداوند نودونه اسم باشد هر کس آنرا حفظ کند وبشمارد داخل بهشت میشود وآنها بدین قرار است ـ الله ـ الاله ـ الواحد ـ الاحد ـ الصمد ـ الاول ـ الاخر ـ السمیع ـ البصیر ـ القدیر ـ القادر ـ القاهر ـ العلی ـ الاعلی الباقی ـ البدیع ـ الباری ـ الاکرم ـ الظاهر ـ الباطن ـ الحی ـ الحکیم ـ العلیم ـ الحلیم ـ الحفیظ ـ الحق ـ الحسیب ـ الحمید ـ الخفی ـ الرب ـ الرحمن ـ الرحیم الذاری ـ الرزاق ـ الرقیب ـ الرؤف ـ الرائی ـ السلام ـ المؤمن ـ المهیمن ـ العزیز الجبار ـ المتکبر ـ السید ـ السبوح ـ الشهید ـ الصادق ـ الصانع ـ الطاهر ـ العدل العفو ـ الغنی ـ الغیاث ـ الفاطر ـ الفرد ـ الفتاح ـ الفالق ـ القدیم ـ الملك ـ القدوس القوی ـ القریب ـ القیوم ـ القابض ـ الباسط ـ قاضی الحاجات ـ المجید ـ المولی ـ المنان ـ المحیط ـ المبین ـ المقیت ـ المصور ـ الکبیر ـ الکافی ـ کاشف الضر ـ الوتر ـ النور ـ الوهاب ـ الناصر ـ الواسع ـ الودود ـ الهادی ـ الوفی ـ الوکیل الوارث ـ البر ـ الباعث ـ التواب ـ الجلیل ـ الجواد ـ الخبیر ـ الخالق ـ خیرالناصرین الدیان ـ الشکور ـ العظیم ـ اللطیف ـ الشافی ـ .

وفرمود آنحضرت عالم غیب چیزیستکه دراین جهان نیست ومشاهده نمیشود وعالم شهادة چیزیستکه موجود بوده مشاهده میشود ـ وازحضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند برپیغمبرش محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم نازل فرموده لا اله الاهو الحی

القیوم را و نامیده میشود باین اسماء الرحمن الرحیم العزیز الجبار العلی العظیم... درباره خدای تعالی بحیرت افتادند وهوشها از دست داده شده لذا برای خدا مثلها زده‌اند واورا باشیائی تشبیه کردند واشباهی برای او قرار دادند و گفتند خدا حلول میکند در اشیاء وزایل میشود ازاشیائی این قبیل ازمردم در دریای بی پایانی فرورفتند نمی دانند انتهای آن را ودرك نکنند اندازه دوری آنرا . وازامیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود بخل نکنید درسلام کردن وغضب نکنید نیکو و پاکیزه سخن بگوئید شبانگاه وقتیکه مردم در خوابند نماز بجاآورید تاداخل بهشت شوید پس از آن تلاوت فرمود این آیه را : السلام المؤمن المهیمن . . .

پایان سوره حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِياءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِما جاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهاداً فِي سَبِيلِي وَابْتِغاءَ مَرْضاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِما أَخْفَيْتُمْ وَما أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِيلِ (۱)

سورهٔ ممتحنه

سوره ممتحنه در مدینه نازل شده و سیزده آیه و سیصد وچهل کلمه و هزاروپانصد وده حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ـ ابن بابویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره ممتحنه را در نمازهای واجب ومستحب تلاوت نماید خداوند امتحان فرماید دل او را ازبرای ایمان ودیده اورا نورانی گرداند و فقر و دیوانگی در اولادش بهم نرسد هرگز. و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند فرشتگان بر او رحمت فرستاده و استغفار کنند واگر درآنروز بمیرد شهید مرده است ومؤمنین شفیع او بشوند در روز قیامت. وهرکه آنرا بنویسد و بآب بشوید وسه‌روز متصل بیاشامد درد جگر براو باقی نماند وایمن‌باشد ازبادها و امراض‌در مدت حیات خود باذن خداوند.

خلاصه مطالب سوره ممتحنه عبارت است نهی نمودن مؤمنین از مراوده و

ترجمه سوره ممتحنه

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای اهل ایمان نباید دشمنان من و دشمنان خود را یاران خود بر گرفته وطرح دوستی با آنها افکنید چه آنان بکتابیکه برشما آمد کافر شدند و رسول خدا وشما مؤمنین را بجرم ایمان بخدا از وطن خود آواره کردند و اگر شما برای جهاددر راه من و طلب رضا و خوشنودی من بیرون آمدید پنهانی باایشان دوستی مکنید که من باسرار نهان و اعمال آشکار شما از هر کس دانا ترم و هر که از شما چنین عملی انجام دهد براه ضلالت وگمراهی شتافته است (١)

دوستی با کفار و یاری کردن از آنها و تأسی کردن بحضرت ابراهیم و حکم زنان مهاجرات وبیعت نمودن آنها درروزفتح مکه قوله تعالی (یاایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی وعدو کم اولیاء تلقون الیهم بالمودة وقد کفروا بما جاء کم من الحق یخرجون الرسول و ایا کم ان تؤمنوا بالله ربکم ان کنتم خرجتم جهادا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودة وانا اعلم بما اخفیتم و ما اعلنتم و من یفعله منکم فقد ضل سواء السبیل) این آیات نازل شده درحق خاطب بن ابی بلتعه و سبب نزول آن بود ،

زنی بنام سارة مولاة ابی عمرو بن صیفی بن هاشم بن عبد مناف از مکه بمدینه آمد حضور پیغمبر اکرم ﷺ دو سال بعداز جنگ بدر آنحضرت باو فرمود آمده‌ای مسلمانان بشوی گفت خیر فرمود هجرت کرده‌ای عرض کرد خیر چون مولای من شمائید و من در مکه مولائی ندارم بسیار محتاج شده‌ام آمده‌ام تا بمن چیزی مرحمت بفرمائید تا بازگردم بسوی مکه فرمود چرا از اهل مکه درخواست ننمودی و آن زن در مکه پیشه‌اش غنا ونوحه سرائی بود عرض کرد پس از روز بدر کسی رغبت و میل پیدا نکرد و خوانندگی من رسول خدا بفرزندان عبدالمطلب فرمود چیزی باو بدهید تابر گردد بمکه، آنها ده دینار و لباس وشتری باو دادند. رفت نزد خاطب بن ابی بلتعه و از او چیزی خواست خاطب اسلام آورده و هجرت نموده‌بود عیالش حاضر نشد بااوهجرت نماید در مکه‌توقف کرد قریش چون خائف

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (٢) لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (٣) قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرٰهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَداً حَتّٰى تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (٤)

بودند از حرکت پیغمبر بسوی مکه لذا بعیال خاطب گفتند نامه‌ای بشوهرت بنویس تا ما را خبر دهد از خیال محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله او نامه‌ای نوشت و بوسیله همان زن مغنّیه فرستاد خاطب در جواب نامه نوشت که پیغمبر خیال جنگ دارد و نامه را بساره مغنیه داد تا ببرد آن زن نامه را میان پای خود پنهان کرد و بجانب مکه حرکت کرد جبرئیل نازل شد و پیغمبر را از نامه خبر داد آنحضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام وزبیر بن عام را در تعقیب آن زن فرستاد تا نامه را بگیرند، در بین راه بآن زن رسیدند امیرالمؤمنین علیه‌السلام باو فرمود نامه کجااست بمن بده گفت نامه‌ای نزد من وجود ندارد و گریست و سوگند یاد نمود که نامه‌ای ندارم متاعش جستند چیزی نیافتند خواستند برگردند و به رسول خدا خبر بدهند که نامه‌ای نزد او نیست امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود رسولخدا دروغ نمیگوید و جبرئیل هم دروغ نمیگوید نامه نزد اواست پس از آن شمشیر کشید و فرمود بآن زن، بخدا سوگند اگر نامه را بیرون نیاوری سرت را از تن جدا خواهم کرد و برای پیغمبر میبرم چون این فرمایشات را از آنحضرت شنید

اگر کفار برشما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند هرچه بتوانند بدست وزبان بر دشمنی شما میکوشند و چقدر دوستدارند اگر شما کافر شوید (٢) هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما سودی برایتان ندارند آنروز میان شما جدائی میافکند وخدا بهرچه کنیدآگاهست (٣)برای شما مؤمنین بسیار پسندیده است که بابراهیم وپیروانش اقتدا کنید چه آنها بقوم مشرك خود گفتندما از شما وبتهائیکه بجای خدا می‌پرستید بیزاریم. نگرویدیم بشماوهمیشه میان ما و شما کینه‌ودشمنی خواهد بود تاآنکه بخدای‌یگانه ایمان‌آرید، مگرنه‌آنکه‌ابراهیم بپدرمادری خود گفت اگر ایمان آوری من برای تو از خدا آمرزش میطلبم وبر نجات توازعذاب خداهیچ کاری نتوانم کرد. پروردگارا بر توکل کردیم وبسوی‌توبازگشت‌نمودیم وبازگشت تمام خلق بسوی تست (٤)

گفت روی بگردان تا نامه را بیرون آورم آنحضرت صورت خود بر گردانید زن نامه را از میان پای خود بیرون آورد و تسلیم امیرالمؤمنین عليه‌السلام نمود آنحضرت نامه را حضور پیغمبر آورد رسول خدا دستور دادحاطب راحاضر کردند باوفرمود این چه خیانتی بود که تو کردی عرض کرد ایرسول خدا به پروردگار سوگند که منافق نشدم و تغییر در دین نداده‌ام و مراعات قریش نکردم گواهی میدهم که نیست خدائی جز خدای یکتا و شما پیغمبر بر حق هستید چون قریش با اهل و عیال من نیکوئی و معاشرت میکنند من‌دوست داشتم که پاداش دهم قریش رالذا این نامه را نوشتم و من از قریش میترسم خواستم اینعمل منتی باشد از من نزد آنها عمر گفت ایرسول خدااجازه بفرمائید گردنش را بزنم او منافق استفرمود از اهل بدر است خدا میآمرزد او راازمسجد بیرونش کنید مردم با پشت دست او را از مسجد بیرون کردند و اومتوجه رسول خدابود چون بدرمسجد بردندپیغمبر فرمود بازگردانید او را وفرمود توبه کن توبه کرد رسول خدا توبه اوراپذیرفته وقبول فرمود جبرئیل نازل شد آیات را در حق اوآوردوفرمود ایمؤمنین بادشمنان من و دشمنان‌خودتان دوستی نکنید و طرح دوستی با آنها میفکنید چه آنها کافر شدند بقرآنیکه بسوی شما از طرف خدا فرستاده شده و رسول خدا و شما مؤمنین

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ (۵) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶) عَسَى اللهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللهُ قَدِيرٌ وَاللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷) لَا يَنْهَيكُمُ
اللهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ
وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸) إِنَّمَا يَنْهَيكُمُ اللهُ عَنِ الَّذِينَ
قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ
تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

را بجرم آنکه بخدا ایمان آورده‌اید از وطن خود آواره کرده‌اند پس نباید اگر شما برای جهاد درراه من و طلب رضا و خوشنودی من از مکه هجرت کرده وبیرون آمده‌اید در پنهانی با کفار دوستی کنید من باسرار نهان و اعمال آشکار شما از هر کس داناترم وهر کس از شما مؤمنین چنین عملی انجام بدهد براه ضلالت و گمراهی شتافته است اگر آنها بر شما تسلط یابند باز دشمنی کنند و هرچه بتوانند بدست و زبان بردشمنی شما میکوشند وچه قدردوست دارند که شما باز کافر شوید. ایمؤمنین بدانید روز قیامت خویشان و فرزندان شما هیچ سودی نخواهند رسانید در آنروز بکلی میان شما جدائی افکنند و خدا بهر چه کنید آگاهست (قدکانت لکم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه اذ قالوالقومهم انا برآؤا منکم ومما تعبدون من دون الله کفرنا بکم وبدابیننا و بینکم العداوة والبغضاء ابداً حتی تؤمنوا بالله وحده الاقول ابراهیم لابیه لاستغفرن لك وما املك لك من الله من شیئی ربنا علیك توکلنا والیك انبنا والیك المصیر) برای شما مومنین نیکو و پسندیده است که با براهیم خلیل و آنهائیکه بااو بودند اقتدا کنید یعنی درموضوع بیزاری جستن از کفار چه آنها بقوم

پروردگارا مارا سبب آزمایش کافران مگردان مارابیامرز پروردگارا تنهاتوهستی دستکار و مقتدر (۵) برای شما مؤمنین هر که بخدا و ثواب روز آخرت امید وار است پیروی کردن باابراهیم ویارانش نیکو است و هر که روی از خدا بگرداندخدا بی‌نیازو ستوده‌است (۶) امیداست که‌خدا دوستی‌میان‌شما ودشمنان بر قرار گرداند چه خدا بر هر کاری توانائی دارد وآمرزنده ومهربانست (۷) خدا شما راازدوستی آنانکه در دین قتال و دشمنی نکرده اند وشمارا از دیارتان بیرون ننموده‌اند نهی نمیکند تا بیزاری از آنها بجوئید باچنین اشخاص بعدالت و انصاف رفتار کنید . خداوند مردم باعدل‌وداد‌را دوست می‌دارد (۸) همانا خداشمارا از دوستی کسانیکه در دین با شما کار زار کردند و از وطنتان بیرون نموده وهم پشت شدند در بیرون کردن شما نهی کرده تا آنها را دوست نگیرید وکسانیکه باآنان دوستی کنندظالم وستمکارند(۹)

مشرك‌خود گفتندماازشماوبتهائیکه‌بجای‌خدامی‌پرستید بیزاریم ما منکر و مخالف شما هستیم و میان ما وشما دشمنی و دوری‌همیشه خواهد بود تاآن وقت که‌بخدای یگانه‌به‌تنهائی ایمان‌آورید. مگرنه‌آنکه ابراهیم بپدر مادری خود گفت اگرایمان آری من برای تو از خداوند آمرزش میطلبم تااز شرك پیشین تو در گذرد و اگر ایمان نیاوری دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب خدا هیچ کاری نتوانم کرد آنگاه رو بدرگاه خدا کرد و گفت پروردگارا ما بتوتوکل کردیم و ازهمه‌جا رو بدرگاه تو آوردیم ومیدانیم که بازگشت تمام خلق بسوی تو خواهد بود ـ . پروردگار دراین‌آیه میفرماید مؤمنین باید در جمع خصال بحضرت ابراهیم اقتدا کنند مگر در یك خصلت که او مخصوص خود آنحضرت است که بخاطر عذر ظاهری برای پدر مادری خود استغفار نمود لکن استغفار حضرت ابراهیم مشروط بشرط ایمان پدر مادری او بود و چون شرط که ایمان است حاصل نشد مشروط که استغفار بود تحقق پیدا نکرد خدایتعالی این داستان رابیان فرمود تا مؤمنین بدانند که استغفار برای مشرکین نشاید و جایز نیست هر چند آن مشرك پدر مؤمن باشد چنانکه در آیه دیگر فرمود ما کان للنبی والذین آمنوا ان یستغفروا

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذا جاءَكُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ ما أَنْفَقُوا وَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوافِرِ وَاسْئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْئَلُوا ما أَنْفَقُوا ذلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۱۰) وَإِنْ فاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْواجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْواجُهُمْ مِثْلَ ما أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

للمشركين و لو كانوا اولى القربى آنگاه دعا میکند حضرت ابراهیم و میفرماید پروردگارا ما را مایه امتحان کفار مگردان و ازشر آنها محفوظ بدار و بلطف و کرم خود ما را بیامرز تنها توئی که بر هرکار مقتدر و دانائی باز خداوند این امت را مخاطب قرار داده ومیفرماید البته شمامؤمنین اگر بخدا وروزقیامت امیدوارید نیکو و پسندیده است که اقتدا کنید بابراهیم وپیروانش و هر کس از خدا روی بگرداند خداوند بینیاز و بذات خود ستوده است (عسى الله ان يجعل بينكم و بين الذين عاديتم منهم مودة و الله قدير و الله غفور رحيم) امیداست که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان که مشرکینند بر قرار گرداند بوسطه ایمان آوردن ایشان و این عده تحقق پیدا کرد و بسیاری از آنها ایمان آوردند و با مؤمنین وصلت و ازدواج کردند چه خداوند بر هر کار قادر و توانا است و آمرزنده و مهربانست (لاينهيكم الله عن الذين لم يقاتلوكم فى الدين و لم يخرجوكم من دياركم ان تبروهم وتقسطوااليهم ان الله يحب المقسطين)

خداوند از دوستی کسانیکه با شمادردین کارزار نکردند وازخانه و دیارتان بیرون ننمودند نهی نمیکند و با آنها بعدالت رفتار کنید و نیکوئی در حق ایشان

ای اهل ایمان زنانیکه بعنوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کنند و نزد شما آیند آنها را آزمایش کنید خدا براست و دروغ ایمانشان دانا تر است اگر باایمان شناختید آنانرا بر نگردانید ایشانرا بسوی کفار این زنان بر کفار و آنها براین زنان با ایمان حلال نیستند ولی مهر و نفقه ایکه شوهران کفار خرج اینان کرده اند بآنها بپردازید و باکی نیست بر شما مسلمانان که با این زنان ازدواج کنید و مهرشانرا بدهیدو چنگ نزنیدبازدواج کردن با زنان کافره واگرزنانشان از اسلام بکفر برگشتند از کفار مهر و نفقه آنها را مطالبه کنید کفار هم مهر و نفقه طلب کنند این‌است فرمان‌خدا میان شما بندگان حکم میفرماید وخدابامور دانا و درست کردار است (۱۰) و اگر زنان شما بسوی کفار رفتند در مقام انتقام برآئید و بمقدار همان مهر و نفقه‌ایکه‌خرج کرده اند بمردانیکه زنانشان رفته‌اند بدهید واز خدائیکه باوایمان آورده‌اید بترسید (۱۱)

بنمائید پروردگار مردم باانصاف وصاحب‌عدل را بسیار دوست میدارد (انماینهیکم الله عن الذین قاتلوکم فی‌الدین واخرجوکم من‌دیارکم وظاهروا علی اخراجکم ان تولوهم و من‌یتولهم فاولئك هم الظالمون) در کافی ذیل آیه ربنا لاتجعلنا فتنة للذین کفروا از حضرت‌صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود از فرزندان‌آدم نبودمومن مگر فقیر ومحتاج وبینوا ونبود کافرمگر غنی‌وثروتمند تا زمان حضرت‌ابراهیم آنحضرت دعا کرد و گفت پروردگارا اینحالت را از مؤمنین بردار وما را مورد امتحان کفار قرار مده خداوند آنحالت را برگردانید مسلمین را غنی و فقیر و ثروتمند قرار داده طبرسی ذیل آیه لاینهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم) از ابن عباس روایت کرده‌آیه مزبور در باره خزاعه وبنی‌مدلج نازل شده‌چه‌آندوطایفه با رسول خدا صلح کردند تا کارزار نکنند و بیاری دشمنان اسلام قیام ننمایند لذا فرمود آنهائیکه با شما کارزار نمیکنند مودت و دوستی با ایشان را خداوند منع نمیفرماید ولی کسانیکه در دین با شما کارزار کرده و از دیارو خانه‌هایتان بیرون نمودند البته نهی میکند خداوند که با این قبیل اشخاص دوستی ومراوده کنید و آنانکه با ایشان طرح دوستی و مراوده افکنند از جمله ستمکاران خواهند بود

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ (۱۳)

(یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بایمانهن فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار لاهن حل لهم ولاهم یحلون لهن وآتوهم ماانفقوا ولاجناح علیکم ان تنکحوهن اذا آتیتموهن اجورهن ولاتمسکو بعصم الکوافر واسئلوا ماانفقتم ولیسئلوا ماانفقوا ذلکم حکم الله یحکم بینکم والله علیم حکیم) سبب نزول آیه آن بود رسول اکرم در سال حدیبیه با مشرکین صلح نمود و یکی از شرایط صلح این بود هر کس از اهل مکه بسوی مدینه رود پیغمبر او را باز فرستد و هر که از مدینه بمکه برود کفار او را ردنکنند پس از مدتی زنی بنام سبیعه دختر حارث اسلمیه مدینه آمد و اسلام اختیارنمود شوهرش کافر بودحضور پیغمبر رسید عرض کرد ای محمد این زن از من گریخته حضور شما آمده مطابق صلح و قرار داد اورا بمن بدهید آیه فوق نازل شد ایرسول ما و مؤمنین هرگاه زنانی بعنوان اسلام و ایمان از دیار خود هجرت کنند و بجانب شما آیند خداوند براست و دروغ ایمانشان داناتر است شما آنها را امتحان کنید اگر از روی حقیقت ایمان آورده‌اند آنها را باز نگردانیدبطرف مشرکین و هرگز این زنان مؤمن برآن شوهران کافر و آنها براین زنان حلال نیستند ولی مهرونفقه ایکه شوهران مخارج آنزنان کرده‌اند بآنها بپردازد و باکی نیست شما مسلمانان با این زنان ازدواج کنید در صورتیکه اجرت و مهرشان را بدهیدوهرگز متوسل

چون زنان مؤمن آمدند نزد تو ای پیغمبر تا بیعت کنند بر ایمان که دیگر شرك بخدا نیاورند ودزدی وزنا کاری نکنند و فرزندان خود را بقتل نرسانند وبر کسی افترا وبهتان نزنند میان دست و پاهای خودو نافرمانی نکنندباتو باایشان باینطریق بیعت کن و طلب آمرزش کن از خدا برای آنها خدا آمرزنده و مهربانست (١٢) ای اهل ایمان هرگز قومی را که خدا برآنها غضب کرده دوست و یار خودنگیرید چه آنان ازعالم آخرت نومید شده اند چنانکه کافران از اهل قبور ناامیدند(١٣)

پایان ترجمه سوره ممتحنه

نشوید بعصمت های زنان کافره و اگر زنهای شما از اسلام بکفر برگشتندواز کفار مهر و نفقه مطالبه کنید آنها هم مهر و نفقه از شما طلب کنند این حکم خدا است در میان شما بندگان و خداوند بحقایق امور دانا و بمصالح خلق آگاهست و چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ سبیعه را سوگند داد بخدا او سوگند یاد کرد که چیزی مرا وادار نکرده بهجرت جز رغبت دراسلام ودین خدا . پیغمبر مهراورا بشوهرش داد بحکم آیه وآن زن را برنگردانید بشوهر کافرش ولی هر کس از مردها بمدینه میآمد مطابق قرار داد اورا باز میگردانید بسوی قریش و اگر بخاطر صلح وقرار داد نبود مهر را بمشر کین نمیدادوامتحان برای آن بود که مبادا هجرت آن زن بخاطر بغض بر شوهرش بوده و یا بعشق یکی از مسلمانان داخل در اسلام شده است وچنانکه از روی بصیرت بوده و ثابت شود که راست میگوید بعدازاستبراء رحم، مسلمین او را تزویج مینمودند . در کافی ذیل آیه فوق از حضرت باقر ؑ روایت کرده فرمود هر کس نزد او زن کافره است اسلام را باو عرضه بدارد اگر قبول کرد عیال اواست و اگرقبول ننمود خداوند نهی فرموده که چنگ بزند بعصمت کافره وچنانکه زن مسلمانی ملحق بکافر شد صداق آنزن را از کفار میگیرند و بمرد مسلمان میدهند و اگر آن کافر رد نکرد و مسلمانان غلبه نمودند و اموال آنها را بغنیمت بردندباید پیش از قسمت غنیمت اول مهر آنزن را بمرد مسلمان بدهند و هر گاه زنی از کفار اسلام آورد

مهر آن زن را بشوهر کافرش میدهند (و ان فاتکم شیئی من ازواجکم الی الکفار فعاقبتم فآتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ماانفقوا و اتقوالله الذی انتم به مؤمنون) سبب نزول آیه آن بود که دختر امیة بن مغیره عیال عمر بود بااو هجرت نکرد بمدینه و ماند بامشرکین معویه اورا گرفت رسول خدا صداق اورا بدستور آیه فوق وامر پروردگار از معویه گرفت و بعمر داد (یاایها النبی اذا جاءك المؤمنات یبایعنك علی ان لایشرکن بالله شیئا ولایسرقن ولایزنین ولایقتلن اولادهن ولایاتین ببهتان یفترینه بین ایدیهن و ارجلهن ولایعصینك فی معروف فبایعهن و استغفر لهن الله ان الله غفور رحیم) این آیه روز فتح مکه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میان نماز ظهر وعصر جلوس فرمود در مسجد الحرام مردها باحضرتش بیعت کردند و پس از نماز عصر امر فرمود ظرفی را پر ازآب کردند آنحضرت دست مبارك خود را در آن آب گذاشت و بزنها فرمود هر کس میخواهد بیعت کند دست خود را داخل آب کند و من با زنان مصافحه نخواهم کرد وقرائت نمود آیه مزبور را بر آنها که ازشروط بیعت ایشان است امه حکیم دختر حارث بن عبدالمطلب عرض کرد ایرسول خدا معروف چیست ؟ که ما زنها باید در آن نافرمانی شما نکنیم وخداوند مارا امر بآن نموده فرمود معروف عبارت از آنستکه صورتهای خود را نخراشید و سیلی بصورت خود نزنید وموهای خود را نکنید و گریبان چاك نزنید ولباس سیاه نپوشید وصدا را بواویلا بلند نکنید و کنار قبرها توقف ننمائید آن زنان با شروط در آیه بکیفیت مزبور باپیغمبر خدا بیعت کردند حضرت صادق علیه السلام فرمود معروفیکه باید معصیت رسولش را در آن بجا نیاورند عبادت است از نماز و روزه وسایر واجبات دیگر . موفق بن احمد که یکی از علماء مخالفین است درمناقب، ذیل آیه فوق از زبیر بن عوام روایت کرده رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اول زنیکه بامن بیعت نمود وپیاده از مکه بمدینه هجرت کرد فاطمه دختر اسد مادر امیرالمؤمنین علیه السلام بود (یاایها الذین آمنوا لاتتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من الاخرة کمایئس الکفار من اصحاب القبور) محمد بن عباس ذیل آیه فوق از زیاد بن منذر روایت کرده گفت امیرالمؤمنین

عليه‌السلام فرمود عجب است از ایامیکه بین ماه جمادی ورجب میباشد مردی حضورش عرض کرد آن عجب چیست که شما از آن تعجب میکنید فرمود مادرت بعزایت بنشیند کدام عجیبی عجیب‌تر میباشد ازآنکه مرده‌گان با شمشیر بزنند گردن دشمنان خدا ورسول واهل‌بیت پیغمبررا چنانکه‌خدایتعالی میفرماید (ثم رددنالکم الکرة علیهم وامددناکم باموال وبنین وجعلناکم اکثر نفیرا) این آیه تأویل‌آیه مزبور است خداوندددر زمان ظهور حضرت حجة عليه‌السلام روحی و روح العالمین له‌الفداء مردمانی را بر گرداند بدنیا و زنده گرداند تاآنها با دشمنان‌خدا ورسول‌واهل‌بیت پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله جهاد وکار زارنمایند، و آنقوم ستمکار را بدیار هلاکت رسانند وبجهنم فرستند پروردگار را مارا زنده بدار یابر گردان بدنیا تا چنان روزی را مشاهده نمائیم تا مشفی قلب ما بشود در اثر دیدن ذلت و خواری و پریشانی دشمنان آل رسول ومنکرین‌احادیث‌اهل‌عصمت‌وطهارت‌بجاه‌خاتم پیغمبرانت‌محمدوآل‌او، صلواتك علیهم اجمعین آمین یارب العالمین

پایان سوره‌ممتحنه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (٢) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (٣) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ (٤)

سوره صف درمدینه نازل شده وچهارده آیه ودویست وبیست ویك کلمه ونهصد حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره صف را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت نماید خداوند او را درردیف فرشتگان و پیغمبران قرار بدهد انشاء الله و در خواص قرآن ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس تلاوت کند سوره صف را حضرت عیسی برای او استغفار و رحمت بفرستد مادامیکه در دنیا است و هر که در مسافرت مداومت کند برقرائت این سوره تا بر گردد بوطن خود از هرشر ایمن گردد

خلاصه مطالب سوره صف عبارت است از توبیخ منافقین و یهود و نصاری و امر بفرمانبرداری از رسول خدا و یاری کردن او و عمل نمودن بشریعت اسلام

قوله تعالی (سبح لله مافی السموات و مافی الارض وهوالعزیز الحکیم) تفسیر این آیه در سور سبحات پیش گذشت (یاایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالاتفعلون) سبب نزول آیه آن بود که مسلمانان گفتند اگر ما میدانستیم کدام عمل نزد خدا محبوب است آنرا بجامیآوردیم و مال وجان خود را بذل مینمودیم خدایتعالی امر فرمود برسولش بآنها بگو بدجهاد در راه من

ترجمه سوره صف

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

هرچه در آسمانها وزمین است همه به‌تسبیح خدا مشغولند و او ست مقتدر وحکیم (۱) ای اهل ایمان چرا بزبان چیزی میگوئید که بآن عمل نمیکنید (۲) این‌عمل که سخنی بگوئید و خلاف آن کنید بزرگ است و خدارا بخشم وغضب‌میآورد(۳) خدا آن مؤمنین را که‌در صف‌جهاد درراه او مانند سدآهنین‌پایدارند‌بسیار دوست میدارد (٤)

از همه اعمال افضل ومحبوب‌تر است‌هر که طالب این عمل‌است باید در وقت جهاد ثابت قدم باشد چون روز احد پیش آمد بسیاری از آنها گریختند پ. د گار در توبیخ ایشان آیه فوق را فرو فرستاد و فرمود چرا چیزی بزبان میگوئید که در مقام عمل خلاف آن رفتار میکنید خداوند باصحاب پیغمبر وعده نصرت داد اگر مخالفت امرش ننمایند وعهدیکه در باره امیرالمؤمنین علیه‌السلام با آنها بسته شده‌نقض نکنند و میدانست بسیاری‌از ایشان بعهد خودپایدار نیستند و بآنچه میگویند قیام نمیکنند لذا فرمود اینعمل که سخنی بگوئید و خلاف آن رفتار کنید معصیت بزرگی است و خدا را بخشم و غضب میآورد ، پروردگار ، این قبیل از مردم را مؤمن نامید بواسطه‌اقرار بزبانشان‌اگر چه بقلب تصدیق‌ندارند(ان الله یحب‌الذین یقاتلون فی‌سبیله کانهم بنیان مرصوص)خدایتعالی آنهائیکه درجهاد با کفار مانند سد آهنین پایدارند دوست میدارد پس از آن بیان میفرماید صدق نیت وثبات عزم وپایداری حضرت موسی‌را در مقابل‌اذیت‌و آزار قوم برای تسلیت‌خاطرمقدس‌پیغمبر کرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بقولش (محمدبن عباس ذیل‌آیه فوق از ابن‌عباس روایت کرده گفت آیه مزبوردرباره امیرالمؤمنین علیه‌السلام وحمزه وعبیدة‌بن‌الحرث وسهل‌بن‌حنیف وحارث بن ابی دجانه انصاری نازل شده و اینحدیث راعیناً حمیری که از مخالفین است‌روایت کرده) (و اذقال موسی لقومه یاقوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم

وَ إِذْ قالَ مُوسى لِقَوْمِهِ يا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللهِ
إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زاغُوا أَزاغَ اللهُ قُلُوبَهُمْ وَاللهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقِينَ (۵)
وَ إِذْ قالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يا بَنِي إِسْرائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقاً
لِما بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْراةِ وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ
فَلَمَّا جاءَهُمْ بِالْبَيِّناتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶) وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى
عَلَى اللهِ الْكَذِبَ وَ هُوَ يُدْعى إِلَى الْإِسْلامِ وَاللهُ
لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمِينَ (۷)

فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم و الله لایهدی القوم الفاسقین) ایرسول ما بیاد آور وقتی را که موسی بقوم خود گفت برای چه مرا رنج و آزار میدهید در صورتیکه میدانید من رسول خدا هستم بسوی شما. اذیت و آزار آنها این بود که نسبت زنا بآنحضرت دادند و متهمش کردند بکشتن برادرش هارون و گفتند موسی ساحر دروغ گوئی است وچون سخن موسی را نشنیدند وبالجاجت از حق روی گردانیدند خدا هم آنها را از سعادت و اقبال بگردانید یعنی ایشان را مخذول نمود و لطف خود را از آنها باز گرفت چه خداوند هر گز راهنمائی نکند مردم فاسق را (و اذ قال عیسی بن مریم یابنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی من التورية و مبشراً برسول یاتی من بعدی اسمه احمد فلماجاءهم بالبینات قالوا هذاسحرمبین) ایرسول ما بیاد آور وقتی را که عیسی بن مریم به بنی اسرائیل گفت من رسول خدا هستم بسوی شما و بحقانیت کتاب تورية که پیش از من است تصدیق میکنم وشمارا مژده میدهم که بعد ازمن پیغمبر بزرگواری که نامش احمد است بیاید چون آنرسول ما، باآیات و معجزات بسوی آنها آمد گفتنداین معجزات سحر آشکاراست مرد یهودی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال نمود برای چه شما باحمد و محمد و بشیر

ایرسول ما بیاد آور زمانی را که موسی بقوم خود گفت برای چه مرا رنج و آزار می دهید و حال آنکه من فرستاده خدا بسوی شما هستم پس چون از حق روی گردانیدند خداهم دلهای آنهارا بگردانید وخدا طایفه بدکاران را هدایت نمیکند (٥) بیاد آور هنگامیکه عیسی فرزند مریم به بنی‌اسرائیل گفت من فرستاده خدا هستم بسوی شما وکتاب توریة که مقابل من است تصدیق میکنم و شما را مژده میدهم که بعد از من پیغمبریکه نامش احمد است می‌آید چون آن پیغمبر با آیات و معجزات بسوی آنها آمد گفتند این معجزات وقرآن سحریست آشکار (٦) کیست ستمکار تر از آنکه بخدا دروغ و افترا می‌بندد واو را براه اسلام میخوانند خدا هرگز قوم ستمکارا هدایت نخواهد کرد (٧)

و نذیر نامیده شده‌اید فرمود اما محمد برای آنستکه در زمین محمود و پسندیده هستم و احمد بخاطر آنکه اهل آسمانها بیش از اهل زمین مرا ستایش میکنند و بشیر چون به‌بهشت بشارت میدهم بفرمان خدا ونذیر برای آنکه اشخاص معصیت کار و گناهکاران را از آتش جنم میترسانم (و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب وهو یدعی الی الاسلام و الله لایهدی القوم الظالمین) کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ افترا می‌بندد در آنحال که او را باسلام دعوت میکنند خداوند هدایت نخواهد کرد ستمکاران را

(یریدون لیطفئوا نور الله بافواهم و الله متم نوره و لو کره الکفرون) در کافی ذیل آیه از محمد بن فضیل روایت کرده معنای آیه را سؤال نمودم از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود اراده کردند منافقین که خاموش کنند نور ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام رابزبانهای خود وخداوندتمام کردنوراورا بامامت ائمه‌ازفرزندان آن بزرگوار و شاهد بر اینکه مراد از کلمه امام است آیه آمنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا معه میباشد و نور در آیه امام است عرض کردم معنای هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق یعنی چه فرمود منظور ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وائمه است که امر نمود خداوند بمحمد صلی الله علیه و آله ودین حق ولایت است گفتم لیظهرة علی الدین کله یعنی چه فرمود آنولایت را ظاهر میگرداند بر تمام ادیان دروقت

يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)
هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۱۰) تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)
يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

ظهور حضرت حجة عليه السلام گفتم و الله متم نوره چیست فرمود نور ولایت را بوجود قائم ما آل محمد عليه السلام تمام میکنند و اگر چه کفار ومنافقین کراهت داشته باشد بولایت امیرالمؤمنین عليه السلام حضورش عرض کردم این بیانات که فرمودید تنزیل آیه بود فرمود اما کلمه ولایة تنزیل و غیر آن تأویل آیه است و اینحدیث را محمد بن عباس نیز روایت کرده است (یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم) ای اهل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند که از عذاب دردناک آخرت نجات دهد دلالت کنم ابی جارود ازحضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود چون آیه نازل شد مؤمنین گفتند اگر میدانستیم چیست که ما را از عذاب نگاه میدارد همانا نفس و فرزند و اموال خود را بخاطر آن بذل مینمودیم تا بآن‌نیابیم آن را آیه ذیل فرود آمد (تؤمنون بالله ورسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم وانفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) حسن بن ابی الحسن دیلمی ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده که امیرالمؤمنین عليه السلام فرموده منم آن

تجارتیکه سودمند و نجات دهنده است از عذاب دردناک قیامت (یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار ومساکن طیبة فی جنات عدن ذلك الفوز

کفار می‌خواهند نور خدا را بگفتار باطل خود خاموش کنند و خدا نور خود را تمام و محفوظ خواهد داشت هرچندکافران کراهت داشته و خوش‌ندارند (٨) اوست خدائیکه رسولش‌را براهنمائی خلق‌ودین حق فرستاد تا برهمه دین‌ها غالب گرداند اگر چه مشرکین کراهت دارند (٩) ای اهل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند که از عذاب دردناك آخرت برهاند دلالت کنم (١٠) آن آنستکه بخدا و فرستاده او ایمان آورید و بمال وجان درراه‌خدا جهاد کنید اینکار از هرتجارت برای شما بهتر است اگر بدانید (١١) تا خدا گناهان شمارا بیامرزد و در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو عطا فرماید واین‌همان رستگاری بزرگ‌است (١٢)

العظیم) تجارت سودمند آنستکه بخدا و رسولش‌ایمان آورید و مال و جان خودرا در راه خدا بذل کنید و جهاد نمائید این از هرتجادت برای شما بهتر است اگر دانا باشید تا خدا گناهان شما را ببخشد ودر بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرهای آب جاریست و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو وقصرهای عالی را بشما عطا فرماید این همان رستگاری بزرگ است (واخری‌تحبونها نصر من الله وفتح قریب و بشر المؤمنین) و تجارت و خصلت دیگری که‌شما آن را دوست میدارید نصرت وفتح نزدیکی است چه انسان از روی طبع‌بشریت نزدیك را دوست میدارد مقصود از فتح فتح مکه و غالب شدن مسلمین بود بر قریش وکفار مکه آنگاه فرمود ای رسول ما بمؤمنین این دو چیز را که فتح وظفر وثواب وپاداش آخرت است بشارت و مژده بده (یا ایها الذین آمنوا کونوا انصار الله کما قال عیسی بن مریم للحوا ریین من انصاری الی الله قال الحواریین نحن انصار الله فآمنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود حواریون عیسی شیعیان او بودند و شیعیان ماحواریون ماهستند وحواریون عیسی بهتر ازحواریون ما نبودندوقتی عیسی گفت کیست که مرا یاری کند برای‌خدا آنها گفتند ما انصار خداهستیم سوگند بخدااز یهودیها کسی یاری نکرد عیسی را وجز یهود کسی با

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳) يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ
أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ
بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ
فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱٤)

عیسی جنگ نکرد و شیعیان ما از وقتیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برحمت ایزدی پیوست یاری نمودند مارا ودرراه ما جهاد کردند آنهارا سوزانیدند وعذاب کردند و از دیارشان خارج نمودند خداوند بایشان جزای خیر عطا فرماید امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بخدا سوگند اگر با شمشیر برفرق سر دوستان خود بزنم وآنها را دو نیمه کنم دست از دوستی من فرزندانم بر نمیدارند و بغض وعداوت‌پیدانکنند. وچنانچه دشمنان خود راپناه‌داده ومالهای دنیارا بآنان ببخشم دست‌از بغض‌وعداوت بامن وفرزندانم برندارند وهرگز دوست ما نشوند

پایان سوره صف

و نعمتی دیگر که آنرا دوست می‌دارند نصرت و یاری خدا و فتح نزدیك و مژده
باهل ایمان(١٣)ای اهل ایمان شما هم یاران خدا باشید چنانکه عیسی فرزندمریم
بحوارییین گفت: که مرا برای خدا یاری میکند؟ حوارین گفتند ما یاران خدا
هستیم پس طایفه‌ای از بنی اسرائیل باو ایمان آوردند وطایفه دیگرکافر شدند
ما هم آنانکه ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تابر
دشمنان غالب وظفر یافتند (١٤)

پایان‌ترجمه سوره صف

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)
هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ
وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)
وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

سورهٔ جمعه

سوره جمعه درمدینه نازل شده ویازده آیه وصد و هشتاد کلمه ونهصد وبیست حرف است.

خواص وثواب تلاوت آن ابن بابویه ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بر مؤمن اگر از شیعیان ما باشدلازم است در هر شب جمعه سوره جمعه و سبح اسم راقرائت نمایدودرنمازظهرجمعه سورهٔ جمعه ومنافقین را تلاوت کند هرگاه چنین عمل نماید خداوند جزا و ثواب او را بهشت مرحمت فرماید و درکافی ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند گرامی داشته مؤمنین را بسوره جمعه و سنت قرارداده آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از برای مؤمنین. ومنافقین را بسوره منافقین توبیخ وسر زنش نموده و هر کس عمداً ترك کند آندو سوره را نمازی برای او نیست ـ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده هر کس این سوره راقرائت نماید نوشته شود برای او از حسنه بتعداد کسانیکه در تمام شهر ها جمع میشوند برای اداء نماز جمعه وهر که آن را در هرشب یا هر روز تلاوت نماید ایمن باشد ازآنچه میترسد و از وسوسه شیطانی خلاصه مطالب سوره جمعه عبارت است از آنکه هر

ترجمه سوره جمعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند پادشاه منزه وپاك از نقص و غالب درستکار مشغولند (۱) اوست خدائیکه در میان مکیان پیغمبری فرستاد تا بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را پاك سازد و شریعت کتاب آسمانی وحکمت بیاموزد اگر چه پیش ازاین در گمراهی آشکار بودند (۲) و قوم دیگر را چون بآنها ملحق شوند راهنمائی کند و او خدای غالب و درست کردار است (۳)

موجودی شهادت و گواهی میدهد بر وحدانیت وتنزیه وبدایع حکمت وعجایب خلقت پروردگار وتشبیه یهودیان که عمل نمیکنند بتورات بحمار وامر بنماز جمعه ونهی از بیع در وقت نداء و توبیخ منافقین

قوله تعالی (یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض الملك القدوس العزیز الحکیم) هرچه درآسمانها و زمین است همه به تسبیح وستایش خداوند پادشاه منزه و پاك ومقتدر و دانا مشغولند

(هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) اوآنخدائی است که فرستاد میان اهل مکه پیغمبری را بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را از نادانی و اخلاق زشت پاك سازد و ایشان را کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد اگرچه آنها پیش از این درضلالت و گمراهی بودند ـ

ابن بابویه ذیل آیه از محمد بن ابی نصر و علی بن اسباط روایت کرده گفتند حضور حضرت باقر علیه‌السلام وحضرت صادق علیه‌السلام عرض کردیم مردم میگویند پیغمبر اکرم نمیتوانست بخواند و بنویسد فرمود دروغ میگویند خداوند لعنت کند آنها را چگونه چنین بود و حال آنکه خداوند میفرماید و یعلمهم الکتاب و الحکمة عرض کردیم پس بچه سبب اورا امی نامیده‌اند فرمودند بجهة نسبت دادن حضرتش

ذٰلِكَ فَضْلُ اللهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشٰاءُ وَاللهُ ذُوالْفَضْلِ الْعَظِيمِ (٤) مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرٰيةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهٰا كَمَثَلِ الْحِمٰارِ يَحْمِلُ أَسْفٰاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيٰاتِ اللهِ وَاللهُ لاٰ يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰالِمِينَ (٥) قُلْ يٰا أَيُّهَا الَّذِينَ هٰادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيٰاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُونِ النّٰاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صٰادِقِينَ (٦) وَلاٰ يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِمٰا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللهُ عَلِيمٌ بِالظّٰالِمِينَ (٧) قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلاٰقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلىٰ عٰالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهٰادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمٰا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٨)

بمکه چه مکه را امالقری گویند چنانچه میفرماید لتنذر ام القری و من حولها و از اینجهة آنحضرت را امی میگفتند (و آخرین منهم لما یلحقوابهم و هوالعزیز الحکیم) و نیز قومی دیگر را که هنوز بایشان‌نرسیده‌اند و ملحق نشدند کتاب و حکمت بیاموزد و او خدائی است قادر و مقتدر و حکیم و مقصود از قوم دیگر کسانی هستند که بعد از اصحاب آنحضرت میباشند تا روز قیامت چه پروردگار آن بزرگوار را بر تمام روی زمین تا روز رستاخیز مبعوث فرمود خواه عرب باشد یا عجم و ترك و روم وغیر اینها و چون‌آیه نازل شد صحابه از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال کردند ایرسول خدا دیگران کیستند آنحضرت دست مبارك خود رابر وی شانه سلمان گذاشت و فرمود اگردین در ثریا باشد و اشاره نمود بآسمان جماعتی از فارسان دست بآن زنند پیغمبر اکرم فرمود در خواب دیدم گوسفندانی سیاه در عقب میروند . و گوسفندانی دیگر برنگهای مختلف متابعت از آنها میکنند تعبیر این خواب را از جبرئیل سؤال نمودم گفت عرب مسخر شما میشوند آنگاه از پی ایشان عجم‌وترك و روم و ملل دیگر وفرمود در اصلاب مردان‌امت‌من‌مردان و زنانی هستند که بهشت میروند بدون حساب وآیه فوق را تلاوت فرمودند (ذالك

این نعمت و کرامت خدا ست بهر که بخواهد عطا میکند و خدا صاحب فضل بزرگ است (٤) آنانکه بار کردندعلم تورات را و خلاف آن راعمل نمودند در مثل‌مانند الاغی است که بار کتابهائی بر پشت کشد و ازآن هیچ بهره ای‌نبرد بد است‌داستان قومیکه آیات خدا راتکذیب کرده‌اند وخدا هرگز طایفه‌ستمکاران را راهنمائی نخواهد کرد (٥)ایرسول ما به‌یهودیان بگو اگر شما گمان کرده‌اید که دوستان خدائید نه مردم دیگر؛ پس آرزوی مرگ کنید اگر راست میگوئید (٦) و هرگز آرزوی مرگ نکنید بسبب آنچه پیش فرستاده‌اید بدست خود از کردار زشت وخدا از کردار ستمکاران آگاهست (٧) ایرسول ما به یهودیان بگو عاقبت مرگی که ازآن میگریزید شمارا ملاقات خواهد کرد و پس ازمرگ بسوی خدائیکه دانای هرپنهان وآشکار است باز میگردید واوشما رابآنچه عمل کرده‌اید خبر خواهد داد(٨)

فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم) این نبوت که خداوند برسول‌اکرم صلی الله علیه و آله عطا فرموده‌فضل‌و کرامت‌پروردگاراست واین‌لطف را درحق هرکه‌بخواهد بحسب صلاح و مصلحت می‌بخشد و خداوند فضل و رحمتش بی پایان است ـ در کافی ذیل‌این‌آیه از ام سلمه روایت کرده گفت پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود اجتماع نکنند هیچ قومی در مجلسی که بیان میشود فضایل محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و اهل بیت او مگر آنکه فرشتگان از آسمان فرود آیند و اطراف آنقوم رااحاطه کنند چون متفرق شدند فرشتگان بالا روند و فرشتگان دیگر بآنها میگویند ما رایحه خوشی از شما استشمام میکنیم که تا بحال بشما نرسیده است گویند ما حضور قومی بودیم که مشغول مذاکره وبیان فضایل محمد صلی الله علیه و آله وآل‌او بودند ـ

در حدیث‌دیگرفرمود درآسمان دنیا فرشتگانی‌هستند که اطلاع پیدامیکنند بر یکی ویا دو ویا سه نفر از مردم که ذکر فضائل محمد صلی الله علیه و آله و آل او را مینمایند بعضی از آنفرشتگان به بعضی دیگر میگویندآیا نمی‌بینید این مردم با اندك بودن عددشان چگونه وصف مینمایند فضیلت محمد صلی الله علیه و آله وآل او را طایفه دیگر میگویند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (٩) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (١٠) وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِماً قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللّٰهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (١١)

این وصف کردن فضیلتی است از جانب پروردگار بهر که خواهد عطا میفرماید وخداوند صاحب فضل بزرگی است

پس از آن مثل زد بیهودیانیکه عمل بتورات نکردند بچهار پایان حمل، وبار آنها کتاب است بقولش (مثل الذین حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفاراً بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لايهدى القوم الظالمين) آنان که برداشتند تورات را و خلاف آن عمل نمودند در مثل مانند الاغی هستند که بر میداره بار کتابها را و از آن چیزی نمی‌فهمد و بهره‌ای نمیبرد این یهود هم نمیدانند در کتاب تورية چیست آری بدقومی هستند آنهائیکه داستان حالشان چنین است که آیات خدا راتکذیب میکنند وخدایتعالی کافران و ستمکاران را براه سعادت و بهشت رهبری نخواهد کرد همینطور است حال کسانیکه قرآن میخوانند و بر طبق آن عمل نمیکنند پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرمود بسیاری از تلاوت کنندگان قرآن « قرآن آنها دالعنت‌میکند».

(قل يا ايها الذين هادوا ان زعمتم انكم اولياءالله من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ولايتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم و الله عليم بالظالمين) ایرسول ما به یهودیان بگو اگر شما گمان میکنید که دوستان خدائید نه مردم دیگر پس

ای اهل ایمان چون شما را برای نماز جمعه در روز جمعه ندا کنند بشتابید بسوی نماز و کسب وتجارت رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است از برای شما اگر بدانید (٩) آنگاه که نماز پایان یافت برای کسب و کار خود روی زمین پراکنده شوید وازفضل و کرم خدا روزی طلبید وبسیار یادخدا کنید تا رستگار گردید (١٠) این مردم چون تجارت یا لهو و لعبی به‌بینند بسوی آن بشتابند و تورا در نماز تنها گذارند ایرسول ما بآنها بگوآنچه نزد خدا است بهتر است برای شما از لهو ولعب وتجارتهای دنیا و خدا بهترین روزی دهندگانست (١١)

پایان ترجمه سوره جمعه

آرزوی مرگ کنید چنانچه راست میگوئید چه مرگ میرساند انسان را بسرای آخرت وآنهائیکه دوستان خدا هستند آرزوی مرگ میکنند زیرا در اثر مرگ‌از زندان دنیا راحت میشوندویهود نه‌تنها آرزوی مرگ‌نمیکنند بلکه ازآن گریزان هستند در اثر کردار بدیکه بدست خود برای آخرت خویش پیش فرستاده‌اند و خداوند ازانجام‌اعمال ستمکاران آگاهست(قل ان‌الموت‌الذی‌تفرون‌منه‌فانه‌ملاقیکم ثم تردون الی عالم الغیب و الشهادة فینبئکم بما کنتم‌تعملون)ایرسول‌ما به‌یهودیان بگو عاقبت آن مرگی که از آن گریزان هستید شما را دریابد و نمیتوانید از آن فرار نمائید و پس از مرگ بسوی‌خدائیکه میداند هر پنهان و آشکاری را باز میگردید و او شما را بکردار نیك و بدیکه در دنیابجا آورده‌اید آگاه میسازد و بکیفر اعمالتان میرساند ـ.

امیرالمؤمنین عليه‌السلام در خطبه‌ای‌فرمود ایمردم هر کس‌ملاقات میکند آنچه را از آن فرار مینماید و هرگز راه فراری از مرگ نیست و هر نفسی‌رانده‌میشود بسوی اجلش و فرار کردن از آن ملاقات کردن اواست و فرمود بخدا قسم‌باکی ندارم از آنکه مرگ مرا در یابد یا من مرگ را ملاقات کنم در آنوقت که ابن‌ملجم مرادی ملعون ضربتی بفرق مبارکش زد ودانست که ازدنیا رحلت میکند فرمود بخدای‌کعبه ظفر یافته ورستگارشدم چه یقین داشت چگونه میرود وبکجا

میرود و فرمود مرگ اسباب راحتی مؤمن است و سبب بیچارگی منافق و کافر (یاایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیرلکم ان کنتم تعلمون) این آیه دلیل است بروجوب نماز جمعه چه باتفاق عامه و خاصه مراد بذکر در آیه نماز جمعه یا نماز و خطبه نماز است و امر هم حقیقة در وجوب است و معنای آیه این است ای مؤمنین هر گاه مؤذن نماز در روز جمعه ندا کند بزودی بسوی نماز جمعه که ذکر خدا است بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است برای شما اگر بدانید ووقت نماز جمعه ضیق است برای مسلمانان لذا باید شتاب کنند در رفتن از برای نماز. حضرت باقر عليه‌السلام فرمود شنیده‌ام که اصحاب پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خود را در روز پنجشنبه مجهز مینمودند برای نماز جمعه زیرا وقت آن مضیق است و مقصود آنست که خود را فارغ میکردند از کار و حوایج دنیا تا مانع نشود آنها را از حضور نماز جمعه در روز جمعه و آیه شریفه عام است وجوب آن شامل است از برای زمان حضور و غیبت امام و دیگر مطلق است مشروط بزمان حضور امام عليه‌السلام و اذن آن بزرگوار نیست و مؤید آیه احادیث و اخبار بسیاریست که از ناحیه مقدسه آل عصمت و طهارت بما رسیده و ما اکتفا مینمائیم بذکر و بیان چند حدیث برای تیمن و تبرك :

۱ـ در کافی از حضرت باقر عليه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند واجب فرموده بر مردم از جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج نماز یکی از آنها را بجماعت فرض و واجب نموده و آن نماز جمعه است ووجوب آن را ازنه طایفه برداشته است ۱ ـ غیربالغ ۲ ـ و پیر مرد ۳ ـ و شخص دیوانه ۴ ـ و مسافر ۵ ـ و مریض ۶ ـ وزن ۷ ـ و بنده ۸ ـ و کور ۹ ـ و کسیکه منزلش از محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ باشد ـ .

۲ ـ در فقیه و تهذیب از زراره روایت کرده‌اند گفت سؤال نمودم از حضرت صادق عليه‌السلام بر چه کسی نماز جمعه واجبست ؟ فرمود بر هفت نفر از مسلمانان هر گاه جمع شوند و نماز جمعه بر کمتر از پنجنفر واجب نیست که یکی از آنها امام باشد و چهار نفر دیگر مأموم وهر گاه هفت نفر جمع شدند و خوف و تقیه

نبود بعضی از آنها امام میشود و خطبه برای آنها میخواند ـ .

٣ ـ واز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود خداوند نماز جمعه را بر شما فرض وواجب قرار داده هر کس بابودن امام عادل از روی استخفاف وانکار در حال‌حیات من وبا بعد ازوفات من ترك کند نمازجمعه را خداوند پراکندگیهای او را مجتمع نفرماید و در کار او برکت ندهد ایمردم بدانید و آگاه باشید که نمازی برای‌اونیست وزکوة وحجی برای‌اونخواهد بود وهیچ گونه اعمال‌نیك ازاو مقبول نیست تا آنکه توبه کند از ترك نماز جمعه .

٤ ـ و در حدیث دیگر فرمود نماز جمعه بر شما مسلمانان فریضه و واجب نوشته شده تا روز قیامت .

٥ ـ در فقیه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود نماز جمعه واجب است برهر مؤمن مگر بر اطفال و مریض و دیوانه و شیخ کبیر و کور ومسافر و زنها و عبد مملوك و آنکه منزلش دو فرسخ یا زیادتر باشد ـ .

٦ ـ و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نماز جمعه فریضه است و اجتماع کردن بر آن واجب میباشد با پیشنماز و اگر کسی بدون علت سه جمعه را ترك نماید او منافق است ـ .

٧ ـ ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر که در سه هفته متوالی بدون علت نماز جمعه را ترك کند خداوند بر دل او مهر میزند ـ

٨ ـ تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه قومی درروز جمعه اجتماع کردند در قریه‌ای اگر کسی پیدا شد که خطبه بخواند نماز جمعه بجا میآورند زمانیکه پنج نفربودند والانماز ظهر میخوانند ـ

٩ ـ درتهذیب ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت سؤال نمودم ازحضرت باقر علیه السلام آیا در قریه‌ها روز جمعه باید نماز جمعه بجا آورند فرمود بلی اگردر میان آنها کسی باشد که بتواند خطبه بخواند .

١٠ ـ در کافی و تهذیب از محمد بن مسلم روایت کرده اند گفت سؤال کردم نماز جمعه را از حضرت صادق علیه السلام فرمود آن واجب است بر هر کسیکه‌منزلش

تا محل اقامه نماز جمعه دو فرسخ باشد و بر زیادتر از آن واجب نیست ـ .

۱۱ ـ و از زراره روایت کرده گفت حضرت باقر عليه‌السلام فرمود نماز جمعه بر آن کسی واجب است که نماز صبح خود را در منزلش بجا آورد و حرکت کند و درك نماز جمعه را بنماید پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله در روز جمعه بلافاصله نماز عصر را بعد از نماز جمعه بجا میآورد تا مردم بتوانند پیش از فرا رسیدن شب بمنزلهای خود باز گردند و این طریقه و شریعت آنحضرت تا روز قیامت باقی است ـ .

۱۲ ـ در تهذیب از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق عليه‌السلام باندازه ای ما را ترغیب فرمود بر نماز جمعه که گمان کردیم اراده دارد ما بحضورش برای نماز جمعه حاضر شویم عرض کردم فردا برای نماز جمعه شرفیاب خواهیم شد فرمود مقصود من نیست از آنکه شما اینجا حاضر بشوید بلکه نزد خودتان نماز جمعه را بر پا بدارید و بخوانید.

احادیث در وجوب نماز جمعه و عینی بودن آن بسیار است و فرقی نیست میان غیبت و حضور امام عليه‌السلام و آنچه بعضی تصور کرده‌اند که در زمان غیبت امام واجب نیست برخلاف صریح آیه شریفه قرآن و احادیث صحیحه بسیار و اجتهاد در مقابل نص است چه آیه و روایتی نیست و یافت نمیشود که با آیه و احادیث وجوب معارضه کند یا عموم و اطلاق آنها را تقیید یا تخصیص بدهد و اشتباهات بعضی ناشی شده از توهماتی چند که بطور اختصار ذیلا بیان میشود اول آنکه از لفظ امام در احادیث تصور کرده‌اند که امام مفترض الطاعة میباشد و این تصور بیجا است و از فهم و عقل دور است چه در آن احادیث فرمود اگر کسی پیدا شد یا توانست خطبه بخواند نماز جمعه بجا آورند آیا ائمه نمیتوانند العیاذ بالله خطبه بخوانند یا در احادیث دیگر که وارد شده امام با ایشان نماز جمعه بجا آورد آیا ممکن است کسی گمان کند که مراد از این امام در این موارد امام اصل و نائب او است و مراد امام جماعت نیست آیا این خیالات از عقل و از شعور و فهم و دانش دور نیست دوم آنکه گمان کرده‌اند اجماعات منقوله معارضه عموم آیه و احادیث و اطلاق آنها را تقیید و تخصیص میدهد بزمان حضور نه غیبت این توهم نیز بیجا است برای آنکه

اولا اجماع دلیل شرعی نیست تا بتواند عموم و اطلاق آیات و احادیث را تقیید و تخصیص بدهد چه اجماع از مخترعات عامه است وامامیه اجماع را معتبر میدانند باعتبارقوم معصوم نه برای آنکه آن دلیل وحجت مستقلی است مانند کتاب واحادیث ائمه چنانچه محقق در کتاب معتبر میگوید اما اجماع نزد ما امامیه حجت است بانضمام قول معصوم و اگر صد نفر از فقهاء امامیه متفق باشند برقولی و قول آنها از قول امام خالی باشد اتفاق ایشان برای ماحجت نخواهد بود ولی اگر دو نفر قولشان با امام موافق باشد حجت است برای ما بخاطر قول امام نه بواسطه متفق بودن آندو نفر پس در حقیقت باز گشت اجماع بقول معصوم است و ثانیاً تمام این اجماعات منقوله مورد ادعا معارض هستند با اجماعات منقوله ایکه خود این مدعی یا علماء دیگر بیان و نقل نمودند در این باب چنانچه شیخ زین الدین که یکی از علماء امامیه است کتابی تصنیف کرده در بیان مسائلی چند که شیخ طوسی در آنها ادعاء اجماع کرده برحکمی و باز خود اودر آنها در کتاب دیگرش دعوی اجماع کرده بر خلاف آن حکم و قریب چهل مسئله را در آن کتاب از شیخ طوسی تنها نقل نموده تا چه برسد بدیگران پس اجماع منقول متعارض است و نمیتواند تقیید یا تخصیص بدهد عموم آیه و احادیث وارده در وجوب نماز جمعه را و ثالثاً چنانچه اجماع دلیل ومدرك شرعی بود هر آینه از ناحیه مقدسه ائمه معصومین اذن و اجازه وحدیثی صادرمیشد درمدرکیت وحجت بودن آن چه پوشیده نیست بر کسیکه مشاهده نماید احادیث و روایات اهل بیت را که آن بزرگواران فرو نگذاشتند امری از اموری که انسان بآن محتاج است مگر آنکه بیان فرمودند آداب و سنن واحکام آن را مانند اکل و شرب و خواب و نکاح و تزویج و تخلیه و سفر و حضر و پوشیدن البسه و امثال این امور و همچنین تفسیر فرمودند احکام شرعیه و حدود آنها را پس چگونه ممکن است غفلت کنند ازاجماع وحجیت آن بااعتقادمتمسکین باجماع که آن مشتمل است بر اصول احکام شرعیه واساس آنها وباآنکه درزمان ائمه کسانی بودند از قبیل شافعی وامثال او از عامه که یکی از مدارك آنها اجماع بوده و استنباط احکام شرعیه را از روی اجماع و قیاس و استحسان مینمودند و

این موضوع معلوم و ظاهر بود نزد شیعیان وسؤال ننمودن آنها از ائمه ازروی غفلت نبوده بلکه بخاطر این بود که اجماع رااز مخترعات عامه میدانستند وعمل نمودن و پرسش از آن برای شیعیان بیهوده بود بر فرض آنکه اصحاب غفلت کردند از سؤال نمودن اجماع چگونه ائمه راضی شدند که شیعیان خود را دلالت نکنند بچنین مدرك و حجتی با آنکه بعقیده بعضی اجماع از اصول احکام شرعیه است و نه تنها در باره حجیّت آن بیانی نفرمودند بلکه از بعض احادیث منع ازعمل باجماع دانسته میشود ویقینی است، چنانچه در روضه کافی بسه سند حدیثی از حضرت صادق عليه السلام روایت میکند آنحضرت در نامه‌ایکه بشیعیان مرقوم داشت و آنها را امر فرمود بعمل برمضمون نامه وممارست و تعهد بر آن فرمود ای طایفه مرحومه وای رستگاران بدانید خداوند نعمت خود را برشما تمام نمود وآنچه خیر شما بود برشما ارزانی داشت بدانید خداوند نهی فرموده بندگان خود را از آنکه دین خدا را ازروی هوی و رأی وقیاس اخذ کنند پروردگار قرآن را نازل فرموده و در آن بیان هرچیزی را نمود و قرار داد برای قرآن و علم بآن اهلی را و کسانیکه خداوند علم قرآن را بآنها عطا فرمود نمیتوانند برأی و هوی نفس و قیاس در دانستن و فهمیدن مراد از قرآن عمل کنند زیرا خداوند آنها را بی‌نیاز فرموده از رأی وهوی و قیاس بخاطر علم و دانشیکه بایشان عطا نموده، وآنها را مخصوص گردانیده بعلوم قرآن و اختصاص آنها بدانش قرآن و پیروی کردن مردم از ایشان و تصدیق و فرمانبرداری از آنها و هدایت و راهنمائی ایشان در علم خدا گذشته است آنها کسانی هستند که بی‌نیاز نمیشود احدی ازعلومشان، ایشان راه حق هستندومردم را بسوی پروردگار هدایت و رهبری مینمایند هر کس امور دین و دنیارا از آنها سؤال کند گمراه نخواهد شد شقی و گمراه کسانی هستند که‌از اهل ذکرسؤال نمیکنند و دین و احکام آن رااز روی نفس و رأی و قیاس اخذمیکنندچه آنهااهل قرآن و ایمان رابگمان خود کافر میدانند، و اهل‌ضلالت و جهال بقرآن رامؤمن می‌پندارند، و بسیاری از حلالهای خدا را حرام وحرامهای او را حلال میدانند، و این عقیده ثمره و نتیجه رأی وهوای‌نفس و قیاسهای آنهااست وحال آنکه‌پیغمبر

اکرم ﷺ پیش از رحلت از ایشان عهد گرفت که برأی و قیاس و هوای نفس عمل ننمایند و فرمود کتاب خدا و عترت خود را در میان شما امانت گذاشتم باید امور خودتان را از عترت من که اهل ذکر هستند سؤال نمائید با اینصورت بعد از رحلت پیغمبر اکرم ﷺ گفتند ما وسعت داریم که عمل نمائیم باجماع و برأی که مردم در آن اجتماع کردند بعد از رحلت رسول خدا ﷺ و بعد از عهدیکه پیغمبر با ما نمود که بجز قرآن و دستور عترت و احادیث وارده از آن بزرگواران عمل ننمائیم پس چه کسی جری‌تر است بر خدا و گمراه تراست از اشخاصیکه دین خود را از روی هوای نفس وقیاس و رأی مجتمع مردم میگیرند و اخذ و عمل مینمایند و گمان میکنند که وسعت دارند ومیتوانند عمل باین گونه مخترعات کنند بخدا قسم پروردگارامرو واجب فرموده برمردم که اطاعت کنند او امر پیغمبراکرم ﷺ را چه در حال حیات و چه در ممات او و پیروی کنند از فرموده‌های آنحضرت تا روز قیامت .

از این حدیث بطور واضح فهمیده میشود که اصل اجماع از مخترعات و بدعتهای عامه‌است‌وباید درتفسیر قرآن ومعانی آن‌وبیان‌احکام‌شرع بائمه‌معصومین و آل و عترت پیغمبراکرم ﷺ رجوع نمود واحادیث‌آن‌بزرگواران مانند‌اصل است درمعرفت‌قرآن‌ومشکلات‌وبیان مفصلات‌وتفسیرمجملات وتعیین‌مراد ومبهمات آن چنانچه در حدیث ثقلین که متواتربین شیعه و سنی است پیغمبر اکرم ﷺ فرموده است که هرگز افتراق بین عترت و قرآن نمی‌باشد وممکن نیست چون مرجع قرآن دراحکام بسوی ائمه است و تفسیر و تأویل قرآن و بیان متشابهات و تعیین‌مراد از آن‌اخذ نمیشودمگر از ائمه پس‌قرآن ازائمه‌جدائی‌ومفارقت‌نمیکنند وچون اقوال و افعال و گفتار ائمه مقتبس است از قرآن پس ائمه نیزاز قرآن‌جدا نخواهندشد .

و این حدیث و احادیث دیگر وخبر ثقلین دلالت دارند بر آنکه تکیه‌گاه مردم در تمام امور نیست مگر بر قرآن و احادیث آل عصمت و طهارت وسوای قرآن و عترت هر چه‌باشد از درجه اعتبار ساقط‌است‌واگر بخواهیم احادیث وارده

در این باب را بیان کنیم کتاب جداگانه‌ای لازم‌دارد و چنانکه انشاءالله موفق‌شدیم بعداز خاتمه‌تفسیر رساله‌ای در این موضوع مینگاریم

سوم: کسانیکه نماز جمعه را در زمان غیبت واجب نمیدانند گمان کرده‌اند که چون بعض متقدمین و اصحاب ائمه اقامه نماز جمعه نمیکردند در نظر ایشان واجب نبود و متوجه این موضوع نشدند که اقامه نکردن آنها برای این بود که ایشان در زمان خوف و تقیه واقع شده بودند و شیعیان قدرت و توانائی نداشتند از آنکه جداگانه و بدون اقتداء بمخالفین نماز جمعه بجا آورند زیر امام جمعه از طرف مخالفین منصوب و تعیین شده بود و امامیه جایز نمیدانند اقتدا کردن بمخالفین‌را لذا در خانه و منزلهایشان نماز را بجا میآوردند و گاهی از اوقات پس از اداء‌نماز برای‌تقیه بآنها اقتدامیکردند یاصورتاً بمخالفین اقتدا مینمودند و پیش خود قرائت میخواندند یا پس از خاتمه اقتداء بآنها نماز را منفرداً بجا میآوردند چنانکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام باین کیفیت خلف خلفای سه گانه رفتار میکردند وسبب ترك کردن متقدمین نماز جمعه را از این لحاظ بود ولی‌بعض از متأخرین‌خیال کردند که متقدمین ازجهت واجب نبودن آن نماز جمعه را ترك میکردند و بجا نمیآوردند و چون اصحاب ائمه و یا متقدمین زمانی بجامیآوردند نمازجمعه‌را و دربعض‌اوقات وزمان‌ترك مینمودندلذا بعضی‌متأخرین گمان کردند که‌نمازجمعه‌واجب‌تخییری‌است نه عینی و سر ترك نمودن آن‌در بعضی‌ازمنه‌بخاطر تمکن و قدرت مخالفین بودنه ازآن‌جهت که‌نمازجمعه‌درنظر آنهاواجب‌تخییری است‌نه عینی‌واز تعجبات است که بعضی‌ازعلماءمعاصرما گفته‌اند در زمان غیبة نماز جمعه‌حرام است واز برای حرمت آن بفرمایش حضرت‌امام‌زین‌العابدین علیه‌السلام درصحیفه‌سجادیه‌در دعای‌چهل‌هشتم تمسك جستندآنجا که میفرماید(اللهم‌ان‌هذایوم مبارك میمون‌و المسلمون‌فیه مجتمعون‌فی اقطار ارضك) تاآنجا که میفرماید (اللهم ان‌هذاالمقام‌لخلفائك واصفیائك ومواضع امنائك فی الدرجة الرفیعة التی اختصصتهم بها قد ابتزوها و انت المقدر لذلك لا یغالب امرك ولایجاوز المحتوم من تدبیرك کیف شئت و انی شئت و لما انت اعلم‌به غیر متهم علی خلقك و لالارادتك حتی عادصفوتك و خلفاؤك مغلوبین مقهورین

مبتزين يرون حكمك مبدلا و كتابك منبوذا وفرائضك محرفة عن جهات اشراعك و سنن نبيك متروكة)

تا آنجا كه ميفرمايد (و عجل الفرج والروح و النصرة و التمكين و التاييد لهم) چه گفته‌اندمراد امام كه‌فرمود هذا المقام لخلفائك نماز جمعه‌وعيدين وخطبه آنها است و لام لخلفائك لام اختصاص است و همچنين قولش اختصصتهم و فرمايش ديگرش قد ابتزوها تمام اينها دلالت دارد براينكه نماز جمعه و اقامه‌آن مخصوص است بامام و دشمنان دين مانند خلفاء ثلاثه و بنى اميه وبنى العباس اين منصب و اختصاص را ربوده و غارت كرده اند اين اشتباه و توهم بعضى معاصرين از چندجهت باطل‌و بيجا است : يكى آنكه . چنانچه احتمال دارد لام در لخلفائك لام اختصاص باشد احتمال هم دارد لام استحقاق بوده باشد يعنى ائمه استحقاق آن را دارند كه اقامه‌نماز جمعه‌وعيدنمايند و استحقاق داشتن شخص به امروموضوعى دلالت ندارد بر آنكه ديگرى استحقاق آن امر و موضوع را ندارد چنانكه محقق دوالى كه يكى از علماء متأخر است در حاشيه خودبر شرح مختصر عضدى اشاره باين مطلب كرده و گفته است اين اختصاص بمعنى حصر نيست بلكه كفايت درآن ارتباط خاصى است‌و گفته‌اندهر گاه احتمالى‌ديگر پيش‌آيد استدلال باطل ميشود

دوم‌آنكه ازكجا وبچه‌مدرك‌مشاراليه‌هذا نمازجمعه‌باشد بلكه ياصريح‌است يا قوت دارد برخلافت كبرى چه در جمعه وعيد ظاهر ميشود آثار خلافت كبرى زيرا حكمت بزرگى است از براى ظهور دولت حقه و تمكن وقدرت‌پيدا كردن ائمه‌بر امر ونهى و هدايت و ارشاد بندگان واقتدا كردن خلايق برآنها و جمله حتى‌عاد خلفاؤك مغلوبين تا سنن نبيك متروكة اشاره بخلافت كبرى است و از واضحات است كه امورمذكوره از اثرات ولايت عظمى‌و خلافت كبرى است چنانچه حضرت باقر عليه السلام بعبدالله بن دينار فرمود اى عبدالله در هرروز جمعه و عيد فطر واضحى كه ويژه مسلمانان‌است حزن واندوه ما آل محمد صلى الله عليه و آله تازه ميگردد عبدالله حضورش عرض كرد چرا چنين است ؟ فرمود براى آنكه مى‌بينند امامت و خلافت كه حق خودشان است دردست ديگران ميباشد - .

سوم آنکه ممکن است خلفاء در فرمایش آنحضرت اعم ازامام وعلماء شیعه و فقهاء اثنا عشری باشد چه علماء و فقها وارث علوم ائمه و راویان احادیث آن بزرگوارانند و شاهداین معنی روایتی است که صدوق و دیگران از پیغمبر اکرم ﷺ نقل نموده‌اندفرمود رسول‌خدا: پروردگارا بیامرز خلفا وجانشینان مرا اصحاب عرض کردند ایرسول خداخلفا وجانشینان شماچه اشخاصی هستند؟ فرمود آنهائی هستند که بعد ازمن متولد میشوند احادیث وسنت مرا روایت میکنند وبعد ازمن احکام شرع رابمردم تعلیم میدهند ..

چهارم آنکه عطف فرموده امام اصفیاء را بر خلفاء که اشعار دارد برمغایرت آنها چنانکه مقتضای قانون محاوره همین است پس ممکن است مراد آنحضرت از خلفاء ائمه یاایشان ومنصوبین خاص آنها باشد ومقصود ازاصفیاء عدول شیعیان بوده و تأسیس اولی ازتاکید میباشد.

پنجم آنکه حصر دراین فرمایش حصر حقیقی نیست بلکه شامل حصر اضافی هم خواهد بود وبرفرض تسلیم، عام است و عمومیت آن تخصیص داده میشود باحادیث و ادله ایکه دلالت میکنند بر عموم اذن و تصرف در این حق، هم درزمان حضور و هم در زمان غیبت . واز احادیث فوق ظاهر شد امر فرمودن ائمه اصحاب را باقامه نمازجمعه بدون تخصیص دادن مخاطب را بغیر مخاطب وبدون تخصیص دادن زمانی بزمان دیگر. و از این بیان و احادیث واضح شد که حصر در صحیفه و فرمایش حضرت امام زین‌العابدین ؑ حصر حقیقی نیست وتمسك معاصرین ما باین فرمایش ناوارد است واشاره کردیم باین توهمات تاروشن شود که هیچ یك از آنها صلاحیت ندارند که معارضه کنند باآیه واحادیث صحیحه معتبره پس چگونه میتواند کسیکه ازخدا وپیغمبرش خائف است چنین واجب مهمی را ترك کند ومهمل بگذارد فرمود: خدایتعالی فلیحذر الذین یخالفون عن امره ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم. باید بترسند آنهائیکه مخالفت امر خدا میکنند از عذاب دردناك و فتنه‌ایکه بایشان میرسد در اثر ترك نمودن واجبات و مخالفت با فرموده‌های پروردگار. امانماز جمعه دو رکعت است

که باید در روز جمعه بجای نماز ظهر خوانده‌شود و کیفیت آن بدین‌قرار است: اول امام باید پیش از اداء نماز دوخطبه قرائت میکند و آن دوخطبه بمنزله دو رکعت از نماز است . و آنچه‌درخطبه شرط است حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل او و موعظه و پند دادن مردم بر تقوی و قرائت نمودن سوره کوچکی ازقرآن. پس از آن اندکی می‌نشیند ، دوباره‌برمیخیزد برای‌خطبه‌دوم، در آن نیز حمد و ثنای پروردگاررا تلاوت مینماید وصلوات میفرستد بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل او و برای مؤمنین استغفار مینماید و سوره یاآیه‌ای از قرآن قرائت‌میکند و پس از فارغ شدن اقامه نماز میگوید و دو رکعت نماز بجا میآورد . در رکعت اول بعداز حمد سوره جمعه تلاوت‌میکندو در رکعت دوم بعد ازفاتحه سوره‌منافقین قرائت‌مینمایدورکوع وسجودبجامیآوردوتشهدوسلام‌میگوید، نمازتمام‌میشودوبعداز آن نمازعصر بجا میآورد در کافی‌ازحضرت‌صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمودزمانیکه امام خطبه قرائت‌میکند سزاوار نیست کسی تکلم نماید تا فارغ شود از قرائت‌دو خطبه‌اما اگر بین فراغ و بر خاستن برای نماز تکلم نماید بر او بحثی‌نیست .

در تهذیب از آنحضرت روایت کرده فرمود باید امام جماعت خطبه رادر حال قیام قرائت کند و در آن حمد وثنای خداوند ودرود بر پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وآل او بجاآورد ومردمان‌را بتقوی وپرهیز کاری‌سفارش کند ودرآخر آن‌یکسوره کوچك از قرآن تلاوت مینماید سپس می‌نشیند بعد از آن برمیخیزد برای خطبه دوم و در آن نیز بیان میکند حمد و ثنای پروردگار را و درود میفرستد بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آل او وبرای مومنین طلب آمرزش مینماید بعد ازآن دو رکعت نماز بجا میآورد و دررکعت اول بعد ازحمد سوره جمعه ودر دوم سوره منافقین قرائت میکند.

ابن‌بابویه‌و کلینی‌ازحضرت‌باقر علیه‌السلام روایت کرده‌اندفرمودخداوند آیه(حافظوا علی الصلوات و الصلوةالوسطی) را در سفر روز جمعه بر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل فرمود و مراد از نماز وسطی‌نماز ظهر است آنحضرت نماز ظهر را در سفر ودرحضر در روز جمعه بحال خود که دو رکعت است واگذاشت و در غیر روز جمعه درحال حضر دو رکعت افزود و بخاطر دو خطبه ، نماز در جمعه نیفزود چه خطبه

بمنزله دورکعت ازنمازاست وهرکس درروزجمعه نمازجمعه نخواند بایدنمازظهر را چهاررکعت بجا آورد مانند سایر روزها وازمحمد بن مسلم روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیا در نماز جمعه اذان و اقامه هست فرمودامام بعد از اذان بر منبرمیرود و خطبه میخواند ومردم در حال قرائت خطبه نماز بجانمیآورند و بعد از فراغ از خطبه اول بمقدار قرائت سوره قل هوالله مینشیند و بر میخیزد برای قرائت خطبه دوم . پس ازفارغ شدن از آن از منبر فرودمیآید و اقامه میگوید وبا مردم نماز جمعه را بجا میآورد .

در تهذیب از حفص بن غیاث روایت کرده گفت یکی از شیعیان از ابن ابو لیلی سؤال کردآیا نماز جمعه بربنده و زنها ومسافرواجب است یا خیر ؟جواب داد واجب نیست مجدداً پرسید اگر یکی ازمسافرین وزنهاومملوکین حاضرشدند و نماز جمعه بجا آوردند آیا کفایت میکند ازنماز ظهر ؟ ابولیلی قاضی گفت بلی آن شیعه جوابداد چگونه چیزیکه خداوند واجب نکرده از نماز ظهریکه واجب فرموده کافی است ابولیلی نتوانست جواب او را بدهد حفص میگوید من از آن شیعه جهتش را سؤال نمودم جواب داد خداوند نماز جمعه را برتمام مردم اعم از زنها و مردان ومسافر و مملوك واجب نموده ولی رخصت داده برزنها و مسافرین و مملوك که بر نماز جمعه حاضر نشوند پس وقتیکه حاضرشدند رخصت ساقط میشود و لازم میگردد برآنها فریضه اول و ازاینجهت برای ایشان نماز جمعه کافی است از نمار ظهر گفتم این فرموده کیست ؟ جواب داد فرمایش حضرت صادق علیه السلام است . درکافی وتهذیب از حلبی روایت کرده اند گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم کسیکه خطبه روز جمعهرا درك نکند تکلیف او چیست ؟ فرمود اگر پیش از رکوع دوم بامام برسد نماز جمعه را درك نموده و یکرکعت دیگر را خودش بخواند و بلند قرائت کند و چنانچه بعد از رکوع دوم درك کند نماز جمعه رابايد چهار رکعت بنماز ظهر بجا آورد و اما فضیلت روز جمعه چون درکتب ادعیه بیان شده ما از شرح آن صرف نظر نمودیم .

در کافی ذیل آیه (یاایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه)

از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت از حضرت باقر عليه السلام سؤال نمودم برای‌چه نامیده شده روز جمعه بجمعه فرمود آن روزیست که خداوند تمام مخلوقات اولین و آخرین راجمع نمود از برای آنکه عهد ومیثاق بگیرداز آنها بولایت محمد صلى الله عليه وآله ووصی او علی عليه السلام ازاینجهت‌آن را جمعه نامید ـ .

در اختصاص از جابر جعفی روایت کرده گفت حضور حضرت باقر عليه السلام آیهٔ یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه رافرائت مینمودم فرمود ای‌جابر تأمل کن تا خبر دهم تو را بتأویل‌اعظم‌آن . عرض کردم بفرمائیدفرمود: خداوند روز جمعه را برای آن جمعه نامید چون تمام خلق اولین‌وآخرین‌راازجن و انس و آسمان و زمین و دریا و بهشت و جهنم و سایر موجودات دیگر را درعالم ذر برای گرفتن عهد و پیمان برربوبیت خود و نبوت محمد صلى الله عليه وآله وولایت علی عليه السلام در آنروز جمع نموده و بآسمان و زمین‌فرمود: ائتیاطوعا اوکرها قالتا اتینا طائعین پس از آن‌فرمود: ایمردمیکه در آنروز ایمان آوردید وقتی شما را برای نماز صدا کردند (ومقصود از نماز دراینجا وجود مقدس امیرالمؤمنین عليه السلام است که ولایت کبری‌است) بشتابید بسوی ذکر خداوند کر نیز آنحضرت است ودرآنروزپیغمبران و فرشتگان و تمام موجودات لبیك گویان حاضر شدند سپس خطاب شد بآنها و ذروا البیع یعنی رها کنید اولی را ذلك خیر لکم یعنی عهد و پیمان بر ولایت‌علی و بیعت‌با آنحضرت بهتر است برای شما از بیعت نمودن با اولی اگر بدانید (فاذاقضیت‌الصلوة) یعنی هر وقت بیعت ولایت علی عليه السلام را اخذ نمودیدفانتشروا فی الارض و مراد بارض در اینجا ائمه معصومین است که خداوند امر فرموده باطاعت وولایت آنهاچنانکه‌امر نموده باطاعت پیغمبر و امیرالمؤمنین عليه السلام و کنایه آورده پروردگار از اسامی ائمه بزمین و (ابتغوا من فضل‌الله) فرمود ای جابریعنی و ابتغوا فضل الله علی‌الاوصیاء (واذکروا الله کثیرا لعلکم‌تفلحون) این آیه خطاب به پیغمبر است در عالم ذر فرمود ای محمد صلى الله عليه وآله هرگاه شکاك و منکرین مشاهده کنند تجارتی‌را یعنی اولی‌را «اولهوا» یعنی دومی‌را «انفضوا الیها» یعنی می‌شتابند بسوی‌آنها «وترکوك قائما» یعنی ای پیغمبرتو را با علی تنها گذارند (قل‌ماعندالله

خیر من اللهو و من التجارة و الله خیر الرازقین) یعنی بگو ای محمد آنچه نزد خدااز ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ائمه میباشد بهتر است از اولی و دومی برای کسانیکه پرهیزکارند .

علی بن ابراهیم ازابی جارود روایت کرده گفت ازحضرت باقر علیه‌السلام معنای فاسعوا را سؤال نمودم فرمود سعی عبارت از کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن وموهای زیر بغل و عورت است ودیگر غسل جمعه وپوشیدن لباس نظیف و استعمال عطریات است چه خداوند میفرماید و من اراد الاخرة و سعی لهاسعیها و هومؤمن وفرمود: و ذروا البیع : ترك کردن معامله است ودر مدینه وقتی صدای مؤذن بلند میشد منادی ندا میکرد خرید وفروش حرام است

(فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون) حضرت صادق علیه‌السلام فرمود نماز روز جمعه وانتشار درروز شنبه است ونیز فرمود ذکرخدا رافقط اختصاص ندهید در نماز بلکه بهر کاری مشغول بودید از یاد خداغفلت نکنید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هر کس در بازار یاد خدا کند در آنوقتیکه مردم ازیاد خدا غافلند وسر گرم معامله و خرید وفروش هستند خداوند در نامه اعمال او هزار حسنه بنویسد ومی آمرزد اورادرقیامت بطوریکه در قلب هیچ بشری خطور نکند .

(و اذا راوا تجارة اولهوا انفضوا الیها و ترکوك قائماً قل ما عندالله خیرمن اللهو ومن التجارة والله خیر الرازقین) سبب نزول آیه آن بود کـه روز جمعه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مشغول نماز جمعه بود. قافله مال التجارة واردمدینه شد وبرای اعلام ورود طنبور ودف میزدند مردم نماز جمعه را ترك کردند و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را رها کرده وتنها گذاشتند جزچند نفری وبقیه بتماشای تجارت ولهوولعب رفتند ورسول خدا دربالای منبرایستاد ، مشغول تلاوت خطبه بود که آیه فوق نازل شد حضرت صادق علیه‌السلام و حضرت رضا علیه‌السلام آیه را بطریق ذیل قرائت فرموده‌اند :

قل ماعندالله خیر من اللهو و من التجارة للذین اتقوا و الله خیر الرازقین

پایان سوره جمعه

سورة المنافقون

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ (۱) اِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲) ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳)

سوره منافقین در مدینه نازل شده و یازده آیه و صد وهشتاد کلمه وهفتصدو هفتادوسه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ، درخواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره منافقین را قرائت کند بیزار میشود از نفاق و شك در دین‌واگر بر جراحتها خوانده‌شود منفجر شود وچنانچه بر علیل وصاحب دردهای باطنی خوانده‌شود ساکن گردد وحضرت صادق علیه السلام فرمودهر کس این سوره رابر کسیکه درد چشم دارد یا باد و درد اندرونی دارد بخواند بقدرت خداوند آندرد ساکت شود

خلاصه مطالب این سوره‌در بیان احوال منافقین است واینکه استغفار وطلب آمرزش برای آنها سودی ندارد قوله تعالی : (اذا جاءك المنافقون قالوا نشهدانك لرسول الله والله یعلم انك لرسوله و الله یشهد ان المنافقین الکاذبون) این آیه در سال پنجم هجری هنگام مراجعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از غزوه بنی مصطلق نازل شده و داستان آن بدینقرار است .

چون پیغمبر و اصحاب از آن غزوه بسوی مدینه مراجعت مینمودند دربین راه فرود آمدند کنار چاه آبی در آنجا آب کم بود انس بن سیار حلیف انصار و جهجه بن سعید غفاری که اجیر عمر بن خطاب بود رفتند بر سر چاه آب بکشند

ترجمه سوره منافقین

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ایرسول ما چون منافقین نزد تو آیند گویند گواهی میدهیم که تو رسول خدائی و خدا میداند تو رسول او هستی و خدا گواهی میدهد که منافقین دروغ میگویند (۱) سوگندهای دروغ خود را سپر جان خویش قرار داده‌اند تا باینوسیله راه خدا رابروی مردم ببندند. آنچه عمل میکنند بسیار بد است (۲) چه آنها پس ازایمان آوردن بدل کافر شدند خداهم مهر بر دلهای ایشان زد پس آنها چیزی نمی فهمند (۳)

دلو ابن سیاز بدلو جهجه پیچید و بسته شد با یکدیگر نزاع کردند جهجه سیلی بصورت ابن سیار زد خون جاریشد طایفه خود خزرج را بیاری طلبید و جهجه هم قریش رابنصرت خود خواند ازدوطرف جمع شدندواسلحه بروی یکدیگر کشیدند نزدیك بود فتنه‌ای برپا شود عبدالله ابی صدای آنها را شنید گفت چه خبر است داستان را برای او بیان کردند در غضب شد گفت من کراهت داشتم باین سفر بیایم همانا ذلیل خواهم کرد عرب را. هرگز تصور نمیکردم که من زنده باشم وچنین روزی را مشاهده نمایم و نتوانم تغییر بدهم آنگاه نزد اصحاب خود رفت وبآنها گفت این نتیجه عمل شما است که پیغمبر و مهاجرین را جا دادید و وارد منزلهای خود کردید و با مال و جان با ایشان مواسات نمودید و خودتان را برای کشته شدن و اسیری زنان وفرزندان خود درمعرض هلاکت افکندید. اگر آنها را از مدینه بیرون کنید عیال دیگران خواهند بود البته وقتی وارد مدینه شویم بیرون میکنیم بزرگترین آنها راتاحقیر و ذلیل‌ترین اشخاص شوند و مقصود ازبزرگ آنهاپیغمبر اکرم بود زید بن ارقم که جوان تازه بالغی بود این سخن عبدالله را شنید رسول خدا در سایه درختی استراحت کرده بود و جمعی از مهاجر و انصار اطرافش را گرفته زید حضورش شرفیاب شد و سخنان عبدالله ابی را بسمع مبارکش رسانید پیغمبر ﷺ باو فرمود ای زید شاید تواشتباه شنیدی یا در غضب بودی و خیال کردی. عرض کرد ایرسول خدا سوگند به پروردگار نه در غضب بودم ونه عوضی

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (٤) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (٥) سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (٦) هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (٧)

شنیده‌ام پیغمبر بغلامش امر فرمود سوار راحله بشود و مردم‌را اعلام که حرکت کنند چون مردم را اعلام داد گفتند پیغمبر در این وقت حرکت نمیکند سعد بن عباده حضور پیغمبر آمد عرض کرد ایرسول خدا اکنون وقت حرکت نبود چه پیش‌آمدی کرده . فرمود مگر نشنیدی سخن رفیقت را ؟ عرض کرد ای رسول‌خدا من رفیق ومصاحبی جزشما ندارم فرمود عبدالله ابی را میگویم که خیال دارد وقتی وارد مدینه شود ما را بیرون کند تا خوار وذلیل‌شویم. سعد عرض کرد ایرسول‌خدا شما واصحاب عزیزترین مردم میباشید وعبدالله ویارانش خوار وذلیل‌ترین مردم‌اند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله حرکت نمود وآنروز باکسی تکلم نفرمود . طایفه خزرج نزد عبدالله ابی رفتند و اورا توبیخ و سرزنش کردند بدروغ قسم یاد نمود که من چنین سخنی نگفتم گفتند بیا برویم حضور پیغمبر وعذر خواهی کن سرش‌رابزیر افکند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تمام شب را پس از خواندن نماز حرکت کرد وراه پیمود فردای آنروز که فرود آمدند و اصحاب بسیار خسته بودند عبدالله حضور رسول خدا رسید و قسم یاد کرد که من چنین گفتاری بزبان جاری نکردم وشهادت

ایرسول ما چون آن منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهر آنها تو را بشگفت آورد و اگر سخن گویند بسخنانشان گوش فرا خواهی داد ولی درون آنان مانند چوب خشکی است که بر دیوار نهاده‌اند هر صدائی بشنوند بر زیان خویش گمان کنند ایشان دشمنند برحذر باش از منافقین، خدا آنها را بکشد. چگونه ازحق بازمیگردند (۴) هر گاه بآنها گفته شود بیائید تا رسول خدا برای شما طلب آمرزش کند آنها سرپیچی میکنند و بنگری که با تکبر و نخوت‌روی میگردانند (۵) اگر طلب آمرزش کنی از برای آنها یا نکنی بحالشای یکسان است خدا هرگز ایشان رانمی‌آمرزد و خداوند قوم‌بدکار را براه هدایت راهنمائی نخواهد کرد (۶) آنها همان کسانی هستند که میگویند بر اصحاب رسول انفاق مال نکنیدازاطراف او پراکنده شوید بدانند که خداوند صاحب گنجهای آسمان و زمین است و لکن منافقین نمی‌فهمند که روزی بدست خدا است (۷)

بوحدانیت پروردگار ونبوت پیغمبرداد و گفت زید دروغ گفته‌است در صورت‌ظاهر پیغمبر از او قبول نمود طایفه خزرج زید را مورد اذیت و آزار قرار دادند و باو میگفتند چرا به بزرگ ما توهین کردی زید میگفت خدایا تو شاهدی که من دروغ بر عبدالله نبسته‌ام پیغمبر و اصحاب از آن مکان حرکت کردند قدری طی مسافت نمودند حالت وحی بر پیغمبر رخ داد ناقه آنحضرت سنگین شد نزدیك بود برزمین‌قرار گیرد جبرئیل‌نازل‌شد سوره‌منافقین‌را فرودآورد پیغمبر صورت‌مبارکش را ازعرق خشك نمود دست برده گوش زید بن ارقم را گرفت و اورا از روی‌ناقه‌اش بلند کرد و فرمود ای جوان سخن تو در باره عبدالله راست بود قلبت محکم باد خداوند در باره آنچه تو گفتی آیاتی چند نازل فرموده آنگاه اصحاب را عموماً جمع نمود و سوره منافقین را بر آنها تلاوت فرمود خداوند مفتضح کرد عبدالله ابی را ـ • ابان بن عثمان از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود فرزندعبدالله ابی به پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله عرض‌کرد ای رسول خدا اگر قصد کشتن پدرم راداريد اجازه بفرمائید خود من سر او را جدا کنم سوگند بخدا که من بهترین فرزنداو هستم و علاقه بی‌پایانی بپدرخود دارم. طایفه خزرج و اوس میدانند علاقه مرا به

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹) وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰) وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

پدر خود ولی این علاقه در قبال علاقه بدین هیچ است. میترسم اگر دیگری او را بقتل رساند نفسم آرام نگیرد که مشاهده کنم قاتل پدرم را وعاقبت قاتل اورابقتل برسانم و بخاطر پدر کافرم مؤمنی را بکشم و مخلد در جهنم شوم. رسول خدا باو فرمود: تو ازیاران نیکوی ماهستی، مادامیکه با ماباشی مدارا کن باپدرت. من خیال کشتن او را ندارم.

(اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا عن سبیل الله انهم ساء ماکانوا یعملون ذلك بانهم آمنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لایفقهون). سوگندهای دروغ خود را سپر جان خود قرار داده اند یعنی هرگاه کاری پیش آید که پرده منافقین در آن کار دریده خواهد شد بسوگند دفع آن میکنند چنانکه درکارزار مرد دفع تیر و شمشیر با سپر میکند و از راه خدا اعراض میکنند و مردم را هم بازمیدارند. ای مؤمنین بدانید منافقین بدکاری انجام میدهند چه آنها بر زبان ایمان آوردند سپس بدل کافرشدند. خدا هم مهر بر دلهای آنها زدو باین جهت است که ایشان ایمان نخواهند آورد و آنها نمیدانند و حقایق ایمان را درك نمیکنند - در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود

میگویند اگر بمدینه باز گشت کنیم باید عزیزترین ما خوار و ذلیل‌ترین را بیرون کنندامّا عزت مخصوص خدا ورسول او و مؤمنین است منافقین نمی‌دانند (٨) ای اهل ایمان مبادا مشغول سازدشما را مال وفرزندانتان از یاد خدا کسانیکه مال و فرزندانشان آنان را از یادخدا باز دارند زیان‌کارانند (٩) از آنچه روزی‌شما کردیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بریکی از شما فرا رسد و در آنحالت با حسرت بگوئید پروردگارا اجل مرا بتاخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و ازنیکوکاران شوم (١٠) و خدااجل‌هیچکس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیندازد و او بهرچه کنید آگاهست (١١)

خداوند کسانی را که از پیغمبرش پیروی‌نکرده‌اند در ولایت وصی‌اوامیرالمؤمنین عليه السلام منافقین نامیده و منکرین امامت و وصایت را منکرین خود و پیغمبر قرار داده واین‌موضوع‌را درقرآن‌چنین بیان کرده وفرمود: ای محمد زمانیکه‌آمدندمنافقین بولایت و امامت علی عليه السلام نزد تو وگفتند شهادت میدهیم که تو رسول‌خدا هستی، خداوند میداند که تو رسولش میباشی و خداوند گواهی میدهد که منافقین بولایت علی عليه السلام دروغ میگویند وسوگندهای خودشان را سپری قرار داده اند و راه خدا راکه ولایت علی عليه السلام است بروی مردم بسته اند واین عمل بدعملی است. آنها برسالت تو ایمان آورده‌ند و بولایت و امامت علی عليه السلام کافر شدند خداوند هم‌مهر بر دلهای ایشان گذاشت ولذا چیزی‌نمیفهمند. فضیل میگوید عرض کردم‌لایفقهون یعنی چه فرمود یعنی در نبوت پیغمبر تعقل نمیکنند و هر گاه بآنها گفته میشود باز گردید بسوی ولایت علی عليه السلام تا طلب مغفرت و آمرزش نماید پیغمبر ازبرای گناهان شما سرهای خودرا بزیرافکنند. ای محمد صلى الله عليه وآله مشاهده کنی آنهـا راکه جلوگیری و ممانعت می‌نمایندازولایت‌علی‌وتکبر میورزندبراو. ای‌پیغمبرچه‌برای ایشان استغفار نمائی یا ننمائی هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد و خداوند راهنمائی نمیکند کسانی‌را که ظلم وستم بوصی‌توعلی می‌نمایند •

(و اذا رایتهم تعجبك‌اجسامهم وان یقولوا تسمع لقولهم کانهم خشب مسندة‌یحسبون کل صیحة علیهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون)- ای رسول ما توچون

کالبد جسمانی آن منافقین را مشاهده کنی بآراستگی ظاهر تو را بشگفت آورند (ابن‌عباس گفت عبدالله ابی مردی بود فربه و نیکو صورت و فصیح چون او سخن میگفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دور صدای او رامیشنید) ولی آن منافقین صورتند بدون معنی‌مانندچوبهای خشک که‌بردیوار نهاده‌اند. هرصدائی که‌میشنوند بر زیان خویش پندارند. دشمنان دین وایمان بحقیقت ایشانند، ازآنها برحذر باش خدا آنان را بکشد چه قدر بمکر و حیله و دروغ از حق باز میگردند آیا اینها بکجا رو برمی گردانند.

چون خداوند بیان کرد اوصاف منافقین را برای رسولش عبدالله ابی‌وتابعینش را بآنها معرفی کرد طائفهٔ اوباو گفتند مفتضح شدی‌بیا برویم‌حضور پیغمبرودرخواست کنیم از حضرتش تا استغفار کند برایت. او سرپیچید ودوری جست ازرفتن حضور رسول خدا.

(هم الـذین یقولون لا تنفقوا علی من عنـد رسول الله حتی ینفضـوا و لله خزائن السموات والارض ولکن المنافقین‌لایفقهون. یقولون لئن رجعنا الی‌المدینة لیخرجن‌الاعز منها الاذل ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولکن المنافقین لایعلمون) منافقین همان مردم بد خواهی هستند که میگویند بر اصحاب رسول انفاق نکنید تا یارانش ازاطرافاو پراکنده‌شوند درصورتیکه گنجهای آسمان وزمین‌ازبرای‌خدا است لکن منافقین درك نمیکنند. میگویند اگر بمدینه‌باز گردیم هماناعزیزترین مردم که مقصود خود آنهاست ذلیل ترین آنها را از شهر مدینه بیرون کنند یعنی مسلمانانرا اخراج نمایند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است ولی منافقین نمیدانند. در کافی ذیل آیه فوق‌از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود: خداوند امور مؤمن را دردست‌خود گرفته وهرگز نمیخواهد که او ذلیل و خوار باشد آیا نمیشنوی قول خدا را که میفرماید: و لله العزة ولرسوله و للمؤمنین. پس مؤمن عزیز است وذلیل نمیباشد. مؤمن سخت تر است از کوه چه کوه بوسیله آلتی‌واسبابی تراشیده میشود ولی دین مؤمن بهیچ‌چیز متزلزل وناقص نشود. خداوند او را عزیز نموده بایمان و اسلام وسزاوار نیست از برای مؤمن که

ذلیل کند نفس خودش را . اصحاب حضورش عرض کردند بچه چیز نفس ذلیل میشود فرمود بآنکه عرضه بدارند براو چیزیرا که طاقت آنرا نداشته باشدوداخل شود درچیزیکه توانائی بر آن را ندارد.

(یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکرالله و من یفعل ذلك فاولئك هم الخاسرون) مخاطب این آیه مؤمنین اند . میفرماید : ای مؤمنین مبادا مال وفرزندانتان شما را ازیاد خدا غافل سازد . مراد از ذکر نماز است وکسانیکه مال وفرزندانشان آنها را از یاد خدا باز دارد ایشان در حقیقت از زیانکاران عالمند (و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فیقول رب لولا اخرتنی الی اجل قریب فاصدق واکن من الصالحین) - ای مؤمنین از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد و در آنحالت بحسرت گوید پروردگارا اجل مرا اندکی بتأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم . ابن بابویه ذیل آیه فوق ازابن عباس روایتکرده گفت نیست کسیکه بمیرد ومالی داشته باشد که زکوة آنرا نداده یا مستطیع بوده و بحج نرفته مگر آنکه آرزو کند در وقت مردن که برگردانند او را بدنیا تا زکوة بدهد وبحج رود و این حدیث را از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده اند.

(ولن یوخرالله نفساً اذا جاء اجلها والله خبیر بماتعملون) پروردگاردرجواب این مردم میفرماید هرگز خدا اجل کسی را که فرا رسیده است از وقتش بتأخیر نیندازد و او بهرچه کنید ازبد ونیك آگاهست . حضرت باقر علیه‌السلام در معنای این آیه فرموده : نزدخدا کتابی است. مقدم میدارد هرچه را بخواهد ومؤخر میدارد آنچه را اراده فرماید ودر شب قدر نازل میکند هرچیزیرا که باید انجام شود وهرگاه نازل کرد آن را و نوشته شد درکتاب آسمان دیگر تأخیرپذیر نیست .

پایان سوره منافقین .

سورهٔ تغابن

بسم الله الرحمن الرحيم

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲) خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ
فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

سوره تغابن در مکه نازل شده و هیجده آیه و دویست و چهل ویك کلمه و هزار و هفتاد حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تغابن را در نمازهای واجبه قرائت کند روز قیامت شفیع او گردد و مفارقت نکند از او تاداخل بهشت شود ـ .

و از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر که اینسوره و مسبحات را تماماً قرائت کند پس از خواب در هر شب نمیرد تا آنکه درك کند حضرت قائم علیه‌السلام را و اگر بمیرد در جوار پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار بگیرد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر که اینسوره را تلاوت نماید خداوند مرگ ناگهانی را از او برطرف سازد و اگر هنگام ورود بخانه پادشاه وسلطان‌جائر قرائت کند خداوند کفایت کند او را ازشر آن پادشاه و هیچ بدی باو نمیرسد .

خلاصه مطالب‌این سوره عبارت است ازبیان حال کفار ومعصیت کاران وسبب

ترجمه سوره تغابن

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند پادشاهي و ستایش مخصوص اوست و خداوند برهرچیز توانائی دارد (۱) اوست آنکه آفرید شما را پس بعضي از شما کافر وبعضی دیگر مؤمن هستید وخدا بآنچه میکنید بینا است (۲) آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را بزیباترین صورت بیاراست و بازگشت همه خلایق بسوی اوست (۳)

هلاکت آنهاوحال فرمان برداران و بعضی از زنان وفرزندان شخص دشمن اوهستند وباید حذر کرد از آنها.

قوله تعالى (يسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض له الملك وله الحمد و هو على كل شيئي قدير) هر چه در آسمانها وزمین است به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند و شکر و سپاس مخصوص او است چه تمام نعمتها و منافع بامر او است و او برهرچیز قدرت وتوانائی دارد

(هو الذی خلقكم فمنكم كافر و منكم مؤمن و الله بما تعملون بصير) در کافي ذیل آیه از حسین بن نعیم صحاف روایت کرده گفت از حضرت صادق عليه السلام معنای آن را سؤال نمودم فرمود خداوند شناسانیده ایمان مردم را بواسطه ولایت ما ائمه و کفر آنها را بانکار ولایت مادرعالم ذر همان روزیکه عهد و پیمان گرفت از ایشان در آنوقتیکه پشت آدم بودند

(خلق السموات و الارض بالحق و صوركم فاحسن صوركم و اليه المصير يعلم ما في السموات و الارض و يعلم ما تسرون و ما تعلنون و الله عليم بذات الصدور) خدا آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را بزیباترین صورت بیاراست و نیکو نگاشت و بازگشت همه خلایق بسوی او است آنچه در آسمانها و زمین است و هرچه درپنهان و آشکار بجا آورید همه را میداند وباسرار دلهای خلق آگاهست

(الم ياتكم نبؤ الذين كفروا من قبل فذا قوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم ذلك

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ (٤) أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ
أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٥) ذٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (٦)
زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا
عَمِلْتُمْ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ (٧) فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي
أَنْزَلْنَا وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (٨)

بانه كانت تأتيهم رسلهم بالبينات فقالوا ابشر يهدوننا فكفروا و تولوا و استغنى الله و الله غنى حميد) آیاداستان حال پیشینیان که بخداکافر شدند بشما نرسیده چگونه چشیدند کیفر عمل خود را و از برای آنها عذاب درد ناکی مهیاست، پس از آن بیان میکند علت عذاب آنها را تا کسی گمان نکند که بایشان ظلم شده. میفرماید این عذاب برای آن بود چون پیغمبران باادله ومعجزات بسوی آنان رفتندایشان پیغمبران را تکذیب وطعن زدند و گفتند آیا بشری مانند ما میتواند مارا رهبری کنند و برسولان ما کافر شده و روی از آنها برگردانیدند و گمان کرده بودند که باید پیغمبران آنها فرشتگان باشند باین سبب کافر شدند و این سببی بود که بایست بآن ایمان آورند چه اگر پیغمبر آنان از جنس بشر نبود باو الفت نمیگرفتند ومأنوس نمیشدند خدایتعالی هم از کفر و ایمان خلق بی نیاز واو توانگر بالذات و بتمام صفات ستوده است

(زعم الذين كفروا ان لن يبعثوا قل بلى و ربى لتبعثن ثم لتنبئن بماعملتم و ذلك على الله يسيرفآ منوا بالله ورسوله والنور الذى انزلنا والله بما تعملون خبير) کافران گمان کردند که هرگز پس ازمرگ برانگیخته نمیشوند ایرسول ما بآنها

آنچه در آسمانها و زمین است و هرچه را که شما پنهان یا آشکار کنید همه را میداند و او باسرار دلهای مردم دانا است (٤) آیا داستان حال پیشینیان که بخدا کافر شدند بشما نرسیده چگونه عقوبت کردارشان را چشیدند واز برای آنها عذاب درد نا کی خواهد بود (٥) این عذاب برای آن بود که فرستادگانی باادله ومعجزات بسوی آنها آمدند و ایشان آنان را تکذیب کرده و بطعنه گفتند آیا بشری مانند ما میتواند رهبری کند ما را و به پیغمبران کافر شده و روی از آنها گردانیدند و خدا از خلق بی نیاز و او توانگر و ستوده است (٦) کافران گمان کرده‌اند که هرگز پس از مرگ بر انگیخته نشوند ایرسول ما بآنها بگو بخدای من سوگند که البته بر انگیخته میشوید و سپس به نتیجه اعمال خود خبر دار میشوید واین بر انگیختن بر خدا آسانست (٧) پس بخدا و رسولش ونور روشنیکه فرستاده‌ایم ایمان آورید و خدا بآنچه عمل کنید آگاهست (٨)

بگو سوگند بخدای من که‌البته برانگیخته میشوید و سپس به نتیجه اعمال‌خود آگاه میگردیداین برانگیختن برخدا بسیار آسانست پس بخدا و رسول اوونوریکه فرستادیم ایمان آورید خداوند از نیك و بد کردار شما آگاهست ـ .

در کافی از ابی خالد کابلی روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر عليه‌السلام سؤال نمودم فرمود ای ابا خالد بخدا قسم نور در اینجا ائمه از آل محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم میباشد تا روز قیامت سوگند بخدا ائمه . مان نوری هستند که خداوند نازل فرمود وآنها نور آسمان و زمین باشند ای اباخالد نور امام در دلهای مؤمنین از نور آفتاب که می‌تابد روشن‌تر است سوگند بخدا امامان نور افشانی میکنند قلوب مؤمنین را و خداوند میپوشاند نور امامان را از هر کس که بخواهد پس تاریك و ظلمانی شود دل آنها بخدا قسم ای اباخالد دوست نمیدارد ما را کسی مگر آنکه پاکیزه گرداند خداوند قلب او را وپاکیزه نگرداند خداوند دل کسی را تا آنکه تسلیم ما ائمه شود و چون سلم و تسلیم ماشد خداوند اورا سالم گرداند از سختی حساب و ایمن باشد از ترس و هول روز قیامت و عذاب جهنم

(یوم یجمعکم لیوم الجمع ذلك یوم التغابن و من یؤمن بالله و یعمل صالحا

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغابُنِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَ يَعْمَلْ
صالِحاً يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِهِ وَ يُدْخِلْهُ جَنّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ
خالِدِينَ فِيها أَبَداً ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا
أُولٰئِكَ أَصْحابُ النّارِ خالِدِينَ فِيها وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰) ما أَصابَ مِنْ
مُصِيبَةٍ إِلّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
(۱۱) وَ أَطِيعُوا اللّٰهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّما
عَلىٰ رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

يكفر عنه سيئاته و يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا ذلك الفوز العظيم) بیاد آورید روزیرا که خداوند همه را بعرصه محشر برای حساب جمع میکند و آنروز روز غبن و پشیمانی است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هیچ بنده‌ای‌نیست ازمطیع و عاصی مگر آنکه روز قیامت حسرت خورد بدکردار حسرت خورد که چرا بد کرده‌ونیکوکاربخاطرآنکه‌چرا بیش ازاین‌عمل‌نیك‌انجام نداده و هر که بخدا ایمان آورد و نیکوکار باشد خداوند گناهان او را بپوشاند و در بهشت‌هائی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در آن بهشتها همیشه متنعم باشد و در حقیقت ظفر و رستگاری بزرگیست .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز تلاقی روزیستکه ملاقات میکنند اهل آسمانها بااهل زمین و روز تناد روزیستکه‌اهل جهنم باهل بهشت میگویند عطا کنید بما آنچه را خداوند نصیب شما کرده وروز تغابن روزیستکه‌غبطه‌میخورند اهل‌جهنم باهل بهشت‌وروز حسرت روزی باشد که مرگ را بصورت گوسفندی آورند و آن را ذبح کنند

(و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا اولئك اصحاب النار خالدين فيها و بئس

بیاد آورید روزیرا که خدا همه خلایق را برای حساب بعرصه محشر جمع میگرداند آنروز روز زیان بدکاران است هر که در دنیا ایمان آورده و نیکو کار باشد خدا گناهانش را بپوشاند ودر بهشت که زیردرختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در آن همیشه جاوید بماند این است رستگاری بزرگ (۹) آنانکه کافر شده و آیات مارا تکذیب کردند اهل‌دوزخند و درآنجا همیشه بمانند و بدمنزلگاه و باز گشتی است آتش دوزخ (۱۰) هیچ رنج و مصیبتی نرسد مگر بفرمان خدا و هر کس بخدا ایمان آورد خدا دل او راراهنمائی کند و او بهر چیزی دانا است (۱۱) فرمان خدا و پیغمبر را اطاعت کنید و اگر روی بگردانید برسول ما جز رسانیدن احکام با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود (۱۲)

المصیر) و آنهائیکه کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخ هستند ودر آنجا جاویدان‌باشند و بسیار بد منزلگاهی است

(ما اصاب من مصیبة الا باذن الله و من یؤمن بالله یهد قلبه والله‌بکل‌شیئی علیم) در این آیه بخاطر تسلی و دلخوشی صاحبان مصائب میفرماید هیچ رنج و مصیبتی نرسد بشما مگر بفرمان خدا چه انسان وقتی دانست که مصائب باذن‌خدا است و دانست که صلاح او در آن است پس راضی و تسلیم شود بامر خداوهر که بخدا ایمان آورد خداوند دلش را بمقام عالی رضا و تسلیم هدایت کندو او برهمه امور عالم آگاهست ـ .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس را خداوند هدایت کند گواهی میدهد بخداوند قلب او وچون خداوند راه رابیان کرد اختیار میکند هدایتدا وپروردگار زیاد میگرداند بر اوهدایتش را چنانکه میفرماید و الذین اهتدوا زادهم هدی

(و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان تولیتم فانما علی رسولنا البلاغ المبین الله لااله الاهو و علی الله فلیتوکل المؤمنون) همیشه فرمان خدا و رسولش را اطاعت کنید واگر روی‌بر گردانید و مخالفت او کنید بر پیغمبر ما جز رسانیدن

اللّهُ لاإِلهَ إِلاّهُوَ وَعَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ(۱۳) ياأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
إِنَّ مِنْ أَزْواجِكُمْ وَأَوْلادِكُمْ عَدُوّاً لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا
وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱٤) إِنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ
وَاللّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱٥) فَاتَّقُوا اللّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا
وَأَنْفِقُوا خَيْراً لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(۱٦)
إِنْ تُقْرِضُوا اللّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّهُ شَكُورٌ
حَلِيمٌ (۱۷) عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

احکام واتمام حجت با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود او است آن خدائی که بجز او خدائی نیست بر خدا توکل کنند اهل ایمان در تمام امور خود ـ .

در کافی از حسین بن نعیم صحاف روایت کرده که معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام سوال نمودم فرمود بخدا قسم هلاك نشدند پیشینیان و هلاك شدگان تا زمان قائم ما آل محمد علیهم السلام مگر در اثر ترك کردن ولایت ما و انکار نمودن حق ما ائمه رحلت ننمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا تا آنکه عهد و پیمان گرفت از این مردم بر حق ما و خداوند هر کس را بخواهد براه راست هدایت میفرماید

(یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولاد کم عدو لکم فاحذروهم وان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم) ای مؤمنین بدانید که بعضی از فرزندان وزنان شما دشمنند با شما از آنها دوری بجوئید و دل از محبتشان بر کنید و اگر از ایشان عفو و چشم پوشی کنید همانا خداوند آمرزنده و مهربانست

ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق در حق جمعی از مسلمانان نازل شده خواستند از مکه هجرت کنند بسوی مدینه دوستی زنها و فرزندان و اسباب و اموال دامن ایشان را گرفت زنان و فرزندان آنها گفتند

او است خدای یکتائیکه جز او خدائی نیست و باید اهل ایمان در تمام امور باو توکل کنند (١٣) ای اهل ایمان بدانید بعضی از زنان وفرزندانتان دشمن شما هستند پس حذر کنید از آنها و اگر در گذرید وچشم بپوشید و عفو کنید از آنان خدا هم آمرزنده و مهربان است (١٤) همانا اموال و فرزندان شما سبب آزمایش شما هستند و نزد خدا اجر و پاداش بزرگ خواهد داشت (١٥) پس آنچه میتوانید از خدا بترسید و بشنوید و فرمان برید و انفاق کردن در راه خدا برای شما بهتر است و هر کس از بخل و لئامت نفس خودرا نگاه داشت چنین اشخاص از جمله رستگارانند (١٦) اگر بخدا قرض نیکو دهید خدا آن را برای شما چندین برابر گرداند و از گناهانتان در گذرد وخدا جزا دهنده وسپاس پذیر و بردبار است (١٧) خدا دانای نهان و آشکار و غالب و درستکار است (١٨)

پایان سوره تغابن

شاهد و گواه میآوریم خدا را اگر تو هجرت کنی ما ضایع میشویم رها میکنی عیالات واموال خود را درمکه وبمدینه میروی بی خانمان ومسکن و محتاج میشوی بر فراق تو نمیتوانیم صبر کنیم و با تو هم توانائی نداریم هجرت نمائیم بعضی از آن مردم اطاعت کردند سخنان اهل و عیال خودرا وتوقف نمودند نزد آنها وهجرت نکردند آیه فوق نازل شد که این اهل و عیال شما دشمنند باشما چه منع میکنند شما رااز اطاعت و فرمانبرداری از او امر خدا و بعضی دیگر باهل خود گفتند اگر با ما هجرت نکنید وبعد از این خداوند جمع کند میان ما و شما در دار هجرت که مدینه است هرگز نفعی بشما نخواهیم رسانید و چون خداوند میان آنها جمع کرد امر فرمود بایشان کسه عفو کنند از آنها و احسان و نیکوئی نمایند در حق آنان .

(انما اموالکم واولادکم فتنة والله عنده اجر عظیم) بحقیقت اموال وفرزندان شما سبب امتحان و آزمایش شما هستند چه انسانرا باز میدارند از امور آخرت و وا میدارند او را بجرائم اعمال ابن مسعود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باز گو کرده که فرمود

مگوئيد اللهم اني اعوذ بك من الفتنة چه كسي نيست كه گرفتار زن و فرزند ومال نباشد بلكه بگوئيد اللهم اني اعوذ بك من مضلات الفتن طبرسي ازبريده اسلمي روايت كرده كه روزي پيغمبر اكرم صلی الله علیه و آله بالاي منبر مشغول موعظه بود حضرت امام حسن و امام حسين وارد شدند پيراهن سرخي پوشيده بودند پاي مبارك آنها به پيراهن مي گرفت رسولخدا از منبر فرود آمد وايشانرا گرفت بالاي منبر برد بدامن مبارك نشانيد فرمود راست فرموده خداوند كه مال و فرزند اسباب فتنه هستند دلم آرام نگرفت اين فرزندانم را رها كنم بدانيد كه نزد خدا اجر بزرگ خواهد داشت .

(فاتقوا الله ما استطعتم و اسمعوا و اطيعوا و انفقوا خيراً لانفسكم ومن يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون) تا ميتوانيد خدا ترس و پرهيز كار باشيد و سخن حق بشنويد و اطاعت كنيد و از مال خود براي ذخيره آخرت انفاق نمائيد و كسانيكه ازخوي لئامت وبخل نفس خودمحفوظ بمانند آنها رستگاران جهانند ابن شهر آشوب از عبد خير روايت كرده كه از امير المؤمنين علیه السلام معناي آيه را سؤال نموديم فرمود سوگند بخدا غير اهل بيت پيغمبر كسي عمل باين آيه نكرده ما ياد ميكنيم پروردگار را و هرگز فراموش نخواهيم كرد او را ما شكر گذار خدا هستيم وهيچوقت كفران نعمتش را بجا نياوريم ما فرمانبردار او هستيم و ابدا معصيتش را نكنيم سپس فرمود بشنويد او امر خدا را و اطاعت كنيد خدا و رسول و ائمه اهل بيت را درآنچه امر ميكنند شمارا .

در كافي ازفضل بن ابي مره روايت كرده گفت حضرت صادق علیه السلام راديدم طواف مينمود از اول شب تاآخر شب و ميفرمود اللهم و قني شح نفسي عرض كردم حضورش فدايت كردم نشنيدم در تمام اين اوقات دعائي جز اين دعا بفرمائي فرمود چيزي سخت تر از بخل نفس نيست و آيه را تلاوت نمودند ـ ابن بابويه ازفضل بن عباس روايت كرده گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود ميداني شح نفس چيست ؟ عرض كردم بخل است فرمود شح سخت و شديد تر از بخل است بخيل بخل ميورزد بآنچه در دست دارد و شح بخل ميكند درمال خود و مال ديگري بطوري كه نمي بيند مالي را در دست مردم مگر آنكه آرزو ميكند كه مال خودش باشد بحلال يا بحرام وهرگز

سیر نمیشود وقناعت نمیکند بچیزی که خداوند روزی اوفرموده وازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بخیل کسی است که بدست آورده مالیرا از غیرحلال و صرف کند آنرا در غیر حق وشح کسی است که منع میکند حق خدا را وانفاق می‌نماید آن مالرا درغیر حق خدا - . واز حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بخیل کسی است که نام مرا نزد او به برند بر من صلوات نفرستد .

(ان تقرضوا الله قرضا حسنا یضاعفه لکم و یغفر لکم والله شکور حلیم عالم‌الغیب والشهادة العزیز الحکیم) اگر بخدا قرض نیکو دهید «مقصود صدقه دادن و انفاق کردن به‌بندگان محتاج است» خدایتعالی چندین برابر گرداند پاداش آنرا و بیامرزد صاحبش را و خدا بسیار سپاس گذار و پاداش دهنده وبرد بار است بامور نهان و آشکار خلایق دانا است و پادشاه مقتدر ملک وجود است و بصلاح و نظام آفرینش آگاهست.

پایان سوره تغابن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ طلاق

بسم الله الرحمن الرحیم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا (۱)

سوره طلاق در مدینه نازل شده و دوازده آیه و دویست وچهل کلمه وهزار وبیست حرف است.

خواص وثواب تلاوت آن - ابن بابویه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود: هر کس سوره طلاق وتحریم را در نمازواجب قرائت کند خداوند حفظ نمایداورا در قیامت از ترس وحزن آنروز و معاف بدارد او را از آتش جهنم وداخل گرداند او را در بهشت و این دو سوره مخصوص پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. در خواص قرآن از پیغمبرا کرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود: هر کس این سوره را تلاوت کندخداوند موفق گرداند او را بتوبه نصوح و اگر این سوره را بنبات و آب بشوید و آن آب را بپاشد درمنزلی، کسی نمیتواند درآن منزل سکونت کند و همیشه شری در آن منزل حادث میشود تاخارج گردد از آن. وجایز نیست این عمل مگر ازبرای مستحقین.

خلاصه مطالب این سوره عبارت است از احکام و مسائل طلاق و انواع آن و حکم زن طلاق داده شده.

ترجمه سوره طلاق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر چون زنان را طلاق دهید بوقت عده آنها طلاق دهید و زمان عده را بشمارید واز خدا که آفریننده شما است بترسید و آن زنان را از خانه بیرون مکنید مگر آنکه کار زشتی آشکارا مرتکب شوندو بیرون نروند این احکام حدود خدا است و هر کس از حدود خدا تجاوز کند بنفس خودستم کرده تو ندانی شاید خدا پس از طلاق کاری ازنو پدید آورد (۱)

قوله‌تعالی: (یاایها النبی اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العدة واتقوالله ربکم لاتخرجوهن من بیوتهن ولایخرجن الا ان یاتین بفاحشة مبینة وتلك حدود الله ومن یتعد حدودالله فقد ظلم نفسه لاتدری لعل الله یحدث بعد ذالك امرا) ـ اگرچه مخاطب این آیه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است لکن درحقیقت مقصود امت است چنانکه خطابات عموماً چنین است « اقسام طلاق را دربخش اول تفسیرذیل آیه ۲۲۹ سوره بقره بیـان نمودیم »

در کافی ذیل آیـه فوق از زراره روایت کرده گفت حضـور حضرت باقر علیه‌السلام عرضکردم از برای من معنای طـلاق سنت وطـلاق عـدة را بیـان فرمائید فرمود : طلاق سنت آنست کـه مرد بـایـد صبر کنـد تا عیـالش حیض به بیند و پاکیزه شود وبا او نزدیکی نکند و در حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق بدهد پس از آن رها کند او را تاسه مرتبه حیض به بیند دراین صورت عدة آن زن گذشته است و شوهر او مانند مردان دیگر است اگر بخواهد میتواند اورا مجدداً تزویج نماید . ودر زمان عدة نفقه و مخارج آن زن بر عهده شوهر است و چنانچه یکی از آنها در مدت عدة بمیرد دیگری از او ارث میبرد . طلاق عدة آنستکه باید صبر کند تا زن حیض به بیند و از حیض پاکیزه گردد سپس بدون نزدیکی کردن با او در حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق بدهد بعد از آن در مدت عدة باو رجوع کند و گواهی بگیرد بر رجوع ونزدیکی کند با عیالش و با او باشد تاحیض به بیند

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ أَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (٢) وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً (٣) وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً (٤)

پس از آنکه حیض دید و پاکیزه گردید بدون نزدیکی، مرتبه دوم او را درحضور دو نفر شاهد عادل طلاق بدهد بعد از آن رجوع کند باو پیش از خارج و منقضی شدن عدة و شاهد بگیرد بر رجوع و نزدیکی کند با آن زن و با او باشد تا حیض به بیند و پاکیزه گردد. وبدون نزدیکی مرتبه سوم او را در حضور دو نفر شاهد عادل در این صورت حرام میشود بر او تا دیگری او را تزویج کند بطریق شرعی وپس از مدتی طلاق بدهداینست طلاق سنت ـ • و از صفوان روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق عليه‌السلام سؤال نمود من عیال خودرا در یك مجلس سه نوبت طلاق داده‌ام آیا او بر من حرام است؟ فرمود خیر آنگاه آیه فوق را تلاوت نمود و فرمود هر طلاقیکه‌مخالف قرآن وفرموده پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله بود صحیح نیست‌وباید بر گردد بسوی کتاب و سنت. ازحدیث فوق واز حدیث صحیحه معتبره مستفیضه ظاهر میشود که حرمة طلاق سوم مشروط است بدوشرط یا عدة و یاسنت‌یعنی یا سه طلاق عدة برزن واقع شود وآن عبارت بود از آنکه زن‌را در طهر غیر مواقعه در حضور دونفرشاهد عادل طلاق بدهد و بگذارد عدة او منقضی شود مجددا او را عقد کند و مرتبه دوم او را درطهر غیر مواقعه بطریق‌اول طلاق بدهد وصبر کند عدة او تمام شود مجدداً

و چون مدت عده را بپایان رسانند پس یا به نیکوئی نگاهشان دارید و یا بخوشرفتاری رهایشان کنیدو بر طلاق آنها دو نفر مسلمان عادل گواه گیرید و برای خدا بپای دارید گواهی را باین پند خدا کسیکه باو وروز قیامت ایمان آورده بهره‌مندمیشود و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شد خدا راه بیرون شدن از گناه‌را براو می گشاید (٢) و از جائیکه گمان نبرد باو روزی عطا میفرماید و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد همانا خدا رساننده کار خود است و برای هر چیز قدر و اندازه ای‌مقرر فرموده (٣) زنانیکه ازحیض دیدن نومیدند اگر شك دارید عده آنها سه ماه است و چنین است‌زنانیکه‌هنوزحیض‌ندیدند وزنان باردار عده ایشان نهادن حملشان‌میباشد وهر کس‌ازخدا بترسد و پرهیزکار باشدخدا کار او را آسان میگرداند (٤)

او را تزویج نماید دومرتبه مطابق دستور طلاق بدهد اورا یا سه نوبت‌طلاق سنت‌باو بدهد و در هردو صورت رجوع به تنهائی بدون نزدیکی کردن کافی نیست برای حرمت‌طلاق‌سوم چنانکه مذهب اهل عامه وجماعت اهل‌سنت ومعمول به نزدبعضی از امامیه است نهایت فرقیکه‌میان این بعض وعامه است آنستکه عامه‌سه نوبت را در یك مجلس معتبر میدانند ولی این بعض سه نوبت را درسه مجلس یا سه روز معتبر میداند خلاصه سه طلاقیکه در این عصر معمول و متداول است بر خلاف قرآن وسنت است و بهیچ وجه سبب حرمت نمیشود اما عده زنان اگر از آنهائی باشند که حیض می‌بینند سه حیض است وعده زن حامله بوضع حمل او است (فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف و اشهدوا ذوی عدل منکم و اقیموا الشهادة لله ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله و الیوم الاخر ومن یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب ومن یتوکل علی الله فهو حسبه‌ان‌الله بالغ‌امره قدجعل‌الله‌لکل‌شیئی‌قدرا. چون‌عدة‌زنان به‌پایان‌رسد پس‌نگاه داریدایشانرا به نیکوئی یارها کنید آنها را بخوشرفتاری . یعنی چون نزدیك شود که عده‌آنها بسر آید و بپایان رسد اگر بخواهند رجوع کنند آنها را نگاه دارید و بلغ در

ذٰلِكَ أَمْرُ اللّٰهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ
أَجْراً (۵) أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ
لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتّٰى يَضَعْنَ
حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ
تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرىٰ (۶) لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ
عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللّٰهُ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْساً إِلَّا مَا آتَاهَا
سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً (۷)

اینجا بمعنای قارب است چه اگر بمعنای پایان و گذشتن عده باشد امساك و نگاهداری بی‌مورداست زیرا پس از گذشتن عده زوج هیچگونه حقی برزوجه ندارد و نمیتواند اورا نگاه دارد مگر بعقد جدید آنهم درصورتیکه زوجه حاضر شود برای تجدید ازدواج . واستیناف هم مواصله وامساك نیست ـ • درکافی ذیل آیه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود بانوی طلاق داده‌شده خودرا زینت و آرایش میکند و لباسهای نیکو میپوشد تا شوهر را بخود جلب کند چه خدای تعالی میفرماید (لعل الله یحدث بعد ذالك امرا) ـ یعنی امید است که پس ازطلاق خداوندکاری ازنوپدید آرد و آن کار رجوع شوهر و میل پیدا کردن او است بعیال خود و مراد بمعروف در هردو جا مطابق شرع است یعنی چنانچه او را نگاه داشتید باید نفقه و کسوه باو بدهید و خوشرفتار و مهربان باشید با او و اگر رها کردید او را زیان وضرری باو نرسانید تا نتواند شوهر دیگری اختیار کند وبر رجوع و طلاق دو شاهدعادل بگیرید و برای خدا اقامه گواهی کنید باین موعظه و پند الهی آنکسیکه بخدا و روز قیامت ایمان دارد بهره‌مند خواهد شد و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شد خدایتعالی راه بیرون‌شدن ازحوادث و گناهان‌را براو میگشاید واز جائیکه گمان نبرد باو روزی عطا کند و هر کس بر خدا توکل کند خدا اورا کفایت خواهد

این احکام فرمان خدا است برای شما فرو فرستاده وهر کس از خدا بترسد خدا گناهانش را بپوشد و پاداش بزرگی باو عطا کند (٥) زنآنیکه طلاق دادیددر منزل خود مطابق وسع خویش جای دهید و زیان بآنها نرسانید تا در مضیقه و رنج در افکنید و اگر بار دار باشند تاوقت نهادن حمل بایشان نفقه دهید سپس اگر فرزند شمارا شیر دهند اجرتشان راباقرار داد متعارف بین خودبپردازید و اگر سخت گیری کنید دیگریرا برای شیر دادن طلب کنید (٦) و باید مرد ثروتمند بوسعت و فراوانی انفاق کند بشیردهنده وآنکه تنگ دست است بمقدار وسع خود انفاق کند (٧)

کرد وخداوند امرش برهمه عالم نافذوروانست وبرای هرچیز قدر واندازه‌ای مقرر داشته است ـ .

طبرسی ذیل جمله آخر از ابن عباس روایت کرده که قسمت آخر آیه در باره عون بن مالك اشجعی نازل شده وداستان آن بدینقراراست: مشرکین فرزند اورا بنام سالم باسیری گرفتند عون حضور پیغمبر رفت عرض کردایرسول خدا مشرکین فرزندم را باسیری گرفتند چیزی ندارم تا فدیه دهم و اورا باز ستانم پیغمبر باو فرمود برو با عیال خود بسیار بگوئید لاحول ولاقوة الابالله العلی العظیم عون رفت بمنزل و بعیالش گفت رسول خدا چنین دستور داده . پدر ومادر سالم پیوسته این ذکر را گفتند طولی نکشید که فرزند او از دست کفار گریخت و در بین راه بشتران مشرکین رسید آنها را بغنیمت گرفته همراه خود آورد عون مجدداً حضور پیغمبر رفت عرض کرد ایرسول خدا سالم بـاز گشت ومقداری شتر از مشرکین بغنیمت آورده آیا حلال است برمن آنچه او آورده فرمودبلی جبرئیل نازل شد درآنوقت و آیه فوق را آورد ـ .

یکروزمردی نزد عمررفت باو گفت مرا شغل وپیشه‌ای بده عمرجواب داد ایمرد قرآن میدانی گفت خیر، عمر گفت بروقرآن بیاموز که ما عمل وشغلی نمیدهیم بکسیکه قرآن نمیداند آن مرد رفت و قرآن را یاد گرفت بامید آنکه چون قرآن یادبگیرد عمر باو شغلی بدهد وقتی در قرآن بآیه و من یتق الله رسید طمع ازشغل دادن عمر

وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّها وَ رُسُلِهِ فَحاسَبْناها حِساباً شَدِيداً
وَ عَذَّبْناها عَذاباً نُكْراً (٨) فَذاقَتْ وَبالَ أَمْرِها وَ كانَ عاقِبَةُ أَمْرِها
خُسْراً (٩) أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ عَذاباً شَدِيداً فَاتَّقُوا اللّهَ يا أُولِي الْأَلْبابِ الَّذِينَ
آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْراً (١٠) رَسُولاً يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آياتِ اللّهِ
مُبَيِّناتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ
وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللّهِ وَ يَعْمَلْ صالِحاً يُدْخِلْهُ جَنّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ
خالِدِينَ فِيها أَبَداً قَدْ أَحْسَنَ اللّهُ لَهُ رِزْقاً (١١) اللّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ
وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً (١٢)

بريد و نزد او نرفت پس از چندی عمر او را دید گفت قرآن یاد گرفتی جواب داد بلی گفت پس بیا تا شغلی بدهم آن مرد گفت نمیخواهم عمر سبب را سؤال کرد جواب داد بقرآن مستغنی شدم از شغل تو عمر مجدداً پرسش کرد چگونه بی نیاز شدی پاسخ داد چون بآیه (و من یتق الله) رسیدم از تو و غیر تو بی نیاز شدم

(واللائی یئسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلثة اشهر و اللائی لم یحض و اولات احمال اجلهن ان یضعن حملهن ومن یتق الله یجعل له من امره یسرا)

در کافی ذیل آیه (و من یتق الله) از علی بن عبدالعزیز روایت کرده گفت حضرت صادق علیه‌السلام احوال عمر بن مسلم را از من سؤال کرد عرض کردم ترک تجارت کرده و در منزل خود مشغول عبادت است فرمود وای براو هر کس کسب و تجارت را ترک نماید خداوند دعای او را باجابت نرساند چون آیه فوق نازل شد جمعی از اصحاب پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در خانه‌های خود نشستند و درها را بروی خود بستند

وچه بسا مردم شهرهائی که نافرمانی کردند امر پروردگار خود و رسولان او را و ما آنها را بحساب سخت مؤاخذه کردیم وبعذاب بسیار شدید شکنجه دادیم (٨) تا چشیدند کیفر کردار خود را وعاقبت کارشان زیانکاری وحسرت گردید (٩) وخدا برای آنها عذاب سخت جهنم را مهیا ساخت پس ای خردمندانیکه ایمان آورده‌اید ازخدا بترسید خدا برای هدایت مؤمنین قرآن را فرستاد (١٠) وپیغمبری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا کسانیکه بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمت نادانی بسوی معرفت و ایمان بازآرد و هر کس بخدا ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گرداند او را در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است و در آن جاوید بماند و خدا نیکو گردانید برای او روزی را (١١) و خدا همان کسی استکه هفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را و امر نافذ خود را در بین آسمانها و زمین فرود آرد تابدانید که خدا بر هرچیزی توانائی داردودانش او برهر چیز احاطه نموده (١٢)

پایان سوره طلاق

و مشغول عبادت شدندو گفتند خداوند کفایت کند ما را این خبر بسمع مبارك رسول خدا رسید امر فرمودآنها را حاضر کردند بایشان فرمود شما را چه واداشته که ترك کسب و تجارت کرده‌اید عرض کردند ایرسول اکرم ﷺ خداوند تکفل فرموده روزی ما را ما هم بعبادت او مشغول شده‌ایم فرمود هر یك از شما ترك کسب و تجارت کند و مشغول عبادت شود خداوند دعای اورااجابت نرساند

دراین آیه پروردگار بیان میکند عدهٔ زنان را که باید عده نگاه بدارندزنان شوهر داریکه طلاق داده شدند یامدخوله هستند یعنی شوهر با آنها نزدیکی کرده اگر چه یکمرتبه باشد یا نزدیکی ننموده اگرغیر مدخوله باشند اساساً برای آنها عده نیست مگر عده وفات که شوهرشان فوت کرده واگر مدخوله باشند یایائسه هستند وآنها بانوانی میباشند که عمرشان پنجاه سال در غیرزنان هاشمی وسادات و در زنان سادات و هاشمی به شصت‌سال‌رسیده اینان نیز بجز عده وفات عده ندارند و چنانچه غیر یائسه هستند اگر حمل و بار دارند عده آنها به نهادن بار و وضع

حمل آنها است و هر گاه زن حامله همان روز طلاق وضع حمل نمود عده او بپایان رسیده و در آنروز میتواند با مرد دیگری ازدواج کند نهایت شوهر در مدت نفاس او که ده روز است نمیتواند با او همبستر شود و اگر نه ماه طول بکشد و هنوز وضع حمل ننموده عده او باقی است تا وضع حمل کند وچنانکه حامله نیستنداگر حیض می بینند عده آنها سه حیض میباشد و اگر نمی بینند یاتجاوز میکند حیض آنها ازیکماه، عده ایشان سه ماهاست بنص آیه فوق

در کافی ذیل آیه مزبوراز حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود عده بانوانیکه حیض نمی بینند ولی درسن حائض هستند که پنجاه ویا شصت است و دیگر مستحاضه که پاك نمیشود ازخون، سه ماه است و بانوانیکه حیض آنها برقرار است سه حیض است وربیه بانوئی است که حیض او از یکماه تجاوز میکند اوهم باید چشمپوشی کند از حیض خود وسه ماه عده نگاه بدارد ودخترانیکه هنوز حیض ندیده اندآنها نیز سه ماه باید عده نگاه بدارند و هر کس پرهیزکار و خدا ترس باشد پروردگار کار او را آسان میگرداند.

(ذالك امر الله انزله اليكم و من يتق الله يكفر عنه سيئاته و يعظم له اجرا)
این احکام فرمان خدا است که برای شما نازل شده هر که ازخدا بترسد وپرهیزکار باشد خداوند گناهانش را بپوشاند و او را پاداش بزرگ عطا فرماید

(اسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم ولاتضار وهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات حمل فانفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فان ارضعن لكم فآتوهن اجورهن و ائتمروا بينكم بمعروف وان تعاسرتم فسترضع له اخرى لينفق ذوسعة من سعته و من قدر عليه رزقه فلينفق مما آتيه الله لايكلف الله نفسا الاما آتيها سيجعل الله بعدعسر يسرا

در کافی ذیل آیه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود زنانی را که طلاق دادید بطلاق رجعی باید درمنزل خود جای بدهید و تا درعده هستند مخارج آنها رابدهید واگرحامله است نفقه او برشما لازم است تاوضع حمل کند ونباید باو زیان برسانید

و در مضیقه و رنج اندازید وقتی حمل را نهاد اگر فرزند شما را شیر داد اجرتش

را بطریق متعارف بین خود به پردازید و چنانچه سخت گیری کردید دیگری برای شیر دادن طلب کنید و باید شخص ثروتمند ودارا بوسعت و فراوانی خود نفقه زن شیر ده را بدهد و آنکه تهی دست است آنچه خدا باو داده انفاق کند پروردگار هیچکس را جز آنچه توانائی دارد تکلیف نمیفرماید وخداوند بعد از سختی و عسرت رفاه و آسانی فراهم آورد ـ

در کافی از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام سؤال نمودم بانوی حامله را اگر طلاق دادند و حملش را سقط کرد عده او گذشته است ؟ فرمود بلی حامله هر گاه وضع حمل کند مولود تمام باشد یا ناقص حتی اگر مضغه هم باشد عده او به پایان رسیده است و از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده گفت سؤال کردم از حضرت صادق عليه السلام اگر حامله یك فرزند بزمین بنهد و فرزند دیگری در شکم باشد چگونه است عده او ؟ فرمود بوضع حمل اول عده او گذشته است ولی ازدواج کردن با او جایز نیست تا دومی را هم وضع کند .

(و کاین من قریة عتت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شدیدا وعذبنا عذابا نکرا فذاقت وبال امرها وکان عاقبة امرها خسرا) و چه بسیار مردم دیاربرا که از امر خدا و رسولانش سر پیچیدند آنها را بحساب سخت مواخذه کردیم وبعذاب بسیار شدید ومنکر گرفتار نمودیم تا بکیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیان و حسرت بود وخداوند برای آنها عذاب سخت جهنم را مهیا ساخت پس ای خردمندانیکه ایمان آورده اید ازخدا بترسید

(الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکرا رسولا یتلو علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا احسن الله له رزقا) آنهائیکه بخدا ایمان آوردند خداوند برای هدایت ایشان رسول خاتم را فرستاد تا آیات روشن الهی را برایشان تلاوت کند و کسانیکه بخدا ایمان آورده و

نیکو کار شدنداز ظلمت جهل ونادانی بیرون آورده وبسوی معرفت و ایمان برساند و بدانید هر کس ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گرداند او رادر بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست و همیشه در آن بهشت جاوید بماند و خداوند در آنجا رزق بسیارنیکو برای اومهیا ساخته است ـ .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده فرمود ذکر در آیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و ما اهل ذکر هستیم که خداوند امر فرموده مردم از ما سؤال کنند چیزیرا که نمیدانند و این معنا راپروردگار در سوره طلاق بیان فرموده و آیه را تلاوت نمودند .

(الله الذی خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بکل شیء علماً) خدا آنکسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را خلق فرمود وامر نافذ خودرا در بین آسمانها و زمین نازل کند تا بدانید که خدا برهر چیزتوانا و باحاطه علمی بر همه امورعالم آگاهست ـ . ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایتکرده فرمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مسجد جامع کوفه تشریف داشت مرد شامی از جای خود بلند شد عرض کرد یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام مسائلی دارم فرمود سؤال کن ازروی دانائی نه از راه تکبر و سر کشی مردم همه متوجه شدند بآن مرد سؤال نمود از آنحضرت خبر دهید مرا از اول چیزی که خداوند آفرید فرمود آفرینش نخست نور بود عرضکرد آسمان را از چه خلق نمود فرمود از بخار آب زمین را ازچه آفرید فرمود از کف آب عرض کرد کوه از چیست ؟ فرمود از موجهای آب سؤال نمودبچه سبب مکه را ام القری مینامند فرمود بواسطه آنکه زمین از آن نقطه گشوده شده گفت آسمان ازچیست ؟ فرمود ازموج بسته عرضکرد رنگ آسمانهای هفتگانه و نام آنها چیست ؟ فرمود اسم آسمان اول که آسمان دنیا است رفیع است و آن از آب و بخار است وآسمان دوم فیدوم و برنگ مس است سوم نامش ماروم وبرنگ برنج است چهارم نامش ارفلون و برنگ نقره است پنجم بنام هیعون و رنگ آن طلائی است ششم نامش عروس و رنگ آن یاقوتی است هفتم نامش عجما و ماننددر سفید است واین حدیث مفصل است موردحاجت را بیان نمودیم .

سوره تحریم

سورة تحریم

بسم الله الرحمن الرحیم

يا أيها النبي لم تحرم ما أحل الله لك تبتغي مرضات أزواجك والله غفور رحيم (۱) قد فرض الله لكم تحلة أيمانكم والله موليكم وهو العليم الحكيم (۲) و إذ أسر النبي إلى بعض أزواجه حديثاً فلما نبأت به وأظهره الله عليه عرف بعضه و أعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من أنبأك هذا قال نبأني العليم الخبير (۳)

سوره تحریم درمدینه نازل شده و دوازده آیه ودویست وچهل وهفت کلمه وهزار و ششصد حرف است.

خواص وثواب تلاوت آن شطری در سوره طلاق بیان نمودیم در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره تحریم را قرائت کند خداوند باو ثواب، توبه نصوح را عطا فرماید و اگر این سوره را بر شخص مارزده بخوانند باذن خداوند شفا یابد و زهر در بدنش کارگر نشود.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر مدیونی مداومت کند برقرائت اینسوره خداوند دینش راادا کند و اگر برمریض یامصروع بخوانند شفا یابد و بر کسیکه خوابش نمی‌برد بخوانند بخواب رود

خلاصه مطالب سوره تحریم عبارت است از داستان زنان پیغمبر اکرم که اسرار آنحضرت را افشاء مینمودندو خداوند ایشان را تأدیب فرمود وبمؤمنین امر کرد تا اهلشان را تأدیب نمایند وخیانت کردن عیال نوح ولوط پیغمبر ومدح آسیه

ترجمه سوره تحریم

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ای پیغمبر گرامی برای چه حرام میکنی آنچه را خداوند برتو حلال نمود خوشنودی زنان خودرا بجوئی خداوند آمرزنده و مهربانست (١) خدا واجب کرد برای شما گشودن سوگندهای خودتان را و خدا آگاه کرد و دانای درست کردار است (٢) و چون پیغمبر با بعضی از زنان خود راز گفت و او دیگری را و خدا برسولش خبر داد پیغمبر بر آن زن شناساند بعضی را و بعضی دیگر را اظهار نکرد آن زن گفت ای پیغمبر تورا که اطلاع داد که من رازت را فاش کردم فرمو خداوند خبیر ودانا مرا خبر داد(٣)

عیال فرعون .

قوله تعالی (یا ایها النبی لم تحرم ما احل الله لك تبتغی مرضات ازواجك و الله غفور رحیم قد فرض الله لکم تحلة ایمانکم و الله مولیکم و هوالعلیم الحکیم و اذ اسر النبی الی بعض ازواجه حدیثا فلما نبأت به و اظهره الله علیه عرف بعضه و اعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من انباك هذا قال نبأنی العلیم الخبیر) سبب نزول این آیات آن بود چون پیغمبر در خانه هر یك از زنان تشریف می‌برد ماریه قبطیه کنیز آنحضرت خدمتش رامینمود روزی در خانه حفصه دختر عمر تشریف داشت حفصه برای حاجتی از منزل بیرون رفته بود پیغمبر میل نمود بماریه وقتی حفصه باز گشت مشاهده کرد در بسته است آگاه شد بحال غضب به پیغمبر عرض کرد امروز نوبت من است و اینخانه و فراش بمن تعلق دارد چرا در خانه و فراش من با ماریه نزدیکی نموده‌اید رسول خدا حیا کرد و فرمود بس است بیش از این مرا آزرده نکن من دیگر با ماریه نزدیك نمیشوم و او را برخود حرام کردم سری بتو میگویم آن را بکسی اظهار نکن واگر این سر را اظهار وافشا نمودی لعنت خداوند و فرشتگان و مردم بر تو باد عرض کرد البته آن را اظهار نخواهم درد فرمود بدان ابوبکر بعد از من بجور و ستم متصدی خلافت میشود و بعد از او

إِنْ تَتُوبا إِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُما وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلٰيهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلٰئِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيرٌ (٤) عَسٰى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْواجاً خَيْراً مِنْكُنَّ مُسْلِماتٍ مُؤْمِناتٍ قانِتاتٍ تائِباتٍ عابِداتٍ سائِحاتٍ ثَيِّباتٍ وَ أَبْكاراً (٥) يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَةُ عَلَيْها مَلٰئِكَةٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا يَعْصُونَ اللّٰهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ (٦)

پدرت عمر بظلم و جور خلافت را غصب میکنند حفصه سؤال کرد این خبر را از کجا میفرمائید فرمود خداوند مرا آگاه فرموده حفصه همانروز این خبر و داستان حرمت و نزدیك نشدن پیغمبر بماریه را بعایشه دختر ابوبکر خبر داد عایشه فوراً به پدرش ابوبکر گفت ابوبکر نزد عمر رفت گفت عایشه از قول حفصه چنین خبری بمن داده ولی من بقول عایشه اطمینان ندارم ایعمر برو از دخترت این خبر راسؤال کن چنانکه راست است مقدمات آن را از حال فراهم کنیم عمر از حفصه دخترش سؤال نمود حفصه اول انکار کرد پس از اصرار گفت بلی پیغمبر این سخن رافرمود ابوبکر و عمر با هم شور ومشورت کردند و تصمیم گرفتند که پیغمبر را مسموم کنند تا زودتر بخلافت برسند جبرئیل نازل شد وخبر داد از تصمیم ابوبکر وعمر و آیات را آورده پیغمبر اکرم به حفصه فرمود مگر من نگفتم این سرّ را بکسی اظهار نکن چرا افشا کردی حفصه عرض کرد که خبر داد شما را که من این سر را افشا نمودم فرمود پروردگار دانا و توانا ابن عباس میگوید من از عمر سؤال نمودم کدام یك از زنان پیغمبر بود که سرّ آنحضرت را افشا نمود این آیات در حقش نازل شد عمر جواب داد افشا کنندگان حفصه و عایشه بودند و اینحدیث

ای حفصه و عایشه اگر بدرگاه خدا توبه کنید روا است چه دلهای شما برگشته و چنانکه باهم بر آزار و اذیت پیغمبر اتفاق کنید همانا خداوند یار و نگهبان او است و جبرئیل امین و مرد نیکو کاری از مؤمنین و فرشتگان بعد از این مددکار اویند (٤) اگر پیغمبر طلاق بدهد شما را شاید پروردگار او زنانی بهتر از شما عوض دهد اورا که آنها فرمانبردار و با ایمان وخضوع واهل عبادت وتوبه کنندگان ورهسپار ، از دوشیزگان و زنان ثیبه می باشند (٥) ای اهل ایمان خود خانواده خویش راازآتش دوزخ که هیزمش مردمان و سنگهای کبریتی است نگاه داریدبر آن دوزخ‌فرشتگانی دل سخت و درشت سخن مأمورند که هرگز نافرمانی خدا نکنند وآنچه‌بآنها امرشود انجام دهد (٦)

را بسیاری ازمحدثین بازگو کرده‌اند ونیز امالی وعلی بن ابراهیم وطبرسی‌روایت کرده‌اند و چون این داستان و افشاء سر از حفصه بروز نمود رسول خدا حفصه را طلاق داد وبخانه پدرش عمر فرستاد عمر بر دختر خودخشم نموده وباو گفت‌اگر درآل خطاب خیر بود رسول خدا تورا‌طلاق نمیداد

(ان تتوبا فقد صغت قلوبکما وان تظاهرا علیه فان الله هو مولیه وجبرئیل وصالح المؤمنین و الملائکة بعد ذلك ظهیراً) و اگر توبه کنید ای حفصه رواست چه دلهای شما بر خلاف‌رضای پیغمبر میل کرده و اگر با هم اتفاق کنید براذیت و آزار پیغمبر هرگز بر او غلبه نکنید چه‌خداوند یار ونگهبان او است وجبرئیل و مرد نیکوکاری از مؤمنین مدد کار او هستند وفرشتگان بعد از این هم پشتیبان و یار او خواهند بود .

محمد بن عباس ذیل‌آیه فوق از عبدالله بن ابی رافع روایت کرده گفت در آنروزی که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وفات نمود حضورش بودم گاهی بیهوش میشد و زمانی بهوش میآمد من گریه میکردم و دستهای مبارکش را میبوسیدم میگفتم کیست مولای من و فرزندانم بعد ازشما ایرسول‌خدا ؟ فرمود وصی من صالح‌مؤمنین علی بن ابیطالب علیه‌السلام مولای تو است و پنجاه ودو حدیث محمد بن‌عباس ازطرق‌عامه

يا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّما تُجْزَوْنَ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ
سَيِّئاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ يَوْمَ لا يُخْزِي اللهُ
النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمانِهِمْ يَقُولُونَ
رَبَّنا أَتْمِمْ لَنا نُورَنا وَاغْفِرْ لَنا إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸) يا أَيُّهَا النَّبِيُّ
جاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَ مَأْواهُمْ
جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

و خاصه نقل نموده است که صالح مؤمنین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام است ـ .

ثعلبی و سدی که هر دو از مخالفین هستند بطرق عدیده از ابن‌عباس روایت کرده‌اند که مراد از صالح مؤمنین در آیه وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السلام است

(عسی ربه‌ان طلقکن ان‌یبدله ازواجا خیر منکن مسلمات مؤمنات تائبات عابدات‌سائحات‌ثیبات وابکارا) ای بانوان اگر پیغمبرشمارا طلاق بدهد امید است خداوندزنانی بهتر از شما با او همسر کند که همه خاضع و خاشع و با ایمان و پارسا و توبه کننده و تسلیم خدا و رسولش بوده چه دختر باشند یا زنان ثیبه وابکار. تعریض بعایشه است چه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دختر بکر بجز عایشه تزویج ننمود و پس از آنکه عایشه و حفصه‌سر پیغمبر را افشاء نمودند آنحضرت مدت‌یك ماه از تمام زنان خود دوری جست بامر پروردگار و در مشربه ام‌ابراهیم تشریف داشت و ماریه قبطیه کنیز آنحضرت خدمتش رامیکرد تا آیه تخییر نازل شد

(یا ایها الذین آمنواقواانفسکم واهلیکم نارا و قودها الناس‌والحجارة‌علیها ملائکة غلاظ شداد لایعصون الله ما امرهم و یفعلون مایؤمرون یاایها الذین کفروا

ای کفار روز قیامت عذر میاورید جز این نیست که آنچه بجا آورده اید جزاداده شوید (۷) ای اهل ایمان بسوی خدا باز گردید و توبه کنید توبه خالص تا گناهان شمارا پروردگارتان محو کند و بپوشاند ودر باغهای بهشتی که زیردختانش نهرها جاریست داخل کند در آن روزیکه خداپیغمبر و آنها که ایمان آوردند باپیغمبرش ذلیل و خوار نسازد و نور آنها در پیش رو و سمت راست ایشان میرود ومیگویند پروردگارا تو نور مارا بحد کمال رسان وبیامرز مارا تو بر هرچیزی توانائی داری (۸) ای پیغمبر با کفار و منافقین جهاد کن وبر آنها سخت گیر جایگاه ایشان دوزخ است وبدمنزلگاه وبازگشتی است آنهارا (۹)

لاتعتذروا الیوم انما تجزون ما کنتم تعملون)ای اهل ایمان خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ که هیزم آن مردم کافر سخت‌دل وسنگ آتش افروز است نگاه دارید و بر آندوزخ فرشتگانی بسیار دل سخت مأمورند که هر گز نافرمانی خدا را نخواهند کرد و آنچه‌بانها حکم شود فوراً انجام میدهند ـ .

در کافی ذیل آیه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود چون آیه مزبور نازل شد مردی از مؤمنین بگریه افتاد و گفت من از نفس خود عاجز هستم چگونه تکلیف کنم اهل وعیال خود را رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله باو فرمود کفایت میکند تورا که امر نمائی آنهارا بآنچه امر شده بنفس خودت وباز داری ایشان را آنچه‌را نهی شده‌ای. ابی بصیر میگوید:

حضور حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم چگونه اهل خودرا از آتش دوزخ بترسانم تا پرهیزکار شوند فرمود امر و نهی کن آنها را بامر و نهی پروردگار پس از آن بیان میکند آنچه‌را که روز قیامت بکفار گفته میشود ایکافران امروز که روز قیامت است توبه و عذر خواهی نکنید که پذیرفته نیست فقط آنچه را که در دنیا انجام داده‌اید ومرتکب شدید بمجازات و کیفر آن خواهیدرسید.

(یاایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار یوم لا یخزی الله النبی والذین آمنوا

ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللهِ شَيْئاً وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ (١٠) وَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (١١) وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (١٢)

معه نورهم يسعى بين ايديهم وبا يمانهم يقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انك على كل شيىء قدير) ای مؤمنین بدرگاه خدا از روی خلوص توبه کنید تـا خدا گناهان شمارا محو کند ودر بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل نماید در آنروزیکه خدا پیغمبر خود وگرویدگان باورا خوار و ذلیل نسازد در آنروز نورایمان آنها در پیش روو سمت راست ایشان میروه ودر آنحال می گویندپروردگارا تو نور مارا بحد کمال رسان و مارا بلطف و کرم خود ببخش زیرا تو بر هر چیز قدرت و توانائی داری -

در کافی ازابی صباح کنانی روایت کرده گفت معنای آیهرا ازحضرت صادق عليه السلام سؤال نمودم فرمودتوبه نصوح آنستکه بنده از گناهخود توبه کند و دیگر آنگناهرا مرتکب نشود وبرنگردد بسوی آن وتکرار ننماید و باطن او بهتر ازظاهرش باشد و ازحضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود هر کسی برای اونوری باشد روزقیامت نجات خواهد یافت و از برای هر مؤمن نوریست و حضرت صادق عليه السلام فرمودائمه معصومین ونورایشان درپیش رووسمت راست مؤمنین میرود تا آنهارا واردمنزلهایشان دربهشت نمایند .

(یاایها النبی جاهد الکفار والمنافقین و اغلظ علیهم ومأویهم جهنم وبئس المصیر)

خدا برای کفار زن نوح و لوط را مثل زد که زیر فرمان دو بنده نیکوی ما بودند بآنها خیانت کردند و آن‌دو پیغمبر دفع نکردند از آنها چیزی از عذاب خدارا و گفته شد بآن دو زن با دوزخیان در آتش جهنم وارد شوید (١٠) و برای مؤمنین زن فرعون‌راخداوند مثل‌زد هنگامیکه گفت پرورد گارا تو خانه‌ای در بهشت‌برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردار او رها کن و از طایفه ستمکاران نجات بخش (١١) ویاد کن مریم دختر عمران‌را که اندام خودرا از فساد وزنانگاهداشت ما دراو از روح خود بدمیدیم و مریم کلمات پروردگارا تصدیق کرد و باورداشت کتب آسمانی اورا و ازبندگان مطیع خدا بود (١٢)

ای رسول ما با کفار و منافقین بجهاد پرداز و بر آنها سخت گیر جایگاه آنان دوزخ است وبسیار بد منزلگاهی است ـ •

طبرسی از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده آنحضرت آیه را بطریق ذیل قرائت نمودند جاهد الکفار بالمنافقین و فرمود پیغمبر اکرم با منافقین جهاد نکرد آن حضرت با کفار جهاد نمود و امیرالمؤمنین عليه السلام با منافقین پس جهاد علی عليه السلام نیز جهاد پیغمبر است ـ .

و در امالی ازابن عباس روایت کرده‌وقتی آیه فوق نازل شد رسول خدا فرمودالبته جهاد خواهم کرد با عمالقه (یعنی کفار) و منافقین جبرئیل گفت ایرسول خدا شما و علی باکفار و منافقین جهاد میکنید پیغمبر اکرم‌با کفار و امیرالمؤمنین بعد از رسول خدا با منافقین جهاد کردند .

« ضرب‌الله مثلا للذین کفروا امراة نوح و امراة لوط کانتا تحت عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنیا عنهما من‌الله شیئاً و قیل ادخلا النار مع الداخلین » پروردگار در این آیه مثل آورده برای زنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و می‌فرماید خداوند برای کافران عیال نوح و لوط را مثل آورده که زیر نظر بنده صالح ما بودند و بآنها نفاق وخیانت کردند و آن دو شخص با وجود رتبه و مقام پیغمبری نتوانستند عیال خود را از قهر خدا برهانند و گفته شد آن دوزن را با دوزخیان درآتش افکنید ـ .

شرف الدین نجفی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند آیه را مثل آورده برای عایشه و حفصه که خیانت کردند برسول خدا و سر اورا افشا کرده و تظاهر نمودند چنانچه زنان نوح و لوط بآن دو پیغمبر خیانت کردند وکافر شدند هنگام مرگ بعایشه و حفصه گویند داخل آتش جهنم شوید که هیچگونه اتصالی میان شما و پیغمبر نیست و عایشه بر خلاف دستور خداوند و قرآن از منزل خارج شد و بر امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمین خروج کرد و تشکیل جنگ جمل داد و بسیاری از اصحاب پیغمبر اکرم را در بصره شهید کرد و بماریه قبطیه مادر ابراهیم فرزندرسول خدا تهمت زدحضرت صادق علیه السلام فرمودقائم ما که ظهور نمود برعایشه حد جاری خواهد کرد.

« و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امراة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندك بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون وعمله ونجنی من القوم الظالمین و مریم ابنت عمران التی احصنت فرجها فنفخنا فیه من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه وکانت من القانتین » و خدا برای مؤمنین آسیه عیال فرعون را مثل آورد از شوهر کافرش بیزاری جست وگفت پروردگارا تو خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش وازقوم ستمکار نجات بخش . .

محمد بن عباس ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودآیه مزبور مثلی‌است که خداوند آورده برای رقیه دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که عیال عثمان و مقصود از قوم ظالمین بنی‌امیه می‌باشد ونیز فرمود آنحضرت پروردگار مریم را مثل آورده از برای حضرت فاطمه علیها السلام که حفظ نمود خود را خداوند هم ذریه آن سیده دنیا و آخرت را بر آتش جهنم حرام فرمود . .

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مردان کامل دردنیا بسیارندولی زنان کامل نیستند جز چهار نفر یکی آسیه دخترمزاحم عیال‌فرعون دوم‌مریم‌دختر عمران سوم‌خدیجه دخترخویلد همسررسول‌خاتم صلی الله علیه و آله چهارم حضرت فاطمه زهرا دختر پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله . و در خصال از آنحضرت روایت کرده‌فرمود افضل زنان اهل بهشت حضرت‌فاطمه‌زهرا علیها السلام وحضرت خدیجه ومریم و آسیه عیال فرعون است .

سورة الملك

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
وَالْحَيَوٰةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (٢) الَّذِي خَلَقَ
سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقاً مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (٣)

سوره ملك در مكه نازل شده وسى آيه و سيصد وسى كلمه و هزار و سيصد حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ـ ابن بابويه ازحضرت صادق عليه‌السلام روايت كرده فرمود هر كس سوره ملك را قرائت كند پيش از آنكه‌بخوابد تا صبح در امان خدا است و ايمن است از عذاب قيامت تا داخل بهشت گردد

در كافى از حضرت باقر عليه‌السلام روايت كرده فرمود هر كه سوره ملك را قرائت كند برميتى هنگاميكه وارد ميكنند اورا در قبر منع كند آن سوره ميت را ازعذاب قبر و نكير و منكر كه داخل قبر ميشوند براى سؤال بآنها گويدشما نميتوانيد ازمن سؤال كنيد چه اين شخص بر قبر من ايستاده و سوره ملك را قرائت نموده ـ

ودر خواص قرآن از پيغمبر اكرم صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم روايت كرده فرمود اينسوره نجات دهنده است از عذاب قبر و هر كس آن را حفظ نمايد مونس او باشد در قبر و عذاب‌را برطرف كند ازاو تا روز قيامت و شفيع او گردد نزد پروردگار تا داخل بهشت شود ـ .

و از حضرت صادق عليه‌السلام روايت كرده فرمود هر كه اينسوره را قرائت كند برميتى خداوند عذاب اوراتخفيف دهد واگرهديه كنند اين‌سوره را بسوى‌مردگان

ترجمه سوره ملك

بنام خداوند بخشنده مهربان

بزرگوار خدائیکه پادشاهی بدست اوست و بر هرچیز توانائی دارد (١) خدائیکه مرگ و زندگانی را آفرید تا شما را بیازماید کدام نیکوکارترید و اوست مقتدر و و آمرزنده (٢) آنخدائیکه هفت آسمان را بطبقاتی منظم بیافرید و هیچ تفاوتی در آفرینش خداوند نمی‌بینی پس چشم را باز گردان آیا نقصانی می‌بینی (٣)

مانند برق بآنها میرسد باذن خداوند

خلاصه مطالب سوره ملك عبارت است از بیان عظمت و علوشأن و كمال قدرت پروردگار و عذاب شیاطین و كفار و پاداش پرهیزكاران و خلقت مرگ و حیات و مثل آوردن از برای مؤمنین و كفار.

قوله تعالى (تبارك الذى بيده الملك و هو على كل شيئ قدير الذى خلق الموت والحياة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور) بزرگوار است آنخدائی که پادشاهی ملك هستی بدست قدرت اوست و بر هرچیز قادر و توانائی دارد او آنخدائی است که مرگ وزندگانی را آفرید تا بیازماید کدام یك از شما نیکوکارتر هستند و او مقتدر و آمرزنده گناهان است ـ.

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود موت و حیات دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند موت که وارد شد درانسان حیات خارج میشود و داخل نمیشود موت بر چیزی مگر آنکه حیات از آن خارج میگردد طبرسی از ابو قتاده روایت کرده که معنای ایكم احسن عملا را از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله سؤال نمودم فرمود شما را آزمایش میکنند تا کدام یك نیکوتر باشید ازحیث عقل پس از آن فرمود هر کس عقلش تمام تر است ترسش ازخدا بیشتر است و بهتر اطاعت و فرمانبرداری میکند ازاوامر و نواهی پروردگار هر چند مستحبات را اندك بجا آورد ودر حدیث دیگر فرمود آزمایش میکنند شما را تا معلوم شود که کدام یك در محرمات باتقوی ترید وواجبات را بسرعت انجام میدهید و فرمان بردار

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (٤)
وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (٥) وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ (٦) إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (٧) تَكَادُ تَمَيَّزُ
مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (٨) قَالُوا
بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (٩)

هستيد در كافي از حضرت صادق عليه‌السلام روايت كرده فرمود معناى آيه آنست كه آزمايش ميكنند شما را تا معلوم شود كدام يك باقى مى‌مانيد بر عمل و خلوص پيدا ميكنيد چه عمل نيكو و خالص آنست كه صاحبش قصد نكند از آن عمل توصيف وستايش كردن مردم او را بر آنعمل بلكه جز رضا و خوشنودى خداوند منظورى نداشته باشد و نيت انسان افضل از عمل است پس از آن قرائت كرد آيه را

(قل كل يعمل على شاكلته) يعنى هر كس عمل ميكند بر طبق نيت خود و مقصود از باقى بودن بر عمل اينست كه حادث نشود ستايشى از طرف مردم بر آن عمل تا عارى از ريا باشد و اين كار دشوارتر است از عمل

(الذى خلق سبع سموات طباقا ما ترى فى خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير) آنخدائى كه هفت آسمان را باطبقاتى منظم بيافريد يعنى هر طبقه‌اى بالاى ديگر و مقصود از طبقه شباهت داشتن بعضى از آسمانها است به بعض ديگر ازحيث نظم و اتقان واستحكام و نمى‌بينى در آفرينش خداى رحمان هيچگونه نقصان و بى‌نظمى از طريق حكمت ومصلحت اگر چه از نظر صورت و اشكال موجودات با هم اختلاف و تفاوت دارند بطورعموم، و اين آيه دليل و شاهد است بر اينكه كفر و معاصى

باز دوباره‌بچشم بصیرت بنگر تا دیده خودزبون وخسته بسوی تو باز گردد (٤) ما آسمان دنیا را بچراغهای ستارگان آراستیم وآنها را رانندگان شیاطین قرار دادیم و برای آنان عذاب سوزنده‌ای مهیا ساختیم (٥) و برای کسانیکه کافر شدند به پروردگار خود عذاب دوزخ که بد منزلگاهی است فراهم است (٦) چون کافران در آن دوزخ افکنده شوند از آن آتش فریاد منکری شنوند مانند صدای خران‌و آن آتش‌چون دیگ بزرگ میجوشد (٧) دوزخ ازخشم‌کافران نزدیك است‌شکافته وپاره شود. هر طایفه‌ایرا که‌بآتش در افکنند خازنان دوزخ بآنها گویند آیاپیغمبر بیم کننده‌ای بسوی شما نیامد (٨) در جواب گویند بلی رسول حق آمد ولی‌ما او را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند چیزی نفرستاده و شمارسولان نیستید مگردر گمراهی بزرگ (٩)

را خداوند نیافریده است چه اختلاف وتفاوت بسیاری هست درآن‌بارها بدیدهٔ عقل در نظام مستحکم آفرینش بنگر آیا هیچ سستی و خلل در آن میتوانی بیابی باز دو باره بچشم بصیرت دقت کن تا دیده‌خرد زبون و خسته بسوی تو باز گردد

(ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوما للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر و للذین کفروا بربهم عذاب جهنم و بئس المصیر) ما آسمان دنیا را بیاراستیم بستارگانی که مانند چراغها روشنی میدهند وبه تیر شهاب آن ستارگان شیاطین راراندیم وعذاب دوزخ برای آنها مهیا ساختیم و این‌آیه‌دلیل است براینکه شیاطین هم مانند بشر مکلف هستند با حکامی وبرای کسانیکه بخدا کافر شدند عذاب جهنم آماده است وبدمنزلگاهی است جهنم

(اذا القوا فیها سمعوا لها شهیقا وهی‌تفورتکادتمیز من الغیظ کلما القی فیها فوج سئلهم خزنتها الم یاتکم نذیر قالوا بلی قدجاءنا نذیر فکذبنا و قلنا مانزل الله من‌شیئی ان انتم‌الافی ضلال کبیر وقالوا لو کنا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السعیر فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعیر) در این آیه توصیف میکند دوزخ را ومیفرماید چون کافران را بدوزخ افکنند فریاد منکری مانند آوازخران از آن آتش بشنوند و عذاب‌آنها افزون گردد از اثر هول آن صدا نزدیك است که‌دوزخ

وَ قالُوا لَوْ كُنّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما كُنّا في أَصْحابِ السَّعِيرِ (١٠) فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحابِ السَّعِيرِ (١١) إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (١٢) وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِاجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ (١٣) أَلا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (١٤) هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا في مَناكِبِها وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ (١٥) ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّماءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذا هِيَ تَمُورُ (١٦)

شكافته وقطعه قطعه شود در اثر خشم كردن بر كافران وهر فوجي از كافران را كه در دوزخ افكنند خازنان دوزخ بآنها گويند آيا پيغمبري براي راهنمائي شما نيامد ايشان گويند بلي رسولان حق بسوي ما آمدند ولي ما آنها را تكذيب كرده و گفتيم خداوند چيزي نفرستاده وشما دروغ ميگوئيد درضلالت و گمراهي هستيد آنگاه اهل دوزخ با تأسف بيكديگر ميگويند اگر ما در دنيا سخن پيغمبران را شنيده و يا بدستور عقل رفتار مينموديم امروز از دوزخيان نبوديم در آن دوزخ بگناه خود اعتراف كنند و اعتراف آنها برخودشان حجت باشد درآنوقت خطاب رسد كه‌اي اهل دوزخ از رحمت خدا دور باشيد ـ .

ابن بابويه ذيل آيه مزبور از ابي بصير روايت كرده گفت مردي ازحضرت صادق عليه السلام سؤال نمود براي چه خداوند رسولان وپيغمبراني بسوي مردم فرستاد فرمود تاآنكه حجتي نباشد از براي آنها برخداوندوتا نگويند ترساننده وبشارت دهنده‌اي بسوي ما نيامد آيا نميشنوي قول پروردگار را كه حكايت ميفرمايد از گفتگوي مالك دوزخ بااهل جهنم الم ياتكم نذير قالوا بلي آياپيغمبر وترساننده‌اي بسوي شما نيامد آنها ميگويند بلي رسول حق بسوي ما آمد.

(ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير) كسانيكه ازخدادر پنهاني

آنگاه گویند اگر ما در دنیا سخن پیغمبران را شنیده و میفهمیدیم امروز از دوزخیان نبودیم(١٠) پس اعتراف کنند بگناه خود وخطاب رسد که‌اهل آتش رااز رحمت خدا دوری باد (١١) کسانیکه از خدای خود در پنهانی میترسند برای‌آنها آمرزش وپاداش بزرگ خواهد بود (١٢)شما سخن پنهان گوئید یاآشکار خدا باسرار دلها آگاهست (١٣) آگاه باش خدائیکه خلق راآفریده میداند اسرار آنها را واو بباطن امور بینا است (١٤) او آنخدائی استکه زمین را برای شما رام و هموار کرد تا دراطراف آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و باز گشت خلق بسوی اواست (١٥) آیا ازخدائیکه در آسمان مقتدر و حکم فرما استایمنید که شما را بزمین فرو برد آنگاه چون دریا موج زند(١٦)

میترسند برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ خواهد بود .

پیغمبر اکرم فرمود پاداش نمیدهندمردی را برنماز و روزه وعبادات دیگر مگر بمقدار عقل او اصحاب آنحضرت مدح و ستایش کردند شخصی را حضورش رسول خدا بآنها فرمود چگونه است عقل او عرض کردند ایرسول خدا ما خبر میدهیم ازتقوی و عبادت و پارسائی آنشخص شما سؤال میفرمائید ازعقل اوفرمود شخص احمق در اثر حماقت میرسد بگناهی که بزرگتر است از گناه فاجر وفاسق بدانید درقیامت درجات بندگان و قرب آنهانزد پرورده‌گار بمقدار عقل ایشان‌است (و اسروا قولکم او اجهروا به انه علیم بذات الصدور) این آیه در حق مشرکین و منافقین نازل شده چه آنها سخنان ناروائی در باره پیغمبر اکرم ﷺ میگفتند جبرئیل خبرداد ازگفتارایشان برسول خدا آنها گمان کردند که آنحضرت از کسی شنیده است لذا بیکدیگر میگفتندآهسته سخن‌بگوئید تاکسی نشنود وخبر به پیغمبر ندهدآیه فوق‌نازل‌شدو فرمود شما مشرکین ومنافقین سخن پنهان بگوئید یا آشکارا خداوند باسرار دلها آگاهست .

(الایعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر) آیا آنخدائیکه شما را آفریده‌عالم و دانا باسرار دلهای شما نیست و حال آنکه بباطن تمام امور عالم آگاهست مردی عبورمیکرداز کناربیشه جنگلی پیش خود گفت‌اگر کسی دراینجا معصیتی

أَمْ أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِباً فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ
نَذِيرِ (۱۷) وَ لَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)
أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَ يَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمٰنُ إِنَّهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹) أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ
الرَّحْمٰنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰) أَمَّنْ هٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ
أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ (۲۱) أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبّاً عَلَىٰ وَجْهِهِ
أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيّاً عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

بجای آورد هیچکس از حال او خبر ندارد آوازی شنید که میگفت الایعلم من خلق و هو اللطيف الخبير پس از آن بیان میکند نعمتهائیکه به بندگان عطا فرمود بقولش :

(هو الذی جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فی مناكبها و كلوا من رزقه واليه النشور) خداست که زمین رابرای شما نرم وهموار گردانید تا در پست وبلنديهای آن حرکت کنید و روزی او بخورید و شکراورا بجا آورید و بدانید باز گشت خلایق بسوی خدا است .

(ءامنتم من فی السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هی تمور امامنتم من فی السماء ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون كيف نذير و لقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان نكير) آیا از خدائیکه در آسمان مقتدر و حکم فرما است ایمنید که شما را بزمین فرو نمی برد وحال آنکه زمین چون دریا بموج واضطراب در افتد وتخصيص داد آسمان را از جهة آنکه جز خدا کسی در آنجا تصرف نکند و راه نبرد یا بر طبق عقیده مشرکین که گفتند الله خدای آسمان است و بتها خدایان زمین یا از خدائیکه در آسمان است ایمنید از آنکه تند بادی بفرستد و بر شما سنگ ریزه ببارد چنانکه بر قوم لوط بارید تا بدانید عذاب من چگونه میباشد همانا امتهائی

یا ایمنید از آنکه تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد پس بزودی بدانید که وعده عذاب چگونه است (١٧) امتهائی که پیش از اینها بودند رسولان مارا تکذیب کردند پس چگونه بود عذابیکه انکار کردند (١٨) آیا مرغان هوا را نمینگرند که بر بالای سرشان پر گشوده و گاه بیحرکت و لحظه‌ای با حرکت بال پرواز میکنند کسی جز خدا آنها را در فضا نگاه نمیدارد واو براحوال هرموجودی بینا است (١٩) آیا کیست سپاه و لشگر ویاری کننده شما جز خدای مهربان. کافران نیستند مگر در غرور مذهب و اعتقاد (٢٠) آیا آن کیست که بتواند بشما روزی دهد اگر خداوندروزی را نگاه بدارد. کفار هم انکار نکنند بلکه لجاجت کرده‌اند در سر کشی و عصیان (٢١) آیا آنکس که سرنگون و بروی میرود بهدایت و راه راست اولی و سزاوارتر است یا آنکه براه راست و مستقیم میرود (٢٢)

پیش از این مردم رسولان ما راتکذیب کردندو چگونه سخت آنها را هلاك ساختیم (اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبضن ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیئی بصیر) در این آیه پروردگار آگاه میکند بندگان خودرا بقدرت و توانائی خود بفرو بردن آنها بزمین یا باریدن سنگ بر سر آنها و میفرماید آیا این کافران نمی‌بینند مرغان هوا را که از بالای سر ایشان پر وبال گسترده گاهی بیحرکت و گاهی باحرکت بال پرواز میکنند و کسی جزخداآنهارا درفضا نگاه نمیداردواو برهمه چیز دانا وبینا است .

(امن هذا الذی هو جندلکم ینصرکم من‌دون الرحمن ان الکافرون الافی غرور امن هذا الذی یرزقکم ان امسك رزقه بل لجوا عتو و نفور) آیا آنکه سپاه و مدد کار شما است و شما را یاری و حمایت میکند جز خدا کسی هست نیستند کافران مگردرغرور دراین مذهب واعتقادیکه‌دارند و گویاخداوند بکفار میفرماید بچه قوت و قدرتی نافرمانی و معصیت مرا بجا میآورید آیا لشگر و سپاهی دارید تا آنکه دفع کنند عذاب مرااز شماآیا کسی هست‌بشما روزی‌برساند اگرخداوند رزق خود را از شما باز گیرد کفار هم انکار نمیکنند که جز خدا کسی روزی نمیرساند بلکه‌ایشان بهوای نفس درطغیان وعصیان ولجاجت‌ازحق‌اعراض‌میکنند

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا
تَشْكُرُونَ (٢٣) قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (٢٤)
وَيَقُولُونَ مَتَى هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ (٢٥) قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ
وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (٢٦) فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
وَقِيلَ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ (٢٧) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ
وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (٢٨) قُلْ هُوَ
الرَّحْمَٰنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (٢٩)
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ (٣٠)

(افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى امن يمشي سويا على صراط مستقيم).
آيا آنكس كه بروى در افتاده بهتر هدايت و راهنمائى يافته يا آنكه براه راست ايمان ميرود ـ .

اين آيه مثلى است كه خداوند زد براى كفار ومسلمين وكافر را تشبيه كرده بروى در افتاده در راه رفتن و مؤمن را بآنكه براه راست ميرود و اشاره بآنستكه روز قيامت كه خلايق بر انگيخته شوند كفار بصورت در دوزخ روند و مؤمنين با قدم و بسرعت از روى صراط عبور كنند و داخل بهشت شوند ـ .

در كافى ذيل آيه مزبور از محمد بن فضل روايت كرده گفت معناى آيه را از حضرت موسى بن جعفر عليه السلام سؤال نمودم فرمود خداوند مثل زده كسانيكه‌از ولايت امير المؤمنين عليه السلام تجاوز كرده‌اند بآنهائيكه بصورت راه ميروند و بجائى نميرسند واشخاصيكه پيروى نمودندازولايت آنحضرت بكسانيكه با قدم براه‌راست ميروند و صراط مستقيم در اينجا وجود مقدس امير المؤمنين عليه السلام است ـ .

و نيز از فضيل روايت كرده گفت باتفاق حضرت باقر عليه السلام از در بنى‌شيبه

ایرسول ما بگو آن خدا است که شما را آفرید و گوش وچشم و دل برای شما قرارداد با این‌وصف شکر وسپاس او را اندك بجامیآورید (٢٣) اواست‌خدائیکه آفرید شما را در زمین و بسوی او باز میگردید (٢٤) کافران میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راست میگوئید (٢٥) بگو علم آن‌تنها نزد خدا است وظیفه من جز این نیست که شما را از عذاب روشن بترسانم (٢٦)و چون آن عذاب را از نزدیك مشاهده کنند رخسار آنها ازترس زشت و سیاه شود، وبآنان گفته شود این همان عذابیستکه درخواست میکردید (٢٧) ایرسول بکافران بگو آیا میدانیداگر خدا من و کسانیکه بامن است هلاك کند یا رحم بفرماید فرمان او است اما آنهائیکه کافرند کیست که از عذاب دردناك جهنم نجاتشان بدهد (٢٨) ایرسول ما بگواو خدای مهربانست که باو ایمان‌آورده و براو توکل کردیم و بزودی میدانید کیست که آشکارا در گمراهی افتاده (٢٩) ایرسول‌بگو آیا میدانید اگر آب شما صبحگاهی بزمین فرو رودجز خدا کیست که باز آب برای شما پدید آورد (٣٠)

پایان ترجمه سوره ملك

وارد کعبه و مسجد الحرام شدیم آنحضرت نظرش بمردم افتاد که مانند بهائم طواف مینمودندفرمود زمان جاهلیت‌همچنین طواف میکردند این مردم نمی‌شناسند حق را ومتدین بدینی‌نیستندای فضل مشاهده کن آنهارا چگونه بصورت در می‌افتد خداوند لعنت کند این قبیل مردم را از مخلوقاتی هستند که مسخ میشوند روز قیامت بصورتهایشان و آیه فوق و این آیه را تلاوت نمودند(فلما راوه زلفة سیئت وجوه الذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون) ای فضیل نامیده نمیشود کسی بامیرالمؤمنین عليه‌السلام جز علی‌بن ابیطالب وهر کس نام خود را امیرالمؤمنین گذارد بخداوند دروغ وافترا بسته سوگند بپروردگار در این‌سال حج کننده ای برای خدا نیست غیر شما شیعیان وخداوند گناهان کسی را نمی‌آمرزد و عبادتش راقبول نمیفرماید مگر شما دوستان ما آل محمد عليهم‌السلام و مصداق حقیقی آیه (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم‌مدخلا کریما) شما

شیعیان و دوستان ما آل عصمت و طهارت میباشید

(قل هوالذی انشاکم وجعل لکم السمع و الابصار والافئدة قلیلا ماتشکرون قل هو الذی ذرأکم فی الارض و الیه تحشرون) ایرسول ما بکافران بگو او آن خدائیست که شمارا از نیستی بهستی آورده گوش و چشم ودل بشما داد واندکی از شما شکر گذاری میکنند و او است خدائیکه از خاك بیافرید شما را در زمین و و پس از مرگ بسوی اوباز میگردید ـ.

ابن بابویه از حضرت باقر ؏ روایت کرده فرمود قلب چهارقسم است یکی قلب از هر وآن قلب مؤمن است اگر خداوند باو نعمتی عطا کند شکر میکند و چنانکه مبتلا گرداند او را صبر و بردباری مینماید دیگر قلب مطبوع و آن قلب منافق است سوم قلب منکوس که قلب مشرك و کافر است چهارم قلبی است که در آن ایمان و نفاق است اگر در حالت نفاق اجلش برسد هلاك گردد و چنانکه در وقت ایمان بمیرد نجات یابد

(ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل انما العلم عند الله و انما انا نذیر مبین) کافران ازروی تمسخر میگویند وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راست میگوئید ای محمد ﷺ بآنها بگو علم آن فقط نزد خدا است وظیفه من آنستکه شما را از عذاب حق بترسانم پس از آن بیان میکند حال کفار را هنگام نزول عذاب بقولش:

(فلما راوه زلفة سیئت وجوه الذین کفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون) چون کافران عذاب سخت را بچشم خود مشاهده کنند رخسار ایشان از ترس زشت و سیاه شود بآنها گویند این همان عذابی است که جداً در خواست مینمودید ـ.

در کافی ذیل آیه فوق از زراره روایت کرده گفت تأویل آیه را ازحضرت باقر ؏ سؤال نمودم فرمود آیه درباره دشمنان امیرالمؤمنین ؏ نازل شده چه آنها آنحضرت را روز قیامت که مشاهده کردند در بهترین مقام و منزلت و قرب نزد پروردگار صورتهایشان سیاه شود و بیکدیگر میگویند این همان امیرالمؤمنین است که مقام او را غصب نموده و مدعی اسم او بودید و خود را امیرالمؤمنین

علیه السلام می‌پنداشتید و اینحدیثرا در کتاب کامل الزیارة و در مناقب روایت کردند و طبرسی از حاکم ابو اسحق که از منافقین است نقل کرده است و از یوسف‌بن ابی سعید روایت کرده حضرت صادق علیه السلام فرمود روز قیامت که خلایق محشور شدندنوح‌پیغمبر را طلب کنندازاو سؤال‌میکنند آیاتبلیغ‌رسالت کرده‌ای‌عرض کندبلی ای‌پرورد گارخطاب‌رسدشاهد و گواه‌توبر تبلیغ کیست‌میگوید پیغمبرخاتم محمد صلی الله علیه و آله است‌در آنوقت‌حضور پیغمبر شرفیاب‌میشودعرض‌میکندای‌رسول‌خاتم‌پرورده گارازمن برتبلیغ رسالت شاهد خواسته است‌رسول‌خدا بجعفر وحمزه میفرمایدبرویدشهادت بدهید برای نوح پیغمبر آنها در محضر عدل اللهی شهادت میدهند که نوح تبلیغ رسالت کرده ابی سعیدمیگوید حضورحضرت صادق علیه السلام عرض کردم فدایت گردم چرا امیر المؤمنین‌برای نوح‌شهادت نمیدهد فرمودمقام آنحضرت بزرگتر ازآنست وفرمود روز قیامت که‌میشود دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده میکنند آنحضرت را که پرچم حمد در دست دارد ودر کنار حوض کوثر ایستاده دوستانش راسیراب میکند ومانع از ورود دشمنان میشود درآنوقت‌صورتهای ایشان سیاه وزشت‌میگردد و بیکدیگر میگویند این شخص امیر المؤمنین علیه السلام است که شما دعوی مقام و منزلت و خلافت او را مینمودید و خود را بجای آنحضرت بمردم نشان میدادید و حق او را غصب کرده‌بودید.

(قل ارایتم ان اهلکنی الله و من‌معی او رحمنا فمن‌یجیر الکافرین من‌عذاب الیم) کفار آرزوی مرگ پیغمبرواصحابش را مینمودند خدایتعالی فرمود ایرسول ما باین کفار که تمنای مرگ تو را میکنند بگو اگرخدا من‌واصحاب‌مرا هلاک کند یا برما لطف ورحمت فرماید کیست که کافران را پناه دهداز عذاب‌دردناک یعنی باآنکه‌ما ایمان بخدا داریم بین خوف و رجا هستیم‌شما که کافریدبا کفرتان که حمایت خواهد کرد ازشما - .

شرف الدین از ابی بصیر روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم‌معنای آیه مزبور را فرمود این آیه تحریف شده هرگز خداوند محمد صلی الله علیه و آله و کسانیکه باوایمان آورده‌اند هلاک نخواهد کرد چه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین

فرزندان آدم است و آیه را جبرئیل بطریق ذیل نازل نموده.

(قل ارایتم ان اهلککم الله ومن معکم ونجانی ومن معی فمن یجیر الکافرین من عذاب الیم) و این حدیث را برقی نیز روایت کرده

(قل هوالرحمن آمنا به وعلیه توکلنا فستعلمون من هو فی ضلال مبین قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین) ایرسول ما بکافران بگو آنکه من شما را بسوی او میخوانم خدای بخشنده و مهربانست و ما باو ایمان آورده و بر او توکل کرده‌ایم و بزودی بشما معلوم خواهد شد کیست که آشکار در ضلالت و گمراهیست ایرسول ما بگو بدیده تأمل بنگرید اگر آب که مایه زندگانی شما است صبحگاهی همه بزمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد ـ .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از عمار یاسر روایت کرده گفت در رکاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بجهاد رفته بودم امیرالمؤمنین علیه السلام جمعی از کفار را بقتل رسانید از آنها عمر بن عبدالله جمحی وشیبة بن نافع بود حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم ایرسول خدا امیرالمؤمنین علیه السلام آنطوریکه سزاوار بود در راه خدا جهاد کرد فرمود ایعمار علی از من و من از علی هستم او وارث علم و قاضی دین من است بوعده من وفا میکند علی بعد از من خلیفه خدا است اگر علی نبود مؤمن محض وخالص شناخته نمیشد بعد از من جنگ با او جنگ با من است و دشمنی با او دشمنی با من است و دشمنی با من دشمنی با خدا است تسلیم او تسلیم من و تسلیم من تسلیم با خدا است او پدر دو سبط من است و ائمه معصومین ازصلب علی است و مهدی این امت از فرزندان علی است عرض کردم فدایت گردم مهدی کیست فرمود ایعمار خداوند با من عهد فرموده که بیرون آورد از صلب حسین فرزندم نه امام و نهمی آنها از نظر مردم غایب میشود چنانکه خداوند میفرماید)

(قل ارایتم ان اصبح ماء وکم غوراً فمن یاتیکم بماء معین) غیبت او طولانی است بر میگردند از آنحضرت طایفه‌ای و ثابت و برقرار میمانند برحضرتش طایفه

دیگر از مردم در آخرزمان، خارج و ظاهر گردد و دنیا را پر از عدل و داد کند پس از آنکه مملو از جور و ستم بوده و جهاد میکند برتأویل قرآن چنانکه من جهاد نمودم بر تنزیل آن نام او نام من است وشباهت تام بمن دارد ای عمار بهمین زودیها پس از من فتنه‌هائی برپا شودشودهر گاه فتنه‌ای برخاست ازعلی پیروی کن علی باحق است وحق با علی ایعمار بهمین زودی پس ازمن در رکاب علی جهاد میکنی با ناکثین وما رقین، تورا فرقه گمراه و یاغی میکشند عمار میگوید عرض کردم ایرسول خدا این جهاد بارضای خدا و شما است فرمود با رضای خدا ورضای من است ایعمار آخر زاد توازدنیا شربتی ازشیر میباشدعمارمیگویددر جنگ صفین ازامیرالمؤمنین اجازه خواستم بمیدان کارزار بروم فرمود تأمل کن خدا تو را رحمت کند بعداز ساعتی مجدداً اجازه خواستم باز فرمود اندکی تأمل کن عاقبت مرتبه سوم اجازه داد و گرویه بسیاری نمود عرض کردم حضورش مگر امروز همان روز موعودنیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن وعده داده دیدم از اسب خود فرود آمد دست بگردن من انداخت وو داع کرد بامن و فرمود ایعمار خداوند از جانب پیغمبرش و ازطرف من جزای خیر بتوعطا بفرمایدتو خوب اصحاب وبرادری بودی من از گریه آنحضرت متأثر شدم و بگریه افتادم وعرض کردم حضورش ای امیرالمؤمنین علیه السلام سوگند بخدا پیروی نکردم از شما مگر از روی معرفت و بینائی شنیدم از پیغمبر خدا که بمن فرمود ایعمار بعد ازمن فتنه‌هائی برپا خواهد شد هر گاه مشاهده نمودی آن فتنه‌ها را ملازم با علی واز حزب او باش بدان علی با حق و حق باعلی است بزودی پس از من در رکاب علی جهاد میکنی با ناکثین و مارقین ای امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند ازطرف اسلام بشماجزای خیر عطا فرمایدبهترین جزائی نصیحت فرمودید و رسانیدید باین مردم او امر و نواهی واحکام خدا ودین اسلام را پس از آن سوار شدم آنحضرت هم سوار شد عمار بمیدان مبارزه رفت حمله کرد بر اصحاب معویه ملعون هیجده نفراز آنها رابجهنم واصل کرده شربت آبی طلبید آب نبوددرعوض باو شیر دادند گفت این همان عهدیست که پیغمبر اکرم بمن فرمود آخر زاد تو از دنیا شربتی ازشیراست عاقبت دونفرازاهل شام نیزه‌ای باو زدند و شهیدش کردند

چون شب شد امیرالمؤمنين عليه السلام درمیان کشتگان قدم میزد ببالین عمار رسید سر او را بدامن گرفت و گریه بسیاری نمود و اشعار ذیل رادربالین اوسرود

الا ایها الموت الذی لیس تارکی ارحنی فقد افنیت کل خلیلی
ایا موت کم هذا لتفرق عنوة فلست تبقی خلة لخلیل
اراك بصیرا بالذین احبهم کانك تمضی نحوهم بدلیل

ای مرگی که رها نخواهی کردمرا تو، نابود کردی تمام دوستان مرا بیا و مرا هم از این زندگی راحت نما ای مرگ تا چه اندازه بقهر و غلبه تفرقه و جدائی می‌افکنی باقی نگذاشتی هیچ دوستی و حبیبی را برای محبوبش می‌بینم تو آگاه و بینائی بدوستان من گویا دلیل و راهنمائی تو را بدوستداران من هدایت میکند .

در کافی از علی بن جعفر روایت کرده گفت معنای آیه را ازبرادرم حضرت موسی بن جعفر عليه السلام سؤال نمودم فرمود معنای آن آنست هرگاه مفقود نمودید امام خود را واز نظر شما غایب وپنهان گردیدو مشاهده جمال اونمودید چه کسی بسوی شما امام و پیشوائی آورد؟ چه کار میکنید و چه عملی انجام میدهیددر غیبت امام و خلیفه خداوند؟ .

و از فضالة بن ایوب روایت کرده گفت شخصی آیه فوق را از حضرت رضا عليه السلام سؤال نمود فرمود ائمه ابواب و درهائی هستند میان خداوند و مخلوقاتش و آب در آیه علم ودانش امام است و مقصود آنست اگر شما مردم صبح نمودید وامام خود را در پس پرده غیبت مشاهده کردید کیست که علم و دانش امام را بسوی شما آورد و چه کسی امام جدیدی بمانند امام غایب بسوی شمامیفرستد .

یکی از زنادقه عبور کرد از کنار شخصی که قرائت میکرد آیه(قل ارایتم ان اصبح ماؤكم غورا فمن یاتیکم بماء معین)آن زندیق گفتا گر آب بزمین فرودود مردان قوی با کلنك های تیزآب بیرون آورند همان شب‌خوابید چشمش آب سیاه آورد صدائی شنید که باو میگوید بیاور آن مردان و کلنك های تیز را تا آب چشم تو را بیرون آورند و دیدگانت روشن و بینا گردد

پایان سوره ملك

سورة القلم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱) مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲)
وَإِنَّ لَكَ لَأَجْراً غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)
فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵) بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶) إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷) فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

سوره قلم در مکه نازل شده و پنجاه ودو آیه وسیصد کلمه و هزار ودویست و پنجاه‌ودو حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس قرائت کند سوره ن والقلم را درنمازهای واجب ومستحب خداوند محفوظ بدارد اورا ازفقر وفشار قبر.

ودر خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند خداوند ثواب کسانیکه بآنها حلم بسیاری عطا نموده مرحمت فرماید و کسیکه دندان او درد گرفته اگر این سوره را بنویسد و همراه خود بر دارد درد او ساکن شود.

خلاصه مطالب این سوره عبارت ازسوگند پروردگار بر آنکه پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله مفتون و فریفته امیرالمؤمنین عليه السلام نشده وآنچه در باره آنحضرت میگوید همه بر حق و از طرف خدای تعالی نازل شده است و آزمایش کردن اهل مکه و داستان اصحاب حدیقه و کیفر کفار و پاداش مؤمنین در عالم آخرت و توبیخ مشرکین و منافقین.

قوله تعالی (ن والقلم ومایسطرون ما انت بنعمة ربك بمجنون) سوگند بقلم

ترجمه سوره قلم

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بنون و قلم و آنچه خواهد نگاشت (١) نیستی تو بنعمت پروردگارت دیوانه (٢) و تو را پاداشی است نامحدود (٣) و تو برخوی بزرگ آراسته‌ای (٤) و بزودی تو ومخالفانت مشاهده میکنید (٥) که از شما کدام یك دیوانه‌اند (٦) همانا پروردگار تو داناتر است بکسیکه از راه او گمراه شده و آگاه تر است بهدایت یافته گان (٧) پس ایرسول ما از مردم کافریکه تکذیب آیات ما میکنند پیروی مکن (٨)

و آنچه خواهدنگاشت نیستی توبنعمت پروردگارت دیوانه چنانکه کافران پندارند مفسرین درمعنای نون اختلاف کرده‌اند ابن عباس گفت حرفی است ازحروف الرحمن و بعضی گفتند اسم سوره است مانند حم دیگری گفت مراد بآن ماهی در دریا است چه ماهی از آیات با عظمت خدا است و از مخلوقات آبی است اگر آن را ازآب خارج کنند میمیرد و زندگانی خود را ازدست میدهد چنانچه بعض از حیوانات و مخلوقات خاکی اگر داخل در آب شوند بمیرند.

ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود نون نهریست در بهشت خداوند آن را منجمد نمود مرکب گردید پس از آن بنظرهیبت بقلم نگریدآنگاه بآن فرمود بنویس عرض کرد چه بنویسم فرمود هرچه‌بوده و خواهد بود تا روز قیامت در لوح محفوظ بنگار قلم نوشت در لوح سپس آن را پیچید و در رکن عرش گذاشت و ختم شد دهان قلم و دیگر نطق نکرد و نخواهد کرد پس مداد از نور و قلم از نور و لوح ازنور بود راوی میگوید حضورش عرض کردم این موضوع را بطور تفصیل برای من بیان فرمائید فرمود اگر اهل جواب نبودی پاسخت رانمیدادم بدان که نون فرشته‌ایست که میرساند بفرشته دیگر که قلم باشد و او بلوح که فرشته است میرساند و لوح باسرافیل و اسرافیل بمیکائیل و او بجبرئیل و جبرئیل به‌پیغمبران میرساند.

و قلم آلتی است که بآن کتابت میکنند پروردگار بآن سوگند یاد نمود

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹) وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ (۱۰) هَمَّازٍ
مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱) مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) عُتُلٍّ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ
(۱۳) أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
الْأَوَّلِينَ (۱۵) سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶) إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا
أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَثْنُونَ
(۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)
فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

بخاطر منفعت بسیاری که در او است از برای انسان زیرا آن‌یکی از دو بیان‌است بآن اظهار منویات خودمیکند برای اشخاص دور چنانکه زبان اظهار درونی کند برای شخص حاضر، بوسیله قلم حفظ میشود احکام دین و امور عالم چه بیان زبان در اثر گذشتن ماه وسال فراموش میشود ولی بیان قلم ثابت و برقرار میماند، دانشمندان میگویند قوام دین و دنیا بدوچیز است یکی قلم و دیگری شمشیر وقلم از شمشیر تیزتر و زبردست‌تر است پس‌رواست که خداوند بآن سوگند یادنماید و مراد از نعمت ولایت امیرالمؤمنین عليه السلام است و شرحش گفته شود ۰

(و ان لك لاجرا غير ممنون وانك لعلى خلق عظيم فستبصر و يبصرون بايكم المفتون) وتورا مزد و پاداشی خواهد بود نامحدود و تو بر دین بزرگ و خلق نیکو آراسته‌ای بزودی تو و کفار مخالفانت مشاهده کنید که کدام یك‌دیوانه‌اید

طبرسی و محمد بن عباس از ضحاك بن مزاحم روایت کرده‌اند گفت چون قریش مشاهده کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را مقدم داشته و بزرگ میشمارد فریاد کردند و گفتند پیغمبر فریفته علی علیه السلام شده طولی نکشید جبرئیل فرود آمد و آیات سوگند ن والقلم را آورد سوگند یاد نمود پروردگار بقلم

کفار دوست دارند که تو باآنها نرمی و مدارا کنی تا آنها هم با تو مدارا کنند (۹) پیروی مکن از کسیکه دایم سوگند دروغ میخورد و خوار پست‌است (۱۰) و دایم عیب جوئی و سخن چینی میکند (۱۱) و هر اندازه ای بتواند مردم را از خیر و نیکوئی باز میدارد و ستم و گناهکاریرا از حد گذارنده (۱۲) با این همه‌عیب بدخوی ومتکبرو بی‌اصل و نسبند (۱۳) برای آنکه مال وفرزندان‌بسیار دارند (۱٤) چون‌آیات ما را براو تلاوت کنند گویداین‌آیات‌افسانه‌های گذشتگان است (۱۵) بزودی بر بینش داغ شمشیر نهیم (۱٦) ما کافرانرا بقحط و سختی مبتلا کنیم چنانکه صاحبان باغ را مبتلا نمودیم چون سوگند یاد نمودند که صبحگاه میوه‌های باغ را ببرند (۱۷) و هیچ استثنا نکردند (۱۸) هنوز خواب بودند که‌از طرف پروردگار تو آتشی برآنها آمد (۱۹) و سحرگاه آن‌بستان و باغ را چون خاکستری سیاه کرد (۲۰)

و آنچه فرشتگان مینویسند که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فریفته علی نشده و او برخوی نیکو آراسته است بزودی منافقین و مخالفین می‌بینند که مفتون و دیوانه کیست البته خداوند داناتر است بآن کسی که از راه او گمراه شده است و سبیل در اینجا وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و از ابی ایوب انصاری روایت کرده گفت در آنوقتیکه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دست امیر المؤمنین علیه‌السلام را گرفت و بلند نمود و فرمود هر کس من مولای اوهستم‌علی نیز مولای او است منافقین گفتند پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مفتون و فریفته‌علی شده پروردگار آیات فوق‌را نازل فرمود • ابن‌بابویه ازابی جارود روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه‌السلام سؤال کردم‌معنای‌خلق عظیم را فرمود مراد دین بزرگ اسلام است ـ •

در امالی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند مردان بزرگی را درروی زمین خلق نموده برای برآوردن حاجات برادران مؤمنین و آنها مورد مجد و ستایش هستند پروردگار دوست میدارد مکارم‌اخلاق‌را وپیغمبرش را مخاطب قرار داده و درباره او فرموده و انك لعلی خلق عظیم وخلق بزرگ سخاوت وخوی نیکو است ـ •

فَتَنادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱) أَنِ اغْدُوا عَلىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صارِمِينَ (۲۲)
فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخافَتُونَ (۲۳) أَنْ لا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ
(۲۴) وَغَدَوْا عَلىٰ حَرْدٍ قادِرِينَ (۲۵) فَلَمّا رَأَوْها قالُوا إِنّا لَضالُّونَ
(۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۲۷) قالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلا
تُسَبِّحُونَ (۲۸) قالُوا سُبْحانَ رَبِّنا إِنّا كُنّا ظالِمِينَ (۲۹) فَأَقْبَلَ
بَعْضُهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ يَتَلاوَمُونَ (۳۰) قالُوا يا وَيْلَنا إِنّا كُنّا طاغِينَ (۳۱)
عَسىٰ رَبُّنا أَنْ يُبْدِلَنا خَيْراً مِنْها إِنّا إِلىٰ رَبِّنا راغِبُونَ (۳۲)

امیرالمؤمنین عليه‌السلام فرمود نیکوئی خلق، انسان را به بهشت میکشاند وسوء خلق، بدوزخ ـ.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود خداوند دوست میدارد کسانی را که خوی‌نیك دارند و دشمن میدارد آنهائیکه سخن چینی میکنند ـ.

و فرمود اول چیزیکه در ترازوی اعمال می‌نهند خوی نیکو است و فرمود مرا فرستاده‌اند تا تمـام کنم مکارم اخلاق راومرا خدا ادب آموخت ونیکو آموخت و فرمود مؤمن بخوی نیکو دریابد درجه ومرتبه کسانیکه روزها را روزه میدارند و شبها بنماز اشتغال دارند ـ.

در کافی ذیل آیه بایکم المفتون از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود روزی عمر ملاقات نمود امیرالمؤمنین عليه‌السلام را عرض کرد شما قرائت میکنید آیه را و کنایه آورید ازمن‌وابوبکر، آنحضرت فرمود ایعمر خبر بدهم تو را بآیه‌ایکه خداوند در باره بنی‌امیه نازل کرده فهل عسیتم ان تولیتم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم عمر گفت ایعلی تو تکذیب میکنی بنی‌امیه وبنی تیم و بنی‌عدی را اینهااز توبهترنـد.! (فلاتطع المکذبین‌ودوالوتدهن فیدهنون ولا تطع کل‌حلاف

صبحگاه یکدیگر را صدا کردند(٢١)برخیزیدا گر میوه‌بستان رامیخواهید بچینید به نخلستان برویم (٢٢) آنها سوی بستان‌روانه شده وآهسته سخن‌میگفتند (٢٣) که امروز مواظبت کنید فقیری وارد بستان نشود (٢٤)وصبحدم باعزم‌توانائی بباغ رفتند (٢٥) چون‌باغ‌را بآنحالت دیدندبا خود گفتند مایقین راه راگم کرده‌ایم (٢٦) یا باغ همانست و ما بقهر خدا ازمیوه‌اش محروم شدیم (٢٧) بهتر آنها بآنان گفت من بشما نگفتم چرا شکر و سپاس خدا را بجا نیاوردید (٢٨) گفتند منزه است پروردگار، ماخود در حق خویش ستم کرده‌ایم (٢٩) و رو بیکدیگر کرده بملامت ونکوهش‌هم، پرداختند (٣٠)وگفتند وای برما که سخت‌سرکش‌وگمراه بودیم (٣١) امیدواریم که پروردگار ما بجای آن، بستان بهتری بما عطا کند و بعداز این‌همیشه بخدای خود مشتاقیم (٣٢)

مهین‌هماز مشاء بنمیم مناع‌للخیر معتداثیم عتل‌بعدذالك زنیم) ایرسول مـا پیروی نکن این‌کافران و منافقین راکه تکذیب میکنند علی‌بن ابیطالب ﷺ را دوست دارند این منافقین کــه تو با آنها مداهنه و مدارا کنی تا ایشان غش کنند دربارهٔ امیرالمؤمنین ﷺ وبنفاق و پرده پوشی با تو مدارا کنند و اطاعت مکن کسی از منافقین راکه دایم بدروغ سوگند یاد میکنند حضرت باقر ﷺ فرمود حلاف‌عمر است که قسم یاد نمود ازبرای رسول اکرم ﷺ عهد و پیمانیکه ازاو گرفته در باره ولایت امیرالمؤمنین ﷺ نقص نکند وپیروی نکن از منافقینی که‌دایم عیب جوئی وسخن چینی‌میکنند و مردمان را از خیرو سعادت ایمان باز میدارند وبستم وبدکاری میکوشند خیر در این‌آیه وجودمقدس‌امیرالمؤمنین‌است که‌بحضرتش‌ستم نمودند وحق او را غصب کردند بااین‌همه عیب منافقین خشن و متکبر وحرامزاده وبی‌اصل‌ونسبند وزنیم حرامزاده‌را گویند چنانکه شاعر میگوید ـ

زنیم‌تداعاه الرجال تداعیا   کمازید فی‌عرض الادیم الاکارع

حرام زاده ایستکه مردان بسیاری ادعای فرزندی او را میکنند و زیادی مدعیان باندازه طول بیابان کراع است‌تا‌مدینه یعنی به‌قدار آنزمین مردان‌بسیاری ادعای‌فرزندی او را مینمایند ـ

كَذٰلِكَ الْعَذابُ وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) إِنَّ
لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّاتِ النَّعِيمِ (۳۴) أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ
(۳۵) ما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶) أَمْ لَكُمْ كِتابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ
(۳۷) إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَما تَخَيَّرُونَ (۳۸) أَمْ لَكُمْ أَيْمانٌ عَلَيْنا بالِغَةٌ إِلىٰ
يَوْمِ الْقِيٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَما تَحْكُمُونَ (۳۹) سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)
أَمْ لَهُمْ شُرَكاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكائِهِمْ إِنْ كانُوا صادِقِينَ (۴۱) يَوْمَ يُكْشَفُ
عَنْ ساقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

طبرسی از ابن‌عباس روایت کرده گفت شخصی سؤال نمود معنای عتل وزنیم را از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود پست‌نسب وشدیدالخلق وپرخور وفراخ شکم و ستمکار وفرمود داخل بهشت نمیشود کسیکه مناع خیر و بدخوی جانی و فراخ شکم و پرخوراست .

(ان کان ذامال وبنین اذا تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین) برای آنکه مال و فرزند دارد چون آیات مارا براو بخوانند گوید این‌سخنان پیشینیان‌است یعنی بخاطر مال و فرزند پیروی از او نکنید چه حب‌مال و فرزند مانع است از آنکه تصدیق پیغمبر وآیات قرآن را بنماید و آیه کنایه از ابوبکر است .

(سنسمه علی‌الخرطوم) یعنی بزودی بربینی اوداغ شمشیرنهیم مقصودزمان رجعت است‌چون‌امیرالمؤمنین‌بسوی‌دنیارجعت کندودشمنان‌آنحضرت‌نیزبازگردند بدنیا آنها را با ابزاریکه بهایم راداغ میکنند داغ نمایند .

(انابلوناهم کما بلوناأصحاب‌الجنة اذاقسموا لیصرمنها مصبحین‌ولایستثنون فطاف‌علیها طائف من‌ربك وهم‌نائمون)

چنین است عذاب دنیا و عذاب آخرت سخت‌تر است اگر مردم بدانند (۳۳) همانا پرهیزکاران برای ایشان نزد پروردگار بهشت پرنعمت خواهد بود (۳۴) آیا مسلمین را باکافرین بدکار یکسان قرار میدهیم (۳۵) چگونه شما حکم میکنید (۳۶) آیا شما را کتابیست آسمانی در آن این حکم را میخوانید (۳۷) و در آن کتاب هرچه بخواهید بهوای نفس نگاشته‌اند (۳۸) یا شما را بر ما عهد و سوگند دائمی است تا روز قیامت که چنین حکمی بسود خود میکنید (۳۹) از آنها بپرس کدام درگروی این پیمانند (۴۰) یا آنها گواهانی بردعوی خود دارند اگر راست‌میگویند آن گواهان را حاضر کنند (۴۱) بیادآورند روزیرا که دامن از ساق برداشته‌شود و بسجده خداوند خوانده شوند و نتوانند سجده کنند (۴۲)

ما اهل مکه را بقحط وبلا مبتلا کنیم چنانچه مبتلا ساختیم اهل آن بستان راکه سوگند خورده بودند که صبحگاه میوه آن بستان‌رابچینند و استثنا نکردند یعنی انشاءالله نگفتند وهنوز خواب بودند که از جانب پروردگار آتش عذاب نازل شد وبامداد آن بستان را چون خاکستر سیاه مبدل نمود .

طبرسی از ابن‌عباس روایت کرده گفت‌در حوالی‌یمن نزدیك صمنا باغستانی بود بنام صروان تعلق داشت بمردی مؤمن و اهل صلاح ثمره و میوه آن را داخل منزل خود نمیکرد مگر آنکه ابتداء حق فقرا و بینوایان را ادا مینمود خدای تعالی باو برکت عطامیفرمود چون آن‌مردوفات نمودآن‌باغ‌بارث‌به سه پسرش‌رسید آنها بیکدیگر گفتند ما عیال بسیاری داریم و مالمان اندك است نمیتوانیم مانند پدر رفتار کنیم و حق فقیران را بدهیم ازقضا در آن سال که پدرشان از دنیا رفته‌بود آن باغ ثمره و میوه فراوانی داشت شبانگاه وارد باغ شدند نظرشان بمیوه افتاد گفتند سحرگاه پنهانی وپیش‌ازاطلاع فقراء میوه هارا می‌چینیم و سوگند خوردند بر این‌عمل و انشاءالله هم نگفتند آن شب بخاطر طغیان وستمیکه بفقرا نمودنداز جانب پروردگار آتشی فرود آمد ثمره و میوه آنها را بسوخت و ایشان هنوز در خواب بودند چون صبح شد یکدیگر را صدا زدند بر خیزید اگر میوه بستان را

خاشِعَةً أَبصارُهُم تَرهَقُهُم ذِلَّةٌ وَقَد كانوا يُدعَونَ إِلَى السُّجودِ وَهُم سالِمونَ
(۴۳) فَذَرني وَمَن يُكَذِّبُ بِهٰذَا الحَديثِ سَنَستَدرِجُهُم مِن حَيثُ لا
يَعلَمونَ (۴۴) وَأُملي لَهُم إِنَّ كَيدي مَتينٌ (۴۵) أَم تَسأَلُهُم أَجرًا فَهُم
مِن مَغرَمٍ مُثقَلونَ (۴۶) أَم عِندَهُمُ الغَيبُ فَهُم يَكتُبونَ (۴۷) فَاصبِر
لِحُكمِ رَبِّكَ وَلا تَكُن كَصاحِبِ الحوتِ إِذ نادىٰ وَهُوَ مَكظومٌ (۴۸)

میخواهید بچینید به نخلستان رویم آنها بسوی بستان روانـه شده و آهسته سخن میگفتند که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود با شوق و عزم و توانائی وارد بستان شدند چون آن باغ را دیدند ازفرط غم باخود گفتندما یقین راه را گم کرده ایم چون نیك مشاهده کردند و دانستند که همانست گفتند ما بقهر خدااز میوه این باغ محروم شدیم و خیر این بستان را از ما باز گرفتند برای آنکه ما از فقرا باز گرفتیم عادل ترین ایشان بآنها گفت آیا من بشما نگفتم چرا شکر و تسبیح خدا بجا نمیآورید و عادل ترین ایشان کوچکترین آنها بود از حیث عمر چه وسطی به معنای نیکو است چنانچه خداوندفرمود(ای‌امت محمد صلی الله علیه و آله شما کوچکترین‌امت هستید از حیث عمر ولی بهترین امتها میباشید) آنها گفتند خدای ما منزه‌است‌از ظلم و ستم ما خود در حق خویش ستم کردیم که ترك احسان نمودیم و منع کردیم نصیب‌فقیران راو روی بیکدیگر کرده بملامت ونکوهش هم پرداختند ومیگفتند ای وای برما که سر کش و یاغی بودیم و اسراف و تعدی کردیم در کفران نعمت و منع حقوق اللهی و امیدواریم که پروردگار مابجای آن، بستان بهتری از لطف و کرم خود بما عطا کند چه ما بسوی خدای خود مایل و متوجه هستیم چون آنها از روی صدق وصفا رو بدرگاه خدا آوردند پروردگار بآنها بستانی کرامت‌فرمود که یك خوشه انگور آن بار شتری بود و نام آن بستان حیوان بود پروردگار داستان ایشان را ذیل‌چند آیه از این سوره بیان فرمود .

چشمانشان فرو رفته خواری و ذلت آنها رافرا گرفته پیش از این آنان‌را با تن سالم بسوی اطاعت و سجده خدا خواندند اجابت نکردند (٤٣) ایرسول ما تو کیفر تکذیب کنندگان این قرآن را بمن واگذار تا آنها را از آنجا که گمان ندارند بعذاب سخت در افکنیم (٤٤) و آنها را مهلت‌دادم همانا کید من بسیارقوی ومحکم است (٤٥) آیا از ایشان مزد رسالت میخواهی که بار غرامتش بر آنها گران است (٤٦) یا آنکه‌از آن‌عالم آگاهند پس‌چیزی‌از آنجامینویسند (٤٧) ایرسول ما برای فرمان پروردگار خود شکیبا باش ومانند یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد مباش (٤٨)

درکافی ذیلا آیه اذا قسموالیصر منها مصبحین از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود انسان مرتکب گناه میشود خداوندبدر اثر آن روزی‌او راقطع‌میکند وآیه فوق را شاهد برفرمایشات خود بیان نمودند .

پس از این برای تهدید بندگان میفرماید عذاب چنین است وعذاب آخرت بزرگتر و سخت‌تر است اگر مردم بدانند .

(ان‌المتقین عند ربهم جنات‌النعیم افنجعل المسلمین کالمجرمین مالکم کیف تحکمون املکم کتاب فیه تدرسون ان‌لکم فیه لما تخیرون) برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت‌های پرنعمت خواهد بود آنگاه برای تذکر و تنبه میفرماید آیا مسلمانانرا باکافران در پاداش و منازل و احکام یکسان قرار میدهیم چگونه شما این حکم ناروا و ظالمانه را میکنید آیا برای شما کتابی ازآسمان فرودآمده که این حکم را در آن خوانده اید و در آن کتاب هرچه بهوای نفس بخواهید نگاشته اند یا آنکه شما را برما عهد وقسم همیشگی است تا روز قیامت که چنین حکمی بیقین برنفع خودمیکنید ای پیغمبر از آنها بپرس کیست از شما که پایند این عهد و پیمان است که برای‌کافران همان پاداش مسلمانان خواهدبود آیاایشان بر دعوی مساوی بودن کافر بامسلمین در پاداش و ثواب گواهانی دارندا گرراست میگویند آن گواهان‌را حاضر کنند .

(یوم یکشف عن ساق و یدعون الی‌السجود فلایستطیعون خاشعة ابصارهم

لَوْلا أَنْ تَدارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَراءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (٤٩) فَاجْتَباهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصّالِحِينَ (٥٠) وَإِنْ يَكادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصارِهِمْ لَمّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (٥١) وَما هُوَ إِلّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ (٥٢)

ترهقهم ذلة وقدکانوا یدعون الی‌السجود وهم‌سالمون) بیاد آورید روز سختی‌را که دامن بمیان زده و میخواهند برای خدا سجده کنند و نمیتوانند سجده نمایند این آیه شدت وسختی روز قیامت را بیان میکند چه دنیا که منقضی شد در تکلیف و توبه بسته میشود و ثواب و عقاب را معاینه بینند مردم پس از آنکه شنیده بودند و این جمله یکشف عن‌ساق تشبیه و اشاره بسختی آن ساعت است چه عرب کارسختی که برای او پیش آید دامن را از ساق پا بر گیرد و بالا زند تا در آن کار سعی بتواند کند ـ .

ابن‌بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن‌جعفر ؑ روایت کرده فرمود روز قیامت که میشود حجابی است از نور بر داشته میشود مؤمنین برای عظمت پروردگار بسجده در افتند و منافقین هرچه سعی میکنند که سجده کنندنمیتوانند چه پشتان آنها مانند شاخهای گاو شود و فرو نیاید تا بتوانند سجده کنند در آن وقت ذلیل باشد چشمهای ایشان و ترس‌وحسرت آنها را فرا گرفته و پیش از این پیغمبران دعوت میکردند آنها را در دنیا باتن سالم‌بطاعت وسجده کردن ازبرای خدا اجابت نمیکردند ـ .

در محاسن از حضرت صادق ؑ روایت کرده فرمودمنافقین و کفارتوانائی داشتند که عمل کنند بآنچه امر شده بود بآنها از جانب پروردگار و ترك نمایند آنچه‌رامنهی بود امتحان شدند باوامر ونواهی خداونیست برای هیچ بنده‌ای‌قبض وبسطی‌از آنچه خداوند امرونهی فرموده در آن مگر امتحان و آزمایش است از جانب خدا واینحدیث را ابن‌بابویه نیزروایت کرده‌است .

واگر لطف ورحمت پروردگارش را درنیافته بودهمانا ازشکم ماهی بصحرای بی آب و گیاه افتاده بوداورانکوهش و سر زنش میکردند (٤٩) پس خدایش او را برگزید و از شایستگان قرار داد (٥٠) ایرسول نزدیك بود کافران چشم زنند تورا بدیده گان خود چون آیات قرآن شنیدند میگویند اودیوانه است (٥١) ونیست این قرآن مگر پند و حکمتی برای جهانیان (٥٢)

پایان ترجمه سوره قلم

(فذرنی ومن یکذب بهذا الحدیث سنستدرجهم من حیث لایعلمون واملی لهم ان کیدی متین) ایرسول ما تو کیفر تکذیب کنندگان و منکران قرآن را بمن واگذار که از آنجا که نفهمند و گمان نکنند بعذاب سخت درافکنیم وآنها رامهلت دادیم تادرنعمت ورفاهیت مغرور شوندو در گناه و معصیت بیفزایند همانا عذاب من قوی و بسیار سخت است پس از آن برای توبیخ فرمود ای پیغمبر آیاتو ازکافران امت اجر و مزد رسالت میخواهی که ایشان از غرامت گرانبار میشوند و قوت آن ندارند یاآنکه از عالم غیب باخبرند و از آنجا چیزی مینویسند و این محالات را میگویند ایرسول ما صبر کن برحکم پروردگار خودومباش مانند یونس که تعجیل کرد درعذاب امت خود وخشم گرفت بر آنهاعاقبت پشیمان شد چه امتش توجه بخدا نمودند خدایتعالی هم عذاب را از ایشان برطرف کرد یونس درغضب شد و راه دریا راپیش گرفت سوار کشتی شد عاقبت اورا بدریا افکندند ماهی اورا بلعیددر ظلمت وتاریکی شکم ماهی بحال غم و اندوه خدا را برنجات خود خواند و شرح او را در بخش سوم تفسیر ذیل آیه ٩٨ سوره یونس بیان نمودیم .

(و ان یکادالذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لماسمعو الذکر و یقولون انه لمجنون و ماهوالاذکر للعالمین).

ایرسول ما نزدیك بود که کافران از حسد بچشمان بد، چشم زخمت زنندچون شنیدند آیات قرآن را و در فصاحتش متحیر شدند باز میگویند که شخص دیوانه ایست و حال آنکه این قرآن نیست جزپندوحکمت برای جهانیان .

سبب نزول آیه آن بود کفار میخواستند رسول اکرم صلی الله علیه و آله را چشم بزنند تا وفات کند یا کشته شود طایفه ای از بنی اسد معروف بودند بچشم بد هر گاه یکی از آنها بگاو یا شتری نظر می‌افکند فوراً آن حیوان میمرد یا مجبور میشدند آن را ذبح و نحر کنند یکی از آنها کنیزی داشت میگفت باو بر خیز وزنبیل را همراه من بیاور تا گوشت فراهم کنم میرفت هر کجا شتر یا گاو و گوسفند نیکوئی میدید میگفت چقدر نیکواست مانند این حیوان ندیده ام فوراً صاحبش از ترس آنکه هلاك شود آن را میکشت و نصیبی باو میداد و برهرچه چشمش اصابت میکرد طولی نمیکشید که او هلاك میشد قریش بآن مرد گفتند بیا و نظر بر محمد صلی الله علیه و آله افکن تا چشمت باو رسد آن مرد آمد نزد رسولخدا آنحضرت مشغول قرائت قرآن بود ساعتی بحضرتش نظر انداخت واندیشه میکرد و هیچ شك نداشت در آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بچشم او زده میشود و این بیت را انشاء کرد و گفت .

فدكان قومك يحسبونك سيدا　　　واخال انك سيد معيون

پروردگار آیه وان یکاد را نازل نمود و آنحضرت را از چشم بد آن مرد نگاه و محفوظ داشت ..

پیغمبر اکرم فرمود چشم بد انسان را داخل در قبر و شتر را وارد در دیك میکنند و نیز فرمود اگر چیزی بر قضای اللهی غلبه میکرد چشم بد بود اسماء دختر عمیس گفت ایرسول خدا فرزندان جعفر را چشم بد میرسد اجازه میفرمائید تعویذی برای آنها بنویسم فرمود بلی رواباشد .

در تهذیب ذیل آیه فوق ازحسان جمال روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام را از مدینه بمکه میبردم وقتی بمسجد غدیرخم رسیدیم آنحضرت نظری بطرف چپ کوه انداخت وفرمود اینجا محل قدم مبارك پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است که امیرالمؤمنین علیه السلام را بروی دست بلند نمود و فرمود هر کس که من مولای او هستم علی نیز مولای او است پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست میدارد و دشمن بدار آنکه علی را دشمن میدارد بعد از آن نظری نمود بطرف دیگر وفرمود اینجا محل خیمه فلان و فلان و سالم مولا ابی حذیفه و ابی عبیده جراح میباشد وقتی مشاهده

کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را که امیرالمؤمنین علیه السلام را بروی دست مبارك بلند نمودبیکدیگر گفتند نظر کنید بچشمان محمد صلی الله علیه و آله که چگونه دور میزند گویامانند چشم شخص دیوانه است و خواستند حضرتش را چشم بزنند جبرئیل نازل شدو آیه وان یکاد را آورد و مقصود از ذکر وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است حسان میگوید عرض کردم سپاس و ستایش میکنم پروردگار را که اینحدیث را ازدولب شما بزرگوار بگوش خود شنیدم فرمود ای حسان اگر نبودی شتربان ما این حدیث را برای تو ذکر نمیکردم زیرا تصدیق نمیکنند این مردم تورا درباره اینحدیث .

پایان سوره ن والقلم

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ (۲) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳) كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ (۴) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵) وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

سوره الحاقه در مکه نازل‌شده و پنجاه ودو آیه ودویست وپنجاه‌وشش کلمه‌و هزار وهشتاد وچهار حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمودهر کس‌سوره الحاقه راقرائت کنددرنمازهای واجب‌و مستحب از کسانی است که‌بخداوپیغمبر او ایمان آورده چه این سوره نازل شده‌در حق امیرالمؤمنین علیه‌السلام و معاویه‌ملعون ، ودین قاری آن زایل نشود تاخدا را ملاقات کند، ودرخواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمودهر کس‌این‌سوره را قرائت کند خداوند حساب او را سبك گرداند و هر که او را بنویسد و بر زن حامله به‌بندد حمل او محفوظ بماند واگر بنویسد وبآب بشوید و آن آب رابطفل شیرخوار بدهد آن‌طفل باحافظه و ذکاوت شود و نیکو به‌بار آید .

خلاصه مطالب این‌سوره عبارت است از احوال قیامت وهلاك قوم عادوثمود و فرعونیان و داستان نوح و نفخ صور و بیان احوال اهل جهنم .

قوله تعالی .

(الحاقة ماالحاقة و ما ادریك ماالحاقه) دوری بجوئید از عذاب قیامت چه عذاب سختی است و چه آگاه کرده است تو راکه عذاب این روز قیامت چگونه سخت و بزرگ است ـ حاقه نامی است از نامهای قیامت و حاقه نامیده شده برای آنکه‌حق است و درست ؛ودر اوکارهای حقیقت وحق واقع میشود چه جزای اعمال

ترجمه سوره الحاقه

بنام خداوند بخشنده مهربان

روز قیامت چه روزیست(١) دوری بجوئید ازعذاب قیامت (٢) چه آگاه کرد تورا که این روز قیامت چه روزیست (٣) قوم عاد و ثمود تکذیب کردند عذاب روز قیامت را (٤) اما قوم ثمود بسبب طغیان هلاك شدند (٥) قوم عاد بباد تندوسر کش بهلاکت رسیدند (٦) و آن بادتندرا خداوند هفت شب و هشت روز پی‌درپی برآنها مسلط کرد که‌دیدی گویا آن‌مردم مانند ساقه‌خشك درخت‌خرما بودند وبخاك‌در افتادند(٧)

بر حق وواجب است .

(کذب ثمود وعادبالقارعة فاما ثمود فاهلکوا بالطاغیه) ثمود که قوم صالح بودند و عاد که قوم هودند تکذیب کردند عذاب روز قیامت را اماثمود بکیفر کفر و طغیان هلاك شدند و شرح هلاکت آنها رادر بخش سوم تفسیر ذیل آیه ٦٣سوره هود بیان نموده‌یم .

(واماعادفاهلکوا بریح‌صرصرعاتیه سخرهاعلیهم سبع‌لیال‌وثمانیة ایام‌حسوما فتری‌القوم فیها صرعی‌کانهم اعجاز نخل خاویه فهل‌تری لهم‌من‌باقیه) اما عاد هلاك شدند ببادی تندو سخت و سرد و سر کش وآن باد را خداوند هفت شب و هشت روز پی درپی برآنها مسلط کرد و گویا آنمردم چون ساقه خشك درخت خرما بوده‌ندو بخاك در افتادند آیا هیچ میبینی از ایشان اثری باقی و بر جا است داستان عاد را نیز در بخش سوم تفسیر آیه ٥١ سوره هود بیان نموده‌یم ابن‌بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمرد روز چهارشنبه روز نحس مستمریست چه آن روز اول و آخر روزی بود که خداوند مسخر کرد در آن ایام باد سرد را بر قوم عاد .

(وجاء فرعون و المؤ تفکات‌بالخاطئةفعصوا رسول ربهم فاخذهم اخذترابیه) و فرعون و کسانیکه‌پیش‌از اوبودند واهل مؤتفکات بزشت وخطا کاری برخاستند وبارسول پرورد گارشان‌مخالفت کردندخداهم ایشانرابعذاب سخت گرفتارساخت .

فَهَلْ تَرٰى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۸) وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ (۹) فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (۱۰) إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱) لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ (۱۲) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴) فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵) وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶) وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (۱۷)

شرف‌الدین نجفی ذیل آیه فوق از حمران روایت کرده گفت ازحضرت باقر علیه‌السلام شنیدم که میفرمود مرادبفرعون دراین آیه سومی استومقصود ازمن قبله‌اولی ودومی استومؤتفکات اهل بصره هستند وخاطئه عایشه است امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه معروفه که در ذم و توبیخ اهل بصره است خطاب نمود بآنها و فرمود یا اهل‌المؤتفکه و معنای ائتفکت خسف و گرفتن است چه بصره را سه‌مرتبه آب‌فرا گرفت و مرتبه دیگرهم فرا خواهد گرفت چنانچه حضرتش خبرداد و فرمودکانی بمسجد کم کجئوجئی سفینه فی‌لجه بحر گویا می‌بینم آب بصره راگرفته ومسجد آن مانند کشتی بر روی آب قرار دارد . .

(انا لماطغی الماء حملناکم فی‌الجاریة لنجعلها لکم تذکرة و تعیها اذن واعیة) چون آب طغیان کردو از حد برفت در عهد نوح ماشما رادر کشتی‌نشاندیم تا غرق نشوید و مایه پند و عبرت‌مردم قرار دهیم ولکن گوش شنوای هوشمندان این پند وتذکر را میتواند بشنود . .

درکافی ذیل‌آین فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود وقتی آیه مزبور بر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل‌شد بامیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود یاعلی آنگوش

آیا هیچ بینی که بروزگار از آنها اثری باقی باشد (۸) و فرعون و گذشتگان پیش ازاو بخطاکاری برخاستند (۹) وبا رسول پروردگارشان مخالفت کردندخداهم آنهارا بعذاب سخت گرفتار نمود (۱۰) آن هنگام که آب طغیان کرد پدرانشان را بکشتی سوار کردیم و نجاتشان دادیم (۱۱) تاسبب پند و عبرت شما مردم قراردهیم ولی نگاهدارد این پند را گوش شنوای هوشمندان (۱۲) چون دمیده شود در صور یکبار دمیدنی (۱۳) و زمین و کوهها برداشته شود و درهم شکسته و متلاشی گردد یکمرتبه (۱۴) پس در آنروز واقعه بزرگ قیامت برپا شود (۱۵) و آسمان شکافته وسست شود درآنروز (۱۶) وفرشتگان براطراف آسمان باشند وعرش پروردگارت را در آنروز هشت فرشته برگیرند (۱۷)

شنوا توهستی -.

طبرسی ازبریده‌اسلمی روایت کرده که‌روزی‌پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله بامیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یاعلی خداوند مرا امر فرموده تا ترا نزدیك کنم و دور نگردانم‌وتورا بیاموزم وتویادگیری و برخدا واجب است که تو یادگیری یعنی توفیق عطا کند بتو تا حفظ کنی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود پس از آن چیزی را فراموش نکردم بریده میگوید پس از فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله طولی‌نکشید که‌جبرئیل‌نازل‌شد وآیه مزبور را آورد ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اذن‌واعیه که خداوند درقرآن سوره الحاقة نازل نموده من هستم و این حدیث را عیاشی وسعدبن‌عبدالله وابن شهرآشوب روایت کرده اند -.

محمدبن‌عباس بسی‌سند از طرف عامه و خاصه روایت کرده که پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله بامیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یاعلی از خداوند درخواست نمودم که اذن واعیه گوش تو باشد و این حدیثرا ثعلبی که از علماء عامه است در تفسیر خود بیان کرده است .

(فاذا نفخ فی‌الصور نفخة واحدة وحملت الأرض والجبال فدکتادکة واحدة فیومئذ وقعت الواقعه‌و انشقت السماء فهی یومئذواهیه والملك علی ارجائهاویحمل

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لا تَخْفى مِنكُمْ خافِيَةٌ (١٨) فَأَمّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هاؤُمُ اقْرَؤُا كِتابِيَهْ (١٩) إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلاقٍ حِسابِيَهْ (٢٠) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ راضِيَةٍ (٢١) فِي جَنَّةٍ عالِيَةٍ (٢٢) قُطُوفُها دانِيَةٌ (٢٣) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئاً بِما أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيّامِ الْخالِيَةِ (٢٤) وَأَمّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِشِمالِهِ فَيَقُولُ يا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتابِيَهْ (٢٥) وَلَمْ أَدْرِ ما حِسابِيَهْ (٢٦) يا لَيْتَها كانَتِ الْقاضِيَةَ (٢٧) ما أَغْنى عَنِّي مالِيَهْ هَلَكَ عَنِّي سُلْطانِيَهْ (٢٩)

عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانيه يومئذ تعرضون لاتخفى منكم خافيه) بیادآور آن وقتیکه ناگهان اسرافیل در صور دمد وزمین و کوهها را بر گیرند و یکمرتبه‌همه را بشکنند و متلاشی سازند آنگـاه روز موعود واقعه بزرگ قیامت واقع گردد و بنای مُحکم آسمان ازهم بشکافد وسست شود وفرشتگان بر اطراف آسمان منتظر فرمان باشند و عرش پروردگارت را در آنروز هشت نفر مقرب بر گیرند آنروز که در پیشگـاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کـار از اسرار بر شما پنهان نخواهد ماند ـ .

درکافی ذیل آیه ویحمل‌عرش‌ربك فوقهم‌یومئذ ثمانية از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود عرش‌عبارت ازعلم است چهارنفر از ما وچهارنفر از سایر مردم آنهائی که خداوند میخواهد حاملین عرشند و محمد بن آس از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده‌فرمودحاملین‌عرش‌چهارنفر ازسابقین هستندوآنهانوح وابراهیم‌موسی‌و عیسی میباشند وچهارنفر از متأخرین‌محمد صلى الله عليه وآله وعلى عليه السلام وامام حسن عليه السلام و امام حسین عليه السلام میباشند و معنـای آنکه حمل میکنند عرش را یعنی علم را بر میدارند ـ .

آنروز که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار پنهانی شما پنهان نخواهد ماند (١٨) اما کسیکه نامه اعمال او را بدست راستش بدهند از شادی گوید بیائید نامه مرا بخوانید (١٩) من یقین داشتم که این روز حساب را ملاقات میکنم (٢٠) چنین کسی در عیش و زندگانی خوشی خواهد بود (٢١) در بهشت عالی‌مرتبه (٢٢) که میوه های آن همیشه در دسترس است (٢٣) بآنها گویند از طعام و شرابهای بهشتی هر چه خواهید تناول کنید گوارا باد شما را که این پاداش اعمال گذشته است که برای امروز خود پیش فرستاده اید (٢٤) واما آنکس که نامه اعمالش را بدست چپ دهند با کمال شرمندگی گوید ایکاش نامه مرا بمن نمیدادند (٢٥) ونمیدانستم حساب من چیست (٢٦) ایکاش مرگ مرا از این غصه و عذاب نجات میداد (٢٧) مال وثروت من امروز بفریاد من نرسد (٢٨) همه قدرت وشوکتم نابود گردید (٢٩)

(فاما من اوتی کتابه بیمینه فیقول هاء وم اقرأوا کتابیه انی ظننت انی ملاق حسابیه) کسیکه نامه عملش را بدست راستش میدهند از شادی گوید بیائید نامه مرا بخوانید من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود آیه مزبور در شأن امیرالمؤمنین علیه‌السلام نازل‌شده وجاریست در حق مؤمنین و اینحدیثرا ابن شهر آشوب و بعضی از مخالفین نیز روایت کرده‌اند ـ .

ابن بابویه از عمار یاسر روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودفرشتگان حافظین علی علیه‌السلام افتخار میکنند برتمام حفظه زیرا بالا نمیبرند بسوی پروردگار چیزیرا که بغضب آورد او را و این حدیثرا اخطب خوارزم و موفق بن‌احمدو ابن مغازلی شافعی که از مخالفین هستند روایت کرده اند ـ .

عیاشی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود روز قیامت هرطایفه ای‌را بخوانند و حاضر کنند با امامیکه در عصر آن امام از دنیا رفته اند اگر اقرار و اعتراف نمودند بامام و اعتقاد بامامت او داشته نامه اعمالش را بدست راستش‌دهند

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (۳۰) ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۳۱) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
ذِرَاعاً فَاسْلُكُوهُ (۳۲) إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳) وَلَا
يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴) فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ (۳۵)
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۳۶) لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ (۳۷) فَلَا أُقْسِمُ
بِمَا تُبْصِرُونَ (۳۸) وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ
(۴۰) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلاً مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱) وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ
قَلِيلاً مَا تَذَكَّرُونَ (۴۲) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

چنانکه میفرماید.

(یوم ندعو کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بیمینه فاولئك یقرؤن کتابهم) ویمین، اثبات و اعتقاد داشتن بامام است چه کتاب آن بزرگوار است و ائمه دوستان و دشمنان خود را از سیمایشان می شناسند و هر کس منکر امام شود و اعتقاد باو نداشته باشد از اصحاب شمال است و نامه اعمال اورا بدست چپش میدهند.

(فهو فی عیشة راضیة فی جنة عالیة قطوفها دانیة کلوا و اشربوا هنیئاً بما اسلفتم فی الایام الخالیة) چنین مردمی در عیش و زندگانی خوش خواهند بود در بهشت عالی رتبه که میوه های آن همیشه دسترس است از طعام و شرابهای لذیذ و گوارای بهشتی هر چه خواهند تناول کنند گوارا باد آنها را که این پاداش اعمال گذشته دنیا است که برای امروز خویش پیش فرستاده‌اند.

(و اما من اوتی کتابه بشماله فیقول یالیتنی لم اوت کتابیه ولم ادرما حسابیه یالیتها کانت القاضیه مااغنی عنی مالیه هلك عنی سلطانیه) و آن کسیکه نامه عملش را بدست چپ اودهند با کمال شرمندگی و اندوه گوید ایکاش نامه مرا بمن نمیدادند و من از حساب اعمالم آگاه نمیشدم ایکاش مرگ مرا از این غصه وعذاب نجات

خطاب رسد اورا بگیرید ودر غلو زنجیر کشید (۳۰) پس در آتش افکنید (۳۱) آنگاه بزنجیریکه طولش هفتاد ذرع است در کشید و در آتش اندازید (۳۲) چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده بود (۳۳) وهرگز فقیررا برسفره طعام نخوانده بود (۳۵) پس امروز هیچ خویش ودوستداری که بفریادش رسندندارد (۳۵) وطعامی جز چرك و کثافت دوزخیان نصیبش نیست (۳٦) و آن طعام‌را جز اهل دوزخ کسی نمیخورد (۳۷) سوگند یاد نمیکنم بآنچه می بینید (۳۸) و آنچه نمی بینید (۳۹) همانا این قرآن وحی و گفتار رسول بزرگوار است (٤۰) و قرآن نیست سخن شاعری اگر چه اندکی مردم بآن ایمان می‌آورند (٤۱) و نیست قرآن گفتار کاهن اگر چه اندکی از مردم متذکر آن میشوند (٤۲) این قرآن نازل شده از طرف پروره گار جهانیان (٤۳)

میداد مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسد همه قدرت و حشمتم محو و نا بود گردید .

(خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لایؤمن بالله العظیم ولایحض علی طعام المسکین فلیس له الیوم هیهنا حمیم ولا طعام الامن غسلین لایاکله الاالخاطئون) خطاب قهر خدا رسد بخازنان دوزخ که او را بگیرید ودر غل وزنجیر کشید و بدوزخ درافکنید آنگاه بزنجیریکه طولش هفتاد ذرع است بآتش درکشید چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده و هرگز فقیر برابر سفره طعام خود بمیل و رغبت نخوانده باین سبب امروز هیچ خویش و دوستی که بفریادش برسد ندارد و طعامی جز چرك و کثافت دوزخیان نصیبش نیست و نمیخورند آن طعام را جز گناه کاران واهل دوزخ .

در کافی ذیل آیه (ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا) از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودمعاویه صاحب سلسله است و اوفرعون این امت‌میباشد .

ابن بابویه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود اگر یك حلقه از آن زنجیر را برتمام کوهها نهند ازشدت حرارت آن گداخته شوند .

(فلا اقسم بما تبصرون و مالاتبصرون انه‌لقول رسول کریم وماهو بقول شاعر

وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنا بَعْضَ الْأَقاوِيلِ (٤٤) لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (٤٥)
ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِينَ (٤٦) فَما مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حاجِزِينَ (٤٧)
وَ إِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (٤٨) وَ إِنّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ
(٤٩) وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكافِرِينَ (٥٠) وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ
(٥١) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (٥٢)

قليلا ماتؤمنون ولايقول كاهن قليلاما تذكرون تنزيل من رب العالمين) قسم بآنچه از آثار حق می بینید و آنچه نمی بینید که این قرآن بحقیقت وحی خدا و از تلاوت و حکایت رسول بزرگوار است نه آنکه کلام وگفتار او است و این قرآن سخن وگفتار خیالی وموهومی شاعری نیست اگر چه اندکی از مردم هوشیار بآن ایمان می آورند و این قرآن سخن و حرف کاهن غیب گوئی باعتقاد شما نیست اگرچه اندکی از مردم متذکر حقایق آن میشوند ـ .

در این آیه پروردگار پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را منزه فرمود از شعر و کهانت چه کفار گاهی حضرتش را شاعرو بعضی از اوقات کاهن میگفتند درصورتیکه شعر کلام موزون ومقفی باشدو قرآن موزون و مقفی نیست و اندیشه‌نکردند که‌هر کس این سخنان را از ایشان بشنود تمسخر کند آنها را وکاهن آن باشد که ادعامیکند مرا از جن رفیقانی هست که ازغیب و غایب خبر میدهندمرا، خداوند در جواب ایشان فرمود این قرآن بوحی والقاء جن و شیاطین نیست بلکه از جانب خدای جهانیان فرود آمده‌است آنگاه برای تنبیه کفار وخطای گمان بدآنها که‌به‌پیغمبر وقرآن بردند که ممکن است این قرآن از کلام محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله واز تلقاء نفس او باشد فرمود اگر چنان است که شما میگوئید محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله سخنان دروغی بما بسته است البته‌ما اورا بقهر و انتقام خود میگرفتیم ورگ تنش راجدا میکردیم و هیچ یك ازشما بردفاع ازاو قادر نبودید ـ .

و اگر محمد سخنانی دروغ بما میبست (۴۴) ما او را بقهر و انتقام میگرفتیم (۴۵) ورگ دلش راجدا میکردیم (۴۶) و هیچیك از شما قادر بردفاع ازاو نبودید (۴۷) این قرآن پند و تذکریست از برای پرهیزکاران (۴۸) ومامیدانیم بعضی از شما آنرا تکذیب میکنید (۴۹) و تکذیبش عاقبت مایه حسرت کافرین است (۵۰) و این قرآن حق و حقیقت خالص است (۵۱) پس تو ایرسول گرامی نام خدای بزرگوار خود را بر این نعمت عظیم بستایش یادکن (۵۲)

پایان ترجمه سوره الحاقه

درکافی ذیل آیه: ولوتقول علینا بعض الاقاویل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آن مردم گفتند که محمد صلی الله علیه و آله بر خدا دروغ بسته است و پروردگار امر نکرده او را برولایت امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند آیه فوق را نازل نمود و فرمود اگر محمد صلی الله علیه و آله برما سخنان دروغی بسته بود محققاً او را بقهر و انتقام میگرفتیم و رگه تنش را جدا میکردیم و کسی بردفاع از او قادر نبود پس از آن عطف فرمود بر آن آیات ذیل را .

(وانه لتذکرة للمتقین) یعنی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام پند وتذکریست بحقیقت برای پرهیزکاران جهان .

(وانالنعلم ان منکم مکذبین) و البته ما میدانیم که بعضی از شما تکذیب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را مینمائید .

(وانه لحسرة علی الکافرین) ووجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام مایه حسرت وپشیمانی کفار و تکذیب کنندگان است .

(و انه لحق الیقین) ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و وجود مقدسش برحق و حقیقت و یقین خالص است .

(فسبح باسم ربك العظیم) پس ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار را بر این نعمت بزرگ وفضیلتیکه بتو وعلی عطا فرموده بستایش یادکن و سپاسگزار باش

پایان سوره الحاقه

سورهٔ معارج

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَآئِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲) مِنَ اللهِ ذِي الْمَعَارِجِ (۳) تَعْرُجُ الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ (٤) فَاصْبِرْ صَبْراً جَمِيلاً (٥) إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً (٦) وَ نَرَيهُ قَرِيباً (٧) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (٨) وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (٩)

سوره معارج درمکه نازل‌شده و چهل‌و چهار آیه و دویست‌و شانزده کلمه وهزار و شصت‌و یك حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت‌صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس بسیار سوره معارج را قرائت کند روز قیامت خداوند ازگناهانش سئوال نکند و اورا درجوار پیغمبر در بهشت قرار میدهد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کنداز مؤمنینی باشد که درك نموده دعوت حضرت نوح را و اگر محبوس یا مسور آن را قرائت نماید خداوند فرج درکار او عطا فرماید وحفظ کند او را تا بر گرددبسوی اهل خود .

و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را در شب قرائت کند ایمن باشد ازجنابت واحتلام تا صبح خلاصه مطالب سوره معارج عبارت است ازبیان اوصاف قیامت و پرسش وجویا نشدن هیچ‌خویش و اقربائی از ارحام و اقرباء . در اثر گرفتاری‌و شدت قیامت وهول آن .

قوله تعالی .

ترجمه سوره معارج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سائلی از عذاب قیامت که وقوعش حتمی است ودرخواست‌نمود(۱)آن‌عذاب را از کافران نتوانند کسی دفع کند (۲) آن عذاب‌از طرف خداوند صاحب‌درجات است (۳) فرشتگان وروح‌الامین‌برای گرفتن‌فرمان بسوی او بالا میروندروزیکه اندازه آن پنجاه هزار سال است (٤) پس تو ایرسول ما بردبار باش وصبرنیکو در در پیش گیر (۵) این کافران روز قیامت را دور می بینند (٦) و ما نزدیك می‌بینیم (۷) روزیکه آسمان چون فلزی گداخته شود (۸) و کوه ها مانند پشم زده متلاشی گردند (۹)

(سئل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس‌له دافع من‌الله ذی المعارج) سائلی درخواست نمود از عذابیکه واقع خواهد شد برای کافران و کسی نمی تواند دفع کندآنرا، آنعذاب از قهر خدای صاحب درجات است ـ .

طبرسی از حسین‌بن محمد روایت کرده گفت از سفیان‌بن‌عینیه سؤال نمودم آیه فوق در باره چه کسی نازل‌شده جواب داد سؤال کردی ازچیزی که پیش ازتو کسی این سئوال را از من ننمود خبر داد مرا حضرت صادق عليه‌السلام ازپدرانش‌چون رسول خدا روز غدیر خم دست امیرالمؤمنین‌عليه‌السلام را گرفت و بلند کرد در حضور مردم و فرمود هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای اوست و منصوب نمود آنحضرت را بامامت آشکارا ودر قبایل عرب منتشر شد حارث‌بن نعمان فهری‌حضور پیغمبر صلى‌الله‌عليه‌وآله آمد عرض کرد ای محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله امر نمودی ما را بگفتن اشهد ان لا اله الاالله و ان محمداً رسول الله قبول کردیم و گردن نهادیم دیگر امر کردی در پنج وقت نماز بجا آوردیم پذیرفتیم امر بزکوة و روزه و حج و سایر واجبات فرمودی اطاعت‌نمودیم، بتمام اینها راضی‌نشدی، تابازوی پسر عمت علی را گرفتی و بالای منبر بلند کردی و اورا بامامت و وصایت منصوب نمودی اینکار را از طرف خود انجام دادی یاخدایتعالی تورا بآن امرنمود؟ رسول اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود بآنخدائی که

وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰) يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ
عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ (۱۱) وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (۱۲) وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ
(۱۳) وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّهَا لَظَىٰ (۱۵)
نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ (۱۶) تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ (۱۷) وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ (۱۸)
إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰) وَإِذَا مَسَّهُ
الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱) إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲) الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ
(۲۳) وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (۲۴) لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)
وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۲۶)

جز او خدائی نیست من بامر و فرمان پروردگار علی را منصوب نمودم حارث روی بر گردانید و گفت اللهم ان کان هذا هو الحق فامطر علینا حجارة من السماء اوائتنا بعذاب الیم پروردگارا اگر آنچه محمد صلی الله علیه و آله میگوید در باره علی از جانب تو و بر حق است پس از آسمان برسر ما سنگی ببار یا بعذاب دردناکی گرفتار کن ما را هنوز براحله خود نرسیده بود که سنگی از آسمان فرود آمد و بر سر او اصابت کرد و آناً بهلاکت رسید خدای تعالی آیه فوق را نازل نمود ــ .

در کافی ذیل آیه للکافرین لیس له دافع از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود سوگند بخدا جبرئیل آیه مزبوررا بطریق ذیل نازل نموده: للکافرین بولایة علی لیس له دافع ودرصحف حضرت فاطمه همین طور ثابت است وسبب نزول آیه را در سوره انفال مفصلا بیان نمودیم .

(تعرج الملائکة والروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنة فاصبر صبرا جمیلا انهم یرونه بعیدا ونریه قریبا یوم تکون السماء کالمهل و تکون الجبال کالعهن ولا یسئل حمیم حمیما) فرشتگان وروح الامین برای گرفتن فرمان بسوی عرش بالا

و کسی از خویش ورحم خود نپرسد (۱۰) و حقیقت حال بآنها نمودار شود آنروز گنه کار آرزو کند ایکاش بتواند فرزندان خود را فدا بدهد وازعذاب برهد (۱۱) وزن خود و برادرانش (۱۲) و هم خویشاوندان و قبیله اش که همیشه حمایت میکردند از او (۱۳) و هر کهروی زمین است همهرا فدای خود گرداند تاازعذاب نجات یابد (١٤) چنین نیست که بفدا نجات یابد آتش دوزخ بر او زبانه کشد(۱٥) تا سرو صورت و اندامش را بسوزاند (۱٦) دوزخ کسی را میخواند کهاز خدا روی گردانیده و با او مخالفت کرده (۱۷) و مال دنیا را جمع وذخیره نموده (۱۸) انسانطبیعتاً حریص آفریده شده (۱۹) چون زیانی باو رسد بیقراری نماید (۲۰) وچونمال و دولتی باورو کند بخل ورزدومنع احسان نماید (۲۱) مگرنمازگذاران (۲۲) همان کسانیکه همیشه درنمازند (۲۳) و آنهائیکه در مال خود بهره ایمعین کرده اند (٢٤) تا بفقیران آبرومند محروم رسانند (۲٥) وآنانکه روز قیامتوجزا را تصدیق میکنند (۲٦)

روند در روزیکه مقدارش پنجاه هزار سال است از سالهای دنیا و این عروج از زیر زمین تابالایآسمان هفتم باشد برای فرمان امرالهی و آنچه در سوره سجده فرمود فییوم کان مقداره الف سنة مراد بالارفتن فرشتگان باشد از زمین تا آسماناول در صعود و نزول چنانچه بیان آن در سوره سجده گذشت و مقصود آنست اگر انسانی بخواهد از اسفل زمین تا فوق آسمان هفتم سیر کند این مسافت را باید در پنجاه هزار سال طی نماید و بعضی گفتند مراد از آیه آنست اگر حساب خلایق بخواهند در دنیا بکشند یا تفویض کنند آنرا بانسانی پنجاه هزار سالطول بکشد چنانچه طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر متصدی حساب خلایق غیر از خدایتعالی باشد پنجاههزار سال طول کشد ولی خداوند درمدت یك ساعت از حساب خلایق فارغ شود و فرمود روز قیامت بنصف نرسد مگرآنکهاهل بهشت در بهشت و اهل جهنم در جهنم قرار بگیرد و بعض دیگر گفتند معنای آیه آنست ابتداء نزول فرشتگان بدنیا برای رسانیدناوامر و نواهی و قضای اللهی بین

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ (۲۸) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹) إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰) فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (۳۱) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴) أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ (۳۵) فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ (۳۶) عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (۳۷)

خلایق تا آخر عروج آنها بآسمان که روز قیامت است پنجاه هزارسال خواهدبود پس مقدار دنیاپنجاه هزار سال است و معلوم نیست چه‌مقدار گذشته است‌وچه‌مقدار باقی مانده ـ .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر گاه یکی از شما مردم حاجتی ازخدا طلب‌میکند ومیخواهد حاجتش برآورده شودباید بکلی از مردم چشم بپوشد ومأیوس گردد وامیدواری اوبجز خدا نباشد وخداوندآز از دل او آگاه است اگرچنین‌باشد پرورده‌گارحاجت او را روا کند وفرمودایمردم حساب نفس خود کنید پیش از آنکه بحساب شما برسند بدانید، از برای قیامت پنجاه موقف‌است هر موقفی هزار سال طول‌بکشد پس از آن آیه راتلاوت‌فرمودند ـ .

و از ابوسعید خدری روایت کرده که حضور پیغمبراکرم صلى الله عليه وآله عرض کردم چقدر روز حساب طولانی است فرمود بآنخدائیکه جانم دردست قدرت اواست آن روز برای مؤمن کمتر است از بجا آوردن نماز واجب دردنیا ـ .

ایرسول ما صبر کن صبرنیکو، و صبر نیکو آنست که بدون جزع باشداین کافران روز قیامت را دور میبینند و ما آنرا نزدیك می بینیم برای آنکه هرچه

وکسانیکه‌از عذاب پروردگار خود ترسانند (۲۷) همانا از عذاب پروردگار کسی ایمن نیست (۲۸) و آنهائیکه اندام خود را از شهوت نگاه میدارند (۲۹) مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خود که در شهوت رانی با آنها هیچ ملامتی برایشان نیست (۳۰) و هر کس جز این جوید ستمکار است(۳۱) وکسانیکه‌امانت و عهد و پیمان را رعایت میکنند (۳۲) و آنهائیکه برای شهادت بحق قیام کنند (۳۳) وآنهائیکه‌بر نماز محافظت‌مینمایند (۳٤)این طوایف در باغهای بهشت با عزت و احترام متنعمند (۳۵)ایرسول ماچه‌سبب‌شده که کافران‌بجانب تومی‌شتابند (۳۶) وازراست وچپ پراکنده میشوند (۳۷)

آمدنی است‌نزدیك‌باشد یاد کن روزی که آسمان‌با‌آن‌عظمت ازهول چون‌زر گداخته شود وکوه ها با آن سختی‌چون پشم‌زده پراکنده‌شود نپرسدهیچ‌خویشی‌ازخویشاوند خود در اثر آنچه بخود مشغول باشد آنروز چون حقیقت حال را بآنها بنمایند کافر بد کار آرزو کند که ایکاش توانستی‌فرزندانش را فدای خود سازد وازعذاب برهد وهم زن و برادرش و خویشان و طایفه ایکه همیشه حمایتش میکردند و هر کس که‌روی‌زمین است همه‌را فدای خود گرداند تا از عذاب آنروزنجات یابدو هرگز بفدا نجات نیابد و آتش دوزخ بر او سخت شعله ور است و سرو صورت و اندامش را تمام‌بسوزاند هر کس که از ایمان دوری جسته‌و بر گردیده وپشت‌براو کرده دوزخ بسوی خود بخواند چه این کافران مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نمود ودر راه خدا اتفاق نکردندپس ازآن وصف آدمی کرد و فرمودانسان را حریص آفریده اندو حرص او برحرام بیشتر است‌از حلال و چون باوبدی‌رسد جزع کند و اگر نیکی‌برسد بخل ورزد مقصود از شر دراین‌آیه فقرواحتیاج‌است و مراد از خیر غنا و ثروت است آنگاه خارج کرد ازاین قبیل مردم‌نماز گذاران را و فرمود مگر آنهائیکه پیوسته در نماز و طاعت خدا عمر خودرامیگذارند ـ .

ابن بابویه در تفسیر آیه‌الذینهم‌علی‌صلوتهم دائمون ازحضرت موسی‌بن‌جعفر

أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸) كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹) فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ (۴۰) عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱) فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲) يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴۳) خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

علیه‌السلام روایت کرده فرمود منظور از آیه شیعیان ما هستند که در شبانه روز پنجاه رکعت نماز بجا می‌آورند یعنی واجبات پنجگانه را بانوافل مرتبه آنها ادا میکنند ـ.

در کافی ذیل آیه والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند از برای فقرا در اموال اغنیاء حقی واجب نموده که بواسطه اداء آن ستایش کرده نمیشود و آن حق زکوة است بدادن زکوة خون آنها محفوظ میشود و مسلمان بآنها میگویند وحق معلوم،غیرزکوة است و آن چیزیستکه شخص بقدروسع و استطاعت مالش برخودواجب میکند اگر بخواهد در هر روز و یا در هر جمعه وهفته ویا درهرماه ادا میکند آنرا ـ .

سائل کسی است که از مردم طلب ودرخواست میکند ومحروم آنست که‌از پیشه وحرفه و کدیمین ممنوع و محروم است وذیل‌آیه والذین یصدقون بیوم‌الدین از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراد ازدین در این‌آیه روزظهوروخروج حضرت قائم‌حجة علیه‌السلام است .

(والذینهم من‌عذاب ربهم مشفقون ان‌عذاب ربهم غیرمامون عطف است بر آیه الذینهم علی صلوتهم یعنی مگر مامون ؟) و آنانکه از قهر و عذاب خدای خود

آیا طمع دارند که هر مردی از آنها در بهشت پر نعمت داخل شوند (۳۸) چنین نیست ما آفریدیم آنها را از آنچه میدانند (۳۹) چنین نیست سوگند بخدای مشرق و مغربهای جهان که ما توانائیم (۴۰) آنها را هلاك سازیم و بجای ایشان مخلوق بهتری بیافرینیم و کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت (۴۱) پس تو ایرسول آنها را بکفر و گمراهی خود واگذار که ببازیچه دنیا مشغول شوند تا روزیکه ملاقات کنند آن عذابیکه بآنها وعده داده شده (۴۲) آنروز بشتاب سر از قبرها بر آورده و گویا بسوی بتهائیکه بجای خدا می پرستیدند شتابان روند (۴۳) در حالیکه دیدههایشان فرو رفته و ذلت و خواری آنها را احاطه کرده این همان روزیست که رسولان حق بایشان وعده دادند (۴۴)

پایان ترجمه سوره معارج

میترسند چه از عذاب خدا هیچکس ایمن نیست .

والذینهم لفروجهم حافظون الاعلی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلك فاولئك هم العادون) آنهائیکه فرجها و اندام خود را از شهوت رانی نگاه میدارند جز برزنان و کنیزان ملکی خود که حلالست بر ایشان و شهوت رانی باآنها هیچ ملامتی ندارد و هر کس جز این چیزی طلب کند که حلال بر او نباشد متجاوز و ستمکار است و بر خود ظلم کرده و حظ نفس خود را ناقص نموده - ۱- در کافی ذیل آیه مزبور از ابی ساره روایت کرده گفت سؤال نمودم ازحضرت صادق علیه السلام متعه با زنان حلال است ؟ فرمود بلی لکن تزویج نکن مگر زنان عفیفه را و نگذار فرج خود را در محلیکه اطمینان بردراهم خود نداری یعنی بازنان متهمه بسرقت و ناموس فروش ازدواج نکن .

(والذینهم لاماناتهم و عهدهم راعون والذین هم بشهاداتهم قائمون والذینهم علی صلوتهم یحافظون اولئك فی جنات مکرمون) و مگر آنانکه عهدهای خود و امانت های مردم را رعایت و نگاهدارند و کسانیکه برای اداء شهادت بحق قیام کنند و آنهائیکه بر نماز محافظت میکنند تا در اوقاتشان بجا آورند و کسانیکه جامع این خصال باشند در باغهای بهشت عزیز و مکرمند .

ابن بابویه ذیل آیه والذینهم علی صلوتهم یحافظون از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود کسانیکه از شیعیان مانماز پنجگانه را در اوقاتشان بجا آورند و عارف بحق نماز باشند و کاری را بر نماز مقدم ندارند در نامه اعمال آنها بیزاری از آتش دوزخ را برای ایشان بنویسند و آنهائیکه نماز را بجای میآورند ولی کارهای خودرا بر آن مقدم میدارند اگر بخواهد خداوند آنان را بیامرزد و اگر بخواهد نمی آمرزد .

(فماللذین کفروا قبلك مهطعین عن الیمین وعن الشمال عزین ایطمع کل امرئی منهم ان یدخل جنة نعیم کلا اناخلقناهم ممایعلمون) سبب نزول آیه آن بود مشرکین ومنافقین پیرامون پیغمبر اکرم جمع میشدند و استهزاء باو و اصحاب میکردند و میگفتند اگرچنان است که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله میگوید اینان به بهشت خواهند رفت ماپیش ازاین مؤمنین به بهشت خواهیم رفت وجای ما بهتر از ایشان باشد پروردگار آیه‌را نازل نمود وفرمود آیا طمع دارند این منافقین ومشرکین که در بهشت باناز ونعمت داخل شوند هرگز این نشود چه آنها خود میدانند که ما ایشان را از نطفه و علقه آفریده ایم پس کسی مستوجب بهشت نمیشود بنسب که اصل خلقت یکی است بلکه بطاعت و عمل صالح مستوجب بهشت میشوند .

(فلااقسم برب المشارق والمغارب اناالقادرون علی ان نبدل خیرامنهم ومانحن بمسبوقین) سوگند به پروردگار مشرق ومغرب های عالم که ماقادریم آنها را هلاك سازیم و بجای ایشان خلقی بهتر از آنها بیافرینیم و هرگز کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت ـ .

شرف‌الدین نجفی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود مشارق در این آیه پیغمبران و مغارب اوصیاء آنها میباشند ـ .

(فذرهم یخوضوا ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من‌الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلك الیوم الذی کانوا یوعدون) پس از آن برای تهدید میفرماید ایرسول ما رها کن این کفار و منافقین را بازی کنند در دنیا و دل بآن بندند تا ملاقات کنند روزیرا که

وعده عذاب بآنها داده اند آنروز بشتاب سر از قبر ها بر آورده و بسوی معبودان باطل و نتیجه اعمال زشت خود بسرعت بروند در حالیکه چشمان آنها از هول و ترس قیامت بخواری فرو رفته و ذلت کفر و نا فرمانی بر ایشان احاطه کرده این همان روزیستکه رسولان حق بآنها وعده داده بودند ـ .

شرف الدین نجفی ذیل آیه ذلك الیوم الذی کانوا یوعدون از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود روز موعود روز ظهور و خروج حضرت قائم حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف میباشد .

پایان سوره معارج

سورهٔ نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱) قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲) أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ (۳) يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

سوره نوح در مکه نازل شده و بیست و نه آیه و دویست و بیست و چهار کلمه و نهصد و بیست و نه حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نوح را قرائت کند در نماز های واجب خود خداوند در بهشت دویست حور العین باو تزویج نماید و هر کس شب و روز مداومت کند بر قرائت این سوره نمیرد تا آنکه جایگاه خود را در بهشت مشاهده کند و هر کس آن را قرائت کند و در خاتمه قرائت حاجات خود را از خداوند طلب نماید بر آورده شود و هر کس ایمان بخدا دارد تلاوت این سوره را رها نکند و او از کسانی باشد که درك نموده دعوت نوح را.

خلاصه‌مطالب این‌سوره دربعثت نوح وتبلیغ اواست وتکذیب کردن وایمان نیاوردن مردم به آن حضرت و هلاك و غرق شدن آنها است.

قوله تعالی (انا ارسلنا نوحا الی قومه ان انذر قومك من قبل ان یا تیهم عذاب الیم قال یا قوم انی لکم نذیر مبین ان اعبدوا الله و اتقوه و اطیعون یغفر

ترجمه سوره نوح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم تا آنها را بترساند پیش از آنکه برایشان عذاب دردناك فرا رسد (۱) نوح گفت ای قوم من شما را با بیانی روشن از عذاب خدا میترسانم (۲) خدا را بیکتائی بپرستید و پرهیز کار شوید و مرا فرمان برید (۳) تا خدا از گناهان شما در گذرد و عمرتان راتا مدت معین بتأخیر اندازد وعذاب الهی چون وقتش فرا رسد مؤخر نشود اگر بدانید(٤)

لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی اجل مسمی ان اجل الله اذا جاء لایؤخر لو کنتم تعلمون) ما نوح را برسالت بسوی قومش فرستادیم و گفتیم که آنها را پندو اندرز بدهد و بترساند پیش از آنکه عذاب دردناکی بایشان برسد نوح بسوی آنها رفت و گفت ای امت ، من شمارا با بیانی روشن از عذاب قهر خدا میترسانم خدا را بیکتائی بپرستید و از معاصی او اجتناب کنید و فرمان من ببرید (چه فرمان پیغمبر فرمان خدا است) تا خدا شما را بیامرزد و عمرتان راتا وقت معین و طبیعی بتأخیر اندازد و اجل الهی چون وقتش رسد تأخیر در آن نباشد اگر بدانید . واین آیه دلیل است برثابت بودن دواجل یکی ادنی و دیگری اقصی واقصی مشروط است بایمان و تقوی و عبادت خداوند چون ایمان نیاوردند و تقوی را پیشه خود نساختند باجل اقصی نرسیدند و باجل اول هلاك و غرق شدند (قال رب انی دعوت قومی لیلا ونهارا فلم یزدهم دعائی الافرارا وانی کلما دعوتهم لتغفرلهم جعلوا اصابعهم فی اذانهم و استغشوا ثیابهم و اصروا و استکبروا استکبارا ثم انی دعوتهم جهارا ثم انی اعلنت لهم و اسررت لهم اسرارا فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا) نوح گفت : پروردگارا من آنچه قوم را شب و روز دعوت میکنم دعوت من جز بر فرار و دوری آنها نمی افزاید و هر چه آنان را بمغفرت و آمرزش تو خواندم انگشت ها در گوش نهادند و جامه برخسار کشیدند و بر کفر اصرارو لجاجت کردند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند باز هم ایشان را بصدای بلند

قالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلاً وَ نَهاراً (۵) فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعائِي إِلاَّ فِراراً (۶) وَ إِنِّي كُلَّما دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصابِعَهُمْ فِي آذانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيابَهُمْ وَ أَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْباراً (۷) ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهاراً (۸) ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ أَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْراراً (۹) فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كانَ غَفَّاراً (۱۰) يُرْسِلِ السَّماءَ عَلَيْكُمْ مِدْراراً (۱۱) وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهاراً (۱۲) ما لَكُمْ لا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقاراً (۱۳) وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْواراً (۱۴)

دعوت کردم اجابت نکردند آنگاه آشکارا دعوت نمودم و در خلوت و پنهان بهر وجه که ممکن بود دعوت کردم و گفتم ایمردم بدرگاه خدای خود توبه کنید و آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده است.

در کافی از سعید بن یسار روایت کرده گفت حضور حضرت صادق عليه‌السلام عرضکردم از برای من فرزند متولد نمیشود فرمود هر شب صد مرتبه استغفار کن و اگر فراموش کردی در روز بگو چه خداوند میفرماید:

(و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا) استغفار کنید تا خداوند شما را بمال بسیار و پسران متعدد کمك فرماید و باغهای خرم و نهر های جاری بشما عطا کند وابرش کلبی نیز شکایت کرد ازبی‌فرزندی بحضرت باقر عليه‌السلام آنحضرت هم همین دستور را باو داد:

(ما لکم لاترجون وقارا و قد خلقکم اطوارا) نوح بامت خود گفت چرا شما خدا را ببزرگی و عظمت یاد نمیکنید و حال آنکه خداوند شمارا از نطفه‌ای بانواع خلقت و اطوار گونا گون بیافرید نطفه را علقه و مضغه و عظام و لحم مبدل کرد آنگاه روح در او دمید طفل و کودك و جوان و پیر خرف گردانید.

نوح گفت پروردگارا من شب و روز ، قوم را دعوت میکنم (۵) جز بر
فرار و دوری نیفزود آنها را (۶) و هر چه آنان را خواندم تا بیامرزی‌ایشان
را انگشتهای خود را بر گوشها نهادند و جامه برخسار کشیدند و بر کفر و
سرکشی اصرار کردند و راه کبرونخوت پیمودند (۷) باز هم آنها را به‌آواز بلند
خواندم (۸) پس از آن آشکارا و در خلوت دعوت نمودم (۹) و گفتم ازخدای خود
طلب آمرزش کنید او آمرزنده است (۱۰) میفرستد بر شما از آسمان ابر بسیار
بارنده (۱۱) وشما را بمال و فرزندان کمك کند و نهر ها جاری نماید
برای شما (۱۲) چرا شما مردم خدا را ببزرگی یاد نمیکنید و باو امیدوار نیستید
(۱۳) همانا خدا شمارا از نطفه گوناگون آفرید(۱۴)

الم تروا کیف خلق الله سبع سموات طباقا و جعل القمر فیهن نورا
و جعل الشمس سراجا والله انبتکم من الارض نباتا ثم یعیدکم
فیها و یخرجکم اخراجا والله جعل لکم الارض بساطا لتسلکوا منها سبلا فجاجا)
آیا نمی بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بطبقاتی بسیار منظم و محکم
آفرید و ماه را در آن نور دهنده و خورشید را چراغی فروزان ساخت و خدا شما
را مانند نباتات مختلف از زمین برویانید پس از آن بار دیگر بزمین بازگرداند
آنگاه شما را از خاك بر انگیزد و بیرون آورد و خداوند زمین را برای شما بستر
بگسترانید تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید .

(قال نوح رب انهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله وولده الا خسارا و
مکروامکرا کبارا وقالوا لاتذرن آلهتکم ولا تذرن ودا ولاسواعا ولا یغوث ویعوق و
نسرا) نوح گفت پروردگارا این قوم مخالفت کردند با من و پیروی کسانی‌شدند
از ارباب دنیا که مال و فرزندان آنها را جز زیان کاری نیفزاید و بر ضد من
بزرگترین مکر و حیله را بکار بردند .

مکر بزرگ آن بود که مردم دست فرزندان خود را میگرفتند و آنها را
نزد نوح میبردند و میگفتند بفرزندان خود این مرد پس‌ازمرگ ما شما را فریب

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ طِبَاقاً (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ
نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً (۱۶) وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً
(۱۷) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجاً (۱۸) وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ
الْأَرْضَ بِسَاطاً (۱۹) لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلاً فِجَاجاً (۲۰) قَالَ نُوحٌ رَبِّ
إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَاراً (۲۱) وَ
مَكَرُوا مَكْراً كُبَّاراً (۲۲) وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ
وَدّاً وَلَا سُوَاعاً وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْراً (۲۳)

ندهد فرمان او را نبرید که جادوگر و دیوانه است سخنی نمیگوید که در آن خیر و صلاح باشد رؤسای امت نوح باتباع خود گفتند هرگز دست از خدایان خود بر ندارید وبت ود ـ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید ـ.

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود پیش از نوح طائفه‌ای از مؤمنین بودند که بسیار عبادت بجا میآوردند وفات کردند برادران ایشان سخت بر آنها اندوهناك شدند شیطان نزد ایشان آمد گفت محزون نشوید من تمثال آنها را برای شما میسازم تا انس بآن صورتها پیدا کنید چند بت بصورت آنها ساخت و نام آن مؤ منین را بر آن بتها گذاشت مردم به آن صورتها انس پیدا کردند و مشغول عبادت پروردگار شدند چون زمستان شد آن صورتها را داخل خانه کردند قرنی گذشت و آن مردم وفات نمودند شیطان نزد فرزندان آنها آمد بایشان گفت اینان خدایانی هستند که پدران شما آنهارا پرستش مینمودند آنها آن صورتها را پرستش کردند و گمراه شدند و ابتداء بت پرستی از آن زمان شد خدای تعالی نوح را فرستاد تا آنها را بخدا پرستی دعوت کند

آیا ندیدید چگونه خداوند هفت آسمانرا بطبقاتی منظم آفرید (۱۵) و در آن آسمانها ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت (۱۶) و خدا شما را مانند نباتات از زمین رویانید (۱۷) سپس باز میگرداند شمارا در آن زمین و بار دیگر از زمین برانگیزد (۱۸) و خدا زمین را برای شما چون بستر بگسترانید (۱۹) تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید (۲۰) نوح گفت پروردگارا این قوم مرانافرمانی کردند وپیروی‌نمودند ازکسیکه مال و فرزند او جز بزیانش نیفزود (۲۱) و مکر و حیله بزرگ بکار بردند (۲۲) وگفتند هرگز خدایان خود را رها نکنید و دست از پرستش بتهای ود - وسواع - ویغوث - ویعوق و نسر باز ندارید (۲۳)

نوح هر چه ایشان را دعوت نمود نپذیرفتند لذا از خداوند هلاك آنها را خواست.

چون طوفان شد بتها در زیر خاك و گل پنهان شدند شیطان آنها را برای مشرکین عرب بیرون آورد حضرت باقر عليه السلام فرمود:

ود بت طایفه کلاب و سواع بت قبیله هذیل و یغوث بت طایفه مراد ویعوق بت قبیله‌حمدان و نسر بت طایفه حسین بود.

در کافی از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود قریش بتهای خود را اطراف خانه کعبه گذاشته بودند یغوث محاذی در خانه و یعوق طرف راست و نسر طرف چپ قرار داشت آنها را بمشك و عنبر خوشبو میکردند و اطراف آن بتها طواف مینمودند و میگفتند اللهم لبیك لبیك لا شریك لك الا شریك لك الاشریك هولك تملکه و مالك خداوند زنبور های سبزی فرستاد تا آن مشك و عنبر بتها را بخورند و آیه ذیل را نازل کرد.

(یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا ولواجتمعوا له و ان‌یسلبهم الذباب شیئا لایستنقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب) سوره حج آیه ۷۳ ای‌مردم مشرك باین مثل که زده شده برای شما

وَ قَدْ أَضَلُّوا كَثِيراً وَلاَ تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلاَّ ضَلاَلاً (۲٤) مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَاراً فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللهِ أَنْصَاراً (۲۵) وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لاَ تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّاراً (۲٦) إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلاَ يَلِدُوا إِلاَّ فَاجِراً كَفَّاراً (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَلاَ تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلاَّ تَبَاراً (۲۸)

گوش فرا دارید آن بتها که بدون خدا میخوانید هرگز بر خلقت مگسی هر چند همه اجتماع کنند قادر نیستند و اگر مگس نا توان چیزی از آنها بگیرد قدرت بر باز گرفتن آنرا ندارند طالب و مطلوب که عبارت از عابد و معبود است هردو نا توانند.

(و قد اضلوا کثیراً و لاتزد الظالمین الا ضلالا) و آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند یعنی در اثر پرستش بت بسیاری گمراه شدند و نسبت دادن گمراهی به بتها با آنکه جمادند برای آنست که سبب گمراهی، بتها بودند نظیر آیه ربّنا انهن اضللن کثیرا من الناس آنگاه نوح بر آنقوم نفرین کرد و گفت پروردگارا ستمکاران را میفزا جز هلاکت و آنها از زیادی کفر و معصیت عاقبت در دریا غرق شدند و به آتش دوزخ در افتادند و جز خدا هیچ یار و یاوری نیافتند.

(و قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا انك ان تذرهم یضلوا عبادك و لا یلدوا الافاجرا کفارا) نوح گفت پروردگارا رها مکن بر روی زمین از کافران کسی را یعنی هیچکس را باقی مگذار چه اگر باقی گذاری بندگان با ایمان را گمراه میکنند و فرزندی هم جز بد کار کافر نزایند و جمله اخیر خبر دادن از غیب است چه خدای تعالی خبر داد نوح را که ایمان نیاورند هر گز قوم ت.

آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند نوح گفت پروردگارا جز بگمراهی ستمکاران چیزی نیفزا (۲۴) آنقوم از زیادی گناهانشان غرق شدند وبآتش دوزخ درافتادند و جز خدا برای خود هیچ یار و یاوری نیافتند (۲۵) نوح گفت پروردگارا تو در روی زمین هیچکس از این کافرین را باقی مگذار (۲۶) اگر از آنها باقی بگذاری بندگانت را گمراه کنند و جز بد کار و کافر فرزندی نزایند (۲۷) آنگاه نوح گفت پروردگارا من و پدر و مادرم و هر کس داخل خانه من شود با ایمان و مردان و زنان و مؤمنین و مؤمنات را ببخش و بیامرز و ستمکارانرا جز بر هلاك وعذابشان میفزای (۲۸)

پایان سوره نوح

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از صالح بن میثم روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرضکردم نوح از کجا دانست که آن مردم جز فاجر و کافر فرزند نزایند فرمود مگر نشنیدی قول خداوند را که میفرماید از برای نوح لن یؤمن قومك الامن قد آمن.

(رب اغفرلی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمنا و للمؤمنین والمؤمنات و لا تزد الظالمین الا تبارا) پس از آن نوح برای خود و پدر و مادر و مؤمنین دعای خیر نمود و گفت پروردگارا من و پدر و مادرم را و هر کس که در خانه من آید و مؤمن باشد و مردان و زنان با ایمان را بیامرز و ببخش و ستمکاران را جز بر هلاك و عذابشان میفزای.

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود از بیت در اینجا ولایت است و هر کس داخل در ولایت شد در خانه پیغمبران وارد شده است ومراد ازمؤمنین امیرالمؤمنین علیه السلام ومؤمنات حضرت فاطمه علیها سلام است و قصد نموده از ظالمین در آیه آخر ستمکاران آل محمد صلی الله علیه و آله را و کسانی که بر اهل بیت ظلم و ستم نموده و حقوق آن بزرگواران را غصب کردند.

پایان سوره نوح

سورة الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (١) يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (٢) وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (٣) وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا (٤) وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (٥)

سوره جن در مکه نازل شده و بیست وهشت آیه‌ودویست‌وهشتاد وپنج کلمه و هشتصد و هفتاد حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ، ابن بابویه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس بسیار سوره جن را تلاوت کند از اذیت و آزار اجنه و سحرجادو گران محفوظ بماند و در امان باشد و در مکانیکه جنیان‌هستنداگر این سوره‌را قرائت کند از آنجا بروند و پراکنده شوند و اگربخواند آن را ووارد برپادشاه بشود از شر آن در امان باشد واگر محبوس این سوره‌را قرائت کند خداوندآسان کند براوبیرون آمدن از حبس را و اگر در حال تنگی معیشت قرائت کند آن را پروردگار فرج وگشایش باوعطا فرماید و در خواص قرائت آن ازپیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هرکس‌این سوره راقرائت کند خداوند بتعدادجنیانی که به رسول خدا ایمان آورده‌اند اجر و ثواب باو مرحمت فرماید .

خلاصه مطالب سوره جن عبارت است از داستان ایمان آوردن اجنه در اثر گوش فرا دادن بقرآن و قدرت پروردگار برسود و زیان رسانیدن بر بندگان و کیفر گناهکاران و جز خداوند کسی بر قیام قیامت آگاه نیست و غیر از خداو

ترجمه سوره جن

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسول ما بگو وحی شدبسوی من که چندنفر از جنیان شنیدند آیات قرآن را پس گفتند که ما شنیدیم قرآنی شگفت آور (۱) این قرآن هدایت میکندبسوی رشد وصلاح پس ما بآن ایمان آورده وهرگز کسی را شریك و انباز با پروردگار خود قرار ندهیم (۲) همانا بلند مرتبه است پروردگار ما و هرگز همسر وفرزندی نگرفته است (۳) والبته بیخردان ما بخدا دروغ بستند (۴) وماچنین گمان میکردیم که هرگز آدمی و جن بر خدادروغ نگویند (۵)

بر گزیدگان او کسی دانای بغیب نیست .

قوله تعالی (قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشدفآمنا به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولاولدا و انه کان یقول سفیهنا علی الله شططا) ایرسول ما بمردم بگومرا وحی رسید که طایفه‌ای از جنیان بآیات قرآن هنگام قرائت من گوش دادند وپس از شنیدن گفتند ما قرآن عجیبی می‌شنویم این قرآن خلایق را براه خیر وصلاح هدایت ورهبری میکند بدین سبب ما بآن ایمان آورده و از این پس هرگز برای خدای خود شریك و انبازنخواهیم گرفت. همانا بزرگوار و بلندمرتبه و عظیم الشأن است پروردگار ما و هرگز همسر وجفت وفرزندی نگرفته است سفیهان و بیخردان ما بخدا دروغ بسته‌اند که نسبت فرزندی باو داده‌اند ـ .

این آیه دلیل است بر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شده بر جن وانس و دیگر آنکه جنیان دارای عقل و شعور هستند و مورد خطاب پروردگار واقع میشوند و آنها بلغات عرب عارف هستند و تمیز میدهند معجزه را ازغیر آن وقوم خود راباسلام دعوت کردند و خبر دادند آنها را باعجاز قرآن وآنکه قرآن کلام پروردگار است چه آنکه کلام و گفتاربندگان سبب تعجب نمیشود و تعجب قرآن برای آنستکه از حد عادت از حیث تألیف وفصاحت خارج است و مباین است از

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقاً (٦) وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَداً (٧) وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَساً شَدِيداً وَشُهُباً (٨) وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَاباً رَصَداً (٩) وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَداً (١٠) وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَداً (١١) وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَباً (١٢)

جهت لفظ و معنی ونظام باکلام مخلوق و کسی توانائی ندارد که آیه و سوره‌ای مانند قرآن بیاورد و متضمن داستان گذشته وآینده است و جاری نموده‌آن را خدایتعالی بردست کسیکه درس نخوانده‌وتحصیل‌دانش و آموزش ننموده و درمیان مردم جزیرة العرب که ابدابهره‌ای ازعلم‌ودانش‌نداشتند نشأ ونما کرده لذا بزرگ شمردند او را و تعجب کردند از بیان قرآن‌هنگامیکه شنیدند .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در ابتداء امر جنیان را ندید تا قرآن را برآنها قرائت کند آنحضرت با جمعی از اصحاب‌بسوی بازار عکاظ تشریف بردند و چون مانع شدند از بالا رفتن جنیان و شیاطین بآسمان باز گشتند بسوی‌قوم خود بآنها گفتند ممنوع شده‌ایم ازرفتن بآسمان و باتیرشهاب مارا راندند گفتند بیکدیگر متفرق شویم در اقطار عالم تا به بینیم چه حادثه‌ای پیش آمده که در اثر آن ما را نمیگذارند بآسمان برویم آنها پراکنده شدند در روی زمین جمعی از ایشان آمدند بطرف تهامه تا رسیدند زیر درختی که در حوالی سوق‌عکاظ بود مشاهده کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بااصحاب مشغول نماز صبح است و در نماز تلاوت قرآن مینماید گوش فرا دادند بقرآن و شنیدند آیاتی

همانا مردانی از نوع بشر بمردانی از جن پناه میبردند پس آنها را افزوده سر کشی (۶) وجنیان مانند شما آدمیان میپنداشتند که هرگز برنینگیزد درقیامت خدا کسی را (۷) و جنیان گفتند ما دریافتیم که آسمان پرشده از نگهبانان سخت و توانا و تیر شهاب آتشبار (۸) وما پیش ازنزول قرآن در کمین می‌نشستیم برای شنیدن سخنان آسمانی اینك هر کس بخواهد گوش بدهد تیرشهاب آتشباردر کمینگاه او است (۹) و ما نمیدانیم که آیا بدی خواسته شده برای آنهائیکه در زمین هستند یا آنکه پروردگار اراده فرموده ایشان را براه خیر رستگار فرماید (۱۰) همانا بعضی از ما صالح و شایسته‌اند و بعض دیگر ناشایسته و ما طوایف مختلف و متفرق هستیم (۱۱) و ما چنین پنداشتیم که هرگز خدا را در زمین عاجز نکنیم و نتوانیم براو غالب شویم و از محیط اقتدارش بیرون رفته وفرار کنیم (۱۲)

چند از قرآن را پس از آن رفتند و بقوم خود خبر دادند و گفتند مبعوث شدن محمد ﷺ سبب شده که ما را نمیگذارند بآسمان بالا رویم و آنها نه نفر بودنداز طایفه جنیان نصیبین و شیصبان که بزرگترین طایفه جنیان هستند.

در تهذیب از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود دو چیز است هرگاه شخصی آنها را در نماز بخواند نمازش فاسدمیشودیکی گفتن تبارك اسمك وتعالی جدك ولااله غیرك این سخن گفتار جنیان است وندانستند که بخداوندچنتوان گفت و پروردگار در این آیه حکایت قول جنیان را نموده و دیگر گفتن السلام علینا و علی عباد الله الصالحین است یعنی در تشهد اکتفاء بآن کند و السلام علیك ایها النبی را نگوید.

(و اما ظننا ان لن تقول الانس و الجن علی الله کذبا و انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا) و ما چنین گمان کردیم کههیچ جن وانسی بر خدا دروغ نگوید لذا بقول آنهااعتماد کردیم اکنون دانستیم خلاف آن است که ایشان گفتند خدای را زن و فرزند است خداوند منزه است ازآنکه برای او فرزند و همسری باشد ومردانی بودنداز انسیان که بمردانی ازجنیان پناه میبردند پس افزود آنها را سر کشی.

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳) وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵) وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا (۱۶) لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَن يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷) وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از زراره روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر علیه‌السلام سؤال نمودم فرمود پیش از ولادت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم نزد اشخاص کاهن میرفتند و باو میگفتند بشیطان و جنی که رفیق تو است بگو فلانی پناه برده بتو و جنیان وارد میشدند بر کهنه و خبر میدادند آنها را باخبار آسمان و آنچه شنیده بودند از فرشتگان و کهنه آن اخبار را بمردم میگفتند چون پیغمبر متولد شد جنیان از رفتن بسوی آسمان منع شدند و آنها را راه ندادند و نگذاشتند اخبار آسمان را کشف کنند و بکهنه برسانند و ایشان بمردم بگویند لذا بعد از ولادت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله کاهن از بین رفت.

طبرسی از مجاهد روایت کرده گفت چون یکی از عربها هنگام مسافرت در بیابان خوفناکی میرسید میگفت پناه میبرم به‌بزرگ این بیابان از شرسفیهان چون این سخن را میگفت یقین‌پیدا میکرد که او در امن و جوار آن بزرگ‌است و اول کسیکه پناه بردبجنیان طایفه‌ای‌ازاهل یمن‌وبنوحنیفه‌بودند پس‌ازآن‌سرایت کرد بسایر عرب

(وانهم ظنوا کما ظننتم ان لن یبعث الله احدا) و آنها هم مانند شما آدمیان

و ما چون شنیدیم قرآن را ایمان آوردیم بآن و هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر نترسد از نقصان خیر وثواب و ازرنج وعذاب (۱۳) وازما بعضی مسلمان و بی‌آزار وبعضی دیگر کافر وستمکارند و کسانیکه اسلام‌آورده و تسلیم امر پیغمبر صلى الله عليه وآله شدند براه رشد وثواب شتافتند (۱٤) وکسانیکه ستمکارند هیزم آتش دوزخند (۱۵) و اگر بر طریقه ایمان پایدار بمانند بنوشانیم آنها را آب گوارا و بسیار (۱۶) تا بآن نعمت آنهارا بیازمائیم و هر کس ازیاد پروردگار خود روبگرداند بعذاب و شکنجه سخت در آورد اورا (۱۷) مساجد و محل سجدگان مخصوص خدا است پس نباید باخدا کسی را بخوانید (۱۸) وچون بنده خاص خدا برای آنکه اورا بخواند قیام نمود نزدیك بود کفار بر اوحمله کنند (۱۹) ایرسول بخلق بگومن خدای خود را بیگانگی میپرستم و هرگز کسیرا با او شریك قرارنمیدهم (۲۰)

گمان کردند که خدایتعالی از مردگان در قیامت کسی را زنده نخواهد کرد یعنی چنانکه در میان شما کافرانی هستند که اعتقاد بمعاد و حشر و نشر ندارند و درمیان ما جنیان نیز وجود دارد

(و انا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شدیدا و شهبا وانا کنانقعد منها مقاعد للسمع فمن یستمع الان یجدله شهاباً رصدا وانا لاندری اشر ارید بمن فی الارض ام اراد بهم ربهم رشدا) جنیان گفتند ماخواستیم بآسمان بالارویم یافتیم آنرا که مملو بود از فرشتگان نگهبانان قوی و تیر شهاب آتشبار و پیش از این در کمین شنیدن سخنان آسمانی می‌نشستیم اکنون چون میخواهیم سخنان فرشتگان رابشنویم شهاب و ستاره‌ای از آتش ما را منع کند و غرض جنیان از شنیدن سخنان فرشتگان آن بود که بمردم بگویند ما علم غیب میدانیم و آنها را در اشتباه اندازند چون خبری میشنیدند آن را بمردم میگفتند آنها هم گمان میکردند جنیان علم غیب میدانند -

و ما هنوز نمیدانیم که آیا خدای تعالی برای اهل زمین چه میخواهد شرو بلا و نکبت و بیماری وتنگدستی یا صلاح ورشد و تندرستی و توانگری - .

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از ابن بکیر روایت کرده گفت شنیدم حضرت

قُلْ إِنِّي لا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرّاً وَلا رَشَداً (۲۱) قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً (۲۲) إِلاَّ بَلاغاً وَ رِسالاتِهِ وَ مَنْ يَعْصِ اللهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أَبَداً (۲۳) حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَأَقَلُّ عَدَداً (۲٤) قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَداً (۲٥) عالِمُ الْغَيْبِ فَلا يُظْهِرُ عَلى غَيْبِهِ أَحَداً (۲٦) إِلاَّ مَنِ ارْتَضى مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً (۲۷) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسالاتِ رَبِّهِمْ وَأَحاطَ بِما لَدَيْهِمْ وَ أَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عَدَداً (۲۸)

باقر عليه السلام قرائت نمود آیه را و فرمود سوگند بخدا پرورد گار ارادهٔ شر نمود برای مردم هنگامیکه آنها بیعت کردند بامعاویه‌ملعون ورها کردند حضرت‌امام حسن مجتبی عليه السلام را

(و انا منا الصالحون ومنادون ذلك كناطرائق قددا) و در میان ما مانند ایشان بعضی صالح و نیکوکار وبعضی دیگرفروتر باشند در صلاح ماو ما برهواهای‌مختلف و فرقه‌های متشتت هستیم بعضی مؤمنین وطایفه‌ای کافر و منافق بعضی مسلمان و جمعی یهود و ترسا و ما یقین داریم که هرگز خدا را عاجز نتوانیم کرد واز حکومت و اقتداراو نمیتوانیم گریخت‌وفرار نمود

(و انا لما سمعنا الهدی امنابه فمن یؤمن بربه فلا یخاف بخساولارهقا)وما چون بآیات قرآن گوش دادیم هدایت یافته و ایمان آورده‌ایم و هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر از نقصان خیر و ثواب و از رنج و عذاب بر خودنترسد .

در کافی ذیل آیه مزبور از محمّد بن فضل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام معنای آیه را سؤال‌نمودم فرمود هدایت ولایت‌امیرالمؤمنین عليه السلام

و بگو من نمیتوانم بشما خیر وشری برسانم و مالك آنها نیستم (۲۱) وبگو هرگز کسی مرااز قهر خدا در پناه خود نتواند گرفت وبجز او پناهگاهی نخواهم یافت (۲۲) تنها محل امن و پناه من رسانیدن احکام و پیغام خدا است و هر که نافرمانی خدا و رسولش کند آتش دوزخ که همیشه جاوید در آن بماند برای او آماده شده (۲۳) تا روزیکه عذاب موعود خود رابچشم به‌بینند، پس بزودی بدانید کیست که یارانش ناتوان‌تر و سپاهش کمتر است (۲٤)ایرسول بگو نمیدانم‌عذاب موعود شما نزدیك است یاخدا مدت بسیاری برای‌آن قرار داده است (۲۵) دانای غیب خدا است و کسی را برعلم غیب خودآگاه نکرده (۲٦) مگر آنکس راکه از رسولان بر گزیده است و برمحافظت او از پیش رو وپشت سر نگهبانی‌میفرستد (۲۷)تا بدانند که آن‌رسولان پیغامهای پروردگار خودرا بخلق‌رسانیدند وخداباآنچه نزد رسولانست احاطه کامل دارد و بشماره هرچیز دانا است (۲۸)

پایان ترجمه سوره جن

است آنها ایمان آوردند بولایت مولای‌ما وهر کس ایمان آورد بولایت ماآل‌محمد صلی الله علیه و آله از عذاب وخسران نمیترسد فضیل می گوید بآنحضرت عرض کردم این معنا که فرمودید تنزیل آیه است فرمود خیر تأویل آیه میباشد عرض کردم حضورش معنای آیه لا املك لکم ضرا ولارشدا چیست ؟ فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را دعوت نمود بسوی‌ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام قریش اجتماع کردند حضورش و گفتند ای‌محمد صلی الله علیه و آله مارا معاف بدار از ولایت علی‌بن ابیطالب علیه السلام فرمود بامر خداست بمن ربطی ندارد آنحضرت را متهم کردند واز حضورش بیرون رفتند و اتهام ایشان آن بود که گفتند محمد صلی الله علیه و آله برخدا دروغ بسته است دربارهٔ‌ولایت علی علیه السلام خداوند آیه ذیل را نازل‌فرمود (قل انی‌لن یجیرنی من‌الله احد ولن اجد من‌دونه ملتحدا الابلاغا من‌الله ورسالاته ومن یعص‌الله‌ورسوله فان‌له نارجهنم‌خالدین فیهاابدا) ـ آیه ۲۲ ـ ۲۳ همین‌سوره‌است، یعنی‌بگو ایرسول ما مراچه کسی‌ازقهر خدامیتواند در پناه بگیرد وبغیر او هیچ گریز گاهی هر گزنخواهم یافت تنهامحل امن وپناه من رسانیدن احکام و اوامر خدا است وهر کس نافرمانی خدا ورسولش

را کند البته کیفر او آتش دوزخ است ودر آنجا جاوید خواهد بود .

(وانامنا المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا واما القاسطون فكانوا لجهنم حطبا) و ازماجنیان بعضی مسلمانند و بعضی دیگر کافر و ستمکارند هر که اسلام آورده براه رشد و ثواب شتافته است اما ستمکاران هیزم دوزخ خواهند بود .

(وان لواستقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقا لنفتنهم فيه و من يعرض عن ذكر ربه بسلكه عذابا صعدا) و اگر برطریق حق ثابت و برقرار ماندند بجای آتش بآنها آب خوشگوار و بسیار بنوشانیم و تخصیص داد آب را ازبین سایر نعمتها برای مناسبت و مطابق بودن باآتش که درآیه پیش گذشت و دیگر هرجا آب باشد درخت و نباتات هم میباشد و آنجا مال بسیار و عیش خوش باشد تا امتحان کند ایشان را در آن مال ونعمت وهر که از ذکر خدا اعراض کند خدایتعالی اورا بعذابی بسیار سخت معذب گرداند .

درکافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر ؑ روایت کرده فرمود طریقه در این آیه ولایت امیرالمؤمنین ؑ و ائمه بعد از آنحضرت میباشد اگر این مردم بااستقامت و پایدار باشندبرولایت ماائمه خداوندبیاشامد دلهای آنهارا ازایمان .

طبرسی از حضرت صادق ؑ روایت کرده فرمود معنای آیه آنست اگر این مردم بر ولایت امیرالمؤمنین ؑ و ائمه بعد از آنحضرت باقی و بر قرار بمانند خداوند بآنها علم و دانش بسیاری نصیب گرداند و آنها را از ائمه معصومین یاد گیرند و خداوند ایشان را آزمایش فرمود بوجود مقدس امیرالمؤمنین ؑ و فرزندان گرامش .

(وان المساجد لله فلاتدعوا مع الله احدا) سبب نزول آیه آن بود که جنیان حضور پیغمبر اکرم ﷺ عرض کردند ماچگونه حاضرشویم بنماز درمسجدعقب شما راه ما دور است آیه فوق نازل شدوفرمود تمام بقعه‌های زمین مختص خدا است شما نباید باخدای یکتا کسی دیگررا پرستش کنید - پیغمبر اکرم ﷺ فرمود خداوند زمین را برای من مسجد قرار داده و خاکش را طهور ساخته تا هر کجا

برسم خود و امت من نماز کنیم وهرجا آب نیافتیم بخاك تیمم نمائیم و ماحدیثی از حضرت جواد ﷺ درجواب سؤال معتصم‌عباسی در بخش دوم تفسیرذیل آیه‌السارق والسارقه بیان نمودیم که فرمود آنحضرت مقصوداز مساجد اعضاء هفت گانه است جبهه و کف دو دست و دو زانو و دو انگشت پاها که در موقع سجده باید درزمین قرار بگیرد . .

درکافی ازحماد روایت کرده که روزی حضرت صادق علیه‌السلام بمن فرمود ای حماد آیا نماز نیکومیتوانی بجاآوری عرض کردم کتاب حریز را در نماز حفظ نمودم فرمود باکی نیست برتو ایحماد بلندشو نماز بخوان‌حماد میگوید درحضور آنحضرت نماز بجا آوردم فرمود ایحماد نمازت نیکونیست چه‌قدر قبیح است‌برای مردی مانند شما که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذردو نتواند نماز رابا حدود وشرایط آن بجاآورد حماد میگوید‌خجل وشرمنده شدم وعرض کردم فدایت گردم مرا یاد بدهید آنحضرت ایستاد مقابل‌قبله‌ودستهای‌مبارك‌را در حالتیکه انگشتانش منظم بود بیکدیگر قرار داد بدو طرف خود و فاصله میان قدمهایش پیش از سه انگشت باز نبود و تمام بدن مبارکش مستقیماً مقابل قبله قرار گرفت و با حالت خشوع و خضوع فرمود الله اکبر پس از آن حمدوقل‌هوالله را باترتیل قرائت‌نمود بعد بمقدار نفس کشیدن صبر کرد آنگاه دستها رامحاذی‌صورت بلند کردوالله اکبر گفت پس از آن برکوع رفت زانو های خود را بعقب برد و کفهای دست را در حالتیکه انگشتانش باز بود روی‌زانو قرار داد و گردن را کشید بطوری‌پشت خود را مستوی کرد که اگر قطره آبی ریخته‌میشد همانجا قرار میگرفت وزایل‌نمیشد سه مرتبه گفت با ترتیل‌سبحان‌ربی‌العظیم وبحمده پس‌از آن بلندشد و گفت‌سمع‌الله لمن‌حمده بعد دستها را برای تکبیر محاذی صورت بلند کرد آنوقت بسجده رفت وکفهای دست را در حالیکه انگشتان مبارکش منضم بود بزمین گذاشت محاذی صورت سه مرتبه گفت سبحان ربی‌الاعلی وبحمده وسجده نمودبرهشت موضع‌جبهه و دو کف دست و دوسرزانو و دو انگشت ابهام پا و سر بینی و فرمود سجده نمودن بر هفت موضع واجب است‌چنانچه فرمود خدایتعالی وان المساجد لله فلا تدعوا

مع‌الله احدا و نهادن بینی برزمین مستحب است و بجز هشت موضع چیزی از بدن مبارکش در حال‌سجده بزمین قرار نگرفت سرازسجده برداشت پس از آنکه‌قرار گرفت بزمین در حال جلوس فرمود الله اکبر و نشست بطرف ران چپ بطوریکه ظاهر قدم راست‌بر باطن قدم چپ‌قرار گرفت و گفت استغفرالله ربی‌واتوب‌الیه‌تکبیر دیگر گفت درحال جلوس وسجده دوم رفت مانند اول ذکر سجود راگفت‌وچیزی از ذراعین خود را بزمین‌قرار نداد باین طریق‌دورکعت نماز بجا آورد چون‌ازنماز فارغ شد فرمود ایحماد باین کیفیت نمازبجا آور ــ .

واز حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراداز مساجد ائمه واوصیاء یکی بعد از دیگری میباشدونباید بجزآنها کسی دیگر را امام ووصی دانست‌اگر کسی غیر از ائمه راامام بداند مثل آنست که برای خدا شریك قائل شده •

(وانه لما قام عبدالله یدعوه کادوا یکونون علیه لبدا) وچون بنده‌خاص‌خدا پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله قیام کرد تامردم‌رابسوی خدا دعوت کند نزدیك بود قریش‌بر او حمله کنند و نور او را خاموش کنند و چون حضرتش مسلمانانرا بسوی ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام دعوت مینمود منافقین خواستند او را از بین ببرند •

(قل‌انما ادعو ربی ولا اشرك به احدا قل‌انی‌لااملك‌لکم ضراولارشداقل انی لن‌یجیرنی‌من‌الله احدولن اجد من‌دونه ملتحدا الابلاغامن‌الله ورسالاته ومن‌یعص‌الله ورسوله فان‌له‌نارجهنم خالدین‌فیهاابدا) درکافی ذیل‌آیه فوق ازحضرت‌موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام فرمود پس از آنکه قریش به‌پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گفتند ای محمد ما را معاف بدار از ولایت علی علیه‌السلام فرمود من میرسانم بسوی شماآنچه‌را خداوند در باره ولایت علی علیه‌السلام بمن امر فرموده و هر کس نافرمانی‌خدا و مرا کند در باره‌ولایت علی علیه‌السلام در آتش دوزخ جاوید بماند و فرمود علی علیه‌السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است. بدوزخ میگوید این شخص ازبرای تو و آن دیگر برای من .منافقین عرض کردند چه زمان علی قسیم بهشت و دوزخ است و این‌وعده چه وقت خواهد بود آیه ذیل نازل شد وفرمود ایرسول‌ما رها کن آنها را روزیکه عذاب موعودخود را بچشم مشاهده کنند آنزمان میدانند که توو آنها کدام یك یارانش ناتوان‌تر

و سپاهش کمتر است ـ .

امیرالمؤمنین علیه السلام هم بعمر فرمود ای پسر صهاك اگر عهد خدا و رسولش و کتاب پروردگار نبود که باید من مظلوم باشم همانا میدانستی کدام یك از ما ناتوان ویارانش کمتر است .

و چون رسول خدا بمنافقین خبر داد حوادثیکه درزمان رجعت واقع میشود آنها گفتند رجعت چه وقت خواهد بود خداوند آیه ذیل را نازل نمود)

(قل ان ادری اقریب ما توعدون ام یجعل له ربی امدا عالم الغیب فلایظهر علی غیبه احدا الا من ارتضی من رسول فانه یسلك من بین یدیه و من خلفه رصدا)

فرمود ایرسول ما درجواب آنها بگو ندانم آنچه شمارا وعده میدهند از خبررجعت و قیامت و عذاب نزدیك است یا خدای تعالی آن را مدت بسیاری قرار داده است، از دانای غیب است و کسی را برغیب خود آگاه نکند مگر آن راکه اوبرگزیند به پیغمبری و بر محافظت او فرشتگان را از پیش رووپشت سرمیفرستد ـ .

در کافی ذیل آیه مزبور از حمران بن اعین روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود بخدا قسم محمد از کسانی است که برگزیده او را و راضی است که غیب خود را باو اطلاع دهد وخداوند دانا است بآنچیزیکه غایب است از نظر خلایق پیش ازآفرینش آنها و پیش ازآنکه حکم وامر بفرماید بفرشتگان .ایحمران نزدخدا علمی است که موقوف است بر مشیت حکم میفرماید در آنچه اراده کند و گاهی بداحاصل میشود. حکم وامضا نمیکند اماآنچه رامقدر فرموده خدای عزوجل وحکم وامضا فرموده علم و دانش آن را برسول اکرم صلی الله علیه وآله عطا فرموده وآنحضرت بما ائمه تعلیم نموده و نزد ما موجود است ـ .

و در حدیث دیگر فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام پسندیده خدا و رسول است و از طرف خداوند در قلب اوعلم ودانش بیشماریست و ازپیش رو وعقب سرفرشتگان و نگهبانانی است که تعلیم میکنند بعلی علم را واالهام میگیرد از خداوند ورصد تعلیم نمودن از رسول اکرم صلی الله علیه وآله است تعلیم میدهد خدا و رسولش علی علیه السلام را بعلوم اولین و آخرین و آنچه واقع شده و خواهد شد از اخبار قائم علیه السلام و

رجعت و قیامت .

(لیعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بمالدیهم و احصی کل شیئی عددا)

تا بداند که رسولان خدا پیغام و رسالت پرورده کار را بخلق رسانیدند و در آن هیچ خلل نکردند و خدای تعالی محیط و عالم است بآنچه نزد رسولانست و بشماره هر چیز که در عالم است بخوبی آگاهست ـ .

فرمود آنحضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام احاطه دارد بعلم پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و خداوند بآنحضرت عطا فرموده دانش هرچیزیکه از زمان آدم بوده و تا قیامت خواهد بود از فتنه‌ایکه در عالم ایجادمیشود. زلزله باشد یا گرفتن ماه و خورشید و یا هلاکت امتهای گذشته و آینده وعده پیشوایان عادل و ظالم تمام آنها راباسم و رسم و نسب‌میشناسد. و آنچه میمیرند یا کشته میشوند و چه تعداد پیشوایانی هستند که خوار وذلیل میشوند زیر دست مردم و کسی آنها را یاری نمیکند

پایان سوره جن

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة المزمل

مركز تحقيقات كامپيوتري علوم اسلامي

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ (١) قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً (٢) نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلاً (٣)
أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً (٤) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلاً ثَقِيلاً (٥)
إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً (٦) إِنَّ لَكَ فِي النَّهارِ سَبْحاً
طَوِيلاً (٧) وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً (٨)

سوره مزّمل درمکه نازل شده وبیست آیه ودویست وهشتاد وپنج کلمه وهشتصد وسی‌وهشت حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرموده هر کس سوره مزّمل را قرائت کند در نماز عشاء یا در آخر شب و روز آن سوره شاهد او باشد و خداوند باو زندگانی نیکو و پاکیزه‌ای عطا فرماید و بمیرد در حالت نیکوئی - .

در خواص قرآن از پیغمبرا کرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کندمانند کسی است که بندگان بسیاری درراه خدا آزاد کرده وخداوند عسرت را در دنیا از او برطرف گرداند وهر کس مداومت کند بر قرائت آن پیغمبرا کرم صلى‌الله‌عليه‌وآله را در خواب مشاهده کند و حاجات خود را ازاوبخواهدخداوند حاجات خیر اورا برآورده نماید وهر کس در شب جمعه‌صد مرتبه اینسوره‌راقرائت کند خداوند صد گناه او را بیامرزد و صد حسنه در نامه عملش بنویسند.

خلاصه مطالب سوره مزّمل عبارت است از امر نمودن پیغمبر بقیام از برای نماز شب و صبر وبردباری و تحمل کردن درمقابل اذیت وآزار مشرکین وتکذیب کنندگان، و تهدید کفار و تأکید حجت براهل‌مکه و تهدید آنها و تخفیف‌وبر

ترجمه سوره مزمل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسولیکه برخود جامه پیچیده‌ای (۱) شب را برخیز مگر اندکی (۲) نیمه‌شب را یا کم کن‌اندکی از آن (۳) یا چیزی بر نیمه آن بیفزا و شمرده تلاوت کن قرآن را با توجه کامل (٤) ما کلام بسیار سنگین‌را برتو القاء میکنیم (٥) همانا برخاستن شب بهترین صدق گفتار وقویترین اخلاص است(٦) تورا روزروشن در طلب روزی فرصت وسیعی است (۷) ودایم یاد کن نام پروردگارت را واز غیر او علاقه خودرا منقطع کن و باو پرداز (۸)

داشتن وجوب نماز شب از پیغمبر اکرم ﷺ و اصحابش

قوله تعالی (یا ایها المزمل قم اللیل الا قلیلا نصفه او انقص منه قلیلا اوزد علیه ورتل القران ترتیلا انا سنلقی علیك قولا ثقیلا ان ناشئة اللیل هی اشد وطاء واقوم‌قیلا ان لك فی النهار سبحاطویلا واذکراسم ربك وتبتل‌الیه‌تبتیلا) پروردگار ندا میکند رسول اکرم ﷺ را در حالتیکه بر آن حال بود در ابتداء وحی‌واین سوره در شب فرود آمد برای نمازشب.ایکسیکه در جامه خود پیچیده وخفته ای برخیز شب را برای‌نمازمگراندکی را که نصف یا کمتراز آن باشد که‌باستراحت پرداز یا چیزی بر نصف بیفزا یعنی مخیری‌اگر میخواهی نصف شب برخیز واگر میل داری برنصف بیفزا یا از نصف چیزی کم کن و آیات قرآن را باتأنی و توجه کاملا قرائت کن یعنی‌مانندشعرآن‌را تلاوت نکن .بطوری قرائت کن‌که دلهای قساوت‌دارآن را بشنوند ـ

در تهذیب ذیل آیه فوق از محمد بن مسلم روایت کرده گفت معنای آیه رااز حضرت باقر عليه‌السلام سؤال نمودم فرمود .خداوند امر کرده‌به پیغمبرش که تمام‌شبها بنماز مشغول باشد.مگر آن شبهائی که بیمار و یاعذر داشته باشد. ما بر تو سخن گرانی القاء میکنیم سخن گران وحی قرآن و احکام و فرایض حدود وایستادن‌در شبها برای نماز شب بهترین شاهد اخلاص قلب و دعوی برصدق ایمانست چه بر

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلاً (۹) وَاصْبِرْ عَلی
ما يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِيلاً (۱۰) وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ
وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلاً (۱۱) إِنَّ لَدَيْنا أَنْكالاً وَجَحِيماً (۱۲) وَطَعاماً ذاغُصَّةٍ
وَعَذاباً أَلِيماً (۱۳) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبالُ وَكانَتِ الْجِبالُ كَثِيباً
مَهِيلاً (۱۴) إِنّا أَرْسَلْنا إِلَيْكُمْ رَسُولاً شاهِداً عَلَيْكُمْ كَما أَرْسَلْنا إِلی فِرْعَوْنَ
رَسُولاً (۱۵) فَعَصی فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْناهُ أَخْذاً وَبِيلاً (۱۶) فَكَيْفَ
تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْماً يَجْعَلُ الْوِلْدانَ شِيباً (۱۷) اَلسَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ
كانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً (۱۸)

خاستن دردل شب از فراش استراحت سخت و گران است ـ .

در کافی ذیل آیه فوق ازحضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده‌فرمود مقصود آنست که شخص از فراش خود بر خیزد و اراده کند بآن‌قیام خدارا نه غیر او را ـ تورا روز روشن در طلب روزی، وقت کافی وفرصت وسیعی است و دایم در شب و روزیاد خدا کن و بکلی از غیر او علاقه ببر و دنیا را رها کن وبخدا پرداز و توجه کامل باو پیدا نما .

(رب المشرق و المغرب لااله الاهو فاتخذه وكيلا و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجراًجميلا) همان خدای‌مشرق‌و مغرب‌جهان که‌جزاوهیچ خدائی‌نیست،او رابر خود و کیل ونگهبان قرارده ودر تمام کارها براو توکل کن و برآنچه‌این کافران میگویند از طعن و یاوه گوئی و تکذیب کردن تو صبر و شکیبا باش و بطرز نیکوئی از آنها دوری‌نما ـ .

(و ذرني و المكذبين اولى النعمة و مهلهم قليلا ان لدينا انكالا وجحيما و

همان پروردگار مشرق و مغرب که جز او خدائی نیست پس اورا وکیل و نگهبان خود قرار بده (۹) و شکیبا باش بر گفتار تکذیب کنندگان و بطرز نیکو از آنها دوری کن (۱۰)و کار تکذیب کنندگان مغرور درنعمت ومال رابمن‌واگذار و اندکی بآنها مهلت ده (۱۱) نزد ما غل و زنجیر آتش سخت برای کافران مهیا است (۱۲) و طعامیکه از فرط اندوه گلو گیر است و عذاب دردناك برای آنها آماده است (۱۳) آنروزیکه زمین و کوهها بلرزه درآید وتل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱٤) ما بسوی شما رسولی فرستادیم تا گواه‌باشد برشما چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم (۱۵) پس فرعون نافرمانی رسول کرد ما هم او را بقهر و انتقام سخت بگرفتیم (۱٦) پس اگر کافر شوید چگونه از عذاب پرهیز میکنید روزیکه کودك از ترس آن پیر میشود (۱۷) و آسمان از وحشت آن‌شکافته شود ووعده‌ثواب وعقاب خدا وقوع یابد (۱۸)

طعاما ذاغصة و عذابا الیما یوم ترجف الارض والجبال و کانت الجبال کثیبامهیلا) ایرسول بمن رها کن این کافران‌راکه تو را تکذیب میکنند چون صاحب مالند آنها مغرور بنعمت و مال خود شدند مهلت ده‌ایشان را اندکی از روزگارچه آنها بزودی بشمشیر تو کشته شوند وبآتش من سوخته گردند و این آیه برای تهدیدو وعید کفار ومنافقین است ـ .

در کافی ذیل آیه فوق‌ازحضرت موسی بن جعفر عليه‌السلام روایت کرده فرمود معنای آیه‌آنست :ای محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله صبر کن بر آنچه در باره شما میگویند و رها کن کفار را وواگذار مرا با کسانیکه تکذیب می‌کنند امیرالمؤمنین وصی‌تو را ـ محمد بن فضل میگوید سؤال نمودم از آنحضرت این معنی تنزیل آیه‌است؟ فرمود بلی و اینحدیث را ابن شهرآشوب نیز روایت کرده . پس از آن تهدید دیگری میکند و میفرماید نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران آماده است

و غل زنجیر دوزخیان برای آن نیست تا ایشان نگریزند بلکه عادت اهل زندان است و نوعی دیگر از عذاب باشد و طعامی باشد از بـرای دوزخیان

إِنَّ هٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹) إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ
أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ
وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا
تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ
فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا
مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا
وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا
وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

که از فرط غصه و اندوه گلو گیر آنها میشود و عذاب دردناك برای ایشان آماده است ـ .

یکروزامیرالمومنین دندانش درد گرفت وازآن متالم شد گفت پروردگارا شما که در باره استخوان این همه درد و رنج میتوانی بیافرینی پس ما را آیه ان لدینا انکالا وجحیماً چه احتیاج است آن روز که زمین و کوهها بلرزه در آید و کوهها مانند تل ریگی شود وچون موج روان گردد .

(انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا ، فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذا و بیلا) ما بسوی شما پیغمبری فرستادیم تا گواه باشد بر اعمال شما چنانکه بر فرعونیان هم پیغمبری فرستادیم پس فرعون عاصی شد ونافرمانی کرد از پیغمبر خود ماهم اورا بقهرو انتقام سخت بگرفتیم •

(فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان شیبا ، السماء منفطر به کان وعده مفعولا ، ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا) پس اگر امروز بخدا کافر شوید چگونه پرهیز کنید از عذاب روزیکه کودك از ترس آنروز پیرشود

این است یاد آوری تا هر که بخواهد راهی بسوی خدا پیش گیرد (۱۹) خدابحال تو آگاهست که تو وجمعی که با تو هستند نزدیك دو ثلث یا نصف یا ثلث شب را همیشه بر میخیزی برای طاعت و خدا گردش روز و شب را مقدر میکند و او میداند که شما هر گز تمام شب را ضبط نخواهید کرد پس در گذشت از شما و تلاوت کنید قرآن راآنچه میسر میشود خدا میداند که بزودی بعضی از شما مریض و ناتوان میشوید و بعضی در سفر برای تجارت از فضل و کرم خدا روزی‌میطلبید وبعضی در راه خدا بجهاد مشغولید پس‌آنچه توانید تلاوت کنید قرآن را و نماز بپا دارید و زکوة بدهید وبرای خدا بمحتاجان قرض نیکو دهید و هرچه برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن پاداش بسی بهتروبزرگتر است ودایم از خدا طلب آمرزش کنید همانا خداوند آمرزنده ومهربانست (۲۰)

پایان ترجمه سوره مزمل

و آسمان از وحشت آنروز شکافته و از هم بپاشد ووعده ثواب‌وعقاب خدا بوقوع انجامد این آیات قرآن برای تذکر و یاد آوری فرستاده شده تا هر که بخواهد راهی بسوی خدای خود پیش گیرد یعنی اگراطاعت کند بثوابیکه خدا وعده داده برسدو اگر اطاعت نکند بسوء اختیار او باشد

(ان ربك یعلم انك تقوم ادنی من ثلثی اللیل و نصفه و ثلثه و طائفة من الذین معك و الله یقدر اللیل و النهار علم ان لن تحصوه فتاب‌علیکم فاقرؤا ماتیسر من القرآن علم ان سیکون منکم مرضی و آخرون یضربون فی الارض یبتغون من فضل الله و آخرون یقاتلون فی سبیل الله فاقرؤا ماتیسر منه و اقیموا الصلوة وآتوا الزکوة و أقرضوا الله قرضا حسنا وماتقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله‌هوخیرا و اعظم اجرا و استغفروا الله ان الله غفور رحیم) ایرسول ما خدای تو میداند که تو بر میخیزی کمتر ازدوثلث شب را یا نصف و ثلث آنرا و همچنین کسانیکه با تواند و خدا اندازه و مقدر میکند شب وروز را ومیداند که شما هر گز تمام‌ساعات شب را نتوانید شمرد و ضبط کرد یعنی طاقت ندارید تمام شب را زنده دار باشیدو

بعبادت مشغول شوید لذا از شما در گذشت و عذر شما را پذیرفت پس بخوانید از قرآن آنچه میسر میشود برای شما آنگاه بیان میکند که این تخفیف برای آن است که میداند بعضی از شما مریض وناتوان وبعضی در سفر برای کسب وتجارت ازفضل و کرم خدا روزی میطلبید و بعضی درراه خدا بجهاد میروید پس در هرحال بخوانید از قرآن آنچه میسر شود و نماز بپا دارید وزکوة مال بدهید و برای خدا بمحتاجان قرض نیکو دهید و بدانید که هرچه پیش از خود بفرستید از عمل خیر و نیکو وصدقه پاداش آنرا نزد خدا بیابید وآن اجر و ثواب آخرت بهتروبزرگتر است از آنچه دادهاید و از خدا آمرزش طلبید که اوآمرزنده و مهربانست ـ .

شیبانی در کتاب نهج البیان از حضرت باقر علیه‌السلام و حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمودند سبب نزول آیه آن بود که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اصحاب او تمام شب رابعبادت مشغول بودند بطوریکه قدمهای آنها ازبسیاری بپا ایستادن ورم کرده ودشوار بود برآنها ـ این آیه برای تخفیف عبادت ایشان درشب نازل شدچنانکه فرمود علم ان لن تحصوه یعنی طاقت ندارید ـ

طبرسی ذیل جمله : وآخرون یضربون فی الارض ازابن مسعود روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هر مردی متاعی ازشهری بشهر دیگر از شهرهای مسلمانان ببردو بنرخ روز بفروشدثواب او نزد خدا ثواب شهیدان باشد واز حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده ذیل جمله ما تیسر منه فرمود مراد خشوع دل و صفای باطن است و فرمود قرض در این آیه غیر از دادن خمس و زکوة است ـ •

طبرسی ذیل جمله و طائفة من الذین معك از ابن عباس روایت کرده گفت مقصود از طایفه در اینجا امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ابوذر غفاری است .

پایان سوره مزمل

سورة المدثر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها المدثر (١) قم فأنذر (٢) وربك فكبر (٣) وثيابك فطهر
(٤) والرجز فاهجر (٥) ولا تمنن تستكثر (٦) ولربك فاصبر (٧)
فإذا نقر في الناقور (٨) فذلك يومئذ يوم عسير (٩) على الكافرين
غير يسير (١٠) ذرني ومن خلقت وحيدا (١١) وجعلت له
مالا ممدودا (١٢)

سوره مدثر پنجاه وشش آیه‌ودویست وپنجاه وپنج کلمه وهزاروده حرف است .

خواص وثواب تلاوت آن : ابن‌بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مدثر را قرائت کند در نمازهای واجب برخدا است که اورا درجوار پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قراربدهد ودردنیاشقاوتی‌باو نرسد ودر خواص قرآن‌ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که اینسوره راقرائت کند عطا فرمایدخداوند باو از اجربتعداد کسانی که محمد صلی الله علیه و آله راتصدیق کرده اند و هر کس مداومت نماید بر قرائت آن پاداش بزرگی برای او خواهد بود و هر کس بعداز ختم هر سوره ای ازقرآن از خداوند طلب نماید حفظ آن سوره رانمی‌میرد تاآن سوره را حفظ بنماید و ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس‌مداومت نماید برقرائت سوره مدثر و ازخداوند درخواست کند حفظ آن سوره را یاحاجتی بطلبد خداوند حاجت اورا برآورد .

خلاصه مطالب سوره موثر عبارت است از امرنمودن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را به تبلیغ رسالت وترسانیدن مردم از عذاب خدا وتطهیروصفای باطن وتهدید کفار

ترجمه سوره مدثر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسولیکه لباس بخود پیچیده ای (١) بر خیز و خلق را بترسان (٢) و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن (٣) ولباس خود راپاکیزه بدار (٤) واز گناه وپلیدی دور شو (٥) و احسان مکن بکسی تا بیش از آن عوض بستانی (٦) وبرای پروردگار صبر وبردباری پیش گیر (٧) و چون درصور بدمند (٨) آنروزروزبسیار سختی‌است (٩) برای‌کافران هیچ راحت‌و آسانی نیست (١٠) ایرسول بمن واگذار آنکسیکه اورا تنها آفریدم (١١) وباو مال‌وثروت فراوان دادم (١٢)

ومشرکین و سوگند پروردگار بروقوع کیفر کفارو بزرگ وسخت بودن عقوبت آنها و آنکه‌هرنفسی درگرو اعمالی است که بجاآورده است .

قوله تعالی .

(یاایها‌المدثر قم‌فانذر وربك فكبر وثیابك فطهر) طبرسی از جابر روایت کرده گفت از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیدم فرمود در کوه حراء بودم مرا ندا کردند ازچپ وراست وپیش وعقب نگاه کردم کسی را ندیدم نگاهی بطرف آسمان نمودم فرشته ای‌میان آسمان و زمین مشاهده کردم ابهت آن فرشته مراگرفت متوحش شدم بمنزل خدیجه رفتم باو گفتم جامه بر من افکند و مرا بپوشاند جامه بر من افکند بحالت خواب رفتم‌ناگاه جبرئیل برمن‌نازل شدو آیات فوق را آوردو گفت ایجامه بخودپوشیده برخیزوقوم رابترسان‌وآنها رابسوی خدا بخوان‌وپروردگارت را به‌بزرگی یاد کن دانستم که‌وحی‌ازجانب‌خدایتعالی است بمن رسیده چه شیطان هیچ‌وقت این گونه‌سخن‌نمی گوید .

درکافی ذیل آیه وثیابك فطهر ازسلمة بیاع‌القلانس روایت کرده گفت‌حضور حضرت باقر علیه‌السلام بودم حضرت صادق علیه‌السلام واردشد وباو فرمود ای‌فرزندم‌برو لباست را تطهیر کن ما گمان کردیم‌لباس آنحضرت آلوده شده بچیزی رفت ولباس خود را کوتاه نمود وباز گشت‌ماحضورش‌عرض کردیم فدایت شویم لباس او چه بود فرمود

وَ بَنِينَ شُهُوداً (۱۳) وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيداً (۱۴) ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵) كَلاَّ إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيداً (۱۶) سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً (۱۷) إِنَّهُ فَكَّرَ وَ قَدَّرَ (۱۸) فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹) ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰) ثُمَّ نَظَرَ (۲۱) ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ (۲۲) ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَكْبَرَ (۲۳) فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ يُؤْثَرُ (۲۴) إِنْ هَذَا إِلاَّ قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵) سَأُصْلِيهِ سَقَرَ (۲۶) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ (۲۷) لاَ تُبْقِي وَلاَ تَذَرُ (۲۸) لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ (۲۹) عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بلند بود امر کردم کوتاه کند آن راو آیه را قرائت نمود و فرمود خداوند میفرماید لباستان را کوتاه کنید تا بزمین کشیده نشود و تطهیر او کوتاه کردن است و از محمد بن مسلم روایت کرده که حضرت صادق عليه السلام نظر کرد بشخصی که لباسش بزمین مالیده میشد باو فرمود این لباس پاکیزه نیست آن‌را کوتاه کن .

امیرالمؤمنين عليه السلام فرمود ای‌مردم لباسهای خودتان را بشوئید و از چرك و کثافات پاکیزه کنید که‌پاکیزگی لباس هم‌وغم را بر طرف می کند .

(والرجز فاهجر ولاتمنن تستکثر ولربك فاصبر) واز ناپاکی وپلیدی دوری بجو وبرهر که احسان کنی منت‌مگذار وعوض‌نخواه وبرای خدا صبر کن‌بر آزار و ایذاء و رنجها که تورا می دهند .

(فاذا نقرفي الناقور فذلك يومئذ يوم عسير على الكافرين غير يسير) چون در صور دمند آنروز بسیار روز سختی است برای کافران هیچگونه درآنروز آسایش و راحتی نیست بعضی از صحابه قرآن می‌خواندند چون باین آیه رسیدند چند بار تکرار کرده ونعره ای بزدند و جان‌دادند .

شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فاذا نقرفي الناقور ازمفضل بن عمر روایت

وپسران حاضر بخدمت نصیب او کردم (١٣) و اقتدار و تمکن وعزت دادم (١٤) پس طمع دارد آنکه زیاد کنم آنها را (١٥) هرگز برنعمتش نیفزایم چه او با آیات ما ستیزه و دشمنی میکرد (١٦) بزودی او را بآتش دوزخ در افکنیم (١٧) او فکرو اندیشه بد میکرد (١٨) پس کشته شود چگونه اندیشه‌وتقدیر نمود(١٩) باز هم کشته شود چگونه فکر خطائی کرد (٢٠) آنگاه اندیشه کرد (٢١) و روی ترش کرد وچهره درهم کشید (٢٢) پس از آن روی گردانید و سرکشی کرد (٢٣) و گفت این قرآن بجز سحر که آموخته شود چیز دیگری نیست (٢٤) نیست این قرآن مگر گفتار بشر (٢٥) بزودی این کافر تکذیب کننده را بآتش دوزخ در افکنیم (٢٦) و چه میدانی کـه چیست دوزخ (٢٧) شراره آن دوزخ بـاقی نگذارد و باز ندارد کسی را (٢٨) آن آتش بر آدمیان رونماید (٢٩) برآن آتش نوزده فرشته موکلند (٣٠)

کرده گفت ازحضرت صادق علیه‌السلام معنای آیه راسؤال نمودم فرمود امامی‌ازما ائمه از نظر مردم غایب‌وپنهان میشود هروقت خداوند اراده فرمایدآن‌امام ظاهر گردد بقلب مبارکش الهام شود و قیام نماید.

و از جابربن یزید جعفی روایت کرده کـه حضرت باقر علیه‌السلام فرمود نـاقور صدائی است که از آسمان شنیده میشود. منادی ندا کند ایمردم آگاه باشید کـه‌ولی شما حجة‌بن الحسن عسکری روحی وروح العالمین لـه‌الفداء قیام بحق میکند و منادی جبرئیل امین است سه ساعت پیش از ظهور آنحضرت ندا کند و آنروزبرای کفار و منافقین بسیار سخت است همانهائی که‌بنعمت‌خداوند وولایت امیرالمؤمنین کافر شدند.

(ذرنی ومن‌خلقت وحیدا) این آیات در حق ولیدبن‌مغیره نازلشده، داستان آن‌بدینقرار است‌بولید یکی ازرؤسای‌عرب و پیرمرد ثروتمند و باتجربه‌ای بود قریش نزد اورفتند و گفتند ایعبد شمس‌این کلمات‌چیست که‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله میخواندشعر است یاخطبه ویا کهانه بآنها جوابداد مرا واگذارید تاسخنان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را بشنوم

وَما جَعَلْنا أَصْحابَ النّارِ إِلّا مَلائِكَةً وَما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ وَيَزْدادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيماناً وَلا
يَرْتابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
وَالْكافِرُونَ ماذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً كَذلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشاءُ وَيَهْدِي
مَنْ مَنْ يَشاءُ وَما يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلّا هُوَ وَما هِيَ إِلّا ذِكْرى لِلْبَشَرِ
(۳۱) كَلّا وَالْقَمَرِ (۳۲) وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (۳۳) وَالصُّبْحِ إِذا أَسْفَرَ
(۳۴) إِنَّها لَإِحْدَى الْكُبَرِ (۳۵) نَذِيراً لِلْبَشَرِ (۳۶)

ودر باره آن حکم نمایم حضور پیغمبر اکرم رفت عرض کرد برای من مقداری از اشعار خود بخوان آنحضرت فرمود کلام پروردگار است این سخنان نه شعر خوشنود می کند فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین‌را .

ولید گفت مقداری از آنها برای من تلاوت فرمائید آنحضرت سوره حم سجده را برای ولید قرائت نمود چون بآیه فان اعرضوا فقل انذرتکم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود رسید ولید از هیبت آیه لرزید و موهای بدنش از جا بلند شد بمنزل خود رفت و اعتنائی بقریش ننمود آنها نزد ابوجهل رفتند و گفتند ای اباحکم عبد شمس بدین محمد ﷺ میل کرده مگر نمی بینی بسوی ما باز نگشت ابوجهل بمنزل ولید رفت باو گفت ما را مفتضح و رسوا کردی دشمنان بما شماتت می کنند و می گویند ولید بدین محمد ﷺ میل کرده ولید گفت چنین نیست بدین او مایل نشدم ولی کلماتی از او شنیدم که بدنم را بلرزه درآورد ابوجهل سؤال کرد آن کلمات خطبه است یا شعر؟ ولید جواب داد خطبه نیست چه خطبه کلام متصل است و بعضی از آن شباهت ندارد ببعض دیگر وشعر هم نیست من تمام اقسام شعرهای عرب را از بسیط و کشیده و رمل

و ماخازنان دوزخ را غیر فرشتگان عذاب قرار ندادیم وعدد آنها راجز برای آزمایش و محنت کفار نگردانیدم و تا آنکه اهل کتاب یقین کنندالبته بوحی خدا است وبر یقین مؤمنان بیفزاید ودیگردردل اهل کتاب ومومنین هیچ شکی نماند وتا آنهائیکه دلهایشان مریض است وکافران بگویند خدا از این مثل چه خواسته و منظورش چه بوده همچنین خدا بحالت گمراهی وامیگذارد هر کرا بخواهد وزهبری میکند کسی را که مشیتش تعلق بگیرد و کسی نمیداند سپاه پروردگارت را مگر او ونیست این آیات مگر پند وتذکری برای بشر (۳۱) چنین نیست سوگند بماه تابان (۳۲) و قسم بشب تار چون بازگردد (۳۳) و سوگند بصبح چون روشن شود (۳٤) همانا آن دوزخ یکی از بزرگترین بلاها است (۳۵) بیم کننده هر آدمی است (۳٦)

ورجز شنیده ام هیچ یك ازآنها نیست ابوجهل گفت پس چیست ولید پاسخ دادمرا واگذارید تادرباره آن فکر کنم روز دیگرقریش نزد ولید جمع شدند وباو گفتند ای‌عبد شمس درباره آن کلمات چه می گوئی گفت بگوئید سحر است زیرا دلهای مردم را متوجه خود می کند و میان پدر و فرزند وزن و شوهر جدائی می‌افکند آیات مزبور نازلشد خطاب کرد ایرسول ما بما واگذار کار آنکس را که درشکم مادر آفریده ایم اوراتنها بدون مال‌وثروت وفرزندو اتباع وجهت آنکه‌ولیدراوحید نامید آن بود که بقریش می گفت من‌به تنهائی درگوشه منزل خود می‌نشینم وشما با جمعیت خود یکسال‌بیرون بروید ودر اجتماع رفتو آمد کنید چه‌من‌مال‌وثروت بسیار دارم . ولید درطائف‌باغو بستانی داشت که میوه آن‌تاسال دیگر منقطع‌نمیشد و ده بنده داشت بهر یك هزار دینار داده‌بود تابرایش تجارت کنند و قنطاری طلا داشت وبیست فرزند که تمام‌آنها درمکه حضورش بودند خداوند فرمود بولید مال وثروت فراوان دادم وپسران با اقتدار و حاضر بخدمت و تمکن و عزت عطا کردم بازهم طمع دارد که در مال و فرزندان او بیفزایم هرگز افزوده نکنم ولیدبآیات وکتاب و دلایل و بینات ما دشمنی وعناد ورزیدرسول ما راسخریه و استهزاء نمود

لِمَنْ شَاءَ مِنكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (٤۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ (٤۱) مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ (٤۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (٤۳) وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ (٤٤) وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (٤۵) وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ (٤٦) حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ (٤۷) فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ (٤۸) فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ (٤۹) كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ (۵۰) فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (۵۱) بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنَشَّرَةً (۵۲) كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۵۳) كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (۵٤) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ (۵۵) وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (۵٦)

بزودی او را بعقبه سخت دوزخ و آتش جهنم در افکنیم فکر و اندیشه بدی کرد زیرا بعد از فکر گفت محمد صلی الله علیه و آله ساحر و قرآن سحر است خدا بکشد او را چگونه تقدیر کرد باز هم خدا بکشد او را چگونه غلطی کرد و تکرار برای آنستکه دو تقدیر نمود یکی آنکه گفت محمد صلی الله علیه و آله ساحر است و دیگر علت آورد سحر او را بآنکه جدائی می‌افکند میان شخص و اهلش آنگاه اندیشه کرد و روی ترش نمود و چهره برهم کشید سپس روی بر گردانید و تکبر کرد و گفت این قرآن محمد صلی الله علیه و آله جز بیان سحر انگیزی هیچ نیست این آیات گفتار بشری بیش نیست ما این منکر تکذیب کننده را بکیفر کفرش بآتش دوزخ افکنیم تو چه دانی که سختی عذاب تا چه حد است .

تا از شما بشر هر که بخواهد در ایمان پیش رود یا باز ماند (۳۷) و هر نفسی در گرو عملیست که انجام داده‌است (۳۸) مگر اهل ایمان که‌اصحاب‌راستند (۳۹) آنها در بهشت سئوال می کنند (٤٠) از احوال گناهکاران (٤١) چه عمل شما را بدوزخ افکند (٤۲) گویند ما از نماز گزاران نبودیم (٤۳) ونه فقیریرا طعام دادیم (٤٤) و با اهل باطل مصاحبت میکردیم (٤٥) و روز قیامت را منکر بودیم (٤٦) تا آمد ما را مرگ (٤٧) پس در آنروز شفاعت شفیعان در حق آنها پذیرفته نیست (٤٨) پس چرا ایشان از یاد قرآن دوری میجویند (٤٩) گویا آنها الاغهای وحشی هستند(٥٠) که از شیردرنده فرار میکنند (٥١)بلکه‌هریك‌از آنهامیخواهند که نامه سر گشاده ای از آسمان بر ایشان نازل شود (٥۲) چنین نیست که گمان کرده اند بلکه‌ازعذاب آخرت نمیترسند (٥۳) چنین‌نیست که‌آنها گمان کرده‌اند قرآن همه پندو اندرز است (٥٤) پس هر که میخواهد بآن پند بگیرد (٥٥) و نمیخواهند جز آنکه خدا بخواهداوسزاوار است ازبرای ترسیدن،اواست‌اهل‌تقوی و او است آمرزنده گناهان (٥٦)

پایان ترجمه

عیاشی از محمدبن مسلم روایت کرده‌حضور حضرت باقر عليه‌السلام عرض کردند هشام دربعضی از گفتارش گفته من ولید وحید هستم فرمود وای براوا گرمیدانست معنای وحید را افتخار نمیکرد باو عرض کردند معنای وحیدچیست ؟ فرمودولدزنا وکسیکه پدری برای او شناخته‌نشده‌واین آیات جاریست درحق‌منافقین‌وکسانیکه منکر ولایت امیرالمؤمنین هستند .

(لاتبقی ولاتذر) هیچ رها نکنند وباقی نگذارد کسی را آندوزخ و همه را بسوزاند آن آتش برآدمیان ظاهر شود و روی نماید موکل باشند بر آن نوزده نفرفرشته چون‌آیه مزبور نازلشد ابوجهل بقریش گفت میشنوید محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله میگوید خازنان دوزخ نوزده نفرند شما شجاعانی هستید،که هر یك ده نفر را میتوانیددفع کنید ابو الاسود بن کندة بن اسد بن خلف جمعی گفت من هفده نفر از آنها را کفایت کنم و تمام شما دو نفر دیگر را کافی خواهید بود آیهٔ ذیل

نازل شد: (وما جعلنا اصحاب النارالا ملائكة وما جعلنا عدتهم الافتنة للذين كفروا ليستيقن الذين اوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا ايمانا ولايرتاب الذين اوتوا الكتاب والمؤمنين وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء ومايعلم جنود ربك الاهو وماهي الا ذكرى للبشر) و ما خازنان دوزخ را غير فرشتگان عذاب قرار ندادیم وعدد آنها راجز برای فتنه و آزمایش و اختبار کفار نوزده نگردانیدم و کفار گمان میکنند فرشتگان مانند مردان دنیا هستند وقوت آنها فوق قوت فرشتگان میباشد و میگویند این عده اندك باخلایق بسیار چگونه مقاومت میتوانند نمودونیز تا اهل کتاب یقین کنند که رسول ما صادق است و آنچه میگوید از طریق وحی میگوید چه این عدد مطابق تورات و انجیل است و پیغمبر کتاب تورات و انجیل نخوانده و نیز بر یقین مؤمنین بیفزاید چون بشنوند از اهل کتاب که آنچه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مطابق حق است و دیگر دردل اهل کتاب و مؤمنین باسلام هیچ شکی نماند ونیز تا کافران آنهائیکه شاکند و دلهایشان مریض است بطعنه نگویندخدا زاین مثل که عده فرشتگان را نوزده شمرده چه منظور داشت ـ درکافی ذیل آیه مزبور ازمحمدبن فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معنای آیه را سوال نمودم فرمود اهل کتاب یقین نمودند که خداوند و رسول ووصی او امیرالمؤمنین علیه السلام بر حق است عرض کردم معنای و یزداد الذین آمنوا یعنی چه فرمود ایمان مؤمنین بولایت علی زیاد میگردد گفتم ولایرتاب الذین اوتوا الکتاب یعنی چه فرمود آنها درولایت امیرالمؤمنین علیه السلام شك نمی کنند عرض کردم و ماهي الاذكر للبشر یعنی چه فرمود ولایت آن حضرت نیست مگر تذکری ازبرای بشر گفتم انها لاحدى الكبر فرمودیعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام وحضرت فاطمه زهرا علیها السلام یکی از بزرگترین آیات خدا است گفتم لمن شاء ان یتقدم اویتأخر فرمود هر کس مقدم بدارد ولایت دیگری را بر ولایت ما آخرو عاقبت او جهنم است و آنکه ولایت مارا مؤخر بدارد او نیز از اهل دوزخ است گفتم الااصحاب اليمين فرمود سوگند بخدا آنها **شیعیان ما** هستند عرض کردم معنای لم نك من المصلين یعنی چه فرمود صلوة در **این آیه** ولایت

امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان آنحضرت است یعنی ما دوست نداشتیم علی علیه السلام را و دارای اوصیاء نبودیم وبر آنها صلوات نمی فرستادیم گفتم فمالهم عن التذکرة معرضین فرمود یعنی ازولایت علی علیه السلام دوری میجویند عرض کردم کلاانها تذکرة فرمود ولایت آنحضرت تذکره ایست ٠

(کذلك یضل الله من یشاء ویهدی من یشاء و مایعلم جنود ربك الاهو و ماهی الاذکری للبشر کلا والقمر واللیل اذا ادبر والصبح اذا اسفرانها لاحدی الکبر نذیراللبشر لمن شاء ان یتقدم اویتاخر) چنین قرارداد عدد فرشتگان خازنان دوزخ راتاهر کرا بخواهد بحالت گمراهی وا گذارد وهر کراخواهد توفیق عنایت کند تا هدایت یابد و جز خداوند کسی عدد لشگرهای پروردگار را نمیداند و این آیه جواب گفتار ابوجهل است که بقریش گفت شما مردان شجاع و بسیاری هستید واز عهده نوزده نفر خازنان دوزخ بیرون می آئید و نیست ذکر دوزخ مگربرای پندو موعظه بشر چنین نیست که کفار گمان کرده اند قسم بماه تابان وبشب تار چون باز گردد و قسم بصبح چون جهان را روشن سازد که آن دوزخ یکی ازبزرگترین آیات خدا است میترساند آدمیان راآنهائیکه خواهند در مقام ایمان وطاعت پیش افتندیا باز مانند ٠

(کل نفس بما کسبت رهینة الااصحاب الیمین فی جنات یتسائلون عن المجرمین ما سلککم فی سقر قالوا لم نك من المصلین ولم نك نطعم المسکین و کنانخوض مع الخائضین و کنا نکذب بیوم الدین حتی آتینا الیقین) و هرنفسی در گروعملی است که انجام داده است یعنی بعمل خود گرفتار است مانند چیزیکه گروگان نهاده مگر اصحاب راست که اهل بهشت باشند و ایشان در گرو نباشند برای آنکه خداوندآمرزیده آنها را ـ ابوحمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اصحاب یمین ما ائمه و شیعیان ما میباشند آنها از گناهکاران میپرسند چه عملی شما را بدوزخ افکند جواب دهند ما از زمره نمازگزاران نبودیم بینوایان را طعام نمیدادیم وبا اهل باطل در معاصی فرو رفتیم ویار وهمکار بودیم روز قیامت و جزا را دروغ پنداشتیم تا آنکه بمرگ یقین بقیامت یافتیم ـ ٠

در کافی از ادریس بن عبدالله روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه لم نك من المصلین را سؤال نمودم فرمود یعنی نبودیم از پیروان ائمه وحقوق وخمس آل محمد صلی الله علیه و آله را ندادیم.

(فما تنفعهم شفاعة الشافعين فمالهم عن التذكرة معرضين) پس در آنروز شفاعت شفیعان درحق آنها هیچ پذیرفته نشود چرا از ذکرقرآن ویاد روز سخت قیامت دوری می‌جویند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر تمام فرشتگان مقرب و پیغمبران مرسل شفاعت کنند درحق ناصبین آل محمد علیهم السلام شفاعت آنها قبول نشود.

(کانهم حمر مستنفرة، فرت من قسورة بل یرید کل امری، منهم ان یؤتی صحفا منشرة کلا بل لایخافون الاخرة کلا انه تذکرة فمن شاء ذکره ومایذکرون الاان یشاء الله هو اهل التقوی واهل المغفرة) گویا منافقین و کفار الاغهائی هستند که ازشیر درنده رمیده و گریزانند بلکه هریك از آنها میخواهند صحیفه وحی آسمانی برای ایشان آید تا ایمان آورند سبب نزول آیه آن بود که جمعی ازقریش گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله اگر می‌خواهی ما بتو ایمان آوریم باید کتاب خاصی از جانب خداوند بیاید که در آن نوشته شده باشد ایفلان به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آور تا ما متابعت از تو نمائیم..

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود قریش گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله بما خبر داده‌اند که هر مردی ازبنی اسرائیل گناه می کرد صبح مینمود درحالتیکه آن گناه برجبین او نوشته شده بود و کفاره گناه نیز نوشته بود جبرئیل فرود آمد گفت ای رسولخدا قوم تو طریقه ارتکاب معصیت بنی اسرائیل را سؤال مینمایند اگر بخواهند آنهارا مانند بنی اسرائیل قرار می‌دهیم وهمانعذابیکه بآنها نازل نمودیم بایشان نازل می کنیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کراهت داشت این طریقه را برای امت خود. وهرگز این نخواهد شد که تمام آنها مقام رسالت یابند، چنین نیست که گمان کرده اند بلکه از عذاب آخرت نمی‌ترسند چنین نیست که ایشان گمان کرده اند. قرآن همه پند و اندرز است تاهر که خواهد متذکر حق بشود

و یادنکنند از قرآن مگر آنکه خدا بخواهد او اهل و سزاوار آنست که از او بترسند و اهل آنست که بیامرزد کسانی را که از خدا میترسند و از معاصی او اجتناب میکنند.

ابن بابویه از ابی‌بصیر روایت کرده گفت سؤال نمودم ازحضرت صادق عليه‌السلام معنای آیه را فرمود خداوند تبارك وتعالی‌میفرماید من‌اهل آن‌هستم که‌بپرهیزند از من وشریك قرار ندهند بندگان مرا بامن واگرشرك بمن نیاورند داخل کنم آنها را به بهشت و فرموده قسم بذات مقدس خود عذاب نکنم اهل توحید را بآتش‌جهنم

پایان سوره مدثر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة القيمة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ (۱) وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲) أَيَحْسَبُ
الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ (۳) بَلٰى قَادِرِينَ عَلٰى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)
بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵) يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيٰمَةِ (۶) فَإِذَا
بَرِقَ الْبَصَرُ (۷) وَ خَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ (۹)

سوره قیامت درمکه نازل شده وچهل آیه وصد و نود ونه کلمه و سیصد و پنجاه و دوحرف است.

خواص وثواب تلاوت آن: ابن بابویه ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس مداومت نماید برقرائت سوره قیامت وعمل هم به آن نماید خداوند اورا با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله محشور گرداند دربهترین صورتی تا عبور کند از صراط و در خواص قرآن ازپیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس سوره قیامترا قرائت کند من و جبرئیل شهادت میدهیم که او از یقین دارندگان بروزقیامت است و بیرون آید ازقبر درحالتیکه صورت اونورانی باشد و مداومت کردن بر قرائت این سوره سبب وسعت رزق و محبوب بودن نزد مردم میشود وهر کس آنرا قرائت کند از هیچ پادشاهی نترسد واز شر آن محفوظ بماند در شب و یا روزیکه آن سوره را قرائت نموده باذن خداوند.

خلاصه مطالب سورهٔ قیامت عبارت است ازشرح احوال مردم درروز قیامت و

ترجمه سورهٔ قیامت

بنام خداوند بخشنده مهربان

چنین نیست که گمان کردند سوگند بروز قیامت (۱) و قسم بنفس علامت کننده (۲) آیا آدمی میپندارد که ما جمع نخواهیم کرد استخوانهای پوسیدهٔ او را (۳) آری ما توانائی داریم که راست کنیم سرانگشتان اورا (٤) بلکه انسان میخواهد آنچه از عمرش درپیش است همه رابفسق و فجور گذراند (٥) می پرسند کی خواهد بود روز قیامت (٦) بگو آنروز که خیره شود از ترس دیدگان مردم (۷) وتیره وتاریك شود ماه تابان (۸) ومیان خورشید وماه جمع گردد (۹)

جمع وبیان قرآن از طرف خدا است و حالات کفار و منافقین هنگام مرگ .

قوله تعالی (لا اقسم بیوم القیمة ولا اقسم بالنفس اللوامة ایحسب الانسان ان لن نجمع عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنانه بل یرید الا نسان لیفجر امامه یسئل ایان یوم القیمة). مفسرین اختلاف کرده‌اند در آنکه قسم مثبت‌است یا منفی طائفه‌ای گفته‌اند لاحرف نفی است و قسم منفی‌است و در نفی هم اختلاف نمودند و بعضی گفتند معنای آن‌اینست: قسم نمیخورم بروز قیامت چه آن ظاهر است بادله عقلیه و دیگری گفت معنای آن این‌است: قسم نمیخورم بروز قیامت زیرشما کفار اعتقاد بآن ندارید .

وبعضی دیگر گفتند لارد بر گفتار و سخنان مشرکین است و هر سوگندی واقع بشود بر رد کلامی بایدمقدم بر قسم، لا آورد تا فرق باشد میان انکارواثبات سوگند، چنانکه گویند لاوالله ان الرسول حق. یعنی دروغ گفتند آنهائیکه انکار رسالت او کرده‌اند بلکه پیغمبر است وانکار ایشان درصحت نبوت او تأثیری ندارد پس بنابر این معنای آیه چنین‌است: نیست آنچه کافران گمان کردند پس از آن ابتداء میکنند بکلام و میفرماید قسم بروز قیامت. وجمعی گفتند قسم مثبت است و لازاید باشد یاصله و بعضی ازقراء لاقسم، قرائت کردندو گفتندلام تأکیداست یعنی البته

يَقُولُ الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ (۱۰) كَلاَّ لا وَزَرَ (۱۱) إِلى رَبِّكَ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲) يُنَبَّؤُا الْإِنْسانُ يَوْمَئِذٍ بِما قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳) بَلِ
الْإِنْسانُ عَلى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱٤) وَلَوْ أَلْقى مَعاذِيرَهُ (۱۵) لا تُحَرِّكْ
بِهِ لِسانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱٦) إِنَّ عَلَيْنا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ (۱۷) فَإِذا قَرَأْناهُ
فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنا بَيانَهُ (۱۹) كَلاَّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ
(۲۰) وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ ناضِرَةٌ (۲۲) إِلى رَبِّها
ناظِرَةٌ (۲۳) وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ باسِرَةٌ (۲٤) تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِها فاقِرَةٌ
(۲۵) كَلاَّ إِذا بَلَغَتِ التَّراقِيَ (۲٦) وَقِيلَ مَنْ راقٍ (۲۷)

بطور حق قسم میخورم بروز قیامت وبنفس ملامت کننده آیا آدمی می‌پندارد که ما استخوانهای پوسیده اورا جمع نخواهیم کرد؟ بلی ماقادریم بر آنکه سر انگشتان اورا راست کنیم بلکه آدمی میخواهد آنچه‌ازعمرش درپیش است همه را بفجور و هوای نفس گذراند، و میپرسد کی روزقیامت وحساب خواهد بود. این آیات درباره عدی‌بن ربیعة بن‌ابی مسلم نازل‌شده که‌همجوار پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مکه بود حضرتش مکرر در دعا میفرمود خدایا مرا ازشر این همسایه بد کفایت بفرما داستان او بدین قراراست : عدی حضور پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدو گفت‌ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مرا خبر ده ازروز قیامت کی خواهد بود و کجا باشد و چگونه است رسول خدا شطری ازاحوال و اهوال روز قیامت را بیان فرمود عدی گفت ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اینکه تو میگوئی اگرچه بعیان ببینم باز یقین‌نکنم چگونه ممکن است که استخوانهای پوسیده وپراکنده را جمع کنند آیات فوق نازل‌شد وفرمود چنین پندارد عدی که استخوانهای اورا جمع نخواهیم کرد وزنده‌نمیشود پس‌ازمردن؟ وعظام درآیه کنایه

درآنروز آدمی گوید کجا است محل فرار و گریختن (۱۰) هر گز راه فرار نیست (۱۱) آنروز جزبدرگاه خدا قرارگاهی نیست (۱۲) درآنروز آدمی خبرداده شود بآنچه پیش فرستادو عقب انداخت (۱۳) بلکه آدمی بنفس خود بینا است (۱٤) اگرچه پرده‌های عذر بر چشم خود بیفکند (۱۵) ایرسول ما با شتاب وعجله زبان بقرائت قرآن مگشای تاتعجیل کنی به‌آن (۱٦) همانا برماست جمع کردن وقرائت آن (۷) پس چون برتو خواندیم پیروی کن خواندن آنرا (۱۸) پس از آن بر ما است که حقایق آنرا بر تو بیان کنیم (۱۹) نه چنین است که کافران گمان کردندبلکه دوست دارند دنیای حاضر وشتابنده را (۲۰) ومیگذارند و رها میکنند آخرت را (۲۱) آنروز رخسار طایفه‌ای باطراوت و نورانیست (۲۲) وبسوی پروردگار خود نظر کنند (۲۳) ورخسار طایفه دیگرعبوس وغمگین است (۲٤) و گمان دارند که حادثه ناگواری درپیش است وپشت آنهارا میشکند (۲۵) چنین نیست که منکران قیامت گمان کرده‌اند چون روح برسد باستخوانهای بالای سینه (۲٦) وگفته شود کی چاره درد این بیمار کند (۲۷)

از تمام بدن است چه‌قوام تن‌باستخوانها میباشد استخوان‌چون قالبی است و گوشت وپی وپوست بروی آن پوشیده شده است ـ

در محاسن ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود فجر دراین آیه‌بمعنای تکذیب‌ومکر وحیله است واراده کرده که انسان نسبت بامیرالمؤمنین علیه‌السلام مکر وحیله‌بنماید ، پس‌ازآن بیان میکند علامت‌قیامت را. روز قیامت همانروزی است که دیدگان خلایق از وحشت وترس خیره بماند و ماه تابان تـاریك شود و میان خورشید وماه جمع گردد یعنی نور هردو گرفته شود وبعض از مفسرین گفتند هر دو را جمع کنند و در دریا افکنند آب دریا از مجاورت آنها آتش شود چنانکه میفرماید واذا البحار سجرت (یقول الانسان یومئذ این المفر کلا لاوزر الی ربك یومئذ المستقر ینبئوا الانسان یومئذ بما قدم و اخر بل الانسان علی نفسه بصیرة و لو القی معاذیره) در آنروز انسان زشتکار میگوید گریز گاه کجا است تا ازهول

وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸) وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹) إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ
الْمَسَاقُ (۳۰) فَلَا صَدَّقَ وَصَلَّىٰ (۳۱) وَلَٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۳۲)
ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ (۳۳) أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ (۳٤) ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ
فَأَوْلَىٰ (۳۵) أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى (۳۶) أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ
مَنِيٍّ يُمْنَىٰ (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ
الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ (۳۹) أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ (۴۰)

این روزبگریزیم ، هرگزراه فرارنیست آنروز جزبسوی خدا پناهگاه وقرارگاهی نیست درآنروز انسان هر نیك وبدی که درمقدم و مؤخر خود کرده از نتیجه آن آگاه شود بلکه انسان خود برنیك وبد خویش بخوبی آگاهست هرچند پردههای عذر برچشم بصیرت خود بیفکند .

درکافی ذیل آیه فوق ازعمر بن یزید روایت کرده که خدمت حضرت صادق علیه‌السلام بودم آیه فوق تلاوت شد فرمود انسان میداند چه کاری انجام میدهد تا تقرب بخدا پیدا کند ونیز آنچه را بخلاف امر خدا در پنهان بجا میآورد میداند، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هر کس پنهان کند امر خود را خداوند میبیند اورا چه خیر باشد یا شر و فرمود چکار میکند یکی ازشما هرگاه ظاهر خودرا آراسته کند و درباطن مرتکب عمل زشت بشود آیا برنمیگردد نتیجه اعمال اوبسوی خودش و خداوند آنطور که اظهار نموده نیست و فرمود هرگاه باطن شما نیکو بود ظاهرتان قوی خواهدشد.

در تهذیب اززید شحام روایت کرده گفت سؤال نمودم ازحضرت صادق علیه‌السلام خفقه و خفقین وضوء را باطل میکند فرمود انسان بر نفس خود بصیرت دارد امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود هرکس طعم خواب را یافت نشسته باشد یا ایستاده بر او وضوء واجب میشود (لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علینا جمعه و قرانه فاذا

وبیمار یقین کند که وقت مفارقت وجدائی است (۲۸) وساقهای پای اوپیچیده شود (۲۹) در آنروز اورا بسوی پروردگار خود خواهند راند (۳۰) پس وای بر آنکس که تصدیق نکرد ونمازبجا نیاورد (۳۱) بلکه تکذیب کرد خدا را و روی گردانید (۳۲) وآنگاه با تکبر ونخوت بسوی اهلش روی آورد (۳۳) وای براین زندگی‌صدوای‌برمرگ‌تو(۳۴).

پس ازمرگ وای بر برزخ وصد وای بروز محشر تو(۳۵) آیا آدمی گمان میکند که اورامهمل وباطل وا میگذارند و از او سؤال نمیکنند (۳۶) آیادر اول قطره آب منی نبود که ریخته شد دررحم (۳۷) پس ازآن خون بسته و آنگاه‌باین صورت زیبا آفریده وآراسته گردید (۳۸) پس ازآن ازدوصنف نروماده پدید آورد (۳۹) آیا چنین پروردگار با قدرت نمیتواند پس از مرگش باز زنده گرداند (۴۰)

پایان ترجمه‌سورهٔ قیامت

قرا ناه فاتبع قرانه ثم ان علینا بیانه) طبرسی از ابن عباس روایت کرده چون جبرئیل وحی میآورد پیغمبر اکرم ﷺ از شدت شوقیکه بر قرائت آن داشت پیش از خاتمه وحی شروع مینمود بقرائت قرآن خداوند فرمود ایرسول ما در حال وحی با عجله و شتاب زبان بقرائت قرآن نگشای و صبر کن تا خاتمه وحی ما خود قرآن‌را جمع کنیم و بر تو فرا خوانیم و آنگاه که بر توخواندیم پیرو قرآن باش و احکام آن‌را عمل کن و بتعلیم امت بکوش پس ازآن برما است که حقایق آنرا بر توبیان کنیم وحلال وحرام را شرح دهیم تفسیرقرآن اختصاص‌بما دارد وکسی نمیتواند آن‌را بیان کند این معنای نهی نمودن پیغمبر اکرم ﷺ است ازچیزی ورِوا نباشد بر ساحت مقدس آنحضرت لذا بعض از مفسرین مانند بلخی گفتند آیه قرآن را اراده نکرده بلکه مراد نامه اعمال بندگان است درروز قیامت و مناسبت آن با آیات گذشته و آینده همین است و توبیخ میکند بندگان را هنگامیکه عجله و شتاب سودی برای آنها ندارد یعنی قرائت کن نامه اعمال خود را و شتاب نما چه در اثر نگاه کردن برآن برنفس خود بصیرت

و بینائی پیدا خواهی کرد چون سیئات را مشاهده کردی صبر کن تا حجت بر تو تمام شود چه ما تمام اعمال را جمع و بر تو عرضه میداریم و نمیتوانی انکار نمائی آنها را و اگر انکار کنی ما بیان میکنیم تمام اعمالرا ومحفوظ میداریم آنها را تا بمردم نشان دهیم.

(کلا بل تحبون العاجلة و تذرون الاخرة وجوه یومئذ ناضرة الی ربها ناظرة ووجوه یومئذ باسرة تظن ان یفعل فاقرة) هرگز کافران لجوج بخدا وقیامت نگروند بلکه دنیای نقد و حاضر را دوست دارند و بکلی آخرت و نشاه قیامت را رها کردند پس از آن اهل آخرت را دو قسمت نمود وفرمود در آنروز رخسار طایفه‌ای از شادی بر افروخته و نورانیست و بچشم دل خدا را مشاهده کنند و رخسار طایفه دیگر عبوس و غمگین است و میدانند که حادثه ناگواری در پیش است که پشت آنها را میشکند.

مشبهه باین آیه تمسک جستند به آنکه خدا را میتوان دید و دلیل ایشان بکلی باطل است زیرا نظر در کلام عرب بمعنای رؤیت نیامده و شاهد براین قول آنها است که میگویند نظرت الی الهلال فلم اره بماه نگریدم ندیدم آن را و اگر نظر بمعنای رؤیت بود این کلام متناقض بود و بمنزله آن بود که گفته ماه را دیدیم و ندیدیم.

• ابن بابویه ذیل آیه وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره ازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود صورتهائی باشندنورانی،نظرمیکنند بثواب و پاداش پروردگار خود که به آنها عطا میشود.

و از ابی بصیر روایت کرده گفت بحضرت صادق علیه السلام عرضکردم مؤمنین روز قیامت مشاهده میکنند خدایتعالی را فرمود مشاهده نمودند او را پیش از روز قیامت عرضکردم درچه روز دیدند فرمود روز عهد و میثاق همانروزیکه خداوند به آنها فرمود الست بربکم جواب دادند بلی پس از آن قدری توقف نمود وفرمود مؤمنین دردنیا خدا را مشاهده مینمایند آیا تو خدا رانمی‌بینی گفتم فدایت گردم اجازه میفرمائید اینحدیث را از قول شما بیان کنم فرمودخیر چه آنرا جاهلین ونادانان منکر میشوند زیرا درك نمیکنند معنای حدیث را و دیگر طایفه قائل

برؤیت چشم شده مشبهه و کافر میشوند و مشاهده دل و قلب نیست مانند مشاهده بچشم که هر کس بتواند خدا را مشاهده نماید. ای ابی بصیر ذات مقدس پروردگار مبرا و منزه از آنست که بچشم دیده شود یا تشبیه کنند اورا بچیزی چنانکه مشبهه و کفار و ملحدین اورا تشبیه نمودند.

(کلا اذا بلغت التراقی و قیل من راق و ظن انه الفراق والتفت الساق بالساق الی ربك یومئذ المساق فلا صدق ولا صلی) چنین نیست که منکران قیامت پنداشتند چون جان ببالای سینه و گلو رسد و اهلش گویند که چاره درد این بیمار که تواند کرد و بیمار یقین کند بمفارقت از دنیا و خارج شدن روح از تنش چه عزرائیل را بچشم بیند و ساقهای او از شدت وسختی جان کندن بهم مالیده وپیچیده شود در آنروز خلایق بسوی خدا رانده میشوند.

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود چون بنده درحال سکرات موت باشد اعضاء بدن او هر یك بر دیگری سلام میکنند و میگویند این مفارقتی است تا روز قیامت.

وای از آنروز برای کسانیکه حق را تصدیق نکردند و ایمان نیاوردند و نماز بجانیاوردند. سبب نزول آیات فوق آن بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مردم را دعوت میکرد روز غدیر خم بسوی بیعت کردن با امیرالمؤمنین علیه السلام چون رسانید بمردم آنچه را مأمور بود از جانب پروردگار درباره آنحضرت و مردم از امر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بر گشتند معاویه ملعون تکیه کرده بود بر مغیرة بن شعبه و ابی موسی اشعری متوجه عشیره خود شد و گفت بخدا قسم من هرگز ایمان و اقرار بولایت علی علیه السلام نخواهم آورد و تصدیق نمیکنم گفتار محمد صلی الله علیه و آله را در باره علی علیه السلام خداوند آیات فوق را حکایت از گفتار اونازل نمود وفرمود وای براو که امر ما را تکذیب میکند و از حکم ما بر میگردد وبسوی اهلش با تکبر و نخوت روی آورد وای برچنین شخصی که بعذاب و مرگ سزاوار تر است وعرب کلمه اولی فاولی را بکسی اطلاق میکند که به بلا وعذاب نزدیك است پس ازمرگ هم وای ازعذاب برزخ وروز محشر بر او وچون آیات نازل شدمعاویه بر گشت بخانه و اهل خود تنقید و مسخره میکرد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را آنحضرت بـالای منبر

تشریف برد خواست بیزاری بجوید ازمعاویه خداوند آیه لا تحرك به لسانك لتعجل به را نازل نمود پیغمبر سکوت اختیار کرد بامر خداوند ـ

طبرسی از صحابه روایت کرده روزی پیغمبر اکرم ﷺ گریبان ابوجهل را گرفت و فرمود اولی لك فاولی ابوجهل گفت ای محمد ﷺ مرا تهدید میکنی به خدای خود تو و خدایت بمن هیچ زیان و ضرری نمیتوانید رسانیدمن قوی وعزیز ترین اهل مکه هستم آیات ذیل را جبرئیل فرودآورد.

(ایحسب الا نسان ان یترك سدی الم یك نطفة من منی یمنی ثم کان علقة فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر و الانثی الیس ذلك بقادر علی ان یحیی الموتی) آیا آدمی پنداره که او را مهمل خواهند گذاشت تا هر چه خواهد انجام دهد و از اوسؤال نخواهند کرد مگرنه او قطره آبی بوداز منی پس از آن خون بسته‌شد آنگاه باین صورت زیبای حیرت انگیز آفریده و آراسته گردید و از آن دو جفت نر و ماده پدید آورد آیا چنین خدائی با قدرت و حکمت قادر نیست که مردگان را پس از مرگ زنده گرداند؛ چون این آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ پس از تلاوت فرمود سبحانك اللهم بلی و گریه بسیاری نمود.

پایان سوره‌قیامت

سورة الدهر

بسم الله الرحمن الرحیم

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنسانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَذْكُوراً (۱)
إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْناهُ سَمِيعاً بَصِيراً (۲)
إِنَّا هَدَيْناهُ السَّبِيلَ إِمّا شاكِراً وَ إِمّا كَفُوراً (۳) إِنَّا أَعْتَدْنا لِلْكافِرِينَ
سَلاسِلَ وَ أَغْلالاً وَ سَعِيراً (٤)

سوره دهر در مدینه نازل شده و سی و یك آیه ودویست و چهل کلمه وهزار و پنجاه و چهار حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره دهر را قرائت کند درصبح روز پنجشنبه خداوند تزویج نماید او را هشتصد حور العین وبوده باشد با پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله -

ودرخواص قرآن از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند بر خدا است که پاداش بدهد او را بهشت و هر که مداومت کند بر قرائت اینسوره نفس ضعیف اوقوی گردد و اگر بنویسد آن را و بآب بشوید وآن آب را بیاشامد نفع رساند بتمام دردهای بدنش خصوصاً درد دل .

خلاصه مطالب سوره دهر عبارت است از آفرینش انسان از اختلاط آب مرد و زن و بیان کردن راه هدایت و گمراهی و کیفر کفار و پاداش مؤمنین و امر نمودن پیغمبر به برد باری و صبر در مقابل اذیت و آزار مشرکین و منافقین

قوله تعالی (هل اتی علی الانسان حین من الدهر لم یکن شیئاً مذکورا انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتلیه فجعلناه سمیعا بصیرا انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا) آیا بر انسان روزگاری نگذشت که در آن روزگار چیزی مذکور

ترجمه سوره دهر

بنام خداوند بخشنده مهربان

آیا بر انسان روزگاری نگذشت که چیزی لایق ذکر نبود (١) ما آدمی‌را از آب نطفه مختلط بحرارت و برودت آفریدیم و بیازمائیم او را وگردانیم او را شنوا و بینا (٢) ما راه حق و باطل را بانسان نمودیم حال میخواهد شکر گذار و یا ناسپاسی کند (٣) ما برای کافران غل و زنجیرها و آتش سوزان آماده کردیم (٤)

نبود بعض از مفسرین گفتند مراد بانسان آدم است چه او مدتی خاك بود و گل تا آنکه روح‌در اودمیده شد

ابن شهر آشوب ورازی گفتند در تفسیر اهل‌بیت‌مراد بانسان امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و هل بمعنای مای نافیه‌است،معنای آن چنین‌است: هیچ روزگاری‌نیامد مگر آنکه در آنروزگارچیزی مذکوربود یعنی‌پیوسته وجود مقدس‌امیرالمؤمنین علیه‌السلام معروف و مذکور و مشهور بود چگونه مذکور و معروف نباشد آنکسی که نامش با نام خدا و رسول برساق عرش و بردر بهشت وسرادقات و اوراق و اشجار نوشته شده پیش از خلقت آدم و دلیل برصحت این تفسیر آیه انا خلقنا الانسان‌من نطفة و آیات بعد از آن است چه لام انسان‌لام‌تعریف عهداست وبدیهی‌است که آدم را خداوند از نطفه نیافریده است و بعضی گفتند مراد بانسان نوع بنی آدم است وهل‌استفهام‌تقریری است یعنی ایکسیکه منکرصانع وقدرت‌اوهستی آیاروزگاری بر تو نگذشت که مذکور نبودی و در عالم خلق وجودی‌نداشتی هر چند در علم خداوند موجود بودی و این آیه دلیل است بر اینکه معدوم شیئی‌است معلوم اگر چه مذکور نیست ـ.

در محاسن از حمران روایت کرده که از حضرت باقر علیه‌السلام معنای آیه‌را سؤال نمودم فرمود بنی‌آدم چیزی بودندمذکورنه‌درخلقت‌ونکرنه‌درعلم خداونه گفتم امشاج یعنی چه فرمود آب مرد است که مخلوط بآب زن میشود از آن می‌آفرینند

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً (۵) عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا
عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً (٦) يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَ يَخَافُونَ يَوْماً كَانَ
شَرُّهُ مُسْتَطِيراً (۷) وَ يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَأَسِيراً
(۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً (۹) إِنَّا
نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْماً عَبُوساً قَمْطَرِيراً (۱۰) فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ
وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُوراً (۱۱) وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيراً (۱۲)
مُتَّكِئِينَ عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْساً وَلَا زَمْهَرِيراً (۱۳) وَ دَانِيَةً
عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلاً (۱٤)

انسان را سپس آزمایش میکند وشنواوبینا میگرداند وتکلیف مینماید او را باحکامی تا فرمان بردار از نافرمان و مطیع از عاصی معلوم گردد ـ.

در کافی ذیل آیه انا هدینا السبیل ازحضرت صادق ؑ روایت کرده فرمود خداوند شناسانید بمردم راه عدالت را میگیرند آن راه را و یا رها میکنند و آیه رد سخنان جبری‌مسلکان است که خیال کرده‌اند بندگان ازخود اختیاری ندارند چه‌پروردگارمیفرمایدما راه‌خیروشررانشان‌داده‌ایم‌حال میخواهد هدایت‌یابدوشکر گذار این نعمت باشد یا کفران نعمت کند و گمراه گردد آنگاه کیفر کفار و پاداش مؤمنین را بیان میکندبقولش

(انا اعتدنا للکافرین سلاسل و اغلالا وسعیرا)ما برای کیفر کافران غل و زنجیر و آتش سوزان ودوزخ‌تافته مهیا ساخته‌ایم

(ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا) و نکوکاران در بهشت از شرابی خورند که طبعش آمیختگی

همانا نیکو کاران در بهشت می‌آشامند از شرابیکه طبع آن از کافور است (٥) از چشمه گوارائی، آن بندگان خاص خدا مینوشند و باختیارشان جاریست هر کجا که بخواهند (٦) آنها وفا میکنند بنذر و میترسند از روزیکه سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد (۷) وبخاطر دوستی باخدا بفقیر و اسیر و یتیم طعام میدهند (۸) و میگویند ما فقط برای رضای خدا بشما طعام میدهیم و از شما هیچ پاداش و سپاس گزاری نمیطلبیم (۹) ما ازپروردگار خود میترسیم آنروزیکه رخسار خلق درهم و غمگین است (۱۰) خدا هم از شرفتنه آنروز آنها را نگاهداشت و بایشان روی خندان و دلشادمان عطا نمود (۱۱) و پاداش آنان بسبب آنچه صبر کردند بهشت و لباس حریر است (۱۲) در آن بهشت بر تختها تکیه‌زنند ودر آن، آفتاب سوزان وسرما نبینند (۱۳) وسایه درختان بهشتی برسر ایشان گسترده‌شده‌ومیوه‌هایش در دسترس و باختیار آنها است (۱٤)

بکافور است از سرچشمه گوارائی نوشند آن بندگان خاص خدا که باختیارشان هر کجا خواهند گشاده و جاری میشود

(یوفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء و لاشکورا فوقهم الله شر ذلك الیوم و لقهم نضرة و سرورا و جزاهم بماصبروا جنة و حریرا) مفسرین عامه و خاصه اتفاق دارند در اینکه این آیات درشأن امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام وفضه کنیز آنها نازل شده و داستان آن بدینقرار است حسنین علیهما السلام بیمار شدند جدشان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی از اصحاب بعیادت آنها تشریف بردند بامیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند اگر نذر کنی در حق حسنین روا باشد امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه (ع) و فضه کنیزشان و خود حسنین هر یك سه روز روز نذر کردند اگر خداوند آنها راعافیت دهدبشکرانه آن روزه بگیرند چون خدایتعالی ایشان را شفا داد امیرالمؤمنین علیه السلام بحضرت فاطمه (ع) فرمود وقت آن است که ما بنذر خود وفا کنیم چیزی نداشتند امیرالمؤمنین

وَ يُطافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَ أَكْوابٍ كانَتْ قَوارِيرَا (١٥) قَوارِيرَ
مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوها تَقْدِيراً (١٦) وَيُسْقَوْنَ فِيها كَأْساً كانَ مِزاجُها زَنْجَبِيلاً
(١٧) عَيْناً فِيها تُسَمّى سَلْسَبِيلاً (١٨) وَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدانٌ مُخَلَّدُونَ
إِذا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤاً مَنْثُوراً (١٩) وَ إِذا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيماً وَ
مُلْكاً كَبِيراً (٢٠) عالِيَهُمْ ثِيابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَ إِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَساوِرَ
مِنْ فِضَّةٍ وَ سَقاهُمْ رَبُّهُمْ شَراباً طَهُوراً (٢١) إِنَّ هذا كانَ لَكُمْ جَزاءً وَ
كانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً (٢٢) إِنّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً (٢٣)

علیه‌السلام نزد یهودی بنام شمعون رفت تا مقداری جو قرض کند یهودی گفت یاعلی این پشم را بگیر و بزنان بده تا برای من بریسند و این سه صاع جو را مزد بگیرند آنحضرت آنها را گرفت وبخانه آورد حضرت فاطمه یکصاع آن را آسیا کرد و پنج قرص از آن نان پخت هر یکی را قرصی، همه روزه دار بودند چون نماز شام بجا آوردند و خواستند افطار کنند هنوز دست بطعام نبرده بودند سائلی بدرخانه آمد و گفت من مسکینی هستم از مسلمانان مراطعام دهید خداوند شمارا از خوانهای بهشت طعام دهد امیرالمؤمنین بحضرت فاطمه فرمود ـ

فاطمة ذات المجد و اليقين — يا بنت خير الناس اجمعين
اما ترين البائس المسكين — قد قام بالباب له حنين
يدعو الى الله و يستكين — يشكو الينا جايع حزين
كل امرئي بكسبه رهين — و فاعل الخيرات يستدين
موعده جنة عليين — حرمها الله على الضنين
و للبخيل موقف مهين — تهوى به النار الى السجين
شرابه الصديد و الغسلين — يمكث فيه الدهر و السنين

و ساقیان زیبا با جامهای سیمین و کوزه‌های بلورین بر آنها دور میزنند (۱۵) و آن بلورین کوزه‌ها مانند نقره خام و باندازه‌وتناسب اهلش مقدر کرده‌اند (۱٦) و در آنجا شرابیکه طبعش چون زنجبیل و عطر آلوده است بآنها بنوشانند (۱۷) و آنجا چشمه‌ایست که سلسبیلش نامند (۱۸) و دورمیزنند بر آن بهشتیان پسرانی زیبا که همیشه جوانند و خوش سیما، هرگاه بینی آنها را پنداری ازفرط صفا چون لؤلؤ ومروارید پراکنده‌اند (۱۹) چون آنجایگاه رامشاهده کنی‌جهانی پر نعمت و کشوری بزرگ‌خواهی یافت (۲۰) بربالای بهشتیان دیبای سبزوابریشم است و آراسته شوند بدستبندهای نقره خام و سیراب گرداند آنها را پرورد گارشان از شراب پاکیزه و گوارا (۲۱) اینها همه پاداش شما است وسعیتان در راهخدا پسندیده ومقبول است (۲۲) ایرسول، ما این‌قرآن‌عظیم الشأن رابرتوفرستادیم(۲۳)

فرمود ایفاطمه‌ایکه بزر گوار وعزیز و بلند مرتبه وبایقینی- ایدختر بهترین مردمان عالم - مگر نمی‌بینی فقیر بینوائی در خانه ایستاده ناله و فریاد میکند - و خدا را میخواند و اظهار گرسنگی بما میکند بدانکه هر شخصی‌در گروی‌اعمال خود میباشد و نیکوکاران عمل نیک خود را بقرض میدهند و سر آمد مدت وام آنها بهشت علیین است . خداوند حرام کرده‌آن‌بهشت را بر هر خسیس و بخیلی، و از برای بخیل جایگاه خوار و ذلیلی است و آن دوزخ است و سجیل، وشراب‌او کثافات زنان زانیه است همیشه در آن دوزخ جاوید بمانند - حضرت فاطمه علیها السلام در جواب آنحضرت گفت :

امرك سمع یابن عم وطاعة — مالی من لوم ولا بضاعة

عذبت بالبر ولـی صناعـة — اطعمه ولا ابالی الساعة

و ادخل‌الخلد ولی شفاعة

گفت ای‌پسرعموی عزیزم امرو فرمان شمارا میشنوم واطاعت‌میکنم وازهیچ ملامت کننده‌وبی‌چیزی باکی‌ندارم پیشه من کرم واحسان‌به بینوایان وبرونیکوئی بآنها است ودر این‌دنیا از هیچ مشقت وسختی‌باکی ندارم زیرا میدانم پاداش‌تمام اینها بهشت جاوید است که‌در آن داخل میشوم و شفاعت است که‌خداوندویژه من

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ كَفُوراً (۲٤) وَاذْكُرِ اسْمَ
رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلاً (۲۵) وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلاً طَوِيلاً
(۲٦) إِنَّ هٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْماً ثَقِيلاً (۲۷)
نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلاً (۲۸)
إِنَّ هٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلاً (۲۹) وَمَا تَشَاؤُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً حَكِيماً (۳۰) يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي
رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً أَلِيماً (۳۱)

قرار داده است ـ

امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرص نان خود را بآن فقیر ایثار نمود حضرت فاطمه و حسنین علیهم‌السلام و فضه نیز بآن حضرت اقتدا نمودند و نان خود را بفقیر دادند و آن شب بآب تنها افطارباز نمودند. روز دیگر صاع‌دوم را حضرت فاطمه آسیاب کرد و پنج قرص نان پخت پس ازاداء نماز، چون خواستند افطار کنند یتیمی درخانه‌آمد وگفت السلام علیکم یااهل بیت‌النبوة ومعدن‌الرسالة و مختلف‌الملائکة. یتیمی از فرزندان مهاجر هستم پدرم در رکاب رسولخدا شهید شده است مرا طعامی بدهید امیرالمؤمنین علیه‌السلام چون صدای یتیم را شنید فرمود قرص من را باو بدهیدحضرت فاطمه علیهاالسلام و حسنین وکنیز آنها فضه بآنحضرت اقتدا نموده هریك قرص‌نان‌خود را به‌یتیم دادند وآنشب نیزبآب افطار نمودند.شب سوم‌هنگام افطار سائلی‌بدرخانه آمد وگفت من اسیری‌هستم مرا طعامی بدهید امیرالمؤمنین علیه‌السلام قرص‌خودرا بآن اسیر داد حضرت فاطمه علیهاالسلام وحسنین و فضه نیز سهم خود را بآن اسیر دادندآنشب هم بآب‌افطار کردند روزچهارم پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بمنزل دخترش حضرت فاطمه تشریف برد دید حسنین از شدت ضعف میلرزند از حال آنها سؤال نمود حضرت

پس بر اطاعت حکم پروردگار صبور و برد بار باش و از مردم گناهکار و
و ناسپاس فرمان مبر (٢٤) و نام خدا را هر صبح و شام ببزرگی یاد کن (٢٥) و
بعضی از شب را در نماز بسجده خدا پرداز و شبهای دراز را به تسبیح و ستایش او
صبح گردان (٢٦) این مردم غافل دوست میدارند دنیای شتابنده را و میگذارند پشت
سر خود آنروز سخت و سنگین قیامت را (٢٧) ما آنها را آفریدیم و محکم بنیان
ساختیم و اگر بخواهیم همه را نابود کرده و طایفه دیگری مانند ایشان خلق میکنیم
(٢٨) این آیات پند و تذکریست تا هر که بخواهد راهی بسوی پروردگار خود
پیش گیرد (٢٩) و نمیخواهید شما مگر آنکه خدا بخواهد، همانا خداوند دانا و درست
کردار است (٣٠) هر کرا بخواهد در بهشت و رحمت خود داخل میکند و برای
ستمکاران عذاب دردناکی آماده کرده است (٣١)

پایان ترجمه سوره دهر

فاطمه داستان را بعرض مبارکش رسانید، رسولخدا گریست، در این اثناء جبرئیل نازل شد و آیات: ان الابرار یشربون من کأس کان مزاجها کافورا ـ تا آخر آیه و کان سعیکم مشکورا ـ را آورد پیغمبر ﷺ حمد و سپاس پروردگار را بجا آورد و تبسمی بصورت آنها نمود و فرمود بگیرید تهنیت و مبارك باد خدا را که جبرئیل آورده و ازجانب پروردگار بشما سلام میرساند، و این آیات را درشأن شما نازل نموده. خداوند نعمتی بشما عطا فرموده که هرگز نابود شدنی نیست ایدختر محمد ﷺ گوارا باد تورا قرب رحمن وجوار پروردگار، درخانه جلال وجمال، خداوند میپوشاند شما را سندس و استبرق وارجوان بهشتی، وسیراب میشوید ازشربت رحیق مختوم، وشما نزدیکترین مخلوقات هستید بخداوند رحمن وایمن باشید درآنوقتی که همه مردم محزون و ترسان میباشند. خوشا بحال دوستداران شما و کسانیکه شما را عزیز و محترم میشمارند. در آن عصر وزمانیکه مردم خوار و ذلیل مینمایند شما را. ویاری میکنند شما را در آنوقتیکه یار ویاوری ندارید. وای برامت من وای برامت ازطرف خدا. پس از آن بوسید حضرت فاطمه و امیرالمؤمنین علیه السلام را و بسینه خود چسبانید حسنین را و فرمودخداوند خلیفه من است برشما درحال حیات وممات

من باو می‌سپارم شمارا که بهترین حافظ ونگهبان است، محفوظ بدارد خداوندهر کسیرا که شمارا حفظ مینماید. وصله کند، با آنکه باشماصله‌مینماید، یاری کند کسیرا که شما رایاری مینماید و خوارو ذلیل گرداند آنکسیرا که شما را خوار و ذلیل‌میکند؛ بزودی بمن ملحق خواهید شد نزد خداوند و حساب و پاداش شما با خداخواهد بود. و این‌حدیثرا ابن‌بابویه و بسیاری از محدثین عامه وخاصه روایت کرده اند و درمعنای: یوفون‌بالنذر و یخافون‌یوما... از حضرت‌موسی بن‌جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود شیعیان ماوفا کردندبآنعهدی که خداوند گرفت ازآنها برولایت ما آل‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله وترسیدندازروز پیمان وعهد که درعالم ذر از ایشان گرفته‌شدبرولایت ما ائمه ـ

در کافی ذیل آیه ویطعمون‌الطعام‌علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا ـ ازحضرت موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود عیال مرد،حکم‌اسیر را دارد سزاوار است که انسان در نعمت و ارزاق و البسه آنها در وسعت توسعه بدهد تا آرزوی مرگ اورانکنند ـ

ابن بابویه ذیل آیه: واذا رایت‌ثم‌رایت‌نعیماوملکا کبیرا ـ از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود وقتی اهل بهشت داخل بهشت شدند خداوندرسولی‌بسوی اولیاء خود می‌فرستد، دربان او را نگاه می‌دارد تا برود اذن و اجازه بگیرد از آن ولی و رسول پرورد گار، بدون اجازه حضوراو نمی‌رسد. اینست سلطنت وپادشاهی بزرگ •

(انانحن نزلنا علیك القرآن تنزیلا فاصبر لحکم ربك ولا تطع منهم آثما اوکفورا!) ای‌رسول، ماایـن قرآن‌را نازل کردیم و فرو فرستادیم برتو بشکرانه‌آن براطاعت حکم پرورد گار شکیبا وبردبار باش و پیروی مکن از مردم‌کافربزه‌کارو بد کیش. و مقصوداز آثم کفور بعضی گفتند ابوجهل است، چه او گفت اگر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را دیدم نماز می‌خواند پای‌خود را بر گردن‌اومی‌نهم تاهلاك شودوبعض‌دیگر گفتند مراد عقبة بن‌ربیعه‌وولیدبن مغیره است. عقبه گفت ای‌محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اگردست

ازاین دعوت برداری هر یك ازدختران مرا که بخواهی بدون مهر بتو میدهم ودر تمام عرب از دختران من نیکو تر نیست ولید گفت ای محمد ﷺ اگر از این دعوت دست برداری چندان مال بتو میدهم که خوشنود شوی قریش میدانند که در میان آنها کسی بیشتر ازمن مال ندارد .

(واذکر اسم ربك بکرة واصیلا ومن اللیل فاسجد له وسبحه لیلا طویلا) هر بامداد و شبانگاه نام خدارا ببزرگی یاد کن - مراد نماز صبح ومغرب است وبعضی از شب رادر نماز بسجده خدا پرداز و شام را به تسبیح و ستایش خدا صبح گردان مقصود نماز عشاء است .

(ان هؤلاء یحبون العاجلة ویذرون وراء هم یوما ثقیلا، نحن خلقناهم وشددنا اسرهم، واذا شئنا بدلنا امثالهم تبدیلا) این کفار و مردم غافل دنیای نقد حاضر را دوست میدارندو آنروز سنگین و سخت قیامت را رها کرده وپشت سر انداخته و از یاد برده‌اند. ما آفریده ایم ایشانرا وبنیان آنهارا محکم ساخته ایم واگر بخواهیم آنانرا از بین میبریم وبجای ایشان طایفه دیگری خلق می کنیم .

(ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلا و ماتشاؤ ن الا ان یشاء الله ان الله کان علیما حکیما یدخل من یشاء فی رحمته والظالمین اعدلهم عذابا الیما) این آیات پند و تذکریست، تا هر که بخواهد راهی بسوی خدای خویش پیش گیرد ونخواهید شما مردم مگر آنچه خدا بخواهد یعنی کارهای خود را به خدا واگذارید چه خداوند باحوال خلق دانا وبصلاح بندگان آگاهست خدا هر کرا بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و برای ستمکاران و کافران عذابی دردناك مهیا ساخته است .

در کافی از محمدبن فضیل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم معنای ان هذه تذکرة را فرمود اشاره است بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم یدخل فی رحمته یعنی چه فرمود رحمت، ولایت ما آل محمد ﷺ است در بصایر الدرجات ذیل آیه الاان یشاء الله ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده

خداوند دلهای ائمه را محل اراده خود قرار داده است هرگاه بخواهد چیزی را آنها نیز خواسته اند و معنای آیه همین است.

در کافی ذیل آیه یدخل من یشاء فی رحمته والظالمین اعدلهم عذابا الیما از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت خدا ولایت ما ائمه است و خداوند اجلّ واعز است از آنکه باو ظلم وستم شود یا نسبت ظلم باو بدهند لکن پروردگار مخلوط نموده ما ائمه را به نفس خود و قرار داده ظلم بما را ظلم بخود و دوستی و ولایت ما را دوستی وولایت خود سپس در این مورد آیه ای نازل نموده و فرموده: وماظلمنا هم و لکن کانوا انفسهم یظلمون. محمد بن فضیل راوی حدیث می گوید حضورش عرض کردم این بیان تنزیل آیه است فرمود بلی.

ابن شهر آشوب ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت، وجود مقدس امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان گرامش هستند.

پایان سوره دهر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة المرسلات

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

وَالْمُرْسَلاتِ عُرْفاً (۱) فَالْعاصِفاتِ عَصْفاً (۲) وَالنّاشِراتِ نَشْراً (۳)
فَالْفارِقاتِ فَرْقاً (۴) فَالْمُلْقِیاتِ ذِکْراً (۵) عُذْراً أَوْ نُذْراً (۶) إِنَّما
تُوعَدُونَ لَواقِعٌ (۷) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّماءُ فُرِجَتْ (۹)
وَإِذَا الْجِبالُ نُسِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ (۱۱) لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
(۱۲) لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳) وَما أَدْراكَ ما يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

سوره والمرسلات در مکه نازل شده و پنجاه آیه و صد و هشتاد و یك کلمه و هشتصد و شانزده حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مرسلات را قرائت کند خداوند اورا به پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله معرفی کند و در خواص قرآن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند نمیباشد از مشرکین و اگر هنگام محاکمه آن را قرائت کند خداوند قوی گرداند اورا بر خصمش و غالب گرداند اورا بر دشمنش و اگر این سوره را بنویسند و بآب پیاز محو کنند و آن را بکسی دهند که درد شکم دارد آن درد باذن خدا برطرف گردد.

سوره مرسلات مشتمل است بر وعده پروردگار از بعث و نشور و ثواب و عقاب و تهدید و توبیخ تکذیب کنندگان و کیفر آنها و ثواب و پاداش مؤمنین.

قوله تعالی (و المرسلات عرفا و العاصفات عصفا والناشرات نشرا فالفارقات فرقاً فالملقیات ذکرا عذرا اونذرا) قسم بفرستاده شدگان از پی هم یا بادهای پی درپی، یا فرشتگان و یا پیغمبران و قسم ببادهای تند وسخت وقسم بفرشتگانیکه

ترجمه سوره مرسلات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم برسولانیکه ازپی هم به نیکی فرستاده شدند(۱) و سوگند بفرشتگانی که بسرعت باد در انجام حکم خدا میشتابند(۲) قسم بآنانکه وحی خدارا در عالم نشر میدهند (۳) وبحق آنهائیکه بین حق و باطل‌راجدامیکنند(٤) وبفرشتگانیکه وحی خدا را به‌پیغمبران میرسانند (٥) تا عذر مؤمنین و ترس بدان شود (٦) سوگند بهمه اینها، آنچه‌ازثواب وعقاب آخرت بشما وعده داده‌اند البته واقع خواهد شد (۷) آنگاه که ستارگان همه بی‌نور و محو شوند (۸) و آسمان شکافته شود (۹) و کوهها پراکنده‌شوند(۱۰) آنگاه که برسولان‌اعلان کنندوقت‌ثواب‌وعقاب را(۱۱) برای کدام روزمعین (۱۲) برای روزجدا کردن حق ازباطل (۱۳) وچگونه میتوانی تصور کنی بزرگی آنروز را (١٤)

وحی و حکم الهی را در عالم نشر میدهند و به پیغمبران میرسانند و سوگند بکسانیکه بحکم خدا حق وباطل را جدا میکنند وبحق آن فرشتگانیکه وحی خدا و کتب آسمانی را به‌پیغمبران‌میرسانند برای اعذار وانذار، یعنی تا بترسانند و حجت بر مردم تمام کنند که پس ازعقاب و کیفربرای ایشان حجتی نباشد این آیات قسم بود و جوابش :

(انما توعدون لواقع) آنچه شما را وعده میدهند از بعث و نشور و ثواب و عقاب البته بطور یقین واقع خواهد شد و خلافی در آن نیست. پس ازآن وقت آنرا بعلامات بیان میفرماید نه بزمان :

(فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت و اذاالجبال‌نسفت و اذا الرسل‌اقتت لای یوم اجلت لیوم الفصل و ماادریك ما یوم الفصل) وعده‌های خدا آنوقت واقع میشود که ستارگان همه بی‌نور شوند و اثر آنها محو شود و آسمانرا بشکافند و کوهها ازجای کنده وپراکنده گردد و اعلام کنند پیغمبرانرا برای ثواب وعقاب مردم وبرای روزمعین یعنی روز قیامت .پس از آن بیان میکند آن راکه چه روزی استروز قیامت؛ همانروز فصل حکومت بین حق و باطل وجدائی میان سعید وشقی

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (١٥) أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (١٦) ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ
الْآخِرِينَ (١٧) كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (١٨) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
(١٩) أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (٢٠) فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (٢١)
إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ (٢٢) فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (٢٣) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ (٢٤) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (٢٥) أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا (٢٦)
وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (٢٧) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ (٢٨) إِنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (٢٩) إِنْطَلِقُوا
إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (٣٠) لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ (٣١) إِنَّهَا
تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (٣٢) كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ (٣٣)

است وچه دانی تو ای محمد صلی الله علیه وآله و چگونه میتوانی بزرگی آنروز جدائی را تصور کنی .

(ويل يومئذ للمكذبين الم نهلك الاولين ثم نتبعهم الاخرين كذلك نفعل با لمجرمين ويل يومئذللمكذبين) وای در آنروز بحال کسانیکه تکذیب کردند پیغمبران و کتابهای آسمانی و قیامت را آیا ما پیشینیان را بکیفر کفر هلاك نکردیم ؟ از پس آنها قومیکه منکر قرآن هستند هلاك خواهیم نمود همچنین بدکاران را هلاك میسازیم. وای از آنروزبحال تکذیب کنندگان . وجه تکرار آیه همانست که در سوره الرحمن بیان نمودیم •

(الم نخلقكم من ماء مهين فجعلناه فى قرار مكين الى قدر معلوم فقدرنا فنعم القادرون (آیا ما شما را از نطفه بیقدربابن زیبائی نیافریده‌ایم؟بلی‌ما آن نطفه را ازصلب‌پدربقرارگاه رحم مادر منتقل‌ساخته‌ایم تامدت‌معین که دزرحم مادربماند

در آنروز وای بحال منکرین و تکذیب کنندگـان روزقیامت (۱۵) آیا ما پیشینیان‌را هلاك نکردیم(۱٦) ازپی آنها هم طایفه دیگررا هلاك میکنیم (۱۷)بد کاران را چنین هلاك میکنیم(۱۸) در آنروز وای بحال تکذیب کنندگان (۱۹) آیا شما را از آب بیقدر نیافریدیم (۲۰) وماآنرا بقرار گاه‌رحم استوار گردانیدیم (۲۱) تـا مدت معین و دانسته شده (۲۲) و ما توانائی‌داشتیم بر تعیین مدت ونیکو تقدیر کردیم باقیماندن دررحم را (۲۳) وای در آنروز بحال تـکذیب کنندگان (۲٤) آیا زمین‌رانگردانیدیم‌جمع کننده(۲۵)برای‌زنده‌هاومرده‌ها(۲٦)وماقرارددادیم در آنزمین کوههای بلند و آب دادیم شما را آب شیرین خوشگوار (۲۷) وای در آنروزبحال‌تکذیب کنندگان(۲۸) گفته شود بآنهابروید امروز بسوی آندوزخیکه تکذیب میکردید آنرا (۲۹) بروید زیر سایه‌های دودهای آتش سه شاخه (۳۰) نه آنجا سایه خواهد بود ونه از شراره آتش نجات خواهید یافت (۳۱) آن آتش هر شراره‌ای بیفکند مانند قصریست(۳۲) گویاآن شراره های‌آتش، شتران زردند(۳۳)

و آن نه ماه است وما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او را معین کردیم‌ونیکو تقدیر کننده و حکیمی هستیم.

(الم نجعل الارض کفاتا ، احیاء و امواتا و جعلنا فیها رواسی شامخات و اسقینا کم ماء فراتا) آیا ما زمین را کافی قرار ندادیم تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند؟ کفات مسکن است، امیرالمؤمنین ؑ چون از جنگ بازگشت نظرش بقبرها افتاد فرمود این جا کفات مردگـان است پس از آن نگاهی بخانه‌های کوفه نمود وفرمود اینجا مساکن زندگان است وآیه فوق‌را تلاوت فرمود ـ

درکافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق ؑ روایت کـرده فرمود دفن میشود از انسان موها و دندانهای او ـ

و بیافریم درزمین کوههای بلند وسخت را واز باران ، بشماآب زلال گوارا نوشانیدیم

(انطلقوا الی ما کنتم‌به تکذبون انطلقوا الی ظل‌ذی ثلاث شعب لاظلیل ولا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٣٤) هٰذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ (٣٥) وَلا يُؤْذَنُ
لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (٣٦) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٣٧) هٰذا يَوْمُ الْفَصْلِ
جَمَعْنٰاكُمْ وَالأَوَّلِينَ (٣٨) فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (٣٩) وَيْلٌ
يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٤٠) إِنَّ الْمُتَّقِينَ في ظِلالٍ وَعُيُونٍ (٤١) وَفَواكِهَ
مِمّا يَشْتَهُونَ (٤٢) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئاً بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٤٣) إِنّا
كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (٤٤) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٤٥) كُلُوا
وَتَمَتَّعُوا قَلِيلاً إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (٤٦) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (٤٧)
وَإِذا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ (٤٨) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
(٤٩) فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (٥٠)

یعنی من اللهب انها ترمی بشرر کالقصر کانه جمالة صفر) خطاب میرسد بکفار ای منکران امروز بسوی آن دوزخی که تکذیب میکردید بروید ، در زیر سایه‌های دود آتش دوزخ که از سه طرف شمارا احاطه کرده است، در آنجا نه سایه‌ای خواهد بود و نه از شراره آتش نجاتی توانید داشت آن آتش هر شعله و شراره‌ای که افکنند مانند قصریست ، گویا آن شراره چون شتران زرد موی است ـ

شیخ طوسی ذیل آیه فوق از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرموم هر گاه مردم از عطش و تشنگی بآنها گویند پناه ببرید بامیرالمؤمنين عليه‌السلام همانکسیکه تکذیب میکردید اورا ، چون بحضرتش پناه ببرند بایشان گفته شود بروید زیر سایه‌های دود آتش دوزخ که ازسه جانب شمارا احاطه خواهد کرد .

(هذا يوم لاينطقون ولايؤذن لهم فيعتذرون) این همان روزیست که کافران بر نجات خود سخن نگویند و رخصت عذر خواهی بآنها داده نشود . در کافی ذیل آیه فوق

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۴) این روزیست که کافران سخن نگویند (۳۵) و بآنها رخصت عذر خواهی نخواهند داد (۳٦) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۷) این روزحکم جدائی نیك وبد است و روزیست که شما را باگذشتگان بعرصه محشر جمع کنیم (۳۸) پس اگر مکروحیله‌ای‌میتوانیدبکنید انجام دهید (۳۹) وای بحال تکذیب کنندگان در آنروز(٤۰) آنروز پرهیزکاران در سایه درختان وکنار چشمه‌های بهشت متنعمند (٤۱) به‌آنها گفته شوداز هرنوع میوه که میخواهید مهیا است (٤۲) بخورید وبیاشامید گوارا باد شمارا، اینها پاداش اعمالیست که بجا آوردید (٤۳) نیکوکاران را اینچنین پاداش میدهیم (٤٤) وای در آنروزبحال تکذیب کنندگان (٤۵) ایکافران شما هم بخورید و لذت ببرید لذت‌اندکی،همانا‌شمابدکارید(٤٦)وای‌درآنروزبحال‌تکذیب کنندگان (٤۷) چون بآنها گفته شود رکوع کنید رکوع نکنند (٤۸) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (٤۹) پس بکدام سخن بعد از تکذیب قرآن ایمان‌می‌آورید (۵۰)

پایان ترجمه سوره مرسلات

از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند اجل و عادل تراز آنست که عذر بندگان را نپذیرد و نگذارد آنهاحجت‌خودرا بیان کنند لکن چون فلج شدند و عذری ندارند از این‌جهت‌نمیتوانند سخن‌بگویند.

(هذا یوم‌الفصل‌جمعنا کم والاولین فان کان لکم کیدفکیدون)این‌روز روز فصل حکومت و جدائی نیك‌و بداست‌وشما راباهمه گذشتگان پیشین بعرصه‌محشر جمع کنیم پس‌اگر چاره ای‌دارید برنجات خود بیاورید.

(ان‌المتقین فی‌ظلال وعیون وفواکه ممایشتهون کلوا و اشرابوا هنیئا بما کنتم تعملون انا کذلك‌نجزی المحسنین)روز قیامت بندگان باتقوی‌وپرهیزکاران در سایه درختان بهشت و اطراف نهرهای جاری‌متنعمند و از هرنوع میوه که‌مایل باشند فراهم است بآنها خطاب لطف شود که ازهرطعام وشربتی بخواهید بخوریدو بیاشامید گوارا بادبرشما، اینها پاداش اعمال نیکی است که در دنیا بجاآورده‌اید ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

ابن شهرآشوب از تفسیر ابی یوسف ابن یعقوب که یکی از مخالفین است واو از مجاهد وابن عباس روایت کرده گفت مقصود از متقین دراین آیه امیرالمؤمنین علیه السلام و حسنین علیهما السلام است آنها در سایه درختهای بهشت و خیمه هائی از لؤلؤ که طول هرخیمه‌ای یکفرسخ است سکونت دارند ومراد از: و کذلك نجزی المحسنین کسانی هستند که صرفا مطیع امر خداوند بوده و ایشان اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشند در بهشت واینحدیثرا ابی یوسف که او نیز از علماء مخالفین است نقل نموده است .

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم متقین چه اشخاصی هستند فرمود سوگند بخدا ماو شیعیان هستیم و کسی جزما برملت حضرت ابراهیم نیست و سایرمردم از آن ملت بیزاری میجویند عرض کردم حضورش مجرمین چه اشخاصی هستند فرمود بنی امیه وبنی عباس گفتم مکذبین چه مردمانی باشند فرمود کسانی که تکذیب کردند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را و اولین آنهائی هستند که پیغمبران گذشته را تکذیب نمودند در اطاعت اوصیاء وآنها ومجرمین این امت کسانی بودند که ظلم نمودند بآل محمد علیهم السلام واعمال ناشایسته‌ای نسبت بوصی محمد صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام بجا آوردند .

و حضرت رضا علیه السلام فرمود مراد باولین اولی ودومی و مقصود از آخرین سومی و بنی امیه وبنی عباس است واین حدیث راشرف الدین نجفی نیز روایت کرده است .

(کلوا و تمتعوا قلیلا انکم مجرمون ، و اذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون ویل یومئذ للمکذبین فبای حدیث بعده یؤمنون) دراین آیه خطاب می کند بکفار و گنهکاان : بخورید و لذت برید بعمر کوتاه دنیا ، شما مردم بسیار بد کردار هستید وچون باین کافران گویند نماز بجا آورید اطاعت نکرده وفرمان نبرند وای بحال تکذیب کنندگان آیات خدا ـ آنانکه قرآن وآیات خدا را تکذیب کردند بکدام حدیث و کتاب ایمان خواهند آورد .

شرف الدین ذیل آیه فوق از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را فرمود باطن آیه آنست: چون بناصبیها گویند بر گردید بسوی ولایت ائمه ومتوجه آنها بشوید و دوست بدارید ائمه رابرنگردند و توجهی بایشان پیدا نکنند .

پایان سوره والمرسلات

سورة النبأ

مركز تحقيقات كامپيوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا
سَيَعْلَمُونَ (٤) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (٥) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَاداً (٦)
وَالْجِبَالَ أَوْتَاداً (۷) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجاً (۸) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتاً (۹)
وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاساً (۱۰) وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشاً (۱۱) وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ
سَبْعاً شِدَاداً (۱۲) وَجَعَلْنَا سِرَاجاً وَهَّاجاً (۱۳)

سوره نباء در مکه نازل شده و چهل آیه وصد ونود و سه کلمه و سیصد ونود حرف است.

خواص وثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نبا را تا مدت یکسال هرروز قرائت کند خداوند زیارت مکه معظمه را نصیب او گرداند.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود هر که اینسوره را قرائت کند و حفظ نماید برای او حسابی در قیامت نباشد مگر بمقدار نوشتن این سوره تا داخل بهشت شود و هر که بنویسد آن را و همراه خود بدارد باقوت و هیبت گردد و جانوری باو نزدیك نشود و اگرمسافر درحال سفر آن را قرائت کند در شب از هر بلائی محفوظ بماند باذن خداوند.

سوره نباء مشتمل است بر احوال قیامت و تکذیب کردن قریش از قرآن و پیغمبر و قیامت و کیفر کفار و گناهکاران و توبیخ و تهدید آنها و پاداش مؤمنین

قوله تعالی (عم یتسئلون عن النباء العظیم الذی هم فیه مختلفون) مردم از چه می پرسند؟ از خبر بزرگ که در آن اختلاف میکنند.

ترجمه سوره نباء

بنام خداوند بخشنده مهربان

از چه‌چیز می‌پرسند (۱) از خبر بزرگ قیامت (۲) که در آن با هم اختلاف میکنند (۳) چنین نیست بزودی خواهند دانست (٤) پس بزودی خطای خود آگاه میشوند (٥) آیا مازمین را محل آسایش نگردانیدیم (٦) و کوهها را میخ و ستون زمین نساختیم (۷) ماشما را جفت آفریدیم (۸) و خواب را برای شما مایه قوام واستراحت قرار دادیم (۹) و شب را لباس و پوشش گردانیدیم (۱۰) و روز را برای تحصیل معاش مقرر داشتیم (۱۱) وبرفراز شما هفت آسمان محکم بنا کردیم (۱۲) و چراغی چون خورشید درخشان برافروختیم (۱۳)

مفسرین در نباء عظیم اختلاف کرده‌اند بعضی گفتند قرآن است که در آن خلاف کردند جمعی سحرش خواندند و بعضی شعر و فرقه‌ای افسانه و طایفه‌ای گفتند نباء پیغمبر است که ساحر و کاهن وشاعر و دیوانه‌اش خواندند و درتفسیر اهل بیت عصمت و طهارت نباء عظیم امیرالمومنین علیه‌السلام است چنانکه در کافی از ابی حمزه روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه‌السلام معنای نباء عظیم را فرمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام است خود آنحضرت فرموده برای خدا آیه و نباء بزرگتری از من نیست و اینحدیث را در بصائر الدرجات با زیادتی این جمله روایت کرده فرمود آنحضرت ولایت مرا خداوند بر امتهای گذشته فرض وواجب نموده باهمان اختلافـزبانیکه داشتند بسیاری از آنها قبول ننمودند واقرار بفضیلت من نکردند

ابن بابویه ازحضرت امام زین العابدین علیه‌السلام و حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده فرمودند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بامیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودیا علی تو باب و راه خدا و حجة پروردگار و نباء عظیم و صراط مستقیم ومثل اعلی هستی ـ و حافظ محمد بن مؤمن شیرازی که یکی از مخالفین است در کتاب مستخرج از تفاسیر اثنی عشر ذیل تفسیر آیه‌فوق از سدی روایت کرده گفت صخر بن حرب وارد شد برپیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد ای محمد امر ولایت بعد از شما برای کیست ؟ فرمودبرای

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (۱۴) لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵) وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶) إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷) يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۷) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱) لِلطَّاغِينَ مَآبًا (۲۲) لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا (۲۴) إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا (۲۵) جَزَاءً وِفَاقًا (۲۶) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا (۲۷) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا (۲۸) وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا (۲۹) فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

کسی است که او نسبت بمن بمنزله هرون است نسبت بموسی جبرئیل نازل شدو آیات فوق را آورد و گفت ایرسول خدا بعضی‌ازامت تو تصدیق ولایت و خلافت علی علیه‌السلام را بنمایند و بعض دیگر تکذیب کنند و بزودی شناسند و یقین نمایند بولایت علی علیه‌السلام درقبرهنگام سؤال کردن از آنها بدانکه در مشرق ومغرب عالم و بیابان و دریا نمیرد کسی مگر آنکه نکیر ومنکر سؤال کننداز اودر باره‌ولایت و خلافت علی ومی‌پرسند پرورده گار تو کیست ودین تو چیست و پیغمبرتو کیست و امام تو کیست ؛ و از علقمه روایت کرده گفت روزجنگ صفین مردی ازلشگر شام باسلاح بیرون آمد و قرآنی حمایل خود کرده بود بجای رجزخواندن چنانکه مرسوم اعراب است میخواند :

(عم یتسائلون‌عن النباء العظیم الذی هم فیه مختلفون) من خواستم پیش‌او روم امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود برجای خودباش. خود آنحضرت پیش رفت بآنمرد گفت منم نباء عظیم و خبر بزرگ که در من خلاف کردید و در ولایتم من نزاع نمودید و از ولایت من باز آمدید آنگاه قبول کردید و بظلم و بغی و ستم هلاك

و از فشار و تراکم ابرها آب ریزان فرو ریختیم (۱۴) تا بآن دانه و گیاه رویانیدیم (۱۵) و بوستان بهم پیچیده پدید آوردیم (۱۶) همانا روز قیامت که روز فصل خصومت است وعده گاه خلق میباشد (۱۷) آنروز که در صور دمیده شود مرده‌گان زنده شوند و فوج فوج بمحشر درآیند (۱۸) و گشوده شود آسمان و پدید آید درهای مختلف (۱۹) و کوهها مانند سراب روان گردد (۲۰) همانا دوزخ در انتظار بدکاران است (۲۱) آندوزخ جایگاه مردم سرکش و ستمکار است (۲۲) درآندوزخ قرنها درنگ کنند (۲۳) وهرگز آب سرد و شراب پاکیزه‌ای نچشند (۲۴) مگر آب جوشان وچرك وريم (۲۵) که با کیفر کردار آنها موافق است (۲۶) چه آنان امید بروز حساب نداشتند (۲۷) و آیات ما را تکذیب کردند (۲۸) و ما هر چیزی از کردار آنها را در لوح محفوظ شمردیم (۲۹) پس بچشید عذاب را و هرگز جز شکنجه وعذاب بر شما نیفزائیم (۳۰)

شدید از کفر بوسیله شمشیر من بیرون آمدید و روزغدیر را دانستید و روز قیامت خواهید دانست آنچه بجا آورده‌اید و بکیفر آن خواهیدرسید پس از آن شمشیر کشید و سرش را از تن جدا کرد و بدرك واصل شد.

و از اصبغ بن نباته روایت کرده گفت روز جنگ جمل دربصره سواری از لشکر بصره بیرون آمدو آیات فوق رامیخواند امیر المؤمنین عليه السلام پیش رفت وباو فرمود می‌شناسی آن خبر بزرگ را عرض کرد خیر فرمود بخدا قسم منم نباء عظیم که در من خلاف کردید بزودی خواهید شناخت مرا آنوقتیکه میان بهشت و دوزخ بایستم و خلایق را قسمت کنم و بدوزخ گویم این برای تو وآندیگر برای من بگیر اورا که از دشمنان منست و دست بر دار از این شخص که از دوستان منست وبزودی خواهید دانست که من نباء عظیم هستم آنزمان که در کنار حوض کوثر بایستم و طایفه‌ای را از حوض کوثر برانم چنانکه در دنیا شترغریب را از کنار حوض آب برانند پس از آن بصری را بقتل رسانید و بجای خود بازگشت.

(الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا و خلقناكم ازواجا وجعلنا نومكم سباتا و جعلنا الليل لباسا و جعلنا النهار معاشا و بنينا فوقكم سبعا شدادا و

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفازاً (۳۱) حَدآئِقَ وأَعناباً (۳۲) وكَواعِبَ أَتْراباً (۳۳)
وكَأْساً دِهاقاً (۳٤) لا يَسْمَعُونَ فِيها لَغْواً وَلا كِذّاباً (۳۵) جَزآءً
مِنْ رَبِّكَ عَطآءً حِساباً (۳٦) رَبِّ السَّمٰواتِ وَالأَرْضِ وَما بَيْنَهُمَا الرَّحْمٰنِ
لا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطاباً (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلائِكَةُ صَفًّا لا
يَتَكَلَّمُونَ إِلّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمٰنُ وقالَ صَواباً (۳۸) ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ
فَمَنْ شآءَ اتَّخَذَ إِلىٰ رَبِّهِ مَآباً (۳۹) إِنّا أَنْذَرْناكُمْ عَذاباً قَرِيباً يَوْمَ يَنْظُرُ
الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ يَداهُ وَيَقُولُ الْكافِرُ يا لَيْتَنِي كُنْتُ تُراباً (٤۰)

جعلنا سرا جا وهاجا و انزلنا من المعصرات ماء ثجاجا لنخرج به حبا و نباتا و جنات الفافا) آیا ما زمین را محل آسایش خلق قرارندادیم و کوهها را ستون و میخهای زمین ونگهبان آن نساختیم ماشما را جفت نر و ماده آفریدیم و خوابرا برای شما مایه قوام و استراحت قرار دادیم وشبرا ساتر و لباس خلق گردانیدیم یعنی بتاریکی همه چیزپوشیده شود وروز را برای تحصیل معاش خلق قرار دادیم وبرفراز شما هفت آسمان محکم بنا کردیم و درآن چراغی فروزان چون خورشید رخشان بر افروختیم و از فشار و تراکم ابر ها آب باران فرو ریختیم وبآن آب دانه وگیاه رویانیدیم و باغهای پر درخت و انواع میوه ها پدید آوردیم ـ

درکافی ذیل آیه و جعلنا سراجا وهاجا از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود خورشیدی که مشاهده میکنید نور اویکجزء ازهفتاد جزء نور کرسی استو نور کرسی یك جزء ازهفتاد جز نور عرش است و نور عرش یك جزء از هفتاد جزء نور حجاب و نور حجاب یك جزء ازهفتاد جزء نور ستر است .

(ان یوم الفصل کان میقاتایوم ینفخ فی الصور فتأ تون افوا جا وفتحت السماء فکانت ابوابا و سیرت الجبال فکانت سرابا) روز قیامت که روزفصل خصومت است

همانا برای پرهیزکاران رستگاریست (۳۱) باغها و بوستان است (۳۲) ودختران زیبا و دلربا که همه مانند یکدیگرند (۳۳) و جامهای پراز شراب طهور (۳٤) هرگز سخن بیهوده ودروغ نشنوند (۲۵) این نعمتها پاداش وعطای پروردگاراست (۳٦) همان پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است خدای بخشنده که از قهر و سطوتش با اولب بگفتگو نتوانند گشود (۳۷) روزیکه روح وفرشتگان صف زده و بنظم بایستند. کسی سخن نگوید جز آنکه خدا رخصت دهد و سخن بصواب گوید (۳۸) این روز حق و راست است، پس هر که میخواهد نزد خدای خود منزلتی یابد درراه طاعت بکوشد (۳۹) ماشما رااز عذابیکه نزدیك استمیترسانیم روزیکه آدمی بنگرد آنچه کرده ودر پیش روی خود حاضر بیند. کافران درآنروز از فرط عذاب آرزو کنند ایکاش خاك بودند و بچنین عذابی گرفتار نمیشدند (٤۰)

پایان ترجمه سوره نباء

آنروز وعده گاه خلق است یعنی آنچه خداوند وعده فرموده در آنروزانجام گیرد روزی که درصور دمند مردگان زنده شده و فوج فوج بمحشردرآیند.

معاذ جبل گفت در خانه ابو ایوب انصاری ازرسول خدا معنای آیه را سؤال نمودم فرمود ای معاذ ازکار بزرگی سؤال کردی روز قیامت مردم بر ده نوع محشورشوند. خدایتعالی برای هر نوعی علامتی معین فرموده تا تمیز داده شوند مؤمنین از یکدیگر. بعضی بصورت بوزینه و بعضی بصورت خوك و بعضی سرنگون وبعضی کور که باین طرف و آنطرف میروند و می افتند و راه را نمی‌بینند وبعضی کر وگنگ و طایفه‌ای زبانهایشان بر سینه افتاده و بعضی دست و پای بریده و بعضی را بروی درخت آتش نشانیده‌اند و بعضی را لباس قطران بپوشانند وطایفه‌ای بوی عفونت مانند بوی مردارازایشان بیرون آید آنهائی که بصورت بوزینه محشور میشوند کسانی هستند که سخن چین و نمام بودند در دنیا و اهل سحت و رشوه خواران باصورت خوك باشند وربا خواران سر نگون بمحشر آیند و قاضیان کور وارد محشر می‌شوند وکران وگنگان مردمانی هستند که عبادت ریا وعجب بجا می‌آوردند و علمائی که عمل بعلم خود نکردند وارد محشر می‌شوند درحالیکه

زبانهای خود را جویده و بروی سینه های ایشان افکنده شده و کسانی که همسایگان خود را اذیت و آزار میکنند دست و پا بریده وارد محشر شوند و آنهائی که سعایت میکنند ازبرای مردم نزد پادشاهان و امراء بر درختهای آتشین آویخته شده و به محشر آیند و کسانیکه در دنیا مشغول شهوترانی ولذات حرام بودند در محشر بوی عفونتی از آنهاخارج شود که اهل محشر از آن بوی متأذی شوند ومتکبرین و گردنکشان را لباس قطران و آتشین بپوشانند و وارد محشر کنند.

و در جامع اخبار از ابن مسعود روایت کرده گفت حضور امیر المؤمنین علیه‌السلام بودم فرمود در قیامت پنجاه موقف است و هر موقفی هزار سال طول کشد.

موقف اول خارج شدن از قبر است هر کس ایمان بخدا و رسول و بهشت و دوزخ و حشر و حساب داشته و اقرار و اعتراف نموده بآنچه پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از جانب خداوند آورده از گرسنگی و عطش روز قیامت نجات یابد پس از آن آیه را تلاوت فرمودند.

(و آنروز درهای آسمان را بگشایند و کوهها را برفتن آرندتاچون سراب گردد.

(ان جهنم کانت مرصادا للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا لا یذوقون فیها بردا ولاشرابا الاحمیما وغساقا جزاء وفاقا انهم کانوا لا یرجون حسابا و کذبوا بآیاتنا کذابا) همانا دوزخ در انتظاربدکاران است و آن جایگاه مردم سرکش و ستمکاران است در آنجا قرنها مقام کنند وعذاب کشند.

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود احقاب جمع حقب است وهشتاد حقب باشد وهر حقبی هشتاد سال وهر سالی سیصدوشصت روز است و هر روز هزار سال از سالهائی که شما میشمارید. عیاشی ازحمران روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه‌السلام آیه را فرمود این آیه مخصوص اهل توحید و کسانی است که ازجهنم عاقبت خارج میشوندو آنها فساق و ستمکارانند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود بیرون نمی آید کسی از جهنم مگر بعد ازمکث کردن احقابی. اما کفارو منافقین هرگز خارج نخواهند شد.

درآنروزخ قطره‌ای آب سرد و شربت پاکیزه و گوارا نیاشامند مگر آب جوشانیده و سوزان و کثافات اهل دوزخ که با کیفر اعمال آنها موافق‌است. چه آنها امید بروز حساب نداشتند و آیات ما را تکذیب مینمودند و حال آنکه ما هرچیزیرا در کتابی بشماره نوشته ورقم کردیم ـ پس بچشید که بر شما چیزی جز رنج‌وعذاب دوزخ نیفزائیم ابوبریده اسلمی گفت‌سؤال کردم از پیغمبرا کرم ﷺ از سخت ترین آیه ایکه در باره اهل دوزخ نازلشده‌فرمودآیه: فذوقوافلن‌نزیدکم الا عذابا‌است .

(ان للمتقين مفازا حدائق و اعنابا و كواعب اترابا و كأسا دهاقا لايسمعون فيها لغوا ولا كذابا جزاء من ربك عطاء حسابا)

در این آیات بیان میکند پاداش‌پرهیز کاران‌را : برای‌پرهیز کاران نجات‌و رستکاری و آسایش است و برای ایشان‌آماده شدن‌باغها و بستان و درختهای انگور و دختران زیبا و دلربائی که پستانهایشان برآمده و همه در خوبی‌وجوانی مانند یکدیگرند و جامهای پر از شراب طهور وهرگز سخن لغو و بیهوده و دروغ نشنوند این نعمتها پاداش و عطاء پروردگار است همان خدائی که آسمان و زمین و آنچه‌میان آنها است‌بیافرید وبخشانیده و مهربانست وکسی ازقهروسطوتش با او بگفتگو لب نتواند گشود یعنی بدون فرمانش کسی شفاعت نتواند نمود .

(يوم يقوم الروح و الملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ذلك اليوم الحق ، فمن شاء اتخذ الى ربه مآبا ، انا انذرناكم عذابا قريبا، يوم‌ينظر المرءما قدمت يداه ويقول الكافر ياليتني كنت ترابا) روزیکه‌روح بایستد و فرشتگان صف‌زده، سخن نگویند مگر آنکه خدا دستوری دهد و جز حق و صدق نگویند .

در کافی ذیل آیه فوق از محمد بن‌فضیل روایت کرده گفت ازحضرت‌موسی بن جعفر علیه‌السلام سؤال نمودم معنای‌آیه را فرمود بخدا قسم ما ائمه هستیم که‌خداوند اذن و اجازه داده که‌روز قیامت‌تکلم کنیم‌عرضکردم در آنروز چه تکلمی‌میفرمائید فرمود حمد میکنیم پروردگار را و درود میفرستیم بر محمد و آل او و شفاعت

میکنیم ازشیعیان خود و خداوند شفاعت ما ائمه را رد نخواهد نمود و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود روز قیامت خلایق را در مکانی جمع کنند ومحو شود از دل آنها گفتن لااله الا الله مگر آنکسانی که‌بولایت‌امیر المؤمنین علیه‌السلام اقرار کردند و این است معنای آیه شریفه .

آنروز قیامت حق است پس هر کس میخواهد نزد خدای خود در آن روز مقام و منزلتی یابد درراه طاعت بکوشد و از معصیت اجتناب کند ما شما را از عذاب نزدیك روز قیامت میترسانیم آنروز مرد نگران باشد از عملی که بجاآورده و منتظر است‌جزاء و یا کیفر اعمال خود را که پیش فرستاده‌و کافران درآنروز از شدت عذاب آرزو کنند که ایکاش خاك‌بودند و بچنین عذابی گرفتار نمیشدند محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود کافر میگوید ایکاش من ابو تراب (امیر المؤمنین)را دوست میداشتم .

ابن بابویه از عبایة بن ربعی‌روایت کرده گفت بابن عباس گفتم بچه‌مناسبت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله امیر المؤمنین علیه‌السلام را ابو تراب کنیه داد گفت برای آنکه آنحضرت صاحب زمین وحجة خداوند است براهل زمین، وزمین بوجود مقدس آن حضرت ساکن وباقی است‌شنیدم‌ازرسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که‌فرمودروز قیامت چون کفار مشاهده کنندآنچه را که خداوند وعده داده بود بشیعیان علی علیه‌السلام از اجر و قرب منزلت و کرامت آرزو میکنند ومیگویند ایکاش ما هم از شیعیان علی و ترابی بودیم یعنی بآنحضرت منسوب‌بودیم. اینست معنای یالیتنی کنت ترابا یعنی علوی بودیم و ابو تراب را دوست میداشتیم .

پایان سوره نباء

سورة النازعات

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقاً (۱) وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطاً (۲) وَالسَّابِحَاتِ سَبْحاً (۳)
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقاً (٤) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْراً (٥) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (٦)
تَتْبَعُهَا الرَّادِفَةُ (۷) قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ (۸) أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)
يَقُولُونَ ءَإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰) ءَإِذَا كُنَّا عِظَاماً نَخِرَةً (۱۱)
قَالُوا تِلْكَ إِذاً كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

سوره نازعات در مکه نازل شده چهل و شش آیه و صد و نوزده کلمه و هفتصد و پنجاه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نازعات را قرائت کند نمیرد مگر سیراب و محشور نشود مگر آنکه سیراب داخل بهشت شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند از عذاب خدا ایمن باشد و روز قیامت اورا از شراب سرد سیراب گرداند و هر کس مقابل دشمن این سوره را قرائت کند منحرف شود آن دشمن از او و سالم و محفوظ بماند و ضرری باو نرساند و اگر از کسی بترسد وقت داخل شدن بر او اینسوره را قرائت کند نجات یابد و ایمن باشد از شر او باذن خداوند سوره نازعات مشتمل است بر احوال قیامت و اهوال آن و شطری از داستان موسی و فرعون و تهدید و توبیخ منکرین قیامت و حشر .

قوله تعالی (والنازعات غرقا و الناشطات نشطا والسابحات سبحا فالسابقات سبقا فالمدبرات امرا) قسم بفرشتگانی که جان کافرانرا بسختی بگیرند و قسم بفرشتگانی که جان مؤمنین را بآسایش و نشاط بیرند .

ترجمه سورهٔ نازعات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بفرشتگانیکه جان کافران را بسختی بگیرند(۱) و بفرشتگانیکه جان اهل ایمان را بآسایش ونشاط ببرند (۲) و بفرشتگانیکه با سرعت فرمان حق را انجام دهند (۳) وقسم به پیشی گیرندگان وشتابنده ها (٤) وقسم بتدبیر کنندگان کار (۵) روزی که زمین بلرزه درآید و شکافته شده و اهلش بیرون آیند (٦) و ازپی آن بمحشر حاضر شوند (۷) درآنروز دلها هراسان و ترسان شود (۸) مردم چشمها بزیر افکنند (۹) گویند آیا ما پس از مرگ بازمیگردیم بحال زندگانی (۱۰) چگونه زنده شویم وحال آنکه استخوان ما پوسیده شده (۱۱) گویند این بازگشتن بسی زیانکار خواهیم بود (۱۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فرشتگان جان کفار را از میان پوست و از زیر هر موی و ناخن بسختی بیرون میآورند و کافر دروقت مرگ خود را چون غرقشده میبیند و مؤمنین در وقت مرگ با نشاط هستند چه هنگام مرگ بهشت را بایشان نشان میدهند و حوریان بآنها میگویند بسوی ما آی که در انتظار توهستیم مؤمن از این مسرور وبا نشاط شود.

ابن فهد در کتاب عده از معاذ جبل روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هلاك نکنید مردم را که سگهای اهل جهنم هلاك مینمایند شما را خداوند میفرماید والناشطات نشطا میدانیدناشطات چیست ؛ آنها سگهای اهل آتش هستند که گوشت و استخوان بدن شما را میکنند و با نشاط میشوند.

قسم بفرشتگانی که باکمال سرعت فرمان حق را انجام میدهند و قسم به ارواح مؤمنینی که سبقت میگیرند بریکدیگر بسوی بهشت.

حضرت باقر علیه السلام فرمود ارواح مؤمنین سبقت میگیرند بریکدیگر بسوی بهشت و ارواح کافرین بسوی جهنم چنانچه در دنیا با یکدیگر پیشی میگیرند.

و قسم بفرشتگانی که بفرمان حق در تدبیر نظام خلق میکوشند پروردگار تدبیر امور دنیا را بچهار فرشته وا گذار فرموده جبرئیل ـ و

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (١٣) فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ (١٤) هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ
مُوسَى (١٥) إِذْ نَادَيْهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (١٦) إِذْهَبْ إِلَى
فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى (١٧) فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى (١٨) وَأَهْدِيَكَ
إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى (١٩) فَأَرَيْهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى (٢٠) فَكَذَّبَ وَعَصَى (٢١)
ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى (٢٢) فَحَشَرَ فَنَادَى (٢٣) فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى (٢٤)
فَأَخَذَهُ اللهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى (٢٥) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى
(٢٦) ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَيهَا (٢٧) رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّيهَا (٢٨)

میکائیل و اسرافیل ـ و عزرائیل جبرئیل موکل بر باد ها و لشگرها میکائیل موکل بر باران و نباتات و ارزاق خلایق اسرافیل موکل بر فرمان اللهی عزرائیل موکل بر قبض ارواح است.

ابن بابویه ذیل آیه والمدبرات امرا ازحضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام روایت کرده فرمود جمعی از خواص اصحاب پدرم حضرت صادق علیه‌السلام در شب ماه تابی حضورش نشسته بودند گفتند ایفرزند رسول خدا چقدر نیکو است منظره آسمان و نورانی است ستارگان فرمود بدانید مدبرات امور چهار فرشته هستند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بزمین نظر میکنند و شما وبرادرهایتان را دراطراف عالم مشاهده مینمایند و نور شما شیعیان در زمین و آسمان بهتر ونیکو تر است از نور این ستارگان؛ و اهل آسمان هم سخنان شما را میگویند چقدر نورانی هستند مؤمنین.

این آیات قسم بود و جواب آنها محذوف است و آنست قسم باین چیرهامی نفسی آنچه عمل کرده و انجام داده جزا دهم و بعض از مفسرین گفتند جواب قسم آیه ان فی ذالك لعبرة لمن یخشی میباشد و شایسته است آیه برای جواب.

جز این نیست که یك نداء است (۱۳) پس آنگاه همه از خاك بسوی محشر رهسپار شوند (۱٤) آیا داستان موسی بتو رسیده (۱۵) هنگامیکه خدا اورا دروادی مقدس صدا کرده (۱٦) بروبسوی فرعون که او سر کشی نموده (۱۷) پس بگوباو آیا میل داری که ازپلیدی پاکیزه شوی (۱۸) و تورا راهنمائی کنم بسوی پرورد گارت پس بترسی وفروتن شوی (۱۹) پس موسی آیه و معجزه‌ای براونمود (۲۰) فرعون تکذیب ونافرمانی کرد (۲۱) پس از آن روی بگردانید ومیشتافت (۲۲) پس جمع کرد وصدا زده مردان دربار خودرا (۲۳) وبآنها گفت منم خدای بزرگ شما (۲٤) خدا هم اورا بعقاب دنیا وآخرت گرفتار کرد (۲۵) همانا هلاکت فرعون عبرتیست برای کسیکه از خدا میترسد (۲٦) آیا خلقت شما آدمیان استوارتر است یا بنای آسمان بلند (۲۷) برداشت آسمانرا سقفی بلند و استوار ساخت آنرا (۲۸)

یوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة قلوب یومئذواجفةابصارها خاشعة یقولون ائنا لمردو دون فی الحافرة ائذا کنا عظاما نخرة قالواتلك اذا کرة خاسرة فانما هی زجرة واحدة فاذا هم بالساهرة) روزی که نفخه صور بدمد و زمین شکافته و بلرزه در آید و اهلش بیرون آیند و از پی آن بمحشر حاضر شوند در آنروز دلها سخت هراسان و ترسان باشد مردم از ترس دیدگان را بزیر افکنند گویند آیا پس از مرگ باز زندگانی دیگر خواهیم‌یافت پس ازآنکه استخوانهای ماپوسیده شده دوباره زنده خواهیم‌شد؟ .

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود راجفه حضرت امام‌حسین علیه‌السلام است ورادفه امیر المؤمنین علیه‌السلام اول کسیکه خاك را از سر خود دور میکند امام حسین علیه‌السلام است با هفتادوپنج هزار نفرچنانکه خداوندمیفرماید انا لننصر رسلنا و الذین آمنو فی‌الحیوة‌الدنیاویوم‌یقوم الا شهاد یوم‌لاینفع‌الظالمین معذرتهم و لهم اللعنة ولهم سوء الدار- کفار گفتند این رجعت‌رجعتی باشد زیان کار یعنی اگرچنان است که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله میگوید ما در این رجعت زیان‌کار باشیم و این سخن را بطریق سخریه گفتند .

محمد بن عباس ازحضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَيهَا (۲۹) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَيهَا (۳۰)
أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَيهَا (۳۱) وَالْجِبَالَ أَرْسَيهَا (۳۲) مَتَاعًا لَكُمْ
وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ (۳٤) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ
الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ (۳۵) وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَىٰ (۳۶) فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ
(۳۷) وَآثَرَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۳۹) فَأَمَّا مَنْ
خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ (۴۱)

فرمود کره مبارکی که نفع میرساند باهلش روز حساب ولایت من وولایة علی علیه السلام و فرزندان اوو پیروی کردن از من و از علی و فرزندان علی است بواسطه داشتن ولایت ما خداوند امر میفرماید آنها را داخل بهشت کنند و کره خاسر و زیان ـ آور دشمنی کردن با من وعلی واوصیاء بعد از اوباشد بواسطه این عداوت خداوند امر میکند آنها را در اسفل السافلین جهنم داخل گردانند ـ

پس ازآن خداوند در جواب کفار میفرماید جز یک آواز که در صور دمند بیش نباشد که بآن صدا نا گهان همه از خاک بیرون آیند و بزمین قیامت حاضر باشند .

(هل اتیك حدیث موسی اذنادی ربه بالواد المقدس طوی اذهب الی فرعون انه طغی) دراین آیه پروردگار بیان میکند داستان فرعونیانرا که رسول خداموسی را تکذیب کردند برای تسلیت خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ایرسولما آیا خبرموسی بتورسید، آنگاه که خداوندا اورا در وادی مقدس صدا کرد وفرمود بروبسوی فرعون که طغیان کرده بگوباو آیا میل داری که ازپلیدی پاکیزه شوی وترا براه هدایت و خدا دلالت کنم تا ازعظمت وقدرت او خاشع و فروتن شوی موسی نزد فرعون رفت و اورا دعوت کرد فرعون از موسی معجزه خواست وچون موسی آیه ومعجزه

و شبش را تاریك و روزش را روشن گردانید (۲۹) و زمین را پس از آن بگسترانید (۳۰) وبیرون آورد از آن آب و گیاه را (۳۱) و کوهها را ستون آن ساخت (۳۲) تا از آن آب و گیاه قوت شما وچهار پایانتان برآید (۳۳) پس چون واقعه بزرگ قیامت پدید آید (۳٤) آنروز آدمی هرچه ازخیر وشر کرده بیادآورد (۳۵) و دوزخ برای بینندگان آشکار شود (۳٦) پس هرکس طغیان وسرکشی کرده (۳۷) وزندگی دنیا را برگزیده (۳۸) دوزخ جایگاه اوست (۳۹) و اما آنکس که ترسید ازحضور در پیشگاه خدا وباز داشت نفس خود را از خواهش ها (٤٠) همانا بهشت منزلگاه اواست (٤١)

بزرگ باو نمود فرعون تکذیب ونافرمانی کرد آنگاه روی بر گردانید از موسی وکوشش کرد در دفع موسی وبا مردان بزرگ درباز خود انجمن کرد و ایشان را نداکرد وگفت من خدای شما هستم وبجز من خدائی نیست، خدا هم در اثر این غرور وسرکشی اورا بعقاب دنیا وآخرت گرفتار کرد ودراین‌هلاکت فرعون‌عبرتی است ازبرای کسانی که ازخدا میترسند .

(ءانتم اشد خلقا ام السماء بنیها رفع سمکها فسواها و اغطش لیلها واخرج ضحیها) در این آیه مکلفین را مخاطب قرار داده ومیفرماید شما سخت ترید در خلقت یاآسمان که خدایتعالی آنرا بنا کرده یعنی چون ازآفریدن آسمان بارفعت وشدت‌عاجزنیست از آفریدن شماهم عاجزنخواهد بود سقفی بلند ستون و استوار و آراسته ساخت و شبش را تیره وتاریك وروزش را روشن گردانید وزمین را پس‌از آن بگسترانید وآبی پدید آورد وگیاه زار وکوهها برروی زمین ثابت گردانیدتا از آب وگیاه قوت شما وچهار پایانتان برآید.

(فاذا جائت الطامة الکبری یوم یتذکر الانسان ما سعی و برزت الجحیم لمن یری) چون واقعه بزرگ قیامت پدید آید آنروز هرچه آدمی از خیر وشربجا آورده بیاد آورد و تأسف خورد وگوید چرا عمل شرم بجا آوردم و یا عمل خیر بیشتر نکردم و دوزخ را برای بینندگان آشکار سازند .

(فاما من طغی وآثرا الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی) و هرکس از

يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَيٰهَا (۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَيٰهَا (۴۳) إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَيٰهَا (۴۴) إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشَيٰهَا (۴۵) كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَيٰهَا (۴۶)

حکم خدا سرکش و طاغی شد وزندگی دنیا را بر آخرت برگزید دوزخ جایگاه او باشد .

(و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی الماوی) و هر کس از حضور در پیشگاه خدا بترسد و از هوای نفس دوری جست بهشت منزلگاه اوباشد .

درکافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس بداند خداوند اورا میبیند و گفتارش را میشنود وعملش را از خیر و شر میداند پس خود را از اعمال قبیح و زشت حفظ کند این شخص کسی است که از مقام پروردگار ترسانست .

ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت کرده است که این آیه مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام و کسانی است که بر طریقه آنحضرت مشی مینمایند .

(یسئلونك عن الساعة ایان مرسها فیم انت من ذکریها الی ربك منتهیها انما انت منذر من یخشیها کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة اوضحیها) ایرسول ما سؤال میکنند از تو قیامت کی برپا خواهد شد تورا چکار افتاد که از آن بیاد آری یعنی علم آن بتو تعلق ندارد غایت و منتهی علم آن با خداوند است و جز خدا کسی نمیداند. آنچه کار تو است وبتو تعلق دارد: تو ترساننده کسی هستی که از یاد آنروز و اهوال آن ترسانست چون آنروز بر مردم پدیدار شود گویا چنان است که تمام دنیا شبی تا صبح یا روزی تاشام بیش نبوده است .

در کافی از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود شخصی با اهل بیت خود بکشتی سوار شد در اثر امواج خروشان دریا کشتی

ایرسول ما از تو سؤال میکنند که قیامت چه وقت برپا میشود (۴۲)
تورا چکار افتاد که از آن بیاد آری (۴۳) بسوی پروردگار است نهایت
آن (۴۴) جز این نیست که توبیم کنندهای آنکسی که از قیامت میترسد (۴۵)
گویا آنروز را که مردم بینند درنك ننمودند مگر در شبانگاه یا چاشتگاهی (۴۶)
پایان ترجمه سوره‌نازعات

شکست و تمام اهل بیتش غرق شدند جز یکنفر زن جوان آنهم روی یکی از الواح کشتی نشست و خود را بجزیره‌ای رسانید در آن جزیره مردی قطاع‌الریق بود که از هیچ محرمات وعمل زشتی رو گردان نبود متوجه شد بانوئی جوان و صاحب جمال و نیکو منظر بالای سر او ایستاده سؤال کرد از او انسیه هستی یا جنیه آن بانو گفت انسیه هستم مرد دیگر تکلم نکرده‌مانند شوهری که بروی‌عیال خود قرار میگیرد بروی آنزن قرار گرفت خواست عمل منافی با عصمت انجام دهد مشاهده کرد که آن بانو مضطربست و میلرزد گفت این چه حالت است که در تو مشاهده مینمایم جوابداد و اشاره نمود بطرف آسمان که من از خداوند و کیفر او در روزجرا میترسم آیا تو از خداوری و جدائی،آنمرد متوجه شد وبرخاست بگوشه‌ای‌رفت و از روی خلوص‌توبه و استغفار نموده دریکی از مسافرتهاصاحب ورفیق راه راهبی شد خورشید بشدت تمام بر آنها تابیده عطش بر ایشان غلبه کرد آبی‌هم وجود نداشت راهب باو گفت ای‌جوان خدا را بخوان تا ابری بفرستد و بر ما سایه افکند آن جوان گفت من نزد پروردگار حسنه وعمل نیکی ندارم تا بوسیله آن جرئت پیدا کنم و از خداوند در خواست و تقاضائی بنمایم راهب گفت پس من دعا میکنم تو آمین بگو جوان گفت روا باشد راهب دعا کرد و جوان آمین گفت طولی نکشید ابری ظاهر شد و بر سر آنها سایه افکند مقداری راه با هم سیر نمودند رسیدند سر دوراه راهب مسیرش از مسیر جوان جدا بود اوبه راهی وجوان براه دیگر سیر کردند راهب دید ابر بسر جوان سایه افکنده و از

او دور شد گفت ایجوان توبهتر از من هستی خداوند دعای تورا اجابت فرمود نه دعای مرا بگوبه بینم‌چه کاری‌انجام داده‌ای‌وداستان‌تو‌ازچه قرار است که‌خداوند نظر لطف و مرحمت بتو دارد جوان داستان خودرا با آن بانو درجزیره بیان کرد راهب گفت خداوند گناهان گذشته‌تورا آمرزیده در آن‌وقتی که متوجه او شدی و ازکیفر روز جزا ترسیدی، متوجه آتیه خود باش .

پایان سوره نازعات

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ عبس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

عَبَسَ وَ تَوَلّىٰ (۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمىٰ (۲) وَ مَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّىٰ (۳)
أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرىٰ (٤) أَمَّا مَنِ اسْتَغْنىٰ (٥) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدّىٰ
(٦) وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكّىٰ (۷) وَ أَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعىٰ (۸) وَ هُوَ
يَخْشىٰ (۹) فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهّىٰ (۱۰) كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱) فَمَنْ شَاءَ
ذَكَرَهُ (۱۲) فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ (۱۳)

سوره عبس در مکه نازل شده و چهل و دو آیه وصد وسی کلمه و پانصدوسی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عبس را قرائت کند در بهشت زیر سایه کرامت خداوند جا گیرد و روز قیامت خندان باشد ،

ودر خواص قرآن ازپیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم روایت کرده فرمود هر کهاینسوره را قرائت کند از قبر بیرون آید خرم و خندان و اگر آن را برپوست آهو بنویسد وهمراه خود بدارد بهر طرف که متوجه شود نمی‌بیند مگر خیر و خوبی

سوره عبس مشتمل است بر ذکر قومیکه امیدوارند مسلمین اسلام آوردن آنها را و داستان ابن مکتوم و بیان شطری از نعمتهائیکه خداوند به بندگان عطا فرموده

قوله تعالى (عبس و تولى ان جاءه الاعمى ومايدريك لعله يزكى او يذكر فتنفعه الذكرى اما من استغنى فانت له تصدى وماعليك الايزكى و اما من جاءك

ترجمه سوره عبس

بنام خداوند بخشنده مهربان

رو ترش کرد وروی گردانید (۱) چون آنمرد نابینا آمد (۲) چه‌چیز دانا کرد تورا شاید اومردي پارسا وپاکیزه باشد(۳) یا پند گیرد وسود دهد اورا پند (٤) اما کسیکه بی‌نیازی جست (٥) چرا تویارو یاوراوهستي وباو توجه میکنی(٦) و او اگر ازکفرپاکیزه‌نشود برتو تکلیفی نیست (۷)اما کسیکه بسوی تومیشتابد (۸) و او ازخدا میترسد (۹)پس تو از او مشغول میشوی (۱۰) نه‌چنین استهمانا قرآن پندیست (۱۱) پس هر که بخواهدپندگیرد (۱۲) آیات قرآن در صفحات مکرم نگاشته شده‌است(۱۳)

یسعی و هو یخشی فانت عنه تلهی) روترش کرد و رو برگردانید چون آنمرد نابیناحضورش آمدتوچه‌میدانی؟ شاید آن مرد پارسا و پاکیزه و پاك سرشت باشد از گناه، و پند گیرد و یاد حق و ذکر خدا اورا سود دهدو کسیکه دارا وبی‌نیاز است چرا تو یار و یاور او هستي و باوتوجه میکنی برتو آن ثروتمند ازکفر پاك و پاکیزه باشد یا نباشد واما آنکس که بسوی تو می‌شتابد و خدا ترس و با تقوی است تواز توجه باو خود داری میکنی نه‌چنین است آیات حق و قرآن برای پند و تذکر همه خلق است پس هر که بخواهد پند گیرد - مفسرین عامه گفتند سبب نزول آیه آن بود عتبة بن ربیعه و ابوجهل‌بن‌هشام و پسران امیة بن خلف وعباس بن عبدالمطلب حضور پیغمبر اکرم ﷺ بودند آنحضرت با آنها سخن میگفت و ایشان را باسلام دعوت مینمود مرد نابینائی موسوم بعبدالله بن مکتوم وارد شد عرض کرد ایرسول خدا چیزی از قرآن برای من بخوان ومراشرایع اسلام بیاموز این سخن‌را چند بار تکرار کردرسول خدا صورت از او بگردانید و کراهت‌داشت سخنش با آن جماعت قطع شود و دیگر آنکه نخواست آن کافران بگویند اتباع و پیروان محمد ﷺ مردمان نابیناوسفله هستند از این جهة کراهت بصورت پیغمبر پدیدار شد خدای تعالی آیات فوق را فرو فرستادعجب این است‌این صفات‌مذمومه

مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ (۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قُتِلَ
الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (۱۷) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ
فَقَدَّرَهُ (۱۹) ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰) ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ إِذَا
شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲) كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ (۲۳) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ
طَعَامِهِ (۲۴) أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)
فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۷) وَعِنَبًا وَقَضْبًا (۲۸) وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)
وَحَدَائِقَ غُلْبًا (۳۰) وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

را اگر بعضی از فقها و دانشمندان دارا باشند مردم از آنها دوری میجویند پس چگونه روا است در حق پیغمبریکه خداوند درباره او فرمود ولو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من‌حولك و آنحضرت را بحسن خلق و طبع کریم وصف فرموده و اخبار و احادیث متواتر است که آنحضرت با دشمنان و کافران بر خلاف این رویه بود پس چگونه با دوستان و مؤمنین اینگونه رفتار مینمود

طبرسی از حضرت صادق ؏ روایت کرده فرمود آیه فوق نازل شده در باره مردی از بنی امیه که حضور پیغمبر اکرم بود چون ابن مکتوم وارد شدآن اموی از روی غرور وتکبر صورت خود را عبوس کرد و روی بر گردانید جبرئیل نازل شد و آیات فوق را درحق او آورد علی بن ابراهیم از آنحضرت روایت کرده فرمود آیات در باره عثمان و ابن مکتوم نازل شده چون پیغمبر اکرم ﷺ ابن مکتوم را مقدم داشت بر عثمان روی خود را ترش نمود و اعراض کرد از پیغمبر ﷺ و بیرون رفت از محضر آنحضرت، جبرئیل نازل شد و آیات فوق را آورده طبرسی از حضرت صادق ؈ روایت کرده که پیغمبر اکرم ﷺ هر وقت ابن مکتوم را مشاهده مینمود باو میفرمود مرحبا بتو ای ابن مکتوم کسی نمیتواند

آنها بلند مرتبه و پاکیزه اند (۱٤) بدست نویسندگان سپرده شده است (۱۵) و آنان گرامی و مقرب و نیکوکارند (۱٦) کشته باد آدمی چرا تا این حد کفر میورزد (۱۷) اوازچه چیز آفریده شده است (۱۸) از آب نطفه بیقدر آفرید اورا پس اندازه کرد اورا (۱۹) سپس آسان کرد بر او راه را (۲۰) آنگاه او را بمیراند و بخاك قبر سپرد (۲۱) پس چون خواست زنده کند وباز گرداند اورا (۲۲) نه‌چنین است هنوز بجا نیاورده آنچه‌راخدا امر فرموده اورا (۲۳) باید آدمی بطعام و غذای خود بچشم‌خرد بنگرد (۲٤) ما آب باران‌را از ابر فروریختیم (۲۵) آنگاه زمین را شکافتیم (۲٦) ودانه‌هاازاو رویانیدیم (۲۷) و انگور ومیوه ها (۲۷) و درخت زیتون و نخل خرما برویانیدیم (۲۹) وباغها پر از درختان (۳۰) و میوه های تر و تازه وچراگاه (۳۱)

مرا توبیخ و سرزنش کند در باره تو و آنحضرت لطف بسیار بابن مکتوم مینمود (فی‌صحف مکرمه مرفوعه مطهرة بایدی سفرة کرام بررة قتل الانسان ما اکفره من ای‌شئی خلقه من نطفة خلقه فقدره ثم السبیل یسره ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره) آیات الاهی در صحیفه‌های مکرم معظم یعنی لوح محفوظ نگاشته شده و آن صفحات بلند مرتبه و بلند منزله و پاك و منزه است بدست سفیرانی سپرده‌شده است و آنها مقرب و عالی رتبه و کریمان ونکوکارانند ـ

محمد بن عباس‌ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود: برره، ائمه معصومین هستند ـ سعد بن‌عبدالله‌ازبرید عجلی روایت کرده گفت‌از حضرت باقر علیه‌السلام معنای آیه را سؤال نمودم فرمود حدیث آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را فرشتگان‌در صحفی پاك وپاکیزه و طاهر از دروغ نوشته‌اند ممنوع باد از طریق خیرات و لعنت باد بر او چرا تا این اندازه کفر و عناد میورزد مراد بانسان عتبة بن ابی لهب است این آیه مانند آنست که بکسی بگویند قاتله الله یعنی خدابکشد او رانمی‌نگرد از چه‌آفریدند اورا از آب منی بیقدر آفرید او را پس از آن راه‌بیرون شدن ازرحم را براوآسان کرد وراه حق و باطل را باونمود پس بمیراند او را و بخاك قبر سپرد آنگاه که خواهد زنده کند او را دوباره پس‌از مرگ (کلا لمایقض ما امره) چنین نیست

مَتاعاً لَكُمْ وَلِأَنعامِكُمْ (۳۲) فَإذا جاءَتِ الصّاخَّةُ (۳۳)
يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ (۳۴) وَأُمِّهِ وَأَبيهِ (۳۵) وَصاحِبَتِهِ وَبَنيهِ (۳۶)
لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ (۳۷) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ (۳۸)
ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (۳۹) وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ (۴۰) تَرْهَقُها
قَتَرَةٌ (۴۱) أُولئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

که منکرین بعث و نشور گمان کرده‌اند این کافرین آنچه خدا فرمود ازواجبات و محرمات بجای نیاوردند ـ.

علی بن ابراهیم و محمد بن عباس از ابی اسامه روایت کردند که از حضرت باقر علیه السلام تأویل آیه‌را سؤال نمودم فرمودشأن نزول آیه در باره امیرالمؤمنین علیه السلام است یعنی چقدر کفر و طغیان و عناد میورزیده ای منافقین در اثر کشتن امیر- المؤمنین علیه السلام پس از آن کرامت و نسبت خلقت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان میکند و میفرماید آنحضرت از طینت پیغمبران خلق شده و معین کرده حضرتش را برای خیر و نیکوئی وآنحضرت راه هدایت و طریق مستقیم است پس از کشته شدن و مردن بطریق پیغمبران و مکث کردن، زنده کند آنحضرت را در زمان رجعتو حکم فرمایددر باره دشمنان خود آنچه راخداوند امر فرموده باو (فلینظر الانسان الی طعامه انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا و عنبا و قضبا و زیتونا و نخلا وحدائق غلبا وفاکهة و ابا متاعا لکم ولانعامکم) آدمی بقوت و غذای خود بچشم خرد بنگرد که من روزی اورا از چه ساخته‌وچه سببها پدید آوردم تا روزی باو برسد ما آب باران را فرو ریختیم آنگاه خاک زمین را بشکافتیم وحبوبات‌برای غذا برویانیدیم وباغ انگور و نباتات و درخت زیتون ونخل خرما و باغهای پراز درختان کهن وانواع میوه‌ها و گیاه ومرتعهاپدید آوردیم تا شما آدمیان وحیوانات از آنها بهره‌مند شوید ـ .

تا شما وحیوانات از آن بهره مند شوید (۳۲) آنگاه که صدای بلند قیامت بگوش رسد (۳٤) درآن روز مرد ازبرادرش گریزد (۳٤) بلکه از مادر و پدرش (۳۵) و زن و فرزندش میگریزد (۳٦) در آنروز هر کس گرفتار کار خود است مشغول کند اورا وبکسی نتواند پرداخت (۳۷) درآنروز طایفه‌ای رخسارشان روشن و درخشانست (۳۸) خندان شاد وشادانند (۳۹) ورخسار طایفه دیگر غبار نشسته (٤۰) آنها را تاریکی فرو گرفته (٤۱) آنان کافران وبدکارند (٤۲)

پایان ترجمه سوره عبس

در کافی از زید شحام روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام سؤال کردم مقصود از طعام در این آیه چیست ؛ فرمود علم و دانشی است که باید اخذ نمود آن را از کسانیکه خداوند معین نموده و اینحدیث را مفید نیز در اختصاص روایت کرده و در ارشاد از جمعی امامیه روایت کرده که سؤال نمودند از ابوبکر معنای آب را جواب داد نمیدانم چگونه چیزیکه نمیدانم بگویم ولی معنای فاکهة را میدانم بامیرالمؤمنین علیه‌السلام خبر دادند فرمود سبحان الله چگونه نمیداند معنای آب را آن گیاه ومرتع زاراست که برای حیوانات خداوندآفریده تا آنها وانسان نفس خود را زنده بدارند و قوام بدنشان بآنها باقی بماند و فرمود میوه‌جات در دنیا یکصد بیست نوع است و بزرگ آنها انار است .

(فاذا جائت الصاخة یوم یفر المرء من اخیه وامه و ابیه و صاحبته و بنیه لکل امریء منهم یومئذ شأن یغنیه) آنگاه که صدای بلند قیامت و نفخه صور بگوش همه خلق برسد آنروز هر کس از برادر و مادر و پدر وزن و فرزندش بگریزد

ابن بابویه از حضرت رضا علیه‌السلام روایت کرده فرمود روز قیامت هابیل از برادرش قابیل فرار میکند و ابراهیم از پدرش و لوط از عیالش و نوح از فرزندش کنعان فرار مینماید در آنروز مردم چنان گرفتار کارخود هستند که به هیچکس نتوانند پرداخت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود سه موقف است که کسی یادی ازاقربا و خویشان خود نکند یکی موقف میزان و سنجیدن اعمالست دوم هنگام عبور از

صراط سوم هنگام گرفتن نامه‌اعمال‌است در این سه مورده‌هر کس بنفس خودمشغول است و از شدت‌ترس و اهوال توجهی بارحام واقرباء خود ندارد

(وجوه یومئذ مسفرة ضاحكة مستبشره و وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة اولئك هم الكفرة الفجرة) روز قیامت مردم دو طایفه باشند طایفه اهل ایمان رخسارشان چون صبح فروزانست خندان و خرم وگشاده رو باشند و طایفه دیگر صورتهایشان گردآلود و غم اندوه است و برآنها خاك ذلت و خجلت نشسته‌است اینان کافران و بد کارانند و دشمنان آل رسول هستند ـ

روز قیامت چون خدایتعالی حکم فرماید میان بهایم و حیوانات و آنها را خاك گرداند آن خاك گره شود و بصورت کافران ودشمنان آل محمد صلى الله عليه وآله بنشیند

پایان سوره عبس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة التكوير

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ
(۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (٤) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (٥) وَإِذَا الْبِحَارُ
سُجِّرَتْ (٦) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (٧) وَإِذَا الْمَوْؤُدَةُ سُئِلَتْ (٨) بِأَيِّ
ذَنْبٍ قُتِلَتْ (٩) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

سوره تکویر در مکه نازل شده و بیست ونه آیه و صد وچهارده کلمه‌وپانصد و سی حرف است :

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تکویر را قرائت کند در بهشت زیر سایه کرامت خداوند زندگانی نماید

و در خواص‌قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمودهر کس اینسوره را تلاوت کند در پناه خداوند است آنوقتیکه نامه‌های اعمال را باز کند و ایمن باشد از ترس روز قیامت و اگر اینسوره را بخوانند بر کسیکه درد چشم داردشفا یابدباذن خداوند

سوره تکویر مشتمل است بر علامات واحوال قیامت و شداید آن و دقوت و امانت جبرئیل

قوله تعالی (اذا الشمس کورت واذا النجوم انکدرت و اذا الجبال سیرت و اذا العشار عطلت واذا الوحوش حشرت و اذا البحار سجرت و اذا النفوس زوجت) ایرسول ما بیاد آور هنگامیکه خورشید درهم پیچیده شود و ستارها تیره شوند و فرو ریزند و کوهها برفتار آیندوشتران ماده حمل‌خود را فرو گذارند وهنگامیکه

ترجمه سوره تکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آفتاب در هم پیچیده شود (۱) و ستارگان‌تیره شوند (۲) و کوهها برفتار آیند (۳) وشتران شیردار رها شوند (٤)و زمانی که جانوران محشورشوند (٥) ودریاها چون آتش شعله ور شود (٦) و هنگامیکه نفوس خلایق با همجنس خود جفت شوند (۷) و از دختران زنده بگور پرسیده شود (۸) که بکدام جرم و گناه کشته شدند (۹) و زمانیکه نامه اعمال مردم گشوده شود (۱۰) و آسمان پراکنده شود (۱۱)

نفوس خلایق با هم جفت وهمقرین شوند -

حضرت باقر عليه‌السلام فرمود ذیل آیه تزویج کنند باهل بهشت زنان نیکو و حورالعین را و اهل جهنم را هریك با شیطانی قرین گردانند -

ابن بابویه ذیل آیه اذا الشمس کورت از ابی‌ذر غفاری روایت کرده که حضور پیغمبر بودیم آفتاب‌غروب کرد آنحضرت‌فرمود فرشتگان موکل برخورشید بامر خداوند هرروز لباسی از نور عرش پروردگار بر آن می‌پوشانند مانند شما که لباس میپوشید گویا می‌بینم که موکلان،آن را سه شب حبس نمودند و لباسی‌بآن نمی‌پوشانند و امرمیکنند بآن که از مکانیکه غروب مینمود طلوع کند و همچنین است حال ماه در طلوع و غروب و اینست معنای آیه مزبور.

ابن شهر آشوب ذیل آیه و اذا النفوس زوجت ازابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هیچ مؤمنی روز قیامت عبورنمیکند از صراط‌مگرآنکه بدر بهشت که رسید خداوند چهار زن از زنان دنیا و هفتاد حورالعین باو تزویج مینماید جز امیرالمؤمنین عليه‌السلام که فقط از زنان دنیا حضرت فاطمه باو اختصاص دارد و غیر آنحضرت‌همسری از زنان دنیا برای امیرالمؤمنین عليه‌السلام نمی‌باشد ولی حورالعین بسیاری بآن حضرت تعلق دارد

(اذا المؤودة سئلت بای ذنب قتلت) و زمانیکه از دختران زنده بگورشده

وَ إِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ (۱۲) وَ إِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ (۱۳) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا
أَحْضَرَتْ (۱۴) فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنَّسِ (۱۶) وَاللَّيْلِ
إِذَا عَسْعَسَ (۱۷) وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ
(۱۹) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَمَا
صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى
الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ
(۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)
وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

پرسیده شود آنها بکدام گناه و جرم کشته شدند ـ

طبرسی ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده که مراد قتل آیه بمعنای قطع است و در باره رحم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده و مقصود آنست که ازمردم سؤال میکنند بچه سبب قطع مراوده وصله کردید با اهل بیت پیغمبر و دلیل و شاهد این معنی آیه. (قل لااسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی) است و اینحدیث را ابن شهر آشوب در مناقب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است ـ

و در کتاب کامل الزیارات ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه نازل شده در باره حضرت امام حسین علیه السلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه نازل شده در باره اقرباء آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و هر کس که در راه ولایت آنها کشته شده و در حدیث دیگر فرمود آنحضرت روز قیامت از قاتل محسن فرزند حضرت زهرا علیها السلام که در اثر فشار دادن آن مظلومه میان در نیم سوخته و دیوار سقط و شهید شده سؤال میکنند بچه گناه آن طفل را بقتل رساندند طبرسی از اصحاب رسول خدا روایت کرده گفتند در زمان جاهلیت رسم براین بودزن حامله

وزمانیکه دوزخ افروخته شود (۱۲) و بهشت باهلش نزدیک گردد (۱۳) در آنهنگام هر نفسی آنچه آماده کرده همه را بداند (۱٤) چنین نیست سوگند به ستارگان بازگردنده و روندگان پنهان شده (۱٦) و قسم بشب چون تاریک شود (۱۷) و سوگند بصبح روشن وقتیکه دم زند (۱۸) همانا قرآن گفتار فرستاده شده بزرگوار است (۱۹) صاحب قوت و قدرتست نزد خدای مقتدر عرش با جاه ومنزلت است (۲۰) وفرمانده و امین وحی خدا است (۲۱)ورسول شما هرگز دیوانه نیست (۲۲) و او امین وحی، جبرئیل را در افق اعلی مشاهده کرد (۲۳ و این رسول شما بر وحی از عالم غیب بخل نمیورزد (۲٤) و قرآن او هرگز کلام شیطان مردود نیست (۲۵) پس شما مردم بکجا میروید (۲٦) قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان (۲) تا هرکه بخواهد از شما راه راست پیش گیرد (۲۸) و شما کافران راه حق نمیخواهید مگر آنکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد (۲۹)

پایان ترجمه سوره تکویر

نزدیک وضع حمل خود گودالی میکند و بر روی آن می‌نشست هنگام زائیدن چنانچه آن طفل نوزاد دختر بود اورا بآن گودال می‌افکند و خاك بروی‌اومیریخت و عربها در آن زمان دخترها را میکشتند یا زنده بگور میکردند از برای غیرت وتعصب، روز قیامت از آنها سؤال میکنند بچه سبب آنها را بقتل رسانیدند

(و اذا الصحف نشرت و اذا السماء کشطت و اذا الجحیم سعرت و اذا الجنة ازلفت علمت نفس ما احضرت) هنگامیکه نامه های اعمال خلایق گشوده شود آسمان‌را از جای بر کنند وآتش دوزخ‌را سخت برافروزند سعیر مبالغه درافروختن آتش باشد یعنی دوزخ رابرای کفار ومنافقین بیفروزند وبهشت را نزدیک گردانند یعنی نزدیک شود بهشت برای مؤمنین و پرهیز کاران در این آیات فرمود چون چنین باشد هر نفسی آنچه را که برای خودحاضر کرده همه را بداند وآیه‌علمت نفس‌ما احضرت جواب آیات پیش میباشد

(فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس و اللیل اذا عسعس و الصبح‌اذا تنفس انه لقول رسول کریم) چنین نیست سوگند بستارگان بازگردنده و سیاره وروندگان

و پنهان شونده در مکان خود قسم بشب تار هنگامیکه جهان را تاریك کند و بصبح روشن وقتیکه دم زند این قرآن کلام رسول بر حق استومراد ازستارگان کواکب سیاره است مانند مشتری زحل مریخ عطارد زهره و غیره و برای آن خنس گفت چون در روز نابینا و در شب ظاهر و هویدا باشند و جوار گفت از جهة آنکه سیر میکنند در مدار خود و داخل میشوند در خانه وبروج مانند داخل شدن آهو ووحوش در خانهای خود .

در کافی ذیل آیه فلا اقسم بالخنس از ام هانی روایت کرده که از حضرت باقر عليه‌السلام پرسش کردم معنای آیه را فرمود مقصود از خنس امام است که پنهان میشود از نظر مردم سال دویست‌شصت هجری ومنقطع‌میشود علم ودانش او از مردم پس‌ازآن ظهور مینماید و مانند ستاره‌شهاب که در شب تاریك‌درخشنده است میدرخشد اگر آنزمان را درك نمودی خوشا بحالت و دیدگانت روشن باد ـ

محمد بن عباس ذیل آیه و الليل اذا عسعس از اصبغ بن نباته روایت کرده که از امیرالمؤمنین عليه‌السلام سؤال‌نمودم معنای آیه‌را فرمودخداوند مثل زده آن رابرای کسانیکه عدول کردند از صاحبان امر و ائمه‌ایکه خداوند آنها را معین نموده و دعوی ولایت کردند برای خودشان و مقصود از صبح ائمه معصومین است که‌نور آنها روشن‌تر ازنورصبح است وقتی دمیده میشود

(ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین و ما صاحبکم بمجنون ولقد رآه بالافق المبین) همانا جبرئیل فرشته باقوت و قدرت است ونزد خدای صاحب عرش، با جاه و منزلت و امین است یعنی در آسمان امین و استوار است بر وحی پروردگار زیاد و نقصان نکند و دروغ نگوید پس از آن خطاب میکند بکفار این رسول و صاحب شما محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله دیوانه نیست چنانکه شما گفتید و این پیغمبر جبرئیل امین‌را مشاهده کرد در افق اعلا بآن صورتیکه خدا اورا آفریده‌است .

(افق کناره‌آسمان و آن جائی است که خورشید بیرون میآید)

ابن بابویه از ابی حمزه روایت کرده که حضرت صادق عليه‌السلام فرمودهر کس در هر روز از ماه‌شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الاهو الرحمن

الرحیم الحی القیوم و اتوب الیه نوشته شود برای او در افق مبین ابی حمزة میگوید عرض کردم افق مبین چیست فرمود فضائیست در پیش عرش در آنجا نهرهائیست که در اطراف آنها ظرفهائی میباشد بتعداد ستارگان.

ابی بصیر میگوید از حضرت صادق عليه‌السلام سؤال نمودم تأویل آیات را فرمود از فضیلت و خصایص پیغمبر خاتم که خداوند باو عطا فرموده و به هیچ پیغمبری نداده یکی آنست که جبرئیل را بصورت اصلی در افق مبین مشاهده نمود و حضرتش روز قیامت نزد پروردگار مطاع و امین است گفتم معنای وماصاحبکم بمجنون چیست؟ فرمود یعنی پیغمبر شما در نصب کردن امیرالمؤمنین عليه‌السلام بولایت وخلافت و حجت درمیان مردم هرگز دیوانه نیست و این کار را از روی دیوانگی انجام نداده بلکه بدستور پروردگار است عرض کردم معنای

(وماهوعلی الغیب بضنین یعنی چه فرمود خداوند نسبت بعلم غیب بر پیغمبرش محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله بخل نمی‌ورزد و او را بعلم غیب آگاه فرموده و در حدیث دیگر فرمود آنچه از وحی خبر میدهند به پیغمبر آنحضرت متهم نیست و بخل نمی‌ورزد که بمردم نرساند و تبلیغ و تعلیم احکام ننماید عرضکردم

(وما هو بقول شیطان رجیم) یعنی چه فرمود کهنه‌ای بودند پیش از اسلام در میان قریش که هرچه خبر میدادند ازقول شیاطین بود که با آنها تکلم میکردند برزبان خود شان در این آیه میفرماید پیغمبر مانند آن کهنه ها نیست که بقول شیطان سخن گوید بلکه کلام آنحضرت از روی وحی پروردگار است گفتم (فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین) یعنی چه فرمود یعنی کجا فرار میکنید ازولایت امیرالمؤمنین عليه‌السلام علی ذکریست ازبرای کسیکه خداوند عهد و میثاق گرفته‌است از او بر ولایت آن حضرت و برای جهانیان پندیست عرض کردم (لمن شاء منکم ان یستقیم) یعنی چه فرمود هر کس بخواهد راه راست حق پرستی را پیش گیرد باید استقامت کند و پایدار بماند در ولایت وفرمانبرداری از علی و ائمه بعدازآنحضرت عرضکردم.

(وما تشاؤن الا ان یشاءالله رب العالمین) یعنی چه فرمود خداوند قرار داده

قلوب ائمه را محل اراده خود و هروقت خداوند چیزی را بخواهد و اراده فرماید ائمه نیز می‌خواهند و مشیت بسوی خدا است نه بسوی مردم اینست معانی آیات شریفه‌ای ابی بصیر، علی بن ابراهیم ازابن‌عباس روایت کرده که شنیدم ازامیرالمؤمنین ﷺ در تفسیررب العالمین میفرمود خداوند سیصد وهفده‌عالم پشت کوه قاف وپشت هفت دریاخلق نموده و آنها اطلاعی ازخلقت آدم وفرزندان او ندارند و هرعالمی سیصدو سیزده برابر عالمی است که آدم و فرزندان اورا در آن خلق نموده اهل‌آن عوالم بمقدار چشم بهم‌زدن معصیت خداوندرا بجا نیاورده‌اند .

پایان سوره تکویر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ انفطار

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱) وَ إِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲) وَ إِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (۳) وَ إِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (٤) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (٦) الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّيكَ فَعَدَلَكَ (۷) فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

سوره انفطار نوزده آیه و هشتاد کلمه وسیصد بیست نه حرف است ودرمکه نازل شده.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه‌از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره انفطار و اذاالسماء انشقت را قرائت کند چیزی مانع‌اونشود از قرب جوار اللهی وپیوسته خداوند نظر رحمت باو افکند تا ازحساب فارغ گردد و در خواص قرآن‌از پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره‌را تلاوت کند خداوند پناه دهداو را هنگامیکه نامه اعمال باز می‌شود مفتضح‌نگرداند و عیوباتش را پنهان دارد و اصلاح امورات اورا بنماید در روز قیامت و هرمحبوس یا بسته شده‌ای این سوره را قرائت کند خداوند فرج و گشایش در کار اوبفرماید و اگر در وقت باریدن‌باران آنرا قرائت کند بتعداد قطرات باران خداوند گناهان او را بیامرزد و چنانچه این سوره را بخوانند بر کسیکه چشمش غبار دارد یا درد میکند باذن خداوند شفا یابد ودید‌گان او قوی گردد.

سوره انفطار مشتمل است بر ذکر و بیان آثـار و علائم قیامت و تهدید و توبیخ تکذیب کنند‌گان روز جزا و قیامت.

قوله تعالی (اذا السماء انفطرت و اذا الكواب انتثرت و اذا البحار فجرت و اذا القبور بعثرت علمت نفس ماقدمت و اخرت) یاد کن ای محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله آنروزیکه

ترجمه سوره انفطار

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آسمان شکافته شود (۱) وستاره‌ها فرو ریزد (۲) و زمانیکه دریاها روان شود (۳) وهنگامیکه خلایق از قبرها برانگیخته شوند (٤) هر شخصی آنچه پیش فرستاد و آنچه پس گذاشته همه‌را بداند (٥) ای انسان غافل چه سبب شد که بخدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی (٦) آن خدائیکه تورا آفرید و بصورت تمام بیاراست وبه تناسب اندام بر گزید (۷) و در هر صورتیکه بخواست آفرید (۸)

آسمان شکافته شود و ستارگان فروریزند و دریاها روان گردد و بیکدیگر پیوسته کند تا یکی شوند و بآتش منقلب گردند و هنگامیکه قبرها را زیر وزبر کنند و شکافته شده و مردم از آن بیرون آیند درآنروز هر شخصی آنچه‌را که در مقدم‌عمر خود کرده و کارهائیکه در آخر عمر انجام داده همه‌را بداند و خیر و شر آنها را تشخیص دهد.

(یاایها الانسان ما غرك بربك الكريم الذى خلقك فسويك فعدلك فى أى صورة ما شاء ركبك كلا بل تكذبون بالدين و ان عليكم لحافظين كراما كاتبين يعلمون ما تفعلون) در این آیه خطاب میکند بآدمی ای انسان غافل چه باعث شد که بخدای کریم و بزرگوارخود مغرور گشتی چون پیغمبر اکرم ﷺ آیه‌را تلاوت می‌نمود میفرمود جهل و نادانی انسان بخدای خود او را فریفت و مغرور کرد و فرمود روز قیامت خداوند تبارك و تعالى به بنده خود گوید ای فرزند آدم چه‌مغرور کرده تورا بمن، چه کردی با آن علم و دانشیکه بتو عطا کردم و جواب پیغمبران مرا چه دادی ـ آن خدائیستکه تورا از عدم بوجود آورد و بصورتی‌تمام وکامل بدون نقصان بیاراست و باعتدال قامت و تناسب اندام بر گزید وبهرصورتی خواست از طول وقصر و حسن و قبیح وزشت وزیبا و سفید وسیاه بر حسب‌مصلحت بیافرید چنین نیست که شما کافران گمان میکنید و روز جزا و قیامت را تکذیب میکنیدو پیغمبر وامیرالمؤمنین علیه‌السلام‌را دروغ می‌پنداریدالبته‌نگهبانانی ازفرشتگان مأمورندبرمراقبت احوال و اعمال شماوآنها اعمال حسنات وسیئات شمارامینویسند

كَلاّ بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ (۹) وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحافِظِينَ (۱۰) كِراماً
كاتِبِينَ (۱۱) يَعْلَمُونَ ما تَفْعَلُونَ (۱۲) إِنَّ الْأَبْرارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)
وَإِنَّ الْفُجّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴) يَصْلَوْنَها يَوْمَ الدِّينِ (۱۵) وَما هُمْ عَنْها
بِغائِبِينَ (۱۶) وَما أَدْراكَ ما يَوْمُ الدِّينِ (۱۷) ثُمَّ ما أَدْراكَ ما يَوْمُ الدِّينِ
(۱۸) يَوْمَ لا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئاً وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلّهِ (۱۹)

و کریمانند و کرم آنها آنست چون بنده‌ای حسنه‌ای بجا آورد فرشته موکل طرف راست شاد شود و بشتاب یکی را ده بنویسد و اگر معصیتی کند هر دو فرشته ملول شوندو چون فرشته طرف چپ بخواهد بنویسد دیگری گوید ساعتی توقف کن شاید پشیمان شود و توبه کند وبهمین کیفیت تا هفت ساعت نگذارد بنویسد آنگاه گوید این بنده نادان است یکی را یکی بنویس آن فرشتگان می‌دانند آنچه شما مردم بجا می‌آورید.

(ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم یصلونها یوم الدین وماهم عنها بغائبین) نیکوکاران جای ایشان در بهشت پر نعمت است و بدکاران باز گشتشان آتش دوزخ است ـ محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت باقر عليه‌السلام روایت کرده فرمود ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما باشند روز جزا فجار و بدکاران ملازم دوزخند و از آتش دوزخ دور نخواهند بود پس از آن بیان میکند عظمت و اهوال روز قیامت را بقولش.

(وما ادریك ما یوم الدین ثم ما ادریك ما یوم الدین یوم لا تملك نفس لنفس شیئا و الامر یؤمئذ لله) تو چه دانی که روز جزا چه روزی می‌باشد چگونه بروز جزا میتوانی آگاه شد و تکرار آن از برای مبالغه است روز جزا هیچکس قادر نیست تحمل کند چیزی را برای دیگری یعنی نمیتواند کسی عذاب را از دیگری

نه‌چنین است بلکه روز قیامت و جزا را تکذیب میکنند (۹) همانا نگهبانان بر مراقبت احوال شما مأمورند (۱۰) و آنها نویسندگان اعمال شما ومقربان درگاه پروردگارند (۱۱) شما هرچه کنید همه را میدانند (۱۲) . همانا نیکوکاران در بهشت پر نعمتند (۱۳) و بدکاران در آتش دوزخ معذبند (۱٤) روز جزا بآن دوزخ درافتند (۱۵) و هیچ از آن آتش دور نتوانند بود (۱٦) و تو چگونه بروز جزا آگاه توانی شد (۱۷) و بزرگی آنروز را چگونه توانی دانست (۱۸) آنروز هیچکس برای کسی قادر بر هیچ چیز نیست وتنها حکم وفرمان در آنروز باخدا ست (۱۹) ؛

پایان ترجمه سوره انفطار

دفع کند و تنها حکم و فرمان در آنروز مخصوص خدایتعالی است ـ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود ملك و قدرت و پادشاهی و عزت و جبروت و جمال و بهاء و هیبت در آنروز مخصوص خدا است وشریکی در این اوصاف ندارد ـ طبرسی ذیل آیه مزبور از جابر روایت کرده که از حضرت باقر علیه‌السلام معنای آیه را فرمود ای جابر روز قیامت منادی از طرف پروردگار ندا کند نیست حاکمی امروز جزخدایتعالی .

پایان سوره انفطار .

بسم الله الرحمن الرحيم

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ (۱) اَلَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَـٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (٤) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (٥) يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (٦) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷) وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ (۸) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

سوره مطففين در مکه نازل شده وسی وشش آیه ویکصدوشصت ونه کلمه وهفتصد وسی حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مطففين را قرائت کند در نمازهای واجب خداوند ایمن دارد او را از آتش جهنم وبرجسر جهنم عبور نکند و حساب او را نکشند

و در خواص قرآن ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را تلاوت نماید خداوندسیراب گرداند اورا از شراب بهشتی واگرآن رابرمخزنی بخواند محفوظ بماند آن مخزن ازهر آفت وحشراتی

سوره مطففين مشتمل است بر بیان احوال مردم در روز قیامت وتهدیداشخاص کم فروش.

قوله تعالی (ويل للمطففين الذين اذا اكتالوا على الناس يستوفون و اذا كالوهم او وزنوهم يخسرون الايظن اولئك انهم مبعوثون ليوم عظيم يوم يقوم الناس لرب العالمين) وای بحال کم کنندگان کیل ووزن چون بکیل یا وزن چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و اگر چیزی بدهند کم کنند در کیل ووزن آن، آیا

ترجمه سورهٔ مطففین

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای بحال کم فروشان (۱) آنهائیکه چون بکیل چیزی از مردم بستانند تمام میستانند(۲) وچون چیزی بدهند در کیل یاوزن کم میدهند (۳) آیا آنها نمیدانند که پس از مرگ برای مجازات بر انگیخته شوند (٤) برای روز بزرگ (٥) و آنروزیستکه مردم درحضور پروردگار جهانیان برای حساب میایستند(٦) نه‌چنین است که پنداشته‌اند همانا نامه اعمال بدکاران در سجین است (۷) و چه میدانی تو که سجین چیست (۸) کتابیست نوشته شده (۹) وای در آنروز بحال دروغگویان(۱۰)

گمان نمیبرند آنها که پس از مرگ روزی برای‌مجازات بر انگیخته شوند وآن روز بسیار روز بزرگی است روزیستکه تمام مردم بایستند در حضور پروردگار، جهانیان برای حساب ـ .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که: سبب نزول آیه آن بوده، چون رسول اکرم ﷺ بمدینه منوره نزول اجلال فرمود اهل مدینه در کیل ووزن بی اندازه خبیث بودند و کسب و تجارت آنها بشکل قمار بازی بود و انواع حیله و تدلیس را بکار میبردند مردی بود موسوم بابوجهنیه دوصاع داشت یکی زیاده و دیگری کم بزیاد میخرید و بکم میفروخت جبرئیل نازل شد و آیات فوق را درحق اهل مدینه فرود آورد پیغمبر اکرم ﷺ بازار تشریف برد و آیات را بر اهل بازار قرائت نمود و فرمود پنج چیز به کیفر پنج چیز، عرض کردند ایرسول خدا کدام است آن فرمود(۱) اگر قومی نقض عهد کنند خداوند دشمن را بر آنها مسلط گرداند (۲) واگر فواحش در میان طایفه‌ای ظاهر شود مسلط گرداند خداوند بر ایشان مرگ ناگهانی را (۳) و چنانچه قومی کم فروشی کنند قحطی در میان آنها پدید آید (٤) و اگر زکوة ندهند خداوند باران را ازایشان منع کند.

وامیرالمؤمنین علیه‌السلام روزی ببازار تشریف برد مردی را دید زعفران میکشد و ترازوی او درست نیست آنحضرت پیش رفت و زعفران را از کفه ترازو بریخت

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ (۱۱) وَ مَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳) كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ (۱۵) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶) ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۱۷) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸) وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ (۱۹) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰) يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۲۲) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ (۲۴) يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

و فرمود اول ترازوی خود را درست کن آنگاه اگر میخواهی چرب بسنج -

شرف الدین نجفی ذیل آیه ویل للمطففین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود تأویل آیه آنست وای بر کسانیکه خمس آل محمد را کم میکنند ولی چون بغنائم میرسند بحد کمال اخذ میکنند ووای بحال تکذیب کنندگان امیر المؤمنین علیه السلام وصی وخلیفه محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیغمبران

(کلا ان کتاب الفجار لفی سجین وما ادریك ماسجین کتاب مرقوم ویل یومئذ للمکذبین الذین یکذبون بیوم الدین و ما یکذب به الا کل معتد اثیم اذا تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین کلابل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلاانهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوالجحیم ثم یقال هذاالذی کنتم به تکذبون) چنین نیست که کافران و منکران گمان کرده‌اند بحقیقت نامه بدکاران و کافران که اعمال ایشان بر آن نوشته شده در سجین باشد سجین آخرین طبقات زمین است در کافی ذیل آیه فوق از فضیل روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت موسی بن

کسانیکه روز جزا را تکذیب میکنند (۱۱) و آنروز را کسی تکذیب نمیکند مگر هر تجاوز کننده گناه کار(۱۲) هنگامیکه آیات ما بر آنها تلاوت میشود گویند اینها افسانه پیشینیان است(۱۳) نه‌چنین است بلکه تاریکی بر دلهای آنها غلبه کرده بسبب آنچه از عمل زشت بجا آوردند(۱۴) نه‌چنین است بلکه آنها از معرفت پرورد گارشان در پرده نادانی مستورند(۱۵) سپس آنان را بآتش دوزخ درافکنند (۱۶) و بآنها گویند این همان دوزخی است که تکذیب آن میکردید (۱۷) نه‌چنین است همانا نامه اعمال نیکو کاران در بهشت علیین است (۱۸) تو چه میدانی علیین چیست (۱۹) کتابی است نوشته شده (۲۰) و فرشتگان مقرب بر آن گواهی دهند (۲۱) همانا نیکو کاران در بهشتند (۲۲) بر تختها تکیه زده و مینگرند (۲۳) و از رخسارشان نشاط و تازگی نعمت بهشت را میشناسی (۲۴) و ساقیان بآنها شراب ناب خالص مهرشده بنوشانند(۲۵)

جعفر عليه السلام معنای آیه را فرمود فجار اشخاصی هستند که جرئت پیدا کردند بر ظلم و ستم نمودن در حق ما ائمه و اعمال آنها بسوی آسمان بالا نرود زیر طبقه هفتم زمین حبس شود ـ .

پس از آن میفرماید ای محمد صلی الله علیه و آله چگونه میتوانی بحقیقت سجین آگاه شوی کتابیست که بقلم قدرت نوشته شده وای بحال منکران ودروغگویان آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند و ایمان بآن ندارند و تکذیب نکند روز جزا را کسی مگر ستمکاران و بدکرداران عالم وچون آیات ما را بر آنها تلاوت کنید گویند این افسانه پیشینیان است ـ

علی بن ابراهیم از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود این آیه اشاره باولی و دومی است که تکذیب کردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در باطن وپیروان ایشان تکذیب خواهند نمود حضرت حجة عليه السلام راو بآنحضرت میگویند ماشما رانمی‌شناسیم ازفرزندان حضرت فاطمه علیها السلام چنین نیست که آنها گمان کرده‌اند بلکه تاریکی ظلم و بدکرداری ایشان بر دلهای آنها غلبه کرده است که آیات ما را انکار میکنند ـ .

خِتامُهُ مِسْكٌ وَ في ذٰلِكَ فَلْيَتَنافَسِ الْمُتَنافِسُونَ (٢٦) وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ
(٢٧) عَيْناً يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (٢٨) إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كانُوا مِنَ الَّذِينَ
آمَنُوا يَضْحَكُونَ (٢٩) وَإِذا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغامَزُونَ (٣٠) وَ إِذَا انْقَلَبُوا
إِلىٰ أَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (٣١) وَإِذا رَأَوْهُمْ قالُوا إِنَّ هٰؤُلاءِ لَضالُّونَ
(٣٢) وما أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حافِظِينَ (٣٣) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفّارِ
يَضْحَكُونَ (٣٤) عَلَى الْأَرائِكِ يَنْظُرُونَ (٣٥)
هَلْ ثُوِّبَ الْكُفّارُ ما كانُوا يَفْعَلُونَ (٣٦)

در کافی ذیل آیه‌فوق ازحضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود نیست بنده‌ای مگر آنکه در دل او نقطه‌سفیدی است چون‌مرتکب گناه میشود آن سفیدی‌بسیاهی مبدل گردد‌اگر بعد از آن توبه نمود سیاهی برطرف شود و چنانچه گناه‌ومعصیت را ادامه داد وتوبه نکرد هرلحظه سیاهی آن افزوده تا تمام سفیدی را فرا گیرددر آنوقت دیگر صاحبش اقدام بعمل خیری نتواند کرد و اینحدیث را طبرسی نیز روایت کرده.

چنین‌نیست که این مردم خیال کردند آنها از معرفت پروردگارشان در پرده نادانی مستور و از ثواب خدا محروم وممنوع‌هستند ــ

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از حسن بن فضال روایت کرده که از حضرت رضا علیه‌السلام سؤال نمودم معنای آیه‌را، فرمود خداوند در مکان معینی نیست و حلول نکند در مکانی تا بندگانش از او مستور و در پس پرده باشند مراد آنست که خداوند بندگان را از ثواب و پاداش اعمال ممنوع و محجوب میگرداند ــ

همانا کافران را بآتش دوزخ افکنند و آنها گویند این همان عذابی است که تکذیب میکردند آن‌را ــ .

که بمشك مهر شده و براین نعمت و شادمانی باید بمیل و رغبت بکوشند (۲۶) و ترکیب طبع آنشراب از عالم بالااست (۲۷) چشمه‌ایکه مقربان خدا ازآن مینوشند (۲۸) بدکاران بر اهل ایمان میخندند (۲۹) وچون از نزد مؤمنین بگذرند بچشم طعن و استهزاء بآنها بنگرند (۳۰) و چون باز گردند بسوی کسان خود بنکوهش مؤمنین بایکدیگر تفریح و مزاح کنند (۳۱) وچون مؤمنین رامشاهده کنند گویند اینها مردم گمراهی هستند (۳۲) ما آن بدکاران را موکل ونگهبان مؤمنین نگردانیدیم (۳۳) پس امروز که روز جزا است مؤمنین بکفار میخندند (۳٤) و برتختها تکیه زده ودوزخیان را مشاهده میکنند (۳۵) آیا جزائیکه بکافران میدهند جز آنعملی است که در دنیا مرتکب شدند (۳۶)

پایان ترجمه سوره مطففین

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده که از حضرت موسی‌بن جعفر علیه‌السلام سؤال نمودم معنای ثم یقال هذا الذی کنتم به‌تکذبون رافرمودمنافقین چون‌مشاهده کردند مقام و منصب امیرالمؤمنین علیه‌السلام را در روز قیامت و دیدند که آنحضرت دستور میدهدبجهنم این مرد برای تو اورابگیر چه‌ازدشمنان من است وآن‌دیگری را واگذار برای‌من که‌از دوستداران من بوده‌فرشتگان از طرف‌پروردگاربمنافقین و دشمنان اهل بیت خطاب کنند این وجود مقدس که قسیم دوزخ و بهشت است همان امیرالمؤمنین علیه‌السلام است که شما او را تکذیب میکردید وحقش را غصب نموده و بحضرتش ظلم‌وستم میکردید

(کلا ان کتاب الابرارلفی علیین وما ادریك ما علیون کتاب مرقوم یشهده المقربون‌ان الابرار لفی‌نعیم علی‌الارائك‌ینظرون تعرف وجوههم‌نضرة النعیم‌یسقون من رحیق مختوم ختامه مسك و فی ذلك فلیتنافس المتنافسون) در آیات سابق بیان نمود احوال کفار و منافقین را در این آیات بیان میکند حال مؤمن ونیکو کاران را بحقیقت نامه نیکو کاران در علیین است پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود علیین فوق آسمان هفتم در زیر عرش پروردگار است در آنجا لوحی از زبرجد سبز میباشد که اعمال نیکوکاران بر آن نوشته شده است ـ

شرف الدين از حارث حمدانى روايت كرده گفت وارد شدم در خانه امير-المؤمنين عليه السلام ديدم آنحضرت در حال سجده است و چنان گريه ميكند كه هر انسانى متأثر و مغموم ميشود از گريه‌حضرتش،چون سر از سجده برداشت وفارغ شد عرض كردم ايمولاى من بسيار متأثر شدم از گريه شما فرمود پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله را مشاهده كردم بمن فرمود يا على دورى وغيبت تو از من بطول انجاميد بسيار مشتاق ديدار تو هستم خداوند بوعده خود در باره تو وفا نمود عرض كردم ايرسول خدا در چه خصوص فرمود ددرجات تو وهمسرت فاطمه وفرزندانت حسن و حسين بالاترين مقام بهشت را براى شماهياو آماده فرموده گفتم فدايت گردم نسبت بشيعيان من چگونه رفتار ميفرمايدفرمود آنها هم در بهشت‌قصر هائى دارند محاذى قصور ما عرض كردم ايرسول خداپاداش‌شيعيان در دنيا چيست ؟ فرمود امن وعافيت گفتم در وقت مرگ حال آنها چگونه ميباشد فرمود رفتار ميكنند با ايشان بمقدار دوستى و محبت آنها نسبت بشما اهل‌بيت كسانيكه ما را بيحد و بى‌اندازه دوست ميدارند مردن ايشان مانند شخص‌عطشانى است كه شربت سرد خوشگوار بنوشدوديگران‌مانند كسانى هستند كه‌دررختخواب خود بخواب ميروند

كتاب نيكوكاران بقدرت حق نوشته شده و فرشتگان مقرب پروردگار بر آن گواهى دهند و نيكوكاران بر تختهاى عزت تكيه كرده و نعمتهاى خدا را بنگرند و در رخسارشان نشاط و شادمانى و تازگى نعمتهاى بهشتى پديدار است ساقيان بهشت بآنها شراب ناب سرد معطر بنوشانند كه بمشك مهر كرده‌اندودست كسى بآن نرسد تا بصاحبش بدهندو خردمندان بايد براى اين نعمت و شادمانى هميشگى رغبت كنند وبميل و اراده‌بكوشند نه‌براى نعمت‌فانى دنيا (يعنى‌بواسطه عمل خير و طاعت بايد مردم بريكديگر سبقت كنند) . تركيب طبع آن شراب از عالم بالااست، چه‌آن‌بهترين‌و بالاترين آشاميدنى‌هاى‌اهل‌بهشت است ، ازاينجهت آن‌را تسنيم ناميدند و آميختگى آن شراب از چشمه‌ايستكه مقربان خدا از آن مينوشند .

حضرت صادق عليه السلام فرمود هركس ترك كند نوشيدن شراب را براى خاطر

خداوند پروردگار بنوشاند باو شراب مختوم وسیراب گرداند اورا- محمد بن عباس از ابی حمزه روایت کرده که‌ازحضرت باقر علیه‌السلام سؤال نمودم مقربون چه‌اشخاصی هستند فرمود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه و حسنین علیهماالسلام و ائمه معصومین‌میباشند- ای ابی حمزه بدانکه خداوند ما را از اعلی علیین آفریده ودلهای شیعیان‌ماراز فاضل‌طینت ما خلق نموده و بدنهایشان را ازچیزهای دیگرآفرید، از اینجهة دلهای آنها بطرف ما میل میکنند چه از جنس ماباشد . ما آل محمد از مقربین هستیم و سابقون همان‌مقربینند. و ذریه ماائمه‌بما ملحق میشوند چنانکه‌خداوند میفرماید- الحقنا بهم‌ذریتهم - مقربین‌از شراب‌تسنیم خالص‌مینوشند ولی از برای شیعیان و مؤمنین تسنیم و غیر تسنیم را مخلوط وآمیخته کنند وآنها از آمیختگی تسنیم مینوشند نه ازخالص آن

(ان الذین اجرموا کانوا من‌الذین‌آمنوایضحکون واذامروا بهم یتغامزون و اذاانقلبوا الی اهلهم انقلبوا فکهین و اذا رأوهم قالوا ان‌هؤلاء لضالون)مجرمین و بدکاران چون اهل ایمان رابه‌بینند برایشان میخندند و مسخره میکنند و چون گذر کنند بچشم طعن و استهزاء بمؤمنین بنگرند و چون باز گردند بسوی اهل خود با شوخی و مزاح وشادی وبازی بنکوهش مومنین پردازند و زمانیکه‌مؤمنین را به‌بینند گویند اینان بحقیقت مردم گمراهی هستند. وحال‌آنکه ما بدکاران را موکل ونگهبان مؤمنین نگردانیدیم-

محمد بن عباس ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده چون امیرالمؤمنین علیه‌السلام ازنزدیك منافقین میگذشت حضرتش راسخریه و استهزاء مینمودند ومیگفتند این آنکسی است که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از میان اهل بیت خود او را بولایت و امامت بر گزیده‌واختیار کرده. روز قیامت دری میان دوزخ وبهشت‌بازمیشود، منافقین‌مشاهده میکنند که امیرالمؤمنین علیه‌السلام دربهشت‌برسریری تکیه‌نموده بآنها میگویدبجانب من آئید چون‌میخواهند‌بطرف حضرتش بروند‌آن‌دربسته‌شود. باین طریق آنحضرت ایشان رااستهزاء میکند

(فالیوم الذین آمنوا من الکفاریضحکون علی الارائك ینظرون هل‌ثوب

الكفار ما كانوا يفعلون) پس امروز كه روز جزا است اهل ايمان هم بكفار ميخندند و استهزاء ميكنند و بر تختهای عزت تكيه كرده و دوزخيان را مشاهده ميكنند . آيا كيفريكه در دوزخ بكافران ميدهند جز نتيجه كردار زشت آنها كه در دنيا بجا آورده‌اند چيز ديگری هست !؟ .

محمد بن عباس از ابی حمزه ثمالی روايت كرده كه حضرت امام زين العابدين عليه السلام فرمود روز قيامت تختی بر كنار جهنم گذارند امير المومنين عليه السلام بر روی آن نشيند چون نظرش بدوزخ افتد تبسم مينمايد، وقتی تبسم نمود جهنم زير و زبر ميشود پائين آن بالا آيد و بالای آن پائين رود. منافقين بيرون آيند مقابل آنحضرت بايستند گويند ای امير المؤمنين عليه السلام ! يوصی رسول خدا بر ما ترحم كن و از برای ما نزد پروردگار شفاعت نما آنحضرت بر آنها ميخندند و ايشان را استهزاء ميكند و از آنجا بلند ميشود. آنگاه منافقين را برميگردانند بجهنم در آن مكانيكه جاداده بودند. اينحديث را جمعی از مخالفين از ابن عباس روايت كرده‌اند كه يكی از آنها حاكم ابو اسحاق حسكانی است، در كتاب شواهد تنزيل و قواعد تفضيل.

پايان سوره مطففين

سورۂ انشقاق

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ (۱) وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)
وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (٤) وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (٥) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ
إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (٦) فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
(۷) فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸) وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

سوره انشقاق در مکه نازل شده و بیست و پنج آیه و صد و نه کلمه و چهار صد و سی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره انشقاق را قرائت کند در نماز های واجب یا مستحب مانع نشود اورا هیچ حجابی از جانب خداوند و پیوسته نظر مرحمت پروردگار بر او باشد تا از حساب فارغ شود ـ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند نامه اعمالش را از پشت سر باو ندهند ،و اگر این سوره را بنویسند وبر بانوی حامله به‌بندند که زائیدن بر او سخت و دشوار است بزودی و بآسانی وضع حمل نماید وفارغ گردد و باید پس از وضع حمل ازاو باز کنند و الا تمام امعاء او خارج شود واگر بر دیوار خانه‌بنویسد آن خانه‌اش ایمن باشد از جمیع جانوران .

سوره انشقاق مشتمل است بر بیان علائم قیامت وآثار آن و توبیخ و تهدید کفار قوله تعالی (اذا السماء انشقت و اذنت لربها وحقت واذا الارض مدت‌والقت مافیها و تخلت و اذنت لربها و حقت یا ایها الانسان انك کادح الی ربك کدحا فملاقیه) هنگامیکه‌آسمان شکافته شود و بفرمان پروردگار خود که سزاوار است گوش دهند و بشنوند و زمانیکه زمین کشیده شود و پست و بلندیهای آن هموار

ترجمه سوره انشقاق

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آسمان شکافته شود (١) و بشنود و اطاعت کند فرمان پرورده گار خود را و سزاوار است که فرمان او پذیرد (٢) و زمانیکه پست و بلندیهای زمین هموار شود (٣) وهرچه در درون دارد بیرون افکند وخالی شود (٤) وبفرمان خدا گوش دهد و سزاوار است که فرمان بردار باشد (٥) ای انسان تو کارکن در راه طاعت‌حق و کوشش نما تا حضور پروردگار برسی پس نائل بملاقات او شوی (٦) پس هر که نامه اعمال او بدست راستش برسد (٧) پس حساب کرده شود زود حساب آسان (٨) و باز گردد او بسوی اهلش خوشحال وشادمان (٩)

گردد و هرچه در درون دارد از مردگان و گنجها و معادن همه را بیرون افکند وخالی شود. امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود چون علائم قیامت ظاهرشود زمین پاره های جگر خود را بیرون اندازد یعنی دفینه و گنجها و معادن را بیرون افکند مانند ستونهای زرین در آنوقت قاتل میگوید برای این ثروت و امثال آن‌جنایت کرده و مرتکب قتل شدم دزد گوید بخاطر اینها دست مرا بریدند پس از آن بروند و رها کنند آنها را و بفرمان خدا گوش دهند و سزاوار است که فرمان-بردار باشند.

ای انسان تو با هر رنج و مشقتی در راه اطاعت وعبادت پرورده گار کوشش کن عاقبت حضور خدای خود میروی و نائل بملاقات او میشوی یعنی هر عمل خیر و شری که پیش فرستاده‌اید ملاقات کنید اورا ، پس ازآن بیان میکند احوال خلق را در روز قیامت بقولش (فاما من اوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب حسابا یسیرا و ینقلب الی اهله مسرورا) هر کس روزقیامت نامه اعمالش را بدست‌راست او دهند حسابش بسیار سهل وآسان باشد و بسوی اهل و خویشان خود دربهشت خوشحال و شادمان رود ـ ابن بابویه از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده فرمود حساب هر کس را که کشند او را عذاب کنند عرض کردند ای رسول خدا

وَ أَمّا مَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ وَراءَ ظَهْرِهِ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً (۱۱) وَيَصْلى
سَعِيراً (۱۲) إِنَّهُ كانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱٤) بَلى إِنَّ
رَبَّهُ كانَ بِهِ بَصِيراً (۱٥) فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱٦) وَاللَّيْلِ وما وَسَقَ (۱۷)
وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَما لَهُمْ لا
يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ
كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ (۲۲) وَاللهُ أَعْلَمُ بِما يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ
أَلِيمٍ (۲٤) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲٥)

پروردگار میفرماید نامه اعمال هر که را بدست راستش دهند حسابش آسان باشد فرمود مقصود از آن عرض حساب است ولی با هر که در حساب مناقشه کنند او را عذاب خواهند کرد.

محمدبن عباس از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود مصداق آیه فوق امیرالمؤمنین علیه‌السلام و شیعیان آنحضرت میباشند که نامهٔ اعمال آنها را بدست راست ایشان دهند.

و نیز آنحضرت فرمود روزی جبرئیل نازل شد دست پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گرفت بجانب قبرستان برد صاحب قبری را صدا کرد مرد سفید روئی از قبر بیرون آمد وخاك ازسروصورت خود پاك مینمود ومیگفت الحمدلله والله اکبر جبرئیل باو گفت برگرد بجایگاه خود باز گشت سرقبر دیگری رفت صاحب او را صدا زن مرد سیاه رو و قبیح منظری از قبر خارج شد میگفت و احسرتا واثبورا جبرئیل باو گفت برگرد بمکان خود باز گشت آنگاه جبرئیل به پیغمبر گفت ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله باین کیفیت خلایق روزقیامت محشور میشوند مؤمنین میگویند الحمدلله همانطوریکه مرد اول گفت کفار و منافقین میگویند و احسرتا چنانچه آنمرد سیاه میگفت

واما کسیکه نامه اعمال اورا بدست چپ و از پشت سرش بدهند (۱۰) او بر هلاك خود فریاد و حسرت بسیار کند (۱۱) و بآتش سوزان دوزخ درافتد (۱۲) و آن شخص در دنیا میان اهلش مغرور و خوشحال بود (۱۳) و گمان میکرد که هرگز بسوی خدا باز نخواهد گشت (۱٤) بلی پروردگار او باحوال واعمالش بینا است (۱۵) نه‌چنین‌است سوگند بسرخی بعد از غروب آفتاب (۱٦) وقسم بشب و آنچه در آن پوشیده شود (۱۷) وسوگند بماه تابان هنگامیکه تمام فروزان شود (۱۸) همانا شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواهید یافت (۱۹) پس برای چه آنها بخدا ایمان نمی‌آورند (۲۰) و هرگاه آیات قرآن بر آنها تلاوت شود سجده نمی‌کنند (۲۱) بلکه آنمردم کافر تکذیب خدا و قرآن میکنند (۲۲) و خدا بآنچه در دل پنهان دارند داناتر است (۲۳) ای‌پیغمبر آنها را بعذاب‌دردناك بشارت بده (۲٤) مگر کسانیکه ایمان آوردند وعمل نیکو بجا میآورند برای‌آنان اجر وپاداش بی‌منت و غیر مقطوع خواهد بود (۲۵)

پایان ترجمه سوره انشقاق

(و اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعوا ثبورا ویصلی سعیرا انه‌کان فی اهله مسرورا انه ظن ان لن یحور بلی ان ربه کان به بصیرا) اما آنکس که نامه اعمالش را از پشت سر دهند بزودی برهلاك خودفریاد حسرت بخواند وبآتش سوزان دوزخ درافتد و در دنیامیان اهل خودخوشحال و شادان بودو گمان‌میکرد که بسوی خدا باز نخواهد گشت؛ نه چنان است که او گمان کرده او به نزد ما آید و بحساب او رسیدگی شود خدا باحوال و اعمال او کاملا آگاهست

محمدبن عباس ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود چون خدایتعالی اراده میفرماید که بحساب مؤمن رسیدگی کند نامه اعمال اورابدست راستش میدهد و باو میفرماید ای بنده من تواین اعمال‌رابجا آوردی؟ عرض‌میکندبلی‌ای‌پروردگار باو میفرماید آمرزیدم آنها را ومبدل کردم آن سیئات را بحسنات مردم میگویند سبحان الله آیا این شخص یك سیئه‌هم بجا نیاورده بود این است معنی آیه و اما من اوتی کتابه بیمینه فسوف یحاسب‌حساباً یسیرا وینقلب الی اهله مسروراشخصی

حضورش عرض کرد کدام اهل را خداوند اراده نموده فرمود اهل او در آخرت همان است که در دنیا بودند

(فلاقسم بالشفق والليل وما وسق والقمر اذا اتسق لتركبن طبقا عن طبق) چنین نیست که کفار گمان کرده‌اند قسم بسرخی شفق مراد آنسرخی است که چون آفتاب فرو رود برجای آن باقی میماند وقسم بشب و آنچه در اوجمع میشود از حیوانات که در روز پراکنده و منتشر هستند در روی زمین و قسم بماه تابان هنگامیکه فروزان شود که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواهید یافت پیغمبر اکرم ﷺ فرمود طریقه‌ای را که پیشینیان شما مرتکب شدند از معصیت و نافرمانی بعینه آنرا می‌پیمائید بدون کم و زیادحتی اگر سابقین داخل درسوراخ جانوران میشدند شما هم میشوید اصحاب حضورش عرض کردندایرسول خدا پیشینیان چه کسانی هستند فرمود یهود ونصاری ـ .

در کافی ذیل آیه فوق از زراره روایت کرده که حضرت باقر علیه‌السلام بمن فرمود ای زراره آیا این امت بعد از پیغمبر اکرم ﷺ اعمال ناشایسته‌ای مرتکب نشدند و اختیار نکردند مذهب وآئینی بعد از دین و مذهب حقه اسلام

ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود برای قائم ماغیبت طولانی خواهد بود اصحاب حضورش عرض کردند بچه سبب غیبت آن بزرگوار طولانی‌خواهد شدفرمود باید اعمال وطریقه زشتیکه امتهای گذشته در غیاب‌پیغمبر ایشان مرتکب شدند این امت‌هم در غیبت حضرت‌قائم علیه‌السلام ما فردأفرد انجام دهند و آیه‌را تلاوت نمود ـ

طبرسی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده فرمود همان مکر و حیله‌ایکه امتان گذشته نمودند نسبت بخلفا و اوصیاء پیغمبرانشان بعینه این امت نسبت‌بمن و فرزندانم مرتکب خواهند شد .

(فمالهم لايؤمنون،واذاقرئ عليهم القرآن لايسجدون،بل الذين كفروايكذبون و الله اعلم بمايوعون فبشرهم بعذاب اليم الاالذين آمنواو عملوا الصالحات لهم اجر غير ممنون) چه شده که کافران بخدا ایمان نمیآورند و چون قرآن بر ایشان

میخوانند سجده نمیکنند بلکه آنمردم کافر قرآن را تکذیب میکنند و آنچه در دل پنهان میدارند داناتر است خداوند بآن از خود ایشان ای رسول ما آنها را بعذاب دردناك دوزخ بشارت بده جز کسانیکه بخدا و رسول ایمان آورده و عمل نیك بجا میآورند برای ایشان اجر و پاداش بی‌نهایت در بهشت همیشگی خواهد بود . ابن شهر آشوب ذیل آیه فمالهم لایومنون از ابن‌عباس روایت کرده که‌پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شبیکه مرا بمعراج بردند و بمقام قاب قوسین او ادنی رسیدم پروردگار بمن فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله سلام مرا بعلی برسان و باو بگو من تورادوست میدارم و دوستانت را نیز دوست میدارم و بخاطر دوستی تو اسمی از اسماء خودرا مشتق کرده و تو را بآن اسم نامیدم چه من علی العظیم هستم و تو را علی نامیدم ای محمد صلی الله علیه و آله و هر کس چهار مرتبه ذکر علی العظیم را بگوید روز قیامت برای او نزد من حسنه‌ای از حسنات علی بن ابیطالب میباشد ابن عباس میگوید پیغمبر اکرم فرمود منافقین تصدیق نمیکنند فضایل علی علیه السلام را وایمان بحضرتش نخواهند آورد .

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

پایان سوره انشقاق

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲) وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)
قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (٤) النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (٥) إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ (٦)
وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷) وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ
يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (۸) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

سوره بروج در مکه نازل شده و بیست و دو آیه و صد و نه کلمه و چهارصد وپنجاه وهشت‌حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره بروج را قرائت کند در نماز های واجب محشر موقف اوبا پیغمبران و رسولان است چه این سوره تعلق دارد به پیغمبران ودرخواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند بتعداد کسانیکه در نماز جمعه وعرفه اجماع میکنند برای او اجر و ثواب خواهد بود و نجات میدهد اینسوره قاری خود را از سختیها و شداید و اگر اینسوره را بنویسد و همراه طفل کند که میخواهند او را از شیر باز دارند بآسانی از خوردن شیر منصرف گردد سوره بروج مشتمل است بر بیان حال مؤمنین از اصحاب اخدود و تکذیب کنندگان پیغمبران قوله تعالی .

(والسماء ذات البروج و الیوم الموعود و شاهد و مشهود) قسم بآسمان که صاحب برجها است و بروز قیامت که وعده داده شده و سوگند به پیغمبر خاتم که گواه عالم است و بروز عید و عرفه و قیامت .

(قتل اصحاب الاخدود) این آیه جواب قسم است سوگند باینان که اصحاب

ترجمه سورهٔ بروج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بآسمان صاحب برجها (۱) و قسم بروز قیامت (۲) و قسم بمحمد و امت او (۳) کشته و هلاك شدند یاران اخدود (٤) همان کسانیکه آتش سخت بجان خلق بر افروختند (٥) و بیرحمانه بر کنار آن آتش نشستند (٦) وسوختن مؤمنانیکه بآتش افکندند مشاهده میکردند (۷) و بآن مؤمنانیکه بسوختند عداوتی نداشتند جز آنکه آنها بخدای مقتدر غالب و ستوده ایمان آورده بودند (۸) آن خدائیکه مالك آسمان وزمین است وبرهر چیز گواه است (۹)

اخدود کشته و نابود شدند.

دراختصاص ازاصبغ بن نباته روایت کرده که ابن عباس میگفت روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود ای پسر عباس ذکر خداوند وذکر من وعلی وفرزندانش عبادت است بآن خدائیکه مرا برسالت فرستاده است من بهترین مخلوقات و علی علیه السلام وصی من افضل اوصیاء میباشد علی خلیفه خدا وحجت او است در روی زمین برای بندگانش وهمچنین فرزندان علی بعد ازاو خلیفه وحجت خدا هستندبواسطه آنها خداوند عذاب را از اهل زمین بر داشته و حبس نموده و بسبب ایشان آسمان را نگاه داشته از فرود آمدن بزمین و بخاطر آنها کوهها را حفظ نموده و باران رحمت خود را فرو میفرستد و نباتات را از زمین میرویاند ایشان اولیاء خدایتعالی میباشند پس از آن فرمود ای پسر عباس توگمان میکنی خداوند بآسمان صاحب برجها سوگند یادنموده درسوره بروج، گفتم ایرسولخدا پس معنای آسمان دراین آیه چیست و فرمود مراد بآسمان من و بروج ائمه معصومین هستند که اول آنها علی علیه السلام و آخر ایشان مهدی قائم علیه السلام است.

و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود شاهد محمد صلی الله علیه و آله است و مشهود قیامت آیا نمیشنوی قول خداوند راکه میفرماید یاایها النبی انا ارسلناك شاهدا و مبشرا و نذیرا و درآیه دیگر فرمود وذلك یوم مشهود.

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ (۱۳) وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴) ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵) فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ (۱۶) هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ (۱۷) فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ (۱۸) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹) وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰) بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (۲۱) فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ (۲۲)

و در معانی اخبار از حضرت باقر عليه‌السلام روایت کرده فرمود شاهد روز جمعه و مشهود روز عرفه و موعود روز قیامت است اما داستان اصحاب اخدود بدینقرار است طبرسی ازحضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین عليه‌السلام امرنمود بشخصی که ازاسقف بزرگ وپیشوای نصاری داستان اصحاب اخدود را سؤال‌نماید آن شخص پرسش کرداسقف نتوانست جواب‌بگوید حضرتش فرمود داستان‌ایشان بدینقرار است خدایتعالی پیغمبریرا بر طایفه حبشه مبعوث گردانید آنها پیغمبر خود را تکذیب کرده و بقتل رسانیدند و اصحاب آن پیغمبر را اسیر کرده وبعضی را کشتند، شکافهائی درزمین کندند و آتش در آنها افروختند وگفتند هر کس بر دین ما میباشد کنار رود و آنکه بر دین پیغمبر است باید خود را در آتش افکند آنگاه اصحاب پیغمبر را بر آتش افکندند زنی را آوردند که طفل یك ماه داشت خواستند با طفلش بآتش اندازند آنزن‌بر طفل خود رقت کرد آناً طفل بزبان‌آمد گفت ای‌مادر مرابا خودت بگذار در آتش افکنند سوگند بخدا این عذابهابرای

آنهائیکه مردان و زنان مؤمنین را بفتنه انداخته و بآتش سوزان سوختندو توبه و بازگشت نکردند برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان آماده است (۱۰) کسانیکه بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند برای آنها باغهائیست دربهشت که زیر درختانش نهرها جاریست این‌پاداش رستگاری بزرگی است (۱۱) ایرسول ما بگو بمردم که مؤاخذه وانتقام خدا بسیار سخت است (۱۲) آن خداوند خلق‌را بیافرید و پس از مرگ باز زنده گرداند و عود میدهد (۱۳) و او بسیار آمرزنده و مهربانست (۱٤) و صاحب عرش بزرگ و عزت است (۱۵) و هرچه بخواهد درکمال قدرت و اختیار انجام میدهد (۱۶) ایرسول آیا احوال لشگرهای کفار بر تو حکایت شده (۱۷) و داستان فرعون و قوم ثمود بتو رسیده (۱۸) بلکه آنهائیکه کافرند بتکذیب تو می‌پردازند (۱۹) و خدا بر احوال آنها احاطه دارد (۲۰) بلکه این قرآن بزرگوار است (۲۱) در لوح محفوظ نگاشته و نگاهداشته شده است (۲۲)

پایان ترجمه سوره بروج

پایداری در دین حق و راه خدا بسیار ناچیز و اندك است او را با طفلش در آتش انداختند در حالتیکه طفل سخن میگفت و اینحدیث را در محاسن نیز روایت کرده است.

طبرسی در مجمع از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود در پیشینیان پادشاهی بودساحری داشت‌چون‌پیر شدبه پادشاه گفت‌مرگ من‌نزدیك شده کودکی نزد من بیاورید تا باو سحر بیاموزم جوانی را نزد او بردند باو سحر آموخت ولی دل آن جوان بسحر میل ننمود براه طفل راهبی بود که مردم حضور او میرفتند و از علم و دانش آن راهب بهره مند می‌شدند آن جوان چند مرتبه نزد راهب رفتو از او سخنانی شنید میل براهب و دین اونمود و هرروز نزدش میرفت وحدیثی‌چند از او یاد میگرفت و در اثر آن رفتن نزد ساحر تأخیر افتاد ساحر او را می‌زد و اهلش نیز وی را میزدند شکایت آنهارا براهب کرد راهب باو گفت چون نزدساحر

میروی باو بگو مرا اهلم نگاه داشتند از اینجهت حضور شما دیر آمدم و باهلت بگو مرا ساحر دیر مرخص کرد اتفاق افتاددرآن ایام که جوان نزد ساحر و راهب رفت آمد میکرد مار بزرگی را مشاهده نمود که جلوی مردم را گرفته و سد معبر و راهرا مسدود نموده کسی جرئت عبور کردن نداشت جوان گفت امروز در کار ساحر و راهب امتحان وتجربه میکنم تا بدانم کدامیك از آنها بهتر و برحق‌میباشد آنگاه سنگی از زمین بر داشت و گفت خدایا اگر دین راهب بر حق است واو نزد تو محبوب تر است من این مار را با این سنگ بقتل برسانم و چنانچه ساحر بر حق است مرا ازکار او بیدار کن سنگ را انداخت و ماررا بکشت مردم خوشحال شدند خبر براهب رسید بجوان گفت‌تو مبتلاشدی‌باید صبر کنی اگر سؤال کردند از تو این دینرا از که آموختی مبادا نام‌مرا ببری و کسی‌را راهنمائی کنی بطرف من کارآن جوان بجائی‌رسید که مستجاب الدعوه شدمردم ازاطراف نزداومیآمدند دعا میکردو مریضانرا خداوند شفا می‌بخشید پادشاه ندیمی داشت نابینا چون‌این خبر شنید گفت مرا ببرید نزد آن جوان او را بردند بجوان گفت اگر دیدگان مرا بینا کنی مال بسیاری بتو خواهم داد جوان پاسخ داد من شفا نمیدهم کسی را بلکه خداوند شفا می‌بخشد اگر ایمان باو آوری از خدا در خواست کنم تا تو را شفا کرامت فرماید آنمرد ایمان‌بخدا آورد جوان هم دعا کرد بینا شد حضورپادشاه رفت ملك از او پرسید چشم ترا که بینا کرد گفت خدایتعالی پادشاه جواب دادمرا میگوئی گفت خیر پروردگار من و شما همانکسیکه همه ما را آفریده شفا عطا کرد پادشاه سؤال نمود از او مگر تورا خدائی هست جز من گفت آری او خدای تو و همه جهانیان است ندیم را زندانی کرد و دستور داد او را بزنند تا راهنمائی کند آنها را بسوی کسیکه او را خدا پرست کرده عاقبت دراثر اذیت و آزار گفت همان جوانیکه سحر می‌آموخت مرا بخدای یگانه دعوت کرد منهم دعوت او را پذیرفتم امر کرد جوان را حاضر کردند باو گفت ای جوان‌کار تو در سحر بجائی رسیده که چشم نابینا باز و روشن میکنی جوان گفت من اینکار هرگز نتوانم کرد بلکه خداوند شفامیدهد مریضانرا پادشاه باو گفت، که تورابااین راه رهبری نموده؟

گفت چه‌کار داری آن جوان را چندان عذاب کردند تا گفت مرا راهب راهنمائی کرده دستور داد راهب را حاضر کردند باو گفت بیا از این دین بر گرد گفت بر نمیگردم امر نمود او را باره دو نیم کردند سپس بجوان گفت از این دین بر گرد جوان بر نگشت او را بدست جماعتی سپرد تا بالای کوه مرتفعی ببرند اگر از خدا پرستی دست‌برنداشت اورا ازبالای کوه بزیر اندازند و کوهرا برسرش خراب کنند وچون جوان‌را بالای کوه بردند دستهارا بدعا بلند کرد و گفت خدایا کفایت کن مرا از شر اینان و کیفر بده این جماعت را بهر طریق که صلاح میدانی آناً کوه بر گشت و تمام آن جماعت را هلاك نمود جوان سالم باز گشت خبر به پادشاه رسید اورا خواست‌سؤال کرد رفیقانت چه شدند گفت خداوندآنها را بکیفررسانید باز جوان را بجماعت دیگر سپرد تا او را ببرند و سوار کشتی کنند و در وسط دریا غرق نمایند چون او را بردند و خواستند غرق کنند دست بدعا بر داشت و گفت پروردگارا اینها را بجزای اعمالشان برسان ناگاه کشتی اهلش را غرق کرد و جوان سالم باز گشت نزد پادشاه رفت باو گفت همراهانت چه شدند جواب داد همگی غرق شدند آنگاه گفت ای پادشاه تو نمیتوانی مرا بقتل برسانی پادشاه در کار جوان فرو ماند جوان باو گفت میخواهی بیاموزم ترا که چگونه عمل نمائی برای کشتن من یکروز مردم را عموما جمع کن در صحرا و مرا بشاخه درختی بلند به‌بند و تیری در کمان بگذار وبگو باسم پروردگاراین جوان این تیر را رها میکنم وجز نام خدای من چیزی بر من کارگر نباشد آن پادشاه چون تیر را رها کرد گفت باسم پروردگار این جوان تیر را رها نمودم‌تیر بروی جوان اصابت کرد و جان داد مردم چون آنحالت را مشاهده کردند همه از دین پادشاه بر گشتند و گفتند ما ایمان آوردیم بخدای این جوان پادشاه گفت از آنچه میترسیدم در آن افتادم پادشاه مردم راتهدید کرد آنها بر نگشتند دستور داد شکافهای مستطیلی کندند و آتش‌در آن افروختند ومردمرا از آن ترسانیدند کسی برنگشت همه را گرفتند و در آتش افکندند درآخر بانوئی را با کودکی آوردند که او برای طفل خود جزع میکرد آنطفل گفت ایمادر صبر کن که تو

درحقی و برای خاطر خدا تورا میسوزانند و خود رادرآتش‌افکند

و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود طایفه‌ای ازاخدود اهل کتاب بودند پادشاه ایشان شراب نوشید و مست شد باخواهرخود نزدیکی‌نمود وهمبستر شد چون از مستی بهوش آمد پشیمان‌شد بخواهر خود گفت ما خلافی کرده‌ایم تدبیر چیست خواهرش جواب داد مردم راجمع کن وبآنها بگو خدا نکاح خواهر را حلال کرده و چون مردم را جمع نمودند وسخن پادشاه را شنیدند گفتند ما هرگز قول تورا قبول نمیکنیم چه پیممبران عموماً خواهر را حرام کردند و در کتابهای آسمانی در حرام بودن خواهر آیاتی موجود است پادشاه بخواهر گفت مردم از من قبول نکردند خواهر جواب داد آنها را تازیانه بزنند تا قبول کنند ایشان را تازیانه زدند باز قبول نکردند خواهر گفت آنها را بشمشیر بزنند جمعی را بقتل رسانیدند قبول نکردند عاقبت دستور داد خندقی بکنند و آتش در آن بر افروزند و همه مردم را در آتش افکنند بدستور عمل کردند و تمام مردم را بآتش سوزانیدند ـ

و هیچ یك ازروایات با دیگری مخالفت نداره زیرا اصحاب اخدود متعدد بودند چه اخدود شکافهای مستطیلی است که سابق ایام پادشاهان جبار و ستمکاران در زمین میکندند بطول چهل ذراع وعرض دوازده ذراع و آتش در آن می‌افروختند ومؤمنینی که دراثر واجرای دین واحکام با آنها مخالفت و پایداری میکردندر آن آتش می‌افکندند و میسوزانیدند تا دین خدا را از بین ببرند و قوانین کفر آمیز خود را میان مردم رواج دهند ـ

ابن مسیب میگوید در زمان ریاست عمر بن خطاب علیه ما یستحق، جمعی مشغول حفاری بودند جسد جوانی را که دستهایش را بطرف صورت خود گذاشته بود یافتند هر چه دستهانش رامیکشیدند بازبجای اول میگذاشت عمر گفت پنهان کنید او را چون آن مردم ستمکار آتش بر افروختند بر کنار آن خندقها نشستند تا سوختن مؤمنین که درآتش افکنده بودند مشاهده کنند وبا آن مؤمنین عداوتی نداشتند جز آنکه ایشان بخدای مقتدر ستوده صفات ایمان آورده بودند همانخدائی

که مالك آسمانها و زمین است و بر همه‌چیز گواه است وهیچ چیز از او پوشیده و پنهان نیست.

(ان الذین فتنوا المومنین والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق) آنانکه مردان و زنان با ایمانرا بآتش فتنه سوختند و توبه و باز گشت نکرده‌اند برای آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیا است

(ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار ذلك الفوز الکبیر) کسانیکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند برای آنها باغهائی است در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست این پاداش سعادت و پیروزی بزرگی است برای ایشان.

(ان بطش ربك لشدید انه هو یبدیء ویعید وهو الغفور الودود ذو العرش المجید فعال لما یرید) ایرسول مابامت بگو مؤاخذه و انتقام خدا بسیار سخت است یعنی هرگاه بگیرد خداوند جابرین و ستمکاران را بشدت و سختی عذاب کند ایشان را آنخدائی است که آفرید ابتداء خلق را در دنیا وپس از مرگ دوباره زنده کند و بعرصه محشر حاضر گرداند و او آمرزنده و دوستدار فرمانبرداران و مطیعان است و صاحب عرش و با اقتدار وعزت است وهرچه بخواهد در کمال قدرت واختیار انجام میدهد پس از آن بیان میکند داستان جمعی از کافران را بقولش.

هل اتیك حدیث الجنود فرعون وثمود بل الذین کفروا فی تکذیب والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) ایرسول ما آمد تورا داستان لشگرهای پیشینیان امت که تکذیب کردند پیغمبران خدا را که از آنها است فرعون وقوم ثمود تکذیب کردند موسی وصالح را آنگاه بیان میکند کفار هم‌عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بلی آنانکه کافر و بتکذیب تو وقرآن می پردازند خدا از پس ایشان محیط است و بر تمام احوال و افعال آنها احاطه دارد و این آیات برای تسلی خاطرمقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله است ومعنای آیه آنست ای محمد صلی الله علیه و آله ملول و دلتنگ مباش مشاهده کن چگونه حضرت موسی و صالح پیغمبر را فرعونیان وثمودیان تکذیب کردند و چگونه ما آنها را هلاك نمودیم این کفار که تو وقرآن

را تکذیب میکنند البته ایشان را نیز مانند پیشینیان عذاب و هلاك خواهیم کرد و آنها از قبضه قدرت ما بیرون نتوانند رفت و گریزی بر ایشان نخواهد بوداین کتاب که بر تونازل کرده‌ایم قرآنی است شریف و بزرگوار که در لوحی نوشته شده و آن لوح را فرشتگان نگاه میدارند ـ

ابن عباس از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود لوح محفوظ لوحی است از در سفید طول آن بمقدار بعد زمین است بآسمان و عرضش از مشرق تا مغرب و کناره‌های آن ازیاقوت است وقلم‌آن ازنور یکطرف آن بطرف راست عرش وطرف دیگر بر جبهه اسرافیل است هرگاه پروردگار وحی و تکلم میفرماید آن طرف زده میشود برجبهه اسرافیل و اونگاه میکند بلوح و میرساند آن را بجبرئیل و جبرئیل به پیغمبران میرساند.

پایان سوره بروج

سورهٔ طارق

بسم الله الرحمن الرحیم

وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَما أَدْرٰيكَ مَا الطَّارِقُ (۲) أَلنَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)
إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمّا عَلَيْها حافِظٌ (۴) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)
خُلِقَ مِنْ ماءٍ دافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرآئِبِ (۷) إِنَّهُ
عَلىٰ رَجْعِهِ لَقادِرٌ (۸) يَوْمَ تُبْلَى السَّرائِرُ (۹) فَما لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلا ناصِرٍ
(۱۰) وَالسَّمآءِ ذاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذاتِ الصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ
لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳) وَما هُوَ بِالْهَزْلِ (۱۴) إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْداً (۱۵)
وَأَكِيدُ كَيْداً (۱۶) فَمَهِّلِ الْكافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْداً (۱۷)

سوره طارق در مکه نازل شده و هفده آیه و شصت و یک کلمه و دویست و سی ونه حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره طارق را تلاوت کند روز قیامت نزد خداوند باقرب و منزلتو از اهل بهشت است و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره‌را قرائت کند بتعداد ستارگان حسنات برای‌او نوشته شود واگر آنرا بنویسد و بشوید و شخص مجروح بدن خود را بآن آب شستشو کند چرك و ورم نکند و اگر بر چیزی بخوانند و آنرا بمریض دهند بخورد دوا و شفای درد او بشود سوره طاق مشتمل است بر تهدید خلایق و بیان میکند قرآن حق را از باطل قوله تعالی.

[و السماء و الطارق وما ادریك ما الطارق النجم الثاقب ان كل نفس لما

ترجمه سورهٔ طارق

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بآسمان و ستاره‌های پیدا شونده در شب (۱) و چه میدانی چیست طارق (۲) همان ستاره درخشان که نورش فرو رود (۳) نیست شخصی مگر آنکه برای او نگهبانی است (٤) باید آدمی نظر کند که از چه چیز آفریده شده است (٥) از آب نطفه جهنده خلق شد، (٦) که ازمیان‌پشت پدر واستخوان سینه‌مادران بیرون می‌آید (۷) همانا خداوند برزنده کردن و برگردانیدنش توانائی دارد (۸) روزیکه ظاهر شود نهانیها (۹) در آنروز قوتی و یاوری برنجات خود نیابد (۱۰) سوگند بآسمان فرو ریزنده باران (۱۱) و قسم بزمین شکافنده وگیاه روینده (۱۲) همانا قرآن سخن جدا کننده حق وباطل است (۱۳) و هرگز سخن بیهوده‌وبازیچه نیست (١٤) آندشمنان هرچه بتوانند کید ومکر کنند (١٥) وما هم در جزاومقابل آنها مکر خواهیم کرد (١٦) پس ایرسول ما اندکی مبلت ده و فروگذار کافران را تابسزای خود برسند (۱۷)

پایان سوره طارق

علیها حافظ) قسم بآسمان و ستارگان طارق و آن ستارگانی است که در شب پیدا شود سبب نزول آیه آن بود روزی پیغمبر اکرم ﷺ با عموی گرامش ابوطالب نشسته بودند ستاره آتش داری از آسمان افتاد ابوطالب ترسید عرض کردایفرزند این ستاره چیست پیغمبر اکرم ﷺ فرمود آیتی است ازآیات خدایتعالی پس‌از آن جبرئیل نازل شد واینسوره را فروه‌آورد .

و چه دانی تو طارق چیست پس از آن تفسیر کرد آنرا طارق همان ستاره درخشان است که نورش فرورود .

ابن بابویه ذیل آیات فوق از ابان بن تغلب روایت کرده که حضور حضرت صادق علیه‌السلام بودم شخصی ازاهل یمن وارد شد سلام کرد آنحضرت جواب او را داد و فرمود مرحبا ایسعد آنشخص عرضکرد جز مادرم کس این اسمرا نمیداندفرمود راست گفتی ایسعد مولی آنشخص گفت مولی لقب من‌میباشد فرمود خیری‌درلقب

نیست خداوند میفرمایددر قرآن ولاتنا بزوا بالالقاب بئس‌لاسم الفسوق بعدالایمان آنگاه فرمود ایسعد در یمن بچه کاری مشغول هستی عرض کرد فدایت گردم من‌از خانواده‌ای هستم منجم که نظر بستارگان مینمایم و کسی دد این علم دانا ترازمن نیست در یمن فرمود ستاره زحل در نجوم نزد تو چیست عرض کرد نحس است فرمود اینسخن را نگو زحل ستاره امیرالمؤمنین ﷺ میباشد و نجم ثاقب است که خداوند میفرماید یمنی عرض کرد ثاقب یعنی چه‌فرمود محل طلوع آن درآسمان هفتم است نورش سوراخ میکندآسمانها را وروشنائی‌میدهد ازآسمان‌دنیا ازاینجهت آنرا ثاقب نامیدند.

و از ضحاك بن مزاحم روایت کرده که مردی از امیرالمؤمنین ﷺ سؤال کرد طارق چیست؟ فرمود بهترین ستارگان است درآسمان و مردم آنرانمیشناسند طارق نامیده شد چه نور آن میشکافد آسمانها را و روشنائی میدهد بزمین پس‌ازآن برمیگردد بمکان اولی خود.

علی‌بن ابراهیم ذیل آیه فوق ازابی‌بصیر روایت کرده که حضرت صادق ﷺ فرمود سماء در این آیه وجود مقدس امیرالمؤمنین ﷺ است و طارق فرشته روح است که با ائمه میباشد واز جانب پروردگار شب و روز با آن بزرگواران حدیث میگوید و ایشانرا حفظ و حراست مینماید و نجم ثاقب پیغمبر اکرم ﷺ است (ان کل نفس لماعلیها حافظ) هیچ شخصی نیست مگر آنکه از طرف‌خداوند براو حافظ ونگهبانی هست عمل اورا نگاه میدارد ومیشمارد خیرباشد یاشر.

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود بر هرانسانی صد و شصت فرشته موکل میباشد که آفات را ازاو برمیگرداند وهفت فرشته ازآنها مأمورند که شیاطین‌را از او باز دارند اگر اورا لحظه‌ای بخود فروگذارند شیاطین او را بربایند.

(فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج من بین الصلب والترائب انه علی رجعه لقادر یوم تبلی السرائر فماله من قوة ولا ناصر) ای انسان مغرور در ابتداء خلقت خود بنگر وبه‌بین ازچه آفریده شده‌ای ازآب جهنده آفریده‌اند تورا یعنی آب منی آبیکه بیرون می‌آید ازمیان‌پشت پدر وسینه مادر والبته خداوندقادر

است بر برگردانیدن آدمی پس از مرگ ، آنروز که اسرار باطن انسان را آشکار کنند در آنروز که روزقیامت است هیچ یار و یاوری برنجات خود نیابد (والسماء ذات الرجع والارض ذات الصدع انه لقول فصل و ماهو بالهزل) سوگند بآسمان که فرو ریزنده باران است و بحق زمین که شکافته‌میشودبه‌نباتات‌و درختان‌و نهرهای آب که قرآن بحقیقت کلام پروردگار و جدا کننده حق است از باطل و هرگز سخن هزل و بیهوده نیست (انهم یکیدون کیدا و اکید کیدافمهل الکافرین امهلهم رویدا) دشمنان اسلام و مشرکین مکه هرچه میتوانند مکر وحیله میکنند ما هم در مقابل مکر ایشان مکر خواهیم کرد پس تو ای رسول ما اندکی کافران را مهلت بده ما نیز آنها را مهلت میدهیم تا روز موعود. ابی بصیر از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود منافقین و مشرکین کید و حیله کردند با رسول خدا و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و حسنین عليهم‌السلام پس خداوند به پیغمبرش فرمود ای رسول ما منهم با آنها کید میکنم و مهلت‌میدهم ایشان را تا وقت‌ظهور حضرت قائم عليه‌السلام و انتقام میکشم از ایشان بوجود مقدس‌آن بزرگوار از بنی‌امیه و تیم وعدی و سایر ستمکاران و یاغیان و ظالمان اهل‌بیت عليهم‌السلام

پایان سوره طارق

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى (۱) اَلَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ
فَهَدَىٰ (۳) وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ (٤) فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (٥) سَنُقْرِئُكَ
فَلَا تَنْسَىٰ (٦) إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ (۷) وَنُيَسِّرُكَ
لِلْيُسْرَىٰ (۸) فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ (۹) سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ (۱۰)

سورهٔ اعلی

سوره اعلی در مکه نازل شده و نوزده آیه و هفتاد کلمه و دویست وهفتاد و یك حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره اعلی را قرائت کند روز قیامت باو گویند داخل بهشت شو از هر دری که میخواهی. عیاشی از ابی‌حمیصه روایت کرده که عقب سر امیر المؤمنین عليه السلام بیست شب تمام نماز بجا آوردم آنحضرت قرائت نکرد مگرسوره اعلی را و فرمود اگر مردم ثواب قرائت آنرا میدانستندترك نمیکردند آنرا و هر کس روزی بیست مرتبه این سوره را تلاوت نماید مانند کسی است که صحف ابراهیم و تورات موسی را تلاوت نموده و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند بمقدار هر حرفیکه نازل شده بابراهیم و موسی و محمد صلى الله عليه وآله خداوند باو اجر و پاداش عطا فرماید و اگر بر گوش کسیکه درد میکند بخوانند دردش ساکت شود و اگر بر بواسیر خوانده شود قطع ماده او گردد و بزودی شفا یابد.

سوره اعلی مشتمل است بر صفات علی و قدرت پروزدگار و خسران کفار و منافقین و رستگار یافتن مؤمنین بسبب تزکیه نفس.

ترجمه سوره اعلی

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

نام پروردگار خود را که برتر از وصف است تنزیه کن (۱) آن خدائیکه آفرید مخلوقات را و بحد کمال خود رسانیده (۲) آن خدائیکه هرچیز را قدر و اندازه‌ای داد و براه کمال رهبری نمود (۳) آن خدائیکه گیاه را از زمین برویانید (٤) و آنگاه خشك و سیاه گردانید (٥) و ما آیات قرآن را بزودی بر تو قرائت میکنیم پس فراموش مکن (٦) مگر آنچه خدا بخواهد همانا او بامور پنهان و آشکار دانا است (۷) ما تورا بر شریعت سهل و آسان موفق میداریم (۸) پس بآیات قرآن خلق‌را پند ده و متذکر ساز اگر سودمند افتد (۹) بزودی پند میگیرد هر که خدا ترس باشد (۱۰)

قوله تعالی (سبح اسم ربك الاعلی الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی والذی اخرج المرعی فجعله غثاء احوی سنقرئك فلا تنسی الا ماشاءالله انه یعلم الجهر وما یخفی) بنام پروردگار خود که برتر از وصف وبالاتر از همه موجودات است تنزیه کن و به تسبیح و ستایش او مشغول باش آنخدائیکه خلق را آفرید و بحد کمال رسانید و آن خدائیکه هرچیز را قدر و اندازه‌ای داد و براه کمالش هدایت نمود آن خدائیکه گیاه را از زمین برویانید و آنگاه بعداز سبزی خشك و سیاه گردانید ما آیات قرآن را بر تو بخوانیم تا یاد گیری و فراموش نکنی مگر آنچه خدا خواهد که منسوخ کند آنرا و چون منسوخ شد ازیاد تو و دیگران برود وخدایتعالی بامور آشکار وپنهان عالم دانا است

در تهذیب از عقبة بن عامر جهنی روایت کرده که آیه سبح اسم ربك‌الاعلی چون نازل شد بر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امر فرمود بمردم آنرا در سجود نماز قرار بدهند و آیه فسبح باسم ربك العظیم‌را دستور داد ذکر رکوع قرار دهند وفرمود هیچ مؤمن ومؤمنه‌ای نمیگوید این کلمه رادرسجود مگر ترازوی اعمال او گران گردد و خدایتعالی بفرماید راست گفت بنده من « من بلند تر از هر چیز هستم و

وَ يَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (١١) أَلَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (١٢) ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى (١٣) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (١٤) وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
فَصَلَّى (١٥) بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا (١٦) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى
(١٧) إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (١٨) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (١٩)

برتر از من هیچ چیز نیست ای فرشتگان گواه باشید این بنده را آمرزیدم وبهشت باو کرامت کردم.

در بصائر الدرجات ذیل آیه سنقرئك فلا تنسى از سعدبن طریف خفاف روایت کرده که حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم چه می‌فرمائید درحق کسیکه علم و دانشی از شما ائمه تحصیل و یاد گرفته پس از آن فراموش نموده فرمود نیست حجتی براو حجت بر کسی است که بشنود احادیث مارا پس از آن انکار کند آنرا و ایمان بآن نیاورد چنین شخصی کافر است اما در فراموشی تکلیفی براو نیست.

(و نیسرك للیسری فذکر ان نفعت الذکری سیذکر من یخشی و یتجنبها الاشقی الذی یصلی النار الکبری ثم لا یموت فیها ولا یحیی) ای پیغمبر ما ترا بر شریعت سهل و آسان توفیق میدهیم تو هم امت را یاد و پند ده تا سودمند شوند و هر که خدا ترس باشد بزودی متذکر میشود و پند میگیرد و آنکه شقی تر است از پند و موعظه خدائی دوری بجوید ودروغ پندارد سخن خدا و رسولش را واز آن بر گردد و عاقبت بآتش سخت دوزخ در افتد و در آن دوزخ نه بمیرد تا راحت شود ونه اززندگانی خود برخوردار وبهرممند گردد.

(قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیاوالاخرة خیر وابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم وموسی) رستگاری یافت آنکسیکه تزکیه نفس کرد و زکوة فطره داد و نام خدا برد وبه نمازوطاعت پرداخت.

در تهذیب ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموده از تمام

و آنکه شقی است و بدبخت از پند دوری بجوید (۱۱) آنکس عاقبت بآتش سخت دوزخ درافتد (۱۲) و در آن دوزخ نه بمیرد ونه زنده میشود (۱۳) بحقیقت رستگار شد آن کسیکه پاك شد (۱٤) و یادکرد نام پروردگار خود را پس بنماز پرداخت (۱۵) آن کفار زندگانی دنیا را بر آخرت برگزیده‌اند (۱٦) و آخرت بهتر و پاینده‌تر است (۱۷) این گفتار در کتب پیغمبران پیشین بیان شده‌است (۱۸) بخصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی (۱۹)

پایان ترجمه سوره اعلی

بودن نماز ادا کردن زکوة است مانند فرستادن صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که او نیز از اتمام نماز است و هر کس روزه بگیرد و زکوة فطره ندهد روزه ای برای او نیست اگر عمداً صلوات را ترك كند نمازی برای او نخواهد بود خداوند ابتدا فرمود بزکوة پیش از ذکر نماز وفرمود قدافلح من تزکی ۰

درکافی ذیل آیه (و ذکر اسم ربه فصلی) از عبد الله دهقان روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه‌را فرمودیعنی هر وقت یادنمودی اسم پروردگار را پس از آن صلوات بفرستید بر محمد صلی الله علیه و آله وآل او ، آنگاه ملامت کند آنهائیکه دنیا را بر آخرت برگزیده‌اند . در کافی ذیل آیه (بل تؤثرون الحیوة الدنیا) از مفضل بن عمر روایت کرده که‌از حضرت صادق علیه السلام پرسش کردم‌معنای آیه را فرمودمقصوداز حیات دنیا ولایت‌اولی وومی و سومی ومراداز آخرت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و ولایت آنحضرت در تمام صحف پیغمبران نوشته شده است و خداوند مبعوث ننمود هیچ پیغمبریرا مگر آنکه عهد و پیمان گرفت از آنها به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام واوصیاء ازفرزندان آنحضرت .

و از اصبغ بن نباته روایت کرده که از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال نمودم تفسیر آیه را فرمود دو هزار سال پیش از آفرینش آسمان و زمین، برقائمه عرش نوشته شده لا اله الاالله وحده لا شریك له و ان محمداً عبده و رسوله و ان علیا وصی محمد صلی الله علیه و آله فاشهدوابهما، وفرمود خداوندتا روز قیامت میداند آنچه را مردم در دل خودپنهان میدارند و از جمله چیزهائیکه در صحف ابراهیم نوشته شده است این است باید

شخص عاقل زبان خود را نگاه بدارد و روزگار خود را بشناسد و بکار خود مشغول باشد.

ابی‌ذرغفاری گفت‌ازرسول اکرم ﷺ سؤال‌نمودم تعداد پیغمبران‌چنداست فرمودیکصدبیست چهارهزار،مجدداً سؤال کردم‌پیغمبران‌مرسل‌چندنفربودند؟فرمود سیصد وشصت نفر و باقی‌غیر مرسل بودند عرض کردم آدم پیغمبر بود فرمود بلی خداوند او را بخودی خود آفرید و با اوسخن گفت، پس از آن فرمود ای اباذر چهار پیغمبر عرب بودند هود و صالح و شعیب و من که پیغمبر شما هستم. گفتم خداوند چند کتاب فرستاد فرمود یکصدوچهار کتاب ده کتاب بآدم فرستاد وپنجاه کتاب‌بشیث وسی کتاب با خنوخ و او ادریس است و اول پیغمبری بود که‌بقلم‌چیز نوشت و ده‌کتاب بابراهیم عطا نمود و توراترا بموسی و انجیل را بعیسی وزبوررا بداود عطا نمود و قرآن را بمن کرامت فرمود و تمام کتب را در ماه رمضان نازل‌نمود.

پایان سوره اعلی

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ غاشیه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

هَلْ أَتٰيكَ حَدِيثُ الْغٰاشِيَةِ (۱) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خٰاشِعَةٌ (۲) عٰامِلَةٌ نٰاصِبَةٌ (۳) تَصْلىٰ نٰاراً حٰامِيَةً (۴) تُسْقىٰ مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعٰامٌ إِلاّٰ مِنْ ضَرِيعٍ (۶) لاٰ يُسْمِنُ وَلاٰ يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نٰاعِمَةٌ (۸) لِسَعْيِهٰا رٰاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عٰالِيَةٍ (۱۰)

سوره غاشیة در مکه نازل شده وبیست و شش آیه و هفتاد و دو کلمه وسیصد و هشتاد و یك حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق ﷺ روایت کرده فرمود هر کس سوره غاشیه را تلاوت کند در نمازهای واجب و مستحب، خداوند در دنیا رحمت خود را باو بپوشاند و در آخرت ایمن دارد او را از عذاب دوزخ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند خداوند حسابش را آسان گرداند و اگر بخواند آنرا بر طفلیکه آرام ندارد ساکت شود و چنانچه بخواند آنرا بر کسیکه دندانش درد میکند ساکن شود واگر بر چیز خوردنی قرائت کند وبخورد خداوند صحت وسلامتی را در آن چیز روزی او گرداند.

سوره غاشیه مشتمل است بر بیان احوال آخرت.

قوله تعالی (هل اتیك حدیث الغاشیة وجوه یومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلی نارا حامیة تسقی من عین آنیة لیس لهم طعام الا من ضریع لایسمن ولا یغنی من جوع) ای رسول ما آیا خبر هولناك قیامت که همه چیز را با هول و هیبت باز میپوشد بر تو حکایت شده در آن روز رخسار طائفه‌ای ترسناك و ذلیل باشد و همه کارشان رنج و مشقت است و پیوسته در آتش سوزان دوزخ معذبند و از چشمه آب گرم جهنم نوشند و نیست برای آنها طعامی مگر کثافات اهل دوزخ نه فربه کند آن طعام

ترجمه سوره غاشیه

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسول ما آیا حدیث هولناك قیامت بر تو حکایت شده است (۱) در آنروز رخسار طایفه ای ترسناك است (۲) و همه کارشان رنج و مشقت است (۳) و پیوسته در آتش فروزان دوزخ معذبند (٤) و از چشمه آب گرم جهنم نوشند (٥) نیست برای آنها طعامی جز خار (٦) نه فربه کند کسیرا و نه سیر گرداند (۷) طایفه دیگر در آن روز رخسارشان شاد و خندانند (۸) و ازسعی و کوشش خود در عمل خوشنودند (۹) و در بهشت عالی مرتبه‌اند (۱۰)

کسی را ونه سیر کند •

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود فرا گیرد این مردم را شمشیر حضرت قائم علیه‌السلام وطاقت ندارند که امتناع کنند از آن شمشیر، آنها عمل میکنند بغیر آنچه خداوند نازل نموده و منصوب میکنند غیر اولی‌الامر را بولایت و وصایت و افروختند آتش جنگ را در دنیا و در آخرت آتش جهنم برای ایشان افروخته شود و فرمود مصداق حقیقی آیه ناصبیها و زیدیه و واقفیه و کسانیکه مخالفت دین خدا را نمودند میباشد هر چند آنها کوشش در عبادت و نماز و روزه کنند خداوند دراثر مخالفت، اعمال ایشان را از بین ببرد و اگر شب و روز مشغول عبادت باشند بخاطر عداوت ودشمنی که باامیرالمؤمنین علیه‌السلام دارند خداوند عبادات و اعمال آنها را قبول نفرماید و این حدیث را کشی از حضرت جواد علیه‌السلام روایت کرده •

(وجوه یومئذ ناعمة لسعیها راضیة فی جنة عالیة لا تسمع فیها لاغیة فیها عین جاریة فیها سرر مرفوعة واکواب موضوعة ونمارق مصفوفة وزرابی مبثوثة) جمعی دیگر رخسارشان بشاش و خندانند و از سعی و کوشش خود در طاعت که در دنیا کرده اند خوشنودند و در بهشت مقام عالی یافته اند و در آنجا هیچ سخن زشت و بیهوده ای نشنوند در آن بهشت چشمه‌های آب گوارا جاریست و سریر عالی بلند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ
(۱۳) وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ
مَبْثُوثَةٌ (۱۶) أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَإِلَى
السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَإِلَى
الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ
عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ (۲۲) إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ (۲۳) فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ
الْأَكْبَرَ (۲۴) إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ (۲۵) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ (۲۶)

پایه نهاده اند وبهترین مشروبات‌رادر قدحهای بزرگ گذاشته اند و بر هرسریری مسند و بالشهای لطیف و مرتب افراشته اند وفرشهای گرانبها گسترده اند وچون پروردگار وصف نمود بهشت را و پیغمبر اکرم ﷺ فرمود سریرهای بهشتی در نهایت بلندی است سر فرو آرند تا مؤمنین پای بر آن نهند مشرکین تعجب کردند و دروغ پنداشتند جبرئیل نازل شد وآیات ذیل آورد.

(افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الجبال کیف نصبت‌و الی‌الارض کیف سطحت)فرمود آیااین مردم در خلقت شتر نمینگرند که چگونه آفریده شده و بلند قـامت است ولی چون خواهند برآن سوار شوند گردن فرود آورد و زانو خم کند و تمکین نماید ابن عباس میگوید پیغمبر اکرم ﷺ فرمود هرچیزی‌راکه خداوند در بهشت آفریده نمونه آنرا در دنیـا خلق فرموده مگرفرشهای بهشتی را .

و این مردم کافر در خلقت کاخ آسمان بلند فکر نمیکنند که چگونه آفریده شده وکوهها را نمیبینند که چگونه بر زمین بر افراشته اند و بزمین نظر نمیکنند چه طور آنرا گسترده اند آیا کسی قدرت و توانائی دارد که این قبیل مخلوقات‌را

و سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱) در آن بهشت چشمه ها جاریست (۱۲) و در آن تختهای بلند مرتبه است (۱۳) و قدحها نهاده شده (۱٤) و بالشهای لطیف روی یکدیگر نهاده اند (۱۵) وفرشهای فاخر گسترده اند(۱٦) آیا بیشتر نمینگرند که چگونه آفریده شده است (۱۷) و در خلقت آسمان فکر نمیکنند که پدیدار و بلند است (۱۸)وکوهها را نمیبینند که چگونه بر زمین برافراشته شده است(۱۹) و بر زمین نظر نمیکنند چگونه پهن شده (۲۰) ایرسول ما تو پند ده که وظیفهٔتو جز این نیست (۲۱) وتو نگهبان بر آنها نیستی (۲۲) مگر هر کس روی گرداند وکافر شد (۲۳) خدا او را بعذاب بزرگ معذب کند (۲٤) همانا باز گشت ایشان بسوی ما است (۲۵) آنگاه حساب و جزای اعمالشان برما خواهد بود(۲٦)

پایان‌ترجمه‌سوره‌غاشیه

بیافریند پس چرا مشرکین از خلقت بهشت تعجب میکنند .

(فذکر انما انتمذکر لست علیهم بمصیطر الامن تولی وکفر فیعذبه الله العذاب الاکبر ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم) ای رسول ما تو این مردم غافل را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست و نگهبان بر آنها نیستی جز آنکه هر کس پس از تذکر و پند روی از حق بر گرداند وکافر شود خداوند او را بعذابی بزرگ در دوزخ معذب گرداند و البته باز گشت آنها بسوی ما است آنگاه حساب وجزای اعمالشان برما خواهد بود .

در کافی ذیل آیه (ثم ان علینا حسابهم) از جابر روایت کرده که حضرت باقر علیه‌السلام بمن فرمود ای جابر روزقیامت‌پرورد گارخلایق اولین‌وآخرین را تماماً جمع‌میکندپیغمبر اکرم‌وامیرالمؤمنین علیهما‌السلام رابخوانندوبر آن دوبزرگوارحله‌سبزی بپوشانند که روشنائی دهدمیان مشرق و مغرب سپس ما ائمه را حاضر کنند وفصل حکومت میان خلایق و حساب آنها را بسوی ما واگذار کنند بخدا قسم ما داخل کنیم اهل بهشت را در بهشت و اهل دوزخ را بدوزخ پس از آن پیغمبران پیشینیان را بخوانند و نزد عرش پروردگار بایستند تا مردم فارغ شوند از حساب وقتی اهل بهشت در منازل‌خود قرار گرفتند خداوند امیرالمؤمنین علیه‌السلام را میفرستد تامؤمنات

را بمؤمنین تزویج کند سوگند بخدا جز آن حضرت کسی اینعمل را انجام ندهد و این موضوع از کرامت خداوند است که بآنحضرت عطا فرموده سوگند بخدا امیرالمؤمنین علیه‌السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است .

و از سماعه روایت کرده که درخانه کعبه حضور حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام ایستاده بودم و مردم مشغول طواف بودند آن حضرت بمن فرمود ای سماعه بازگشت این خلایق بسوی ما است و ما بحساب آنها رسیدگی میکنیم و شفاعت مینمائیم از ایشان و خداوند شفاعت ما را پذیرفته و اجابت میفرماید .

در تهذیب از موسی بن عبدالله نخعی روایت کرده حضور حضرت امام علی النقی علیه‌السلام عرض کردم ایفرزند رسول خدا تعلیم نمائید مرا کلماتی هروقت خواستم یکی از شما ائمه را زیارت کنم بتوانم آن حضرت زیارت جامعه را بمن تعلیم نمود و از جمله کلمات آن زیارت این بود فایاب الخلق الیکم و حسابهم علیکم وفصل الخطاب عندکم ای بزرگوارانیکه بازگشت خلایق بسوی شما است وشما بحساب مردم رسیدگی مینمائید و فصل خصومت وحکومت درحضور شما ائمه انجام میشود

پایان سوره غاشیه

سورهٔ فجر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ (۱) وَ لَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ
(۴) هَلْ فِي ذٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ
(۶) إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَ ثَمُودَ
الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَ فِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

سوره فجر در مکه نازل شده و سی آیه و صد و سی و نه کلمه و پانصد ونه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره فجر را قرائت کند در نمازهای واجب ومستحب روز قیامت از اصحاب حضرت امام حسین علیه‌السلام باشد زیرااین سوره بآن حضرت اختصاص دارد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بتعداد قاری آن خداوند ثواب باو عطا کند و هر کس این سوره را بنویسد و در میان خود واهلش گذارد و با او نزدیکی کند خداوند فرزند مبارکی روزی او گرداند و اگرهنگام طلوع فجر این سوره را قرائت کند تا طلوع فجر دیگر از هر شری ایمن باشد

سوره‌فجرمشتمل است بر تنبیه وتذکر کفار ومنافقین بعذابیکه نازل نمود برطایفه عاد وثمود وفرعونیان دراثر کفر وتکذیب کردن پیغمبران وآنکه بازگشت خلایق بسوی خدا است وبیان احوال بشروحکایت گفتار کفاردرآخرت .

قوله تعالی (والفجر ولیال عشر و الشفع والوتر واللیل اذا یسر هل فی ذلك قسم لذی حجر) قسم بصبحگاه وبده شب اول ذیحجة .

ترجمه سوره فجر

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بصبحگاه (۱) و بده شب (۲) و سوگند بجفت و فرد (۳) و بشب چون بروز مبدل شود (۴) آیا این امور که قسم بآنها یاد شد نزداهل خرد لیاقت‌سوگند نیست (۵) آیا ندیدی پروردگار توباعاد وقوم هود چه کرد (۶) و یا ارم که‌صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه رفتار نمود (۷) و حال آنکه مانند شهرهای آنها از حیث بزرگی وزیبائی آفریده نشده بود (۸) و نیز با قوم ثمود آنانکه بریده‌بودند سنگها را برای مسکن مأوی خود (۹) و با فرعونیان صاحبان میخ وقدرت (۱۰)

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود هیچ ایامی بهتر و محبوب تر از ایام عشر اول ذیحج نزد پروردگار نیست عبادت هر روزی از آن مطابق یکسال است حضورش عرض کردند جوانی است که‌این ایام راروزه میگیرد امر فرمود او را حاضر کردند سؤال نمود ای جوان چه شنیده ای در فضیلت این ایام که روزه میداری عرضکرد ای رسول خدا چیزی نشنیده ام جز آنکه خواستم من هم بعبادتی مانند حاجیان مشغول باشم فرمود بشارت باد ترا که هر کس یکروزاز این ایام را روزه بداردمثل آنست که صد روز روزه داشته است و اگر قربانی کند مانند آنست که صدقربانی کرده و چون روز ترویه (روز هشتم) و روز عرفه روزه بدارد مثل آنست که هزارروز روزه داشته و ثواب و پاداش عبادت در این دوروز هزار برابر باشد.

و قسم بجفت و فرد، و سوگند بشب‌تار چون منقضی شود و بروز روشن‌مبدل گردد آیا دراین امور که قسم بآنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت‌سوگندنیست.

شرف الدین ذیل آیات فوق از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود فجر وجود مقدس حضرت قائم علیه‌السلام ولیال عشر فرزندان امام حسین علیه‌السلام و شفع امیر-المؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام ووتر پروردگاریکتا است، وللیل دولت‌اولی و دومی است که‌جاریست تا دولت قائم علیه‌السلام : محمد بن عباس از حضرت صادق علیه‌السلام

أَلَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ (۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (۱۹) وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

روایت کرده فرمود شفع پیغمبرا کرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام ووتر پروردگار جهانیان است .

علی بن ابراهیم از آن حضرت روایت کرده فرمود شفع حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام است ووتر وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد .

(الم‌تر کیف فعل ربك بعادارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد) ایرسول ما آیا ندیدی که خدای تو چه کرد بقوم عاد و اهل شهر ارم که صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه بکیفر رسانید آنهارا .

داستان قوم عاد بدینقرار است: طبرسی از وهب بن منبه روایت کرده گفت در عصر معویة بن ابی‌سفیان علیه اللعنة و العذاب عبدالله بن قلابه در صحرای عدن شتر خود راگم کرد در طلب آن جستجو میکرد رسید بشهری که اطراف آن قلعه‌های محکمی داشت نزدیك رفت بگمان آنکه از اهل آن خبر شتر خود را بگیرد دو در بزرگ دید که مرصع بجواهرات ویاقوت سرخ وسفید است متوحش شد عاقبت در راگشود قصور و کاخهائی را مشاهده کرد که نظیر آنرا ندیده بود هریك از قصرها ازرز سرخ مرصع بانواع جواهرات ساخته شده بود عبدالله میگوید مدهوش بماندم در میان آن قصرها مشك و زعفران ریخته شده بود و بجای سنگ انواع جواهراز

آنهائیکه در روی زمین و شهرها طغیان و سرکشی کردند (۱۱) پس بسیار فتنه و فساد کردند در شهرها (۱۲) تا آنکه پروردگار تو بر آنها تازیانه عذاب فرود آورد (۱۳) همانا پروردگار تو در کمینگاه ستمکاران است (۱٤) اما آدمی را چون خداوند بخواهد آزمایش کند گرامی بدارد او را و از کرم خود نعمتی باو عطا کند پس میگوید خدا مرا عزیز و گرامی داشت (۱۵) و چون باز برای آزمودن اورا اندك روزی دهد وفقیر گرداند گوید خدا مرا خوار گردانیده (۱٦) چنین نیست بلکه یتیم نوازی نمیکنند (۱۷) و فقیر را بر سفره طعام تحریص و ترغیب نمیکنند (۱۸) ومیراث را بتمام میخورند و مراعات بینوایان نمیکنند (۱۹) ومال دنیارا بسیار دوست میدارند (۲۰)

در و یاقوت و زبرجد بکار رفته بود و نهرهای آب از طلا و نقره ساخته بودند و بجای ریگ مروارید و یاقوت در قعر نهرها ریخته شده بود و هر چه گردش کردم کسی را ندیدم باخود گفتم نظیراین شهر در دنیانیست این همان بهشت موعودیست که خداوند وعده فرموده مقداری از مشك و عنبر و جواهرات که ریخته شده بود برادشتم و بیرون آمدم داستان خود را به بعضی از مردم حکایت کردم و آن جواهرات را که همراه خودآورده بودم بایشان نشان دادم و بعضی را فروختم خبر بمعویه رسید مرا احضار کرد و در خلوت از من سؤال نمود چنانکه دیده بودم برای او شرح دادم باور نکرد شخصی را فرستاد کعب الاخبار را حاضر کرد از او پرسید ای کعب در دنیا شهری هست که از زر و سیم و انواع جواهرات بر این هیئت ساخته شده باشد گفت بلی چنین شهری را شدادبن عاد بنا کرد وذکر آنراخداوند در قرآن بیان فرموده میفرماید: ارم ذات العماد التی لم یخلق مثلها فی البلاد معویه ازکعب سؤال کرد مگر عاد اولی قوم هودنبودند گفت خیرقوم هود از فرزندان عاد اولی بود او دو پسر داشت یکی شدید و دیگری شداد چون عاد وفات کرد هر دو بجای پدر برتخت پادشاهی نشستند شدید هم پس ازچندی وفات کرد و شدادپادشاه روی زمین شد تمام پادشاهان جهان مطیع و فرمانبردار او بودند شداد حریص بود

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا
(۲۲) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى
(۲۳) يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ
(۲۵) وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ (۲۶) يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي
إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)
وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

بخواندن کتابها هر کجا نام بهشت و اوصاف آن بود شداد مسرور وخوشحال میشد تا آنکه آرزو کرد بهشتی دردنیا بنا کند یکصد مرد قهرمان تهیه نمود ودر تحت فرمان هر قهرمانی هزار نفراستاد وکارگر قرار داد و با قصای جهان نامه‌ها نوشت و خبر داد من میخواهم شهری باین کیفیت بنا کنم هر کس هرچه طلا و جواهرات دارد بیاورد از اطراف و جوانب هرچه بود آوردند و در بهترین نقاط خوش آب و هوا شهری از طلا و نقره و انواع جواهرات در نهایت زیبائی ساختند و بستانهائی احداث کردند سیصد سال در بناء آن مشغول بودند در آن وقت از عمر شداد نهصد سال میگذشت چون تمام شد روزی باتمام لشکر و اعیان مملکت حرکت کرد تا بآن بهشت برودو سکونت کند یکروزباقی ماند که بآنجا برسد خدایتعالی بصیحه آسمانی تمام آنها را هلاك نمود و کسی از ایشان بآنجا نرسید در این عصر مردی از مسلمانان که قدی کوتاه و موی سرخ وخالی برابرو و دیگر بر گردن دارد بطلب شترش در بیابان میرودو بآنجا میرسد.. آنگاه متوجه عقب سرخودشد عبدالله رادید آنجاحاضراست گفت بخدا قسم همین شخص است .

(و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد)آیاندیدی قوم ثمودرا آنهائیکه سنگ را بریدند وکاخهائی برای خوداز سنگ میساختند چگونه کیفرداد؛مورخین گفته‌اند

نه‌چنین است روزیکه ازلزله پی‌در پی زمین متلاشی شود (۲۱) وامر پروردگار تو فرشتگان صف در صف بمحشر آیند (۲۲) و آنروز جهنم را بیاورند در آنروز آدمی گناه خود را بیاد آورد و آن یاد آوری بحال او چه سودی بخشد (۲۳) و با حسرت میگوید ایکاش دردنیا برای زندگانی همیشگی امروز خود کارخیری پیش میفرستادم (۲۴) آنروز کسی را مانند آن عذاب نکنند (۲۵) و کسی را مانند آن بند نکنند (۲۶) در آن هنگام خطاب رسد بمؤمنین ای نفس مطمئن و دل آرام (۲۷) بسوی پروردگارت باز آی که تو خوشنود و او از تو راضی و خوشنود می‌باشد (۲۸) باز آی و در صف بندگان خاص من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل بشو (۳۰)

پایان ترجمه سوره فجر

اول کسیکه سنگ تراشید و از آن خانه‌ها و متاع ساخت قوم ثمود بود.

(و فرعون ذی الاوتاد الذین طغوا فی البلاد فا کثروا فیها الفساد فصب علیهم ربك سوط العذاب) و نیز فرعون صاحب قدرت و شوکت را چگونه غرق و هلاك نمود چه اینان در روی زمین ظلم وطغیان کردند وبسیار فتنه وفساد برانگیختند تاآنکه خدای تو برآنها عذابی پی درپی فرستاد .

ابن بابویه ذیل آیه و فرعون ذی الاوتاد ازحمران روایت کرده که ازحضرت صادق علیه‌السلام سؤال نمودم برای‌چه فرعون‌را ذی‌الاوتاد نامیدند فرمود چون‌میخواست کسی را عذاب نماید دستور میداد او را بصورت روی زمین بخوابانند و دست‌وپای او را میکشیدند و میخ میکردند و رها مینمودند تا هلاك گردد لذا خداوند او را ذی‌الاوتاد نامید .

طبرسی از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده گفتند زنی مؤمنه که ما شطه دختر فرعون بود روزی سر آن دختررا شانه میکرد شانه از دستش افتاد گفت کور باد آنکه بخدای کافر است دختر فرعون گفت مگر از برای تو خدائی جز پدرم هست ؟ گفت آری پروردگار خدای من‌و پدرت و خدای آسمان وزمین‌وآفریدگار

جهانیان است از پیکی است. بیهمتا و بی شریک‌خودختر این موضوع را بپدر خـود فرعون گفت امر کرد او را حاضر کنند باو گفت از این اعتقـاد و گفتار بر گرد و کافر شو بآن خدائی که میگوئی وگرنه ترا عذابی کنم تامردم از آن عبرت بگیرند جواب دادمن بخدای خودهرگز کافر نمیشوم تو هرچه میخواهی انجام ده امر کرد او را چهار میخ زدند باز نگفت، کودکان او را آوردندوباو گفتند اگر بر نگردی این کودکان را در برابرت بقتل میرسانیم جواب داد هرچه میخواهید بکنید من از خدای خود بر نمیگردم طفل شیرخوار را روی سینه مادرش سر بریدند ومادرش را نیز کشتند. آسیه‌عیال فرعون مؤمنه بود و ایمان خود را پنهان میداشت چون آن حالت را دیدفرعون را ملامت کرد و گفت زن بی گناه را که مدتها خدمت مامینمود بقتل رسانیدی ؟! فرعون گفت تو دیوانه‌شده‌ای آسیه‌جواب‌دادمن‌دیوانه نیستم‌خدای تو و تمام جهانیان همان کسی است که آسمان و زمین و کوه و دریـا ها را آفریده است فرعون بر او خشم گرفت و از نزد خودش بیرون کرد و دستور داد پدر ومادر آسیه را حاضر کردند بآنها گفت همان نوع دیوانگی که زن مـاشطه راگرفته بود آسیه‌را نیز گرفته است. پدر و مادر او را نصیحت کردند و گفتند شوهر تـو خدای آسمان و زمین‌است، پدر و مادر گفت اگر چنین است که شما میگوئید باوبگوئید آفتاب از مقدم‌او و ماه ازعقب اوطلوع و سیر نمایند و ستارگان بر گرد اوبچرخند گفتند نمیتواند این کار را انجام‌دهد. آفریدگار اینها قادر است آنهـا را بگردش در آورده و تمام‌آنها مسخر او هستند فرعون چون این سخنان‌را از آسیه شنیدامر کرد او را نیز مانند زن ماشطه بروی زمین بخوابانند و دست و پاهایش را چهار میخ‌بکوبند، درآن‌حال آسیه متوجه پرورد گارخود شد و گفت پرورد گارا خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردار زشت او نجات بده فرشتگان جایگاهش‌را دربهشت‌باو نشان‌دادند و عذاب بر او آسان شد وجان‌دادو برای این نوع عذاب را که بدعت گذاشت نامیده شد بفرعون ذی‌الاوتاد .

(ان ربك لبالمرصاد)این آیه جواب قسم است یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله پرورد گار تو در کمینگاه ستمکاران است میبیند و میشنود کردار و گفتار آنهارا .

(فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه و نعمه فیقول ربی اکرمن واما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن کلابل تکرمون الیتیم ولا تحاضون علی طعام المسکین و تأکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما) دراین آیات بیان میکند احوال بشررا · میفرماید اما انسان چون خدایتعالی او را آزمایش و امتحان کند بنعمتی و تندرست گرداند ومال و ثروت و انواع نعمتهای دیگر باو عطا کند در آن حال مغرور شود بآن ناز و نعمت و گوید خدا مرا عزیز و گرامی داشته است و گمان کند که این حق و نعمت بر خدا واجب بوده که باو عطا فرموده وچون او را بفقرو بیماری امتحان کند مغموم شود و گوید خدا مراخوار گردانید پس انسان نه شکر نعمت کند و نه در محنت و ابتلا برد بار و صابرباشد. چنین نیست که او گمان کرده ثروت و توانگری بخاطر عزت و اکرام او نیست و فقرو احتیاج او برای خواری و اهانت باو نیست بلکه برای صلاح و مصلحتی است که پروردگار اورا میداند و گاهی فقر و پریشانی برای آنست که یتیم نوازی نمیکنند و بینوائی رابمیل ورغبت بر سفره طعام خود نمی‌نشانند ومیراث را بتمام میخورند و مراعات صغیر و سایر ورثه را نمینمایند و سخت فریفته مال دنیا هستند و آن را ذخیره میکنند ودرراه خدا انفاق نمیکنند .

(کلا اذا دکت الارض دکا دکا و جاء ربك والملك صفا صفا وجیء یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکری) چنین نیست که دنیا طلبان گمان کرده اند چون زمین از اثر زلزله پی در پی بکلی متلاشی شود ، درآنهنگام امر کند پروردگار که فرشتگان صف در صف بعرصه محشر آیند وآن دوزخ رابیاورند و همانروز انسان متذکر کار خود گردد واز خواب غفلت بیدار شود و آن تذکر چه سود بحال او بخشد چه وقت تذکر و تفکر نیست زیرا در آخرت تکلیف نمی باشد .

طبرسی از ابو سعید خدری روایت کرده گفت چون آیات فوق نازل شد رنگ مبارك پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تغییر نمود و کسی جرئت نداشت از سبب آن سؤال کند اصحاب نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن شما بروید حضور

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عرض کرد ای رسول خدا جانم بفدایت چرا متغیر شده‌ای چه اتفاقی رخ داده که از آن دلتنگ و ملول هستید فرمود جبرئیل آیاتی آورد که بر من سخت آمد و آیات را قرائت‌نمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرسید ای رسول‌خدا چگونه دوزخ را بیاورند فرمود هفتادهزارفرشته با هفتاد هزار زمام آن‌را بعرصه قیامت آورند آنگاه یك شراره ازآن پدید آید که اگر فرشتگان آن‌را دفع‌نکنند تمام اهل محشر را بسوزاند آنگاه فرشتگان بمن گویند ای رسول خدا بشارت‌باد ترا که خدایتعالی گوشت و پوست ترا بر آتش حرام کرده است در آن حال‌هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست و نه فرشته و پیغمبری مگر آنکه فریاد میکند و میگوید پروردگارا نفس مرا نجات بده جز من که میگویم پروردگارا امت مرا نجات ده پس از آن پل‌صراط که برنده تر از شمشیر است بروی دوزخ کشیده‌شود سه موقف مردم را نگاهدارند موقف اول از امانت و رحم پرسش کنند دوم از نماز سوم از عدل پروردگار اگر از موقف اول خلاص شد در موقف دوم او را نگاه میدارند و اگر از آنجا نجات یافت موقف سوم نگاهدارند اینست معنای آیه ان ربك لبالمرصاد وبعضی از مردم قدمهایشان بر صراط بلرزد و با دست بروند بعض دیگر یکقدم بر دارند قدم دیگر نتوانند بگذارند فرشتگان در اطراف صراط ایستاده اند فریاد میزنند پروردگارا عفو کن و درگذر ازبندگانت و با فضل‌خود با ما رفتار بنما طایفه ای از مردم بآتش انداخته شوند و اگر بنده ای عبور کند از صراط بسبب رحمت پروردگار عبور کرده و نجات یافته است درآن حال آن بنده گوید ستایش خدایرا که بنعمت او تمام کردیم کارهای نیکو را و پاکیزه‌شدیم باعمال حسنات سپاس خدایرا که بلطف خود نجات داد مرا همانا پروردگار من آمرزنده ومهربانست .

(یقول یالیتنی قدمت لحیوتی فیومئذ لا یعذب عذابه احد ولا یوثق و ثاقه احد) انسان در آن روز با حسرت و ندامت میگوید ایکاش در دنیا برای زندگانی همیشگی امروز کار خیر انجام میدادم و عذاب و شکنجه ایکه خدا کند کسی‌نکند و آن بند که خدا نهد کسی ننهد .

شرف الدین ذیل آیه فوق از معروف بن خربوذ روایت کرده که از حضرت باقر عليه‌السلام تأویل آیه را سؤال نمودم فرمود مراد باحد دومی است و ازحضرت رضا عليه‌السلام روایت کرده فرمود خداوند جسم نیست تا حرکت بر او روا باشد وازجائی بجائی وازمکانی بمکان‌دیگر انتقال کردد وذات مقدسش منزه ومبرا است ازتوصیف و مکان،ومقصود از آیه وجاء ربك والملك صفا صفا امر وحکم پرورده گار است که با فرشتگان آید.

(یا ایتها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية فادخلي فيعبادي و ادخلي جنتي) درآن روزخطاب رسد بکسیکه نفس او ساکن و دلش آرام‌است بوعده‌پروردگارو تصدیق‌نموده‌او راباز گردبسوی خدای خود که راضی‌وخوشنودی از پروردگار و پروردگار نیزازتو راضی و خوشنود میباشد ودرصف بندگان‌خاص من درآی ودربهشت من داخل شو.

حضرت باقر عليه‌السلام فرمودهر نفسی که‌مطمئن‌شدبولایت امیرالمؤمنین عليه‌السلام است خوشنود گردد به پاداش و ثواب پرورده کارو فرمود در حال احتضار فرشتگان اورا صدامیکنند ای کسیکه مطمئن شدی بولایت علی‌امیرالمؤمنین عليه‌السلام بازگردبسوی پروردگار خود خوشنودو پسندیده‌پس نیست برای‌او هم و غمی مگر آنکه‌ملحق شود بآنحضرت.

شرف الدین از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده که باصحاب خود فرمود قرائت کنید سوره فجر را در نماز های خود چه این سوره‌اختصاص دارد بحضرت امام حسین عليه‌السلام ابو اسامة عرض کرد چگونه این سوره بآنحضرت اختصاص دارد فرمود مقصود ازنفس مطمئنة آن حضرت و شیعیان او است.

ابن بابویه از سدیر صیرفی روایت کرده که از حضرت صادق عليه‌السلام سؤال نمودم آیا مومن کراهت دارد از قبض روح فرمود خیر وقتی فرشته موکل برقبض ارواح وارد شد بر او جزع و فریاد میکند در آنحال آنفرشته باو میگوید بی‌تابی مکن ایدوست خدا بحق کسیکه محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله را بحق فرستاده من در حق تو نیکوئی مینمایم و مهربان تر از پدر و مادر هستم باز کن دیده های خود را و مشاهده کن

جمال و نور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن و امام حسین و ائمه علیهم السلام را اینها رفقای تو میباشند. ای کسیکه نفس خود را مطمئن کرده ای بمحمد وعلی واهل بیت او علیهم السلام، بر گرد بسوی پروردگار با ولایت و ثواب الهی و داخل بهشت شو در زمره بندگـان خاص یعنی محمد صلی الله علیه و آله و علی و اهل بیت آن بزرگواران قرار گیر در آن وقت چیزی بهتر از قبض روح برای او نیست تا بزودی ملحق گردد بائمه خود.

پایان سوره فجر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ بلد

بسم الله الرحمن الرحيم

لا أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ (١) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ (٢) وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ (٣) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ في كَبَدٍ (٤) أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ (٥) يَقُولُ أَهْلَكْتُ مالاً لُبَداً (٦) أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (٧) أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (٨) وَ لِساناً وَ شَفَتَيْنِ (٩) وَ هَدَيْناهُ النَّجْدَيْنِ (١٠)

سوره بلد در مکه نازل شده و بیست آیه وهشتاد ودو کلمه است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره بلد را قرائت کند از نیکوکاران دنیا محسوب شود ودر آخرت نزد پروردگار قرب و منزلتی پیدا کند و از هم نشینان شهدا باشد.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند روز قیامت ایمن باشد از غضب پروردگار و نجات یابد ازعقبه های صراط و اگر این سوره را بنویسد و بر طفل نوزاد به بندد محفوظ بماند از هر آفتی وازضرر ام‌صبیان. سوره بلد مشتمل است بر حرمت مکه در جاهلیت واسلام وراه اطمینان ونظر در طرق توحید وخدا شناسی.

قوله تعالی (لااقسم بهذا البلد و انت حل بهذا البلد و والد ومـا ولد لقد خلقنا الانسان فی کبد ایحسب ان لن یقدر علیه احد) سوگند یـاد نمیکنم بشهر مکه و حال آنکه تو ای پیغمبر فرود آمده ای باین شهر مکه و سوگند به پدرو آنچه زاده از فرزندان همانا ما آفریده ایم انسان را در سختی و رنج و مشقت آیا با این ناتوانی گمان میکند که هیچکس براو قدرت وتوانائی ندارد.

این آیه توبیخ و سرزنشی است برای کفار مکه چه آنها حلال نمیدانستند

ترجمه سوره بلد

بنام خداوند بخشنده مهربان.

سوگند باین شهر مکه (۱) و حال آنکه تو فرود آمده ای باین شهر (۲) و قسم به پدر و فرزندان او (۳)ما انسان‌را درسختی ورنج آفریدیم (۴)آیامیپندارد که کسی بر او توانائی ندارد (۵) ومیگوید من مال بسیار تلف کردم (۶)آیا گمان میکند که کسی او را نمیبیند(۷)آیا مادوچشم باو عطا نکردیم (۸) و زبان و دو لب باو ندادیم (۹) وراه خیر وشر باو ننمودیم (۱۰)

که ظلم و ستم کنند بر کسی در شهر مکه با این وصف بر پیغمبر اکرم ظلم‌وستم کردند مفسرین گفتند آیه در روز فتح مکه نازلشد و خداوند حلال نمود بر پیغمبرش قتل کفار را در شهر مکه یکساعت و مؤید آن فرموده رسول خدا است که فرمود از آنروز که پروردگار آسمان و زمین و خورشید و ماه را آفریدحرام نمود جنگ و قتال را در شهر مکه تا روز قیامت و پیش از من برای کسی حلال نبوده و بعد از من هم حلال نخواهد بود و برای من نیز جز یکساعت از روزحلال نیست و درآن ساعت ابن اخطل که دست در پرده کعبه زده بود و مقبس بن‌صبابه و جماعت دیگری از کفار را بقتل رسانیدند و معنای و انت حل بهذا البلد اشاره بهمین است یعنی ای پیغمبر بر تو حلال است کشتن هرکافریکه مشاهده کردی‌در این شهر مکه، دراختصاص ذیل آیه (ووالد وما ولد) از سلیمان بن قیس شامی روایت کرده که،امیرالمؤمنین فرمود من و اوصیاء بعد از من هدایت کنندگان و محدث هستیم گفتم کدام یك ازفرزندانت وصی شما می‌باشد فرمود حسن و حسین پس از آن فرزندم علی بن الحسین و در آنروز آن حضرت طفل شیرخواری بود پس از آن هشت نفر از فرزندان علی بن الحسین یکی‌را بعدازدیگری نام برد و آنها هستند که خداوند درقرآن بایشان سوگند یاد نموده و می‌فرماید ووالد وما ولد. والدپیغمبر اکرم ﷺ وولد ائمه هستند سلیمان‌میگوید عرضکردم یاامیر-المؤمنین علیه‌السلام دو امام در یك عصر و زمان جمع‌میشود؟ فرمود بلی لکن یکی‌از

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُّ رَقَبَةٍ (۱۳) أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ (۱۶) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ (۱۷) أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ (۲۰)

آنها ساکت است تا دیگری وفات کند سلیمان میگوید از محمد بن ابی بکر سؤال کردم آیا امیرالمؤمنین علیه السلام محدث است گفت بلی فرشتگان با او حدیث میگویند و میشنوند مگر قرائت نکردی این آیه را که می‌فرماید وما ارسلنا من قبلك من رسول ولانبی ولامحدث . امیرالمؤمنین علیه السلام محدث وحضرت فاطمه علیها السلام محدثة است ولی نبی ونبیه نیستند .

ابن بابویه ذیل آیه (لقدخلقنا الانسان فی کبد) ازحماد روایت کرده که حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم چهار پایان را مشاهده میکنم که در باطن دستهای آنها دو علامت است مانند داغ کردن چرا این‌طور است فرمود آن محل منخر آنها است که در شکم مادر قرار گرفته بودند و فرزندان آدم درشکم مادر مستوی هستند چنانکه خداوند می‌فرماید لقد خلقنا الانسان فی کبد و جز انسان تمام حیوانات سرهایشان در پشت مادر و دستهای آنها میان دستهای مادرشان قرار گرفته است.

علی بن ابراهیم ذیل آیه (ایحسب ان لن یقدر علیه احد) از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه در باره عثمان وارد شده چه او گمان میکرد که کسی نمی‌بیند او را و نمیداند که او دختر پیغمبر اکرم را با چوب جهاز شتر کشته و بقتل رسانیده .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود علت تزویج کردن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دختر خود رقیه را بعثمان آن بود. آن حضرت امر کرد منادی میان مسلمانان ندا کند هر کس چاه رومه را حفر کند و بر جیش عسره انفاق نماید از مال خود

باز هم اطاعت نکرد و بعقبه تکلیف تن در نداد (۱۱) و تو چه میدانی عقبه چیست (۱۲) آن رها کردن گردن است از عذاب (۱۳) و طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی است (۱٤) وبه یتیم خویشاوند خود احسان کردن است (۱۵) یا بفقیر خاك نشین دستگیری نمودن است (۱۶) سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و دیگری را بصبر و بردباری وبه بخشایش سفارش بکند (۱۷) اینان هستند اصحاب دست راست (۱۸) و آنهائیکه بآیات ما کافر شدند اصحاب دست چپ واهل شقاوتند (۱۹) برای ایشان آتش سرپوشیده خواهد بود (۲۰)

پایان ترجمه سوره بلد

من از طرف خداوند ضمانت میکنم خانه ای برای او در بهشت. عثمان آن دوعمل را انجام داد وچون بخواستگاری رقیه آمد رسول خدا بعثمان فرمود رقیه راضی نمیشود مگر آنکه صداق اورا خانه‌ای قرار بدهی که من ضمانت کردم برای تودر بهشت. عثمان قبول کرد و رقیه را بهمان صداق تزویج نمود پیغمبر شاهد گرفت و فرمود ای عثمان ذمه من بری شد از خانه بهشتی برای تو، و آن خانه صداق رقیه است و باو تعلق دارد رجوعی برای تو نیست. عثمان پس ازچندی رقیه را با چوب جهاز شتر آنقدر زد که شهیده شد و آن حضرت وفات کرد پیش از هم بستر شدن عثمان با او

(الم نجعل له عینین و لسانا و شفتین وهدیناه النجدین) آیا ما او را دوچشم ندادیم برای دیدن و زبان و دو لب برای سخن گفتن و آیا راه خیر وشر را باو ننمودیم پیغمبر اکرم ﷺ فرمود در کتب پیغمبران سلف چنین نوشته شده ایفرزند آدم اگر چشم با تو نزاع کند در آنچه برتو حرام کردیم پیش آن دو پلك قرار دادیم تا بپوشانی آن را و اگر زبان با تو مجادله کند دو لب قرار دادیم تا بآن خاموش نمائی زبان را و اگر فرج در محرمات باتو نزاع کند پیش او پاهارا نهادیم تا حفظ نمائی آنرا .

دیلمی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از عینین رسول اکرم و مقصود از لسان امیرالمؤمنین علیه السلام وشفتین حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام

است و راه خیر ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام میباشد .

(فلا اقتحم العقبة وما ادریك ما العقبة فك رقبة او اطعام فی یوم ذی مسغبة یتیما ذامقربة او مسکینا ذامتربة) این آیه اشاره است بآیه یقول اهلکت مالالبدا حضرت باقر علیه‌السلام فرمود مراد عمروبن‌عبدود است او گفت من مال بسیاری درراه دشمنی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام و اطفای نور آنها صرف کردم تا آنکه راه خدا را بر مردم‌مسدود کنم . پروردگار میفرماید چرا این مالها را باز نگذاشت برای‌عقبة و آن رها کردن نفس خود است ازعذاب دوزخ چنانچه امیرالمؤمنین علیه‌السلام درنهج البلاغه میفرماید الا ان امامکم عقبة کئود آگاه باشید ای مردم پیش روی شما عقبه سخت ودشواریست رسولخدا فرمود لایجوزها المثقلون و انی ارید ان اخفف عنکم لتلك العقبة عبور نمیکنند از آن عقبه کسیکه بارش سنگین است و من می‌خواهم بامر طاعت و عبادت شما را سبك گردانم برای آن عقبه .

در کافی از یونس روایت کرده که سؤال‌نمودم‌معنای‌آیه‌را ازحضرت صادق علیه‌السلام فرمود ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آزاد میکند گردنها را از آتش جهنم‌ونیز فرمود هر کس راخدا احسان واکرام بفرماید بولایت ماائمه، عبور کند اوازعقبه قیامت وما عقبه هستیم هر که ولایت ما را قبول کرد نجات یابد ازآن عقبه •

و گذر میکنند از عقبه باطعام کردن در روز قحطی به فقیران و بینوایان یا احسان کردن به یتیمی که از خویشاوند خودباشد یادستگیری کردن بفقیر خاك - نشین و تهی‌دست. ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس احسان کند به فقیری از شیعیان ما خداوند آن قدر اجر و پاداش باو عطا کند که جز پروردگار کسی نداند و نیز فرمود بواسطه معرفت و ولایت ما آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم ازعذاب جهنم رهائی یابندوما هستیم که در روز گرسنگی بمردم اطعام‌میکنیم (ثم کان من الذین آمنوا و تواصوا بالمرحمه اولئك اصحاب المیمنة) و از گذر کنندگان باشند آنهائیکه بخدا ایمان آورده و دیگران را بصبر در واجبات و مهربانی باخلق سفارش میکنند و ایشان از اصحاب یمین و دست راست هستندیعنی از طرف راست به بهشت میروند و آنها دوستان امیرالمؤمنین علیه‌السلام باشند .

(والذین کفروا بـآیاتنا هم اصحاب المشئمة علیهم نار مؤصده) و آنـانکه بآیات ما کافر شدند اصحاب دست چپ هستند و برای ایشان آتشی خواهد بود سر پوشیده که از هرطرف احاطه کند آنان را •

حضرت باقر علیه السلام فرمود اصحاب مشئمة دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله هستند .

پایان سوره بلد

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحٰيهٰا (۱) وَالْقَمَرِ إِذٰا تَلٰيهٰا (۲) وَالنَّهٰارِ إِذٰا جَلّٰيهٰا (۳)
وَاللَّيْلِ إِذٰا يَغْشٰيهٰا (۴) وَالسَّمٰاءِ وَمٰا بَنٰيهٰا (۵) وَالْأَرْضِ وَمٰا طَحٰيهٰا
(۶) وَنَفْسٍ وَمٰا سَوّٰيهٰا (۷) فَأَلْهَمَهٰا فُجُورَهٰا وَتَقْوٰيهٰا (۸)
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكّٰيهٰا (۹)

سوره الشمس درمکه نازل شده وشانزده آیه و پنجاه و چهار کلمه و دویست وچهل و هفت حرف است.

خواص و ثواب‌تلاوت: آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره‌والشمس و سوره واللیل و الضحی‌و الم نشرح را قرائت کنددر روز و یا شب نیست چیزی مگر آنکه شهادت بدهد برای او روز قیامت‌حتی موو بشره و گوشت و خون او شهادت بدهند برای‌او، وپرورده‌گار بآنها میفرماید من شهادت شما را قبول‌کردم ببرید این بنده را بسوی بهشت.

ودر خواص قرآن ازپیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر که‌اینسوره راقرائت کندمانندآنستکه‌صدقه‌داده بر کسیکه آفتاب وماه براو می‌تابد وهر کس توفیقش کم شده باشداین سوره راقرائت کند خداوند باو توفیق عطا فرمایدوقرائت این سوره حافظه را زیاد میکند و نزد مردم مقبول القول و با عظمت گردد و این سوره منفعتهای بسیاری دارد و از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس روزی او کم شده یا کم توفیق است و یا خسران و زیان می‌بیند و حسرت واندوه می‌خورد مداومت کند بر قرائت‌این سوره خداوندروزی وتوفیق زیادی‌باومرحمت فرماید و رفع زیان‌و حسرت اورا بنماید واگر آنرا بنویسد وبآب بشوید وآن آب را بیاشامد اضطراب اوزایل گردد.

ترجمه سورهٔ والشمس

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بآفتاب و تابش آن در وسط روز (۱) و بماه چون پیروی کند آفتاب‌را (۲) و سوگند بروز هنگامیکه جهان را روشن کند (۳) و بشب چون بپوشاند روز را (۴) وسوگند بآسمان وکسیکه بنا کرد آنرا (۵) و بزمین و آنکه آنرا بگسترده (۶) و بنفس ناطقه و آنکه او را بحد کمال بیافرید (۷) و باو شر وخیر الهام کرد (۸) هر که پاك کرد نفس خودرا همانا رستگار شد (۹)

سوده والشمس مشتمل است بر آنکه هر کس تزکیه نفس کرده و تقوی و پرهیزکاریرا پیشه خود ساخت از عذاب دوزخ نجات یابد و رستگار شود و آنکه فسق وفجور را پیشه خود قرار داد و از عاقبت خود غافل بود و از کیفر پرورده گار نترسید مانند طایفه ثمود بعذاب خداوند گرفتار خواهد شد.

قوله تعالی (و الشمس وضحیها والقمر اذا تلیها والنهار اذا جلیها واللیل اذا یغشیها والسماء ومابنیهاوالارض وماطحیها ونفس وماسویها فالهمها فجورها وتقویها قد افلح من زکیها) سوگند بآفتاب و تابش آن در نصف النهار وقسم بماه هنگام کمال و تمام نور آن و بروز که آفتاب را روشن کند یعنی پدید آرد چه آفتاب‌در روز هویدا شود و بحق شب چون پوشد آفتاب را چه خورشید در شب ناپیدا بود و قسم بآسمان و آنکه آنرا بنا کرد و بزمین و آنکه آنرا بگسترانید و سوگند بنفس انسانی و آنکه او را بحد نیکو وکمال آفرید و باو راه خیر و شررا الهام نمود رستگار وظفر یافت هر کسیکه نفس خودرا از گناه وکفر و پلیدی پاك و منزه ساخت.

در کافی‌از سلیمان دیلمی‌روایت کرده که ازحضرت صادق عليه‌السلام سؤال‌نمودم تأویل آیات فوق را فرمود شمس رسول خدا است پرورده‌گار واضح و روشن‌نمود بآن حضرت دین حق را برای‌مردم وحضرتش فرمود مثل من میان شما مردم مثل خورشید است در وسط النهار و علی عليه‌السلام مانندماه است هر گاه آفتاب غروب کند

وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسّيها (۱۰) كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْويها (۱۱) إِذِ انْبَعَثَ
أَشْقيها (۱۲) فَقالَ لَهُمْ رَسُولُ اللهِ ناقَةَ اللهِ وَ سُقْيها (۱۳) فَكَذَّبُوهُ
فَعَقَرُوها فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوّيها (۱۴)
وَلا يَخافُ عُقْبيها (۱۵)

بنور ماه راهنمائی یابید و نهار امامان از ذریه فاطمه علیها السلام است سؤال می کنند مردم دین خدا و رسول را از ایشان آنها آشکار میکنند دین را برای مردم ومراد ازشب بنی امیه وپیشوایان جور هستند که امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تغییر دادندوبمسند آل محمد علیهم السلام جلوس کردند و پوشانیدند دین خدا را بجور و ستم و تاریکی آنها روشنائی آل محمد علیهم السلام را فرا گرفت و سماء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ارض شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در روایت دیگر آن حضرت فرمود شمس علی علیه السلام و وضحی قیام قائم علیه السلام ما است و شاهد این معنا آیه و ان یحشر الناس ضحی است ومراد ازلیل اولی و دومی است دولت آنها پوشانیده حق را و سماء محمد صلی الله علیه و آله است چه مردم بعلم ودانش بسوی حضرتش بالامیروند و بمقام او نزدیك میشوند وارض شیعیان است و فجور و تقوی راه حق و باطل میباشد خداوند هریكرا نشان داده و هرراهی را مردم خواهند باختیارخود سیر میکنند.

(وقد خاب من دسیها) محروم و ناامید شد کسیکه نفس خودرا بکفر و گناه پلید گردانید وزیانکار خواهد بود.

درکافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام نفس مقدس خود را تزکیه نمود و اولی ودومی تباه کردند نفس خویش را در اثردسیسه و تزویر کردن در بیعت بـا آن حضرت و از ثواب و پـاداش آخرت بی بهره و نصیب شدند.

(کذبت ثمود بطغویها اذا نبعث اشقیها فقال لهم رسول الله نـاقة الله و سقیها

و آنکس که و پلید کرد نفس‌خودرازیانکار و بی‌بهره ماند (۱۰) طایفه‌ثمود بسبب سر کشی پیغمبر خود را تکذیب کردند (۱۱) هنگامیکه شقی ترین آنها بر خاست (۱۲) ورسول خدابآنها گفت واگذاریداین شتر خدا را و آنرا سیراب کنید (۱۳) تکذیب کردند پیغمبر خدا را و شتراو را پی کردند خدا هم بسبب گناهشان پوشانید آنهارا بعذاب وباخاك‌یکسان نمود(۱۴) وازعاقبت‌کار وهلاکت نترسید(۱۵)

پایان ترجمه سوره والشمس

فکذبوه فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها ولایخاف عقبیها) طایفه ثموداز روی غرور و طغیان وسر کشی پیغمبر خود صالح را تکذیب کردند هنگامیکه‌شقی ترین آنها که قداربن سالف بود بر خاست‌تا ناقه صالح را پی کند رسول خداصالح پیغمبر بآنها گفت‌این شترآیت پرورد گار است از خدا بترسید وآنرا سیراب کنید تا از شیرش برخوردار شوید ایشان صالح را تکذیب کردند و ناقه او را پی‌نمودند خداوندهم آنها را بکیفر گناهشان هلاك ساخت و شهر ایشان را با خاك یکسان نمود و هیچ باك از هلاك آنان نداشت آنها هم از عاقبت گناه خود نترسیدند که عاقبت بکیفر خواهند رسید .

ما شرح وداستان ناقه صالح وپی کردن آنرادر بخش دوم تفسیر سوره‌اعراف ذیل آیه ۷۳ بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود .

علی بن ابراهیم ذیل آیه (کذبت ثمود بطغویها) از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود طایفه ای از مسلمین مانند ثمود تکذیب کردند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را خداوند در باره آنها می‌فرماید (فاما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی فاخذتهم الصاعقة العذاب الهون) و عذاب خواری آنها شمشیر حضرت‌قائم علیه‌السلام است هنگامیکه ظهور بفرماید ، و ناقة الله امام است مردم استسقا مینمایند بعلم او . ثعلبی وواحدی که هردو ازعلماء عامه هستند از ابن عباس و عمارروایت کرده اند که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بامیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود ای علی شقی ترین مردمان اول و پیشینیان کسانی بودند که پی کردند ناقه صالح و بچه آنرا و شقی ترین مردم این امت آنهائی هستند که باتو جنگ میکنند و محاسنت را ازخون

سرت خضاب میکند ابن عباس گفت ابن ملجم یکی ازفرزندان قدار بودهمانکسیکه پی کرد ناقه صالح را و سر گذشت ابن ملجم با قدار هم یکی است چه قدارعاشق زنی بود بنام رباب و ابن ملجم نیز عاشق قطامه بود بخاطر او امیرالمؤمنین عليه السلام را شهید کرد و گفت شنیدم از امیرالمؤمنین عليه السلام که بابن ملجم فرمود خبر بدهم ترا که مادرت در حالت حیض بتو حامله شد گفت بلی چنین است راست گفتی ای امیرالمؤمنین عليه السلام و آن حضرت شنید از آن ملعون که گفت من بـا این شمشیر گردن علی عليه السلام را میزنم. با این وصف رها کرد اوزا وفرمود قصاص پیش ازجنایت جایز نیست.

در تهذیب از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هر کس قرائت کرد سوره و الشمس را و در خاتمه آن بگوید صدق الله و رسوله خداوند اجر جمیل باو عطا فرماید.

پایان سوره والشمس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ واللیل

بسم الله الرحمن الرحيم

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ (١) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ (٢) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ
(٣) إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ (٤) فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ (٥) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ
(٦) فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ (٧) وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ (٨)
وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (٩)

سوره والليل در مكه نازل شده و بيست و يك آيه و هفتاد و يك كلمه وسيصد و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : بعضى در سوره و الشمس بيان شد و در خواص قرآن از پيغمبر اكرم ﷺ روايت كرده فرمود هر كس سوره و الليل را تلاوت كند خداوند باوعطا كند چيزى كه راضى وخوشحال گردد، وعسرت ازاو برطرف شود و غنى گرداند او را پروردگار بفضل و كرم خود، و هر كس اين سوره راپيش از خواب پانزده مرتبه قرائت نمايد نبيند در خواب مگر خير را و اگر در نماز عشاء قرائت كندمانند كسى است كه در نمازش يكربع قرآن تلاوت نموده و نماز او قبول شود واگر در گوش شخص بيهوش يا مصروع بخوانند آنرادرهمان ساعت ببهبودى حاصل كند .

سوره والليل مشتمل است بر بيان حال كافر ومؤمن .

قوله تعالى (والليل اذا يغشى و النهار اذا تجلى وما خلق الذكر و الانثى ان سعيكم لشتى) پروردگار در اين آيات سوگند ياد كرد بشب تار چون روز رافرا گيرد و جهانرا در پرده سياه بپوشاند و بروز چون روشن شود و نيز قسم ياد كرد بذات مقدس خود كه مخلوقات عالم را نر و ماده آفريد براى تناسل وتوالد. وسعى و كوشش مكلفين و مردم مختلف است بعضى سعى ميكنند كه خودرا از آتش دوزخ

ترجمه سورة الليل

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

سوگند بشب تار چون پوشانید آفتاب را (۱) و قسم بروز چون روشن‌شود (۲) وسوگند بآنکه آفرید نر وماده را (۳) همانا سعی و کوشش شما مردم‌پراکنده و مختلف است (٤) اما هرکس حقوق را داد و پرهیزکار شد (٥) و بگفتار نیکو تصدیق کرد (٦) بزودی کار او را سهل وآسان میگردانیم(۷) وکسیکه بخل‌ورزید وبینیازی جست (۸) وگفتار نیکورا تکذیب کرد (۹)

آزاد کنند و بعض دیگر سعی میکنند گردن خود را به بندند طایفه ای کوشش میکنند در نجات خود و طایفه دیگر درهلاك خویش .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مردم‌دو طایفه هستند یکی‌آنکه سعی مینمایند خود را بخرند و آزاد نمایند دیگر آنکه خود را بفروشند و هلاك کنند علی بن ابراهیم از محمد بن مسلم روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام تأویل آیات فوق را سؤال نمودم فرمود مراد ازلیل اولی دومی است که پوشید تاریکی جهل وستم‌آنها روشنائی امیرالمؤمنین علیه السلام را در خلافتیکه برای خودشان تشکیل دادند و حق آن بزرگوار را غصب نمودندوآن حضرت صبر کرد تا دولت آنها بپایان‌رسید. و مقصود از نهار وجود مقدس حضرت قائم آل‌محمد علیه السلام است چون ظاهر شود باطل را محو نماید و از بین ببرد و در قرآن خداوند مثلهائی زده برای مردم ومخاطب قرآن پیغمبر اکرم وما ائمه هستیم و مثلهای قرآن را جز ما ائمه کسی نمیداند و نمیفهمد و مراد آن حضرت آنست که خداوند لیل‌را مثل زده بمنافقین و دشمنان آل محمد علیه السلام و نهار را مثل زده بامیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد گرام آن حضرت .

(فامامن اعطی و اتقی و صدق بالحسنی فسنیسره لليسرى) در این آیه بیان میکند حال مؤمنین را اما هرکس عطا کند واحسان نماید و پرهیزکار وخداترس باشد و یقین دارد بثواب و پاداش ، ماکار او را سهل و آسان کنیم تا بثواب رسد و توفیق دهیم او را وراه تکلیف را براو آسان کنیم .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که آیه فوق در شأن ابو دحداح نازل‌شده

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ (۱۰) وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ (۱۱) إِنَّ عَلَيْنَا
لَلْهُدَىٰ (۱۲) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ (۱۳) فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ
(۱۴) لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى (۱۵) الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۶)
وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷) الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ (۱۸) وَمَا
لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ
الْأَعْلَىٰ (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ (۲۱)

سبب نزول، آن بود که مردی درخانه یکی از انصار درخت خرمائی داشت بدون اجازه وارد خانه او میشد چون خرما ازدرخت می افتاد کودکان انصاری از آن میخوردند صاحب درخت با انگشت خرما را از دهان کودکان بیرون می آورد انصاری شکایت صاحب درخت را به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نمود آنحضرت دستور داد او را حاضر کردند فرمود آندرخت را بمن بفروش بدرختی در بهشت گفت نمی‌فروشم فرمود بباغی دربهشت بفروش عرض کرد نمی‌فروشم ابو دحداح آندرخت را بچهل درخت خرماخرید، حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا درخت را از آنمرد خریداری کردم تقدیم حضورت مینمایم در عوض درختی در بهشت بمن مرحمت فرمائید فرمود ای ابو دحداح برای تو در بهشت باغهائی است یکی بعد ازدیگری. خداوند آیات فوق را نازل نمود وفرمود سعی و کوشش مردم مختلف است سعی ابودحداح برای آخرت و سعی صاحب درخت برای دنیا است

(و اما من بخل و استغنى و كذب بالحسنى فسنيسره للعسرى وما يغنى عنه ماله اذا تردى) و آنکه بخل ورزید و از لطف خدا بینیازی جست و تکذیب کرد احسان و نیکوئی را پس بزودی کار اورا دشوار کنیم و ثروت و دارائی نجات نتواند داد اورا هنگام مرگ. این آیه در باره صاحب درخت نازل شده و از آیه معلوم

بزودی کار او را سخت و دشوار کنیم (۱۰) و دارائی او بی نیاز نکند او را چون هلاك شود (۱۱) همانا بر ما است که خلق را هدایت و رهنمائی کنیم (۱۲) و ملك دنیا و آخرت مخصوص ما است (۱۳) و من شما را از آتشیکه زبـانه کشد میترسانم (۱٤) و در آن آتش نیفتد جزشقی ترین خلق (۱۵) همان کسانیکه حق راتکذیب کرده و روی ازخدا بر گردانیدند (۱٦) و اهل تقوی و پرهیزکاربزودی از آن آتش دور شود (۱۷) همان کسانیکه مـال خود را انفاق میکنند و پـاکی می‌جویند (۱۸) و نیست از برای کسی بر او حق نعمتی تا پاداش داده شود (۱۹) مگر آنکه برای خوشنودی خدای خود که برتر وبزرگتر است (۲۰) وزود باشد که خوشنود شود (۲۱)

پایان‌ترجمه سوره‌اللیل

میشود که آنشخص منافق بوده .

(ان علینا للهدی و ان لنا للاخرة و الاولی فانذرتکم نارا تلظي لا یصلیهاالا الاشقی) همانا بر ما است نمودن راه هدایت خلق‌وملك‌دنیا وآخرت بماتعلق‌دارد بهر که بخواهیم میبخشیم و شما را از آتشیکه زبانه میکشد در دوزخ ترسانیده و آگاه میسازم‌و هیچکس در آن‌آتش نیفتد جز شقی‌ترین‌مردم، همانکسیکه‌تکذیب نمود آیات حق را و رو بر گردانید و او صاحب درخت بود .

(و سیجنبها الاتقی الذی یؤتی ماله یتزکی وما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی) و بزودی پرهیز کار از آن آتش دوری بجویدهمانکسیکه‌مال خودرا دادو پاکی‌جست ونیست از برای کسی نزد اونعمتی تا پاداش داده باشد مگر برای خوشنودی پرورد گار خود که برتر و بزرگتراست از هرچیزی و البته‌بزودی دربهشت بنعمتهای همیشگی خوشنود خواهد شد .

شرف الدین از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کردم فرمود مراد از لیل دولت شیطان است که باقی و برقرار است تا زمان ظهورقائم ماآل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و نهاردولت حقه آن حضرت است در عصر ظهورو اتقی کسی است که نفسش را بحق عطا کند و از باطل پرهیز نماید ومعنای فسنیسره للیسری آنستکه بهشت‌را برای اوآسان

گرداند و معنای بخل واستغنی یعنی بخل میورزد از حق برای نفس خود وبسبب باطل از حق بینیاز میگردد و حسنی ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و هر کس تکذیب کرد ولایت آن‌حضرت را آتش جهنم برای او آسان گرداند و معنای‌وان علینا للهدی یعنی علی علیه‌السلام هدایت کننده مردم و راهنمای ایشان‌است.

(درمحاسن از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده که آیه را آن حضرت‌بطریق ذیل قرائت‌نمودند (ان علیا للهدی و ان له الاخرة والاولی) و هنگامیکه قائم‌ما علیه‌السلام ظهور نمود غضب میکند بر منافقین و از هر هزار نفر نهصدونودونه نفر را بقتل میرساند و اشقی دشمنان آل محمد هستند و اتقی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و شیعیان آن حضرت باشند و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت کرده فرمود هر کس خمس آل‌محمد علیهم‌السلام را بآنها عطا کند وپرهیز نماید از ولایت خلفای ثلاثة وتصدیق کند ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را اراده نکند خیری را مگر آنکه خداوند برای او مهیا سازد و فراهم آورد و اما کسیکه بخل ورزد در دادن خمس آل محمد علیهم‌السلام و خود را بواسطه عمل نمودن برای بینیاز داند از ائمه و اولیاء خدا و تکذیب کند ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را اراده نکند چیزی از شر را مگر آنکه برای او فراهم وآماده گردد و فرمود پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وامیرالمؤمنین علیه‌السلام واصحاب و تابعین آنها زکوة مال میدادند و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در حالت رکوع انگشتری بسائل داد و آیه ویؤتون الزکوة وهم راکعون در شأن حضرتش نازل شدو مراداز (وما لاحد من نعمة تجزی) رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است که نعمت او پیوسته جاریست برتمام خلایق.

پایان سوره واللیل

سورة والضحى

بسم الله الرحمن الرحیم

وَالضُّحى (١) وَاللَّيْلِ إِذا سَجى (٢) ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَما قَلى (٣)
وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْاولى (٤) وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى
(٥) أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيماً فَآوى (٦) وَوَجَدَكَ ضَالّاً فَهَدى (٧) وَوَجَدَكَ
عائِلاً فَأَغْنى (٨) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلا تَقْهَرْ (٩) وَأَمَّا السّائِلَ فَلا تَنْهَرْ (١٠)
وَأَمّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (١١)

سوره والضحی در مکه نازل‌شده ویازده آیه و چهل کلمه و صد و نود و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: بعضی در سوره والشمس گذشت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره الضحی را قرائت کند واجب شود بر او شفاعت من و بعدد هر سائل و یتیمی حسنات برای اونوشته شود و اگر این سوره را بقصد باز یافتن غایب و مفقود شده بنویسند آن غایب و کم شده سالم بصاحبش بر گردد .

سوره‌والضحی مشتمل است بر شرافت وعظمت و قرب و منزلت پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله نزد پروردگار .

قوله تعالی (والضحی واللیل اذا سجی ما ودعك ربك وما قلی و للاخرة خیر لك من الاولی و لسوف یعطیك ربك فترضی) .

طبرسی از ابن عباس‌روایت کرده سبب نزول‌این سوره آن‌بود که‌پانزده روز وحی نرسید بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرکین‌بآنحضرت طعنه زدند و گفتند خدای محمد صلی الله علیه و آله اورا رها کرده و پروردگارش براو غضب نمود، وحی بسوی او نمیفرستد

ترجمه سوره الضحی

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بچاشت و هنگام ظهر (۱) و بشب چون تاریکی آرد (۲) پروردگار هیچوقت ترا وامگذارد و بر تو غضب نکند (۳) همانا آخرت برای تو بهتر است از دنیا (٤) بزودی پروردگارت بتو چندان عطا کند که راضی و خوشنود شوی (٥) آیا خدا تورا یتیم نیافت پس در پناه خود جا داد (٦) و تورا گم کرده و حیران یافت پس راهنمائی نمود (۷) و تورا فقیر یافت پس بی نیاز کرد (۸) پس توهم یتیمان را مران (۹) وفقیر وسائل را زجرمکن ومیازار (۱۰) وحدیث کن نعمت پروردگارت را بر مردم (۱۱)

پایان ترجمه سورة الضحی

پیغمبر ازاین سخنان دلتنگ شد بکوه حرا تشریف برد و اندیشه میکرد ومیگفت خدا یا تو میدانی این دشمنان چه میگویند فوراً جبرئیل نازل شد و این سوره را آورد پیغمبر باو فرمود ای جبرئیل بسیار شوق لقای ترا داشتم عرض کرد ایرسول خدا منهم مشتاق جمال شما بودم ولی چه کنم بندهٔ مأمور هستم تا پروردگار امر نکند نمیتوانم بیایم و آیه‌ای آورم آن حضرت چون جبرئیل را دید تکبیر گفت و از این جهت سنت شد که چون کسی مدتی دوست خود رانه بیند وقتي اورامشاهده نمود تکبیر بگوید پروردگار سوگند یاد کرد بروز روشن و هنگام ظهر و بشب تار و هنگام آرامش آن که خدای تو ای محمّد صلّی الله علیه و آله هیچوقت ترا رها و ترك نکرده و برحضرتت خشم ننموده آنگاه تسلیت میدهد خاطر مبارك پیغمبر را و میفرماید آخرت برای تو بهتر است از این دنیای فانی و خدای تعالی ترا چندان عطا کند که تو راضی باشي محمّد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم صلّی الله علیه و آله وارد شد بخانه دخترش حضرت فاطمه علیها السلام دید آن بانوی محترمه لباسی از پشم شتر پوشیده وبا یکدست جو آسیا میکند و با دست دیگرش پستان بدهان فرزندش میگذارد پیغمبر بحال دخترش رقت کرد و گریان شدوفرمود

ای نور دیده‌تلخی دنیا بشیرینی آخرت‌تلافی خواهدشد حضرت فاطمه گفت‌الحمدلله علی نعمائه و الشکر علی آلائه جبرئیل نازل شد و آیه و لسوف یعطیك ربك فترضی‌را آورد حضرت صادق علیه السلام فرمود سوگند بخدا آن شفاعت است که‌پیغمبر و دخترش راضی شدند بآن .

(الم یجدك یتیماً فآوی و وجدكَ ضالا فهدی ووجدك عائلا فاغنی فاماالیتیم فلا تقهر واما السائل فلاتنهر وامابنعمةربك‌فحدث) پروردگاردر این آیه‌نعمتهائی که به پیغمبرش عطا فرموده تذکر میدهد و میفرماید آیا خدا تورا یتیم نیافت و در پناه خود جای داد چه پدر آن حضرت وفات کرد هنگامیکه مادرش باوحامله بود و در مدت دو سالگی مادرش نیز وفات نمود حضرت ابوطالب عم بزرگوارش او را در تحت تکفل و تربیت خود قرار داد و از فرزندان خودش محبوب تر بود نزد آن جناب و از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند چرا خداوند پیغمبر را یتیم نمود فرمود تاآنکه خدا تربیت او کند وهیچ مخلوقی براو منت نداشته باشد .

ابن بابویه اززراره روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه‌راسؤال نمودم فرمود یعنی مردم بسوی تو پناه میآورند در صورتیکه یتیم بمردم پناه میبرد و یتیم کسی را گویند کهمانند اودر فضیلت‌و شرافت نمی‌باشد واز اینجهت‌حضرتش را درة الیتیمیة می‌نامند زیراآن بزرگوار فرداست ومثل و مانندی برای‌او نیست، و تورا دربیابان مکه گم شده و حیران یافت درطفولیت وبتو رهنمائی کردخلایق‌را.

داستان گمشدن‌آن حضرت بدین قرار است: مدت شیرخوارگی رسول خدا که تمام شد حلیمه سعدیه او را بمکه آورد تا بعبد المطلب برساند وقتی بدروازه مکه رسید هاتفی‌صدازد ای بطحای‌مکه مبارك باد تورا که امروز نور و بهاءوجمال و زینت عالم بسوی‌تو آمد حلیمه‌آن حضرت را رها کرد و دنبال قضای حاجت‌رفت چون باز گشت او را نیافت فریادی کرد و جامه چاك زد وهر کس‌رامیدید سؤال میکرد کودکی را باین شکل وشمائل ندیده اید وقتی مأیوس شد با خود گفت‌من چه عذری آورم حضور عبد المطلب آنگاه با خود گفت اگر باز نیابم او راخود را از این کوه بزیر افکنم تا از این غم رها شوم مردی دست حلیمه راگرفت نزد

بت بزرگ هبل برد و گفت ای‌دستگیر ما در نوائب و شدائد تو منت های بسیاری بر قریش داری این سعدیه کودکی بنام محمد صلی الله علیه و آله گم کرده‌برمامنت‌نه و مارا باو راهنمائی کن‌حلیمه‌میگویدچون آن‌مردنام محمد صلی الله علیه و آله رانزد هبل‌برد هبل و تمام بتها بروی درافتادند هاتفی صدا زد ای‌مرد بیخرددور باش این چه سخنی است‌میگوئی نمیدانی که نابودی این بتها بدست محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود آن مرد از شدت ترس لرزید وروی‌بمن کردو گفت ای حلیمه دل‌مشغول مدار این‌محمد صلی الله علیه و آله که‌تومیگوئی خدائی دارد که او را حفظ مینماید حلیمه گفت عبد المطلب با خبر شد گمان کرد قریش باو صدمه ای وارد کردند شمشیر کشید و فریاد کرد ای آل غالب تمام قریش جمع شدند گفتند ای سید ما ترا چه میشود فرمودفرزندم محمد گم شده تمام قریش در صدد جستجو بر آمدند او را نیافتند چون مأیوس شد داخل خانه کعبه شد طواف کرد آنگاه سر بآسمان بلندنمود عرض کرد ای پروردگارا محمدرابسوی ما برگردان منادی صدا زد جزع نکن خدای محمد صلی الله علیه و آله او را نگاه میدارد او در وادی تهامه نزد فلان درخت است عبد المطلب با ورقة بن نوفل بجانب آندرخت رفتند کودکی رادیدند باشاخ درخت بازی میکند سؤال کرد ای کودك تو کیستی چه عبد المطلب مدتی بود آن حضرت را زیارت نکرده بود جواب داد من محمدبن عبدالله بن عبدالمطلب هستم گفت‌جانم فدای تو باد او را بغل گرفت و با خود بمکه برد .

و بعضی گفتند معنای ضال مفرط‌درمحبت است چنانچه‌خداوند حکایت‌میکند گفتار برادران یوسف را نسبت بپدر خود و میفرماید ان ابانا لفی ضلال مبین و دیگر میفرماید تالله انك لفی ضلالك القديم يعنى ما تو را در دوستی یوسف مفرط یافتیم.

و تو محتاج بودی توانگر نمود بمال‌خدیجه‌و اموال غنایم. و معنای دیگر آیه و وجدك عائلا فاغنى آنست خلایق عیال تو بودند درعلم و دانش و احتیاج‌بتو داشتند، یافتندترا درحالتیکه بی‌نیازشدی بسبب وحی پروردگار و سؤال نکردند از تو چیزیرا مگر آنکه جواب آنها را دادی و آنان بی‌نیاز شدند بدانش تو و

يافتندترا گمنام در قوميكه نميشناختند پيغمبر يرا سپس، خداوند هدايت وراهنمائى نمود آنها را بوجود مقدست ايرسول گرامى بامت بگو يتيمان را ميازارند وسائل را زجرمكنند ياچيزش بدهند ويابخوبى جواب دهند.

پيغمبر اكرم صلى الله عليه وآله اشاره نمودبانگشت سبابه ووسطى وفرمود من وآنكسيكه كفالت يتيم كند در بهشت مانند اين دو انگشت هستيم و فرمود چون يتيم گريه كند عرش از گريه او بلرزد و فرمود هر كس دست محبت بسر يتيمى فرود آورد بهر موئى كه از دست او رود خداوند حسنه اى در نامه عمل او بنويسد و فرمود اگر سؤال كنندگان دروغ نميگفتند همانا اغنياء و ثروتمندان هلاك ميشدند آنگاه فرمود اى رسول ما نعمت پروردگارت را بازگوكن وآنچه خدا بر تو نازل كرده و امر فرموده از واجبات و محرمات و ولايت و فضيلت اميرالمؤمنين عليه السلام بمردم برسان.

پايان سوره الضحى

سورهٔ انشراح

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (١) وَ وَضَعْنا عَنْكَ وِزْرَكَ (٢) أَلَّذي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (٣) وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ (٤) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (٥) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً (٦) فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ (٧) وَإِلىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (٨)

سوره انشراح در مکه نازل شده وهشت آیه و دوبست و نه کلمه و صد و سه حرف است

خواص وثواب تلاوت آن بعضی در سوره والشمس بیان شد ودرخواص قرآن ازپیغمبراکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس سوره انشراح را تلاوت کندیقین وعافیت باوعطا فرماید واگراین سوره رابنویسد وبآب بشوید وشخصیکه سینه درد دارد یابول اوبندآمده آن آب را بیاشامد خداوند اوراشفا مرحمت فرماید

سوره انشراح مشتمل است برذکر نعمتهائیکه پرودگار به پیغمبرش عطا فرموده

قوله تعالی (المنشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك الذی انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك) ایرسول گرامی آیا ماتورا شرح صدر و همت بلند عطانکردیم.

رسول اکرم (ص) در اثرعداوت جن و انس با حضرتش دلتنك وملول بود، پرورد گاربانزول آیات ووعده فتح وفیروزی دل مبارك اورا خوش وروشن گردانید.

دربصائرالدرجات از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود خداوندبولایت امیرالمؤمنین (ع) دل مبارك پیغمبر اکرم راروشن نمود و دراثر فتح مکه و اسلام آوردن قریش سینه حضرتش راباز و باوتوانائی داد.

آیا بار گرانت را فرونهادیم یعنی تکلیف برتو آسان کردیم یابار گران از دل تو برداشتیم بسبب آمرزیدن گناه امت چه گناه امت بار گرانی بود بر دل

ترجمه سوره انشراح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسول گرامی آیا ماسینه تورا گشاده نکردیم (١) وبارسنگین را از پشت توبرنداشتیم (٢) باریکه ممکن بود پشت تورا گران دارد (٣) ونام تورا در جهان بلند کردیم (٤) پس بدان باهر دشواری آسانی است (٥) وباهرسختی البته راحتی وآسانی است (٦) پس چون فارغ شدی ازتبلیغ رسالت علی رامنصوب بدار وبسوی پروردگار خود همیشه مشتاق باش وعبادت کن (٨)

پایان ترجمه

پیغمبر اکرم (ص) خداوند آن رابرداشت وبعضی گفتند وضع بمعنای عصمت است ووزر بمعنای گناه یعنی تورا معصوم قرار دادیم و گناه ازتو سرنخواهد زد و بار سنگین جنگها را که پشت را میشکست بواسطه یاری علی (ع) برداشتیم و نام نیکوی تورا در عالم بلند کردیم طبرسی ازابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود جبرئیل از پروردگار سئوال نمود چگونه نام محمد (ص) را بلند نمودی پروردگار فرمود نام محمد (ص) را بنام خود پیوستم و هر که گوید اشهدان لااله الاالله نپذیرم وقبول نکنم ازاوتاآنکه بگوید و اشهدان محمدارسول‌الله وحسان در شعر خود اشاره باین حدیث کرده میگوید.

اعزعلیه بالنبوة خاتم — من‌الله مشهودیلوح و یشهد
وضم الاله النبی الی اسمه — اذا قال‌فی‌الخمس‌المؤذن‌اشهد
وشق‌له من‌اسمه لیجله — فذوالعرش محمودوهذا محمد

(فان مع‌العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت فانصب والی ربك فارغب) بدانکه باهر دشواری و سختی آسانی هست و یا هررنجی راحتی است یعنی این رنج و سختی که از مشرکین و منافقین بتو میرسد از پس آن ظفر وآسایش خواهد بود وچون از حجةالوداع و تبلیغ رسالت فارغ شدی منصوب کن علی (ع) را بولایت وامامت ووصایت و پیوسته مشتاق لقای حق باش و از خلایق

بگسل ودل بسوی خدا بند که کافی است تورا ـ

در کافی ازحضرت‌صادق(ع)روایت کرده فرمودیعنی‌وقتی‌فارغ شدی از تبلیغ رسالت و واجبات و محرمات و احکام منصوب کن علی (ع) را بخلافت و ولایت و وصایت و اعلان نما فضیلت اورا آشکارا تا مردم هدایت بشوند بوجود مقدس علي امیرالمؤمنین (ع) و بسوی پروردگار در امر نصب کردن علی (ع) راغب شو ومیل نما ومشتاق باش و بنگرانی و کـراهت منافقین‌متوجه مباش. و اینحدیث را ابن شهرآشوب وصاحب بصائر الدرجات و محمدبن عباس وجمع بسیاری ازاصحاب حدیث بطرق عدیده از ائمه معصومین علیهم‌السلام روایت کرده‌اند

پایان سوره انشراح

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة التين

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱) وَطُورِ سِينِينَ (۲) وَهٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶) فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ (۷) أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ (۸)

سوره التین در مکه نازل شده و هشت آیه وسی و چهار کلمه و صد و پنجاه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود هر کس سوره التین را درنمازهای واجب ویا مستحب قرائت کند خداوند دربهشت عطا کند باوچیزیکه راضی باشد و درخواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر که اینسوره را قرائت کند نوشته شود برای او اجرو پاداش بی‌شمار و اگر مغمومی قرائت کندآن را غمش برطرف گردد و چنانکه برطعام خوانده شود وآن طعام را بخورد هیچ ضرری نبیند هر چند در آن زهر ریخته باشند

سوره التین مشتمل است برعظمت آفریدگاریکه مستحق پرستش است وخلقت انسان و تطور احوال او و توبیخ و سرزنش کسانیکه تدبر و تفکر نمیکنند و تکذیب مینمایند روز حشر وقیامت را

قوله تعالی. (والتین والزیتون وطورسینین وهذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل سافلین) سوگند بانجیر وزیتون وبطورسینا وبشهرمکه که ما انسان را در مقام خلقت بنیکوترین صورت بیافریدیم سپس بواسطه کفران نعمت به پست‌ترین رتبه بر گردانیم.

ترجمه سوره التين

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بانجیر و زیتون (۱) و قسم بطور سینا (۲) و سوگند باین شهریکه امان است (۳) همانا ما آدمی را به نیکوترین صورت بیافریدیم (٤) سپس به پائین‌ترین مرتبه بر گردانیم (۵) مگر آنهائیکه بخدا ایمان آورده و عمل شایسته بجا آورند پس برای ایشان پاداش بدون منت خواهد بود (٦) پس ای انسان چه تورا واداشت که تکذیب کنی روزجزا را پس از ظاهر و هویدا بودن آن (۷) آیا خدا عادل وحاکم‌ترین حکم کنندگان نیست (۸)

پایان ترجمه

ابن بابویه ذیل آیات فوق از حضرت موسی‌بن جعفر (ع) روایت کرده فرمود خداوند از میان شهرها چهار شهررا بر گزیده یکی تین که مدینه منوره است دوم زیتون که بیت‌المقدس است سوم طور سینین که کوفه است چهام بلدامین که مکه میباشد ـ

و ازحضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود تأویل تین و زیتون حضرت امام حسن (ع) وامام حسین (ع) و طور سینین علی‌بن ابیطالب (ع) و ولایت آنحضرت میباشد که منافقین تکذیب کرده‌اند آن را وبلد امین پیغمبرا کرم (ص) است ـ

و در مناقب از حضرت موسی‌بن جعفر عليه‌السلام ذیل‌آیه ثم رددناه اسفل سافلین روایت کرده فرمود آیه درباره تیم وعدی نازلشده‌چه دراثر بغض و عداوتیکه آنها با امیرالمؤمنین عليه‌السلام داشتند خداوند ایشان را در پست‌ترین مکان دوزخ جای دهد.

(الاالذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون فما یکذبك بعد بالدین الیس‌الله باحکم‌الحاکمین) مگر آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند بآنها پاداش دائمی‌بهشت عطا کنیم پس‌ای انسان ناسپاس مشرك چه واداشت تورا که تکذیب روز جزا بنمائی ومنکر قیامت شوی آیا خدای مقتدرحکم‌فرمای

عالم نیست و استفهام درآیه استفهام تقریری است یعنی البته هست -

احمدبن عبدالله مؤدب و ابن جریح که هردو از علماء عامه هستند از ابی هریره وابن عباس روایت کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه ام هانی خواب رفته بود چون بیدار شد محزون بود ام هانی سبب حزن حضرتش را سئوال نمود فرمود درخواب قیامت واحوال آن و بهشت ونعمتهاوجهنم وانواع عذاب رامشاهده کردممعویهوعمروبن عاص رادروسط دوزخ دیدمفریاد میزدند وبرسر آنهاسنگهائی از زبانیه آتش فرود میآوردند وبایشان میگفتند چرا ایمان بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیاوردید رسول اکرم (ص) فرمود در آنحال ازپشت پرده عظمت پرورده گار علی علیه السلام را مشاهده کردم خوشحال وخندان است ومیگویدپروردگار من وخدای کعبه حکم فرمود میان من ودشمنانم سپس پیغمبر فرمود خداوند دشمنان علیرا بجهنم میفرستد آنگاه علی درموقف توقف مینماید وشفاعت میکند برای اهل بیت وذریة و شیعیان خود -

و از محمدبن فضیل روایت کرده گفت تفسیر سوره التین را از حضرت رضا علیه السلام سئوال نمودم فرمود تین و زیتون حضرت امام حسن علیه السلام وامام حسین علیه السلام وطورسینا امیرالمؤمنین علیه السلام والبلدالامین رسول اکرم (ص) است هر کس اطاعت وفرمان برداری نماید ازآنحضرت ایمن باشد ازعذاب جهنم واسفل سافلین و کسانی هستند که نقض کردند عهد و پیمانی که پیغمبر از آنها گرفت در باره ولایت امیرالمئومنین علیه السلام الاالدین آمنوا امیرالمؤمنین علیه السلام وشیعیان آنحضرت هتسند ودین ولایت امیرالمئومنین علیه السلام وائمه معصومین علیهم‌السلام میباشد

پایان سوره التین

سوره علق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) إِقْرَأْ
وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (٤) عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ (٥) أَن رَّآهُ اسْتَغْنَىٰ (٦) إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ
(۸) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ (۱۰) أَرَأَيْتَ إِن كَانَ
عَلَى الْهُدَىٰ (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ (۱۲) أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۳)
أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ (١٤) كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (١٥)
نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (١٦) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷) سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)
كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب (۱۹)

سوره علق در مکه نازل شده ونوزده آیه و هفتادو دوکلمه‌ودویست‌وهشتاد حرف است.

خواص و ثواب تلاوت‌آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره علق را تلاوت کند در شب و یا روز اگر در آن روز بمیرد شهید از دنیا رفته است و مانند کسی است که با شمشیر در راه خدا جهاد نموده و کشته شده و در آخرت مبعوث میشود با شهداء.

و در خواص قرآن: از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند باو عطا کند اجر کسیکه سوره های مفصل قرآن را قرائت نموده و اگر آن را در کشتی قرائت کند از غرق‌شدن ایمن باشد وچنانکه بر مخزنی خوانده شود از دزد و هر آفتی سالم بماند.

ترجمه سورهٔ علق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول بنام پروردگارت کـه آفریننده مخلوقات است بخوان (۱) آن خدائیکه آدمی را از خون بسته آفرید (۲) بخوان بنام پروردگارت که گرامی‌تر است (۳) آن خدائیکه آدمی را باخط و قلم آموخت (٤) و آنچه نمیدانست بـاو تعلیم نمود (۵) چرا انسان این قدر طغیـان و سرکشی میکند (٦) چون خود را غنی و بی‌نیاز می‌بیند (۷) همانا بسوی پروردگار خود باز خواهد گشت (۸) آیـا نمی بینی آنکس را که باز میدارد (۹) آن بنده را که نماز میگذارد (۱۰) آیـا چه می بینی اگر آن بنده نمازگذار براه هدایت و راست باشد (۱۱) و مـردم را به پرهیزکاری امر میکند (۱۲) آیـا چه می‌بینی کسیکه حق را تکذیب کند و روی برگرداند (۱۳) آیا ندانست که خدا می‌بیند او را (١٤) نه چنین است اگر بـاز نایستد موی پیشانی او را بگیریم (۱۵) و آن پیشانی دروغ زن خطا پیشه را (۱٦) آنگاه هرکس‌را از عشیره خود میخواهد بخواند تا از هلاکش برهانند(۱۷) و ما هم فرشتگان عذاب را بخوانیم کـه زبانه دوزخ را برگیرند و او را بسوی آتش بکشند (۱۸) چنین نیست که کافران گمان کرده‌اند تو فرمان آنها میر و بـه سجده خدا پرداز و بحق نزدیك شو (۱۹)

پایان ترجمه سوره علق

سوره علق مشتمل است بر امر بقرائت کردن اسم پروردگار و در طغیان و سرکشی کردن اغنیاء و ثروتمندان و توبیخ مشرکین قریش و ابوجهل و تهدید ایشان بآتش دوزخ .

قوله تعالی (اقرأ باسم ربك‌الذی خلق خلق الانسان من علق اقرأ و ربك الاکرم‌الذی‌علم بالقلم‌علم‌الانسان‌ما لم‌یعلم)علی‌بن‌ابراهیم‌ازابن‌عباس‌روایت کـرده که پیش از بعثت رسول اکرم ﷺ خوابهای راست و نیکو می‌دید و تاویل آنها مطابق آنچه دیده بود واقع میشد و تنها بطرف کوه حرا تشریف میبرد روزی بر

کوه حرا نشسته بود جبرئیل او را صدا زد ولی ظاهر نشد بر او آنحضرت مدهوش شد مشرکین او را بخانه خدیجه بردند خدیجه حضرتش را در بغل گرفت و سر مبارکش را میان دامن خود گذاشت و بوسید عرض کرد تو را چه میشود پدر و مادرم فدایت گردد پیغمبر اکرم ﷺ داستان خود را برای خدیجه بیان نمود خدیجه بسیار مسرور و خرم شد و گفت ستایش میکنم پروردگاری را که توفیق بمن عطا فرمود و شوهرم را پیغمبر مرسل قرار داد آنگاه گفت فردا هم بکوه حرا تشریف ببرید فرمود میروم سحرگاه نیز بکوه حرا تشریف برد طولی نکشید جبرئیل امین به نیکوترین صورت و خوشبوترین رایحه بر حضرتش ظاهر شد سلام کرد و گفت ای محمد (ص) پروردگارت سلام میرساند و تو را بتحیت و اکرام مخصوص گردانیده و میفرماید تو رسول و پیغمبر من هستی بر تمام مخلوقاتم از جن و انس و سایر موجودات دیگر بخوان آنها را بسوی من و بگویند و اعتقاد پیدا کنند به لا اله الا الله محمد رسول‌الله علی ولی الله آنگاه بزمین زد چشمه آبی نمایان شد پیغمبر از آن آب آشامید و وضو گرفت سپس پنج آیه از سوره علق را بر حضرتش خواند و بآسمان بالا رفت آن حضرت از کوه حرا بزیر آمد عبور نمیکرد بدرخت و گیاه و دیواری مگر آنکه آنها با صدای رسا سلام میکردند و میگفتند السلام علیك یارسول‌الله خدیجه در انتظار آن بزرگوار نشته بود ناگاه مشاهده کرد پیغمبر وارد شد ولی چنان جلوه‌ای نمود که خدیجه محوجمال ونور حضرتش شد وخرم و شادان گشت که فوق آن تصورنمی‌شود ونزد ورقه‌نوفل عموی خود رفت وداستان آنحضرت‌برای اوبیان کرد. نوفل این اشعاررا در جواب خدیجه انشا کرد ـ

فان یك حقا یا خدیجة فاعلمی حدیثك ایانا و احمد مرسل

وجبرئیل یاتیه و میکال معهما من‌الله وحی یشرح‌الصدرمنزل

یفوز به من فاز عزا لدینه ویشقی‌به‌الغاوی الشقی‌المذلل

فریقان منهم فرقة فی جنانه و اخری باغلال الجحیم مغلل

ای‌خدیجه‌اگراین‌داستانی که‌برای‌من بیان نمودی‌راست باشد البته احمد (ص) پیغمبر مرسل و خاتم پیغمبران است جبرئیل و میکائیل براو فرود می‌آیند و وحی از طرف پروردگار بسوی او میرسانند آنوحی سینه ها راگشاده گرداند و شرح صدر بمردم عطا کند رستگار میشود بآن کسیکه بخواهد عزیز و رستگار شود در دین حق و افزوده گردد طغیان و سرکشی‌ستمگران. مردم در اثر فرمان برداری ونافرمانی از او دو فرقه باشند طایفه‌ای در بهشت متنعم وجمعی در دوزخ بغل وزنجیر بسته شوند

پروردگار در ابتداء وحی خطاب نمود به پیغمبرش فرمود ایرسول گرامی بخوان این قرآن را بنام پروردگارت یعنی در ابتداء قرائت. نام‌او بر، همان پروردگاریکه آفریننده موجودات است و اشیاء را از کتم عدم بعرصه وجود آورده بمقتضای حکمت و مصلحت پس از آن تخصیص میدهد انسان را بذکر از میان تمام مخلوقات برای شرافت وتمیز داشتن او ازسایرحیوانات ومیفرمایدهمان خدائیکه انسان رابیافرید از خون بسته بعد ازآن برای تاکید باردیگرمیفرماید بخوان این قرآن را بنام پروردگار خود که کریمترین کریمان عالم است آنخدائیکه مردم را علم نوشتن بقلم آموخت.

پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله فرمود قلم یکی از نعمتهای خداوند است و اگرقلم نبود دین وملك استقامت وپایدار نبود وعیش صالح وجود نداشت

و بآدمی بیاموخت آنچه رانمیدانست .مراد بانسان آدم ابوالبشر است چه میفرماید وعلم‌آدم الاسماء کلها و ممکن است انسان در اینجا وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله باشد چنانکه‌میفرماید و علمك‌مالم‌تکن تعلم (کلاان الانسان لیطغی ان راه استغني ان الی ربك الرجعی) بحقیقت آدمی طاغی وگردنکش است چون توانگروبینیاز گردد وازحد خود بیرون رود.

پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله دردعا میفرمود خدایامن‌پناه بتو میبرم‌ازفقرومستمندی که مرا ازنظرویاد مردم میبرد وپناه میبرم بتو از توانگری و غنائیکه مرا بفکر

وطغیان و سر کشی وغرور وامیدارد ویاغی میکند. آنگاه فرمود بدانید که باز گشت همه خلایق بسوی پروردگار است تا جزاو کیفر دهد آنهائیرا که طغیان وسر کشی کردند (ارایت الذی ینهی عبدا اذا صلی ارایت ان کان علی الهدی اوامر بالتقوی) این آیه درباره ابوجهل وارد شده وداستان آن بدینقرار است: روزی ابوجهل بقریش گفت آیامحمد را دیده اید که نمازمیخواند وصورت بخاك میمالد وشمارا رهامیکند گفتند بلی گفت سوگند به لات وعزی اگر به بینم اونمازمیخواند پای در گردنش میگذارم و او را هلاك میکنم آنها گفتند در این ساعت مشغول بنماز است رفت تا رسول خدا را اذیت وآزار نماید دیدند باز گشت باو گفتند چرا باز گشتی جوابداد چون خواستم حضرتش را اذیت کنم خندقی پراز آتش میان خود و او مشاهده کردم وشخصی رادیدم خواست آتش بروی من بریزد فرار کردم دراین وقت جبرئیل فرود آمد و آیات را آورد فرمود ایرسول ما آیا دیدی آنکس را کـه مسخره میکرد ومیخواست تورا بازدارد از نماز آیا چه حکم میکنی در باره محمد ﷺ که تو میخواستی ازنماز ومعروف باز داری اگر اورا براه راست باشد و خلق را بتقوی وپرهیز کاری امر کند شما مردم برچنین کسی که حق را تکذیب میکند و از رسول او روی برمیگرداند چه رأی میدهید ومستحق چه عذابش میدانید آیا آنکس نمیدانست که خدا اعمال زشت و کرداراورا می بیند و ازاو انتقام میکشد نه چنین است اگر او از کفر و ستم وتکذیب دست نکشد البته خداوند موی جبین اورا بقهر وانتقام بگیرد وپیشانی آندروغ زن وخطا پیشه را بخاك هلاك درکشد آنگاه هر کرا خواهد ازعشیره خود بخواند تا ازهلاکش برهانند.

چه ابوجهل به پیغمبر گفت: البته این وادی را پر از اسبان ابلق و مردان شجاع کنم که باتوقتال کنند خدایتعالی آیات کلالئن لم ینته لنسفعا بالناصیة تاآخر سندع الزبانیة) راناز ل نمود وفرمود درجواب ابوجهل ماهم فرشتگان قهرو عذاب را بخوانیم تازبانیه دوزخ رابرگیرند واو وکسانی را که بیاری خود خوانده بسوی جهنم بکشند چنین نیست که ابوجهل خیال کرده که تورا بزجر مطیع خود

گرداند) کلالا تطعه واسجد واقترب) سجده کردن درقرائت این آیه ویاشنیدن آن واجب است. فرمود ایرسول ما توهیچ از ابوجهل اطاعت نکن وبنماز وسجده خدا به پردازه و بحق نزدیک شو، چه نماز و سجده موجب قرب به پرورد گاراست. در کانی ذیل آیه فوق از حضرت رضا ﷺ روایت کرده فرمود بهترین حالات مردم نزد خداوند سجده آنها میباشد وخواندن این سوره درنماز واجب جایز نیست چه حین قرائت واجب میشود سجده و ازاین جهت ماحی نمازاست.

پایان سوره علق

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره قدر در مکه نازل شد و پنج آیه و سی و سه کلمه و صد و دوازده حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: درکافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قدر را بصدای بلند قرائت کند مانند کسی است که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد مینماید و هر که آهسته آنرا قرائت کند مثل آنستکه در راه خداوند بخون خود غوطه‌ور است و هر کس ده مرتبه آن را قرائت نماید خداوند هزار گناه اورا بیامرزد.

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قدر را تلاوت کند در نماز های واجب منادی ندا کند ای بنده خدا آمرزیده شده‌ای اعمال خود را از نو بگیر.

در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند مثل آنستکه یکماه روزه گرفته است و اگر در شب قدر آن را قرائت کند ثواب جهاد کنندگان در نامهٔ عمل او نوشته شود و اگر بر مخزنی بخواند از هر آفتی سالم بماند و اگر آن را برظرف جدیدی بنویسد و صاحب لقوه بر آن نظر کند خداوند او را شفا دهد و اگر بر طلا و نقره و یا اثاث خانه بخواند و آنهارا ذخیره کند مبارك شود برای او آن اشیاء.

سوره قدر مشتمل است بر بیان فضیلت شب قدر و آنکه عبادت و تقرب

ترجمه سوره قدر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما این قرآن را در شب قدر فرستادیم (۱) تورا چه چیز دانا کرده که شب قدر چیست (۲) شب قدر بهتر است از هزار ماه (۳) در آن شب فرشتگان و روح برخصت پرورده‌گارشان از هر فرمان فرود آورند (٤) در آنشب رحمت وسلامتی و تهنیت است تا دمیدن صبح (۵)

پایان ترجمه سوره قدر

در آن شب بیش از سایر شبهای ایام سال است و قرآن در شب قدر نازل شده است.

قوله تعالی (انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریك ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر.

سبب نزول این سوره بدین قرار است: در کافی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود:

رسول خدا در خواب دید بنی‌امیه بالای منبر حضرتش رفتند و مردم را بسوی گمراهی و زمان جاهلیت سوق میدهند و از دین اسلام برمیگردانند حضرتش از خواب برخاست در حالتیکه محزون و دلتنگ بود جبرئیل نازل شد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خواب خود را برای او بیان کرد گفت بآنخدائیکه تو را برسالت فرستاده من از این موضوع اطلاعی ندارم آنگاه بآسمان صعود کرد، طولی نکشید فرود آمد و سوره قدر را آورد پرورده‌گار فرموده ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه که بنی‌امیه سلطنت میکنند.

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که حضور پیغمبر اکرم (ص) عرض کردند از بنی اسرائیل مردی بود که هزار ماه اسلحه بکمر خود بسته و در راه خدا جهاد میکرد.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود ایکاش در میان امت من هم چنین مردی وجود داشت ولی خداوند عمر های امت مرا کوتاه و کمترین عمر های امتها قرارداده جبرئیل نازل شد و سوره قدر را آورده پروردگار فرمود ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه که شخص بنی اسرائیلی در راه ما جهاد نمود.

و فرمود یکی از بزرگی و منزلت شب قدر آنست که ما قرآن را در آن شب نازل کردیم ، و ما در بخش اول تفسیر بیان نمودیم که پروردگار تمام قرآن را یکدفعه در شب قدر بآسمان دنیا و قلب مبارك پیغمبر اکرم (ص) نازل فرمود سپس در مدت بیست و سه سال بتدریج از باطن و آسمان دنیا بتوسط جبرئیل و بمناسبت بروز حوادث بمرحله ظاهر نازل فرمود اما شب قدر نامیده شد چه در آن شب جمیع مقدرات بشر تا سال آینده معین میشود از قبیل اجلها و ارزاق و موت و حیات و غنا و ثروت و فقر و احتیاج و خیر و شر و هر امری که باید تحقق پیدا کند .

و دیگر قدرش میگویند برای منزلت و شرف آن و تنگ شدن زمین در اثر فرود آمدن فرشتگان بسیاری بزمین و بعضی از عامه گمان کردند که شب قدر اختصاص دارد بعصر پیغمبر اکرم (ص) وگمان آنها باطل است ، طبرسی از ابوذر غفاری روایت کرده که از رسول خدا سؤال نمودم شب قدر اختصاص دارد بزمان پیغمبران یا بعد از ایشان هم شب قدر میباشد فرمود شب قدر تا قیامت هست و وجود دارد عرض کردم چه وقت است فرمود در ماه رمضان است .

و در حدیث دیگر فرمود طلب کنید شب قدر را در عشر آخر ماه رمضان و احادیث بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که شب قدر از این سه شب بیرون نیست: نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم.

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مردی از طایفهٔ جهنیه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد عرض کرد ای رسول خدا منزل من تا مدینه دور

است تقاضا دارم راهنمائی فرمائید مرا بشب قدر تا در آنشب مدینه آیم و مشغول عبادت شوم در حضور شما پیغمبر اکرم بیست و سوم ماه رمضان را برای او تعیین فرمود و از این‌جهت آنشب معروف شد بشب جهنیه . کیفیت . احکام شب قدر در کتب ادعیه بیان شده است

در کافی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام مکرر باصحاب خود میفرمود هیچ وقت اولی و دومی حضور پیغمبر نرسیدندمگر آنکه آنحضرت با گریه و خشوع سورهٔ قدر را برای آنها قرائت میفرمود عاقبت روزی ایشان گفتند ای رسول خدا جهت‌چیست این قدر سوره قدر را برای‌ما قرائت میفرمائید فرمود بخاطر کسیکه مشاهده میکنم او را بچشم و حفظ کردم و جای دادم او را در قلب خود و اشاره فرمود بمن .

و دیگر فرمود برای چیزیکه علی علیه‌السلام آن را بعد از من مشاهده‌مینماید سؤال نمودند ای رسول خدا شما و علی چه چیز مشاهده مینمائید پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آیهٔ تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر را باانگشت مبارک روی زمین نوشت سپس فرمود بآنها آیا بعداز قول خداوند که میفرماید من کل امر چیزی باقی میماند که نازل نکند عرض کردند خیر ای رسول خدا فرمود آیا میدانید بچه شخصی نازل میکنند در شب قدر هر چیزی را گفتند بر شما نازل میکنند ایرسول گرامی فرمود آیابعد از من شب قدر وجود دارد عرض کردند بلی فرمود فرشتگان بعد ازمن درشب قدر برچه شخصی نازل میشوند وامورات هرچیز را فرود میآورند گفتند نمیدانیم در آنوقت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله سر مرا در بغل گرفت وفرمود بدانید براین‌علی فرشتگان‌وروح نازل میکنندهر چیز را بعدازمن درشب قدر وچون شب قدر فرا میرسید بعد از پیغمبر اکرم (ص) چنان خوف و ترسی بر آنها غالب میشد که تصورآن نمیتوان کرد بخاطر آنکه مبادا امر و دستوری از پروردگار برای کیفر ونابودی ایشان برسد وآنها بخوبی شب قدررا میشناختند

وازحضرت باقرعلیه‌السلام روایت کرده که بشیعیان‌میفرمود شمابامخالفین بوسیله سوره قدر حجت آورید تا غالب ورستگار شوید سوگند بخدا سور قدر حجت‌خدا

است ازبرای خلایق بعد ازپیغمبراکرم وآن سوره بزرگ دین شما شیعیان ونهایت علم ماائمه است حجت بیاوریدبرای مخالفین بحم والکتاب المبین اناانزلناه فی لیلة مبارکةانا کنامنذرین. ومنذرین بعد ازپیغمبراکرم (ص) صاحبان امر بتنهائی هستند ایطایفه شیعه خداوند درقرآن کریم میفرماید وان من امة الاخلافیها نذیر شخصی حضورش عرض کرد ایفرزند رسول‌خدا نذیر این امت پیغمبراکرم (ص) بودفرمود بلی راست میگوئی آیازمانیکه پیغمبری مبعوث نشود روی زمین و در اقطار عالم نذیری هست یاخیر سائل عرض کرد نذیری نیست آنحضرت فرمود آیا از برای خداوند نذیر نیست چنانکه رسول خداکه فرستاده او بود نذیرهم بود سائل گفت بلی برای خداوندنذیر میباشد فرمود پس بدان پیغمبراکرم (ص) نرفت ازدنیامگر آنکه نذیری ازبرای اوبود واگر بگوئی نذیری نبود لازمه این سخن آنست که پیغمبراکرم (ص) ضایع و باطل و عاطل گذاشته کسانی راکه دراصلاب مردان امت اوبودند وبعد ازآنحضرت بدنیاآمدند سائل عرض کرد مگر قرآن کافی نیست از برای مردم فرمود بلی کافی است درصورتیکه بیابند مفسری برای آن عرض کرد مگرپیغمبراکرم (ص) تفسیرنفرموده آنرا فرمود تفسیر فرموده پیغمبراکرم (ص) قرآن را برای یکنفر وبیان نموده قدر ومنزلت وشأن اورا برای امت وآن شخص علی بن ابیطالب عليه السلام است. سائل عرض کرد. پس این امر اختصاص دارد بزمان امیرالمؤمنین عليه السلام وعمومیت ندارد برای ازمنه بعد فرمود خداوند امتناع دارد از آنکه اورا پرستش کنند و نبوده باشد درهرعصر و زمانی کسی که اورا بشناساند بمردم واین امرنذیری وامامت امری بود که اظهار نفرمود آن را پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله مگر دروقت واوان خود. خداوند امور راموقوف بوقت معین قرارداده‌است چنانکه رسول‌اکرم (ص) رسالت خودرا از خدیجه عیال خود هم پنهان میداشت تا آنکه خداوند امر ودستورداد آشکارا رسالت ونبوت خودرا اعلام نماید. سائل گفت پس صاحب دین باید امرخودرا پنهان بدارد فرمود مگر امیرالمؤمنین عليه السلام امر خودرا پنهان نداشت ازآن زمان که به پیغمبرایمان‌آورد تاوقتیکه امرشد باواظهار بدارد سائل عرض کرد بلی‌چنین است آنحضرت‌فرمود:

ما ائمه هریك امرخودرا پنهان میداریم تا وقتیکه مأمور شویم براظهار آن

وبسندديگر ازآنحضرت روایت کرده:

فرمود ابتداء خلقت چون خداوند دنیارا آفرید خلق نمود شب قدررا وپیغمبر واوصیاء اورا ودرقضاء الهی گذشته بود که باید درهرسال یکشب ازجانب خداوند تفسیر وامور آن سال تا سال دیگر فرود آید بر پیغمبر ویاوصی او وهرکس آن شب را انکارنماید علم خدارا رد و انکارنموده و قیام نمیکنند پیغمبران و اوصیاء آنها ومحدثین مگرآنکه برای ایشان ازطرف پروردگار حجتی باشد ودرشب‌قدر آن را جبرئیل و فرشته روح بیاورند شخصی‌عرض کر آیا بر اوصیاء و محدثین جبرئیل وفرشتگان نیز نازل میشوند فرمود شکی‌نیست که خداوند از ابتداء دنیا تاانتهای آن در روی زمین حجتی برای خود قرارداده و معین فرموده روح وسایر فرشتگان‌با اوامرپروردگاردرشب‌قدربر آن حجت نازل‌می‌شوند . سوگندبخدا آدم ازدنیانرفت مگراز برای او وصی بود وهمچنین پیغمبران بعدازآدم وبرتمام‌اوصیاء درشب قدر امرخداوند را فرشتگان و روح نازل مینمودند و خداوند آیه ذیل را اختصاص داده باوصیاء وصاحبان امربعد ازمحمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و درباره آنهافرموده:

«وعدالله‌الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في‌الارض كما استخلف الذين من‌قبلهم تاآخر آیه ۵۵ سوره نور فاولئك هم‌الفاسقون»

خدا بکسانیکه از شما بندگان ایمان آورده و نیکوکار گردد وعده فرموده درزمین خلافت دهد چنانکه‌امم‌صالح پیغمبران گذشته جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را که دین اسلام است بر همهٔ ادیان‌تمکین و تسلط عطا کند و بهمهٔ مؤمنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل بخشد تا مرا به یگانگی بدون شائبه شرك و ریا پرستش کنند و بعد از آن هرکه کافر شود بحقیقت‌همان فاسقان تبه‌کارند آنحضرت فرمود ما ائمه همان خلیفه‌های خدا میباشیم که توانائی داده ما را بعلم و دانش ای‌مردم سؤال نمائید از ما اگر تصدیق کردیم شما را پس ثابت و برقرار باشید و ازجانب‌خود کاری‌انجام‌ندهیدو

برأی و عقیده خود عمل ننمائید همانا امر ائمه بسیار ظاهر و آشکار است سوگند بخدا حکم‌نموده پروردگار که نبوده‌باشد اختلافی بین مؤمنین وازاینجهت امامان را شاهد و گواه برمردم قرارداده است و شیعیان ما باید گواه باشند بر مردم و خداوند منع فرموده از اختلاف در حکم یا آنکه بین اهل دانش تناقضی بوده‌باشد پس از آن حضرت باقر عليه‌السلام فرمود فضل و برتری ایمان مؤمن بجملهٔ انا انزلناه و تفسیر آن نسبت بکسیکه چنین ایمانی ندارد مانند فضل و برتری انسان است بر بهائم و خدای عزّ و جل دفع میکند بمؤمنین که بسورهٔقدر ایمان دارندعذاب را از منکرین آن در دنیا و بحد کمال میرساند عذاب را برای کسانیکه میداند که‌توبه‌نمیکنند ازانکار نمودن‌سوره قدر(مقصود از شیعیان کسانی‌هستند که اعتقاد دارندبامامت‌دوازده‌امام‌زیرابوجود‌آن‌شخصیت‌های‌مقدس‌شب‌قدرباقی‌وبرقرار است‌و در هرسال در شب قدر او امر پروردگار و مقدرات بشر بر آن بزرگواران نازل میشود.

و در مقدمات بیان نمودیم که ببرکت آنها از مخالفین وعامه در دنیاعذاب برداشته شده است

حضرت باقر عليه‌السلام فرمود در این زمان از برای مؤمنین جهادی بجز حج وعمره و ولایت‌ائمه نمی‌بینم شخصی‌عرض کرد حضورش ایفرزند رسول‌خدامسئله‌ای دارم برمن غضب نکنید از جهت‌پرسش آن فرمود سؤال کن‌عرض کرد آیاامورى‌را که درشب قدر فرشتگان وروح برشما ائمه نازل میکنند

پیغمبراکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله آنها را میدانست و من یقین دارم که رسول خدا ازدنیا درنگذشت مگر آنکه تمام علومیکه دارا بود بامیرالمؤمنین تعلیم نمود و آن حضرت تمام آنها را حفظ‌نمود. آنحضرت در پاسخ سؤال آنمرد فرمود چه تورا داخل این خانه نمود گفت قضا و قدر الهی مرا بحضور شما رسانید تامسائل دین خودرا ازشما سؤال کنم و ازروی فهم عمل نمایم فرمودپس‌بدان‌وحفظ کن‌آنچه‌را میگویم: شبیکه‌پیغمبراکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله رابمعراج بردند ازآنجا نزول‌اجلال ننمود مگر

آنکه خداوند تمام علوم گذشته و آینده وحوادث را باوتعلیم نمود و تفسیربسیاری ازآنها درشب قدرنازل میشود وتمام آن علوم راکه پیغمبردرشب معراج فراگرفت از پروردگار بامیرالمؤمنین علیه‌السلام تعلیم فرمود و درشب قدر تفسیرآنها برآنحضرت نازل میشد وما ائمه عموماً همین طورهستیم آن شخص عرض کرد مگر تفسیر آن علوم را پروردگار نفرموده فرمود بلی ولکن باید تفسیرآنها آنچه مربوط بآنسال است ازجانب پروردگار درشبهای قدرنسبت بهمان سال بر پیغمبر و اوصیاء بعد از آنحضرت نازل‌شود ودستوربگیرند ازخداوند که‌این سال‌برای اموریکه میدانستند چگونه رفتار وعمل نمایند

آن شخص عرض کرد ایفرزند رسول خدا تقاضا دارم واضح وروشن‌تر بیان بفرمائید تابفهمم فرمود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از دنیا نرفت مگر آنکه حافظ تمام علوم وتفسیرآنها بود سائل گفت پس چه چیز درشب قدر نازل میشود و چه دانشی افزوده میگردد درشب قدر برای پیغمبر واوصیاء اوفرمودامر بانجام دادن یاندادن بعضی از چیزها درشب قدر نازل میشود و این علم را سابق پیغمبر وامام نمیدانست آن مرد گفت پس چه حادث می‌شود و زیاد می گردد درشب قدرازعلم و دانش غیر آنچه‌رامیدانستند پیش ازشب قدرآنحضرت فرمود دیگر بیش از این مأمور نیستم بکشف اسرار ومصلحت اموروحکمت این کتمان رانمیداند جزخداوند بازآن مرد زبان درازی کرد و گفت آیاعلومشان زیادتر است ازعلم‌پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ازجهت گذشتن شبهای بسیاری ازشبهای قدر فرمود خیر عرض کرد پس چگونه میداند وصی وامام علومی‌راغیرازآنچیزی که‌پیغمبرباوتعلیم‌نموده ووصیت کرده آیاممکن است بگوئیم یکی ازاوصیاء میداند علومی‌راکه اوصیاء دیگرنمیدانندآنهارافرمود هیچ پیغمبری ازدنیا نمیرود مگرآنکه تمام علوم اودرسینه وصیش می‌باشد ودرشب قدر روح وفرشتگان نازل‌می کنند حکم هرچیزراکه باید پیغمبر ویاامام درمیان بندگان حکم بفرمایند آن مرد گفت امام و پیغمبر پیش از شب قدر نمیدانستند حکم آن چیزرا فرمود میدانستند حکم آن را ولکن مأموریت نداشتند برامضاء آن حکم وعدم امضاءآن تاامرشود بآنها درشب قدر که چگونه باید دراین سال

حکم کنند ورفتارنمایند آنمرد گفت ایفرزند رسول خدا من قدرت وتوانائی‌ندارم که شب قدررا انکار کنم واقرار واعتراف دارم‌بتمام فرموده های شما حضرت‌باقر عليه‌السلام فرمود هر کس شب قدررا انکار کند از مانیست مجدداً آنمرد سؤال نمود آیا زیاد میشد درشب قدرعلم ودانش پیغمبرا کرم صلى‌الله‌عليه‌وآله و میداند چیزهائی را که پیش از شب قدر نمیدانست فرمود آنحضرت درپاسخ آنمرد اینگونه سؤال برای شماجایز نیست.مگر نگفتم‌پیغمبرا کرم صلى‌الله‌عليه‌وآله تمام‌علوم گذشته‌وآینده‌را میدانست واز دنیا نرفت مگر آنکه جمیع آنهارابوصی خود یاد داد واوصیاء بعدازپیغمبردارای تمام علوم میباشند و سؤالی که نمودی خداوند نهی فرمود پیغمبران و اوصیاء آنهارا ازآنکه آگاه گردانند کسی را از بندگان

آنمرد گفت چگونه بشناسیم شب قدر را درهرسال فرمود ماه رمضان که داخل شد در هرشب یکصد مرتبه سوره حم دخان را قرائت کن چون شب بیست‌و سوم فرارسید مشاهده خواهی نمودآنچه را که سؤال نمودی وتصدیق خواهی کرد ومی‌بینی که جنود شیاطین وارد می‌شوند براهل ضلالت و ارواح آنها و خبرهای دروغ بآنها میگویند و چون چنین شود ایشان میگویند در خواب چنین و چنان دیده‌ایم وهر کس اعتقاد وایمان بشب قدرداشته باشد میداند که آنشب اختصاص دارد بما ائمه چه پیغمبرهنگام وفات فرمود ایمردم علی عليه‌السلام بعد ازمن ولی وامام شماست اگر ازاو اطاعت و پیروی نمائید هدایت و رستگار خواهید شد وهر کس ایمان ندارد بعلی بشب قدرمعتقد نیست و کسیکه اعتقاد دارد بشب قدر بجزآنچه ما میگوئیم اودروغ گو و کاذب است چه ذات مقدس پروردگارپاك ومنزه ازآنست که اوامرخود رابا روح و فرشتگان بسوی کافر و فاسق و تبه‌کاری نازل نماید وچنین اشخاصی درگمراهی وضلالت حیران وسر گردانند

وفرمود ازعلامت شب قدر آنستکه بوی خوشی میوزد و اگر زمستان است قدری از شبهای دیگر ملایم‌تر و چنانچه در تابستان است اندکی سرد و پاکیزه تر است.

در کافی ازابی‌یحیی صنعانی‌روایت کرده حضرت صادق عليه‌السلام میفرمودروزی جدم امیرالمؤمنین عليه‌السلام قرائت‌نمود سوره اناانزلناه راوحسنین حضورآن‌بزرگوار نشسته بودندحضرت‌امام‌حسین روکرد بپدر خود گفت‌یاامیرالمؤمنین عليه‌السلام می‌بینم هروقت تلاوت می‌نمائید این سوره را حظی و لذتی از قرائت آن می‌برید فرمود چنین است ایفرزند آن سوره چون برجدت خاتم پیغمبران نازل شد برمن قرائت نمود ودست مبارکش را بر کتف من گذاشت و فرمود ایعلی و ایوصی من برامت وای جهاد کننده بادشمنان من تاروز قیامت ، این سوره مخصوص تو میباشد بعد از وفات من واختصاص بفرزندان تو دارد بعد ازتو برادرم جبرئیل مقدرات وحوادث وپیش‌آمد های امت را درهرسال فرود آورد ونازل کند برتو و فرزندانت درشب قدر چنانکه برمن نازل می کند وخداوند درآن شب نورساطع‌درقلب تو وفرزندان اوصیائت وارد کند تاطلوع فجر

وشیخ طوسی ازحضرت باقر عليه‌السلام روایت کرده خانه امیرالمؤمنین عليه‌السلام و حضرت‌فاطمه عليهاالسلام ، حجره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سقف آن عرش پرورده گار بود وزمین آنخانه منفذی داشت که کشیده شده بعرش پروردگار و محل نزول‌وحی وفرودآمدن‌فرشتگان بود هرصبح وشام‌وهرساعت ازشبانه روز وآن خانه مملو بود از فرشتگان فوجی صعود مینمودند و فوج دیگر فرود می‌آمدند وهیچوقت فارغ نبود ازتردد ورفت وآمد فرشتگان خدایتعالی حجاب را برداشت ازآسمانها برای حضرت ابراهیم تا مشاهده نمود عرش پروردگاررا وزیاد نمود قوای دیدگان‌اورا تاعرش رادید وپروردگارچنان زیادکرده قوای دیدگان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی و فاطمه وحسن وحسین علیهم‌السلام را بطوریکه نمی‌یافتند سقفی برای خانه خود جزعرش پروردگار پس خانه‌آنهامسقف بود بعرش رحمن وفرشتگان نازل‌می‌شدندبرایشان باذن پروردگار و فرود می‌آوردند بر آنها هرامر وسلامی‌را شخصی سؤال نمود آیا باهرامری سلام هم‌بود فرمود بلی. گفت آنشخص این بیانات تنزیل آیه است فرمود بلی -

درصحیح ترمذی روایت کرده پس از آنکه مجبور شد حضرت امام حسن

با معویه صلح کند شخصی ازجا بلند شد و با کمال جسارت بآنحضرت گفت مؤمنین را روسیاه کردی ای حسن بن علی آن حضرت درپاسخ آنمرد فرموداذیت نکن مأمور بودم براین امر جدم پیغمبر اکرم (ص) در خواب دید بنی‌امیه بر منبرش بالارفتند محزون شد جبرئیل فرود آمد وسوره اناانزلناه راآورد پروردگار فرمود ای محمد (ص) محزون مباش شب قدربهتر است برای تو ازهزارماه که بنی امیه سلطنت می کنند ترمذی که یکی از علماء مخالفین است میگوید راوی گفت ماشماره کردیم سلطنت بنی‌امیه را بدون روزی کم وزیاد هزارماه بود.

حضرت باقر (ع) فرمود فرشتگان و روح القدس درهر عصری برامام زمان درشب قدرنازل‌میشوند وحضور آنحضرت تقدیم میدارند آنچه نوشته شده و مقدر گردیده درلوح محفوظ و درود میفرستند و تحیات میآورند برامام زمان تا طلوع فجر مردی عرض کرد ایفرزند رسول خدا شمامی‌شناسید شب قدررا فرمود چگونه مانمی‌شناسیم آن شب را وحال آنکه درآنشب فرشتگان از آسمان فرود می‌آیند و بدور ما طواف میکنند و تحیت برما میفرستند و مقدرات تمام خلایق را بما تسلیم میدارند.

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود در شب معراج پیغمبر نماز بجا آورد چون فارغ شد ازقرائت سوره الحمد در رکعت اول خطاب شد باو قرائت کن ای محمد نسبت پروردگارت را یعنی سوره قل‌هوالله احد راودرر کعت دوم خطاب شد بآنحضرت تلاوت کن سوره اناانزلناه را چه آن سوره نسبت خود واهل بیتت میباشد تاروز قیامت.

وازابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم(ص) فرمود درشب قدرفرشتگان سدرة المنتهی وجبرئیل بزمین فرود میآیند باآنها پرچمهائی‌است یکی از پرچمها رابروی قبرمن نصب میکنند ویکی دیگررا درمسجد الحرام وبیت‌المقدس و طور سینانصب خواهند نمود و نمیگذارند از کنارهیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه‌ای مگر آنکه برایشان سلام میکنند جز کسانیکه شراب خورده اند ویا گوشت خنزیر وآنشب شب‌بسیار مبارکی است مقدرات وسرنوشت تمام بشردرآنشب نازل میشود برامام زمان (ع) وشب قدر تاروزقیامت باقی خواهد بود. پایان سوره قدر

سورهٔ بینه

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (١) رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً (٢) فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ (٣) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ (٤) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَوٰةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ (٥)

سوره بینه درمدینه نازلشده وهشت آیه ونود وچهار کلمه وسیصدونودو نه حرف است خواص وثواب تلاوت آن : ابن بابویه ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره بینه راقرائت کنداز کسانی است که بیزاری جسته ازمشرکین وداخل گردیده دردین محمد صلی الله علیه و آله و باایمان محشور خواهد شد و حساب او آسان شود و درخواص قرآن از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را تلاوت کند درقیامت رفیق بهترین مردمان خواهد بود واگر آن را برظرف جدیدی بنویسند و نظر کند در آن صاحب لقوه دیدگان او شفا یابد و اگر برنان بنویسند و آن را بدزه بخورانند در همان ساعت مفتضح گردد و چنانچه آن را برانگشتری بخوانند باسم دزدی انگشتر بحرکت آید واگربنویسند و شخص یرقانی همراه خود بداردشفایابد واگراین سوره رابنویسندوبآب محو کنند و کسیکه مبتلا بمرض برص است یاچشم اوسفیدی بهم رسیده ازآن آب بیاشامد برطرف گردد وچنانچه بنویسند این سوره رابهورمی که بندند باذن خدا برطرف گردد

سوره بینه مشتمل است برآنکه حجت وبرهان پیش از قرآن هم برکفار و مشرکین تمام بود بااینوصف آنها از کفر و عصیان جدا نبودند

قوله تعالی (لم یکن الذین کفروامن اهل الکتاب والمشرکین منفکین حتی

ترجمه سوره بینه

بنام خداوند بخشنده مهربان

آنانکه کافرشدند ازاهل کتاب ومشرکین از کفروعصیان جدانبودندتاآنکه برهان روشن برآنها آمد (۱) ازجانب خدا رسولی فرستاده شد تا کتابهای پاك ومنزه رابرآنها تلاوت کند (۲) ودرآن کتابها نامهای حقیقت وراستی مسطورونوشته شده است (۳) واهل کتاب در حق این رسول راه تفرقه و خلاف نه‌پیمودند مگر پس ازآمدن حجت روشن برآنها (٤) وامرنشدند مگرآنکه خدارا ازروی اخلاص وبی‌ریا پرستش کنند وازبرای اوا‌ست دین اسلام ونمازبپا دارند وزکوة بدهند این است دین درست وراه راست وسعادت (٥)

تاتیهم البینه رسول من‌الله یتلو صحفا مطهرة فیها کتب قیمة و ماتفرق الذین اوتوا الکتاب‌الامن بعد ماجائهم البینه) کافران اهل کتاب ومشرکین از کفر و عصیان جدا نبودند تاآنکه برهان و حجت حق برآنها آمد و رسولی از جانب خدا چون محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاده شد تا کتابهای پاك ومنزه آسمانی رابرآنها قرائت کند ودرآن کتابها نامهای حقیقت و راستی مسطور و نوشته شده است و اهل کتاب پراکنده نشدند درحق این رسول ونبوت او وراه تفرقه وخلاف نه‌پیمودند مگرپس ازآنکه حجت وبیان کامل برحقانیت وصحت نبوت رسول برآنها درکتابهای ایشان آمد وآنها برانکار آن رسول لجاجت نمودند درمحاسن ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراد ازکافرین کسانی هستند که شیعیان را تکذیب نمودند زیرا کتاب آیات خدا است واهل آن شیعیان باشند و مشرکین منفکین مرجیه هستند وبینه واضح شدن حق‌است برای آنها ورسول‌ازجانب خدا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است ومعنی یتلو صحفا مطهره یعنی پیغمبر راهنمائی‌میکند مردم‌رابسوی‌اولی‌الامر وائمه‌معصومین بعدازخود وآیه: وماتفرق الذین اوتوالکتاب، دلیل است بربطلان قول جبری مسلکان که میگویند کفارراخداوند دراصل کافرآفریده،چه‌خدایتعالی میفرماید پس ازآنکه حجت برایشان تمام شد کافر شدند (ومالمروا الالیعبدواالله

إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَابِ وَٱلْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ ٱلْبَرِيَّةِ (٦) إِنَّ ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ (٧) جَزَآؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَداً رَضِيَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (٨)

مخلصين له الدين حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة) ودر كتابهاى آسمانى امر نشدند مگر بآنكه بااخلاص كامل وبدون ريا پرستش كنند خدا را واز دين غيرحق روى بگردانند و نماز بپادارند و زكوة بدهند و دين راست و درست وراه سعادت همين است

(ان الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين فى نار جهنم خالدين فيها اولئك هم شر البرية) كسانيكه ازاهل كتاب كافرشدند و مشركين همه در آتش دوزخ باشند وآنجا هميشه معذبند و ايشان بدترين خلايق هستند.

حضرت باقر عليه‌السلام فرمود پروردگار قرآن را نازل نمود بر اهل كتاب ومشركين وآنها كافر و مرتد شدند و معصيت ونافرمانى كردند با اميرالمؤمنين عليه‌السلام را و در اثر نافرمانى اينان بدترين خلق خداهستند (ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات اولئك هم خير البرية جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضى الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشى ربه) آنانكه بخدا ايمان آورده وعمل نيكو بجا مياوردند بحقيقت بهترين خلق خدايند و پاداش آنها نزد خدا بهشت عدن است كه نهرها زيردرختانش جاريست و در آنجا هميشه متنعمند خدا ازآنها خشنود وآنها نيز ازخداراضى هستند واين بهشت مخصوص كسانى است كه ازخدابترسند وبطاعت او مشغول باشند.

دراماليى ازجابر انصارى روايت كرده كه حضور پيغمبر بودم اميرالمؤمنين

آنانکه از اهل کتاب کافر شدند و مشرکین همیشه در آتش دوزخ معذبند و آنها بدترین مردم اند (٦) وکسانیکه ایمان آورده و نیکوکار شدند بهترین آفریدگانند (۷) پاداش آنها نزد خداوند بهشت های جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاریست وهمیشه در آنجا بمانند وخدا ازآنها خشنود و آنها نیز از خدا راضی‌هستند واین پاداش مخصوص کسی است که از خدابترسد (۸)

پایان ترجمه سوره بینه

علیه‌السلام وارد شد پیغمبر فرمود برادرم علی‌آمد آنگاه توجهی بخانه کعبه نمود و بدست مبارك اشاره کرد وفرمود بآنخدائیکه جانم دردست قدرت اواست روز قیامت علی‌وشیعیان‌اورستگاران‌عالمند وفرمود علی‌ازحیث ایمان اول‌شمااست‌واوباوفاترین اشخاص است بعهد خداوعادل‌ترین شمااست برعیت‌وقسمت میکند میان شما بعدل ومساوات و بزرکترین خلایق است نزد پروردگار و هروقت علی را پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله میدید میفرمود خیرالبریة آمد وچون‌آیه فوق نازل‌شد توجهی‌بامیرالمؤمنین علیه‌السلام نمود و فرمود بخداقسم مراد از آیه تو هستی ایعلی و شیعیانت وعده‌گاه تو وآنها فردای قیامت کنار حوض کوثر است تو پیشوای آنان باشی و آنها عموماً توجهشان بسوی تو میباشد.

درمحاسن ازحضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراد الذین آمنواشیعیان مااهل‌بیت میباشد و مقصود ازآیه وان‌الذین کفروا دشمنان ما خاندان نبوت است و فرمود اخلاص ایمان بخدا و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است و مراد ازنماز در این آیه امیرالمؤمنین علیه‌السلام ودین قیمة حضرت فاطمه علیهاالسلام است و خداوند راضی است از مؤمنین دردنیا وآخرت ومؤمنین اگرچه راضی هستند دردنیا ازخدا ولی دردل‌آنها چیزهائی است ازمصائب دنیا ولی چون مشاهده کردند روزقیامت و ثواب و پاداش خداوند راکه بآنها عطافرموده بطور دلخواه ازخداوند راضی وخشنود شوندورضا وخشنودی برای کسانی‌است که اطاعت پروردگاررا نموده‌اند.

ابوبکر شیرازی که یکی ازمخالفین است در کتاب نزول آیات قرآنی در

شأن امیرالمؤمنین علیه السلام از انس‌بن مالك روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده آیه فوق درشأن علی نازل شده و علی اول کسی است که ایمان بمن آورده وعمل نیکو ازقبیل نماز و روزه وزکوة وساير واجبات بجاآورده وعلی خیرالبریة وافضل مخلوقات است واین حدیث راجمعی ازمخالفین مانند خطیب خوارزمی وموفق‌بن احمد واعمش ودیگران ازابن عباس روایت کرده‌اند.

محمدبن عباس ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام وفات بدخترش فاطمه علیها السلام فرمود علی علیه السلام را بمن برسان چون آنحضرت وارد شد پیغمبر باو فرمود ایعلی نزدیك من بیا چون نزدیك رفت رسول خدا باوفرمود تو خیرالبریة هستی وخداوندآیه ان‌الذین آمنوارادرشأن تو وشیعیانت نازل فرموده وآیه ان‌الذین کفروا را درحق دشمنان تو وپیروان آنها فروفرستاده. روزقیامت وارد محشر می‌شوند درحالتیکه صورتهایشان سیاه ولب تشنه ومحزونند آنهااشقیاء و منافقین امت ودشمنان تو وشیعیانت هستند وبدترین خلق عالمند واحادیث دراین باب ازخاصه وعامه بسیاراست وهمه متفقند که امیرالمؤمنین علیه السلام خیرالبریة است

پایان سوره بینه

سورۀ زلزله

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

إِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها (۱) وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقالَها (۲) وَ قالَ الْإِنْسانُ ما لَها (۳) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبارَها (۴) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحى لَها (۵) يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتاتاً لِيُرَوْا أَعْمالَهُمْ (۶) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

سوره زلزله در مدینه نازلشده وهشت آیه وسی‌وپنج کلمه و صد وشصت و نه حرف است

خواص وثواب تلاوت آن: در کافی ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره زلزله را تلاوت کنددرنمازهای واجب و یامستحب هر گز بزلزله و صاعقه و آفاتی از آفات دنیا نمیرد وهنگام وفات اوفرشتگانی ازجانب خداوندبیایند وبعزرائیل سفارش کنند که درحق او مهربانی کند عزرائیل در پاسخ آنها گوید پرورده گار بمن امرفرموده ازشما اطاعت کنم. ووقتی روح اوراقبض نمودپرده‌ای بالا رود وجایگاه خودرا دربهشت مشاهده نماید وهفتاد هزار فرشته مشایعت کنند روح اورا وبشارت دهند به بهشت.

ودر خواص قرآن ازپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند مانند کسی است که ربع قرآن را تلاوت نموده واگر آن را برنان بنویسند وبدزد بخورانند آندزد مبتلا شود بدرد دل ومفتضح گردد و هر کس آن را بنویسد وقرائت کند وهمراه خود داشته باشد و وارد شود بر کسیکه از او میترسد نجات یابد واگر برطشت جدید که هنوز استعمال‌نشده بنویسد و مبتلا بمرض لقوه درآن نظر کند درد اوساکن وپس ازسه روز باذن خدا شفا یابد

سوره زلزله مشتمل است برذکرقیامت وبیان احوال آن

ترجمه سوره زلزال

بنام خداوند بخشنده مهربان

چون زمین بسخت‌ترین زلزله خود جنبانده شود (۱) وبارهای سنگین خود را از دل خاك بیرون افکند (۲) در آنروز انسان گوید چیست خبرهای زمین (۳) درآن هنگام زمین خبرهای خود را ازآنچه مردم روی آن انجام دادند بگوید وآگاه سازد (۵) در آنروز مردم از قبرهاپراکنده بیرون آیند تا کردارشان را به بینند(٦) پس هر کس بقدر ذره‌ای کار نیکی کرده پاداش آنرا خواهد دید (۷) وآنکه بقدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده کیفرآنرا خواهد دید (۸)

پایان ترجمه سوره زلزال

قوله تعالی (اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ تحدث اخبارها) بیاد بیاور ای محمد ﷺ هنگامیکه زمین سخت بجنبد وبلرزه درآید وبارهای گران درون خودرا ازمعادن و گنجها و مرده گان از دل خاك بیرون افکند درآنروزانسان (که وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است) گوید چیست این اضطراب و جنبیدن و خبرهای تو ایزمین؟! زمین آنحضرت را بحوادث واخبار گذشته و آنچه مردم بروی آن انجام داده‌اندخبردهد و آگاه گرداند

ابن بابویه ازحضرت فاطمه علیها السلام روایت کرده فرمود درزمان ابوبکر زلزله شدیدی درمدینه رخ داد بطوریکه عموم مردم ترسیدند و نزد ابوبکر و عمررفتند مشاهده کردند آندونفر از شدت ترس بشتاب حضور امیرالمؤمنین علیه السلام میروند مردم هم به تبعیت آنها حضور آنحضرت رسیدندامیرالمؤمنین علیه السلام ازمنزل خارج‌شدند ابوبکر وعمر و عموم مردم درعقب آن بزرگوار رفتند تارسیدند بباروی شهر آنحضرت بروی زمین نشست‌مردم هم‌اطراف‌او نشستند دیوارهای مدینه مانند گهواره حرکت میکرد اهل مدینه ازشدت ترس صداهای خودرا بگریه وزاری بلند کرده وفریاد میزدند یا علی بفریاد ما برس هرگزچنین زمین لرزه ای ندیدیم، لبهای آنحضرت بحرکت آمد وبادست مبارك بزمین زد وفرمود ایزمین آرام و قراربگیر

زمین باذن خدا ساکت شد و قرار گرفت مردم ازاطاعت وفرمان‌برداری زمین از امیرالمؤمنین علیه‌السلام تعجب کردند، فرمود شما تعجب کردید که زمین اطاعت امرمن نمود وقتی باو گفتم قراربگیر؟ عرض کردند بلی یا امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود من همان انسانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید: وقال‌الانسان‌مالها ـ من بزمین میگویم بیان کن برای من حوادث واخبار یکه برروی تو واقع شده وانجام گرفته است وبمن بگو عملهائیکه مردم در روی توبجاآورده‌اند پس از آن فرمود اگر این همان زمین لرزه هائی بود که خداوند درسوره‌زلزله میفرماید خبرمیداد زمین بمن اخبار خودرا ولی آن نیست.

در مجمع از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود ایمردم آیا میدانید خبرهای زمین چیست که برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان میکند عرض کردند خدا ورسولش داناتراست وبهترمیدانند فرمود گواهی میدهد برمرد وزن بآنچه بر پشت آن عمل کردند.ومیگوید این شخص کار نیکوبجاآورده وآندیگری مرتکب عمل زشت شده اینست خبرهای زمین، و پروردگار بزمین الهام میکند که اخبار وحوادث خودرا بامیرالمؤمنین علیه‌السلام بگوید وآنحضرت را آگاه سازد

(یومئذ یصدرالناس اشتاتا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شرا یره) در آنروز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند طایفه‌ای مؤمن وبعضی منافق وجمعی کافر تاپاداش و کیفر اعمال خودرا درحساب حق به‌بینندودرآن روزهر کس بقدر ذره‌ای کارنیك کرده پاداش آنرا خواهد دید وهر کس بقدرذره‌ای کار زشتی‌انجام داده بکیفر آن خواهد رسید.

این آیه‌رد میکند عقاید جبری مسلکان راکه میگویندبنده ازخود اختیاری ندارد وعمل ازخوداو نمی‌باشد. علی‌بن ابراهیم ذیل آیه فوق ازحضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود اگرشخصی ازاهل جهنم باشد چنانچه دردنیا بقدر ذره‌ای عمل نیك بجاآورده خداوند آن عمل را باونشان میدهد و میفرماید ابن عمل را برای غیرمن بجاآورده ای وبمن ربطی ندارد پاداش آنرا ازغیرمن بطلب و اگر از اهل بهشت باشد وذره‌ای عمل زشت بجاآورده آنرا باو نشان‌دهندوخداوند اورا بیامرزد

وازاو درگذرد.

طبرسی از ابی‌عبیده روایت کرده گفت صعصعه عموی فرزدق شاعر حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید آنحضرت آیه فوق را تلاوت مینمود صعصعه شنید گفت برای من از قرآن همین آیه بس است و کفایت میکند اگر آیات دیگری نشنوم عرب دیگری شنید عرض کرد ایرسول خدا آیا حساب ذره را ازما میکشند فرمود بلی آنعرب فریاد زد واسوءتاه و گریه بسیاری کرد پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود این عرب دلش ازایمان باخبراست.

پایان سوره زلزلة

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحاً (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحاً (۲) فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحاً (۳)
فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعاً (٤) فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعاً (٥) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (٦)
وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (٧) وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (٨) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (٩) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (١٠)
إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ (١١)

سوره عادیات درمکه نازلشده ویازده آیه وچهل کلمه وصد وشصت وسه حرف است خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عادیات را قرائت کند ثواب یکختم قرآن دارد واگرمداومت کند بر قرائت آن و مدیون باشد خداوند دین اورا بزودی ادا کند و هرخائفی آن را قرائت کند ایمن باشد و اگر گرسنه و عطشانی بخواند آن را سیر و سیراب گردد

سوره عادیات مشتمل است برداستان جنگ ذات سلاسل و احوال قیامت

قوله تعالی (والعادیات ضبحا فالموریات قدحا فالمغیرات صبحا فاثرن به نقعا فوسطن به جمعا ان الانسان لربه لکنود و انه علی ذلك لشهید و انه لحب الخیر لشدید)

سوگند باسبانی که سواران اسلام درجهاد کفارتاختند تاجائیکه نفسهایشان بشماره افتاد ودرتاختن ازسم ستوران برسنگ آتش افروختند و بردشمن شبیخون زدند تاصبحگاه آنهارا بغارت گرفتند و گرد وغبارازدیار کفار برانگیختند و سپاه دشمن را همه درمیان گرفتند سوگند باین مجاهدان دین که انسان نسبت به

ترجمه سوره عادیات

بسم‌الله الرحمن الرحیم

قسم باسبانی که تاختند تا جائیکه نفسشان بشماره افتاد (۱) و درتاختن از سم ستوران برسنگ آتش افروختند (۲) وبردشمن شبیخون زدند تاصبحگاه آنها را بغارت گرفتند (۳) وگرد وغبار ازدیار کفار برانگیختند (٤) وسپاه دشمن راهمه درمیان گرفتند (۳) سوگند باین جهادکنندگان که انسان نسبت به پروردگارش کفران نعمت وناسپاسی کند (٦) و خود اوبراین ناسپاسی گواهی دهد (۷) و او بر دوستی مال سخت فریفته است (۸) آیانمیداند چون ازقبرها برانگیخته شوند (۹) و آنچه در سینه ها پنهان است پدیدار میشود (۱۰) همانا‌پروردگارشان درآن روز بحال آنهاآگاه است (۱۱)

پایان ترجمه سوره عادیات

پروردگارش کفران نعمت وناسپاسی میکند واوبراین ناسپاسی خود گواهی خواهد داد وبردوستی مال سخت فریفته و بخیل است.

علی‌بن ابراهیم از حضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود سوره عادیات نازلشده درباره اهالی وادی یابس وداستان آنها بدینقرار است: دوازده هزارنفرمرد جنگجو از اهالی یابس اجتماع نموده وباهم سوگند یاد نمودند که تخلف نکنند ازیکدیگر و خوارو ذلیل نکنند یکی ازآنها دیگریراوفرارنکنند تاآنکه پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله وامیرالمؤمنین عليه‌السلام رابقتل برسانند ویاتمام‌آنها کشته‌شوند. جبرئیل نازل‌شدرسول خدارا ازتصمیم و عهد آنها باخبر نمود و دستور داد ابوبکر را با چهار هزارنفر ازمهاجر و انصار بجانب آنها روانه کند پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود ایطایفه مهاجر و انصارالحال جبرئیل برمن نازلشد وخبرداد که اهل وادی یابس اجتماع کرده‌وباهم‌عهدبستند که‌هیچیك‌ازآنها بدیگری مکر وحیله نکند وفرارننماید تاآنکه من وعلی‌را بقتل برسانند و دستور داد بمن ابوبکررا باچهارهزار نفربسوی آنهابفرستم مهیا شوید و حرکت نمائید

باسم خداوند انشاءالله. مسلمانان مجهز شدند برای حرکت، پیغمبر بابوبکر فرمود چون بمکان یابس رسیدید نخست اسلام را بر آنها عرضه بدارید اگر پذیرفتند جنگ نکنید وچنانچه امتناع کردند باایشان جهاد کنید واموالشان رابتصرف در آورید واستحکامات آنهارا خراب کنید ابوبکر بالشگری آراسته با تأنی و آرام بسوی ایشان حرکت نمود چون بآنوادی رسیدند دویست نفر سوار مسلح از اهل وادی جلوی مسلمین را گرفتند سؤال کردند بچه خیال و قصدی باینجا آمده‌اید برئیس وسرکرده خود بگوئید نزد ما بیاید تاباوگفتگو کنیم ابوبکر باجمعی ازمسلمین نزد آنهارفت گفت من فرستاده پیغمبرخدا هستم بمن امر فرموده تاشما را باسلام دعوت کنم تاهمان مزیتیکه برای مسلمانان هست برای شمانیز باشد وچنانچه اسلام قبول نکنید باشماجنگ خواهیم کرد گفتند ای ابوبکر اگر نبود قرابتی میان ما وشما البته خود و اصحابت را بقتل میرسانیدیم بطوریکه یادگار و مثل شود برای کسانیکه بعد ازشما بدنیا میآیند برگرد بااصحابت ورحم کن بخود وایشان ما جز پیغمبر وعلی قصد کشتن دیگری رانداریم، ابوبکر بمسلمانان گفت ایشان چندین برابر شما هستند کمکی دیگر شماندارید خانهایشان خالی است بر گردید تا صورت حال را بعرض پیغمبر برسانیم مسلمین عموما گفتند ای ابوبکر مخالفت فرمان خدا و رسولش مکن آنچه امرشده بتوانجام ده وازخدابترس ویااینقوم جهاد کن وخلاف دستور رسول خدا ننما هر اندازه اصرار کردند ابوبکر قبول نکرد و نپذیرفت و گفت من چیزیرا میدانم که شمانمیدانید وشخص حاضر مشاهده میکند چیزی راکه غایب آن را نمی‌بیند عاقبت از جهاد با آنها منصرف شد و بازگشت. مسلمانان به پیغمبر اکرم ﷺ خبردادند آنچه راکفار بابوبکر گفتند رسول‌خدا فرمود ای ابوبکر مخالفت امرمن کردی سوگند بخدا تومعصیت کاری پس ازآن پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد ازحمد وثنای پروردگار فرمود ابوبکر مخالفت‌امر من نمود و ازسخنان اهالی یابس سینه‌اش بتنگ آمد وترس آنها دردلش جایگرفت واطاعت ازخدا ورسولش نکرد اینك جبرئیل آمد و امر نمود که بجای ابوبکر عمررا بفرستم آنگاه متوجه عمرشد وباوفرموه بروبوادی یابس باتوکل‌بخدامبادا

مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوری عمر باهمان لشکر روانه شد بسوی کفار چون بوادی یابس رسید ومشرف بآنها شد باز دویست نفر سوار مسلح جلوی آنها را گرفتند نزدیك بود روح از تن عمر پرواز کند از شدت ترس بخود میلرزید وفرارا برقراروجهاد اختیار کرد وبازگشت جبرئیل خبربرگشت عمررا به پیغمبر ﷺ رسانید چون عمر بازگشت پیغمبر باو فرمود توهم مانند ابوبکر معصیت خدا ورسولش رابجا آوردی فرشتگان عرش ازنافرمانی تو باخبرشدند چرا خلاف امر مرا نمودی و عمل برأی خودت کردی قبیح باد رأی‌تو. بعد از آن فرمود جبرئیل دستور داد علی علیه‌السلام را بفرستم امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خواست باو فرمود خداوند خواسته این فتح و فیروزی نصیب تو شود بزودی بخواست خدا فتح میکنی وبازمیگردی آنگاه باابوبکر وعمرفرمود شماهم جزء لشکریان‌اسلام بروید مبادا در هیچ موردی باعلی مخالفت نمائید قشون اسلام بسوی وادی یابس حرکت کردند

امیرالمؤمنین آنهارا از راهی غیرراه ابوبکر وعمر سیرداد چنان بسرعت و شتاب سیرداد که مسلمانان خسته شدند و از تلف شدن حیوانات سواری خود میترسیدند امیرالمؤمنین علیه‌السلام بآنها فرمود نترسید رسول خدا این طریق امر ودستورفرموده وخبرداد که خداوند فتح وفیروزی را نصیب ما خواهد نمود بشارت باد شمارا بخیروخوشی وپاکیزه باد نفس ودلهای‌شما. بشتاب سیر کردند تارسیدند نزدیك وادی یابس اهالی ازآمدن امیرالمؤمنین واصحابش باخبرشدند دویست‌نفر مرد جنگجو جلوی مسلمین‌راگرفتند گفتند شما. چه اشخاصی هستیدوبچه مقصد دراینجا آمده‌اید امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود من علی‌بن ابیطالب پسرعموی رسول خدا هستم آمده‌ام تا شما را دعوت کنم بکلمه توحید و گفتن لااله‌الاالله محمدا رسول‌الله تاآنچه‌را که برای مسلمین هست شماهم از آن برخوردار باشید بآنحضرت گفتند ماقصد کشتن تورا داریم هرگزاسلام قبول نکنیم و بآنچه توو‌پیغمبر عمل مینمائید مخالف هستیم آماده جنگ باش و اصحاب خود را مهیا کن‌برای مبارزه. کشنده توماهستیم وعده ما و شما صبح فردا امیرالمؤمنین علیه‌السلام بآنها فرمود

وای برشما مرا بزیادتی جمعیت خود میترسانید؟! یاری میجویم ازخداوفرشتگان ومؤمنین برجنگ باشما ولاحول ولا قوة الابالله العلی العظیم آنها برگشتندبمرکز خود امیرالمؤمنین و اصحابش نیز بفرودگاه خود مراجعت نمودند چون تاریکی شب فراگرفت امیرالمؤمنین علیه السلام باصحاب خود امر فرمود حیوانات و اسبهای خودرازین کنند وآماده سازند صبح که خواست آشکار شود نمازرا با اصحاب بجا آورد ودرتاریکی صبح دستورداد یکدفعه حمله کنند وآنها رابقتل برسانند در میان اصحاب کسی نبود مگرآنکه هریك از آنها چند نفر از کفار را بقتل رسانیدند و جمعی‌را اسیر کردندوخانه‌هاواستحکامات‌ایشان‌راویرانه‌وخراب نمودند واموالشان را باخود حرکت داده و روانه مدینه شدند جبرئیل‌نازل‌شد و خبرفتح و فیروزیرا که خداوند نصیب امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بود به پیغمبرداد و گفت از اصحاب علی علیه السلام بجز دو نفر کشته نشدند پیغمبر اکرم مسجد تشریف برد و بالای منبر رفت پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود خداوند بدست علی فتح و فیروزی بمسلمانان عطا فرموده وجزدونفرازمسلمین بیشتر کشته نشدند و ازمنبر بزیرآمد باتمام اهالی مدینه تا چند میلی شهر باستقبال امیرالمؤمنین (ع) تشریف بردند آنحضرت چون نظرش به پیغمبر افتاد ازاسب پائین‌آمد باحترام رسول خداپیغمبر اورا گرفت ومیان دیدگانش‌رابوسید غنیمتهائیکه خداوند نصیب وروزی مسلمانان نموده بود از اهل یابس حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم داشت حضرتش آنها را قسمت نمود میان جهاد کنندگان و جنگجویان وادی یابس. حضرت صادق علیه السلام فرمود غنیمتهائیکه از وادی یابس نصیب مسلمین شد بجزدر جنگ خیبر از هیچ جنگی آن‌مقدار نصیب ایشان نشد. خداوند سوره عادیات را در آنروز نازل کرد.

(ان‌الانسان لربه لکنود) این‌آیات درباره ابوبکر وعمروبن عاص نازل‌شده چه آنها اصرار داشتند ومیخواستند بازدارند امیرالمؤمنین علیه السلام را ازآنراهی که سیر مینمود از بخل و حسد و کینه‌ایکه نسبت بحضرتش داشتند، چه یقین‌پیدا کردند راهیکه امیرالمؤمنین علیه السلام سیر مینماید عاقبت فتح و فیروز خواهدبود. عمروبن

عاص بابوبکر میگفت علی جوان است و کم تجربه و راه را نمیداند این راهیکه میرود خوفناك است ودرندگان بسیاری دارد. مردم‌را وسوسه کردند مسلمین نزد امیرالمؤمنین عليه‌السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن این راهیکه اختیار فرمودید درندگان بسیاری دارد اگر برگردید براه دیگری بهتراست. بآنها فرمود بروید دنبال کار خود و مهار اسبهارا نگاهدارید، کافی است از برای شما، پس‌از آن متوجه ابوبکر وعمروبن عاص شد فرمود دراین عقیده و گفتار کسی باشما دونفر موافق نیست اطاعت من کنید وسخنان مرا بشنوید من داناترم بآنچه انجام میدهم آنها ناچارسکوت اختیار کردند وخودشان نسبت‌بعداوت ودشمنیکه باامیرالمؤمنین عليه‌السلام دارند گواهی میدهند وپیوسته برمتاع وزندگانی دنیا حریصند

(افلایعلم اذا بعثرمافی‌القبور وحصل مافی‌الصدور ان ربهم بهم‌یومئذ لخبیر)

حضرت صادق عليه‌السلام فرمود این‌آیات بخصوص درباره اولی ودومی وعمروبن عاص نازل شده وشامل مردان دیگر است چه آنها درباطن قصد سوء داشتند نسبت بامیرالمؤمنین (ع) خداوند خبرداد ازاعمال آنها فرمود آیا نمیدانند کـه روزی برای جزا و کیفر نیك و بد اعمال خود از قبر برانگیخته میشوند و آنچه در دلها ازنیك وزشت‌دارند وپنهان میکنند همه راخداوند پدیدار وآشکار میسازد، محققاً آنروز پروردگار برنیك و بدکردارشان آگاهست و پاداش و کیفر آنها بایشان خواهد رسید . اینحدیث را درامالی نیز روایت کرده است

پایان سوره عادیات

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلْقَارِعَةُ (١) مَا الْقَارِعَةُ (٢) وَمَا أَدْرِيكَ مَا الْقَارِعَةُ (٣) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (٤) وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (٥) فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (٦) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (٧) وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (٨) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (٩) وَمَا أَدْرِيكَ مَاهِيَهْ (١٠) نَارٌ حَامِيَةٌ (١١)

سوره القارعه درمکه نازل شده ویازده آیه وسی‌وشش کلمه وصد وپنجاه‌و دو حرف است

خواص وثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قارعه را مکرر تلاوت کند خداوند اورا از فتنه دجال ایمن بدارد وآزاد گرداند از آتش جهنم و درخواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس القارعة را قرائت کند میزان اعمال او سنگین گردد و اگر بنویسد این سوره را وشخصی که معسروتهی دست است همراه خود بدارد خداوند درهای روزی رابراو بگشاید. ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را بنویسد ودرمیان متاعیکه کساد شده بگذارد خداوند آن را رونق دهد وروزیش را برساند

سوره القارعه مشتمل است برذکر قیامت واحوال مردم درآنروز

قوله تعالی (القارعة ماالقارعة ومالدریك ماالقارعة یوم یکون‌الناس کالفراش المبثوث و تکون‌الجبال کالعهن‌المنفوش) قارعه یکی ازاسامی قیامت است وصفت است ازبرای موصوف محذوفی که عبارت از ساعت یا خصلت و یا داهیه باشد. یعنی چیست روزقیامت همان روزوحشت واضطراب. پس ازآن برای بزرگی آنروز فرمود ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله توچه دانی قیامت چه روزی میباشدآنگاه بیان میکنداوصاف

ترجمه سوره قارعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

قارعه چیست روزسخت قیامت (۱) همان روز وحشت و اضطراب (۲) توچه دانی که آنروز سخت چیست (۳) روزیستکه مردم مانند پروانه و ملخ پراکنده شوند (۴) و کوهها مانند پشم زده شده متلاشی گردد (۵) پس آنروز عمل هر کس گران وسنگین باشد هنگام سنجیدنش (۶) اودرزندگانی پسندیده وخوشی‌خواهد بود (۷) واما آنکه عملش سبك وزن است (۸) پس جایگاهش در هاویه دوزخ است (۹) و چه دانی که هاویه چیست (۱۰) هاویه همان آتش سوزنده و گدازنده است (۱۱)

پایان ترجمه سوره قارعه

قیامت‌را: در آنروزسخت مردم مانند ملخ و پروانه بچراغ پراکنده باشند و تشبیه نمود مردم رابه پروانه چه پروانه خودرا بر آتش‌چراغ زند، آنروز بیشتر مردم در آتش دوزخ‌افتند و کوهها ازهیبت آن چون پشم زده متلاشی گردد (فاما من ثقلت موازینه فهوفي عيشة راضية واما من خفت موازينه فامه هاوية و ماادريك ماهيه‌نار حامية) پس آنروز عمل هر کس در میزان حق سنگین و گران باشد او در بهشت بآسایش و زندگانی پسندیده خواهد بود و اما آنکه سبك و بیقدر باشد عملش در میزان حق پس جایگاهش درقعر هاویه دوزخ خواهد بود، توچگونه میدانی سختی هاویه را وتصورآن توانی کرد هاویه همان‌آتش سوزنده و گدازنده است که از کفر و گناه خلق برافروخته شده است.

در کافی ازحضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود چیزی میزان عمل را سنگین نمیکند مگر صلوات بر محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلم و آل او چون میزان اعمال مردم را می سنجندسبك باشد وقتی صلوات را بر آن افزودند سنگین گردد و در حدیث دیگر فرمود تسبیح نصف میزان را پر کند و الحمدالله تمام آن را و الله اکبر فرا گیرد فضای بین آسمان وزمین را.

و از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام روايت كرده فرمود آيه و اما من ثقلت موازينه در حق امير المؤمنين عليه السلام نازل شده و آيه ومن خفت موازينه در باره آن سه نفر فرود آمده ـ

ابن شهر آشوب ازحضرت باقر عليه السلام روايت كرده فرمود هر كس انكار كند ولايت امير المؤمنين (ع) را ميزان اعمال او سبك باشد و جايگاهش در هاويه جهنم است ـ

در كافى از حضرت صادق (ع) روايت كرده فرمود عبور كرد حضرت عيسى عليه السلام از كنار شهرى، ديد تمام اهل آن مرده‌اند و بدنهايشان بروى زمين افتاده است حيوانات آنها هم مرده‌اند فرمود اهل اين شهر قطعاً بسخط و غضب پروردگار گرفتار شده‌اند و دفعتاً هلاك گرديده‌اند اگر بطريق متعارف وفات كرده بودند بعضى بعض ديگر را دفن مينمودند حواريون عرض كردند ايرسول خدا بخوان پروردگار را تا اينان پاسخ تورا بدهند و آگاه كنند مارا باعمال و كردارشان كه بچه سبب خداوند آنها را هلاك نموده حضرت عيسى دعا كرد و صدا زد ايشان را يكى جواب داد لبيك اى روح الله فرمود چگونه بود اعمال شما عرض كرد مردم اين شهر بت ـ پرست بودند ودل بدنيا ومتاع آن بسته بودند آرزوهاى دور ودرازداشتند و پيوسته بلهو ولعب مشغول وازخداوند غافل بودند وترسى نداشتند فرمود چگونه دنيا را دوست ميداشتند عرض كرد مانند دوست داشتن طفل پستان مادررا هر گاه دنيااقبال مينمود مسرور وخوشحال ميشدند و چنانچه ادبار ميكرد محزون و دلتنك بودند سؤال فرمود پرستش ايشان بتهارا بچه نحو بود عرض كرد از اهل معاصى اطاعت وپيروى ميكردند فرمود عاقبت شما بكجا كشيد گفت شب را در خوشى و خرمى بوديم صبح كرديم درحالتيكه در هاويه جهنم قرار گرفتيم فرمود هاويه چيست ؟ عرض كرد سجين است سؤال كرد سجين چه ميباشد جوابداد كوههائى است از سنك كه مبدل بآتش ميشود وافروخته ميگردد برما تاروز قيامت فرمود چه گفتيد وچه جواب شنيديد از فرشتگان غضب خداوند عرض كرد ما گفتيم بر گردانيد ما

رابسوی دنیاتاخدا راپرستش کنیم وزاهد گردیم جواب دادند دروغ میگوئیدفرمود چرا از میان این همه مردم توتنها جواب مرا میدهی و با من سخن میگوئیعرض کرد ایرسول خدا تمام‌آنها بلجامی از آتش بسته شده‌اند بدست فرشتگان غلاظ وشداد خدا ومن درمیان ایشان بودم ولی ازآنها نبودم چون عذاب نازل شد مراهم گرفت و من بموئی بسته شده‌ام در کنار دوزخ نمیدانم مرا داخل جهنم میکنند ویانجاتم‌میدهند-حضرت‌عیسی ؑ روبحواریون‌نمودوفرمود ایدوستان خدا خوردن نان جوخشك بانمك خیربسیاریست باداشتن عافیت دنیا وآخرت وسلامتی در دین

پایان سوره القارعه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَىٰكُمُ التَّكَاثُرُ (١) حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (٢) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٣) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٤) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (٥) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (٦) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (٧) ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (٨)

سوره تکاثر در مکه نازلشده، هشت آیه و بیست وهشت کلمه و صد وبیست حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تکاثررا قرائت کند دروقت خواب از فتنه و عذاب قبرخلاص شود ودرخواص قرآن از پیغمبراکرم روایت کرده فرمود هر کس اینسوره راتلاوت کند خداوند حسابهای نعمت دنیارا ازاو نکشد واگر دروقت عصرقرائت کند آنرا تاغروب روزدوم درامان باشد

سوره تکاثر مشتمل است برتوبیخ وسرزنش خلایق ازجهت اشتغال آنها بجمع آوردن اموال وتفاخر به ثروت وبفرزندان وبقبور مردگان وغافل بودن ازخدا تا هنگام مرگ وروبروشدن باعذاب

قوله تعالی (الهکم التکاثر حتی زرتم المقابر کلا سوف تعلمون ثم کلاسوف تعلمون کلا لوتعلمون علم الیقین لترون الجحیم ثم لترونها عین الیقین ثم لتسئلن یومئذ عن النعیم) مشغول کرد شمارابسیاری اموال‌وفرزند وقبیله وازیاد خدا ومرگ غافل داشته است تا اینکه بزیارت اهل‌قبور رفتید و بجای آنکه عبرت بگیرید بقبرهای مردگان خود باهم فخرو مباهات میکردید.

این آیات نازل‌شده درباره دوقبیله ازقریش بنی‌عبد مناف وبنی‌سهل بن‌عمروبن

ترجمه سوره تکاثر

بنام خداوند بخشنده مهربان

شما مردم رابسیاری اموال و فرزند وقبیله مشغول کرده و از یاد خدا ومرك غافل‌داشته است (۱) تاآنکه زیارت وملاقات کنید قبرهارا (۲) نه‌چنین است بزودی خواهید دانست چه سختیها در پیش دارید (۳) پس چنین نیست بزودی خواهید دانست باچه عذابی روبرومیشوید (٤) نه‌چنین است اگربطور یقین میدانستید (٥) همانا دوزخ رامشاهده خواهید کرد (٦) سپس بچشم یقین آن رامی‌بینید (۷) آنگاه ازنعمتهای بزرك درآنروزشما را بازمی‌پرسند (۸)

پایان ترجمه سوره تکاثر

مصیص‌بن کعب آنها بایکدیگر فخرو مباهات‌میکردند، هریکی از اینان میگفت اشراف وبزرگان ما بیشترند بنی‌عبد مناف اشراف خود را شماره کردند و غالب شدند بنی سهیل بآنها گفتندبیائید تابگورستان برویم وگورها رابشماریم تابدانید گور اشراف ما بیشتر است یاگورهای اشراف شما ـ

نه‌چنین است شما ازیاد خدا و مرگ‌غافل هستید بزودی خواهید دانست در گور پس از مرگ چه سختیها در پیش دارید بازهم در قیامت خواهید‌دانست باچه عذابی روبرومیشوید تکرارآیه برای تأکید است ودیگر اشاره بعذاب قبر وعذاب دوزخ است

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود پیش از نزول آیه جماعتی شك داشتند در عذاب قبرچون آیه نازل شد یقین پیدا کردند که درقبرهم انسان را عذاب خواهند کرد آنگاه فرمود اگربطور یقین میدانستید چه حادثه بزرگی درپیش دارید هرگزدر اثر بازیچه دنیا از عالم آخرت غافل نمیشدید البته پس از مرك دوزخ را مشاهده خواهید کرد آنگاه آنرابعین یقین یعنی برأی‌العین خواهید دید ـ

لطیفةازبرای‌یقین سه‌مرتبه است علم‌الیقین‌وعین‌الیقین‌وحق‌الیقین دراین‌سوره دومرتبه را بیان فرموده. یکی علم‌الیقین چنانکه فرمود لوتعلمون علم‌الیقین لترون

الجحیم وفرمود ثم لترونها عین‌الیقین و مرتبه سوم را درسوره واقعه بیان نموده درآیه ۹٤ و ۹۵ میفرماید وتصلیة جحیم ان هذا لهوحق‌الیقین برای توضیح وفرق مراتب سه‌گانه مثل زدند آنهارابا‌آتش، گفته‌اند هرچه بتوسط نورآتش دیده میشود بمنزله علم‌الیقین است ومعاینه ودیدن جرم‌آتش که نوردهنده است بمثابت‌عین‌الیقین باشد وتأثیر آتش درآنچه میرسد ومیسوزاند و محو میکند و آتش صرف می‌ماند بمثل حق‌الیقین است وعذاب دوزخ چون ازدوردیده شودبعلم‌الیقین آنرا دیده و چنانکه ازنزدیك ببیند آنرابعین‌الیقین دیده و چون‌داخل‌دوزخ شودوسوخته گردد بمرتبه حق‌الیقین دوزخ را مشاهده نموده.

وروز قیامت بازمی‌پرسند ازنعمتهای خداوند که باوعطافرموده.

ابن بابویه ازابراهیم‌بن عباس روایت کرده که روزی حضورحضرت رضا علیه‌السلام شرفیاب شده بودم میفرمود نعمت حقیقی دردنیا وجود ندارد بعضی ازفقها حضورش عرض کردند پس معنای آیه ثم لتسئلن یومئذ عن‌النعیم چیست؟ مگرمراد از این نعمت اطعمه وآب سرد گوارانیست حضرت رضا علیه‌السلام حالش‌تغییر پیدا کرد وفرمود شما مردم از نزد خود چنین‌تفسیر میکنید، درمحضر پدرم مذاکره تفسیر آیه شد بعضی از مردم گفتند مرادآب‌سرد است و بعض دیگر گفتند خواب گوارا است و طایفه‌ای عقیده داشتند عیال نیکو و صاحب جمال است پدرم در غضب شد و فرمود هرگز خداوند سئوال نمیکند از بندگان خود آنچه‌رابآنهاعطا نموده و منت بر ایشان‌نمیگذارد، منت گذاشتن ازمخلوق قبیح است چه رسد بخالق وپروردگاردانا وتوانا. نعیم دراین آیه دوستی وولایت مااهل‌بیت پیغمبراست خداوند پرسش میکند ازآن پس‌ازسئوال کردن‌ازتوحیدونبوت‌وهربنده‌ای‌وفات کردومراعات نمود موالات ودوستی ما آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را میکشاند این ولایت و دوستی اورا بسوی نعمتهای بهشتی پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بامیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودیاعلی علیه‌السلام نخست چیزیکه سئوال میکنند ازانسان پس ازمردنش شهادت لااله‌الاالله و محمداً رسول‌الله و علی‌ولی المؤمنین میباشد هرکس اعتقاد باینها داشته و اقراباین سه شهادت کرد اقرار و اعتقاد اومی کشاند اورا بسوی نعمتهای بهشتی که هرگزنابودی وزوال پذیربرای

آنها نیست وازمخالفین ابونعیم حافظ ازصحابه روایت کرده که ما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معنای نعیم را سئوال نمودیم فرمود ولایت علی بن ابیطالب است و حضرت رضا علیه السلام فرمود شاهد براینکه مراد ازنعیم ولایت و محبت ما اهل بیت است آیه: وقفوهم انهم مسئولون میباشد.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ابوحنیفه از حضرتش سؤال کرد معنای آیه را باوفرمود نزد توچه مراداست عرض کرد قوت طعام وآب فرمود اگرخداوند موفق کند تورا تاتوقف نمائی درقیامت حضور اوآیا از توسؤال میکند هرلقمه ایکه خورده ای وچنانچه بخواهداین سؤالات رابنماید بطول انجامدابوحنیفه گفت پس چیست معنای نعیم فرمود مااهل بیت همان نعیمی هستیم که خداوند عطا کرده به بندگانش وبسبب ماالفت می گیرند بایکدیگر بعد ازاختلافشان و بوسیله ما مهربان کرد مردم را بعد ازآنکه باهم دشمن بودند و هدایت کرد آنها را بسوی اسلام ومانعمتی هستیم که خداوند پرسش میکند ازاو.

ودرحدیث دیگر آنحضرت فرمود بابوحنیفه شنیده ام که تفسیر کرده ای نعیم را بطعام وشراب عرض کرد بلی فرمود اگر کسی تورا دعوت کند بمهمانی و طعام وشراب نیکو وگوارا بتوبدهد آیا خداوند بخل میکند و ازاین نعمت سؤال میکند ازتو عرض کرد پس نعیم چیست؟ فرمود دوستی و ولایت ما اهل بیت پیغمبر است واحادیث درخصوص آنکه نعیم ولایت ومحبت ائمه معصومین است از خاصه وعامه بسیاراست مابهمین چند حدیث اکتفانمودیم

پایان سوره تکاثر

بسم الله الرحمن الرحیم

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ (۳)

سوره عصر درمکه نازلشده ، سه آیه وچهارده کلمه وشصت وهشت حرف است خواص و ثواب تلاوت آن . ابن‌بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عصر را درنمازهای نافله قرائت کند روزقیامت محشور شود باصورت نورانی تاداخل بهشت گردد ودرخواص قرآن از پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر که اینسوره را قرائت کند خداوند در نامه اعمال او ده حسنه بنویسد وعاقبت بخیرباشد واگراینسوره راقرائت کند برمخزن یا چیزیکه در زمین پنهان نموده است خداوند حفظ کند آن رابرای صاحبش

سوره عصر مشتمل است بروعید وتوبیخ کفارومنافقین

قوله تعالی (والعصر ان‌الانسان لفی‌خسر الاالذین آمنوا و عملواالصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) سوگند بزمان نورانی رسول یادوران ظهور امام زمان علیه‌السلام همانا انسان در نقصان و زیانکاریست مگر آنانکه بخدا ایمان آورده ونیکوکار شدند ووصیت کردند فرزندان خود و مردم را بامرحق و سفارش کردند یکدیگررا بصبروبردباری. ابن‌بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود مراد ازعصر زمان خروج قائم ما آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است و مقصود ازانسان که زیانکار است دشمنان ما ائمه میباشد و مراد از ایمان اعتقاد داشتن بائمه و آیات خدا است وعمل نیکو مواسات کردن بابرادران مؤمن وسفارش نمودن در باره عترت پیغمبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام است .

ودرحدیث دیگر فرمودآنحضرت : خداوند خارج کرده برگزیدگان از

ترجمه سوره عصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

سوگند بزمان نورانی رسول (۱) که انسان درزیانکاریست (۲) مگر آنانکه ایمان آورده ونیکوکار شدند وسفارش کردند بامرحق و وصیت کردند یکدیگر رابصبروبردباری وشکیبائی (۳)

پایان ترجمه سوره عصر

مخلوقاتش را ازانسان زیانکار وفرموده مگر آنهائیکه بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان داشته وبفرزندانشان آنولایت را سفارش کنند ودستور به صبروبردباری دهند نسبت باذیت وآزاریکه ازطرف مخالفین مشاهده مینمایند والبته خداوند ایشان را بکیفروعذاب خود گرفتارخواهد نمود

پایان سوره عصر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ (١) ٱلَّذِي جَمَعَ مَالاً وَعَدَّدَهُ (٢) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (٣) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي ٱلْحُطَمَةِ (٤) وَمَا أَدْرَاكَ مَا ٱلْحُطَمَةُ (٥) نَارُ ٱللَّهِ ٱلْمُوقَدَةُ (٦) ٱلَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى ٱلْأَفْئِدَةِ (٧) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ (٨) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (٩)

سوره همزه درمکه نازل‌شده ،نه‌آیه وسی‌وسه کلمه‌وصدوسی‌حرفاست

خواص وثواب‌تلاوت آن: ابن‌بابویه ازحضرت صادق (ع) روایت کرده‌فرمود هر کس سوره همزه را درنمازهای واجب قرائت کند فقر واحتیاج از او دور گردد و روزی اوزیاد شود وایمن باشد ازمردن بد.

ودرخواص قرآن ازپیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند بتعداد کسانیکه به پیغمبراکرم ﷺ و اصحابش سخریه کردند خداوند باو اجرعطا کند واگر آن رابنویسند وکسیکه چشم او درد میکند همراه خود بردارد مرض اوبرطرف گردد باذن خداوند

سوره همزه مشتمل است بر وعید و توبیخ هرعیب جوی هرزه زبان که طعنه برمردم میزند و تهدید کفار ومنافقین ومتکبرین و گردنکشان

قوله تعالی (ویل‌لکل همزة لمزةالذی جمع مالا وعده یحسب ان ماله اخلده کلالینبذن فی‌الحطمه و ماادریک ماالحطمه نارالله‌الموقده التی تطلع علی‌الافئده انهاعلیهم مؤصده فی عمد ممده) وای برهرعیب جوی هرزه زبان که بمردم طعنه میزنند وجدائی می‌افکنند میان دوستان و خویشان و بربی گناهان دروغ می‌بندند همزه کسیرا می گویند که حضورشخص عیب جوئی کند از اولمزه غیبت کنند گان

ترجمه سورهٔهمزة

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای برهرعیب جوی هرزه زبان که طعنه بمردم میزنند (۱) همان کسیکـه مال و دارائی جمع کرده وبحساب و شماره‌اش سر گرم است (۲) گمان میکند که مال ودارائی دنیا عمرجاوید باوخواهد بخشید (۳) نچنین است بلکه بآتش‌سوزان دوزخ درافتد (٤) چه میدانی توکه آتش سوزان چیست (٥) آن‌آتش راخشم‌خدا افروخته است (٦) شراره آن بردلهای ناپاك كافران شعله ور است (۷) آتشیکه بر آنها از هرطرف احاطه کرده است (۸) ومانند ستونهای بلند زبانه کشیده‌است (۹)

پایان‌ترجمه سوره همزة

راگویند که در غیبت مردم عیب جوئی از آنها بنماید و بعضی گفتند همزه ء ، جوئی بزبان ولمزه عیب جوئی بچشم وابرو واشاره است و سبك و كوچك شمردن بی‌نوایان وتهی دستان وغضب کردن بر آنهاست وآیه نازل شده درباره امیة‌بن خلف جحمی و ولیدبن مغیره که عیب جوئی می کردند از رسول اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و چون میگذشتند از نزدیك حضرتش با چشم و ابرو و اشاره نمودن بدست طعنه میزدند وسخریه میکردند بآنحضرت.

محمدبن عباس از سلیمان روایت کرده که معنای آیه را از حضرت صادق علیه‌السلام سؤال نمودم فرمود مراد از آن کسانی هستند که بآل محمد علیهم‌السلام سخریه و هرزه زبانی نمودند و بجای اهل‌بیت نشستند درآن‌مکانیکه‌حق آنها نبود و اموال عترت رسول راغصب کردند همان کسانیکه مالی جمع کـرده و دایم بحساب و شماره‌اش سر گرم بودند و آن را روی هم گذاشته در راه خدا انفاق‌نمیکردند. وگمان‌میکنند که مال ودارائی دنیا عمر همیشگی بآنها خواهدبخشید چنین نیست که گمان کرده‌اند بلکه به‌آتش سوزان دوزخ انداخته شوند.

وحطمه درکه‌ای است ازدرکات دوزخ وآتشی است که شکننده هرچیزاست آتشیکه چگونه سختی آن را می‌توان تصور نمود آن‌آتش را خشم خداافروخته.

ونسبت داده آن را بخدا چه پروردگار خلق فرموده آن آتش را. شراره آن آتش بردلها رسد یعنی با آنکه مکان دل در چند پوشش است بااینوصف از همه بگذرد و باو رسد.

ابوذر غفاری میگفت ایمردمان متکبر و گردنکشان بشارت باد شمارا بسینه های سوزان وبدنهای لرزان.

آن آتش ازهرجانب بر آنها احاطه کرده وایشان رافرا گرفته و مانند عمود ها وستونهای بلند زبانه کشیده.

انس بن مالك از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مؤمن زیرك است و حذر میکند از بدیها و شتاب زدگی نمیکند و دانا وپارسا باشد ولی منافق غماز وعیب جواست وباکی نداردازجمع کردن مال ازطریق حلال وحرام واینکه ازکجا کسب کند ودرچه جا مصرف نماید.

عیاشی ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود کفار و مشرکین اهل توحید را درآتش سخریه واستهزاء میکنند ومیگویند بایشان توحید وخداشناسی بحال شما سودی نبخشید ما وشما یکسان هستیم درآنوقت پروردگاربفرشتگان و پیغمبران ومؤمنین خطاب کند ازایشان شفاعت کنند وآنهارامانند ملخ ازجهنم بیرون آورند

پایان سوره همزة

سورهٔ فیل

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (١) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (٢) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (٣) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (٤) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (٥)

سوره فیل درمکه نازلشده وپنج آیه وبیست کلمه ونود وشش حرف است

خواص وثواب تلاوت آن ابن بابویه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره فیل راقرائت کند درنمازهای واجب کوهها وبیابانها واشجار گواهی دهند که اوازنماز گذاران است و منادی ازجانب پروردگار صدازند اورا ای بنده من گواهی اینهارا درحق تو قبول نمودم ایفرشتگان داخل کنید اورا به بهشت.

و درخواص قرآن ازپیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره راقرائت کند خداوند اورا از عذاب ومسخ دردنیا ایمن بداره و اگراینسوره را بر نیزه‌ای بخواند آن نیزه باهرچه تصادم کند بشکند آن را وقرائت اینسوره قلب را تقویت دهد

سوره فیل مشتمل است برداستان اصحاب فیل

قوله‌تعالی (الم تر کیف فعل‌بك‌باصحاب‌الفیل‌الم‌یجعل کیدهم‌فی‌تضلیل وارسل علیهم طیرا ابابیل ترمیهم بحجارة من سجیل فجعلهم کعصف مأکول) ایرسول ما آیا ندیدی که خدای تو بااصحاب ولشکر فیل سوار چه کرد آیا کید و حیله آنها را تباه نکرد و برهلاك ایشان مرغان ابابیل را فرستاد تا آن سپاه را بسنگهائی از گل سنگباران کردند وجسد آنهارا مانند علف زیردندان حیوان خورد گردانیدند

وداستان اصحاب‌فیل‌بدینقراراست پادشاهی بود ازاهل حمیر بنام‌ذرعه ذونواس

ترجمه سوره فیل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسول ما آیا ندیدی پروردگار تو با اصحاب فیل چه کرد (۱) آیا حیله و تدبیر آنها را تباه نکرد (۲) و بر هلاك ایشان مرغان ابابیل فرستاد (۳) تا آن سپاه را بسنگهای سجیل سنگباران کردند (٤) و اجساد آنها را مانند گیاه زیر دندان حیوان خورده گردانیدند (۵)

پایان ترجمه سوره فیل

جهود بود جماعتی از طایفه حمیرهم کیش او بودند جز اندکی از اهل نجران که نصاری بودند امیر آن پادشاه موسوم بعبدالله تامر آنها را بدین یهود دعوت کرده و گفت اگر نپذیرید بقتل میرسانم شمارا اختیار نکردند مذهب یهودرا عاقبت ایشان رابقتل رسانید جز یکنفر ازاهل سبا که اورا اوس بن ثعلبان میگفتند براسبی سوار شد وخودرا بقیصر روم رسانید داستان طایفه خودرا بقیصر گفت و از او درخواست یاری کرد قیصر جواب داد شهر شما ازولایت مادوراست لکن نامه‌ای به پادشاه حبشه مینویسم اونیز بردین ما است تاتورا یاری کند نامه‌ای بنجاشی نوشت و گفت چون این نامه بتورسدباید اینقوم را یاری کنی چون نامه بوی رسیدمردی موسوم بارباط ازاهل حبشه رامأمور کرد برود بیمن و دستورداد باو شهرهای آنهارا خراب کند وبعضی را بقتل برساندبعض دیگررا باسیری گرفته نزد او بفرستد ارباط بدستوراو عمل کرد اهل یمن چون شنیدند لشگر حبشه بسوی آنها میرود متفرق شدند وگریختند لشگر بدنبال آنهاتاخت جمعی راهلاك نمود و جمع دیگررا اسیر کرد حضور پادشاه فرستاد ارباط نامه به پادشاه نوشت پادشاه درجواب نامه باو دستورداد در یمن توقف کن بالشگریکه همراه تو میباشد پس ازمدتی ابرهه که یکی از سر کرده های لشگر ارباط بود بااودرمقام مخالفت بیرون آمد لشگر دو فرقه شدند و در مقام جنگ با یکدیگر بیرون آمدند ابرهه شخصی فرستاد نزد ارباط باو گفت ما دونفر باهم خصومتی داریم گناه لشگر چیست بیرون آی تاباهم مبارزه

کنیم اگر من تورا بکشم لشگر و ولایت بمن تعلق میگیرد و اگر تومرا بکشی آسوده وفارغ میشوی ارباط قبول کرد باهم مبارزه کردند ارباط حمله کرد بر ابرهه‌دهن وبینی‌او را مجروح کرد وازاسب بزمین افتاد غلام ابرهه برارباط حمله کردواورا کشت‌ولشگرجمع‌شدندبرابرهه‌این‌خبربپادشاه رسید خشم گرفت نامه‌ای بابرهه نوشت بامر و دستور؛ که با ارباط جنگ کردی و اوراکشتی من لشگری میفرستم‌تاتورا بگیرند وموی جبینت را ببرند وخاك ولایتت را باینجاآورند ابرهه سرخودرا تراشید وقدری ازخاك درظرفی ریخت پیش پادشاه فرستاد و گفت‌آنچه شما سوگند یاد نموده‌ای درباره من خودم بجاآوردم و من بنده شماهستم اگر امر بفرمائی ازقبل‌شما دراین ولایت میمانم و اینجا رانگاهداری میکنم و چنانچه رأی شماغیر ازاین است دستور فرمائید عمل کنم پادشاه از سخن اوخوشنود شد و امر کرد باوتوقف کند دریمن پس‌ازآن برای خوشنودی شاه معبدی درشهرصنعابنا کرد اورافلیس نام نهاد بنائی کرد کـه نظیر آن در آن عصرنبود نامه‌ای بشاه نوشت من بنام شماکنیسه‌ای بناکردم که در روی زمین چنین عمارتی وجود ندارد و چندان حرمت نهادم برآن که خلایق ازراه دورمی‌آیند و اورا می‌بینند بزودی چنان سازم آن راتا مردمیکه بجانب مکه میروند وزیارت میکنند اینجا نیز بیایند پادشاه از این عمل بسیارخرم وخوشحال شد داستان کنیسه میان عرب پراکنده ومشهور شد مردی ازطایفه بنی‌مالك آنجا رفت ودر زاویه آن پنهان شد و بخاطر گفتارابرهه که گفت حج عرب رابااین مکان برگردانم استخفاف کرد بآن کنیسه و شب از آنجا گریخت خدام بابرهه خبر دادند دلتنك شد سؤال نمود کسی از اعراب‌باینجا آمده است گفتند مردی از اعراب چند روز در اینجا سکونت کرد اکنون پیدا نیست گریخته ابرهه گفت کار آن عرب است سوگند یاد نمود که قرار نگیرد تا کعبه را خراب کند درعوض بی‌احترامی واستخفافیکه آن عرب بجا آورده باین کنیسه آنگاه لشگربسیاری ازحبشه جمع کرد و بجانب بلاد اعراب حرکت نمود خبرباعراب رسید اول پادشاه حمیربالشگری راه را براوگرفت جنگ و کارزار

کردند ابرهه غالب شد ذونفر پادشاه حمیررا گرفت خواست اورا بکشد گفت من بکارتو آیم دراین عزمیکه کرده‌ای دستورداد اورا بستند وهمراه خود بردند از آنجا رفت باطایفه خثعم روبروشد آنها بسر کردگی نفیل بن حبیب باابرهه جنگ کردند و مغلوب شدند لشکر ابرهه نفیل را گرفتند نزد ابرهه بردند گفت مرا نکش تا دلیل توباشم درزمین أعراب چه تو احوال این ولایت هارا نمیدانی اورا نیزبستند وباخود بردند بطایف رسیدند مسعودبن متعب پیش ابرهه آمد گفت ای پادشاه ما باتوجنگ نداریم وتوهم بقصد مانیامده‌ای مارابت خانه‌ای هست بنام بیت‌اللات آن خانه هم مطلوب تو نیست مطلوبت خانه مکه است اگر میخواهید کسیرا برای راهنمائی باشمابفرستم ابرهه گفت رواباشد او مردی رابنام ابو رغال فرستاد چون بمنزلی رسیدند که نامش مغمس بود ابورغال مرد آنجا بخاکش سپردند اکنون رسم شده هر کس از آن مکان عبور میکند سنگی بر آنجا می‌افکند ابرهه از آن منزل لشگر خودرا بامردی بنام اسودبن مقصود از پیش خود فرستاد او دویست شتر ازمال عبدالمطلب که مشغول چرابودند غارت کرد وبلشگرابرهه آورد ابرهه آنگاه رسولی به نزد رئیس مکه که عبدالمطلب بود فرستاد گفت باوبگو من‌برای قتال باشما اینجانیامده‌ام مقصودم خراب کردن کعبه است اگر منعم نکنی باتو کاری ندارم و چنانچه ممانعت نمائی باتوجنگ خواهم کرد عبدالمطلب در جواب فرستاده ابرهه گفت من خودم نزد ابرهه میآیم آن بزرگوار باجماعتی‌ازفرزندان وبنی‌هاشم به نزد ابرهه رفتند ذونفر پادشاه حمیر چون شنید عبدالمطلب می‌آید باابرهه گفت ای پادشاه بدانکه عبدالمطلب سید قریش است و در میان تمام اعراب بزرگوارترازاونیست و اوکسی است که مردمان را طعام میدهد و بزرگواری او درتمام عرب مشهور است حرمت اورا نیکوبدار وسخنش را نیکوبشنو و تا ممکن است رضای اورا بجو که سرفرازعرب است عبدالمطلب وارد شد برابرهه مردی بود قامتش بلند ونیکوصورت وفصیح زبان وباهیبت ابرهه چون آن بزگوارا دید درنظرش بسیار بزرك جلوه کرد فوراً ازسریر خود بزمین فرود آمد اورا گرامی داشت وگفت برای چه کارتشریف آورده‌اید اینجا فرمود بستگان شما شتران مرا

ربوده‌اند بگوئید تاآنها را پس دهند ابرهه گفت واعجبا من چون این مرد را دیدم گمان کردم شخص عاقلی‌است من بااین همه لشگرعظیم آمده‌ام تاخانه ایشان که شرف ومفخر عرب درآنست ویران کنم اوهیچ همتی ندارد مگر برای شتران خود اوازچشم من بیفتاد مترجم سخنان ابرهه را بعبدالمطلب گفت جواب داد این‌شتران بمن تعلق دارد وازبرای خانه کعبه خدائی است اگر بخواهد نگاهداری می کند ازآن ابرهه گفت چنین‌است، دستورداد شتران رابااوبازدهند

عبدالمطلب شتران را گرفت ودر کوه حرابچرا فرستاد و بمکه باز گشت و عمربن نعایه بزرك قبیله کنانه وخویلدبن وائله سید بزرك هذیل وجمعی ازرؤسای اعراب نزد ابرهه رفتند و گفتند ثلث اموال‌اهل حجازوتهامه را ازمابگیروازخراب کردن خانه کعبه منصرف شو وبازگرد ابرهه قبول نکردعبدالمطلب بقریش گفت شما در اطراف این کوهها پراکنده شوید تا ازلشگر ابرهه محفوظ بمانید و خود آن بزرگوار وارد خانه کعبه شد وحلقه دررابدست گرفت و باتضرع وزاری عرض کرد پروردگارا تو خود دفع کن شرابرهه را از خانه خود آنگاه بمکانی پنهان شد باقوم‌خود، ابرهه با لشگرش وارد مکه شد مقدم لشگر دوازده فیل بود و در میان آنها فیلی بسیار عظیم و با هیبت که پادشاه حبشه آن را فرستاده بود نامش محمود بود وپیش‌رو فیلان حرکت میکرد هر کجا آن میرفت فیلان بااو میرفتند نفیل بزرگ قبیله خثعم در گوش آن آهسته گفت ای محمود میدانی این چه سرزمینی است اینجاحرم خدا است مباداگرد آن بروی که هلاك خواهی‌شد وچون فیلهارا بیاراستند وآماده نمودند برای خراب کردن خانه فیل‌بزرك خوابید وپیش نرفت چندانکه آن رازدند قدم‌پیش نگذاشت تعجب کردنددرآنحال خدایتعالی از طرف دریا پرندگانی بشکل خطاف فرستاد هریکی ازآنها سه سنگ کوچك‌داشتند یکی‌درمنقار ودو درچنگال‌باندازه‌نخودی دربالای سرهرمردی یکی‌ازآن‌پرندگان ایستاد وسنگی برسراوافکند آناً هلاك شدند لشگرفرار میکردند وپرندگان‌دنبال ایشان میرفتند وسنك بآنهامیزدند ومیکشتند آنهارا ، نفیل چون مشاهده کرد این حالت راگفت ازکیفر خداکجا فرارمی کنید و در همانحال خداوند برابرهه درد

ومرضی گماشت که تمام سرانگشتان او افتاد و خون و کثافت از آن بیرون آمد خودرا بصنعا رسانید شکمش آماس کرد و ترکید و اعضاء بدنش بیرون ریخت و هلاك شد

در کافی ازحضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود ابرهه بافیلها و لشکر انبوهی وارد شهرمکه شد برای خراب کردن خانه کعبه‌دراثنای‌ورودبرخورد کردند به شتران عبدالمطلب وآنهارابغارت بردند عبدالمطلب نزدابرهه رفت اجازه ورود خواست اذن دادند وارد شد برابرهه و او در چادری از حریر روی‌تختی‌نشسته بود سلام کرد ابرهه جوابداد چون نظـرش بجمال عبد المطلب افتاد محو او شد چه صورت آن بزرگوار مانند قرص ماه میدرخشید ابرهه گفت آیا پدرانت هم چنین نورانی بودند فرمود بلی ابرهه گفت الحق بااین فخروشرفیکه داری برای ریاست قوم‌سزاواری، آن بزرگوارا کنارخود روی تخت نشانید دستور داد فیل بزرك را که سفید رنك و دارای دونیش بود و زینت شده بانواع جواهـرات و سبب فخر ومباهات پادشاه بود برپادشاهان دیگرحاضر کنند

وقتی فیل را حضور ابرهه آوردند چون عبدالمطلب را دید مقابل او سجده نمود وخداوند زبانش راگشود وبعربی سلام کرد برعبدالمطلب ابرهه چون این حالت را ازفیل مشاهده کرد دستورداد برگردانند آن را سپس متوجه عبدالمطلب شد وگفت من بزرگی وسخاوت شما راشنیده بودم حاجتی دارید بفرمائید وابرهه گمان میکرد آنحضرت آمده ازاوتقاضا کند کـه از خراب کردن کعبه منصرف شود عبدالمطلب گفت اصحاب توشتران مرابردند دستور ده‌آنهارابمن‌بازگردانند ابرهه تعجب کرد وگفت شما ازآن بزرگی که داشتید ازنظرمن افتادید من برای خراب کردن کعبه که مرکزفخر و شرف شما و قومت میباشد آمده ام و بزرگی شما بخاطر آن خانه است تورها کردی خانه را و ازمن تقاضا ننمودی که منصرف بشوم ازخرابی آن، شتران خودرا طلب نمودی؛عبدالمطلب فرمود من صاحب خانه نیستم خداوند خودش بخانه خود سزاوارتراست ابرهه دستورداد شتران اورا دادند آنگاه آنحضرت روبفیل کرد وگفت ای محمود میدانی‌تورا برای چه کارآورده‌اند

باسر اشاره کرد نمیدانم فرمود میخواهند بتوسط توخانه کعبه را خراب کنند فیلها را وارد خانه کردند آنها خوابیدند هرچه زدند فیلهارا، ازجای خود حرکت نکردند.

خداوند پرندگان ابابیل را فرستاد وبرمنقارهریك سنگی بود محاذی سر آنها سنك رامی‌افکندند از سرفرو میرفت و از عقب آنها خارج میشد و آناً مانند گیاهیکه زیردندان حیوانات خورد میشود متلاشی میشدند عبدالمطلب فرزند خود عبدالله رافرستاده بود تاخبر آورد آن بزرگوار بر کوه ابوقبیس بالا رفت مشاهده کرد پرندگان بسیاری آمدند دور خانه کعبه طواف کردند آنگاه هریك محاذی یکی از لشگریان ابرهه قرار گرفتند و سنگهائیکه در منقار داشتند فرو ریختند و آنهارا هلاك کردند

عبدالله بپدرش خبر رسانید عبدالمطلب باو گفت اهل مکه را نداکن بیایند غنائم جمع کنند فرمودحضرت صادق عليه السلام باقی نماند از آن لشگر مگر یکنفر که فرار کرده بود داستان اصحاب خودرا برای مردم مکه بیان می‌نمود یکی از پرندگان آمد بادست اشاره کرد این پرنده از جنس آنهـا است هنوز سخنش تمام نشده بود مردم مشاهده کردند پرنده محاذی سراو قرار گرفت وسنك خودرا برسر آنمرد فروافکند ازعقبش خارج شد و اونیز بهلاکت رسید و بعد ازآن پرندگان دیده نشدند خداوند سوره فوق را نازل نمود بر پیغمبرش تاقرائت کند بر کفاریکه اورا تکذیب میکردند وکسی از کفار قریش این داستان را تکذیب و انکارنکرده چه تمام آنها بچشم خود مشاهده کرده بودند آن حادثه را و اشعارهای بسیاری در خصوص آن داستان‌سروده بودند

پایان سوره فیل

سورهٔ قریش

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ (۱) إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

سوره قریش درمکه نازل‌شده، چهار آیه وهفده کلمه و نود حرف است

خواص‌وثواب‌تلاوت‌آن: ابن بابویه ازحضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس‌سوره‌قریش‌راقرائت کندخداوندد‌رقیامت‌سوار کنداورا بمرکبی‌ازمرکبهای بهشتی وسواره محشور شود و درخواص قرآن ازپیغمبرا کرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده، فرمود هر کس اینسوره‌راتلاوت کندمانند کسی‌است که‌اطراف‌خانه کعبه‌طواف‌نموده ودرمسجدالحرام‌اعتکاف کرده‌وچنانکه کسی ازخوردن طعامی میترسد این سوره را برآن بخواندآن طعام شفاشود واذیت نکند اورا واگرقرائت شود برآبی وآن‌آب را بپاشندبرقلب بیماری که نمیدانند مرض او چیست باذن خداوند شفا یابد

سوره قریش اشاره است بنعمتهائیکه خداوند باهل مکه وقریش عطا فرموده تاآنها سپاس گذار باشند وخدای یگانه صاحب کعبه را پرستش کنند

قوله تعالی (لایلاف قریش ایلافهم رحلة‌الشتاء والصیف‌فلیعبدوا رب هذاالبیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف)

عیاشی‌ازحضرت‌صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود الم‌تر کیف فعل ربك ولایلاف قریش یکسوره میباشند ودریکر کعت‌ازنمازمیتوان آنهارابدون فصل بسم‌الله خواند وطبرسی روایت کرده که درقرآن ابی‌بن کعب میان آن دو بسم‌الله نیست.

و معنای‌آنست: خداوند هلاك نمود اصحاب فیل را تا آنکه قریش در مکه برقراربمانندوباهم‌الفت‌وانس‌بگیرندوقریش‌فرزندان‌نضربن کنانه‌را میگویند هریك ازاعراب که‌نسب‌اوبه‌نضربرسدقرشی‌مینامنداورا، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود خدای تعالی‌ازفرزندان‌اسماعیل‌بنی کنانه‌رابر گزیدوازبنی کنانه‌قریش‌راوازقریش‌بنی‌هاشم‌را

ترجمه سوره قریش

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدا با اصحاب فیل چنان کرد تا آنکه قریش با هم الفت وانس گیرند (۱) الفتیکه در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و بر قرار بماند (۲) پس بشکرانه این نعمت باید پروردگار این خانه کعبه راستایش و پرستش کنید (۳) آنخدائیکه هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات ایشانرا ایمن ساخت (٤)

پایان ترجمه سوره قریش

وازبنی‌هاشم مرا برگزیدو من بهتر عرب هستم ازحیث پدرومادروزتفس. واشتقاق قریش از قرش است بمعنای کسب و جمع وطلب چه آنها بازرگان وتاجر وکاسب بودند ایلافهم بدل کلمه لایلاف است یعنی تا الفت بگیرند الفتیکه در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و بر قرار بمانند .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده که اینسوره نازل شده در باره قریش چه ایشان امور معاش وزندگانی خودرا درتمام دوره سال بوسیله دو سفر اداره میکردند فصل زمستان بسوی یمن مسافرت مینمودند و درفصل تابستان بشام میرفتندازمکه و طایف خشکبار و فلفل و ادویه جات که از ناحیه دریا می‌آوردند بشام میبردندو از آنجا البسه وحبوبات و گندمو جو میخریدندو در این سفر باهم الفت میگرفتند وهر سفری یکی از رؤسای آنهاهمراهشان بودچون پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مبعوث شد خداوند آنها را از این مسافرتها بی‌نیاز فرمود تا از حرم مفارقت نکنند و اطراف رسول خدا جمع شوند وکسی بخاطر حرم متعرض قافله قریش نمی‌شد چه مردم میگفتند ایشان اهل حرم خدا هستند و همسایگان خانه پروردگار می‌باشندواگر آنها مسافرت نمیکردند کسی نمیتوانست در مکه بماند و اگر حرمت حرم نبود ایشان نمیتوانستند مسافرت کنند چه راهزنان راه‌را بر آنها می‌بستند .

پس بشکرانه این نعمتها باید خدای کعبه را به پرستید چه او شمارا طعام داد واز ترس وخطرات سفر شمارا ایمن ساخت .

پایان سوره قریش

بسم الله الرحمن الرحیم

أَرَأَيْتَ ٱلَّذِي يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ (۱) فَذَٰلِكَ ٱلَّذِي يَدُعُّ ٱلْيَتِيمَ (۲) وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ ٱلْمِسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (٤) ٱلَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵) ٱلَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ (٦) وَيَمْنَعُونَ ٱلْمَاعُونَ (۷)

سوره ماعون در مکه نازل شده، هفت آیه و بیست و پنج کلمه وصدوبیست و پنج حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره ماعون را در نمازهای واجب خود قرائت کند خداوند قبول میفرماید نماز و روزه او را وحساب اعمال اورا نکشد.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره ماعون را تلاوت کند خداوند او را بیامرزد و اگر این سوره را صد مرتبه هنگام صبح قرائت کندحفظ کند خداوند او راتاصبح دیگر و همچنین است چنانچه بخواند آن را درشب.

سوره ماعون مشتمل است بر توبیخ و سرزنش کفار قریش و کفران نعمت آنها.

قوله تعالی (ارایت الذی یکذب بالدین فذلك الذی یدع الیتیم ولا یحض علی طعام المسکین فویل للمصلین الذینهم عن صلوتهم ساهون الذینهم یراؤن و یمنعون الماعون) این آیه نازل‌شده در باره کفار قریش عموما و درحق ابوجهل و ابوسفیان وولید بن‌مغیره خصوصاچه آنها هر وقت شتریا گوسفندی ذبح‌میکردند چون یتیم و بینوا از ایشان چیزی طلب مینمود با عصا او را می‌زدند و از در خانه خود می‌راندند خدایتعالی سوره و آیه فوق رادرباره ایشان فرستاد وفرمودای رسول

ترجمه سوره ماعون

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا دیدی آنکس که روز جزا را انکار و تکذیب میکرد (۱) پس آنکس یتیم را از در خود میراند (۲) و ترغیب و تحریص نمیکند مردم را بر طعام‌دادن به فقیر (۳) پس وای بر آن نمازگزاران ریاکار (٤) همان کسانیکه از نماز سهو کنند وول از یاد خدا غافل دارند (٥) آنانیکه ریا میکنند (٦) وزکوة یاهراحسانی را منع میکنند (۷).

پایان ترجمه سوره ماعون

ما آیا دیدی کفار قریش را که روز جزا را انکار میکردند و یتیم را از درخودمی‌راندند و از حقشان منع میکردند و راغب‌نبودند برطعام دادن مسکینان‌ومستمندان وای بر آن نمازگذاران که‌غافل هستندازیاد خداو توجه بمخلوق‌دارندهمانهائیکه اگر طاعتی کنند بریا و خود نمائی کنند و هراحسانی را (اعم از حق واجب‌مانند خمس و زکوة یا مستحب مثل عاریه دادن اثاث خانه) ازبمحتاجان منع کننداین آیات در باره منافقین نازلشده است چون مردم را می‌دیدند نماز و سایر واجبات دیگر بجا می‌آوردند و چون نمیدیدند بجا نمی‌آوردند و اگر نماز میخواندند امیدی بخیر آن‌نداشتند وچنانچه رهامیکردندازشرش نمیترسیدند و باکی نداشتند ازبجاآوردن‌نماز وترك آن.

و حضرت صادق علیه‌السلام فرمود هر کس تأخیر اندازه نمازرا ازاول‌وقت‌تا آخر وقت بدون عذر وجهتی اوساهی در نماز است و مصداق آیه‌شریفه میباشد.

محمد بن عباس ذیل آیه ارایت الذی یکذب بالدین از حضرت صادق علیه‌السلام و حضرت‌رضا علیه‌السلام روایت کرده فرمودندمراد از دین در این آیه ولایةامیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

ابن‌بابویه ازحضرت‌باقر عليه السلام روایت کرده فرموده‌نزد خداوند عملی‌محبوب تراز نماز نیست ایمردم مشغول نکند امورات دنیا شماراالز اوقات‌نماز، پروردگار ذم نموده کسانی را که نمازرا سبك می‌شمارندو در اوقات آن سستی‌میکنند،آنگاه قرائت فرمودآیه الذينهم عن‌صلوتهم ساهون .

پایان سوره ماعون

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورهٔ کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

سوره کوثر در مکه نازل شده ، سه‌آیه و ده کلمه و چهل‌ودو حرف‌است .

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره کوثر را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب خداوند سیراب گرداند او را از نهر کوثر در روز قیامت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کرده فرمود هر کس سوره کوثر را تلاوت کند خداوند او راسیراب گرداند از حوض کوثر و از هر نهر بهشتی و بنویسد در نامه اعمال او ده حسنه و هر که در شب جمعه این سوره را صد مرتبه قرائت کند در خواب پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشاهده کند .

سوره کوثر مشتمل است بر نعمتیکه خداوند به پیغمبر عطا فرموده و امر آنحضرت بنماز .

قوله تعالی (انا اعطیناك الکوثر فصل لربك وانحر ان شانئك هو الابتر)

طبرسی از ابن عباس روایت کرده سبب نزول اینسوره آن بود روزی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد مسجد شد عمر بن عاص بن وائل سهمی و حکیم بن عاص را دید در مسجد نشسته اند متوجه آنحضرت شدند ای ابتر و در عصر جاهلیت رسم بود اگر مردی فرزند نداشت باو ابتر میگفتند و عمرو بن عاص گفت من بغض محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را در دل دارم در آن حال جبرئیل نازل شد وسوره کوثر را آورد و گفت دلتنگ مشو از آنکه تورا ابتر خواند ما فرزندان بسیاری به تو عطا کنیم که در اقطار عالم مکانی نباشد مگر آنکه جماعتی از فرزندان و نسل تو آنجا باشند روز

ترجمه سوره کوثر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ای رسول، ما تورا عطای بسیار بخشیدیم (۱) پس نماز گزار وقربانی کن (۲) همانا دشمن بدگوی تو نسل بریده است (۳)

پایان ترجمه سوره کوثر

طف معاندین در کربلا اهل‌بیت‌را شهید کردندو کسی راجز حضرت امام‌زین‌العابدین علیه‌السلام باقی نگذاشتند خدایتعالی از نسل آن بزرگوار تنهاعالم را پر کرد اکنون ایرسول‌ما، بشکرانه این نعمت برای خدا بنماز و طاعت و قربانی و اعمال حج بپرداز که دشمنان بدگو و عیب جویان تو نسل بریده خواهند بود و در جهان از ایشان واعقابشان اثری‌باقی نخواهد ماند.

در امالی از ابن‌عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله میفرمودخداوند بمن پنج چیز عطا فرموده و بعلی نیز پنج چیز مرحمت نموده یکی جوامع کلم است که بمن و علی داده شده دیگر مرا نبی و علی را وصی قرار داد سوم بمن‌نهر کوثر وبعلی نهر سلسبیل مرحمت نموده چهارم بمن وحی و بعلی الهام میفرماید پنجم مرا بمعراج برد، و درهای آسمان و حجب را برای علی علیه‌السلام گشود تا آنکه نظر کرد بسوی من در معراج و نظر کردم بسوی علی پس از آن پیغمبر اکرم گریه کرد عرضکردم فدایت گردم ایرسولخدا چرا گریه میکنید فرمود ای ابن عباس اول خطابیکه بمن شد در معراج گفتند ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بزیر پای خود نظر کن چون نظر کردم دیدم پرده‌ها وحجب پاره شده علی‌را مشاهده کردم‌سرش را بجانب‌آسمان کرده بسوی من نظر میکند و با من سخن میگوید پروردگار هم با من تکلم میفرماید عرض کردم ای رسول خدا پروردگار چه میفرمود فرمود خطاب نمود ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله من قرار دادم علی علیه‌السلام را وصی و وزیر وخلیفه توبدان ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله علی علیه‌السلام میشنود کلام من و تورا من درحضور پروردگار اطاعت‌و قبول نمودم فرمان‌او را در باره علی علیه‌السلام آنگاه خدایتعالی امر فرمودبفرشتگان

بعلی علیه السلام سلام کنند ایشان عموماً سلام کردند علی علیه السلام جواب سلام فرشتگان را داد در آن وقت دیدم فرشتگان یکدیگر را بشارت میدهند وعبور نکردم از هیچ آسمان ونقطه‌ای مگر آنکه فرشتگان بمن تهنیت و مبارك باد میگفتند و سو گند یاد مینمودند و میگفتند ای محمد صلی الله علیه و آله بآن خدائیکه تورا بحق و راستی مبعوث نموده سرور و خوشحالی و خرمی برتمام فرشتگان رخ داده در اثر منصوب کردن پروردگار علی علیه السلام را درخلافت و وصایت و وزارت و جانشینی‌تو، آنگاه‌مشاهده کردم فرشتگان حمله عرش پروردگار سر بزانوی غم نهاده اند گفتم ای جبرئیل چرا این فرشتگان مغموم هستند جواب داد‌هم و غم اینها بخاطر آنستکه جمال علی علیه السلام را مشاهده نکردند چه نبوده فرشته ای‌مگر آنکه نظر کرده بجمال‌علی و او را تهنیت و مبارکباد گفته جز فرشتگان عرش پروردگار ای محمد از حضور پروردگار اجازه بگیر برای‌آنها‌در این ساعت تا ایشان نیزنظر بجمال علی کنند و مبارکباد باو گویند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود من‌اجازه گرفتم برای آنها‌ایشان زیارت کردند جمال علی علیه السلام را‌و تهنیت گفتند باو جبرئیل گفت وقتی من بزمین فرود آمدم و علی علیه السلام را زیارت کردم آخرین فرد فرشتگان بودم علی علیه السلام هم بمن خبر داد ایجبرئیل‌تو آخرین فرشتگانی هستی که مرا زیارت کرده ای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود من از سخنان علی علیه السلام فهمیدم که قدم نگذاشتم در آسمانها‌و عرش مگر آنکه تمام آنها برای علی علیه السلام کشف و باز شده بود و نظر بتمام‌آنها کرده بود‌ابن عباس میگوید عرض کردم ای‌رسول‌خدا مرا وصیتی بفرمائید‌فرمود بر تو باد بدوستی علی علیه السلام بآن خدائیکه مرا به پیغمبری فرستاده خداوند هیچ حسنه ای را از بندگان خود قبول نکند و نپذیرد تا آنکه از آن بنده از دوستی و ولایت علی پرسش نماید و خدایتعالی دانا تر است از خود آن بنده اگر دارای ولایت علی بوده اعمالش رابپذیرد وقبول فرماید وچنانچه دارای ولایت علی علیه السلام نبوده از اعمالش سؤال نکنند وبدون سؤال اورا بجهنم ببرند ای ابن عباس‌سو گند بخدا آتش جهنم بغض وعداوتش‌زیاد و سخت تر است‌بر دشمنان علی‌ازآنکسانیکه شرك بخدا‌آورده وبرای اوفرزندی قائل شده اندبخدا قسم فرضاًاگر تمام‌پیغمبران

و فرشتگان متفق بشوند بر عداوت و بغض علی هرگز اینکار را نکنندوخداوند تمام آنهارا بآتش جهنم بسوزاند ابن عباس میگوید عرض کردم ای رسول خدا آیا کسی هست که‌علی علیه‌السلام را دشمن و مبغوض بدارد فرمود بلی طایفه‌ای هستند که میگویند ما ازامت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله واهل اسلام هستیم باوصف دشمن علی علیه‌السلام هستند ایشان از اسلام نصیبی ندارند علامت بغض و عداوت آنها آنستکه دیگری را بر علی ترجیح و تفضیل میدهند بخدا قسم نفرستاده خداوند پیغمبری را گرامی تر از من و نه وصی را افضل تر از علی علیه‌السلام ابن عباس میگوید من پیوسته بوصیت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل مینمودم تا هنگام رحلت آن حضرت حضورش شرفیاب شدم عرض کردم ای رسول خدا بچه امرمیفرمائی مرا بعد از خود فرمود مخالفت کن با مخالفین علی علیه‌السلام و یار و یاور آنها مباش عرض کردم ای رسول خدابرای چه امر مؤکد نمیفرمائید مردم را بترك نمودن مخالفت با علی علیه‌السلام دیدم گریه بسیاری نمود تاغش کرد پس از بهوش آمدن فرمود در علم خداوند گذشته است که این مردم با علی علیه‌السلام مخالفت‌میکنند سوگند بخدا منکرین ومخالفین علی علیه‌السلام از دنیا نمیروند مگر آنکه نعمتیکه خداوند بآنها مرحمت فرموده تغییردهنده‌ای ابن عباس اگر میخواهی خداوند را ملاقات کنی در حالتیکه از تو راضی‌باشد از علی علیه‌السلام و مسلك او جدا مباش و پیروی کن از اوامر او و با دوستان‌علی‌دوست باش و با دشمنان او دشمن باش ای ابن عباس شکی از علی در دل خود جای مده شك کردن در باره علی علیه‌السلام کافر شدن بخداوند است سید رضی در مناقب از انس بن مالك روایت کرده است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روزی بابوبکر و عمر فرمود بروید منزل علی علیه‌السلام تا حدیث کند شما را بآنچه در شب گذشته اتفاق افتاده منهم در عقب شما خواهم آمد انس میگوید من نیز با آنها بخانه علی رفتم پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هم تشریف آورد فرمود یاعلی علیه‌السلام حدیث کن برای ما آنچه اتفاق افتاده در شب گذشته گفت ای‌رسول خدا حیامیکنم‌فرمود خداوند از بیان‌حق حیانمیکند حدیث کن،علی گفت دیشب آب‌خواستم برای‌طهارت نیافتم صبح شد ترسیدم‌نمازم فوت شود حسن را بطرفی و حسین را بطرف دیگر فرستادم برای آب طول کشید

آمدن آنهادر این اثنا سقف اطاق شکافته شد سطلی با روپوش سبز بزمین فرود آمد روپوش را برداشتم دیدم آب است تطهیر و غسل نمودم و نماز را بجا آوردم سطل از سقف اطاق بالا رفت و شکاف آن بهم آمد مانند اول پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود آن سطل از بهشت بودو آب آن ازنهر کوثرو روپوش آن ازاستبرق بهشتی کیست مانند تو ایعلی ، جبرئیل خادم تو میباشد در شب ، و اینحدیث را محمد بن عباس نیز روایت کرده است .

طبرسی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود وقتی اینسوره نازل‌شد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از جبرئیل سؤال نمود نحریکه خداوند امر نموده مرابآن‌چه نحریست گفت ای رسول خدا مقصود از نحر در اینجا قربانی کردن نیست مراد آنست چون‌خواستید تکبیرة الاحرام برای نمازبگوئید باید دستهارا محاذی‌صورت بلند کنید و همچنین در هر تکبیر چه پیش از رکوع یا سجود و یا سر بر داشتن از رکوع و سجود در حال گفتن تکبیر دستها را مقابل صورت بلند کنید آنوقت تکبیر بگوئید .

ما فرشتگان هفت آسمان همین طور نماز بجا میآوریم و برای هر چیزی زینتی است وزینت نماز بلند کردن دستها است محاذی‌صورت درحال گفتن تکبیر

در کافی از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود مقصود از نحر اعتدال در ایستادن است بعد ازسر بر داشتن از رکوع واستقامت نمودن‌پشت است بحداعتدال

و درامالی ازابن عباس روایت کرده گفت چون سوره کوثر بر پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شدامیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد ای رسول خدا کوثر چیست ؟ فرمود نهریست که خداوندگرامی داشته مرا بآن نهر گفت آن نهر شریف را برای ما وصف فرمائید پیغمبراکرم فرمود یا علی کوثر نهریست که‌از زیر عرش‌پروردگار جاری میشود آب آن از شیر سفید تر و از عسل شیرین تر است حصار آن زبرجد و یاقوت و مرجان است وگیاه آن زعفران و خاکش از مشک و عنبر است آن نهر بمن‌و تو وشیعیانت اختصاص دارد من و تو و عترت و اهل بیت ما کنار کوثر ایستاده ایم هر کس میخواهد ما را ملاقات کند باید کنار کوثر ملاقات نماید و

کسانی ما را میتوانند ملاقات کنند که از سخنان ما تجاوز نکنند پس شما مردم کوشش کنید تاما را کنار کوثر ملاقات نمائید سیراب میکنیم دوستان خودرا از نهر کوثر ومانع میشویم از ورود دشمنان بر آن و هر کس شربتی از کوثر بیاشامد بعد از آن تشنه نخواهد بود.

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز صبح را بجا آورد پس از آن متوجه امیرالمؤمنین علیه السلام شد فرمود یا علی این نور چه نوریست که تورا احاطه نموده عرض کرد ای رسول خدا محتاج غسل کردن بودم از منزل خارج شدم و راه بیابان گرفتم و رفتم در طلب آب، نیافتم باز گشتم هنگام مراجعت منادی صدا زد ای امیرالمؤمنین متوجه صدا شدم کسی را نیافتم دیدم طشتی از طلا مملو از آب است کنار آن ابریقی گذاشته اند از آن آب غسل کرده این نور ازاثر آن آب است. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود منادی جبرئیل بود و آن آب را از نهر کوثر برای تو آورده. کنار کوثر دوازده هزار درخت است هر وقت اهل بهشت میل پیدا کنندبطرب، بادی بر آن درختان میوزد صدای فرحناکی بگوش آنها میرسد که اگر نه آن بود که خدایتعالی مرگ را از اهل بهشت بر طرف کرده بود همانا از شدت حلاوت وخوشی و فرحناکی آن صدا میمردند و آن نهر در بهشت عدن است و مخصوص من و تو و فاطمه وحسن وحسین میباشد.

پایان سوره کوثر

(سورة كافرون)

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ (۱) لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ (۲) وَلا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ (۳) وَلا أَنَا عابِدٌ ما عَبَدْتُمْ (۴) وَلا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

سوره کافرون در مکه نازل شده، شش آیه و بیست و شش کلمه و هشتاد و هشت حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود سوره توحید ثلث قرآن و سوره کافرون ربع آن میباشد هر کس این دو سوره را در وقت خواب قرائت کند از شرك بخدا بری شود و چنانکه در نمازهای واجب قرائت کند اینسوره را خداوند او و پدر و مادرش را بیامرزد و اگر ازجمله اشقیا باشد محو کند او را وداخل در سعدا گرداند و ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود بجبیر اگر میخواهی در سفر حال تو بهتر و زادت از همراهان خود بیشتر شود سوره کافرون و نصر وتوحید ومعوذتین رافرائت کن.

جبیر میگوید سفری رفتم که در آن مالم کمتر وزادم از همه همراهان اند کتر بود چون بدستور رسول خدا آن پنج سوره را قرائت کردم مالم بسیار شد و نیز فرمود هر کس این سوره را بخواند شیاطین ازاو دور گردد ودرقرآن هیچ سوره‌ای نیست که شیطان دشمن تر بدارد از این سوره چه این سوره برائت ازشرك است.

سوره کافرون مشتمل است بر برائت از کفار.

قوله تعالی (قل یاایها الکافرون لااعبد ماتعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا

ترجمه سورۀ کافرون

بنام خداوند بخشندۀ مهربان

ای رسول ما بکافران بگو (۱) من آن بتان را که شما بخدائی می‌پرستید هرگز نمی پرستم (۲) و شما هم آنخدای یکتـائیکه من پرستش میکنم پرستش نمی کنید (۳) نه من خدایان باطل شما را ستایش میکنم (٤) و نه شما یکتاخدای معبود مرا پرستش خواهید کرد (۵) پس دین شرك شما برای خودتان ودین توحید و خدا پرستی من هم برای خودم باشد (٦)

پایان ترجمه سوره کافرون

انا عابد ماعبدتم ولاانتم عابدون مااعبد لکم دینکم ولی دین)

علی بن ابراهیم از ابا جعفر احول روایت کرده که ابوشاکر از من سؤال نمود آیا شخص سزاوار است اینگونه تکلم کند و سخن خود را مرتبه ای بعد از مرتبه دیگر تکرار نماید من جواب او رانتوانستم بگویم بمدینه طیبة مشرف شدم از حضرت صادق عليه‌السلام اینسوره و جهت تکرار آنرا سؤال نمودم فرمود سبب نزول سوره آن بود که جماعتی ازقریش از آن جمله حارث قیس سهمی و عاص بن وائل و ولید بن مغیره و اسود بن عبد یغوث و اسودبن مطلب وامیة بن خلف بودندحضور پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله رسیدند گفتند ای محمد صلى‌الله‌عليه‌وآله با ما موافقت کن تا ما نیز با تو موافقت کنیم یکسال خدایان مارا عبادت کن تا مایکسال خدای تورا عبادت کنیم اگر دین ما بهتر باشد تو از آن بینصیب نخواهی بود و چنانچه دین تو بهتر باشد ما از آن خیر بی‌نصیب نخواهیم بود پیغمبر اکرم صلى‌الله‌عليه‌وآله فرمود یکساعت دین شما را اختیار نخواهم کرد گفتندپس یکمرتبه براین بتهای ما سلام کن تا ما بتوایمان آوریم و خدای ترا عبادت کنیم فرمود اینکار هم نخواهم کرد و مقصود آنها این بود که پیغمبر را مدنس کنند و هرگز ایشان ایمان نمیآوردند بلکه بر کفرخود اصرار میورزیدند جبرئیل نازلشد و اینسوره را آورد و تکرار آن برای آن است که جواب آنها را مانند خود ایشان بدهدپس در جواب آنها که گفتند عبادت کن

خدایان ما را یکسال فرمود، قل یاایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ای رسول ما در جواب کافران مشرك بگو من آن بتها و خدایان شما را هرگز نمیپرستم و در پاسخ ایشان که گفتند ما نیز یکسال خدای ترا میپرستیم فرمود ولا انتم عابدون ما اعبد و شما هم آن خدای یکتائیکه من پرستش میکنم پرستش نمیکنید و در جواب مرتبه دیگر آنها که گفتند تو عبادت کن خدایان ما را یکسال فرمود ولا انا عابد ما عبدتم من نیز خدایان باطل شمارا عبادت نمیکنم و در پاسخ گفتارشان که گفتند ما پرستش میکنیم خدای تورا یکسال فرمود ولا انتم عابدون ما اعبد و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد پس دین شرك شما برای خودتان باشد و دین توحید وخدا پرستی منهم برای من تا روزیکه بامر خدا شما را از شرك بر گردانم، ابوجعفر احول میگوید برگشتم بجانب عراق واین فرمایشات را در جواب سخنان ابوشاکر گفتم ابوشاکر جوابداد اینکلمات را از حجاز بار شتر کرده‌ای سخنان خودت نمیباشد ابو جعفر میگوید حضرت صادق علیه‌السلام بعد از فراغت این سوره سه مرتبه فرمود دین من اسلام است - طبرسی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هرگاه فارغ شدید از قرائت سوره کافرون دو مرتبه بگوئید اعبد الله وحده و چون تلاوت نمودید آیه لا اعبد ما تعبدون را بگوئید ولکن اعبدالله مخلصا له دینی و فرمود هر کس اینسوره را در وقت طلوع آفتاب ده مرتبه قرائت کند هر حاجتی که از خداوند بطلبد باجابت رسد.

پایان سوره کافرون

سورة النصر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

سوره نصر درمکه نازل‌شده ، سه آیه و شانزده کلمه وهفتاد وهفت حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نصر را در نمازهای واجب و مستحب قرائت کند خداوند او را بر تمام دشمنان نصرت دهد وبا او کتابی باشد که نوشته شده ایمن است از آتش جهنم و هنگامیکه از قبر بیرون آید عبور نکند بچیزی مگر آنکه بشارت دهند او را بخیر تا داخل بهشت گردد و در دنیا درهای خیر بروی او گشاده شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده فرمود هر کس سوره نصررا قرائت کند مانند کسی است که درروز فتح مکه در رکاب من بوده و اگر آنرا درنماز قرائت کند نمازش قبول گردد وچنانچه دراوقات نماز اینسوره راهفت مرتبه بخواند نمازش به بهترین وجهی پذیرفته شود .

سوره نصر مشتمل است بر فتح وفیروزی اسلام و ظهور دین .

قوله تعالی (اذاجاءِ نصرالله و الفتح ورأیت الناس یدخلون فی دین‌الله‌افواجا فسبح بحمد ربك‌و استغفره انه کان توابا) اینسوره سال حجة الوداع در منی‌نازل شد. پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بگریست و فرمود خبر مرگ مرا بمن دادند چه پیش از این جبرئیل خبر داده بود گشودن مکه آخر عهد شما خواهد بود و دیگر آنکه هر کار بنهایت برسد وقت زوال آن میباشد وداستان فتح مکه بدینقراراست:چون پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال حدیبیه با قریش صلح کرد و از جمله شروط صلح آن بود که هر که می‌خواهددر عهد رسول خدا باشد بر او اعتراضی نیست و هر کس

ترجمه سوره نصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه یاری خدا و فتح و فیروزی مکه فرا رسد (۱) در آن روز مردم را بنگری که فوج فوج بدین خدا داخل میشوند (۲) پس ستایش کن و پاك ومنزه دان پروردگار خود را و از او مغفرت و آمرزش طلب که او توبه پذیر است (۳)

پایان ترجمه سوره نصر

بخواهد در عهد قریش برآید، چنانکه شرح آن در سوره فتح بیان شد بنو خزاعه در عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آمدند و بنو بکر در عهد قریش رفتند ومیان این دو طایفه مخالفت و کینه و نزاع بود از عصر قدیم و زمان جاهلیت و پیوسته در صدد بهانه جوئی بودند که جنگ و جدال کنند عاقبت بنو بکر به بنو خزاعه کید و مکر کردند و به پشتی بانی و یاری قریش بر آنها شبیخون زدند و کارزار کردند و چند نفر را از خزاعه بقتل رسانیدند واز جمله کسانیکه یاری کردندبنوبکر را عکرمة بن ابی‌جهل و سهیل بن عمر بود عمرو بن سالم خزاعی از مکه بیرون آمد حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه شرفیاب شد وعهد شکنی قریش رابسمع مبارك آنحضرت رسانید پس از آن بدیل بن و رقاء خزاعی حضورش رسید و خبر داد از عهدشکنی قریش. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خداوند یاری نکند مرااگر یاری نکنم طایفه بنو خزاعه را سپس فرمود دل خوش دارید که من انتقام‌ازقریش خواهم کشید قریش هم از کردار خود پشیمان شدند و ترسیدند لذا ابو سفیان را روانه مدینه کردند و باو گفتند برو با محمد صلی الله علیه و آله تجدید عهد کن و در مدت صلح بیفزای چون ابوسفیان از مکه خارج شدرسول اکرم صلی الله علیه و آله باصحاب فرمودبهمین زودی ابوسفیان وارد مدینه خواهد شد تاعهدرا تازه کند ابوسفیان در بین راه‌بدیل را ملاقات کرد.با جماعتی از خزاعه از آنها سؤال کرد از کجا میآئید گفتند برای سیر و گردش رفته بودیم ابوسفیان‌برفقای خود گفت گمان میکنم بدیل وطایفه‌اش بمدینه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند و شکایت کردند از ما قریش و از ما پنهان

و پوشیده داشتند این موضوع را به بینیدا گر در فضله شتران آنها که افکنده اند استخوان خرما هست از مدینه آمده اند چون رفتند مشاهده کردند در فضله های شتران ایشان استخوان خرما وجود داشت گفت اینان از نزد محمد ﷺ آمده اند ابو سفیان وارد مدینه شد در مسجد رفت عرض کرد ای محمد ﷺ خون قوم خود را حفظ کن و بآنها مهلت بده و در مدتشان بیفزای فرمود مگر شما قریش عهدیکه با من بستید شکستید عرض کرد خیر فرمود بر طبق عهد خود ما هستیم و دیگر سخنی با ابوسفیان نگفت ابوسفیان نزد ابوبکر رفت بهاو گفت برای من بـا محمد ﷺ سخن گوی جوابداد نمیتوانم سخنی بگویم نزد عمر رفت همان جواب‌داشنید پس از آن رفت نزددخترش ام حبیبه که عیال پیغمبر اکرم ﷺ بود خواست‌پای خود را برهنه کند و روی‌فرش بنشیند ام‌حبیبه فرش را جمع کرد گفت ای دخترم بخل کردی که روی فرش بنشینم ام‌حبیبه جوابداد این جای رسول خدا است وتو مشرك و پلید هستی من‌روا نمی‌دارم بجای پیغمبر بنشینی از آنجا هم بیرون‌رفت نزد حضرت فاطمه رفت باو گفت ایسیده زنان دو جهان پناه ده قریش را و در مدت صلح آنها بیفزای‌فرمودپناه من‌رسول‌خدا است‌عرض کردآیا امر نمیکنی‌فرزندانت حسن و حسین ﷺ مارا نزد جدشان حمایت کنند و این فخر تا قیامت بر آنها باقی بماند فرمود فرزندان من کودك هستند و در جهان چه کسی حمایت میکند از دشمن پیغمبر خدا پس از آن حضور امیرالمؤمنین عرض کرد یا ابوالحسن کار بر من سخت شده چه دستوری می‌دهی فرمود تو بزرگ قوم هستی برو در مسجدو بگو من حمایت میکنم قریش‌را اگر پیغمبر اکرم ﷺ جواب‌دهد تورا مقصودت حاصل میشود واگر جواب ندهد جز این چاره ای نیست بهمین دستور عمل کرد و بطرف مکه روانه شدقریش باو گفتند چه کردی داستان خودرا بیان کرد گفتند علی تورا مسخره کرده است جواب داد چاره ای جز این نداشتم آنگاه رسول خدا امر فرمود باصحاب مهیا شوندبرای جهاد باهل مکه و فرمود احوال ما را پوشیده دارید تا ناگهان بمکه فرود آئیم من از خداوند درخواست کرده ام که خبر مارا بر اهل مکه پنهان بدارد در آنوقت حاطب بن ابی بلتعه نامه ای نوشت برای‌اهل

مکه و آنها را خبر داد از حرکت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و نامه را بوسیله زن سیاهی فرستاد جبرئیل نازلشد و پیغمبر را خبر داد از نامه آنحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را با زبیر فرستاد تا نامه را از آن زن بگیرند و شرح نامه و گرفتن آنرا درسوره ممتحنه ذیل آیه ۱ - بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روز دهم ماه‌رمضان سال هشتم هجری با ده هزار نفر از مهاجر و انصار ازمدینه بیرون آمد و بجانب مکه رهسپار شد و شخصی از طایفه بنی غفار را در مدینه جای خود گذاشت دربین راه ابوسفیان‌بن حرث بن عبد المطلب و عبدالله بن امیة بن مغیرة را ملاقات‌نمود چون پیغمبر و اصحاب او را دیدند ترسیدند و دانستند که اهل مکه نمیتوانند با اینهمه لشگر مقاومت نمایندخواستند حضورپیغمبر برسند وامان بطلبندآنحضرت اجازه نداد ام سلمه عرض کرد ای رسول خدا یکی پسر عمو و دیگری پسر عمه شما است از شما امان میطلبند فرمود اینها جفا کردند در حق من نمیخواهم آنها را به بینم ابوسفیان پسر خردسالی همراه داشت گفت بخدا قسم اگر محمد صلی الله علیه و آله مرا بخود راه ندهد دست این پسر را میگیرم و در این بیابان میروم تا ازگرسنگی و تشنگی بمیرم رسول خدا چون این سخن را بشنید بحالت او ترحم نمود اجازه‌داد وارد شدند و اسلام آوردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نزول اجلال فرمود بمنزل ظهوان و خبر آنحضرت بر قریش پوشیده بود و از آمدن آن بزرگوار اطلاعی نداشتند ابوسفیان بن حرب وحکیم بن حزام وبدیل بن‌وقار ازمکه بیرون آمدند درتجسس بودند عباس عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت اگر رسول خدا باین هیئت و کیفیت وارد مکه بشود اثری از قریش باقی نخواهد ماند بر شتر پیغمبر سوار شد گفت میروم شاید هیزم کنی یا ساربانی‌را به بینم و بوسیله آنها بقریش خبر دهم تابیایند و از رسول خدا امان بگیرند آن سه نفر که از مکه بیرون آمده بودند بر بلندی کوه رفتندآتش بسیاری‌را مشاهده نمودندباخود گفتند آتش چیست بدیل‌میدانست که لشگر پیغمبر است ولی پنهان کرد و گفت آتش بنی خزاعه است عباس درشب تاریکی بآنها رسید گفت ای‌ابوسفیان‌توئی شناخت عباس راگفت ای اباالفضل آری

من هستم چه خبر داری، عباس گفت رسول خدا با ده هزار نفر بسوی مکه و شما می‌آید البته طاقت مقاومت با او را ندارید ابوسفیان گفت پس چاره چیست عباس گفت بر این شتر سوار شو تا برویم حضور رسول خدا امان از برایت بگیرم اورا سوار شتر کردم و آوردم در خیمه رسول خدا بنشاندم داخل خیمه‌شدم عرض کردم ای رسول خدا ابوسفیان روی بشما آورده من شفاعت میکنم از او فرمود فردا اورا پیش من بیاورعباس میگوید فردای آنروز او را حضور پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بردم فرمود ای ابوسفیان وقت آن نرسیده که ایمان آوری وبگوئی لا اله الاالله‌ابوسفیان گفت پدر و مادرم فدای توباد من دانستم که جز خدا خدای دیگری نیست اگر می‌بود روز بدر و احد و امروز بفریاد من میرسید فرمود وقت آن نیست گواهی بدهی که من رسول خدا هستم ابوسفیان گفت تن و جانم فدای تو باد مرا در نفس چیزیست مهلت‌دهید مرا عباس‌میگوید من گفتم وای برتو ای ابوسفیان اسلام‌آور پیش از آنکه گردنت را بزنند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله امر فرمود او را در گذرگاه لشگر بدارندتامردم اورا مشاهده کنند ابوسفیان‌رادرجای تنگی واگذاشتند گروه لشگر که میگذشت سؤال میکرد ایمان کیستند جواب می‌دادند بنوفلان وبنوفلان تا آنکه موکب رسول خدا رسید با جلالت و بزرگواری ابوسفیان رو کرد بعباس وگفت پسر برادرت ملکی عظیم‌یافت عباس میگوید باو گفتم وای برتو این‌منصب نبوت و پیغمبریست نه پادشاهی آنگاه بدیل‌بن ورقا و حکیم بن حزام آمدنداسلام اختیار نمودند وبیعت کردند پیغمبر اکرم آنهارا فرستاد تا مردم را باسلام‌دعوت کنندو حرکت‌رسول خدابسرعتی صورت گرفت که تاهنگام ورود وی‌بدروازه‌های مکه قریش فکرنزدیك شدن او را نمی‌کردند برای رعایت احتیاط شهر مکه محاصره شد و حضرتش جامه شنجرفی پوشیده و بر شتری بنام القصوی سواربود با پیروزی وارد شهر مکه شد پرچم‌بدست سعد بن عباده انصاری بود رجزمیخواند و میگفت الیوم یوم الملحمه الیوم تسبی الحرمه عباس حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا می‌ترسم امروز سعد را بر قریش صولت واثری باشد که عار آن برما بماند رسول اکرم امیرالمؤمنین علیه‌السلام را خواست پرچم را از سعد گرفت بدست آن بزرگوار داد و فرمود کسی را مکشید مگر آنکه با شما قتال کنند.

چون پیغمبر وارد شد تمام بزرگان قریش از ترس کشته شدن وارد خانه کعبه شدند رسول خدا داخل خانه کعبه شد ایستاد مقابل درو با صدای بلند فریاد زد لااله الاالله وحده انجز وعده ونصر عبده و هزم الاحزاب وحده ای مردم بدانید و آگاه باشید هر مال و خونیکه ادعا می کنند در زیر قدم من است مگر سدانت کعبه و سقایت حاج که بر میگردد باهلش و هر کس عمداً کسی را بکشد باید دیه مغلظه بدهد ایطایفه قریش خداوند نخوت جاهلیت را از میان شما برد بدانید همه مردم ازآدم و حوا هستند وخدای تعالی آدم را از خاك آفرید و آیه (یاایها الناس اناخلقنا کم من ذکر و انثی) راتلاوت نمود و جمعیت ازهر طرف وجود مقدسش را محاصره کرده بودند متوجه مردم شد و فرمود ای اهل مکه از من چه انتظار دارید؟ من با شما چه کنم هزاران صدا ممزوج با تضرع و استرحام از میان جمعیت بلند شد و همه گفتند از تو انتظار داریم همان معامله ای را بکنی که یوسف با برادران خودش نمود و آنچه لایق کرم تو است باما رفتار نمائی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود امروز همه شمارا آزاد کردم (اذهبوا انتم الطلقا) بروید همه شما آزادید ازآنروز اهل مکه را طلقا خوانند این جمله کوتاه را بعنوان اولین منشور آزادی بشر تلقی کرده اند سپس رسول خدا برای آنکه بادست خودش بت‌های داخل کعبه را نابود کند هفت مرتبه دور کعبه طواف نمود بتهارا نابود می کرد و میفرمود:

(جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا) آنگاه اهل مکه باحضرتش بیعت کردند و باین کیفیت فتح مکه بپایان رسید و مردم فوج فوج داخل اسلام میشدند و پس از آنکه سوره نصر نازلشد پیغمبر اکرم بسوی مسجد خیف درمنی تشریف بردند متوجه مردم شده وفرمودند خداوندیاری کند هر کسی را که سخنان مرا بشنودو حفظ کند و برساند بآنهائکه نشنیده اندچه بسا حامل علمیکه نیست او عالم و چه بسیار حامل علمیکه میگوید و میرساند آنرا بشخصیکه او داناتر از خوداو است. سه طایفه هستند که خیانت کرده نشوند یکی مرد مسلمانی که عمل خود را خالص گرداند از برای خداوند دیگری امام مسلمین است که نصیحت میکند مردم را، سوم کسانی هستند که ملازم جماعت مسلمانانند دعای این سه طایفه ازعقب

سر احاطه نموده مردم را ای مردم بدانید و آگاه باشید میان شما بجای خود دو چیز پربها وبزرگ رامیگذارم اگر شما بآن دو چیز تمسك بجوئید هرگز گمراه نخواهیدشد: یکی قرآن است و دیگری عترت و اهل بیت من می‌باشد هرگزاین دو چیز از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و فرمود آنها مانند دوانگشت سبابتین هستند نه مثل سبابه ووسطی که فاصله هست میان آنهاو دیگری برتری داره برآن یکی.

و در امالی ازامیرالمؤمنین علیه‌السلام روایت کرده فرمود وقتی سوره نصرنازل شد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بمن فرمود علی واجب کرده خداوند بر مؤمنین جهاد را در زمان فتنه بعدازمن چنانکه واجب نموده جهاد با مشرکین را با من عرض کردم ایرسول خدا فتنه چیست که‌درآن‌زمان جهاد واجب‌شده،فرمودبزودی‌طایفه‌ای‌ظاهر شوند که‌شهادت می‌دهند بلااله الاالله وباینکه من رسول‌خدا هستم ولی آنهامخالفت میکنند با طریقه من وطعنه می‌زنند در دین اسلام گفتم ایرسول خدا آیا باچنین اشخاصی که شهادت بخدا و رسول می‌دهند جهاد کنم فرمود بلی چه ایشان دردین من بدعت میگذارند و از امر و نهی خدا دوری میجویندو خون عترت و ذریه مراحلال می‌دانند عرض کردم ایرسول خدا شماوعده‌شهادت بمن داده‌اید ازخداوند بخواهیدتعجیل‌اورا،فرمودچگونه‌است‌صبرتو یاعلی هرگاه خضاب شودمحاسنت از خون سرت گفتم ایرسول خدا صبرمینمایم فرمود بلی چنین است آماده شوازبرای خصومت چه مخاصم امت من تو هستی گفتم ایرسول خدا راهنمائی بفرما مرا برستگاری فرمود هروقت قومت عدول کردند از هدایت بسوی گمراهی مخاصمه نما با آنها چه هدایت از طرف خداوند است و گمراهی از جانب شیطان ایعلی تو بر هدایت هستی و هدایت متابعت و پیروی کردن از او امر خدا است نه پیروی نمودن ازهوای نفس ورأی خود گویا مشاهده می کنم که این مردم تأویل میکنند قرآن را و میگیرند متشابهات آنرا وحلال می‌دانند شراب را و منع میکنندزکوة را عرض کردم ایشان چه اشخاصی هستند فرمود اهل فتنه می‌باشند با آنها جهاد

کنید تا بر گردند بجانب عدل گفتم ایرسول خدا آیا عدل از طرف ما است‌فرمود بلی عدل از ما است بوسیله ما فتح میشود و بما ختم میکند پروردگار عدل خود را و بسبب ما الفت اندازد میان دلهای مردم بعد از مشرك بودن آنها وفتنه کردن ایشان گفتم الحمد لله حمد برای خدائی که بخشید بما ازفضل‌وموهبت خود .

طبرسی از ابن مسعودروایت کرده که زمانیکه سوره نصر نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میفرمود سبحانك اللهم اغفرلی انك انت التواب الرحیم .

پایان سوره نصر

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

تَبَّتْ يَدا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (١) ما أَغْنى عَنْهُ مالُهُ وَما كَسَبَ (٢) سَيَصْلى
ناراً ذاتَ لَهَبٍ (٣) وَامْرَأَتُهُ حَمّالَةَ الْحَطَبِ (٤)
فِي جِيدِها حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ (٥)

سورة اللهب

سوره ابی لهب در مکه نازل شده، پنج آیه و بیست کلمه و هفتاد و نه حرف است.

خواص و ثواب قرائت آن: ابن بابویه از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود هرگاه قرائت کنید سوره ابی‌لهب را لعنت فرستید بر ابی‌لهب زیرا او از تکذیب کنندگان رسول خدا بود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند جمع نکند میان او و ابولهب در دوزخ و هر کس قرقره شکم داشته باشد بر او خوانده شود ساکن گردد و اگر در وقت خواب اینسوره تلاوت کند در حفظ خدا باشد.

سوره تبت مشتمل است بر توبیخ و وعید ابولهب و عیالش و حفظ نمودن پیغمبر اکرم ازاذیت و آزار ابو لهب وام جمیل همسر او.

قوله تعالی (تبت يدا ابی‌لهب و تب ما اغنی عنه ماله وما كسب سيصلى نارا ذات لهب و امرأته حمالة الحطب في‌جيدها حبل من مسد) سبب نزول این سوره آن بود: چون آیه‌و انذر عشيرتك الاقربين بر پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله نازل شد آن حضرت بنی عبد المطلب و بنی‌عبد مناف و بنی‌هاشم را جمع کرد و بآنها فرمود اگر من بگویم در زیراین کوه لشگری فرود آمده وقصد دارد شمارا غارت کند باورمیکنید؟

ترجمه سوره لهب

بنام خداوند بخشنده مهربان

بریده باد دو دست ابی‌لهب و قطع گردد (۱) مال و ثروتیکه اندوخت بینیازش نگرداند و از هلاکش نرهاند (۲) زود باشد که بدوزخ در آتشی شعله‌ور درافتد (۳) و همسرش هیزم آتش افروز دوزخ است (٤) در گردن او ریسمانی است از لیف خرما (۵)

پایان ترجمه سوره لهب

گفتند بلی فرمود من شمارا می‌ترسانم بعذاب سخت دوزخ ابولهب گفت تبالك ما را برای این موضوع دعوت نمودی خداوند در پاسخ گفتار ابولهب سوره تبت را نازل فرمود.

در بصائر الدرجات ازحضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمودشبی پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در نماز سوره تبت را قرائت نمود ام جمیل گفتند محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در نمازش هتك حرمت تو و شوهرت را نمود بیرون آمد در طلب آنحضرت و میگفت اگر محمد را به بینم هلاك می کنم اورا .رسید به نزدیك پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ابوبکر حضور رسول خدا نشسته بود عرض کرد ای رسول خدا من از ام جمیل می‌ترسم فرمودهرگز نخواهد دیدمرا سؤال کرد ای ابوبکر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را ندیدی خداوندمیان اوو پیغمبرش پرده‌ای پوشید که ام جمیل رسول خدارا ندید.

ابولهب فرزندعبد المطلب وعموی پیغمبر بود عیالش دختر صخر وخواهر ابوسفیان سخن چینی می کرد از برای پیغمبر وخبر آنحضرت را بکفارمی‌رسانید و شوهرش را وادار می کرد بر اذیت وآزار پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله وقلاده و گردن‌بند گرانبهائی داشت در گردن گفت این قلاده را در عداوت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله مصرف خواهم کرد ومسد عبارت ازگردن‌بند است، و ابن عباس گفت مراد از مسد زنجیر آهنین است که طولش هفتاد ذراع میباشد در دهنش کنند واز زیرش بیرون آرند روزقیامت. و بعض دیگر گفتند مقصود ازمسدلسنی بود که بآن هیزم می آوردچه او ازخساست

طبع خودش می‌رفت هیزم می‌آورد و خارهائی سرراه پیغمبر اکرم میانداخت برای اذیت و آزار آنحضرت. و چون رسول خدا ابولهب را از عذاب دوزخ می‌ترسانید میگفت اگر قیامت راست باشد من خود را از دوزخ بمال میخرم چه او مواشی و مال بسیاری داشت پروردگار فرمود دفع نکند اورا از دوزخ مالش و بینیاز نگرداند.

در کافی از حضرت صادق علیه‌السلام روایت کرده فرمود چون قریش قصد کشتن پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را نمودند گفتند با ابولهب چه کنیم؟ ام جمیل عیال او گفت من اورا بازمیدارم و میگویم دوست دارم امروز در خانه بمانی ابولهب و عیالش در خانه نشسته مشغول خوردن و آشامیدن بودند و کفار مهیای قتل پیغمبر شدند حضرت ابوطالب امیرالمؤمنین علیه‌السلام راطلبید باو گفت ای فرزندم برو نزد عمویت ابولهب، اجازه ورود بخواه اگر در را باز نمودند داخل بشو و گرنه در را بشکن و وارد خانه‌شو، بگو پدرم میگوید امرء قوم عاجز و ذلیل و خوار نشدند امیرالمؤمنین رفت پیغام پدر را رسانید ابولهب گفت ای فرزند برادرم پدرت راست میگوید چه میخواهی فرمود پسر برادرت محمد را میخواهند بقتل برسانند و تو در خانه آسوده و فارغ بال مشغول خوردن و آشامیدن هستی. چون این سخن را شنید ازجا بلندشد، شمشیرش را بدست گرفت عیالش میخواست ممانعت کند ازاو، چنان سیلی بصورتش زد که دیدگانش برگشت، بیرون آمد ازخانه ومتوجه کفار قریش شد، بآنها گفت من با شما بیعت کردم تا پسر برادرم را بقتل برسانید؟! قسم بدوبت بزرگ لات وعزی همانا اسلام اختیار میکنم آنگاه مشاهده میکنید باشما چگونه معامله خواهم نمود کفار عذر خواهی کردندو برگشتند. واینسوره یکی از دلایل صدق نبوت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است چه خبرداد بوسیله این سوره که ابولهب وعیالش امجمیل برحالت کفر بمیرند و داخل دوزخ شوند وآنها بحالت کفر مردند.

پایان سوره ابی‌لهب

سورهٔ اخلاص

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (١) اللَّهُ الصَّمَدُ (٢) لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ (٣)
وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ (٤)

سوره اخلاص در مکه نازل شده ، پنج آیه و پانزده کلمه و چهل حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن : در کافی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس در رختخواب خود یکمرتبه سوره اخلاص را قرائت کند خداوند گناهان پنجساله او را بیامرزد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کسیکه پنج روز بر او بگذرد و در نمازش سوره اخلاص نخواند باو گویند ای بنده خدا تو از نماز گذاران نیستی و فرمود هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد سوره اخلاص را رها نکند عقب هر نمازی و چون قرائت کند آن سوره را خداوند جمع نماید خیر دنیا و آخرت را برای او، و پدر و مادرش را بیامرزد و بمفضل فرمود خود را حفظ کن ازشر مردم بخواندن سوره اخلاص، آنرا از طرف راست و چپ و از پیش و عقب و بالای و پائین خود قرائت کن . و چون بر پادشاهی وارد شوی در وقت نظر کردن براو سه مرتبه این سوره را قرائت کن و انگشتان دست چپ خود را بهم بگذار و باز نکن تا از نزد او خارج شوی و فرمود در نماز پس از قرائت بسم الله از هر سوره ای بسوره دیگر میتوان بر گشت مگر از سوره اخلاص و قل یا ایها الکافرون .

و فرمود نماز ازبین تمام سورهها با سوره قل هو الله است. و فرمود هر کس ده مرتبه قرائت کند سوره اخلاص را هنگامیکه از منزل خود خارج میشود در حفظ خداوند است تا بر گردد بمنزل . در تهذیب از ابن عباس روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ایعلی تو مانند سوره اخلاص هستی هر کس

ترجمه سوره اخلاص

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایرسول ما بگو او خدای یکتا است (۱) خدائی است که از همه بی نیاز و همه مخلوقات باو نیازمندند (۲) زائیده نشده و کسی فرزند او نیست (۳) و نمیباشد کسی مثل و همتای او (٤)

پایان ترجمه سوره اخلاص

یکمرتبه اینسوره را قرائت کند ثلثی از قرآن را تلاوت نموده و چنانچه دومرتبه بخواند دو ثلث قرآن را قرائت کرده و اگر سه مرتبه بخواند سه ثلث قرآن را قرائت نموده. همچنین هر کس تورا بدل دوست داشته باشد اجر و ثواب ثلث عبادت را باو بدهند و چنانچه بزبان ودل دوست بدارد ترا دو ثلث اجر وثواب باو بدهند و اگر بزبان و دست و دل ترا دوست میدارد اجر و ثواب تمام عبادت باو کرامت کنند ابن بابویه از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله باصحاب خود فرمود کدام یك از شما تمـام مدت عمر خود را روزه میدارید و کدام یك تمام شبها را زنده داری مینمائید سلمان فارسی عرض کرد ای رسول خدا من پیوسته روزها را روزه میدارم وشبها را بعبادت و زنده داری مشغول هستم و هر روز یك قرآن ختم میکنم بعضی از اصحاب از سخنان سلمان در غضب شدند و گفتند ای رسول خدا این مرد فارسی می‌خواهد بر ما عربها فخرومباهات کند دروغ میگویدما بسیاری از روزها را دیدیم روزه دار نیست و شبها میخوابد پیغمبر اکرم در پاسخ آن فرمود چه میگوئیدشما، سلمان مانند لقمان حکیم است سؤال کنیدازاو تا جواب بدهد آنوقت سلمان گفت من در هر ماه سه روز روزه میدارم و خداوند میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها.

(هر کس عمل نیکی بجا آورد ده برابر خداوند پاداش باو مرحمت می-کند) و متصل میکنم ماه شعبان را بماه رمضان باین کیفیت تمام روزها را روزه میدارم وپیغمبر اکرم فرمود هر کس با طهارت بخوابد مانندآنست که شب زنده

داری نموده من شبها با وضوء می‌خوابم و هرروز سه مرتبه سوره اخلاص میخوانم آن اصحابه چون این سخنانرا از سلمان شنید گویا سنگی بدهانش انداختندومنفعل و شرمسار شد دیگر سخنی نگفت و خطیب خوارزمی که از علماء مخالفین است از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود علی مانند سوره اخلاص است چنانچه شرحش گفته شد.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس اینسوره‌را قرائت کند یا گوش بدهد بقرائت آن خداوند دوست بدارد او را و هر کرا خدا دوست داشت از آتش دوزخ نجات یابد و اگر اینسوره را بر قبرهای مردگان بخواند ثواب بسیاری دارد واینسوره حرز هر آفتی است واز حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس این سوره راقرائت کند و ثوابش را هدیه نماید برای مردگان برای او ثواب تمام قرائت قرآن باشد وچنانچه بخوانند این سوره را بر کسیکه چشم او درد میکند بقدرت خداونددردش ساکن گردد واز حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود هر وقت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از قبرستان عبور می‌نمود یازده مرتبه سوره اخلاص‌را تلاوت میفرمود وثواب آنرا بروح مردگان هدیه میکردومیفرمود هر کس باین دستور رفتار کند خداوند بتعداد مرده گان آن قبرستان اجر وپاداش باو عطا کند.

این سوره مشتمل است بر بیان توحید.

(قل هوالله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد)

طبرسی از حضرت عسکری روایت کرده فرمود سبب نزول این سوره آن بود دشمنان خدا یهودیان و علماء آنها از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند که توصیف کند وخبر بدهد آنها راازخداوند، سوره اخلاص در پاسخ سؤال ایشان نازل شد، درمجمع از ابی بن کعب روایت کرده که سبب نزول سوره آن بود مشرکین از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند نسبت خدای خود را برای ما بیان کن و بگوی خدای تو چیست از زر است یا از سیم یااز روی و یا از آهن خدای تعالی درپاسخ سؤال آنها این سوره را فرستاد و آتشی فرود آمد بعض از آنهارا بسوخت وبعضی

دیگر فرار کردند ودر واقعه‌ای هلاك شدند .

در احتجاج ازداودبن قاسم روایت کرده که از حضرت جواد معنای قل‌هوالله احد را سؤال نمودم فرمود احد کسی است که همه مردم متفقاً اقرار دارند به یگانگی او مگر نمیشنوی، قول پروردگار را که میفرماید و لئن سئلتهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر لیقولن الله .

(اگر از این مردم مشرك سؤال کنی چه کسی آسمان و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر نموده میگویند خدای تعالی) با این وصف پس از گفتار نخست برای‌او مصاحب و شریك قائل میشوند ابن بابویه از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود صمد چیزیست که جوف ندارد نمی‌خورد و نمی‌آشامد و نمی‌خوابد و دائم است و هر گز برای او زوالی نیست و تغییر نکند و هر وقت اراده فرماید فوراً ایجادشود وکسی استکه ایجاد نموده وآفریده تمام اشیاء را ازاضداد واشکال‌و ازواج، وخود متفرد است به یگانگی ، ضد وشکل‌و مثل و مانندوشریکی ندارد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود احدنوریست که در آن ظلمت و تاریکی‌نمیباشد و علمی است که جهل و نادانی در آن نیست و صمد چیزیستکه جوف ندارد وجزء و اجزاء در آن نیست لم یلد یعنی حادث نیست ولم یولد یعنی در اصلاب و ارحام نبوده ولم یکن له کفو یعنی شبیه و شریك ندارد و از برای او یار و معینی نیست واحد یعنی جزء و اجزاء ندارد و دارای کم و کیف نیست وواقع نمیشود براو اسم عدد و نه زیاده و نقصان و در حدیث دیگر فرمود صمد یعنی منتهی میشود بسوی‌او اشیاء و اهل آسمان‌و زمین درحوائجشان برمیگردند بسوی‌او لم یلد یعنی‌فرزندی از برای او نیست‌چنانچه یهودو نصاری میگویند عزیر ومسیح فرزندان خداهستند و قریش میگویند فرشتگان دختران خدایند و مجوس میگویند خورشید و ماه و ستارگان فرزندان خدا هستند خداوند لعنت کند تمام آنها را ولم یولد یعنی در صلب و رحم نبوده و از شیئی خلق نشده‌ولم یکن له‌کفواً احد یعنی نیست ازبرای او شبه و مثل و نظیر و مانندی در آنچیزیکه عطا و تفضیل و مرحمت میفرماید بر

بندگانش، واحد وواحد یکی‌استوتوحید اقرار بیگانگی اواست ومراد از واحد واحد عددی نیست‌چنانچه امیرالمومنین عليه السلام میفرماید واحد لا بالعدد .

طبرسی از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود هو اشاره بغایب است هاء آن تنبیه است از معنای ثابت و واو اشاره است بر اینکه خدا غایب است ازحواس ظاهره بشر چنانچه هذا اشاره است بحاضر و مشاهده بحواس چه کفار بحرف‌اشاره و هذا اشاره میکردندبخدایان خودو میگفتند هذه آلهتنا المحسوسة بالابصاراین خدایان ما است که بچشم مشاهده میکنیم او را ای محمد صلى الله عليه وآله توهم اشاره کن بآن خدائیکه پرستش میکنی او را تا ما به بینیم و درك کنیم خدایت را سوره نازل شد و امر فرمودبه پیغمبرش بگو ای‌محمد صلى الله عليه وآله هوالله احد پس ها اثبات میکندوجود ثابت پرورد گار راوواو اشاره است بر آنکه آن وجود ثابت مدرك به بصروبحواس ظاهره نیست و او مدرك ابصار و مبدع حواس‌است چنانچه فرمود لا تدرکه‌الابصار و هو یدرك الابصار و فرمود حضرت باقر عليه السلام امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود پیش از جنگ بدر شبی در خواب خضر پیغمبر را ملاقات نمودم باو گفتم تعلیم ده مرا چیزیکه بوسیله آن بر دشمنان غالب شوم گفت بگو یا هو یا منلا هوالا هو چون صبح شد خواب خود را برای پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله بیان نمودم فرمود یا علی خضر اسم اعظم خدا را بتو تعلیم نموده و فرمود قرائت کن قل هوالله احد را پس از آن بگو یاهو یامن لا هو الا هو اغفر لی و انصرنی علی القوم الکافرین امیرالمؤمنین فرمود مکرردر روز بدرو صفین این کلمات رامیگفتم عمار یاسر از حضرتش‌سؤال کرد این کنایات و کلمات چیست یـا امیرالمؤمنین ؟ فرمود اینها اسم اعظم پرورد گار استو عماد و ستون توحید لااله‌الا هواستو فرمود الله همان‌معبودیست که‌خلایق و اله و حیران هستند از درك حقیقت‌او، و احاطه پیدا کردن بکم و کیفیت او .

و از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود جمعی از اهل فلسطین حضور پدرم حضرت باقر عليه السلام شرفیاب شدند و سؤال نمودند معنای صمد را آنحضرت فرمود الصمد پنج حرف است الف دلیل است بر انیتو حقیقتذات خدای تعالی و

این است معنای آیه شهدالله انه لااله الاهو و اشاره و تنبیه است بآنکه غایب است از حواس و لام دلیل است بر الهیت او و بآنکه هو، الله است و الف ولام ادغام میشوند در تلفظ و ظاهر نمیشوند بر زبان و شنیده نمیشوند بگوش ولی در نوشتن ظاهر هستند وادغام در لفظ واظهار در کتابت دلیل است بر لطیف بودن او و آنکه حواس ظاهره درك نمیکنند اورا و هیچ لسانی نمی‌تواند وصف کند اورا و هیچ گوشی تاب شنیدن اوراندارد چه معنای الله چنانچه گفته شد چیزی است که خلایق دراو حیرانند و ماهیت او را درك نکنند نه بحواس و نه موهم بلکه او مبدع اوهام وخالق حواس است و ظاهر شدن الف و لام در کتابت دلیل است بر آنکه خدای تعالی ظاهر گردانیده ربوبیت خود را در اثر ایجاد خلایق و ترکیب ارواح لطیفه ایشان در اجساد کثیفه آنها و هر گاه بنده ای نظر کند بسوی نفس خود روح خویش رانمی‌بیند ودرك نمیکند اورا بیکی از حواس ظاهره پنجگانه همچنانچه لام الصمدظاهر و هویدا نیست در مقام تلفظ ولی هر گاه بکتابت آن نظر کرد ظاهر میشود برای او آنچه لطیف و دقیق و پنهان بود پس هر وقت بنده اندیشه و فکر کند درماهیت باری و کیفیت او واله وحیران بماند وفکر او بجائی نرسد وتصور اورا نتواندنمود چه پروردگار خالق صور است نه خود صور و چنانچه نظر کند بسوی مخلوقاتش ثابت شود از برای آن بنده و یقین پیدا کند که پروردگار خالق موجودات وبشر است واو ارواح را در اجساد وارد و داخل فرموده و ترکیب کرده آنهارا بالجساد.

و صاد دلیل است بر اینکه خدای تعالی راستگو است و کلام و گفتار او صادق است و مردم را دعوت بحق و صدق میفرماید و وعده او صادق است در دار صدق.

و میم دلیل است بر ملك او چه خدای تعالی ملك الحق المبین است ملك و سلطنت او پیوسته بوده و خواهد بود هر گز زوال‌پذیر نیست.

ودال دلیل است بر دوام ملك او و منزه است از کون وفساد و هر گز نابود و زایل نشود بلکه پروردگار مکون کائنات و بوجود او موجودات قائم وبر پا است پس از آن فرمود حضرت باقر علیه السلام اگر می‌یافتم کسی را که توانائی بارعلم

راداشته باشد همانا تمام توحید واحکام اسلام و دین و شرایع را از کلمه الصمد برای او تفسیر و شرح میدادم چگونه ماائمه می‌یابیم کسی را که تاب و تحمل برداشتن علم یکه خداوند بما عطا فرموده داشته باشد چنانچه جدم امیرالمؤمنین فرمود اگر کسی را می‌یافتم که تاب تحمل بر داشتن علوم را داشته باشد همانا شرح و تفسیر میکردم از برای او باء بسم‌الله الرحمن الرحیم را و مکرر میفرمود برمنبر سلونی قبل‌ان تفقدونی فان بین‌الجوانح منی علما جما هاهاه الا لا اجد من‌یحمله الا و ان علیکم من الله الحجة‌البالغة فلا تتولوا قوما غضب‌الله علیهم قد یئسوا من الاخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور .

پایان سوره اخلاص

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سورة الفلق

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ (۳) وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (٤) وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

سوره فلق در مدینه نازل شده ، پنج آیه و بیست و سه کلمه و هفتاد و چهار حرف است .

خواص وثواب تلاوت آن :طبرسی از عقبة بن عامر روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خبر دهم تورا بدوسوره ازقرآن کهافضلسورههاهستند؟ عرض کردم بلی فرمود آنها معوذتین است ، این دو سوره بهترین چیزیست که پناه دهندگان بآن پناه میجویند در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود هرجوانی در ابتداءجوانی خودتعهد کند که در هر شب معوذتین راسه مرتبه قرائت کندو سوره اخلاص‌را صد مرتبه واگر طاقت ندارد پنجاه مرتبهقرائت کند خداوند بر طرف نماید از اوهر علت ومرض وعطش و فساد معده وفشارخون را و محفوظ بماند از این امراض تا وقت مردن و فرمود در نماز وتر قرائت کنید سوره معوذتین‌را، هر کس درنماز وتر معوذتین و توحید را قرائت کند گفته شود باو ای بنده خدا بشارت بادترا که خداوند نماز وترت را قبول فرموده وفرموداین دو سوره را در وقت خوابیدن و بیدار شدن قرائت کن تامحفوظ بمانی از هر آفتی معوذتین مشتمل است براستعاذه ازاعداء و دشمنان .

قوله تعالی (قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد) در این سوره امر میکند خداوند پیغمبرش را که بامت بگوید پناه برید بخدا ازشر این چیزها مفسرین در معنای فلق اختلاف کرده اند ابن عباس گفت فلق صبح است چه آن شکافته میشود

ترجمه سوره فلق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار فروزنده صبح روشن (۱) از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۲) و از شر شب تار چون تاریکی آن در آید (۳) و از شر زنان افسونگر چون بجادو در گرهها بدمند(٤) وازشرحسودبدخواه چون آتش‌رشك وحسد برفروزد (۵)

پایان ترجمه سوره فلق

از شب و بعض دیگر گفتند بمعنای خلق است چه پنداری موجودات ازعدم‌شکافته میشوند واز آن‌بیرون می‌آیند و جمله من شر ماخلق عام بعد از خاص است‌ومراد جمع مخلوقات است از آدمی و سباع ودرندگان وحیوانات. ابن بابویه ازحضرت صادق عليه‌السلام روایت کرده فرمود فلق چاهی است در جهنم که پناه میبرند اهل‌جهنم از آتش آن وسؤال میکنندازخداوندکه اجازه بفرماید تنفس کند آن‌باذن‌خداوند تنفس میکند از شدت حرارت آن جهنم میسوزد ودرآن چاه صندوقی است ازآتش که اهل آن چاه پناه میبرند بخدا از شدت حرارت صندوق و در آنجا شش نفر از مردم اولین و شش نفراز آخرین است‌اولین. یکی قابیل پسر آدم که برادرش‌را کشت‌، دوم نمرود است که حضرت ابراهیم را در آتش‌افکنده، سوم‌فرعون است، چهارم سامری است که گوساله راساخت، پنجم کسی استکه بنی اسرائیل را از دین موسی بر گردانیدششم همان شخص است که نصاری را از دین و طریقه‌حضرت عیسی بازداشت. و شش نفر آخرین اولی و دومی و سومی و معویه و ذو الثديين رئیس خوارج نهروان وابن‌ملجم قاتل امیرالمؤمنين عليه‌السلام .

و اختصاص داد عالم خلق را باستعاذه چه شر منحصر است بعالم خلق‌وعالم امر خیر محض‌است(ومن شرغاسق اذا وقب) وپناه‌میجویم از شرشب تارهنگامیکه تاریکی آن عالم را فرا گیرد و تخصیص داد استعاذه را بشب چه مضرات در شب بسیار است زیرا گزندگان و درندگان و دزدان و جنایتکاران و فتنه انگیزان در تاریکی شب قیام کنند و دفع شر و مضرات آنها در شب دشوار ومشگل‌است (ومن

شر النفاثات فی‌العقد) و پناه میجویم از شر زنان افسونگر چون بجادو در کرهها بدمند، وامر فرمود استعاذه از شر ساحران را برای آنکه اگر کسی اعتقاد کند که سحر اثر میبخشد ورنجی ازاینجهت دردل‌او پدید آید پناه بجوید بخدا.

طبرسی از مفضل بن عمر روایت کرده که حضرت صادق علیه‌السلام فرمود امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرموده جبرئیل نازل‌شدبر پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت‌ای رسول خدا دختران لبید بن اعصم یهودی برای وجود مقدست سحر و جادو کردند و رشته ای گرفتند و یازده گره بر آن زدند و در حقه گذاشتند و در چاه بنی زریق افکندند کسی را بفرست آنرا بیرون آورد پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله امیرالمومنین علیه‌السلام و زبیر بن عوام را فرستاد آن را بیرون آورده حضورش تقدیم داشتند پیغمبر امر فرمود آن حضرت سوره معوذتین را بر آن رشته خواندند هر آیه ایکه قرائت مینمود یك کره از آن رشته باز میشد و چون از قرائت معوذتین فارغ شد تمـام کره ها باز شد و این خود نوعی از اخبار بغیب است و معجزه ایست ازآنحضرت و اگر سحر تأثیری بوجود مقدسش داشت ویهودیان هم قدرت بر اینگونه اعمال داشتند همانا حضرتش راو بسیاری از مؤمنین‌را بقتل می‌رساندند با آن‌شدت‌عداوت و دشمنی که با پیغمبر و مسلمین‌داشتند (ومن شر حاسداذا حسد) و پناه می جویم از شر حسود بد خواه چون آتش رشك و حسد برفروزد. پروردگار جمع فرموده شرور را در این سوره و ختم نمود آنها را بحسد تا بدانند مردم حسد پست‌ترین طبیعت بشراست.

در کافی ازحضرت‌صادق علیه‌السلام روایت کرده‌فرمود رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده فقر و مستمندی نزدیك است که انسان را بکفر بکشاند و حسد نزدیك است که غالب گرداندحاسد را بر مقدرات الهی و فرمود آفت‌دین حسد و عجب و تکبر است و فرمود خداوند بموسی فرمودای موسی حسدمبر برمردم بواسطه‌چیزهائیکه خداوند بآنها عطا نموده ونظر و چشم داشت بنعمتهای ایشان نداشته باش چه‌حاسد غضب کننده است بر نعمت من و مخالف است با قسمت من که تقسیم نمودم میان بندگان خود و شخص حاسد از من نیست و من از اونمیباشم. مؤمن غبطه میخورد

ولی حسد نمیورزد منافق حسد میبرد وغبطه نمیخورد .

در کافی از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود حسد محو می کند ایمان را چنانکه آتش محو می‌نماید هیزم راو فرمود بپرهیزید از حسد ، بعضی ازشما بر بعض دیگر حسد نبرد، عیسی بن مریم با یکی از اصحاب خود مسافرت مینمود رسیدند بدریا عیسی گفت باسم الله بصحة ویقین منه و از روی آب دریا عبور کرد آنمرد مصاحب عیسی نیز همان کلمات را که عیسی گفت بزبان آورد و از روی آب دریا عبور نمود در وسط راه با خود گفت این عیسی روح الله از روی آب دریا عبور نمود منهم عبور کردم بمحض اینکه این معنا خطور کرد در دل او آب اورا فرا گرفت نزدیك شد غرق شود استغاثه کرد بعیسی آنحضرت او را نجات داد فرمود ای بنده خدا چه گفتی باخود که دراثر آن می‌خواستی غرق شوی عرض کرد عجبی در من داخل شد گفتم عیسی ازروی آب عبور میکند منهم عبور میکنم فرمود چون نفس خود را در غیر موضعیکه خداوند نهاده نهادی و قراردادی، لذا پروردگار بر تو غضب نمود، توبه کن از گفتاریکه بزبان جاری کردی و بپرهیز از خدا و حسد مبر بکسی، آن مرد توبه کرد و بر گشت بحالت اولی خود و از روی آب دریا عبور نمود و بساحل رسید .

پایان سوره فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

سوره ناس در مدینه نازل شده، شش آیه و هفده کلمه و هشتاد و یك حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن بعضی در سوره فلق بیان شد حضرت صادق علیه‌السلام فرمود هر کس سوره ناس را قرائت کند هر شب در منزل خود ایمن باشد از شر جن و وسواس و اگر این سوره را بنویسد و همراه طفل کند محفوظ بماند از آزار و اذیت اجنه و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را بر دردی بخواند آن درد ساکن شود باذن خداوند و شفاء است از برای قاری.

قوله تعالی (قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذی یوسوس فی‌صدور الناس من الجنة والناس) پروردگار امرمیفرماید به پیغمبرش که بامت بگوید که پناه بجویند بآفریدگار آدمیان و پادشاه و یکتا معبود، و پرستش آنها از شر شیطان‌وسوسه کننده که خناس است یعنی پوشیده و پنهان است آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد اوکند در دل مردمان چه از جنس جن باشد ویا از نوع انسان.

طبرسی از حضرت صادق روایت کرده فرمود نیست دلی مگر از برای اودو گوش است بریکی فرشته ایست که هدایت میکند او را وبر دیگری شیطانی‌است

ترجمه سوره ناس

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار مردم (۱) پادشاه آدمیان (۲) یکتا معبود آدمیان (۳) از شر دیو وسوسه کننده که خناس است (٤) آن شیطانیکه وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان (٥) چه آن شیطان از جنس جنیان باشد ویا از نوع آدمیان (٦)

پایان ترجمه سوره ناس

که گمراه می‌نماید او را فرشته امر میکند و وا میدارد او را بعبادت و طاعت و عمل نیکو و شیطان نهی و زجر میکند او را و همین طور است شیطان انسی که وا میدارد شخص را بر معصیت و نافرمانی چنانچه شیطان جنی وادار میکند او را و خداوند نگاه می دارد مؤمنین را از وسوسه شیطانی چنانچه میفرماید وایدهم بروح منه.

حضرت عیسی از پروردگار درخواست نمود که موضع شیطان را باو نشان دهد، عیسی دید شیطان سرش مانند سر مار است سر بر دل فرزند آدم نهاده هرگاه بنده ای مشغول ذکر خدا میشود شیطان میگریزد و چون از یاد خدا غافل میشود می‌آید و با او حدیث میگوید پیغمبر اکرم ﷺ فرمود شیطان دهن و بینی خود را بر دل فرزند آدم نهاده است چون متذکر خدا شود ازاو دور گردد و هرگاه خدا را فراموش کند دل او را مانند لقمه در دهن گیرد، وسوسه آدمی قوی تر از وسوسه شیطانی باشد چه آنکه وسوسه شیطان خفی و پنهان است ولی وسوسه آدم صریح وآشکار وعلانیه است.

لطیفة: وسوسه آدمی بدوطریق تصورمیشود یکی آنکه نفس اماره انسانی او را وا میدارد بارتکاب مناهی واعمال زشت، دیگر شخصی از جنس آدمی اغوامیکند او را و در ظاهر می‌نمایاند بـاو که من پند و نصیحت و اندرز میکنم تورا و حال آنکه قصدش اغوا کردن و رساندن شر است باو چنانچه بسیاری از دوستان ورفقای

انسان از این قبیل اشخاص میباشند لذا پروردگار در آیه دیگر میفرماید شیاطین الانس و الجن پس شیطان جنی وسوسه میکند او راو شیطان انسی آشکارا وعلانیه باو میگوید این کار را بکن و این عمل را انجام مده و در ظاهر باو میگوید من خیر خواه تو هستم پس زیان و ضرر از ناحیه این دو طایفه عاید انسان میشود از اینجهت پروردگار امر فرموده استعاذه بجوئیم از آنها و هرگاه شخص پناه جست از شر آنها بخدایتعالی پروردگار اورا نگاه میدارد و حفظ میفرماید ونمی‌گذارد شرور اینان باو برسد .

پایان سوره ناس

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

خاتمه کتاب

سپاس بی منتها پروردگاری را سزاست که دلهای ما را بنور ایمان منور ساخت و اسرار قرآن مجید و احادیث را بما آموخت . ازآنروزی که قلم ددست گرفته و خواستم این تفسیر شریف را که از نفایس تفاسیر عصر گذشته و حاضر است ازحیث مطالب تألیف نمایم، دراندیشه فرو رفتم که خدمت بزرگی بعهده گرفتم و چگونه میتوانم بتنهائی با نبودن وسائل کافی در پیرامون آیات مقدس الهی که چهارده قرن است جهان بشریت را بخودمتوجه و معطوف داشته قلمفرسائی کنم تا عاقبت بذیل عنایت ولي عصر روحي فداه متوسل شده و از آن بزرگوار استمداد و یاری جستم . شکر خدای را که توفیق عطا فرمود تااین درر گرانبها را که از سنت نبوی و احادیث آل عصمت و طهارت صلوات الله علیهم اجمعین گرد آوری شده در هفت بخش ومجلدبه پایان رساندم. ازخصوصیات اینتفسیر آنستکه بشر را باصول آدمیت و مدنیت میخواند و او را از حضیض جهالت باوج عرفان و حقیقت میرساند و خفتگان راه حقیقت را بیدار ومتذکر میسازد و خوی نیکورا معرفی می‌نماید وبحقیقت دائرة المعارف اسلام ومذهب جعفری است، دلیل وراهنمائی است برای دانشمندان ، چه طرق واستنباطات احکام شرعیه را بطور سهل و آسان رهبری کرده وعلوم ومعارف را از سر چشمه صافی که بیان و گفتار ائمه معصومین است بمردم جهان گوشزد میکند و توحید و نبوت و خدا شناسی و امامت رابا دلیل وبرهان علم وخرد میشناساند ، سخنان باطل گمراه کنندگان را محو ونابود میکند ، مسائل حرام وحلال، واجبات ومحرمات، احکام تکلیفی واجتماعی،قصص و داستان را بیان می‌نماید این تفسیر بنام نامی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز و انجام پذیرفت. پروردگارا چون توانائی ندارم که کوچکترین نعمتهای بیشمار ترا سپاس گزارم پس سر نیاز و ناتوانی بدرگاه تو فرود آورده ام تو بکرم غیر متناهی خود مرا بپذیر و بقصور و تقصیرم مگیر . پروردگارا در قرآن مجید چنین فرموده ای که چون برادران یوسف عزیز مصر در حال پریشانی و قحطی و سختی با اندك هدایائی بآستان برادر خود رفتند و گفتند :

(یاایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علینا ان‌الله یجزی المتصدقین) .

یوسف عزیز که پرتوی از مهرجهانتاب و لطف و کرم تو بر دلش تابیده‌بود آنانرا با همه گناهانیکه کرده بودند پذیرفت و بر خشم خود چیره شد واز ایشان درگذشت ، پروردگارا منهم رو بتو آورده‌ام،مجموعه این تفسیر شریف را حضور خلیفه و حجتت مولای خود امام زمان اهدا مینمایم‌وباکمال عجزو انکسارعرضه میدارم، ای عزیزعالم ای‌حجت‌پروردگار ای‌امام غایب، من گرفتارسختی‌زندگانی و ذلت روزگار شده ام با این هدیه بیمقدار بساحت قدست متوسل شده ام چه شود از کرم خود اندکی بر من ترحم فرموده‌منت گذارید و صدقه روا دارید خداوند جزای خیر و پاداش نیك بر صدقه دهندگان میدهد .

ای حجت‌خدا از روی احسان بر ماتفضل فرما و شفاعتت را در روز محشر ازما وپدر و مادر دریغ مفرما پروردگارا جامعه‌مسلمین را از گزند دشمنان‌محفوظ بدار و آتش حسد وکینه و نفاق و مصیبت و بدبختی و جنگ و خونریزی رااز میان آنها خاموش ساز .

درظهورحجتت ولی عصر روحی و روح‌العالمین له‌الفداء تعجیل بفرما .

در خاتمه از خوانندگان گرامی تقاضا دارم چنانچه روایت و یا مطلبی از این تفسیر نقل مینمایند از نام بردن اسم مؤلف و تفسیر مضایقه نکنند و در حال حیات و ممات از دعای خیر و طلب مغفرت برای اینجانب و پدر و مادرم دریغ نفرمایند ، چه بسیار رنج کشیدم تا این تفسیر را دردست عموم قرار داده ام و از خداوند توفیق‌همه‌را مسئلت می‌نمایم .

والسلام علی من‌اتبع الهدی

تهران مورخه ۱۷ شهر رجب‌یکهزار وسیصد وهشتاد ویك هجری مطابق ۵ر۱۰ر۱۳۴۰ شمسی .

حاج سید ابراهیم بروجردی

پایان کتاب

غلطنامه

متمنی است اول اغلاط را تصحیح فرمائید سپس بقرائت به پردازید.

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	۲۲	وبفضل بن عمر	وبمفضل بن عمر
۱۷	٤	رسید درتقریظ	رسیدو معروف‌است‌درتقریظ
۱۷	٦	باویه	ابن بابویه
۱۷	۸	ازصاحبان سایرکتب	از صاحبان کتب
۱۷	۱۸	جسارتها کردم	جسارتها کرده
۱۸	۲	کتب ورساله عملیه	اغلب) کتب
۲۲	۱۹	و حوادثات	وحوادث
۳۱	۳	درآن بهشت	درآن دو بهشت
۳۲	۲٤	عرضکرد	عرضکردم
۳۷	۷	دست راست (۸) چقدر	دست راست چقدر
۳۷	۷	(۹)	(۸)
۳۷	۸	(۱۰)	(۹)
۳۷	۸	پیشی گرفتند آنها	پیشی گرفتند(۱۰)آنها
٤٤	۳	افرایتم مالا تحرثون	افرایتم ما تحرثون
٤٤	۲۱	باید خطاب بخویش بلفظ	باید خطاب بلفظ
٦۳	٦	ای بندگان بگیرید	ای بندگان سبقت‌بگیرید
٦۵	۳	و بآنچه بشما دلشاد	وبآنچه بشما دادة شده دلشاد
٦۵	۱۸	زکوة خود	زکوة دادن
٦۷	۱۳	ببوسد ضکرد	ببوسدعرضکرد
۷٤	۱۷	عترت‌رسول‌اکرم‌آنحضرت‌میباشد	عترت‌رسول‌اکرم‌آل‌آنحضرت‌میباشند
۹۵	۱٦	و فرمان‌برداری امر	وفرمان‌برداری‌مرا
۹۹	۱۵	اموال وآنها وفی	اموال آنها
۱۰٦	۱۰	را پس	را نازل‌نمود پس
۱۰۸	۱۷	فرمود (۷) آیه	فرمود آیه
۱۱۱	۱۰	بشیطان بقول‌الله تعالی	بشیطان بقولش
۱۱۳	۲۱	بقول‌الله تعالی	بقولش
۱۱۵	۲۲	بدون وجه	بدون توجه
۱۲۵	۲٤	ومراوده کنیم	ومراوده کنید
۱۲۸	۱۲	مصافحه خواهم کرد	مصافحه نخواهم کرد

١٣٠	١٥	وامی بفرمان برداری	وامر بفرمان برداری
١٣١	١٧	ازجمله پس از آن میفرماید تا کلمه بقولش	درسطر ١٩ مؤخراست
١٣١	٢٠	ازسطر ٢٠ تابیست دو مقدم	است
١٣٤	١٠	حضورش عرضکرد	حضورش عرضکردم
١٤٩	١٤	احکام شروع	احکام شرع
١٦١	١٥	واصحاب از آن سکان	واصحاب از آن مکان
١٧٣	٢٤	مسعود ازپیغمبر اکرم	ابن مسعود ازپیغمبراکرم
١٧٨	١١	مرتبه اورا	مرتبه سوم اورا طلاق بدهد
١٨١	٣	وسع وطمع	وسع خویش
١٨٣	٢٠	شدند مدخوله	شدند یا مدخوله
١٨٣	٢١	یانزدیکی	یاغیرمدخوله هستند یعنی نزدیکی
١٨٦	١٨	کف زمین را	زمین را
١٨٩	٣	باین میجوئی	بجوئی
١٨٩	٦	واو دیگریرا وخدا	واوخیانت کردودیگریرا آگاه ساخت
١٩٥	٤	هنگمیکلیه	هنگامیکه
١٩٦	٢٣	فاطمه زهرا پیغمبر اکرم	فاطمه زهرا دختر پیغمبراکرم
٢٠١	٢	رانند گان قرار دادیم	رانندگان شیاطین قراردادیم
٢٢١	١٦	منوزل خودرا	منزل خودنمیکرد
٢٢٤	٢١	باو امر ونواحی	باوامرونواهی
٢٢٥	٢	ونکوهش	واورانکوهش
٢٢٥	١٤	یونس که تعلیل کرد	یونس که تعجیل کرد
٢٢٩	٧	آن مردم ساقه خشك	آن مردم مانند ساقه خشك
٢٤٠	١٠	ان کان هذا هن الحق	ان کان هذا هوالحق
٢٤١	١٩	آنرا بآسانی	آنرا بانسانی
٢٤٤	٢٠	غیر ابی	غیر مأمون این آیه
٢٤٤	٢١	یعنی مگر مأمون	یعنی مگر غیر مأمون
٢٤٩	٥	برستیدند	به برستید
٢٥١	٢	ودوزی آنها نیفزود	و دوری نیفزود
٣٥١	٢٤	پس مرك ازما	پس ازمرك ما
٢٥٤	١٣	آیه ربه انهن	آیه رب انهن
٢٦٢	١٢	مانند بعضی	مانند انسان بعضی
٣٠١	٢٣	مذکوردرخلقت بلکه درعلم خداوند	مذکوردرعلم خداوندنه درخلقت وتکون
٣١٨	١٩	بدکاری هستید	بدکردار ومجرم
٣٢٠	٧	وسه که	و سه کلمه
٢٢٠	١٠	قرائت کند زیارت	قرائت کند خداوندزیارت

۳۲۵	۱۲	اعلام آنروز	آنروز
۳۲۶	۲۱	ومرروز هزاران هزارسال	وهرروز هزار سال
۳۳۰	۱۰	قرائت کند مگر	قرائت کند نمیرد مگر
۳۴۱	۱۳	برتوآن‌ثروتمند	برتو تکلیفی نیست اگرآن‌ثروتمند
۳۶۳	۲۳	ازفرزندان حضرت فاطمه	ازفرزندان‌حضرت‌فاطمه نیستی
۳۷۲	٦	لایسجرون	لایسجدون
۳۸۰	۲	اتفاق افتاد ان‌ایام	در آن ایام
۳۸۲	۱۷	که‌دراثرواجرای‌دین‌واحکام‌آن باآنها مخالفت وپایداری	که‌دراثرشرع‌واجرای‌دین‌واحکام‌با آنها مخالفت میورزیدند
۳۸۸	۲۲	لحظه‌ای خود	لحظه‌ای‌بخود
۳۹۳	۱٤	آنگاه ملامت	آنگاه ملامت کند
۳۹٦	۱٦	وجود یومئذ	وجوه یومئذ
۳۹۹	۲۵	تامؤمنین‌را بمؤمنین	تامؤمنات بمؤمنین
٤۰۷	۱	وآیه‌پروردگارتووفرشتگان	وامرکندپروردگارتوفرشتگان
٤٤۳	۸	خداعادل‌وحاکم‌ترین حکم کنندگان	خدانیست‌عادل‌وحاکم‌ترین‌حکم کنندگان نیست
٤٤۳	۱۸	فرمود آیه درباره تیمم	فرمودآیه‌درباره تیم
٤٤٤	۱۰	خدورند دشمنان	خداوند دشمنان
٤٦۱	۱۰	نورساطعی درقلب	نورساطعی درقلب
٤٦٤	۱۲	بهترین مرمان	بهترین مردمان
٤۹٤	۳	طیرا اباطیل	طیرا ابابیل
۵۳۵	۲٤	وبوجود او موجودی	و بوجود اوموجودات

از غلطهای جزئی صرف نظر شد